

امارت اسلامی افغانستان
وزارت کار و امور اجتماعی



د افغانستان اسلامي امارت
د کار او ټولنيزو چارو وزارت

ریاست عمومی قوای بشری

ریاست مطالعه بازار کار

آمریت تحلیل سروی ها

خدمات مورد نیاز جامعه

سال: 1404 هـ.ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه

دسترسی عادلانه، کافی و باکیفیت به خدمات اساسی، یکی از شاخص‌های بنیادین توسعه انسانی، کاهش فقر و تأمین عدالت اجتماعی در هر جامعه محسوب می‌شود. در افغانستان، به دلیل پراکندگی جغرافیایی نفوس، تفاوت‌های اقلیمی، محدودیت منابع و چالش‌های اقتصادی-اجتماعی، دسترسی به این خدمات در میان ولایات و ولسوالی‌ها به گونه نابرابر توزیع شده است. این راپور تحلیلی با هدف شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی خدمات مورد نیاز و غیرقابل دسترس جامعه در سطح ولسوالی‌های ۳۴ ولایت کشور انجام گردیده است.

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با رویکرد نیازسنجی اجتماعی طراحی شده است. داده‌های مورد استفاده از طریق ۹۴۰۶ پرسشنامه و مصاحبه‌های میدانی با وکلای گذر، رؤسای شوراها، استادان و سایر نخبگان محلی جمع‌آوری گردیده و با استفاده از ابزارهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. حوزه‌های مورد مطالعه شامل خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی بوده و علاوه بر آن، سایر نیازهای محلی، اولویت‌بندی خدمات و تخمین جمعیت نیازمند نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کمبود خدمات اساسی در تمامی حوزه‌های مورد مطالعه، به گونه گسترده اما با شدت‌های متفاوت در سطح کشور وجود دارد. در بخش صحتی، کمبود مراکز درمانی معیاری، نیروی بشری متخصص و تجهیزات طبی، از چالش‌های اساسی به‌شمار می‌رود. در بخش تعلیمی، محدودیت در دسترسی به مکاتب، پایین بودن کیفیت آموزش و کمبود فرصت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مانع رشد سرمایه انسانی گردیده است. در حوزه زراعت، ضعف در دسترسی به نهاده‌های معیاری، کمبود سیستم‌های آبیاری و استفاده محدود از تکنالوژی‌های عصری، تولید و معیشت روستایی را با محدودیت مواجه ساخته است. همچنان، کمبود فرصت‌های شغلی پایدار و ضعف در خدمات کاریابی، از عوامل عمده بیکاری و کاهش درآمد خانوارها محسوب می‌شود. در بخش زیربنایی نیز کمبود آب آشامیدنی، برق و سرک‌های معیاری، از موانع اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از مناطق به‌شمار می‌رود.

تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که محرومیت در بسیاری از مناطق، ماهیت چندبعدی و به هم پیوسته دارد؛ به گونه‌ای که ضعف در یک بخش، به تشدید مشکلات در سایر بخش‌ها منجر گردیده و چرخه‌ای از فقر، بیکاری و کاهش دسترسی به خدمات را ایجاد نموده است. همچنان، تفاوت‌های قابل ملاحظه منطقه‌ای، به ویژه در ولسوالی‌های دورافتاده، بیانگر شکاف‌های عمیق در توزیع خدمات و منابع می‌باشد که نیازمند اقدامات هدفمند و مبتنی بر شواهد است.

در مجموع، یافته‌های این تحقیق بر ضرورت اتخاذ رویکردهای پالیسی‌محور، منطقه‌محور و یکپارچه در برنامه‌ریزی انکشافی تأکید می‌نماید. تخصیص هدفمند منابع بر اساس سطح محرومیت، تقویت هم‌زمان بخش‌های کلیدی خدماتی، توسعه متوازن زیربناها، از جمله اقدامات اساسی برای بهبود وضعیت موجود محسوب می‌شود. این راپور می‌تواند به عنوان یک منبع معتبر و مبتنی بر شواهد، در تصمیم‌گیری‌های وزارت‌ها، ادارات محلی و نهادهای انکشافی مورد استفاده قرار گرفته و زمینه‌ساز کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، بهبود معیشت مردم و تقویت توسعه پایدار در کشور گردد.

واژه‌های کلیدی: نیاز جامعه، خدمات صحتی، خدمات تعلیمی، خدمات زراعتی، خدمات کاریابی، خدمات زیربنایی

1.

.....مقدمه

1.....

- 2.....1.1.1.سوالات تحقیق
- 2.....1.1.1.1.سوال اصلی تحقیق:
- 2.....2.1.1.سوالات فرعی تحقیق:
- 2.....2.1.اهداف تحقیق
- 2.....1.2.1.هدف کلی تحقیق:
- 2.....2.2.1.اهداف فرعی تحقیق:
- 3.....پیشینه تحقیق
- 3.....1.2.مبانی نظری تحقیق (Theoretical Framework)
- 3.....2.2.نظریه نیازهای انسانی (آبراهام مزلو):
- 3.....3.2.نظریه توسعه اجتماعی: (Social Development Theory)
- 3.....4.2.نظریه مشارکت اجتماعی: (Participatory Development)
- 3.....5.2.نظریه عدالت اجتماعی: (Social Justice)
- 4.....6.2.مطالعات داخلی (تحقیقات انجام شده در افغانستان)
- 4.....7.2.مطالعات خارجی (بین المللی)
- 7.....3.روش تحقیق
- 7.....1.3.نوع تحقیق
- 7.....2.3.روش گردآوری داده ها
- 7.....3.3.روش نمونه گیری
- 7.....4.3.ابزار گردآوری داده ها

8.....	5.3. ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها
9	4. تجزیه و تحلیل ارقام
9.....	1.4. اولویت های خدمات مورد نیاز جامعه به سطح افغانستان
10.....	2.4. تحلیل شاخص‌های خدمات مورد نیاز جامعه در سطح افغانستان
11.....	3.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایات کشور
14.....	4.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور
17.....	5.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور
20.....	6.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور
23.....	7.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور
7.....	8.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کابل
7.....	1.8.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل
8.....	2.8.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل
9.....	3.8.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل
10.....	4.8.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل
11.....	5.8.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل
12.....	6.8.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل
7.....	7.8.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل
7.....	8.8.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل
8.....	9.8.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل
9.....	10.8.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل
10.....	11.8.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل
11.....	12.8.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل
12.....	9.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت ننگرهار
12.....	1.9.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه ننگرهار
13.....	2.9.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه ننگرهار
14.....	3.9.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه ننگرهار
15.....	4.9.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه ننگرهار
17.....	5.9.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه ننگرهار
18.....	6.9.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ننگرهار

- 10.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت هرات 21
- 1.10.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه هرات 21
- 2.10.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه هرات 22
- 3.10.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه هرات 23
- 4.10.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه هرات 24
- 5.10.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه هرات 25
- 6.10.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه هرات 26
- 11.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت بلخ 27
- 1.11.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه بلخ 27
- 2.11.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه بلخ 28
- 3.11.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه بلخ 29
- 4.11.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه بلخ 30
- 5.11.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه بلخ 30
- 6.11.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بلخ 31
- 7.11.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز در ناحیه‌های بلخ 31
- 8.11.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز در ولسوالی های بلخ 32
- 12.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کندهار 34
- 1.12.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه کندهار 34
- 2.12.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه کندهار 35
- 3.12.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه کندهار 36
- 4.12.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه کندهار 37
- 5.12.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه کندهار 38
- 6.12.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه کندهار 39
- 13.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت پکتیا 40
- 1.13.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه پکتیا 40
- 2.13.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه پکتیا 41
- 3.13.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه پکتیا 42
- 4.13.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه پکتیا 43
- 5.13.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه پکتیا 44

- 45.....6.13.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه پکتیا
- 46.....14.4. خدمات مورد نیاز جامعه ارزگان
- 46.....1.14.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه ارزگان
- 47.....2.14.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه ارزگان
- 48.....3.14.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه ارزگان
- 49.....4.14.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه ارزگان
- 50.....5.14.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه ارزگان
- 51.....6.14.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ارزگان
- 52.....15.4. خدمات مورد نیاز جامعه بادغیس
- 52.....1.15.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه بادغیس
- 53.....2.15.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه بادغیس
- 54.....3.15.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه بادغیس
- 55.....4.15.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه بادغیس
- 56.....5.15.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه بادغیس
- 56.....6.15.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بادغیس
- 57.....16.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت بامیان
- 57.....1.16.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه بامیان
- 58.....2.16.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه بامیان
- 59.....3.16.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه بامیان
- 60.....4.16.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه بامیان
- 60.....5.16.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه بامیان
- 61.....6.16.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بامیان
- 62.....17.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت بدخشان
- 62.....1.17.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه بدخشان
- 63.....2.17.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه بدخشان
- 64.....3.17.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه بدخشان
- 65.....4.17.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه بدخشان
- 66.....5.17.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه بدخشان
- 66.....6.17.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بدخشان

67.....	18.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت بغلان.....
68.....	1.18.4. خدمات صحی.....
68.....	2.18.4. خدمات تعلیمی.....
68.....	3.18.4. خدمات زراعتی.....
68.....	4.18.4. خدمات کاربایی.....
68.....	5.18.4. خدمات زیربنایی.....
70.....	19.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت پروان.....
71.....	1.19.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه پروان.....
71.....	2.19.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه پروان.....
72.....	3.19.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه پروان.....
73.....	4.19.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه پروان.....
74.....	5.19.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه پروان.....
75.....	6.19.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه پروان.....
76.....	20.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت پکتیکا.....
76.....	1.20.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه پکتیکا.....
77.....	2.20.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه پکتیکا.....
78.....	3.20.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه پکتیکا.....
79.....	4.20.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه پکتیکا.....
80.....	5.20.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه پکتیکا.....
81.....	6.20.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه پکتیکا.....
82.....	21.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت پنجشیر.....
82.....	1.21.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه پنجشیر.....
83.....	2.21.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه پنجشیر.....
84.....	3.21.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه پنجشیر.....
85.....	4.21.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه پنجشیر.....
86.....	5.21.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه پنجشیر.....
87.....	6.21.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه پنجشیر.....
88.....	22.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت خوست.....
88.....	1.22.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه خوست.....

- 89.....2.22.4. خدمات تعلیمی صحی مورد نیاز جامعه خوست
- 90.....3.22.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه خوست
- 91.....4.22.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه خوست
- 92.....5.22.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه خوست
- 93.....6.22.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه خوست
- 94.....23.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت زابل
- 95.....1.23.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه زابل
- 96.....2.23.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه زابل
- 96.....3.23.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه زابل
- 97.....4.23.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه زابل
- 98.....5.23.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه زابل
- 99.....6.23.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه زابل
- 100.....24.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت سرپل
- 100.....1.24.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه سرپل
- 101.....2.24.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه سرپل
- 102.....3.24.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه سرپل
- 103.....4.24.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه سرپل
- 104.....5.24.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه سرپل
- 105.....6.24.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه سرپل
- 106.....25.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کندز
- 107.....1.25.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه کندز
- 107.....2.25.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه کندز
- 108.....3.25.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه کندز
- 109.....4.25.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه کندز
- 110.....5.25.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه کندز
- 110.....26.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کتر
- 111.....1.26.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه کتر
- 112.....2.26.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه کتر
- 112.....3.26.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه کتر

113.....	4.26.4. خدمات کارپایی مورد نیاز جامعه کتر
114.....	5.26.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه کتر
115.....	6.26.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه کتر
116.....	27.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت هلمند
116.....	1.27.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه هلمند
117.....	2.27.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه هلمند
118.....	3.27.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه هلمند
119.....	4.27.4. خدمات کارپایی مورد نیاز جامعه هلمند
120.....	5.27.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه هلمند
120.....	6.27.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه هلمند
121.....	28.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت لوگر
122.....	1.28.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه لوگر
122.....	2.28.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه لوگر
123.....	3.28.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه لوگر
123.....	4.28.4. خدمات کارپایی مورد نیاز جامعه لوگر
124.....	5.28.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه لوگر
125.....	6.28.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه لوگر
126.....	29.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت غزنی
126.....	1.29.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه غزنی
127.....	2.29.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه غزنی
128.....	3.29.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه غزنی
129.....	4.29.4. خدمات کارپایی مورد نیاز جامعه غزنی
130.....	5.29.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه غزنی
131.....	6.29.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه غزنی
132.....	30.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت نورستان
132.....	1.30.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه نورستان
133.....	2.30.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه نورستان
134.....	3.30.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه نورستان
135.....	4.30.4. خدمات کارپایی مورد نیاز جامعه نورستان

- 136.....5.30.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه نورستان
- 136.....6.30.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه نورستان
- 137.....31.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کاپیسا
- 137.....1.31.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه کاپیسا
- 138.....2.31.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه کاپیسا
- 139.....3.31.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه کاپیسا
- 140.....4.31.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه کاپیسا
- 141.....5.31.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه کاپیسا
- 142.....6.31.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کاپیسا
- 143.....32.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت تخار
- 143.....1.32.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه تخار
- 144.....2.32.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه تخار
- 145.....3.32.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه تخار
- 146.....4.32.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه تخار
- 146.....5.32.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه تخار
- 147.....6.32.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت تخار
- 148.....33.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت سمنگان
- 149.....1.33.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه سمنگان
- 149.....2.33.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه سمنگان
- 150.....3.33.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه سمنگان
- 151.....4.33.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه سمنگان
- 152.....5.33.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه سمنگان
- 153.....6.33.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت سمنگان
- 154.....34.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت غور
- 154.....1.34.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه غور
- 155.....2.34.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه غور
- 156.....3.34.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه غور
- 157.....4.34.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه غور
- 158.....5.34.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه غور

159.....	6.34.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت غور
160.....	35.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت نیمروز
160.....	1.35.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه نیمروز
161.....	2.35.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه نیمروز
162.....	3.35.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه نیمروز
163.....	4.35.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه نیمروز
164.....	5.35.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه نیمروز
164.....	6.35.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت نیمروز
165.....	36.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت لغمان
165.....	1.36.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه لغمان
166.....	2.36.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه لغمان
167.....	3.36.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه لغمان
168.....	4.36.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه لغمان
169.....	5.36.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه لغمان
169.....	6.36.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت لغمان
170.....	37.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت جوزجان
170.....	1.37.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه جوزجان
171.....	2.37.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه جوزجان
171.....	3.37.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه جوزجان
172.....	4.37.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه جوزجان
173.....	5.37.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه جوزجان
174.....	6.37.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت جوزجان
175.....	38.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت فراه
175.....	1.38.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه فراه
176.....	2.38.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه فراه
177.....	3.38.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه فراه
178.....	4.38.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه فراه
179.....	5.38.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه فراه
180.....	6.38.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت فراه

181.....	39.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت فاریات.....
181.....	1.39.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه فاریات.....
182.....	2.39.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه فاریات.....
183.....	3.39.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه فاریات.....
184.....	4.39.4. خدمات کاربابی مورد نیاز جامعه فاریات.....
185.....	5.39.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه فاریات.....
186.....	6.39.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه فاریاب.....
187.....	40.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت دایکندی.....
187.....	1.40.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه دایکندی.....
188.....	2.40.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه دایکندی.....
188.....	3.40.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه دایکندی.....
189.....	4.40.4. خدمات کاربابی مورد نیاز جامعه دایکندی.....
190.....	5.40.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه دایکندی.....
190.....	6.40.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه دایکندی.....
191.....	41.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت میدان وردک.....
192.....	1.41.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه میدان وردک.....
192.....	2.41.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه میدان وردک.....
193.....	3.41.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه میدان وردک.....
194.....	4.41.4. خدمات کاربابی مورد نیاز جامعه میدان وردک.....
195.....	5.41.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه میدان وردک.....
195.....	6.41.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه میدان وردک.....
197.....	5. نظریات و پیشنهادات مردم (وکالای گذر/نخبه گان...) به سطح افغانستان.....
198.....	1.5. مرجع وزارت ها و نهادهای توسعه ای برای برنامه ریزی و تخصیص منابع.....
200.....	1. نتیجه گیری و پیشنهادات.....
200.....	1.5. نتیجه گیری.....
200.....	2.5. پیشنهادات برای بهبود وضعیت.....

رفرینس ها 203

203.....	☛ منابع برای مرور پیشینه تحقیق:.....
----------	--------------------------------------

ضمایم 204

فهرست گراف ها

- گراف 1: خدمات مورد نیاز جامعه به سطح افغانستان 10
- گراف 2: تحلیل شاخص های خدمات مورد نیاز جامعه در سطح افغانستان 11
- گراف 3: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور 13
- گراف 4: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت 16
- گراف 5: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور 19
- گراف 6: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور 22
- گراف 7: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور 7
- گراف 8: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ناحیه های کابل 8
- گراف 9: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ناحیه های کابل 9
- گراف 10: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ناحیه های کابل 10
- گراف 11: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ناحیه های کابل 11
- گراف 12: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ناحیه های کابل 12
- گراف 13: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ناحیه های کابل 7
- گراف 14: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کابل 7
- گراف 15: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کابل 8
- گراف 16: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کابل 9
- گراف 17: **خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کابل** 10
- گراف 18: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کابل 11
- گراف 19: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کابل 12
- گراف 20: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار 13
- گراف 21: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار 14
- گراف 22: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار 15
- گراف 23: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه ولسوالی های ننگرهار 17
- گراف 24: **خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار** 18
- گراف 25: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار 20
- گراف 26: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات 22
- گراف 27: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات 23
- گراف 28: **خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات** 24
- گراف 29: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات 25
- گراف 30: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات 26
- گراف 31: **اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات** 27
- گراف 32: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بلخ 28
- گراف 33: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بلخ 29
- گراف 34: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بلخ 30
- گراف 35: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بلخ 30
- گراف 36: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بلخ 31
- گراف 37: اولویت دهی خدمات مورد نیاز در ناحیه های بلخ 32
- گراف 38: اولویت دهی خدمات مورد نیاز در ولسوالی های بلخ 34
- گراف 39: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی کندهار 35

36	گراف 40: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندهار
37	گراف 41: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی کندهار
38	گراف 42: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندهار
39	گراف 43: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندهار
40	گراف 44: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندهار
41	گراف 45: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا
42	گراف 46: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا
42	گراف 47: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا
44	گراف 48: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا
45	گراف 49: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا
46	گراف 50: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا
47	گراف 51: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان
48	گراف 52: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان
49	گراف 53: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان
50	گراف 54: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان
51	گراف 55: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان
52	گراف 56: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان
53	گراف 57: خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس
54	گراف 58: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس
55	گراف 59: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس
55	گراف 60: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس
56	گراف 61: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس
57	گراف 62: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس
58	گراف 63: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان
59	گراف 64: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان
60	گراف 65: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان
60	گراف 66: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان
61	گراف 67: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان
62	گراف 68: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان
63	گراف 69: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بدخشان
64	گراف 70: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بدخشان
65	گراف 71: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بدخشان
65	گراف 72: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بدخشان
66	گراف 73: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بدخشان
67	گراف 74: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بدخشان
69	گراف 75: خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاربایی و زیربنایی در ولسوالی های ولایت بغلان
70	گراف 76: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بغلان
71	گراف 77: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان
72	گراف 78: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان
73	گراف 79: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان
74	گراف 80: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان
75	گراف 81: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان
76	گراف 82: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان
77	گراف 83: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا
78	گراف 84: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا
79	گراف 85: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا

80	گراف 86: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا
81	گراف 87: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا
82	گراف 88: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا
83	گراف 89: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پنجشیر
84	گراف 90: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پنجشیر
85	گراف 91: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پنجشیر
86	گراف 92: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پنجشیر
87	گراف 93: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پنجشیر
88	گراف 94: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پنجشیر
89	گراف 95: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست
90	گراف 96: خدمات تعلیمی صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست
91	گراف 97: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست
92	گراف 98: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست
93	گراف 99: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست
94	گراف 100: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست
96	گراف 101: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل
96	گراف 102: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل
97	گراف 103: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل
98	گراف 104: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل
99	گراف 105: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل
100	گراف 106: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل
101	گراف 107: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل
102	گراف 108: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل
103	گراف 109: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل
104	گراف 110: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل
105	گراف 111: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل
106	گراف 112: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل
107	گراف 113: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندز
108	گراف 114: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندز
109	گراف 115: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندز
109	گراف 116: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندز
110	گراف 117: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندز
112	گراف 118: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کتر
112	گراف 119: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کتر
113	گراف 120: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کتر
114	گراف 121: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کتر
115	گراف 122: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کتر
116	گراف 123: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کتر
117	گراف 124: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند
118	گراف 125: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند
119	گراف 126: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند
119	گراف 127: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند
120	گراف 128: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند
121	گراف 129: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند
122	گراف 130: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر
123	گراف 131: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر

- گراف 132: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر 123
- گراف 133: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر 124
- گراف 134: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر 125
- گراف 135: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر 126
- گراف 136: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غزنی 127
- گراف 137: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فزنی 128
- گراف 138: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غزنی 129
- گراف 139: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غزنی 130
- گراف 140: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غزنی 131
- گراف 141: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غزنی 132
- گراف 142: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نورستان 133
- گراف 143: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نورستان 134
- گراف 144: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نورستان 135
- گراف 145: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نورستان 135
- گراف 146: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نورستان 136
- گراف 147: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نورستان 137
- گراف 148: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های مختلف کاپیسا 138
- گراف 149: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کاپیسا 139
- گراف 150: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کاپیسا 140
- گراف 151: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کاپیسا 141
- گراف 152: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کاپیسا 142
- گراف 153: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کاپیسا 143
- گراف 154: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار 144
- گراف 155: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار 145
- گراف 156: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار 145
- گراف 157: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار 146
- گراف 158: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار 147
- گراف 159: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار 148
- گراف 160: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان 149
- گراف 161: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان 150
- گراف 162: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان 151
- گراف 163: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان 152
- گراف 164: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان 153
- گراف 165: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان 154
- گراف 166: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور 155
- گراف 167: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور 156
- گراف 168: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور 157
- گراف 169: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور 158
- گراف 170: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور 159
- گراف 171: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور 159
- گراف 172: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نیمروز 161
- گراف 173: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نیمروز 162
- گراف 174: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نیمروز 163
- گراف 175: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نیمروز 163
- گراف 176: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نیمروز 164
- گراف 177: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نیمروز 165

166	گراف 178: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان
167	گراف 179: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان
168	گراف 180: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان
168	گراف 181: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان
169	گراف 182: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان
170	گراف 183: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان
171	گراف 184: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان
171	گراف 185: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان
172	گراف 186: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان
173	گراف 187: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان
174	گراف 188: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی جوزجان
175	گراف 189: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان
176	گراف 190: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه
177	گراف 191: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه
178	گراف 192: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه
179	گراف 193: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه
180	گراف 194: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه
180	گراف 195: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه
182	گراف 196: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب
183	گراف 197: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب
184	گراف 198: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب
185	گراف 199: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب
186	گراف 200: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب
187	گراف 201: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب
188	گراف 202: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های دایکندی
188	گراف 203: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های دایکندی
189	گراف 204: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های دایکندی
190	گراف 205: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه ولسوالی های دایکندی
190	گراف 206: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه ولسوالی های دایکندی
191	گراف 207: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های دایکندی
192	گراف 208: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های میدان وردک
193	گراف 209: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های میدان وردک
194	گراف 210: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های میدان وردک
194	گراف 211: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های میدان وردک
195	گراف 212: خدمات زیر بنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های میدان وردک
196	گراف 213: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های میدان وردک

1. مقدمه

توسعه متوازن و پایدار در هر جامعه مستلزم دسترسی عادلانه و مؤثر مردم به خدمات اساسی و عمومی می‌باشد. خدماتی چون صحت، تعلیم و تربیه، زراعت، فرصت‌های کاری و زیربناهای اساسی نه تنها از عناصر بنیادی رفاه اجتماعی به شمار می‌روند، بلکه زیربنای رشد اقتصادی، کاهش فقر، تأمین امنیت غذایی و تقویت ثبات اجتماعی نیز محسوب می‌گردند. در افغانستان، با توجه به پراکندگی جغرافیایی نفوس، تفاوت‌های اقلیمی، چالش‌های اقتصادی و محدودیت‌های زیربنایی، میزان دسترسی مردم به این خدمات در مناطق مختلف یکسان نبوده و در بسیاری از ولسوالی‌ها با کمبودهای جدی و ساختاری مواجه است.

در چنین شرایطی، شناسایی دقیق و مبتنی بر شواهد از نیازهای واقعی جامعه، پیش‌شرط اساسی برای برنامه‌ریزی مؤثر، تخصیص عادلانه منابع و طراحی اقدامات هدفمند توسعه‌ای به‌شمار می‌رود. هرگونه تصمیم‌گیری در سطح ملی و ولایتی، در صورتی می‌تواند اثربخش و پایدار باشد که بر اساس معلومات میدانی، دیدگاه‌های محلی و تحلیل علمی نیازها صورت گیرد. از همین رو، این تحقیق با هدف تحلیل و تثبیت خدمات مورد نیاز جامعه در سطح ولسوالی‌های ۳۴ ولایت کشور انجام گردیده است.

این راپور تحلیلی با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های میدانی گردآوری شده از طریق پرسشنامه ساخت‌یافته، دیدگاه وکلای گذر، رؤسای شوراها، استادان و سایر نخبگان محلی را در رابطه به خدمات مورد نیاز جامعه را مورد مطالعه قرار داده است. خدمات مورد مطالعه در پنج محور اساسی شامل خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی دسته‌بندی گردیده و علاوه بر آن، سایر نیازمندی‌ها، اولویت‌بندی خدمات و تخمین تعداد افراد نیازمند نیز مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شدت و نوع نیازها در میان ولایات و ولسوالی‌های کشور متفاوت بوده و برخی مناطق با کمبودهای چندبُعدی مواجه‌اند، در حالی که در برخی دیگر، یک یا دو بخش به‌عنوان اولویت فوری مطرح می‌باشند. این تفاوت‌ها بیانگر ضرورت اتخاذ رویکرد منطقه‌محور و مبتنی بر داده در برنامه‌ریزی انکشافی است. همچنان، تحلیل مقایسه‌ای نیازها امکان شناسایی مناطق دارای محرومیت شدید، تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری و طراحی برنامه‌های متوازن را فراهم می‌سازد.

این راپور نه تنها وضعیت موجود خدمات را ترسیم می‌کند، بلکه با ارائه تحلیل‌های تفسیری و برجسته‌سازی پیامدهای احتمالی تداوم کمبودها، اهمیت اقدام هدفمند و هماهنگ را مورد تأکید قرار می‌دهد. انتظار می‌رود یافته‌ها و پیشنهادات مندرج در این گزارش، به‌عنوان یک سند مرجع در تصمیم‌گیری‌های وزارت‌ها، ادارات ولایتی و سایر نهادهای ذیربط مورد استفاده قرار گرفته و زمینه بهبود معیشت مردم، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تقویت توسعه پایدار در کشور را فراهم سازد.

1.1. سوالات تحقیق

1.1.1. سوال اصلی تحقیق:

کدام نوع خدمات عمومی (صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی، زیربنایی و سایر خدمات اجتماعی) مورد نیاز فوری مردم در مناطق مختلف افغانستان می‌باشد که در حال حاضر در دسترس نیستند؟

2.1.1. سوالات فرعی تحقیق:

1. کدام نوع خدمات صحتی (مانند شفاخانه، کلینیک، کارکنان صحتی و ...) در منطقه مورد نظر در دسترس نمی‌باشد و نیاز به آن احساس می‌شود؟
2. آیا در منطقه شما خدمات تعلیمی مناسب (مانند مکاتب، کورس‌های آموزشی کوتاه‌مدت و سایر خدمات آموزشی) وجود دارد؟ در صورت نبود، به چه نوع خدمات نیاز است؟
3. کدام خدمات زراعتی (مانند مالداری، تخم/بذر اصلاح‌شده، باغداری، جنگلداری و ...) برای مردم منطقه شما ضروری اما در حال حاضر موجود نمی‌باشد؟
4. مردم منطقه شما به کدام نوع خدمات مربوط به کاریابی (مانند مشاوره کاری، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سایر خدمات) نیاز دارند؟
5. کدام خدمات زیربنایی (مانند آب آشامیدنی، برق، سرک‌ها و ...) در منطقه شما وجود ندارد و بیشترین ضرورت به آن احساس می‌شود؟
6. به جز از خدمات ذکرشده، آیا خدمات دیگری وجود دارد که مردم منطقه شما به آن ضرورت دارند ولی دسترسی به آن ندارند؟
7. از میان تمام خدمات مورد نیاز، مردم منطقه شما کدام یک از خدمات را در اولویت قرار می‌دهند؟
8. به طور تقریبی چه تعداد از افراد در منطقه شما به هر کدام از خدمات یادشده نیاز فوری دارند؟
9. به نظر شما چه اقدامات و تغییراتی می‌تواند به بهبود وضعیت خدمات عمومی در منطقه شما کمک کند؟

2.1. اهداف تحقیق

1.2.1. هدف کلی تحقیق:

تحلیل و شناسایی خدمات مورد نیاز و غیرقابل دسترس در مناطق مختلف افغانستان (شامل خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی، زیربنایی و سایر خدمات اجتماعی) از دیدگاه نخبگان جامعه به منظور برنامه‌ریزی برای تأمین این نیازها و بهبود شرایط زندگی مردم.

2.2.1. اهداف فرعی تحقیق:

1. شناسایی نوع خدمات صحتی مورد نیاز مردم در مناطق مختلف که در حال حاضر در دسترس نمی‌باشد.
2. تحلیل نیازمندی‌های تعلیمی مردم از قبیل مکاتب، کورس‌های آموزشی کوتاه‌مدت و سایر خدمات آموزشی.
3. تحلیل نیازمندی‌های زراعتی از جمله خدمات مالداری، اصلاح و بهبود کیفیت، باغداری و جنگلداری در سطح محلات.
4. تعیین نوع خدمات مورد نیاز مردم در بخش کاریابی، آموزش‌های فنی و مشاوره‌های شغلی.

5. تحلیل خدمات زیربنایی مورد نیاز مردم مانند آب آشامیدنی، برق، و سرک‌ها که در مناطق مورد مطالعه موجود نیستند.
6. شناسایی سایر خدمات عمومی که از نظر نخبگان جامعه دارای اولویت بالا بوده ولی در منطقه فراهم نیستند.
7. تعیین میزان جمعیتی که به هرکدام از خدمات مورد نیاز دسترسی ندارند.
8. جمع‌آوری پیشنهادات و راهکارهای عملی نخبگان جهت بهبود و تأمین خدمات مورد نیاز در سطح محلات.

پیشینه تحقیق

1.2. مبانی نظری تحقیق (Theoretical Framework)

مبانی نظری تحقیق، چارچوب فکری و نظری را فراهم می‌کند که تحقیق بر آن استوار است. این تحقیق بر اساس نظریه‌ها و مفاهیم زیر بنا شده است:

2.2. نظریه نیازهای انسانی (آبراهام مزلو):

مزلو نیازهای انسان را در سلسله‌مراتب از نیازهای پایه (مانند آب، غذا، امنیت) تا نیازهای عالی (مانند خودشکوفایی) تقسیم‌بندی کرده است. این تحقیق تمرکز بر سطوح اول و دوم نیازها دارد: خدمات صحتی، تعلیمی، زیربنایی و امنیت شغلی.

3.2. نظریه توسعه اجتماعی: (Social Development Theory)

این نظریه معتقد است توسعه زمانی پایدار است که بر اساس نیازهای واقعی مردم محلی طراحی گردد. استفاده از دیدگاه نخبگان محلی یکی از روش‌های مؤثر در جمع‌آوری این نیازها است.

4.2. نظریه مشارکت اجتماعی: (Participatory Development)

تأکید دارد که افراد جامعه (به‌ویژه نخبگان و معتمدین) باید در تصمیم‌گیری‌ها و ارزیابی نیازهای خدماتی مشارکت داده شوند. این تحقیق دقیقاً همین مسیر را دنبال می‌کند.

5.2. نظریه عدالت اجتماعی: (Social Justice)

نابرابری در دسترسی به خدمات عمومی یکی از چالش‌های عدالت اجتماعی است. این تحقیق بر رفع این نابرابری‌ها از طریق شناسایی دقیق مناطق محروم و نیازمند تأکید دارد.

6.2. مطالعات داخلی (تحقیقات انجام شده در افغانستان)

در افغانستان بررسی نیازهای خدماتی جامعه بیشتر توسط وزارتخانه‌ها، ادارات دولتی، نهادهای تحقیقاتی ملی و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی انجام شده است. این مطالعات عمدتاً به صورت سروی‌های ملی، ارزیابی نیازسنجی و گزارش‌های انکشافی صورت گرفته‌اند.

1. تحقیقات وزارت صحت عامه

وزارت صحت عامه افغانستان با همکاری سازمان جهانی صحت و یونیسف چندین تحقیق ملی در زمینه خدمات صحتی انجام داده است. مهم‌ترین آن:

سروی دموگرافیک و صحتی افغانستان (Afghanistan Demographic and Health Survey – ADHS 2015)

این تحقیق وضعیت صحت مادر و طفل، تغذیه، دسترسی به خدمات صحتی و میزان مرگ‌ومیر را بررسی کرده است. نتایج نشان داد که کمبود مراکز صحتی در مناطق روستایی یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه می‌باشد. همچنین وزارت صحت عامه از طریق برنامه بسته خدمات صحتی اساسی (BPHS) مطالعات متعددی درباره دسترسی مردم به خدمات صحتی ابتدایی انجام داده است که مبنای برنامه‌ریزی خدمات صحتی در کشور قرار گرفته است.

2. تحقیقات اکادمی علوم افغانستان

اکادمی علوم افغانستان نیز تحقیقات علمی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی درباره نیازهای جامعه انجام داده و مقالات تحقیقی متعددی منتشر کرده است که بر توسعه اجتماعی و خدمات عامه تمرکز دارند. بررسی تحقیقات انجام شده توسط وزارتخانه‌ها و ادارات ملی نشان می‌دهد که نیازهای خدماتی جامعه افغانستان در بخش‌های صحتی، تعلیمی، زراعتی و زیربنایی به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال، بیشتر این تحقیقات به صورت بخشی و پروژه‌ای انجام شده و مطالعه‌ای جامع که تمامی خدمات مورد نیاز جامعه را به صورت یکپارچه تحلیل نماید، کمتر مشاهده می‌شود.

7.2. مطالعات خارجی (بین‌المللی)

در سطح بین‌المللی تحقیقات متعددی درباره نیازهای خدماتی جامعه در افغانستان توسط سازمان‌های بین‌المللی، بانک‌های انکشافی و مراکز تحقیقاتی انجام شده است. این مطالعات بیشتر بر بخش‌های صحتی، آموزشی، زراعتی، اقتصادی و زیربنایی تمرکز داشته‌اند.

۱. تحقیقات سازمان‌های بین‌المللی در بخش صحت

سازمان جهانی صحت با همکاری وزارت صحت عامه افغانستان تحقیقات مختلفی درباره وضعیت نظام صحتی افغانستان انجام داده است. یکی از این مطالعات تعیین اولویت‌های تحقیقاتی سیستم صحتی افغانستان تا سال ۲۰۳۰ بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تقویت خدمات صحتی اولیه، بهبود دسترسی به خدمات صحتی در مناطق روستایی و کاهش سوءتغذیه از مهم‌ترین نیازهای جامعه افغانستان می‌باشد.

همچنین صندوق کودکان سازمان ملل متحد تحقیقات متعددی درباره وضعیت صحت مادر و طفل در افغانستان انجام داده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که عواملی مانند فقر، کمبود مراکز صحتی و سطح پایین آگاهی صحتی از عوامل مهم مشکلات صحتی در میان زنان و کودکان محسوب می‌شود.

۲. تحقیقات بانک جهانی در بخش توسعه و خدمات عمومی

بانک جهانی مطالعات گسترده‌ای درباره توسعه اقتصادی و اجتماعی افغانستان انجام داده است. از جمله این تحقیقات گزارش ارزیابی فقر و شرایط زندگی مردم افغانستان می‌باشد که وضعیت دسترسی مردم به خدمات اساسی مانند آموزش، صحت، آب آشامیدنی و برق را بررسی کرده است.

نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که فقر، بیکاری و کمبود زیرساخت‌ها از مهم‌ترین چالش‌های توسعه در افغانستان محسوب می‌شود و توسعه خدمات زیربنایی می‌تواند نقش مهمی در بهبود شرایط زندگی مردم داشته باشد.

۳. تحقیقات برنامه انکشافی سازمان ملل

برنامه توسعه سازمان ملل متحد تحقیقات متعددی درباره شاخص‌های توسعه انسانی در افغانستان انجام داده است. در این مطالعات وضعیت آموزش، سطح زندگی، اشتغال و دسترسی به خدمات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که توسعه خدمات آموزشی، افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی از عوامل اساسی برای بهبود وضعیت توسعه انسانی در افغانستان می‌باشد.

۴. تحقیقات سازمان خواربار و زراعت ملل متحد

در بخش زراعت، سازمان خواربار و زراعت ملل متحد مطالعات گسترده‌ای درباره امنیت غذایی و توسعه زراعت در افغانستان انجام داده است.

نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که:

- کمبود سیستم‌های آبیاری
- استفاده محدود از تکنالوژی زراعتی
- دسترسی محدود دهقانان به بازار
- از چالش‌های مهم توسعه زراعت در افغانستان می‌باشد.

۵. تحقیقات مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌های بین‌المللی

علاوه بر سازمان‌های بین‌المللی، مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌های خارجی نیز مطالعات مختلفی درباره افغانستان انجام داده‌اند. به عنوان مثال:

- مؤسسه تحقیقاتی ODI مطالعاتی درباره فقر، اقتصاد روستایی و معیشت مردم افغانستان انجام داده است.
- مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی نیز گزارش‌هایی درباره توسعه اقتصادی، امنیت غذایی و چالش‌های خدمات عمومی در افغانستان منتشر کرده است.

نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که توسعه خدمات اساسی مانند آموزش، صحت، زراعت و زیرساخت‌ها از عوامل کلیدی برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی افغانستان محسوب می‌شود.

مطالعات بین‌المللی انجام شده توسط سازمان‌های جهانی، بانک‌های انکشافی و مراکز تحقیقاتی نشان می‌دهد که افغانستان با چالش‌های متعددی در زمینه دسترسی به خدمات اساسی مواجه است. این تحقیقات تأکید می‌کنند که توسعه خدمات صحتی، آموزشی، زراعتی و زیربنایی می‌تواند نقش مهمی در بهبود شرایط زندگی مردم و توسعه پایدار کشور داشته باشد.

3. روش تحقیق

1.3. نوع تحقیق

تحقیق توصیفی-تحلیلی از نوع نیازسنجی اجتماعی.

2.3. روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق میدانی (Field Research) بوده و با استفاده از مصاحبه‌های هدایت‌شده و پرسشنامه‌های ساخت‌یافته انجام می‌گردد. مصاحبه با وکلای گذر و افراد نخبه در سطح محلی از طریق جلسات هماهنگ‌شده با ادارات امارتی و شاروالی‌ها تطبیق می‌گردد. داده‌ها در محیط واقعی و با مشارکت مستقیم پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری می‌شود.

3.3. روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند (Purposive Sampling) استفاده می‌شود. جمعاً 9406 پرسشنامه از وکلای گذر، رؤسای شورا، استادان و سایر افراد نخبه محلی در تمام 34 ولایت افغانستان مورد مطالعه قرار گرفته است. ولایات و تعداد پرسشنامه‌ها در جدول 1 مشاهده می‌شود.

تعداد پرسشنامه‌های خانه‌پری‌شده در مرکز و ولایات کشور					
شماره	اسم ولایت	تعداد	شماره	اسم ولایت	تعداد
1	ارزگان	226	18	غزنی	157
2	بادغیس	160	19	غور	370
3	بامیان	212	20	فاریاب	424
4	بدخشان	84	21	فراه	54
5	بغلان	85	22	کابل	352
6	بلخ	441	23	کاپیسا	425
7	پروان	300	24	کنز	91
8	پکتیا	628	25	کندهار	139
9	پکتیکا	97	26	کنر	357
10	پنجشیر	400	27	لغمان	98
11	تخار	365	28	لوگر	82
12	جوزجان	301	29	میدان وردک	45
13	خوست	245	30	ننگرهار	703
14	دایکندی	401	31	نورستان	225
15	زابل	454	32	نیمروز	308
16	سرپل	419	33	هرات	422
17	سمنگان	136	34	هلمند	200
				مجموع	9406

جدول 1: تعداد پرسشنامه‌های خانه‌پری‌شده در مرکز و ولایات کشور

4.3. ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه تثبیت خدمات مورد نیاز جامعه می‌باشد.

5.3. ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای آماری مانند Excel یا SPSS تحلیل می‌شوند.

4. تجزیه و تحلیل ارقام

تجزیه و تحلیل داده‌ها یکی از مهم‌ترین مراحل یک تحقیق علمی است که به درک بهتر روندها، روابط و الگوهای موجود در داده‌های جمع‌آوری شده کمک می‌کند. در این بخش، ارقام و اطلاعات به‌دست‌آمده از تثبیت نیاز جامعه به خدمات در ولسوالیها و ولایات مختلف افغانستان بررسی و تحلیل می‌شود. این تجزیه و تحلیل با هدف شناسایی وضعیت موجود و ارائه تصویری شفاف از توزیع جغرافیایی آن‌ها انجام شده است. هدف نهایی این تحلیل، ارائه یافته‌هایی مستند و مبتنی بر داده‌های واقعی است که بتواند در تصمیم‌گیری‌های آینده برای نیاز جامعه به خدمات در افغانستان مؤثر باشد. بنابراین، در ادامه، نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌صورت جداول، نمودارها و تفسیرهای مرتبط ارائه خواهد شد.

1.4. اولویت‌های خدمات مورد نیاز جامعه به سطح افغانستان

گراف (1) نشان می‌دهد که نیازهای اساسی مردم افغانستان بیشتر بر محور خدمات بنیادی و توسعه‌ای متمرکز است. بلند بودن فیصدی خدمات زیربنایی (7۷٪) نشان می‌دهد که جامعه هنوز با کمبود شدید زیرساخت‌های اساسی روبه‌رو است. نبود سرک‌های معیاری، کمبود برق، محدودیت دسترسی به آب آشامیدنی صحی، ضعف شبکه‌های ترانسپورتی و کمبود امکانات مخابراتی باعث شده تا مردم این بخش را مهم‌ترین نیاز خود بدانند. زیربنای نقش اساسی در رشد اقتصادی، توسعه تجارت، دسترسی به خدمات صحی و تعلیمی و ایجاد فرصت‌های شغلی دارند؛ بنابراین هرگونه سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند تأثیر گسترده بر بهبود وضعیت زندگی مردم داشته باشد.

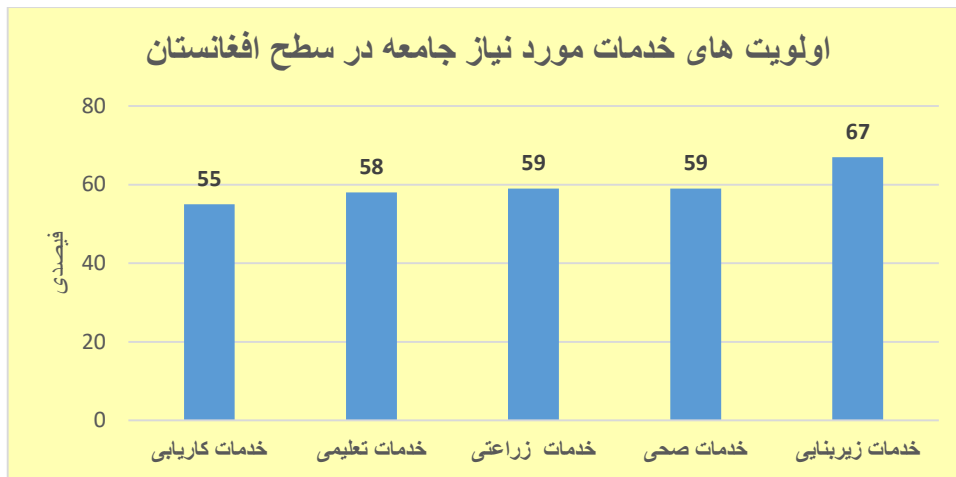
خدمات صحی و زراعتی هر دو با ۵۹٪ در جایگاه دوم قرار دارند. این مسئله نشان می‌دهد که افغانستان همچنان با چالش‌های در بخش صحت عامه مواجه است. کمبود شفاخانه‌ها، مراکز صحی مجهز، داکتران متخصص، دوا و خدمات صحی در مناطق دورافتاده از مشکلات عمده به شمار می‌رود. بلند بودن نیاز به خدمات صحی همچنین بیانگر افزایش نگرانی مردم نسبت به بیماری‌ها، سوءتغذیه، مرگ‌ومیر مادران و کودکان و ضعف سیستم صحی کشور است.

در بخش زراعت، این فیصدی اهمیت بسیار بالای کشاورزی را در اقتصاد افغانستان نشان می‌دهد. چون بخش بزرگی از مردم به زراعت و مالداری وابسته‌اند، کمبود آب، تخم‌های اصلاح شده، کود کیمیاوی، ماشین‌آلات زراعتی و بازار مناسب باعث شده است که مردم نیاز شدید به حمایت‌های زراعتی داشته باشند. اگر دولت و نهادهای کمک‌کننده در این بخش سرمایه‌گذاری نمایند، نه تنها تولیدات داخلی افزایش می‌یابد بلکه میزان فقر و بیکاری نیز کاهش پیدا می‌کند.

خدمات تعلیمی با ۵۸٪ نیز یکی از نیازهای مهم جامعه محسوب می‌شود. این رقم نشان می‌دهد که مردم افغانستان به اهمیت آموزش آگاه‌اند و خواهان دسترسی بهتر به مکاتب، پوهنتون‌ها، معلمان مسلکی و امکانات آموزشی هستند. مشکلاتی مانند کمبود مکاتب معیاری، نبود امکانات آموزشی در مناطق روستایی، کمبود استادان متخصص و فقر اقتصادی سبب شده است که بسیاری از کودکان و جوانان از آموزش محروم بمانند. توسعه آموزش می‌تواند زمینه رشد اقتصادی، کاهش بیکاری و افزایش آگاهی اجتماعی را فراهم سازد.

خدمات کاریابی با ۵۵٪ اگرچه در پایین‌ترین سطح جدول قرار دارد، اما همچنان از اهمیت زیادی برخوردار است. این رقم نشان می‌دهد که بیکاری یکی از چالش‌های اساسی جامعه است. نبود سرمایه‌گذاری، کاهش فعالیت‌های اقتصادی، کمبود فابریکه‌ها و سفر نیروی کار باعث شده است که جوانان به فرصت‌های شغلی دسترسی محدود داشته باشند. از سوی دیگر، اگر خدمات زیربنایی، تعلیمی و زراعتی تقویت شوند، زمینه ایجاد شغل نیز بیشتر فراهم خواهد شد؛ بنابراین بخش کاریابی با سایر خدمات ارتباط مستقیم دارد.

در مجموع، گراف نشان می‌دهد که مردم افغانستان بیشتر به خدماتی نیاز دارند که بتواند زندگی روزمره، اقتصاد و رفاه اجتماعی آنان را بهبود بخشد. نزدیکی فیصدی‌ها نیز بیانگر آن است که همه این بخش‌ها به هم وابسته‌اند و ضعف در یک بخش می‌تواند سایر بخش‌ها را نیز متأثر سازد. برای مثال، نبود زیرساخت مناسب سبب کاهش دسترسی به تعلیم، صحت و بازارهای زراعتی می‌شود. به همین دلیل، توسعه متوازن در تمام این بخش‌ها برای پیشرفت پایدار افغانستان ضروری است.



گراف 1: خدمات مورد نیاز جامعه به سطح افغانستان

2.4. تحلیل شاخص های خدمات مورد نیاز جامعه در سطح افغانستان

گراف (2) نشان می دهد که مردم افغانستان در بخش های مختلف خدماتی با نیازهای گسترده و اساسی روبه رو هستند. در بخش خدمات زیربنایی، سرک ها با ۷۲ فیصد بلندترین نیاز را تشکیل می دهند که بیانگر مشکلات جدی در شبکه های ترانسپورتی، رفت و آمد و دسترسی به بازارها و خدمات عمومی است. همچنان آب آشامیدنی با ۶۸ فیصد و برق با ۶۰ فیصد نشان می دهد که بخش بزرگی از مردم هنوز به آب صحتی و انرژی برق به گونه مناسب دسترسی ندارند. این وضعیت تأثیر مستقیم بر صحت، اقتصاد و کیفیت زندگی مردم دارد و نشان دهنده ضرورت سرمایه گذاری گسترده در پروژه های زیربنایی است.

در بخش خدمات صحتی، کلینیک ها با ۶۴ فیصد و کارکنان صحتی با ۶۲ فیصد از مهم ترین نیازهای جامعه محسوب می شوند، در حالی که نیاز به شفاخانه ها ۵۰ فیصد گزارش شده است. این موضوع نشان می دهد که مردم بیشتر به خدمات اولیه صحتی و دسترسی نزدیک به مراکز درمانی نیاز دارند. کمبود داکتران، نرس ها و مراکز صحتی مجهز به خصوص در مناطق دورافتاده باعث شده است که جامعه با مشکلات صحتی فراوان مواجه باشد. تقویت سیستم صحتی می تواند میزان مرگ و میر، بیماری ها و مشکلات صحتی را کاهش دهد.

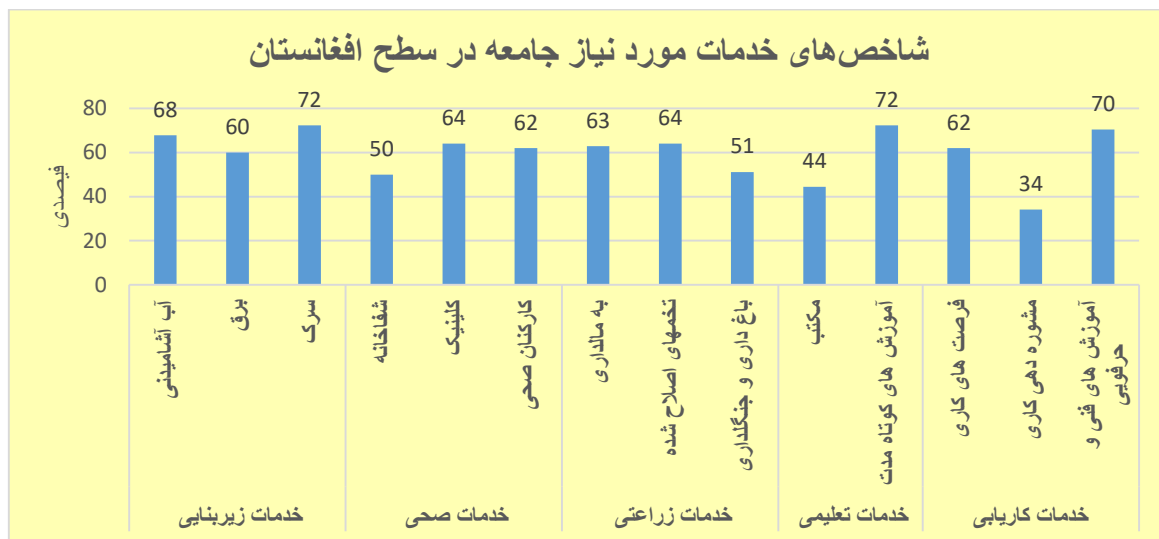
در بخش زراعتی، تخم های اصلاح شده با ۶۴ فیصد و حمایت از مالداران با ۶۳ فیصد در اولویت قرار دارند، در حالی که باغداری و جنگلداری ۵۱ فیصد را تشکیل می دهد. این ارقام نشان می دهد که مردم به بهبود تولیدات زراعتی و افزایش درآمدهای زراعتی علاقه مند هستند. استفاده از تخم های اصلاح شده و توسعه مالداران می تواند تولیدات داخلی را افزایش داده و امنیت غذایی را تقویت کند. همچنان توجه کمتر به باغداری و جنگلداری نسبت به سایر شاخص ها نشان می دهد که نیازهای فوری مردم بیشتر بر تولیدات اساسی زراعتی متمرکز است.

در بخش خدمات تعلیمی، آموزش های کوتاه مدت با ۷۲ فیصد بلندترین رقم را دارد، در حالی که نیاز به مکتب ۴۴ فیصد ثبت شده است. این مسئله نشان می دهد که مردم و به ویژه جوانان بیشتر به آموزش های عملی و مهارتی علاقه دارند تا بتوانند در مدت کوتاه وارد بازار کار شوند. افزایش تقاضا برای آموزش های فنی و حرفه ای بیانگر وضعیت دشوار اقتصادی و بیکاری در جامعه است. پایین بودن فیصدی مکاتب نسبت به آموزش های کوتاه مدت نیز نشان می دهد که مردم بیشتر به مهارت هایی نیاز دارند که زمینه اشتغال و درآمدزایی را فراهم کند.

در بخش خدمات کاربایی، آموزش های فنی و حرفه ای با ۷۰ فیصد و فرصت های کاری با ۶۲ فیصد از مهم ترین نیازها دانسته شده اند، اما مشوره دهی کاری تنها ۳۴ فیصد را تشکیل می دهد. این موضوع نشان می دهد که مردم بیشتر به فرصت های واقعی کار و کسب مهارت نیاز دارند تا مشوره های نظری. بلند بودن تقاضا برای آموزش های حرفه ای بیانگر این است که جامعه به نیروی کاری ماهر و فرصت های اقتصادی پایدار نیاز جدی دارد.

به صورت کلی، این گراف نشان می دهد که مردم افغانستان بیشتر به خدماتی نیاز دارند که بتواند بهبود مستقیم در زندگی اقتصادی، اجتماعی و معیشتی آنان ایجاد کند. بلند بودن فیصدی شاخص هایی مانند سرک، آموزش های کوتاه مدت و آموزش های فنی و حرفه ای نشان می دهد که جامعه به توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و دسترسی بهتر به خدمات اساسی اولویت می دهد. همچنان نزدیکی فیصدی ها در بخش های مختلف

بیانگر آن است که مشکلات جامعه به هم پیوسته‌اند و برای بهبود وضعیت کشور، توسعه متوازن در بخش‌های زیربنایی، صحت، زراعتی، تعلیمی و کاربایی ضروری می‌باشد.



گراف 2: تحلیل شاخص‌های خدمات مورد نیاز جامعه در سطح افغانستان

3.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایات کشور

گراف (3) و وضعیت نیازمندی‌های زیربنایی مردم را در ۳۴ ولایت افغانستان در سه بخش مهم «آب آشامیدنی، برق و سرک» نشان می‌دهد. ارقام بلندتر بیانگر نیاز بیشتر و کمبود جدی‌تر خدمات در آن ولایت‌ها است. بررسی مجموعی داده‌ها نشان می‌دهد که در اکثر ولایت‌ها، نیاز به سرک و برق نسبت به آب آشامیدنی در سطح بلندتری قرار دارد و این مسئله بیانگر عقب‌ماندگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی در بسیاری از مناطق کشور است. همچنان تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان ولایت‌های مرکزی، جنوبی و شمالی دیده می‌شود که نشان‌دهنده توزیع نامتوازن خدمات زیربنایی است.

در بخش آب آشامیدنی، ولایت کندهار با ۹۶٪ بلندترین سطح نیاز را دارد که نشان می‌دهد باشندگان این ولایت با کمبود شدید آب صحتی و شبکه‌های توزیع آب مواجه‌اند. بعد از آن بلخ با ۹۱٪، هرات و دایکندی با ۸۹٪، جوزجان با ۸۷٪ و لغمان با ۸۶٪ قرار دارند. این ارقام نشان می‌دهد که حتی ولایت‌های بزرگ و اقتصادی کشور نیز هنوز از نگاه دسترسی به آب آشامیدنی مصئون با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. در مقابل، پکتیا با ۲۳٪، لوگر با ۳۰٪ و بدخشان با ۴۰٪ کمترین سطح نیاز را نشان می‌دهند که می‌تواند ناشی از دسترسی بهتر به منابع طبیعی آب، نفوس کمتر یا پروژه‌های قبلی زیربنایی باشد. به صورت کلی، ولایات جنوب و غرب کشور در بخش آب آشامیدنی نیاز بیشتری نسبت به برخی مناطق شرقی و مرکزی دارند.

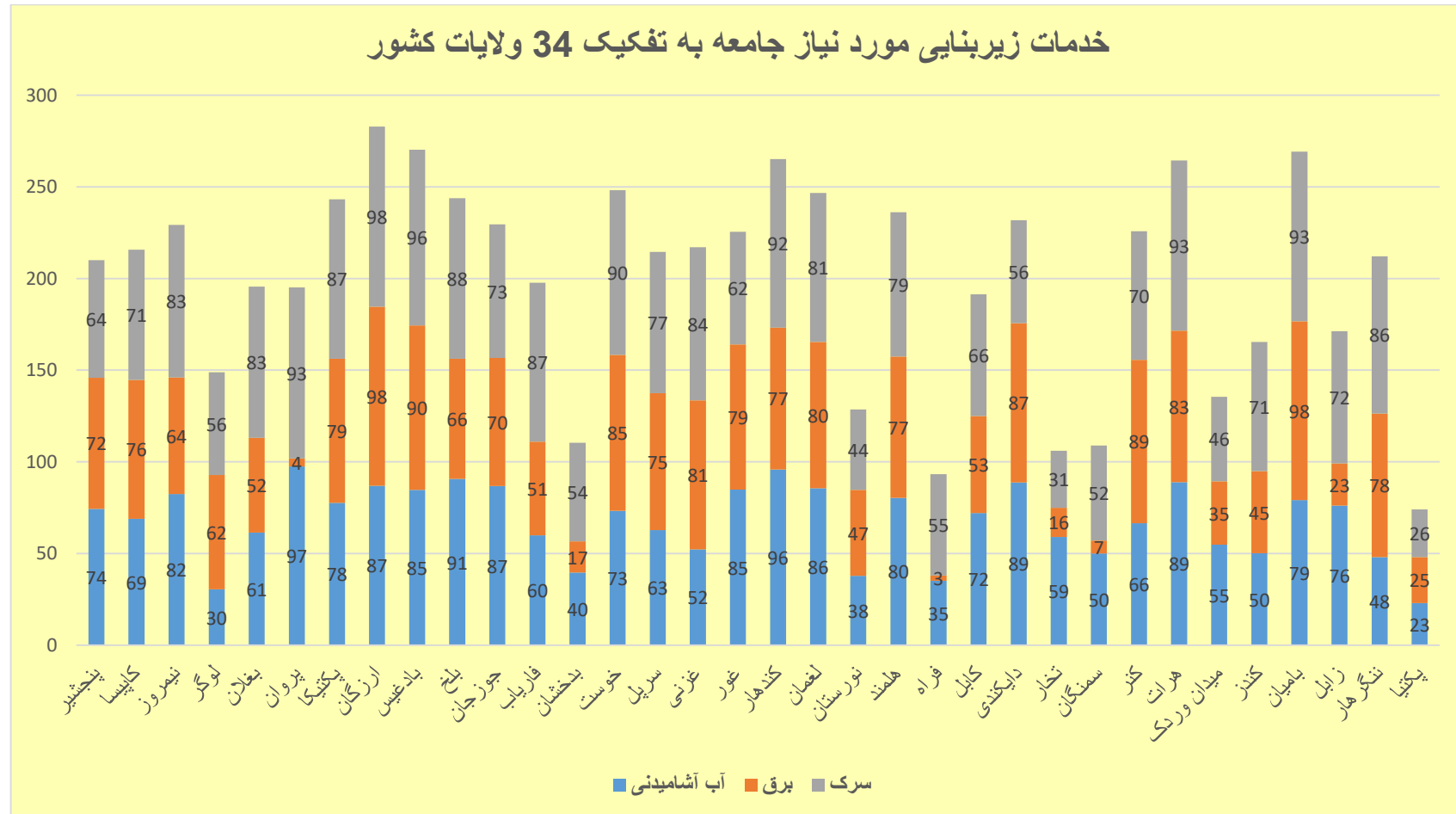
در بخش برق، تفاوت‌ها بسیار چشمگیر است. ارزگان و بامیان با ۹۸٪ بلندترین میزان نیاز را دارند که بیانگر کمبود شدید برق، نبود شبکه‌های پایدار توزیع و وابستگی زیاد به منابع محدود محلی است. پس از آن بادغیس با ۹۰٪، کنر با ۸۹٪، دایکندی با ۸۷٪ و خوست با ۸۵٪ قرار دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که بسیاری از ولایت‌های کوهستانی، دورافتاده و کمتر توسعه‌یافته هنوز به شبکه سراسری برق دسترسی محدود دارند. در مقابل، فراه با ۳٪، پروان با ۴٪ و سمنگان با ۷٪ کمترین نیاز را نشان می‌دهند که احتمالاً ناشی از نزدیکی به منابع تولید برق، شبکه انتقال مناسب‌تر یا سطح پایین‌تر تقاضا است. کابل با ۵۳٪ در سطح متوسط قرار دارد که نشان می‌دهد با وجود دسترسی نسبی به برق، رشد نفوس و افزایش تقاضا هنوز فشار زیادی بر شبکه برق وارد می‌کند.

در بخش سرک، وضعیت در بسیاری از ولایت‌ها نگران‌کننده‌تر به نظر می‌رسد. ارزگان با ۹۸٪، بادغیس با ۹۶٪، هرات و بامیان با ۹۳٪، کندهار با ۹۲٪ و خوست با ۹۰٪ بیشترین سطح نیاز را دارند. این ارقام بیانگر آن است که بسیاری از مناطق هنوز به سرک‌های معیاری، راه‌های مواصلاتی مناسب و زیرساخت‌های حمل‌ونقل مطمئن دسترسی ندارند. نبود سرک معیاری نه تنها بر اقتصاد محلی تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه دسترسی مردم

به خدمات صحی، آموزشی و بازارها را نیز محدود می‌سازد. در مقابل، پکتیا با ۲۶٪، تخار با ۳۱٪ و میدان وردک با ۴۶٪ کمترین نیاز را نشان می‌دهند. با آن‌هم، حتی در این ولایت‌ها نیز نیازها به طور کامل رفع نشده و هنوز مشکلات زیربنایی وجود دارد.

از دید منطقه‌ای، ولایت‌های جنوبی و مرکزی مانند ارزگان، دایکندی، بامیان و کندهار در هر سه بخش دارای ارقام بلند هستند؛ این موضوع نشان می‌دهد که این مناطق نسبت به سایر بخش‌های کشور از کمبود خدمات زیربنایی بیشتر رنج می‌برند. در مقابل، برخی ولایت‌های شمالی مانند سمنگان و تخار در چند بخش ارقام پایین‌تری دارند که بیانگر وضعیت نسبتاً بهتر زیربناها است. کابل با وجود مرکزیت سیاسی و اقتصادی، هنوز در بخش آب آشامیدنی و برق با چالش‌های متوسط تا بلند روبه‌رو است که ناشی از تراکم نفوس، مهاجرت و توسعه سریع شهری می‌باشد.

در مجموع، تحلیل جدول نشان می‌دهد که افغانستان هنوز با نابرابری جدی در توزیع خدمات زیربنایی مواجه است. سرک و برق نسبت به آب آشامیدنی نیاز فوری‌تر و گسترده‌تری دارند و ولایت‌های دورافتاده، کوهستانی و ناامن بیشتر از سایر مناطق آسیب‌پذیر هستند. این وضعیت ضرورت سرمایه‌گذاری متوازن، توسعه شبکه‌های برق، ساخت سرک‌های معیاری و گسترش سیستم‌های آبرسانی را در سطح ملی برجسته می‌سازد.



گراف 3: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور

4.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور

گراف (4) وضعیت نیازمندی‌های خدمات صحی در ۳۴ ولایت افغانستان را ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که سطح دسترسی مردم به خدمات صحی در سراسر کشور یکسان نیست. داده‌ها در سه شاخص اساسی شامل شفاخانه‌ها، کلینیک‌ها و کارکنان صحی تنظیم شده‌اند که هرکدام بیانگر نوع مشخصی از نیازهای جامعه می‌باشند. تحلیل دقیق این ارقام نشان می‌دهد که در بسیاری از ولایات، کمبود نیروی انسانی صحی نسبت به زیربنای صحی شدیدتر است و در کنار آن، ولایات دورافتاده و ناامن بیشترین سطح محرومیت را تجربه می‌کنند.

در بخش شفاخانه‌ها، بلندترین میزان نیاز مربوط به ولایت‌های بادغیس (۷۷٪)، ارزگان (۷۰٪)، هلمند (۶۹٪)، زابل (۶۵٪)، بلخ و پکتیا (۶۰٪)، بدخشان (۵۹٪)، غور (۵۸٪) و غزنی (۵۷٪) است. این ارقام بیان می‌کند که این ولایات با کمبود مراکز درمانی مجهز، بسترهای بستری، امکانات جراحی، خدمات عاجل و مراقبت‌های تخصصی روبه‌رو اند. به‌خصوص بادغیس و ارزگان که دارای پراکندگی جغرافیایی، ناامنی و زیرساخت‌های ضعیف اند، به توسعه فوری شفاخانه‌های ولایتی و ولسوالی نیاز دارند. در مقابل، سمنگان (۲۶٪)، کندز و بغلان (۳۷٪)، سرپل (۳۸٪)، کاپیسا (۳۹٪) و لوگر (۴۱٪) کمترین سطح نیاز را نشان می‌دهند که احتمالاً ناشی از دسترسی بهتر نسبی به مراکز درمانی یا نزدیکی به ولایت‌های بزرگ‌تر است.

در بخش کلینیک‌ها، نیازها گسترده‌تر و فراگیرتر دیده می‌شود؛ زیرا کلینیک‌ها نخستین نقطه تماس مردم با خدمات صحی هستند. هرات با رقم بسیار بلند ۸۸ در صدر قرار دارد که نشان‌دهنده فشار نفوس، مهاجرت، بازگشت مهاجران و تقاضای زیاد خدمات ابتدایی صحی در این ولایت است. پس از آن بادغیس (۸۱٪)، هلمند (۸۰٪)، پکتیکا (۷۶٪)، بلخ (۷۴٪)، کندهار (۷۱٪)، پروان و کنر (۷۰٪) قرار دارند. این ولایات به کلینیک‌های بیشتر، مراکز صحی سیار، خدمات واکسیناسیون و مراقبت‌های صحی اولیه نیاز جدی دارند. از سوی دیگر، لغمان (۵۰٪)، پنجشیر (۵۱٪)، سرپل (۵۲٪) و لوگر (۵۴٪) پایین‌ترین ارقام را دارند که نشان می‌دهد وضعیت خدمات ابتدایی صحی در این ولایات نسبتاً متوازن‌تر است.

بخش کارکنان صحی نگران‌کننده‌ترین وضعیت را نشان می‌دهد. بلندترین سطح نیاز مربوط به بادغیس (۹۶٪)، هرات (۹۵٪)، پروان (۹۳٪)، زابل (۸۹٪)، بلخ (۸۸٪)، نورستان (۸۲٪)، جوزجان (۷۴٪)، کنر (۷۲٪)، فراه و پکتیا (۷۰٪) است. این آمار نشان می‌دهد که حتی در ولایاتی که تا حدی زیرساخت صحی وجود دارد، کمبود داکتران، نرس‌ها، قابله‌ها، تکنیشن‌های لابراتوار و کارکنان صحی متخصص مانع ارائه خدمات مؤثر شده است. در ولایت‌هایی مانند بادغیس، زابل و نورستان، پراکندگی جغرافیایی، ناامنی، نبود امکانات آموزشی و دشواری جذب کادرهای متخصص سبب شده است که کمبود نیروی انسانی صحی به بحران تبدیل شود. در مقابل، سمنگان و سرپل (۳۱٪)، کابل و تخار (۳۴٪)، و لوگر (۴۰٪) نسبتاً وضعیت بهتر دارند که احتمالاً ناشی از تمرکز مؤسسات آموزشی و دسترسی بیشتر به منابع انسانی است.

اگر وضعیت هر ولایت به صورت مجموعی بررسی شود، چند الگوی مهم آشکار می‌شود:

بادغیس دشوارترین وضعیت را دارد؛ زیرا در هر سه شاخص ارقام بسیار بلند ثبت شده است: شفاخانه (۷۷٪)، کلینیک (۸۱٪) و کارکنان صحی (۹۶٪). این ولایت به سرمایه‌گذاری فوری و همه‌جانبه در بخش صحت نیاز دارد.

هرات با وجود اینکه یکی از مراکز بزرگ شهری کشور است، در بخش کلینیک (۸۸٪) و کارکنان صحی (۹۵٪) نیاز بسیار بلند دارد که احتمالاً ناشی از افزایش نفوس، مهاجرت و مراجعه باشندگان ولایات همجوار است.

زابل نیز در بخش کارکنان صحی (۸۹) و شفاخانه (۶۵) وضعیت نگران‌کننده دارد و کمبود کادرهای تخصصی در آن شدید است.

بلخ با داشتن شفاخانه‌های بزرگ هنوز در بخش کارکنان صحی (۸۸٪) و کلینیک (۷۴٪) نیاز بلند دارد؛ این امر نشان می‌دهد که فشار نفوس شهری و مراجعه از ولایات شمالی ظرفیت موجود را فراتر برده است.

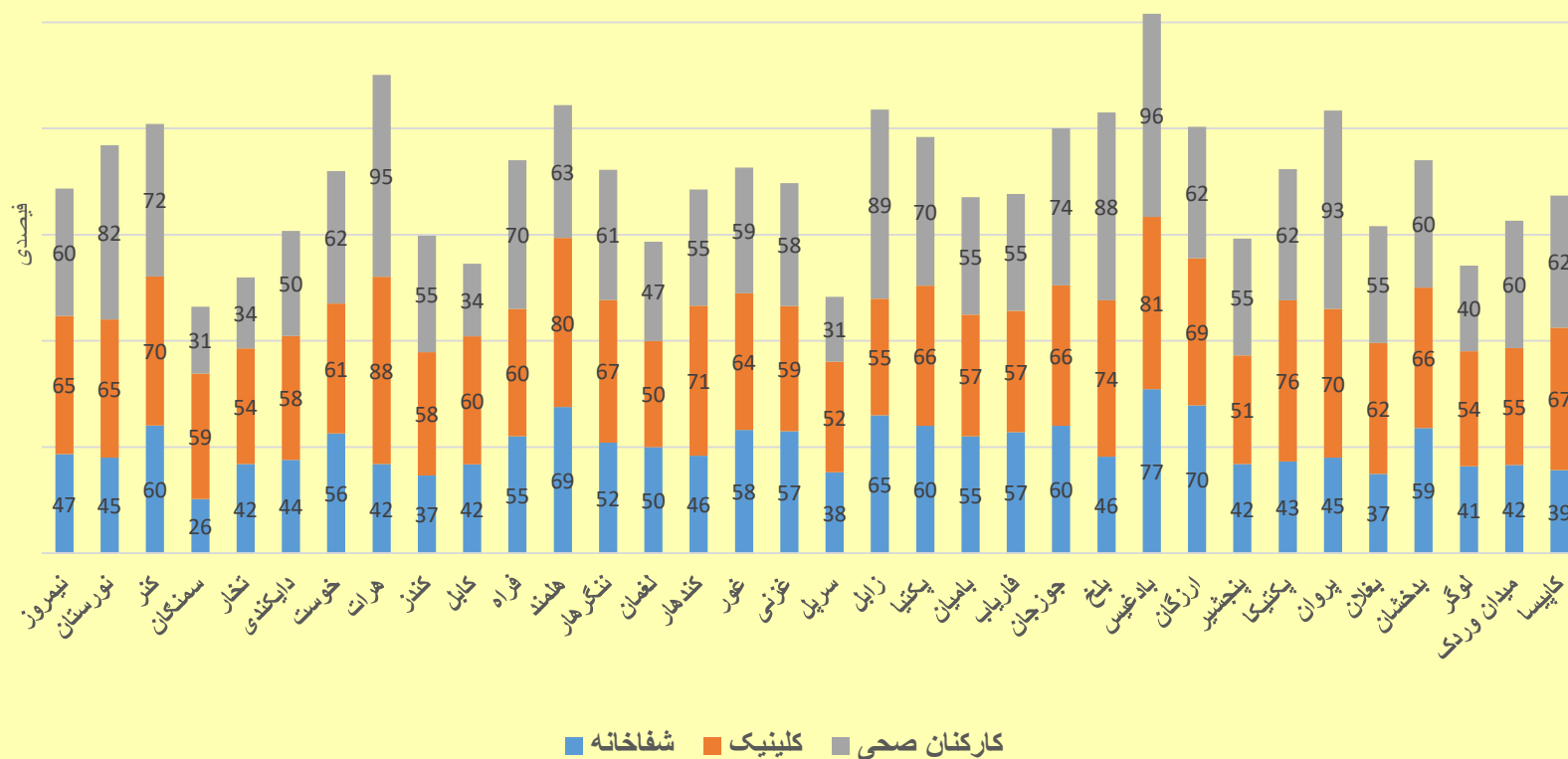
هلمند و پکتیکا نیز در هر سه شاخص ارقام بلند دارند که بیانگر اثرات دوامدار جنگ، تخریب زیربناها و محدودیت دسترسی مردم به خدمات صحی است.

نورستان و کنر با وجود نفوس کمتر، در بخش کارکنان صحی و کلینیک نیاز بلند دارند که عمدتاً ناشی از کوهستانی بودن مناطق و دشواری دسترسی به خدمات است.

از دیدگاه منطقی، ولایات جنوب و جنوب غرب مانند هلمند، زابل، ارزگان و کندهار بیشتر به توسعه شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها نیاز دارند، در حالی که ولایات غربی و شمال غربی مانند هرات و بادغیس علاوه بر زیرساخت، با کمبود شدید نیروی انسانی مواجه‌اند. در مناطق مرکزی و نزدیک به کابل مانند پروان، کاپیسا و لوگر، مشکل عمده بیشتر کمبود کارکنان صحتی متخصص است تا نبود مراکز صحتی.

این تحلیل نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی صحتی در افغانستان باید بر اساس نیازهای واقعی هر ولایت انجام شود، نه با یک الگوی یکسان برای همه مناطق. برخی ولایات بیشتر به ساخت مراکز صحتی نیاز دارند، در حالی که برخی دیگر به آموزش، جذب و حفظ کارکنان صحتی متخصص ضرورت فوری دارند. همچنان توسعه خدمات صحتی سیار، تربیه قابله‌ها و نرس‌ها، ایجاد انگیزه برای کار در مناطق دورافتاده و تقویت سیستم ارجاع صحتی می‌تواند در کاهش این نابرابری‌ها نقش اساسی داشته باشد.

خدمات صحی مورد نیاز جامعه به تفکیک ولایات



گراف 4: خدمات صحی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت

5.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور

گراف (5) نشان می‌دهد که جامعه افغانستان در بخش زراعت با نیازهای متفاوت اما به هم پیوسته روبه‌رو است. سه محور عمده خدمات مورد نیاز شامل مالداری، تخم‌های اصلاح‌شده، و باغداری و جنگلداری می‌باشد که هر کدام بازتاب‌دهنده وضعیت اقلیمی، اقتصادی، نوع معیشت، و ظرفیت تولیدی ولایت‌ها است. تحلیل ارقام نشان می‌دهد که در اکثر ولایت‌ها، سطح تقاضا برای خدمات زراعتی بسیار بلند بوده و این مسئله بیانگر وابستگی شدید اقتصاد روستایی به زراعت و مالداری است.

در بخش مالداری، میانگین ارقام ولایات نسبتاً بلند است و بیشتر ولایت‌ها بالاتر از 60 فیصد قرار دارند. بلندترین سطح نیاز مربوط به لغمان (100٪)، هرات (93٪)، غور (91٪)، کندهار (88٪)، خوست (87٪)، و فاریاب (86٪) می‌باشد. این ارقام نشان می‌دهد که در این ولایت‌ها مالداری یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد خانواده‌ها است. در ولایت‌های غربی و جنوبی مانند هرات، کندهار و غور، اقلیم نسبتاً خشک و وابستگی مردم به دامداری سبب شده تا نیاز به خدمات صحت حیوانی، واکسیناسیون، خوراک مواشی، و مدیریت نسل حیوانات بیشتر باشد. در ولایت‌های شمالی مانند فاریاب، جوزجان و بلخ نیز مالداری نقش مهم در تجارت و تأمین لبنیات دارد. در مقابل، ولایت‌هایی مانند فراه (22٪)، زابل (36٪)، نورستان (40٪)، و سمنگان (32٪) سطح پایین‌تری از نیاز را نشان می‌دهند که احتمالاً به دلیل محدودیت چراگاه‌ها، ضعف بازارهای مالداری، یا تمرکز بیشتر مردم بر زراعت نباتی می‌باشد.

در بخش تخم‌های اصلاح‌شده، ارقام نشان‌دهنده اهمیت افزایش تولیدات زراعتی در کشور است. بلندترین نیاز در بادغیس (97٪)، هرات و کندهار (95٪)، ارزگان (93٪)، هلمند (89٪)، غور (86٪)، و لغمان و ننگرهار (82٪) دیده می‌شود. این ولایات عمدتاً زراعت‌محور بوده و دهقانان برای مقابله با مشکلاتی مانند خشکسالی، آفات نباتی، کاهش حاصل‌خیزی زمین، و تغییرات اقلیمی به تخم‌های مقاوم و اصلاح‌شده نیاز دارند. هلمند، کندهار و ننگرهار به دلیل زمین‌های وسیع زراعتی و تولید محصولات تجارتي مانند گندم، سبزیجات و میوه‌ها، وابستگی جدی به تخم‌های باکیفیت دارند. در شمال و غرب کشور نیز نیاز بلند به تخم‌های اصلاح‌شده نشان می‌دهد که دهقانان علاقه‌مند گذار از زراعت سنتی به زراعت نیمه‌مدرن هستند. پایین‌ترین ارقام در پکتیا (26٪)، کاپیسا (42٪)، پروان (45٪)، و نورستان (31٪) ثبت شده که ممکن است به دلیل محدودیت زمین‌های قابل کشت یا استفاده دوامدار از بذرها محلی باشد.

در بخش باغداری و جنگلداری، تفاوت میان ولایت‌ها بیشتر قابل مشاهده است. هرات (93٪)، بادغیس (91٪)، غور (84٪)، دایکندی (78٪)، کتر (77٪)، لغمان (76٪)، و خوست (76٪) بلندترین سطح نیاز را دارند. این ولایات ظرفیت مناسب برای احداث باغ‌ها، تولید میوه، و احیای جنگلات دارند. کتر، نورستان و لغمان به دلیل پوشش جنگلی و منابع طبیعی، نیازمند برنامه‌های حفاظت جنگلات و جلوگیری از قطع غیرقانونی درختان هستند. در مناطق مرکزی مانند دایکندی و بامیان، باغداری می‌تواند بدیل مناسب برای افزایش درآمد خانواده‌ها باشد. در ولایت‌های غربی مانند هرات و بادغیس، باغداری نقش مهم در صادرات محصولات خشک و تازه دارد. در مقابل، بدخشان (6٪)، تخار (12٪)، میدان وردک (15٪)، و سمنگان (18٪) کمترین نیاز را در این بخش نشان داده‌اند. احتمال دارد که سردی هوا، کمبود آب، یا اولویت‌دادن به غله‌جات نسبت به باغداری علت این تفاوت باشد.

از دیدگاه منطقه‌ای، می‌توان ولایت‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:

ولایت‌های با نیاز بسیار بلند در هر سه بخش: هرات، کندهار، لغمان، بادغیس، و غور. این ولایت‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در زراعت هستند.

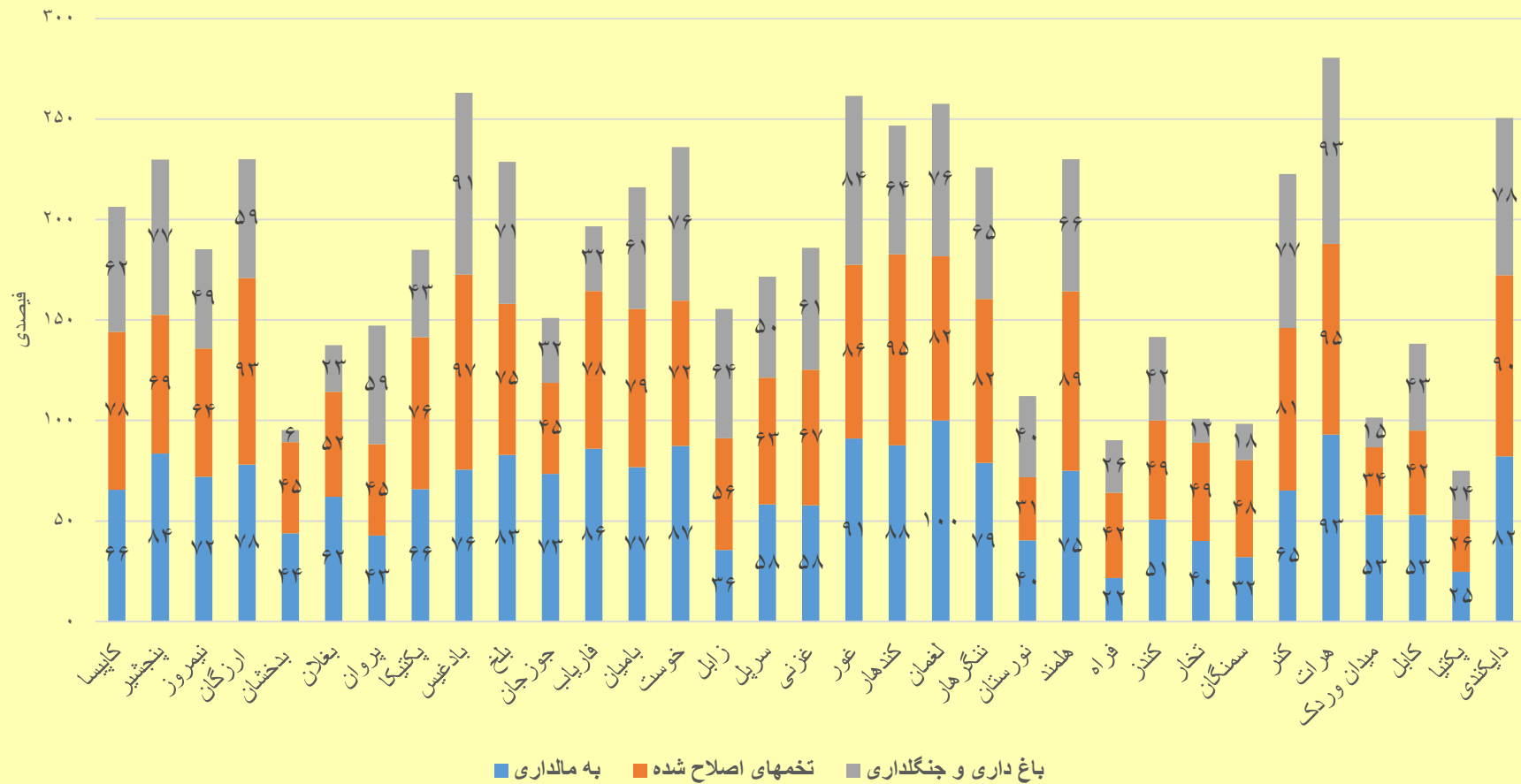
ولایت‌های متمرکز بر مالداری: فاریاب، جوزجان، بلخ، خوست، و پنجشیر. در این مناطق تقویت کلینیک‌های حیوانی، تولید لبنیات، و توسعه بازارهای مواشی اهمیت دارد.

ولایت‌های متمرکز بر زراعت نباتی و تخم‌های اصلاح‌شده: هلمند، ننگرهار، ارزگان، و هرات. این مناطق ظرفیت بلند تولیدات زراعتی تجارتي دارند.

ولایت‌های دارای ظرفیت باغداری و جنگلداری: کتر، لغمان، خوست، دایکندی، و نورستان. در این مناطق حفاظت محیط‌زیست و توسعه باغات می‌تواند اقتصاد محلی را تقویت کند.

تحلیل کلی نشان می‌دهد که نیازهای زراعتی افغانستان تنها محدود به تولید غذا نیست، بلکه مستقیماً با امنیت غذایی، اشتغال، کاهش فقر، و ثبات اقتصادی ارتباط دارد. هرچه خدمات زراعتی به صورت هدفمند و مطابق شرایط هر ولایت ارائه شود، میزان تولیدات داخلی، درآمد دهقانان، و خودکفایی اقتصادی افزایش خواهد یافت. بنابراین، برنامه‌های ملی زراعت باید بر اساس ویژگی‌های اقلیمی و ظرفیت‌های محلی طراحی شوند، نه به صورت یکسان برای تمام ولایت‌ها.

خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور



گراف 5: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور

6.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور

گراف (6) نشان می‌دهد که الگوی نیازهای آموزشی در افغانستان در حال تغییر بوده و در بسیاری از ولایات، تقاضا برای آموزش‌های کوتاه‌مدت و مهارت محور نسبت به آموزش رسمی مکتب بیشتر است. این تفاوت‌ها نه تنها وضعیت دسترسی به خدمات تعلیمی را انعکاس می‌دهد، بلکه بیانگر شرایط اقتصادی، فرصت‌های کاری، سطح آگاهی مردم و نیاز بازار کار در هر ولایت نیز می‌باشد.

در بخش «مکتب»، بلندترین میزان نیاز در ولایات هرات، خوست و زابل با ۷۷ فیصد مشاهده می‌شود. این سطح بلند تقاضا نشان‌دهنده آن است که در این ولایات هنوز هم بخشی از جامعه به خدمات ابتدایی و متوسطه تعلیمی دسترسی محدود دارد یا کیفیت و ظرفیت مکاتب پاسخگوی جمعیت موجود نیست. هلمند با ۷۵ فیصد، قندهار با ۷۴ فیصد و ارزگان با ۷۳ فیصد نیز در کتگوری ولایات دارای نیاز بلند قرار می‌گیرند. این ولایات عمدتاً از جمله مناطقی‌اند که در سال‌های گذشته با مشکلات امنیتی، بی‌جاشدگی و کمبود زیربنای تعلیمی روبه‌رو بوده‌اند؛ از همین رو، مردم هنوز نیاز جدی به اعمار مکاتب، افزایش صنوف درسی، جذب معلمان مسلکی و فراهم‌سازی امکانات آموزشی دارند. همچنان پکتیا با ۶۷ فیصد و جوزجان با ۶۰ فیصد نیز بیانگر آن است که تقاضا برای آموزش رسمی در این ولایات همچنان در سطح قابل توجه قرار دارد.

در مقابل، پایین‌ترین سطح نیاز به مکتب در ولایت پروان با تنها ۲ فیصد ثبت شده است. این رقم به احتمال زیاد نشان می‌دهد که در این ولایت خدمات مکتب نسبتاً گسترده‌تر بوده یا جامعه بیشتر به آموزش‌های تخصصی و مهارتی تمایل پیدا کرده است. فراه و فاریاب هر دو با ۹ فیصد، کندز با ۲۴ فیصد و لغمان با ۲۵ فیصد نیز از جمله ولایاتی‌اند که نیاز به مکتب در آن‌ها نسبتاً پایین‌تر است. این وضعیت می‌تواند نشان‌دهنده اشباع نسبی خدمات مکتب یا تغییر اولویت‌های مردم از آموزش رسمی به مهارت‌آموزی باشد.

اما در بخش «آموزش‌های کوتاه‌مدت» وضعیت کاملاً متفاوت است. تقریباً در تمامی ولایات، فیصدی نیاز به این نوع آموزش‌ها بلندتر از نیاز به مکتب می‌باشد. بلندترین سطح تقاضا در پروان با ۹۹ فیصد ثبت شده که در عین حال کمترین نیاز به مکتب را نیز دارد. این تفاوت بسیار بزرگ نشان می‌دهد که مردم پروان بیشتر به آموزش‌های عملی، فنی و حرفه‌ای مانند کمپیوتر، زبان، خیاطی، برق، ترمیم موبایل، زراعت مدرن و سایر مهارت‌های درآمدزا علاقه‌مند هستند. هرات با ۹۵ فیصد، پکتیا، فاریاب و بادغیس هر کدام با ۹۲ فیصد، کابل با ۹۰ فیصد و بلخ و ارزگان با ۸۷ فیصد نیز از جمله ولایات دارای تقاضای بسیار بلند برای آموزش‌های کوتاه‌مدت‌اند. این ارقام نشان می‌دهد که مردم به دنبال مهارت‌هایی هستند که بتواند آنان را در کوتاه‌ترین زمان وارد بازار کار کند و سطح درآمد خانواده را بهبود بخشد.

در ولایات‌های بامیان با ۸۶ فیصد، پنجشیر با ۸۲ فیصد، قندهار با ۸۱ فیصد، غور و هلمند با ۷۹ فیصد و لغمان و کنر با ۷۸ فیصد نیز نیاز به آموزش‌های کوتاه‌مدت در سطح بلند قرار دارد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که حتی در مناطق دورافتاده و کمتر توسعه‌یافته نیز گرایش به آموزش‌های مهارتی افزایش یافته و مردم این برنامه‌ها را راهی برای کاهش بیکاری و فقر می‌دانند.

از سوی دیگر، کمترین میزان تقاضا برای آموزش‌های کوتاه‌مدت در ولایت زابل با ۱۳ فیصد ثبت شده است. این تفاوت چشمگیر با نیاز بلند به مکتب در همان ولایت نشان می‌دهد که مردم زابل هنوز بیشتر به آموزش رسمی ابتدایی و متوسطه نیاز دارند و شاید زمینه یا آگاهی کافی برای آموزش‌های حرفه‌ای در آنجا محدود باشد. نیمروز با ۳۴ فیصد و جوزجان با ۴۵ فیصد نیز در مقایسه با سایر ولایات تقاضای کمتر برای آموزش‌های کوتاه‌مدت دارند.

مقایسه مجموعی جدول نشان می‌دهد که ولایات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

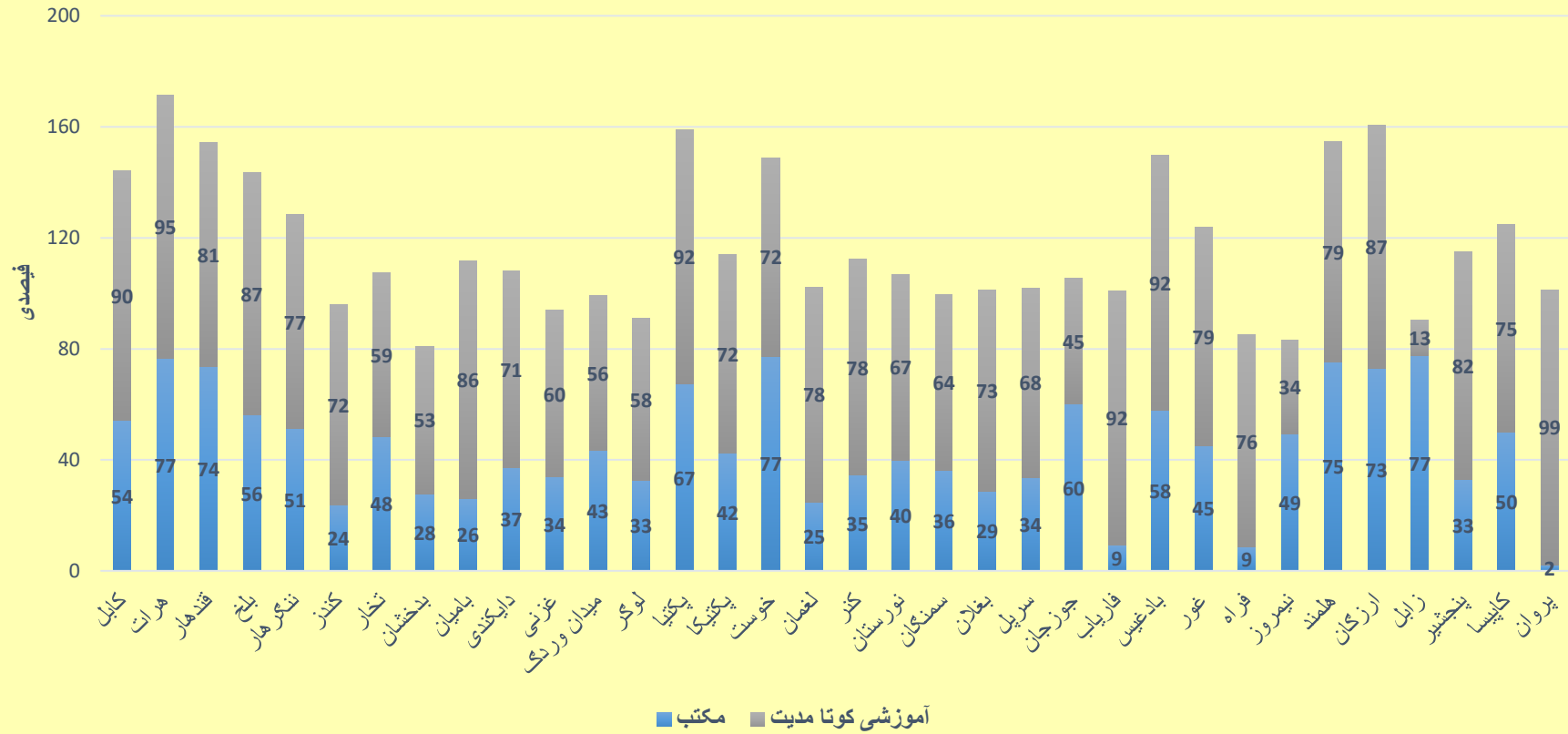
۱. ولایات با نیاز بلند به هر دو بخش مکتب و آموزش کوتاه‌مدت؛ مانند هرات، قندهار، هلمند و پکتیا. این ولایات نیازمند سرمایه‌گذاری همزمان در آموزش رسمی و مهارت‌آموزی‌اند.

۲. ولایات با نیاز بلند به آموزش کوتاه‌مدت و نیاز پایین به مکتب؛ مانند پروان، فاریاب، بادغیس و کابل. در این مناطق، تمرکز باید بیشتر بر ایجاد مراکز تخریکی و حرفه‌ای، کورس‌های مهارت‌آموزی و برنامه‌های اشتغال‌زا باشد.

۳. ولایات با نیاز بلند به مکتب اما نیاز پایین‌تر به آموزش کوتاه‌مدت؛ مانند زابل و تا حدی خوست. در این ولایات، توسعه زیربنای آموزشی و گسترش دسترسی به تعلیمات رسمی اولویت اساسی محسوب می‌شود.

در نتیجه، این تحلیل نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری آموزشی در افغانستان نباید یکسان و مرکزی باشد، بلکه باید بر اساس نیاز هر ولایت طراحی گردد. ولایاتی که نیاز بلند به آموزش‌های کوتاه‌مدت دارند، بیشتر به برنامه‌های اقتصادی و مهارتی نیازمند اند، در حالی که ولایات دارای نیاز بلند به مکتب، هنوز با چالش دسترسی به تعلیمات ابتدایی و متوسطه مواجه‌اند. بنابراین، هماهنگی میان وزارت معارف، نهادهای تخنیک و حرفه‌ای و مؤسسات انکشافی می‌تواند نقش مهمی در پاسخگویی به این نیازها و بهبود وضعیت آموزشی و اقتصادی جامعه ایفا نماید.

خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور



گراف 6: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور

7.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور

گراف (7)، وضعیت نیازمندی‌های جامعه را در سه بخش اساسی خدمات کاربایی شامل: «فرصت‌های کاری»، «مشوره‌دهی کاری» و «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای» در ۳۴ ولایت افغانستان نشان می‌دهد. مطالعه ارقام بیانگر آن است که مشکل بیکاری، کمبود مهارت‌های مسلکی و نبود راهنمایی شغلی در بسیاری از ولایت‌ها به شدت محسوس بوده و میزان تقاضا برای خدمات کاربایی در سراسر کشور بلند است؛ اما نوع و شدت این نیازها در هر ولایت تفاوت دارد.

در بخش فرصت‌های کاری، بلندترین ارقام مربوط به ولایت‌های بادغیس (۹۵٪)، ننگرهار (۹۱٪)، قندهار (۹۱٪)، غزنی (۸۷٪)، غور (۸۵٪)، کندز (۸۵٪)، بلخ (۸۱٪) و ارزگان (۸۰٪) می‌باشد. این ارقام نشان می‌دهد که باشندگان این ولایت‌ها با کمبود شدید زمینه‌های اشتغال روبه‌رو هستند و بازار کار ظرفیت جذب نیروی کار را ندارد. در ولایت‌های ناامن و دورافتاده مانند بادغیس، غور، ارزگان و غزنی، محدودیت سرمایه‌گذاری، ضعف زیربناها و کاهش فعالیت‌های اقتصادی از عوامل اصلی افزایش بیکاری محسوب می‌شود. همچنان در ولایت‌های پرنفوس مانند ننگرهار و قندهار، رشد سریع جمعیت جوان و بازگشت مهاجران باعث افزایش تقاضا برای کار شده است. در مقابل، ولایت‌های هرات (۲٪)، پروان (۳٪)، نیمروز (۸٪)، نورستان (۱۷٪) و بدخشان (۱۹٪) ارقام پایین‌تری دارند. این موضوع می‌تواند ناشی از فعالیت‌های اقتصادی محلی، مهاجرت نیروی کار به کشورهای همسایه یا پایین بودن سطح انتظارات شغلی باشد.

در بخش مشوره‌دهی کاری، نیازمندی‌ها نسبت به فرصت‌های کاری کمتر است، اما در برخی ولایت‌ها همچنان بسیار قابل توجه می‌باشد. بلندترین سطح نیاز در بادغیس (۹۱٪)، غور (۷۳٪)، غزنی (۵۵٪)، خوست (۶۱٪)، هرات (۵۹٪) و بلخ (۷۲٪) مشاهده می‌شود. این ارقام بیانگر آن است که بسیاری از جوانان و جویندگان کار معلومات کافی در مورد انتخاب شغل، مهارت‌های لازم، روش‌های جستجوی کار و انکشاف مسیر شغلی ندارند. در ولایت‌هایی که میزان بیکاری بلند است، نبود مراکز مشوره‌دهی حرفه‌ای باعث می‌شود افراد نتوانند توانایی‌های خود را با نیاز بازار هماهنگ سازند. از سوی دیگر، ولایت‌هایی چون هرات (۰٪)، بدخشان (۱٪)، نیمروز (۱٪)، نورستان (۳٪)، پروان (۳٪) و میدان وردک (۵٪) کمترین نیاز را ثبت کرده‌اند که احتمالاً به دلیل محدود بودن دسترسی مردم به خدمات رسمی کاربایی یا آگاهی کمتر نسبت به اهمیت مشوره‌دهی شغلی است.

مهم‌ترین یافته این گراف مربوط به بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است. تقریباً در تمام ولایت‌ها این شاخص بلندترین ارقام را دارد که نشان می‌دهد مهارت‌آموزی اساسی‌ترین نیاز جامعه برای دسترسی به اشتغال پایدار است. بلندترین ارقام در هرات (۹۸٪)، میدان وردک (۹۸٪)، ننگرهار (۹۸٪)، بادغیس (۹۶٪)، ارزگان (۹۵٪)، بلخ (۹۴٪)، غور (۹۴٪)، کندز (۹۴٪)، غزنی (۹۰٪) و قندهار (۸۹٪) ثبت شده است. این موضوع نشان می‌دهد که مردم بیش از هر چیز به آموزش‌های عملی و حرفه‌ای نیاز دارند تا بتوانند وارد بازار کار شوند یا کسب‌وکارهای کوچک ایجاد نمایند. تقاضای بالا برای آموزش‌های تکنیکی در ولایت‌هایی مانند ننگرهار، قندهار، بلخ و هرات می‌تواند ناشی از توسعه نسبی بازارها و نیاز به نیروی کار ماهر باشد؛ در حالی که در ولایت‌های محروم‌تر مانند بادغیس، غور و ارزگان، مردم مهارت‌آموزی را راهی برای کاهش فقر و بیکاری می‌دانند.

از دید منطقه‌ای، ولایت‌های جنوب و شرق کشور مانند قندهار، ننگرهار، خوست و غزنی همزمان در هر سه شاخص ارقام بلند دارند که نشان‌دهنده فشار شدید اقتصادی، تراکم نفوس جوان و کمبود برنامه‌های توسعه‌ای است. در شمال کشور نیز بلخ، کندز و جوزجان نیاز بلند به آموزش‌های حرفه‌ای و فرصت‌های کاری را نشان می‌دهند که بیانگر تغییر ساختار اقتصادی و نیاز بازار به مهارت‌های جدید است. ولایت‌های مرکزی مانند دایکندی، بامیان و میدان وردک بیشتر به آموزش‌های حرفه‌ای نیاز دارند تا به مشوره‌دهی، که نشان می‌دهد مردم این مناطق آمادگی اشتغال را دارند اما به مهارت‌های تکنیکی دسترسی محدود دارند.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مهم‌ترین اولویت عمومی در بخش کاربایی است؛

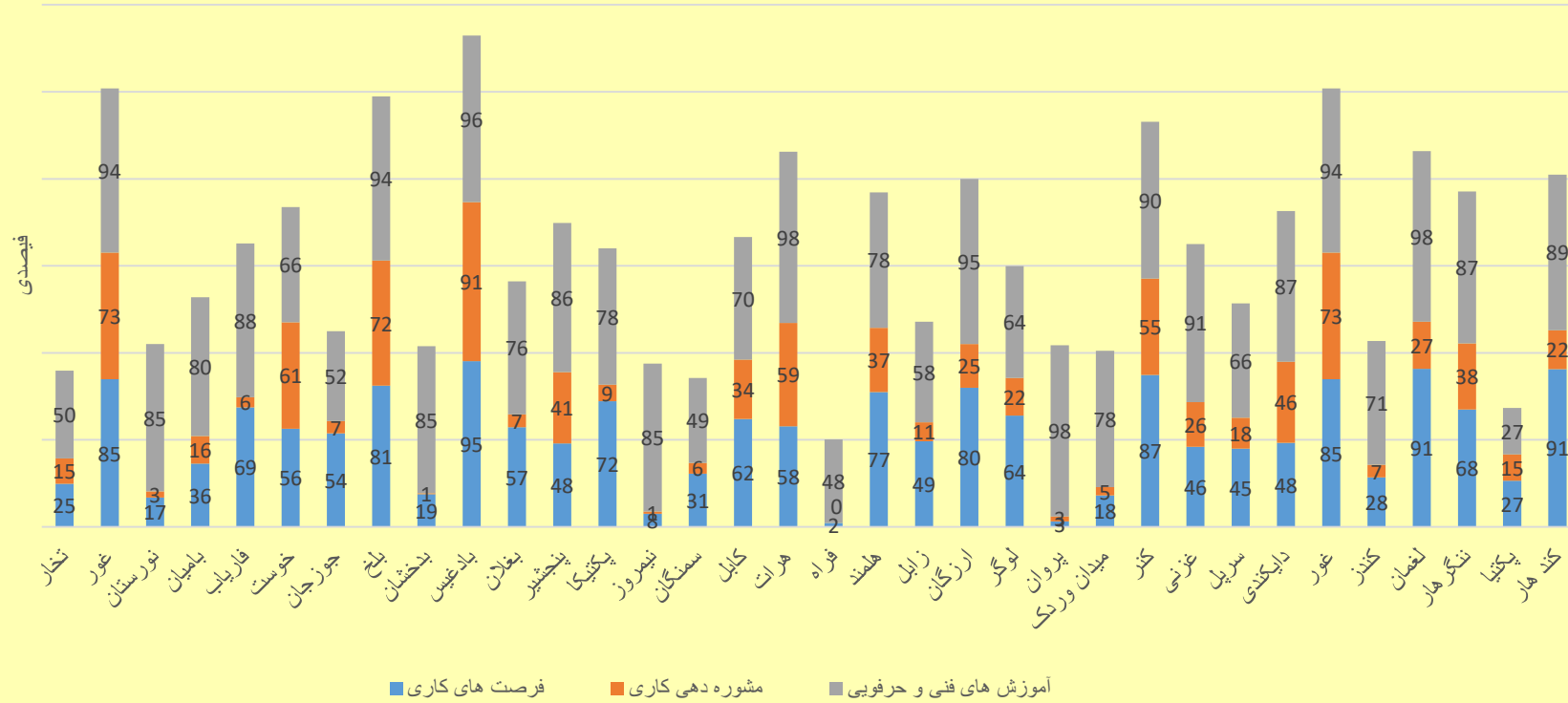
ایجاد فرصت‌های کاری به ویژه در ولایت‌های محروم و پرنفوس یک ضرورت فوری محسوب می‌شود؛

مشوره‌دهی شغلی اگرچه نسبت به دو بخش دیگر کمتر مورد تقاضا است، اما در ولایت‌های دارای بیکاری بلند نقش کلیدی در هدایت نیروی کار دارد؛

تفاوت‌های ولایتی نشان می‌دهد که برنامه‌های کاریابی باید بر اساس شرایط اقتصادی و اجتماعی هر ولایت طراحی شوند، نه به شکل یکسان در سراسر کشور؛

سرمایه‌گذاری در مهارت‌آموزی، تشبثات کوچک، و اتصال آموزش‌های حرفه‌ای با بازار کار می‌تواند بیشترین تأثیر را بر کاهش بیکاری و فقر داشته باشد.

خدمات کارآیابی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور



گراف 7: خدمات کارآیابی مورد نیاز جامعه به تفکیک 34 ولایت کشور

8.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کابل

ولایت کابل به‌عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین و مهم‌ترین ولایات کشور، متشکل از نواحی شهری و ولسوالی‌های متعدد است که هر یک از نظر وضعیت اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و سطح دسترسی به خدمات اساسی با یکدیگر تفاوت دارند. رشد نفوس، گسترش ساحات مسکونی، مهاجرت‌های داخلی و محدودیت منابع، باعث شده است تا نیازهای مردم در بخش‌های مختلف به‌گونه‌ی نابرابر و متفاوت بروز نماید. از این‌رو، شناخت دقیق این نیازها و اولویت‌بندی آن‌ها، نقش اساسی در برنامه‌ریزی مؤثر، توزیع عادلانه منابع و تطبیق پروژه‌های انکشافی ایفا می‌کند. این گزارش بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از نواحی و ولسوالی‌های مختلف ولایت کابل تهیه گردیده و تمرکز آن بر تحلیل نیازهای جامعه در بخش‌های خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و خدمات زیربنایی می‌باشد. هدف اصلی این تحلیل‌ها، شناسایی ساحاتی است که با کمبود شدید خدمات مواجه‌اند و در نتیجه به اقدامات فوری نیاز دارند، در مقابل ساحاتی که از دسترسی نسبی برخوردار بوده و نیاز آن‌ها در اولویت پایین‌تر قرار می‌گیرد. نتایج این بررسی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار حمایتی برای تصمیم‌گیرندگان، نهادهای تطبیق‌کننده پروژه‌ها و تمویل‌کنندگان مورد استفاده قرار گیرد تا برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها بر اساس نیازهای واقعی مردم و به‌صورت هدفمند و متوازن تنظیم گردد.

1.8.4 خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

در گراف (8) «نیاز جامعه به خدمات صحتی در ناحیه‌های مختلف ولایت کابل» روشن می‌گردد که نیازهای صحتی مردم کابل هم از نگاه کمی و هم از نگاه کیفی با چالش‌های جدی روبه‌رو است. این نیازها میان ناحیه‌ها یکسان نبوده و هر ناحیه بر اساس وضعیت نفوس، سطح دسترسی و کیفیت خدمات موجود، مشکلات خاص خود را دارد.

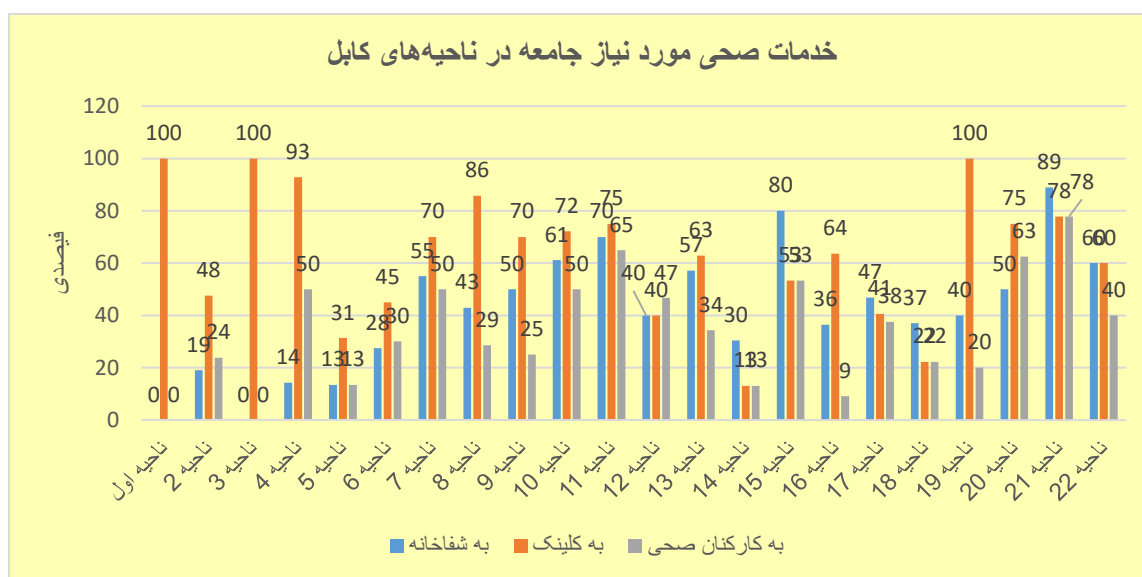
نخست، نیاز به کلینیک‌ها در اکثر ناحیه‌ها بسیار بلند است. ناحیه‌های ۱، ۳ و ۱۹ با ثبت ۱۰۰ درصد نیاز، نشان می‌دهد که یا کلینیک به اندازه کافی وجود ندارد و یا کلینیک‌های موجود پاسخگوی تقاضای مردم نیستند. همچنان ناحیه‌های ۴، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۲۰ و ۲۱ نیز درصد بلند مراجعه به کلینیک را دارند که بیانگر وابستگی مردم به خدمات ابتدایی صحتی و نبود سیستم ارجاع منظم به شفاخانه‌ها می‌باشد. این وضعیت نشان می‌دهد که سطح خدمات ابتدایی صحتی باید تقویت گردد تا از ازدحام و فشار بیش از حد بر مراکز محدود جلوگیری شود.

دوم، نیاز به شفاخانه‌ها در برخی ناحیه‌ها به‌گونه چشم‌گیر بلند است. ناحیه‌های ۱۵ (۸۰٪)، ۲۱ (۸۹٪)، ۱۱ (۷۰٪) و ۱۰ (۶۱٪) بیشترین نیاز را نشان می‌دهند. این ارقام می‌تواند ناشی از نبود شفاخانه‌های دولتی، کمبود بسترهای صحتی، یا فاصله زیاد مردم از مراکز مجهز درمانی باشد. در بخش «سایر خدمات صحتی» نیز تصریح شده که در بعضی ناحیه‌ها اصلاً شفاخانه دولتی وجود ندارد، که این خود فشار اقتصادی زیادی بر خانواده‌ها وارد نموده و مردم را مجبور به مراجعه به شفاخانه‌های خصوصی می‌سازد.

سوم، کمبود کارکنان صحتی یکی از چالش‌های اساسی در تقریباً تمام ناحیه‌ها است. ناحیه‌های ۲۱ (۷۸٪)، ۱۱ (۶۵٪)، ۲۰ (۶۳٪) و ۱۰ و ۴ (۵۰٪) نیاز شدید به کارکنان صحتی را نشان می‌دهند. این کمبود به‌ویژه در بخش داکتران متخصص، کارکنان طبقه انانث و قابله‌ها برجسته شده است. نبود کارکنان زن سبب محدود شدن دسترسی زنان به خدمات صحتی، به‌خصوص خدمات مربوط به صحت مادر و طفل، گردیده است که می‌تواند پیامدهای جدی صحتی و اجتماعی به دنبال داشته باشد.

چهارم، بخش سایر خدمات صحتی تصویر واضح‌تری از مشکلات کیفی خدمات صحتی ارائه می‌کند. در بسیاری از ناحیه‌ها از کمبود دوا، نبود ادویه در کلینیک‌ها، فقدان واکسیناسیون، نبود مراکز روان‌شناسی، کمبود امبولانس و حتی نبود مواد غذایی برای کودکان مبتلا به سوء‌تغذیه یادآوری شده است. همچنان نیاز به آگاهی‌دهی صحتی، دواپاشی برای جلوگیری از امراض ساری، پاک‌کاری کانال‌ها و جوی‌ها، و کنترل شفاخانه‌های خصوصی از جمله خواست‌های جدی مردم می‌باشد. این موارد نشان می‌دهد که خدمات صحتی بیشتر حالت درمانی مقطعی داشته و به اقدامات پیشگیرانه و آگاهی‌دهی توجه کافی صورت نگرفته است.

تحلیل شکل نشان می‌دهد که مشکلات صحتی در ولایت کابل چندبعدی است: از یک سو کمبود زیربنای صحتی مانند کلینیک و شفاخانه، و از سوی دیگر کمبود نیروی انسانی مسلکی، دوا، تجهیزات و خدمات حمایتی. برای پاسخ‌گویی مؤثر به این نیازها، لازم است برنامه‌ریزی جامع صحتی صورت گیرد که در آن توسعه متوازن مراکز صحتی، افزایش کارکنان صحتی به‌ویژه طبقه انانث، تأمین دوا و واکسین، و تقویت برنامه‌های وقایوی و آگاهی‌دهی صحتی در سطح تمام ناحیه‌ها در اولویت قرار گیرد.



گراف 8: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

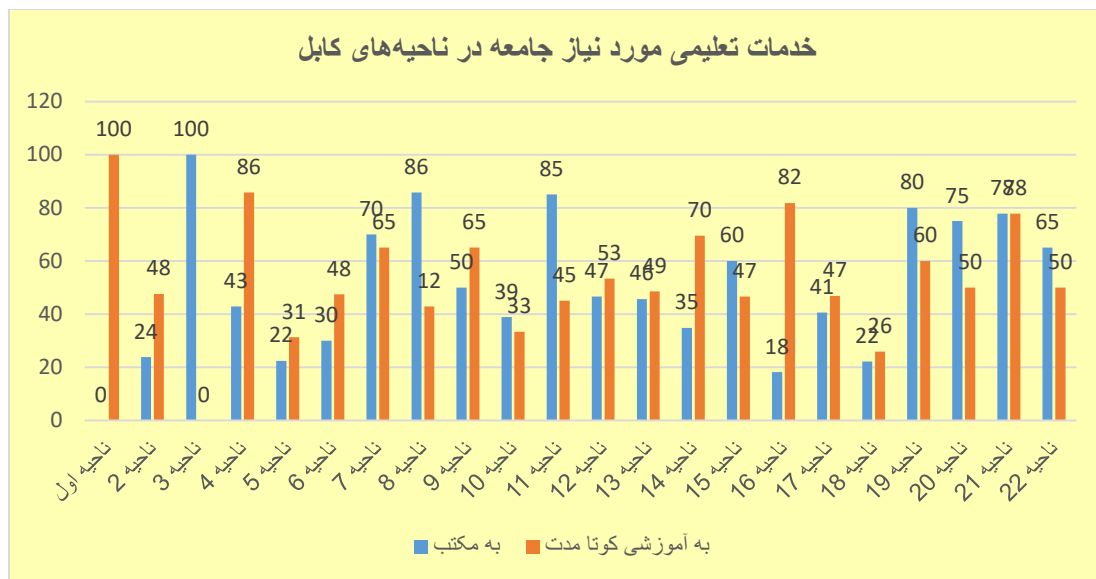
2.8.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

در گراف (9)، «نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ناحیه‌های مختلف ولایت کابل» روشن می‌گردد که چالش‌های تعلیمی در این ناحیه‌ها هم از نگاه دسترسی و هم از نگاه کیفیت آموزش بسیار جدی است. از یک سو، نیاز بلند به مکاتب در ناحیه‌های ۳ (۱۰۰٪)، ۸ (۸۶٪)، ۱۱ (۸۵٪)، ۱۹ (۸۰٪)، ۲۰ (۷۵٪)، ۲۱ (۷۸٪) و ۲۲ (۶۵٪) نشان می‌دهد که کمبود مکاتب دولتی، ازدحام صنوف درسی و فاصله زیاد شاگردان از مراکز تعلیمی از مشکلات اساسی این ناحیه‌ها به شمار می‌رود. این وضعیت به‌ویژه می‌تواند سبب ترک مکتب، پایین آمدن سطح سواد و افزایش نابرابری تعلیمی در میان کودکان گردد.

از سوی دیگر، نیاز بلند به آموزش‌های کوتاه‌مدت در ناحیه‌های ۱ (۱۰۰٪)، ۴ (۸۶٪)، ۱۶ (۸۲٪)، ۱۴ (۷۰٪)، ۷ (۶۵٪) و ۱۹ (۶۰٪) بیانگر آن است که بخش بزرگی از جامعه، به‌خصوص جوانان و زنان، خواهان کورس‌های سوادآموزی، فنی و حرفوی، خیاطی، مرغداری و سایر مهارت‌های عملی اند تا بتوانند وارد بازار کار شوند. این امر نشان می‌دهد که نظام تعلیمی رسمی به تنهایی پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی مردم نبوده و آموزش‌های مهارتی نقش مهمی در بهبود معیشت خانواده‌ها دارد.

همچنان، بخش سایر خدمات تعلیمی تصویر روشنی از کمبودهای کیفی آموزش ارائه می‌کند. در بسیاری از ناحیه‌ها از کمبود شدید معلمان مسلکی، نبود کتاب‌های درسی، کمبود لوازم آموزشی، نیاز به بازسازی مکاتب، ایجاد کتابخانه و دسترسی به اینترنت یادآوری شده است. علاوه بر آن، درخواست ایجاد مدارس دینی، مکاتب انائیه، پوهنتون، انستیتوت‌ها و مراکز آموزش عالی در برخی ناحیه‌ها نشان‌دهنده رشد تقاضا برای آموزش در سطوح مختلف است. توجه خاص به آموزش زنان، از طریق کورس‌های سوادآموزی و مهارت‌آموزی، نیز یکی از محورهای برجسته این نیازها می‌باشد.

در مجموع، گراف نشان می‌دهد که نیازهای تعلیمی جامعه کابل چندبعدی است و تنها با افزایش تعداد مکاتب حل نمی‌شود. بلکه لازم است به‌صورت هم‌زمان بر توسعه زیربنای تعلیمی، ارتقای کیفیت تدریس، استخدام معلمان مسلکی، تأمین کتاب و وسایل آموزشی، گسترش آموزش‌های کوتاه‌مدت و فنی و فراهم‌سازی فرصت‌های برابر تعلیمی برای جوانان و مردان در تمام ناحیه‌ها تمرکز صورت گیرد.



گراف 9: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

3.8.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

با تحلیل گراف (10)، روشن می‌شود که میزان تقاضا برای خدمات زراعتی به‌طور مستقیم با ماهیت شهری، اقتصادی و معیشتی ناحیه‌ها ارتباط دارد. ناحیه‌های حاشیه‌ای و نیمه‌روستایی کابل بیشترین نیاز را به خدمات زراعتی نشان می‌دهند، در حالی که ناحیه‌های مرکزی شهر تقاضای بسیار پایین یا حتی صفر دارند.

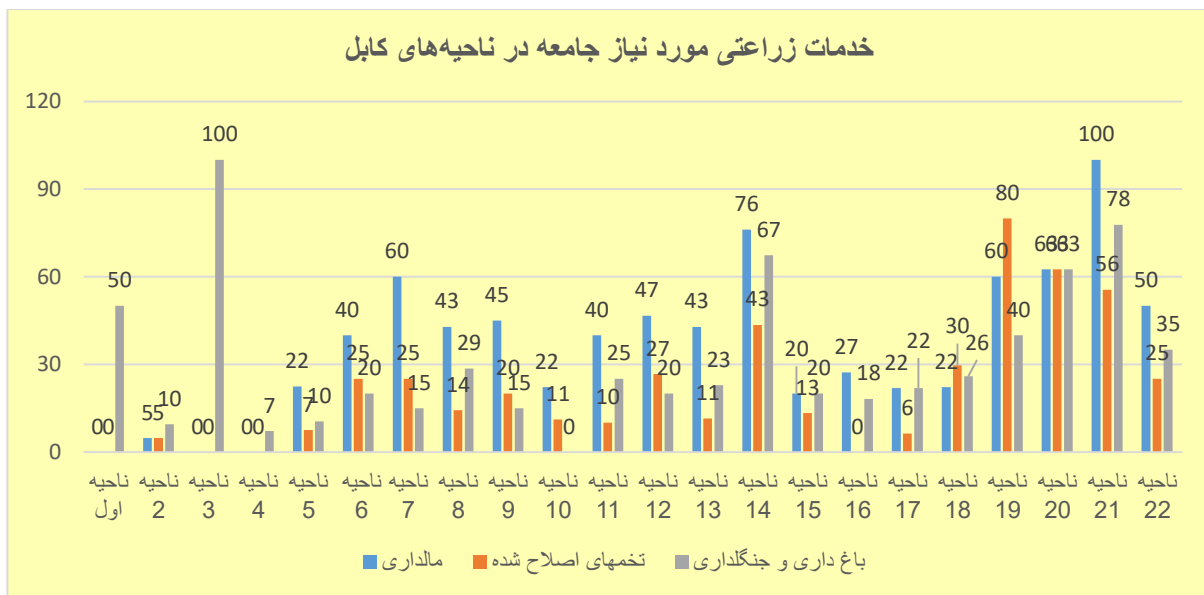
در بخش مالداري، ناحیه‌های ۲۱ (۱۰۰٪)، ۱۴ (۷۶٪)، ۲۰ (۶۳٪)، ۷ و ۱۹ (۶۰٪) بالاترین میزان نیاز را ثبت کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که در این نواحی، پرورش مواشی هنوز یکی از منابع مهم درآمد و تأمین مواد غذایی خانواده‌ها است و کمبود خدماتی مانند ادویه حیوانی، فارم‌های معیاری، آموزش‌های مالداري و حمایت‌های تخنیکي به‌شدت احساس می‌شود. در مقابل، ناحیه‌های مرکزی مانند ناحیه دوم، سوم و چهارم که شامل ساحات اداری، تجارتي و نسبتاً مرفه شهر اند، تقاضای بسیار پایین یا صفر را نشان می‌دهند؛ زیرا در این نواحی فعالیت‌های زراعتی و مالداري به دلیل تراکم نفوس، توسعه شهری و تغییر نوع معیشت عملاً وجود ندارد.

در بخش تخم‌های اصلاح شده نیز همین الگو تکرار می‌شود. ناحیه‌های ۱۹ (۸۰٪)، ۲۰ (۶۳٪)، ۲۱ (۵۶٪) و ۱۴ (۴۳٪) بیشترین نیاز را دارند که بیانگر تلاش دهقانان برای افزایش حاصل، بهبود کیفیت محصولات و جبران محدودیت زمین‌های زراعتی است. در مقابل، ناحیه‌های مرکزی مانند ۲، ۳ و ۴ تقریباً هیچ نیازی را گزارش نکرده‌اند که نشان می‌دهد زراعت در این مناطق جایگاه اقتصادی و عملی ندارد.

همچنان، نیاز به باغداری و جنگل‌داری در ناحیه‌های ۳ (۱۰۰٪)، ۱۴ (۶۷٪)، ۲۱ (۷۸٪)، ۱۹ (۴۰٪) و ۲۲ (۳۵٪) قابل توجه است. هرچند ناحیه سوم از جمله نواحی مرکزی به شمار می‌رود، اما تقاضای بلند آن در این بخش بیشتر جنبه محیط‌زیستی و شهری دارد، نه تولیدی؛ یعنی تمرکز بر سرسبزی، غرس نهال، ایجاد پارک‌ها و بهبود کیفیت محیط زیست شهری، نه فعالیت‌های کلاسیک زراعتی.

بخش سایر خدمات زراعتی نیز مشکلات بنیادی این نواحی را برجسته می‌سازد؛ از جمله کم‌آبی، نبود سیستم‌های معیاری آبیاری، کمبود آب جوی، نیاز به سردخانه، کود کیمیاوی، ادویه حیوانی، آموزش فارم‌های کوچک زراعتی، نهال‌شانی و ایجاد ساحات سبز و پارک‌های تفریحی. این نیازها به‌ویژه در ناحیه‌های حاشیه‌ای اهمیت بیشتری دارد، در حالی که در ناحیه‌های مرکزی بیشتر بر زیباسازی شهری و سرسبزی متمرکز است.

در مجموع، گراف به‌وضوح نشان می‌دهد که نیاز به خدمات زراعتی در ولایت کابل ناهمگون است و به سطح شهری شدن، نوع معیشت و وضعیت اقتصادی ناحیه‌ها وابسته می‌باشد. ناحیه‌های مرکزی مانند دوم، سوم و چهارم به‌دلیل ساختار اداری و تجارتي خود تقاضای پایین یا صفر برای خدمات زراعتی دارند، در حالی که ناحیه‌های پیرامونی و کمتر توسعه‌یافته نیاز شدید به حمایت‌های زراعتی، مالداري و مدیریت منابع طبیعی دارند. بنابراین، برنامه‌ریزی زراعتی باید هدفمند و مبتنی بر ویژگی‌های هر ناحیه صورت گیرد تا منابع به‌گونه مؤثر و عادلانه توزیع شود.



گراف 10: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

4.8.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

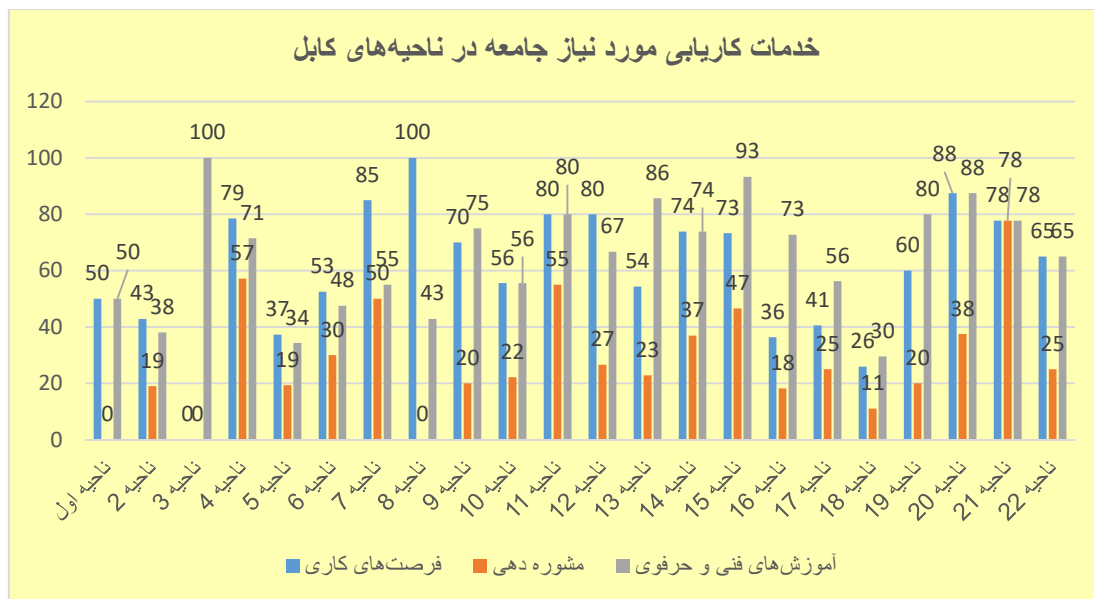
با تحلیل گراف (11)، «نیاز جامعه به خدمات خدماتی (کاریابی) در ناحیه‌های مختلف ولایت کابل» آشکار می‌گردد که بیکاری و نبود مهارت‌های مسلکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی-اقتصادی شهر کابل است و شدت این مشکل در ناحیه‌ها یکسان نیست. میزان بلند تقاضا در اکثر ناحیه‌ها نشان می‌دهد که بخش بزرگی از نفوس شهری، به‌ویژه جوانان، فاقد فرصت‌های پایدار کاری بوده و برای ورود به بازار کار به حمایت جدی نیاز دارند.

در بخش فرصت‌های کاری، ناحیه‌های ۸ (۱۰۰٪)، ۲۰ (۸۸٪)، ۷ (۸۵٪)، ۱۱ و ۱۲ (۸۰٪)، ۲۱ (۷۸٪)، ۱۴ (۷۴٪) و ۱۵ (۷۳٪) بیشترین نیاز را نشان می‌دهند. این ناحیه‌ها عمدتاً شامل ساحات پرنفوس، مهاجرپذیر و کم‌درآمد است که فرصت‌های شغلی محدود بوده و رقابت برای کار بسیار شدید می‌باشد. در مقابل، ناحیه سوم با ثبت صفر درصد نیاز و ناحیه‌های دوم و شانزدهم با ارقام نسبتاً پایین‌تر، بیشتر ماهیت اداری، تجارتي و خدماتی دارند و بخشی از ساکنان آن‌ها از دسترسی بهتر به بازار کار برخوردار اند، هرچند این امر به معنای نبود کامل بیکاری در این نواحی نیست. در بخش آموزش‌های فنی و حرفوی، تقریباً تمام ناحیه‌ها نیاز بلند و حتی بسیار بلند را گزارش کرده‌اند؛ به‌گونه مثال ناحیه ۳ (۱۰۰٪)، ناحیه ۱۵ (۹۳٪)، ناحیه ۱۳ (۸۶٪)، ناحیه‌های ۱۱ و ۹ و ۱۹ (۸۰٪)، و ناحیه‌های ۲۰ و ۲۱ (۸۸٪ و ۷۸٪). این وضعیت نشان می‌دهد که مردم به‌خوبی دریافته‌اند که بدون مهارت‌های عملی و تخصصی، دسترسی به کار ممکن نیست. بنابراین، تقاضا برای کورس‌های فنی و حرفوی، آموزش‌های کوتاه‌مدت، ایجاد مراکز آموزش حرفه‌ای و حتی پرداخت مدد معاش در جریان آموزش به‌گونه جدی مطرح شده است.

در بخش مشوره‌دهی کاری، اگرچه ارقام نسبت به دو بخش دیگر پایین‌تر است، اما در ناحیه‌هایی مانند ۴ (۵۷٪)، ۱۱ (۵۵٪) و ۲۱ (۷۸٪) اهمیت بیشتری دارد. این امر بیانگر آن است که در کنار مهارت‌آموزی، مردم نیازمند راهنمایی در انتخاب شغل، ایجاد تشبثات کوچک، دسترسی به قرضه‌های کوچک و آشنایی با بازار کار نیز می‌باشند؛ به‌ویژه برای جوانان فارغ‌التحصیل و زنان جویای کار.

بخش سایر خدمات کاریابی نیز تأکید می‌کند که خواست اصلی مردم تنها یافتن کار روزمره نیست، بلکه ایجاد زمینه‌های پایدار اشتغال از طریق راه‌اندازی کارخانه‌های تولیدی، حمایت از مشاغل کوچک، توسعه آموزش‌های مسلکی و پیوند دادن آموزش با بازار کار می‌باشد. در برخی ناحیه‌ها نبود هرگونه خدمات کاریابی نیز ذکر شده که خود بیانگر خلأ نهادی در این بخش است.

در مجموع، گراف نشان می‌دهد که نیاز به خدمات کاریابی در ولایت کابل یک نیاز فراگیر، ساختاری و بلندمدت است. تفاوت میان ناحیه‌ها بیانگر نابرابری اقتصادی و اجتماعی در سطح شهر می‌باشد. برای پاسخ‌گویی مؤثر، لازم است برنامه‌های ایجاد شغل، آموزش‌های فنی و حرفوی، مشوره‌دهی شغلی و حمایت از تشبثات کوچک به‌صورت هدفمند، ناحیه‌محور و هماهنگ با نیاز بازار کار طراحی و تطبیق گردد تا بتوان از شدت بیکاری و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن کاست.



گراف 11: خدمات کاریبایی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

5.8.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

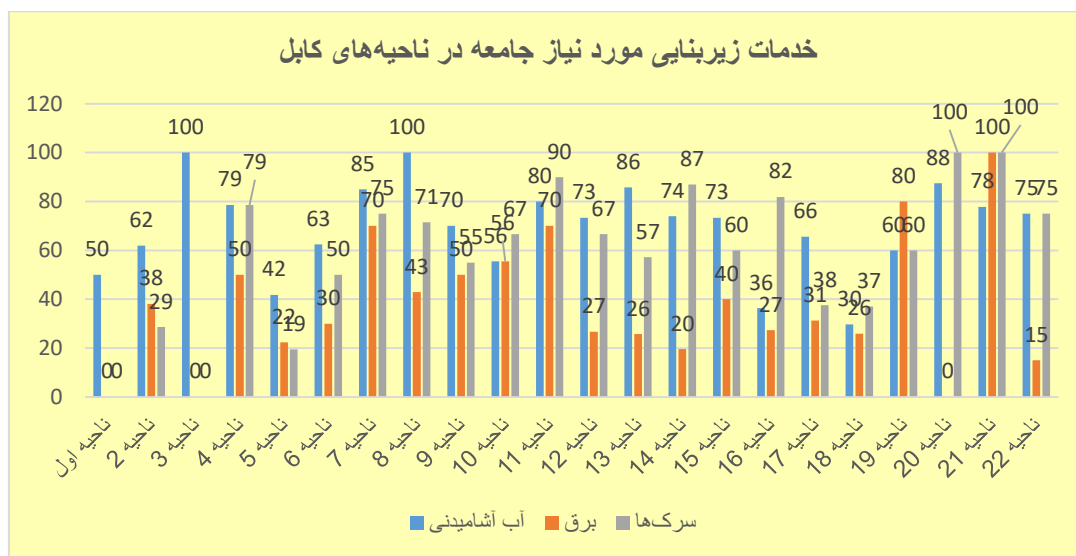
با تحلیل گراف (12)، «نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ناحیه‌های مختلف ولایت کابل» روشن می‌گردد که با وجود پیشرفت‌های نسبی در توسعه شهری، کمبود خدمات زیربنایی همچنان یکی از اساسی‌ترین چالش‌های شهر کابل به‌شمار می‌رود و این کمبودها به‌گونه نابرابر میان ناحیه‌ها توزیع شده است. در بخش آب آشامیدنی، میزان نیاز در اکثر ناحیه‌ها بلند است؛ به‌ویژه ناحیه‌های ۳ و ۸ با ۱۰۰ درصد، ناحیه‌های ۷، ۱۳، ۲۰ و ۲۱ با بیش از ۸۵ درصد که نشان می‌دهد بخش بزرگی از نفوس به آب صحتی، پایدار و عادلانه دسترسی ندارند. مشکلاتی چون نبود ذخایر معیاری آب، ضعف شبکه‌های توزیع و حتی موجودیت شبکه ولی عدم رساندن آب به تمام باشندگان، در بخش «سایر خدمات زیربنایی» به‌وضوح ذکر شده است.

در بخش برق، نیازها متفاوت است؛ ناحیه‌های ۲۱ (۱۰۰٪)، ۱۹ (۸۰٪)، ۷ و ۱۱ (۷۰٪) بیشترین کمبود را دارند که می‌تواند ناشی از ضعف شبکه برق، قطع و وصل دوامدار و یا رشد سریع نفوس باشد. در مقابل، ناحیه‌های مرکزی‌تر مانند ناحیه اول و سوم تقاضای پایین یا صفر را نشان می‌دهند که بیانگر دسترسی بهتر به برق شهری در این ساحات اداری و تجارتي است. این تفاوت نشان می‌دهد که توسعه شبکه برق هم‌پای گسترش شهر پیش نرفته است.

در بخش سرک‌ها، با وجود آن‌که در سطح شهر کابل پروژه‌های جاده‌سازی به‌گونه نسبی جریان داشته و برخی سرک‌های عمومی وضعیت بهتری دارند، اما میزان نیاز در اکثر ناحیه‌ها همچنان بسیار بلند باقی مانده است. ناحیه‌های ۲۰ و ۲۱ با ۱۰۰ درصد، ناحیه ۱۱ (۹۰٪)، ناحیه ۱۴ (۸۷٪) و ناحیه ۱۶ (۸۲٪) بیشترین کمبود را گزارش کرده‌اند. این واقعیت نشان می‌دهد که جاده‌سازی بیشتر بر سرک‌های اصلی متمرکز بوده، در حالی که کوچه‌ها، سرک‌های فرعی، گذرگاه‌ها و راه‌های دسترسی محلی در بسیاری از ناحیه‌ها همچنان خاکی، تخریب شده و فاقد کانالیزاسیون اند. این وضعیت به‌ویژه در ناحیه‌های حاشیه‌ای و کوهستانی باعث دشواری رفت‌وآمد، محدود شدن دسترسی به خدمات صحتی و تعلیمی و افزایش آسیب‌پذیری در فصل‌های بارندگی و زمستان می‌گردد.

بخش سایر خدمات زیربنایی نیز نشان می‌دهد که مشکلات زیربنایی تنها به آب، برق و سرک محدود نیست؛ بلکه نبود سیستم فاضلاب شهری، کمبود کانال‌های دفع آب‌های سطحی، نیاز به پخته‌کاری و کانکریت‌ریزی کوچه‌ها، ترمیم کیبل‌های برق، بازسازی پمپ‌های آب، اجازه ساخت‌وساز قانونی، استفاده از برق‌های سولری و حتی تأمین سرپناه برای عودت‌کنندگان از جمله نیازهای جدی مردم است. این موارد نشان می‌دهد که رشد سریع و غیرپلانی شهر کابل فشار مضاعفی بر زیربنای شهری وارد کرده است.

در مجموع، گراف نشان می‌دهد که با وجود برخی پیشرفت‌ها در زیربنای شهرهای کابل، نیازهای اساسی مردم به‌ویژه در ناحیه‌های پرنفوس و حاشیه‌ای همچنان برآورده نشده است. بنابراین، برنامه‌ریزی زیربنایی باید از تمرکز صرف بر پروژه‌های بزرگ و نمایشی فراتر رفته و به بهبود زیرساخت‌های محلی، کوچه‌ها، سرک‌های فرعی، آب‌رسانی پایدار و سیستم‌های فاضلاب به‌گونه عادلانه و ناحیه‌محور توجه جدی صورت گیرد.



گراف 12: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

6.8.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

با تحلیل گراف (13)، «اولویت‌دهی خدمات در ناحیه‌های مختلف کابل» می‌توان دریافت که نیازهای جامعه کابل به خدمات اساسی ناهمگون و متأثر از موقعیت جغرافیایی، ساختار شهری و تراکم نفوس است و در عین حال الگوی روشنی از اهمیت هر خدمت مشخص می‌شود. اولویت غالب و مشترک در اکثر ناحیه‌ها، آب آشامیدنی است. نواحی ۲ (۶۸٪)، ۴ (۶۳٪)، ۱۳ (۶۰٪)، ۳ (۵۰٪)، ۱ (۵۰٪) و ۵ (۵۲٪) بیشترین درصد تقاضا را دارند، که نشان می‌دهد دسترسی به آب صحتی و پایدار یکی از نیازهای حیاتی ساکنان کابل بوده و کمبود آن تهدید مستقیم به سلامت و زندگی مردم است. این وضعیت به‌ویژه در نواحی حاشیه‌ای و کم‌برخوردار مشهود است، جایی که شبکه آب‌رسانی ضعیف و ناکافی است. پس از آب آشامیدنی، سرک‌ها و پخته‌کاری کوچه‌ها دومین اولویت برجسته است. نواحی ۲۰، ۱۸، ۲۱ و ۱۲ با درصدهای بالای ۴۰٪-۵۰٪ نشان می‌دهند که با وجود جاده‌سازی در سطح شهر، وضعیت کوچه‌ها و سرک‌های فرعی هنوز نامطلوب است. این واقعیت بیانگر آن است که پروژه‌های جاده‌سازی بیشتر به سرک‌های اصلی و بزرگ تمرکز دارند و دسترسی محلی به کوچه‌ها و مسیرهای فرعی به دلیل خاکی بودن، نبود کانکریت و سیستم فاضلاب ضعیف هنوز مشکل ساز است. این مسئله باعث دشواری رفت‌وآمد، محدود شدن دسترسی به خدمات صحتی، تعلیمی و بازار و افزایش آسیب‌پذیری در فصل‌های بارندگی می‌شود.

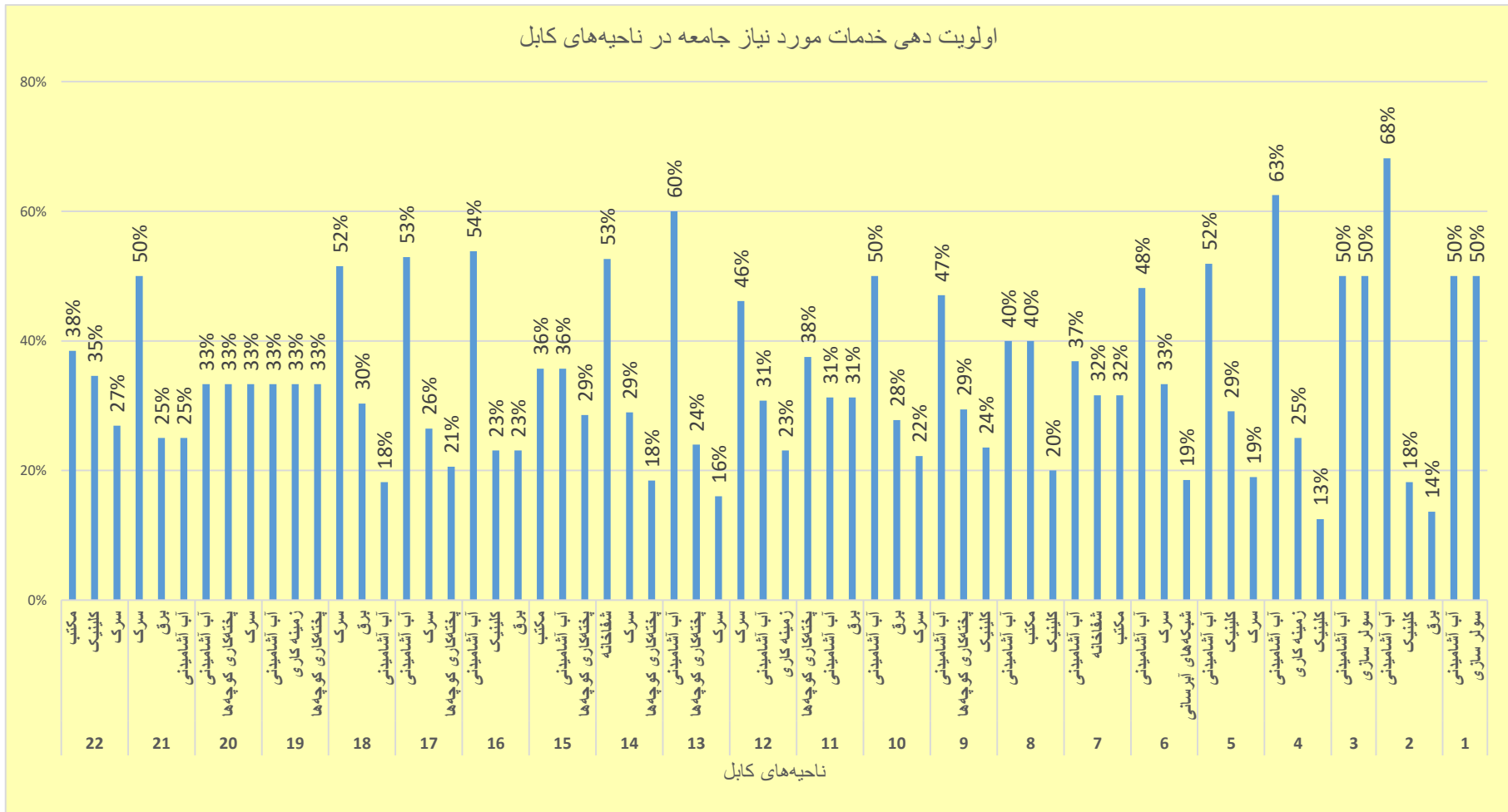
خدمات برق و سولر سازی در برخی نواحی مانند ۱، ۳، ۱۰ و ۲۱ به عنوان نیاز مهم ثبت شده است، اما درصد آن نسبت به آب آشامیدنی و سرک پایین‌تر است، که نشان می‌دهد دسترسی نسبی به برق وجود دارد، اما شبکه هنوز کامل و پایدار نیست و نیاز به توسعه سولر برای تأمین انرژی جایگزین و کاهش فشار بر شبکه دارد.

خدمات اجتماعی و صحتی مانند کلینیک، شفاخانه و مکتب در نواحی ۸، ۱۵، ۲۲ و ۱۴ نیز اولویت بعدی مردم است. این نکته نشان می‌دهد که علاوه بر نیاز زیربنایی، خدمات صحتی و تعلیمی نیز در برنامه‌ریزی شهری اهمیت بالایی دارند و کمبود آن‌ها به شدت احساس می‌شود. به طور مثال، ناحیه ۱۴ با ۵۳٪ نیاز به شفاخانه و ۲۹٪ نیاز به سرک، ترکیبی از نیازهای صحتی و زیربنایی را نشان می‌دهد.

در مجموع، گراف نشان می‌دهد که اولویت‌های مردم کابل به شکل سلسله‌مراتبی از ضروریات زیربنایی به خدمات اجتماعی و آموزشی است: ابتدا آب آشامیدنی، سپس سرک‌ها و کوچه‌ها، بعد برق و سولر، و در مرحله بعدی خدمات صحتی و آموزشی. تفاوت میان نواحی مرکزی و حاشیه‌ای واضح است؛ نواحی مرکزی معمولاً دسترسی نسبی به سرک و برق دارند، اما حاشیه‌ها و نواحی پرنفوس نیاز بیشتری به آب، سرک‌های فرعی و

پخته‌کاری کوچه‌ها دارند. بنابراین برنامه‌ریزی شهری باید بر اساس ناحیه، با توجه به موقعیت و کمبودهای خاص هر ناحیه انجام گیرد تا منابع محدود به شکل مؤثر و عادلانه تخصیص یابد.

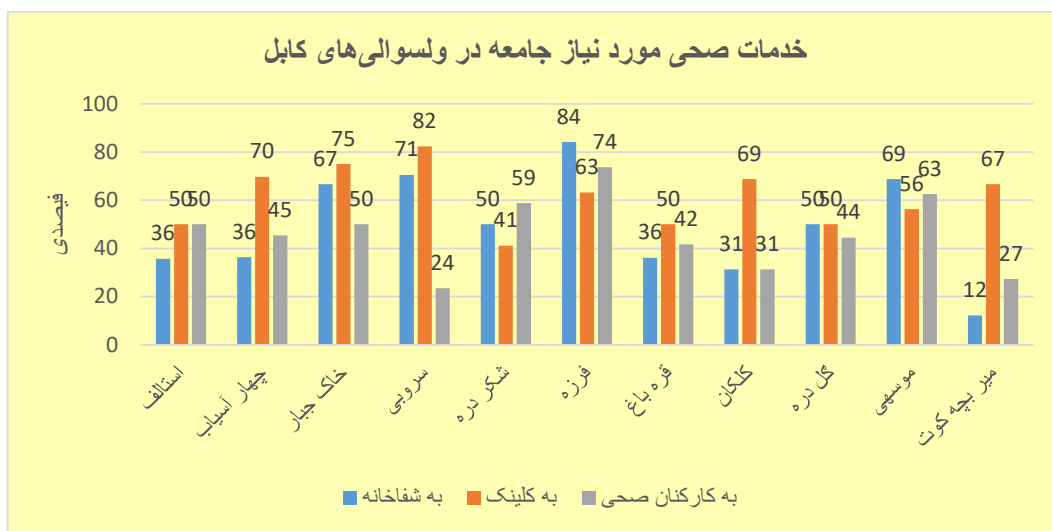
اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل



گراف 13: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ناحیه‌های کابل

7.8.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

تحلیل گراف (14)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کابل متفاوت است و تمرکز بیشتر بر روی سه بخش اصلی یعنی شفاخانه، کلینیک، و کارکنان صحتی است. بیشترین تقاضا برای خدمات شفاخانه در ولسوالی فرزه (84٪) و سروبی (84٪) و سروبی (71٪) مشاهده می‌شود، در حالی که کمترین نیاز به شفاخانه در میر بچه کوت (12٪) گزارش شده است. از سوی دیگر، استفاده از کلینیک‌ها در چهار آسیاب (70٪) و خاک جبار (75٪) بالاترین است و نشان‌دهنده اهمیت خدمات اولیه و دسترسی نزدیک به مردم است. نیاز به کارکنان صحتی نیز در فرزه (74٪) و شکر دره (59٪) بیشتر است، در حالی که در سروبی (24٪) و میر بچه کوت (27٪) پایین‌تر است، که می‌تواند ناشی از کمبود نیروی متخصص یا دسترسی محدود باشد. بخش «سایر خدمات صحتی» نیز نشان می‌دهد که نیازها متنوع بوده و شامل تجهیزات طبی، دارو، کلینیک‌های تخصصی، خدمات سیار، لابراتوار مجهز، امبولانس، و افزایش بستر شفاخانه‌ها می‌باشد. به طور کلی، این جدول بیانگر این است که مردم ولسوالی‌های مختلف علاوه بر خدمات پایه، به خدمات تخصصی و تجهیزات صحتی مناسب نیز نیاز دارند و تمرکز بر توزیع متوازن این خدمات می‌تواند پوشش بهتری برای نیازهای صحتی ایجاد کند.



گراف 14: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

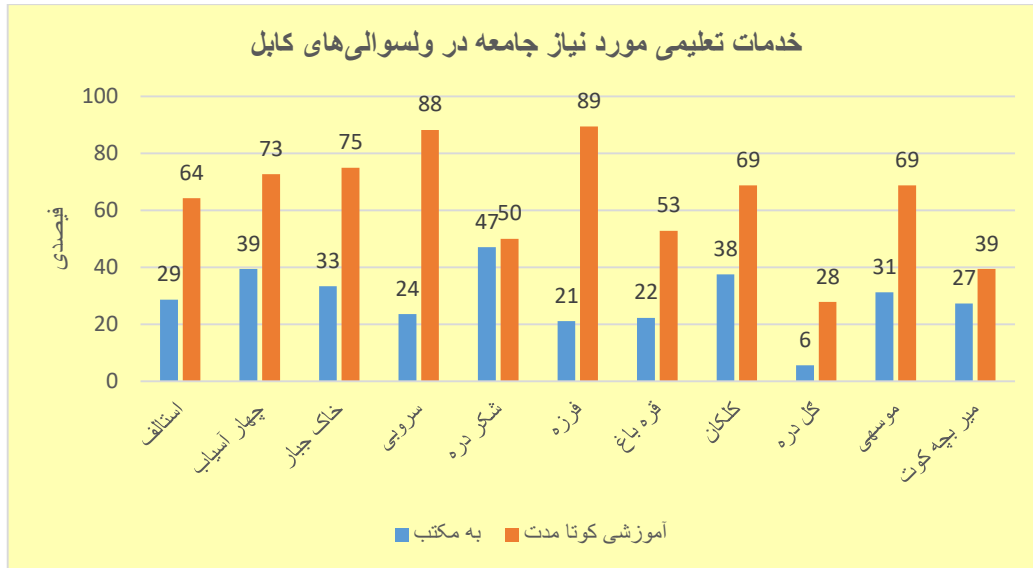
8.8.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

تحلیل گراف (15)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کابل متفاوت است. در بخش مکتب‌ها، ولسوالی شکر دره (47٪)، کلکان (38٪) و چهار آسیاب (39٪) بیشترین درصد نیاز را نشان می‌دهند، که بیانگر کمبود مکتب و امکانات آموزشی در این ولسوالی‌هاست و ضرورت فوری برای تأسیس مکتب، تعمیر ساختمان‌ها و تأمین معلم احساس می‌شود. در مقابل، ولسوالی‌هایی مانند گل دره (6٪) و فرزه (21٪) درصد پایین دارند که نشان می‌دهد احتمالاً مکتب‌ها و امکانات موجود است و دسترسی به خدمات آموزشی در این مناطق بهتر است.

در بخش آموزش کوتاه‌مدت نیز ولسوالی‌های فرزه (89٪)، سروبی (88٪) و خاک جبار (75٪) بالاترین درصد نیاز را دارند که نشان‌دهنده کمبود دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت، کورس‌های سواد آموزی و فرصت‌های مهارت‌آموزی در این مناطق است. در مقابل، گل دره (28٪) و میر بچه کوت (39٪) نیاز کمتری دارند و احتمالاً این خدمات در آنجا فراهم است یا دسترسی به آموزش کوتاه‌مدت بهتر انجام می‌شود.

در بخش سایر خدمات تعلیمی، نیازها نیز نشان‌دهنده کمبودهای خاص است: ایجاد پوهنتون، تعمیر مدارس، تأمین معلم مسلکی، کتاب و تجهیزات تکنالوژی، که در ولسوالی‌های با درصد بالای نیاز (فرزه، شکر دره، سروبی) بیشترین اهمیت را دارد. مناطقی که درصد پایین دارند (گل دره، میر بچه کوت) احتمالاً دارای مدارس، معلم و تجهیزات حداقلی هستند و نیاز فوری کمتری دارند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ولسوالی‌هایی با درصد بالای نیاز (فرزه، سروبی، شکر دره، خاک جبار، کلکان و چهار آسیاب) نیازمند توجه فوری برای تأسیس و توسعه خدمات آموزشی هستند، در حالی که ولسوالی‌های با درصد پایین‌تر (گل دره، میر بچه کوت، موسهی، استالف) وضعیت نسبی بهتری دارند و خدمات موجود به صورت محدود پاسخگوی نیازهاست. این تحلیل به برنامه‌ریزی هدفمند و اولویت‌بندی منابع برای رفع کمبودهای آموزشی کمک می‌کند.



گراف 15: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

9.8.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

تحلیل گراف (16)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کابل پراکنده‌گی قابل توجهی دارد و می‌توان با توجه به درصدها مناطقی که کمبود شدید خدمات دارند و مناطقی که خدمات نسبی موجود است را مشخص کرد.

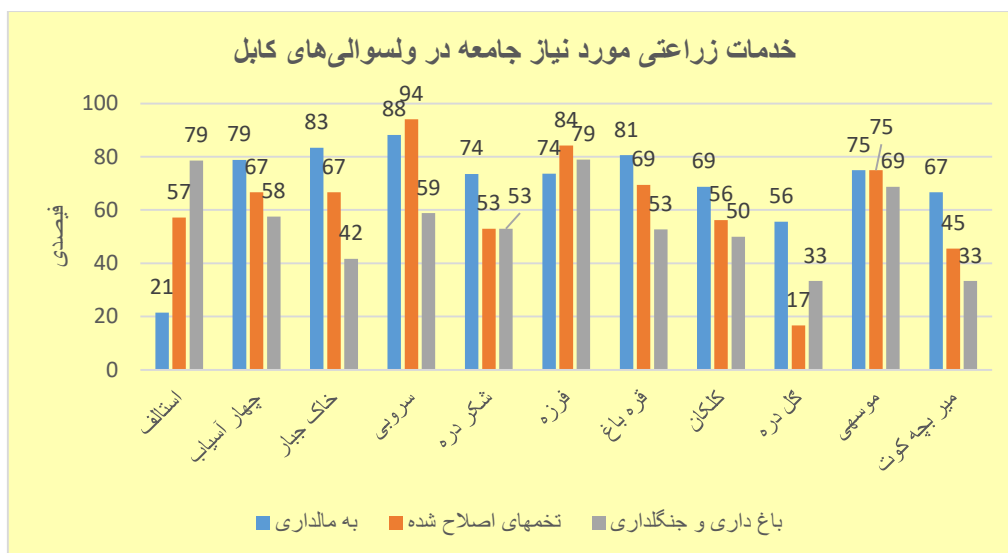
در بخش مالداری، بیشترین نیاز در ولسوالی‌های سروبی (88٪)، خاک جبار (83٪) و قره باغ (81٪) مشاهده می‌شود، که بیانگر کمبود امکانات، دارو و تجهیزات برای دامداری در این مناطق است و ضرورت فوری برای تأمین خدمات مربوطه وجود دارد. استالف (21٪) کمترین نیاز را دارد که احتمالاً به معنی وجود خدمات نسبی مالداری در آن ولسوالی است.

در زمینه تخم‌های اصلاح شده، بالاترین نیاز در ولسوالی سروبی (94٪)، فرزه (84٪) و خاک جبار و چهار آسیاب (67٪) دیده می‌شود، نشان‌دهنده کمبود بذر با کیفیت و ضرورت فراهم کردن تخم اصلاح شده برای افزایش تولید است. ولسوالی گل دره (17٪) و میر بچه کوت (45٪) نیاز کمتری دارند که احتمالاً این خدمات در آن مناطق موجود است.

در بخش باغداری و جنگلداری، نیاز شدید در استالف (79٪)، فرزه (79٪) و سروبی (59٪) مشاهده می‌شود، در حالی که ولسوالی‌های گل دره (33٪) و میر بچه کوت (33٪) کمترین نیاز را دارند. این امر نشان می‌دهد که در برخی ولسوالی‌ها خدمات مشاوره‌ای، ابزار باغداری و مدیریت جنگل‌ها ناکافی است.

در بخش سایر خدمات زراعتی، نیازها متنوع و شامل سردخانه‌ها، ماشین‌آلات مدرن زراعتی، ادویه و کلینیک حیوانی، آب زراعتی، آموزش مسلکی و بازار یابی محصولات است. ولسوالی‌های سروبی، فرزه و خاک جبار نیاز بیشتری به این خدمات دارند، در حالی که استالف و گل دره نیاز نسبی کمتری دارند، که نشان می‌دهد خدمات موجود در آنجا تا حدی کفایت می‌کند.

به طور کلی، ولسوالی‌هایی با درصد بالای نیاز (سروبی، فرزه، خاک جبار، چهار آسیاب، قره باغ) کمبود شدید خدمات زراعتی دارند و باید در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرند. ولسوالی‌هایی با درصد پایین‌تر (استالف، گل دره، میر بچه کوت) خدمات نسبی موجود دارند و نیاز فوری کمتر است. این تحلیل کمک می‌کند تا منابع و امکانات زراعتی به صورت هدفمند و متوازن در سراسر ولایت کابل توزیع شود.



گراف 16: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

10.8.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

تحلیل گراف (17)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کابل بسیار متفاوت است و می‌توان با توجه به درصدها مناطق با کمبود شدید خدمات و مناطق با دسترسی نسبی را مشخص کرد.

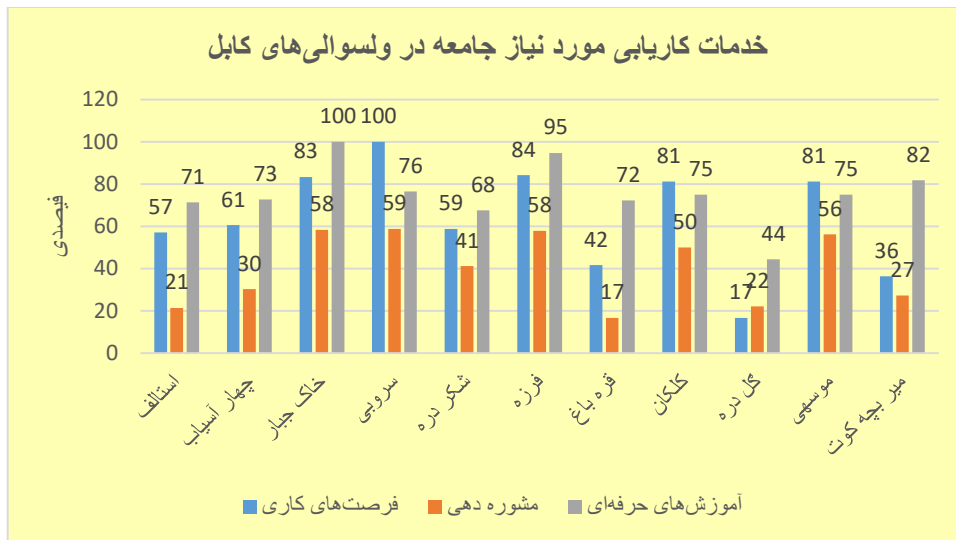
در بخش فرصت‌های کاری، بالاترین نیاز در ولسوالی سروبی (100٪)، فرزه (84٪) و خاک جبار (83٪) مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده کمبود شدید فرصت‌های شغلی در این مناطق است و ضرورت فوری برای ایجاد فرصت‌های کاری وجود دارد. در مقابل، گل دره (17٪) و میر بچه کوت (36٪) نیاز کمتری دارند که احتمالاً به معنای وجود فرصت‌های شغلی نسبی یا دسترسی بهتر به بازار کار است.

در بخش مشوره‌دهی نیز بیشترین نیاز در سروبی (59٪)، خاک جبار و فرزه (58٪) دیده می‌شود، در حالی که قره باغ (17٪) و استتالف (21٪) کمترین نیاز را دارند. این نشان می‌دهد که بسیاری از مردم در ولسوالی‌هایی با درصد بالای نیاز به مشاوره شغلی، راهنمایی برای ورود به بازار کار و مهارت‌های شغلی دسترسی ندارند.

در زمینه آموزش‌های حرفه‌ای، نیاز شدید در خاک جبار (100٪)، فرزه (95٪) و سروبی (76٪) وجود دارد، که نشان‌دهنده کمبود دوره‌های فنی، حرفه‌ای و مهارت‌آموزی در این مناطق است. در مقابل، گل دره (44٪) نیاز کمتری دارد که احتمالاً خدمات آموزش حرفه‌ای در آنجا تا حدی فراهم است.

در بخش سایر خدمات کاربایی، نیازها شامل ایجاد زمینه کار، کورس‌های فنی و حرفه‌ای، بازاریابی صنایع دستی و حتی ایجاد فابریکه‌هاست. مناطقی مانند چهار آسیاب، شکر دره، کلکان و موسی به ایجاد زمینه کاری فوری نیاز دارند، در حالی که استتالف و قره باغ کمترین نیاز را نشان می‌دهند.

جمع‌بندی: ولسوالی‌هایی با درصد بالای نیاز (سروبی، فرزه، خاک جبار، کلکان و موسی) کمبود شدید خدمات کاربایی دارند و باید در اولویت برنامه‌های توسعه شغلی قرار گیرند، در حالی که ولسوالی‌هایی با درصد پایین‌تر (گل دره، میر بچه کوت، قره باغ و استتالف) خدمات نسبی موجود دارند و نیاز فوری کمتری دارند. این تحلیل کمک می‌کند تا منابع و فرصت‌های شغلی به صورت هدفمند و متوازن در سراسر ولایت کابل توزیع شود.



گراف 17: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

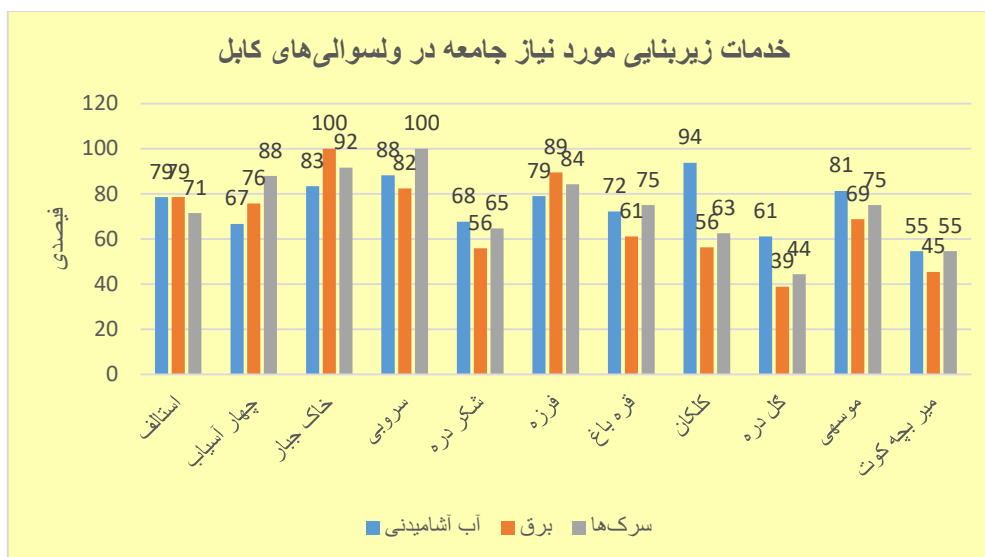
11.8.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

تحلیل گراف (18)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کابل بسیار بالا و پراکنده است و مناطق مختلف با کمبودهای متفاوتی مواجه هستند. در بخش آب آشامیدنی، بیشترین نیاز در کلکان (94٪)، سروبی (88٪) و خاک جبار (83٪) مشاهده می‌شود، که نشان‌دهنده کمبود دسترسی به آب سالم در این ولسوالی‌هاست و ضرورت فوری برای تأمین منابع آب آشامیدنی وجود دارد. ولسوالی‌هایی مانند میر بچه کوت (55٪) و گل دره (61٪) نیاز کمتری دارند که احتمالاً خدمات آب نسبی موجود است.

در زمینه برق، خاک جبار (100٪)، فرزه (89٪) و سروبی (82٪) بالاترین درصد نیاز را دارند و کمبود شبکه برق‌رسانی یا ناپیوستگی خدمات برق را نشان می‌دهد. در مقابل، گل دره (39٪) و میر بچه کوت (45٪) کمترین نیاز را دارند که به معنای دسترسی نسبی به برق است. در بخش سرک‌ها، نیاز شدید در سروبی (100٪)، خاک جبار (92٪) و چهار آسیاب (88٪) دیده می‌شود، که بیانگر وضعیت نامطلوب جاده‌ها و مسیرهای دسترسی در این مناطق است. سایر ولسوالی‌ها مانند گل دره (44٪) و میر بچه کوت (55٪) نیاز کمتری دارند، که احتمالاً جاده‌ها در آنجا وضعیت نسبی بهتری دارند.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، نیازها متنوع و شامل اعمار بند آب، دیوارهای استنادی، پل‌ها، سردخانه، فابریکه‌ها و کانال‌های آبیاری است. ولسوالی‌هایی مانند سروبی، خاک جبار و کلکان بیشترین کمبودها را دارند و نیازمند اقدامات فوری برای توسعه زیرساخت‌ها هستند. مناطقی مانند استاناف و گل دره خدمات موجود یا محدودیت کمتری دارند، ولی همچنان نیازمند توجه هستند.

به‌طور کلی، ولسوالی‌هایی با درصد بالای نیاز (سروبی، خاک جبار، کلکان، فرزه و چهار آسیاب) کمبود شدید در آب آشامیدنی، برق، سرک و سایر زیرساخت‌ها دارند و باید در اولویت برنامه‌های توسعه زیربنایی قرار گیرند. ولسوالی‌هایی با درصد پایین‌تر (گل دره، میر بچه کوت) خدمات نسبی دارند و نیاز فوری کمتری دارند. این تحلیل می‌تواند به برنامه‌ریزی هدفمند برای توزیع منابع و توسعه زیرساخت‌ها در سراسر ولایت کابل کمک کند.



گراف 18: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

12.8.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

تحلیل گراف (19)، اولویت‌دهی خدمات نشان می‌دهد که ولسوالی‌های ولایت کابل با کمبودهای متفاوت اما عمدتاً زیربنایی روبه‌رو هستند و درصدهای بلند بیانگر نبود یا ناکافی بودن خدمات در آن مناطق است. در ولسوالی‌های پغمان (44٪)، بگرامی (40٪)، سروبی (40٪)، چهار آسیاب (39٪)، خاک جبار (38٪) و میربچه کوت (36٪)، سرک‌ها به‌عنوان اولویت اول یا دوم مطرح شده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نامناسب راه‌های مواصلاتی، محدودیت دسترسی به بازار، مراکز صحتی و تعلیمی و انزوای نسبی این مناطق است. این امر تأکید می‌کند که بدون بهبود شبکه سرک‌ها، سایر خدمات نیز کارایی لازم را نخواهند داشت.

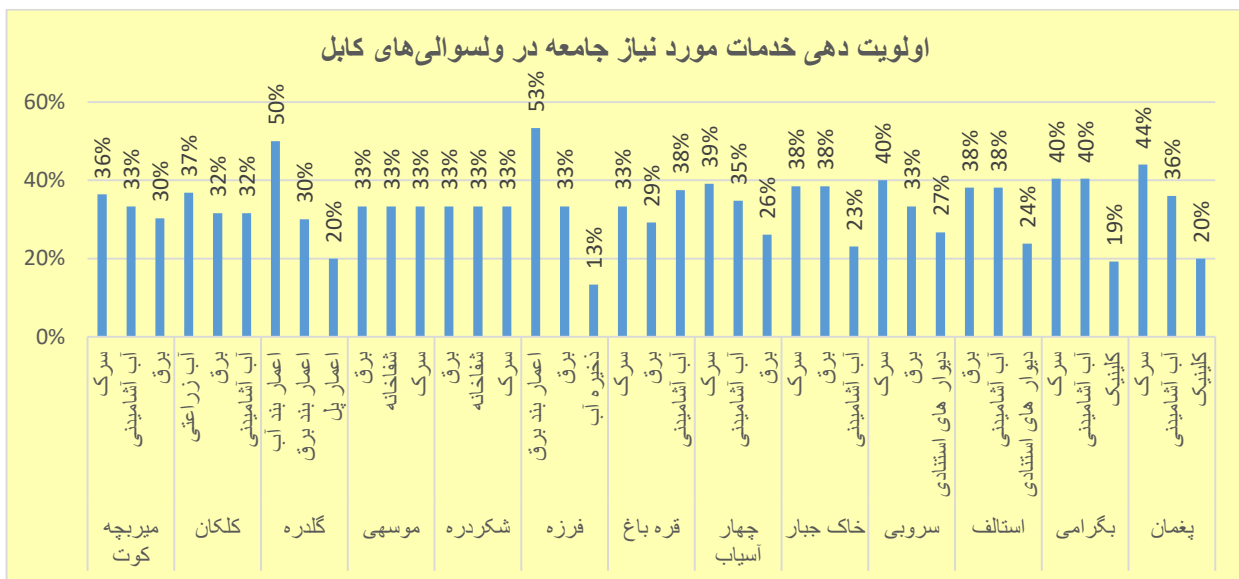
در بخش آب آشامیدنی، ولسوالی‌های بگرامی (40٪)، قره باغ (38٪)، استانف (38٪)، چهار آسیاب (35٪) و پغمان (36٪) بالاترین اولویت را نشان می‌دهند که بیانگر کمبود آب سالم و مشکلات صحتی ناشی از استفاده از منابع آلوده است. همچنان در کلکان، آب زراعتی و آب آشامیدنی هر دو با درصد بالا مطرح شده‌اند که نشان‌دهنده فشار هم‌زمان بر منابع آب برای مصارف زراعتی و خانگی می‌باشد. در زمینه برق، ولسوالی‌های فرزه (53٪ اعمار بند برق)، خاک جبار (38٪)، استانف (38٪)، موسهی و شکر دره (هرکدام 33٪) بیشترین نیاز را دارند. این موضوع نشان می‌دهد که کمبود برق نه تنها زندگی روزمره مردم را مختل کرده، بلکه مانع رشد اقتصادی، توسعه صنایع کوچک و خدمات عامه نیز شده است. در برخی مناطق مانند گلدره و فرزه، تأکید ویژه بر اعمار بند برق و بند آب بیانگر نیاز به راه‌حل‌های پایدار و تولید محلی انرژی و مدیریت منابع آب است.

در ولسوالی‌های موسهی و شکر دره، توازن مساوی بین برق، سرک و شفاخانه (هر کدام 33٪) دیده می‌شود که نشان می‌دهد این مناطق با کمبود چندبعدی روبه‌رو هستند و نیازها تنها به یک بخش محدود نمی‌شود، بلکه توسعه هم‌زمان زیرساخت و خدمات صحتی در آن‌ها حیاتی است. همچنان در بگرامی و پغمان، قرار گرفتن کلینیک در اولویت سوم (۱۹٪ تا ۲۰٪) نشان‌دهنده دسترسی ناکافی به خدمات صحتی اولیه در کنار مشکلات زیربنایی است.

ولسوالی‌هایی مانند سروبی، خاک جبار، چهار آسیاب، بگرامی و پغمان دارای کمبود شدید زیربنایی بوده و باید در اولویت نخست برنامه‌های انکشافی قرار گیرند.

ولسوالی‌های فرزه و گلدره نیازمند سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ و پایدار مانند بندهای آب و برق هستند. در موسهی، شکر دره، بگرامی و پغمان، توسعه زیرساخت بدون تقویت خدمات صحتی پاسخگوی نیاز جامعه نخواهد بود.

به‌طور کلی، گراف نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات بر اساس نیاز واقعی مردم انجام شده و تمرکز اصلی باید بر بهبود سرک‌ها، تأمین آب و برق پایدار و تکمیل خدمات صحتی باشد تا زمینه توسعه متوازن و پایدار در ولسوالی‌های ولایت کابل فراهم گردد.



گراف 19: اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کابل

9.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت ننگرهار

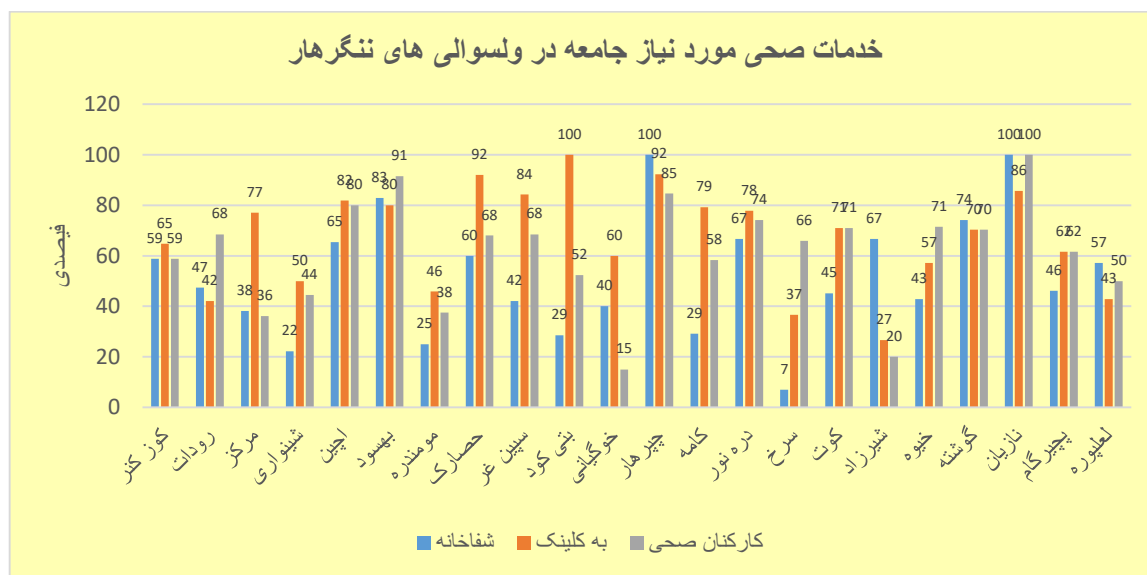
یافته‌ها نشان می‌دهد که وضعیت موجود خدمات در ولایت ننگرهار بازتاب‌دهنده خدمات نامتوازن بر جامعه است که ریشه در تمرکز جمعیت، تفاوت‌های جغرافیایی و ضعف زیربنای دارد. در حال حاضر، ولسوالی‌هایی مانند مرکز جلال‌آباد با بیش از ۵۳۶ هزار نفر نیازمند با ازدحام نفوس، مهاجرت داخلی و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی روبه‌رو اند؛ در نتیجه، خدمات صحتی، تعلیمی و کاریابی در این مرکز به‌گونه دوامدار تحت فشار قرار دارد و پاسخ‌گویی به تقاضاها دشوار شده است. در سوی دیگر، بهسود با حدود ۶۷۶ هزار نفر به‌عنوان پرنفوس‌ترین ولسوالی، به دلیل ماهیت روستایی و وابستگی شدید مردم به زراعت و مالداری، با کمبود گسترده خدمات زراعتی، کاریابی و زیربنایی مواجه است که این وضعیت مستقیماً بر معیشت خانواده‌ها و امنیت غذایی تأثیر منفی می‌گذارد. همچنان اچین با بیش از ۳۸۱ هزار نفر، به علت محدودیت فرصت‌های کاری و ضعف زیرساخت‌ها، با خطر افزایش بیکاری، فقر و نارضایتی اجتماعی روبه‌رو است. ولسوالی‌های متوسط مانند چپرهار اگرچه جمعیت کمتری دارند، اما بلند بودن فیصدی نیاز در بخش‌های زراعتی و زیربنایی نشان می‌دهد که کمبود خدمات در این مناطق به‌گونه شدید احساس می‌شود و حتی پروژه‌های کوچک می‌تواند تأثیر بزرگ داشته باشد. در مقابل، ولسوالی‌های کم‌نفوس مانند خویه با وجود تعداد اندک نیازمندان، به دلیل انزوای و دسترسی محدود، همچنان به خدمات اساسی مانند آب، برق و زراعت نیاز حیاتی دارند. اگر وضعیت موجود بدون اقدامات هدفمند ادامه یابد، پیامدهایی چون افزایش فقر، مهاجرت به مراکز شهری، فشار بیشتر بر خدمات جلال‌آباد و تشدید نابرابری میان ولسوالی‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ اما در صورت تغییر مثبت و سرمایه‌گذاری مبتنی بر داده‌ها، یعنی تمرکز هم‌زمان بر حجم نفوس نیازمند و شدت نیاز هر خدمت، می‌توان با اولویت‌بندی درست، توسعه متوازن، بهبود کیفیت زندگی و ثبات اجتماعی و اقتصادی پایدار را در سطح ولایت ننگرهار فراهم ساخت.

1.9.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه ننگرهار

با تحلیل گراف (20)، می‌توان گفت که وضعیت خدمات صحتی در ولسوالی‌های ولایت ننگرهار بازتاب‌دهنده نابرابری آشکار در دسترسی به مراقبت‌های صحتی و تمرکز نامتوازن امکانات است. بلند بودن سطح نیاز به شفاخانه در ولسوالی‌هایی مانند چپرهار، نازیان، بهسود و گوشته نشان می‌دهد که به‌گونه بسیار بلند (تا ۱۰۰ درصد) احساس می‌شود که بیانگر کمبود شدید مراکز بستردار صحتی است. و یا مجبور اند برای تداوی بیماری‌های جدی مسافت‌های طولانی را به مرکز ولایت یا ولسوالی‌های همجوار طی کنند. این موضوع نه تنها سبب افزایش مصارف خانواده‌ها

می‌گردد، بلکه در موارد عاجل، خطر مرگ‌ومیر را نیز بالا می‌برد. در مقابل، پایین بودن ارقام در برخی ولسوالی‌ها الزاماً به معنای کفایت خدمات نیست، بلکه ممکن است ناشی از دسترسی محدود مردم به خدمات موجود و یا پایین بودن سطح مراجعه به مراکز صحتی باشد. در بخش کلینیک‌ها و کارکنان صحتی، جدول نشان می‌دهد که کمبود نیروی بشری یکی از اساسی‌ترین مشکلات نظام صحتی ننگرها است. حتی در ولسوالی‌هایی که کلینیک وجود دارد، نبود داکتران، قابله‌ها و کارکنان مسلکی باعث کاهش کیفیت خدمات شده است. این مشکل به‌ویژه در مناطق دورافتاده مانند خوگیانی، شیرزاد و کوت بیشتر محسوس است؛ جایی که جذب و حفظ کارکنان صحتی دشوار می‌باشد. همچنان تفاوت چشم‌گیر میان نیاز به کلینیک و نیاز به کارکنان صحتی در برخی ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که ایجاد تأسیسات جدید بدون تأمین نیروی انسانی متخصص، نمی‌تواند پاسخگوی نیاز واقعی مردم باشد.

از نگاه سایر خدمات صحتی، تکرار نیاز به ادویه‌جات، آمبولانس، لابراتوارهای مجهز و تیم‌های صحتی سیار بیانگر آن است که خدمات صحتی موجود بیشتر حالت ابتدایی و محدود دارد و قادر به پاسخگویی به بیماری‌های پیچیده و حالات عاجل نیست. تأکید گسترده بر خدمات نسایی‌ولادی، قابله‌های انائیه و کارکنان زن، نشان‌دهنده حساسیت فرهنگی و ضرورت دسترسی مصون زنان به خدمات صحتی است که در صورت نبود آن، میزان مرگ‌ومیر مادران و اطفال افزایش می‌یابد. همچنان نیاز به آگاهی‌دهی حفظ‌الصحه و واکسین در بسیاری از ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که پیشگیری از بیماری‌ها هنوز جایگاه لازم را در نظام صحتی این ولایت پیدا نکرده است. در مجموع، این تحلیل روشن می‌سازد که بهبود وضعیت صحتی در ننگرها مستلزم سرمایه‌گذاری هدفمند، برنامه‌ریزی مبتنی بر نیاز هر ولسوالی و هماهنگی میان زیرساخت، نیروی انسانی و خدمات حمایتی می‌باشد.



گراف 20: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های ننگرها

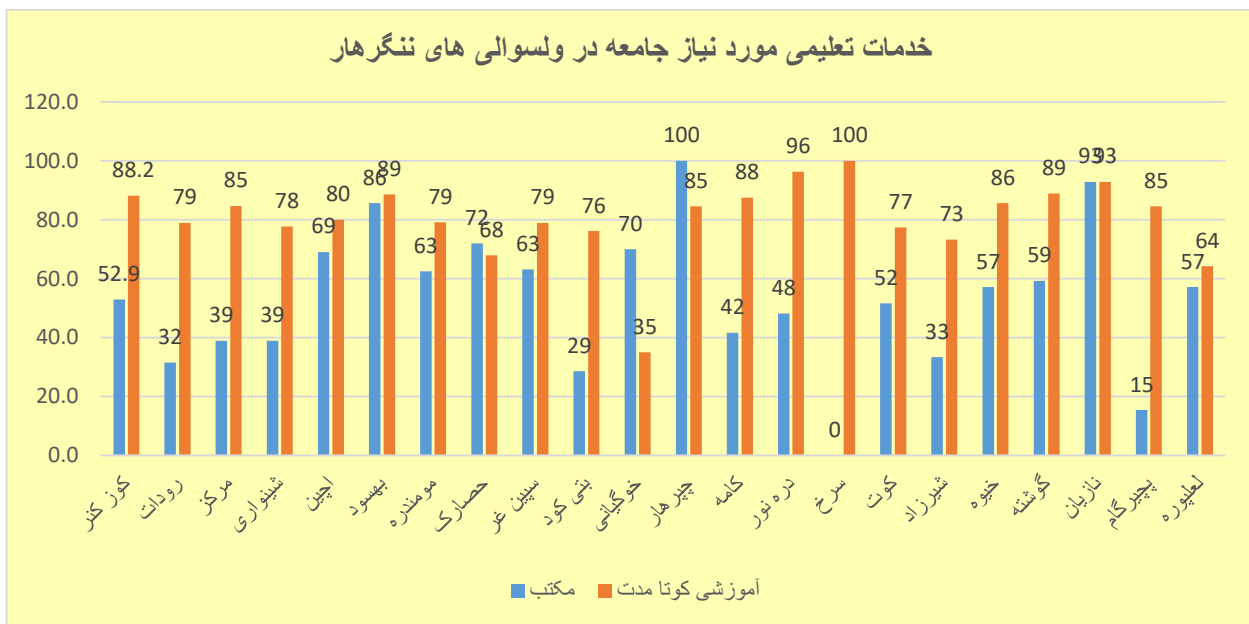
2.9.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه ننگرها

گراف (21)، نشان می‌دهد که وضعیت تعلیم و تربیه در ولسوالی‌های ولایت ننگرها بازتاب‌دهنده ترکیبی از کمبود زیرساخت، ضعف کیفیت آموزشی و نیاز جدی به آموزش‌های بدیل و غیررسمی است. بلند بودن نیاز به ایجاد مکتب در ولسوالی‌هایی مانند چپرهار، نازیان، بهبود، حصاری و خوگیانی نشان می‌دهد که رشد نفوس، پراکندگی جغرافیایی قریه‌ها و تخریب یا نبود تعمیرهای معیاری مکتب باعث شده است شمار زیادی از اطفال، از رفتن به مکتب باز بمانند یا آموزش خود را در شرایط نامناسب دنبال کنند. در برخی ولسوالی‌ها مانند مرکز و رودات، هرچند مکاتب وجود دارد، اما سطح بالای نیاز هنوز هم بیانگر ازدحام شاگردان، فرسودگی تعمیرها و کمبود صنوف درسی است.

در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، بلند بودن ارقام تقریباً در تمام ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که جامعه به‌طور فزاینده‌ای به سوادآموزی بزرگ‌سالان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارت‌های کاربردی نیاز دارد؛ نیازی که ریشه در بیکاری، فقر و مهاجرت دارد. این نوع

آموزش‌ها به‌ویژه برای جوانانی که از نظام رسمی مکتب بازمانده‌اند و همچنان برای زنان، اهمیت حیاتی دارد و می‌تواند زمینه اشتغال، خودکفایی و کاهش وابستگی اقتصادی خانواده‌ها را فراهم سازد.

در بخش سایر خدمات تعلیمی، تکرار نیاز به اعمار و ترمیم تعمیرهای مکتب، کمبود معلمان مسلکی، مواد و کتاب‌های درسی، کمیوتر لب، کتابخانه و لابراتوارهای تعلیمی نشان می‌دهد که مشکل اصلی تنها دسترسی به تعلیم نیست، بلکه کیفیت آموزش نیز به‌شدت آسیب‌پذیر است. تأکید بر ایجاد مکاتب و مدارس دینی انائیه، کورس‌های سوادآموزی و برنامه‌های ارتقای ظرفیت معلمان بیانگر حساسیت‌های فرهنگی و ضرورت ایجاد محیط امن و قابل قبول برای آموزش دختران می‌باشد. در مجموع، این تحلیل روشن می‌سازد که بهبود وضعیت تعلیم در ولایت ننگرهار نیازمند یک رویکرد همه‌جانبه است که در آن توسعه زیرساخت‌های تعلیمی، تقویت نیروی بشری، گسترش آموزش‌های کوتاه‌مدت و توجه ویژه به کیفیت و شمولیت آموزشی به‌گونه هم‌زمان در نظر گرفته شود.



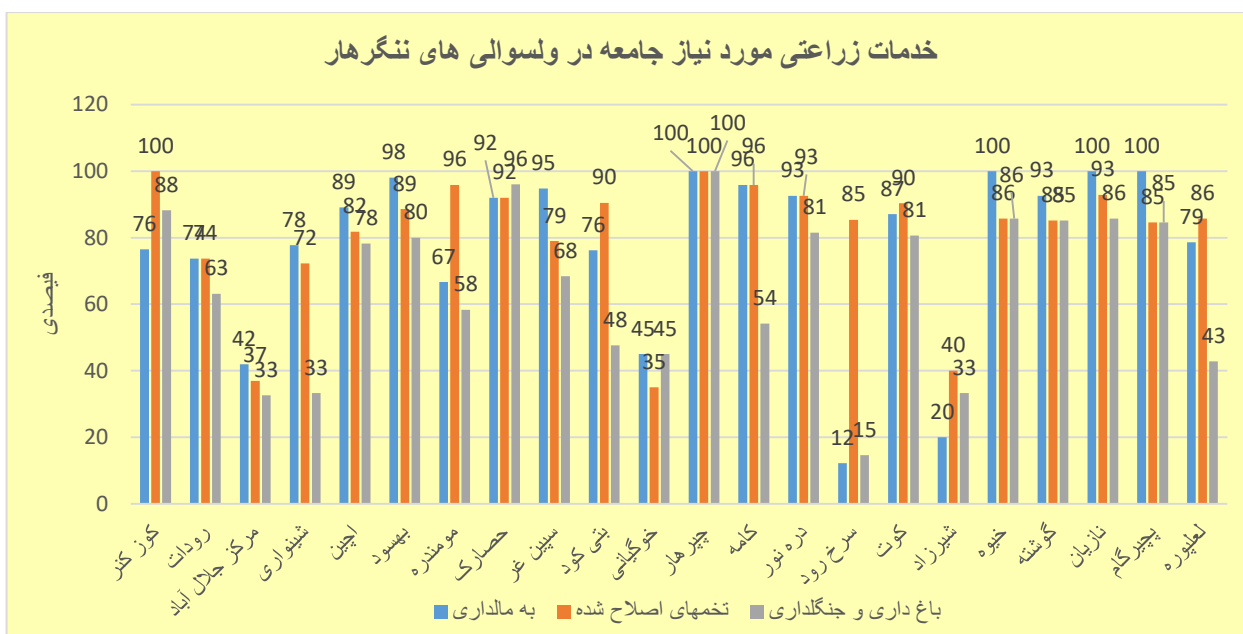
گراف 21: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های ننگرهار

3.9.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه ننگرهار

بررسی گراف (22)، نشان می‌دهد که ساختار معیشتی ولسوالی‌های ولایت ننگرهار به‌گونه غالب بر زراعت و مالداری استوار است؛ به همین دلیل، در اکثر ولسوالی‌ها میزان نیاز به مالداری، تخم‌های اصلاح شده و باغداری در سطح بلند (۸۰ تا ۱۰۰ فیصد) قرار دارد. این فیصدی‌های بلند بیانگر آن است که بخش بزرگی از نفوس مستقیماً از زمین، آب زراعتی و حیوانات امرار معاش می‌نمایند و هرگونه بهبود در کیفیت نهاده‌ها، تکنالوژی و خدمات حمایتی می‌تواند تأثیر مستقیم بر امنیت غذایی، افزایش عواید دهقانان و کاهش فقر داشته باشد. تفاوت فیصدی‌ها میان ولسوالی‌ها همچنان نشان‌دهنده تفاوت در شرایط اقلیمی، دسترسی به آب، وسعت زمین‌های زراعتی، سطح آگاهی دهقانان و میزان دسترسی به خدمات امارتی و غیر امارتی می‌باشد.

در بخش باغداری و جنگلداری، بلند بودن فیصدی نیاز در ولسوالی‌هایی مانند چپرهار، حصارک، خوگیانی و برخی مناطق دیگر، بیانگر ظرفیت بالقوه این ولسوالی‌ها در تولید میوه‌جات و حفظ پوشش نباتی است، در حالی که فیصدی‌های پایین‌تر در بعضی ولسوالی‌ها می‌تواند ناشی از کمبود زمین، محدودیت منابع آب یا تخریب جنگلات باشد. همچنان، بخش «سایر خدمات زراعتی» که تقریباً در تمام ولسوالی‌ها شامل اعمار کانال‌ها و سربندهای آبیاری، توزیع کود کیمیاوی و ادویه‌جات زراعتی، ایجاد گلخانه‌ها و

سردخانه‌ها، ماشین‌آلات عصری، کلینیک‌های حیوانی و بازاریابی محصولات می‌شود، نشان می‌دهد که مشکل اساسی تنها تولید نیست، بلکه نبود زیربناها، خدمات تخنیکی و سیستم‌های نگهداری و فروش محصولات نیز چالش جدی به حساب می‌آید. در مورد مرکز جلال‌آباد، پایین‌تر بودن فیصدی نیازهای زراعتی نسبت به اکثر ولسوالی‌ها به‌گونه منطقی می‌تواند ناشی از ماهیت شهری و تجارتي این ساحه باشد. تمرکز فعالیت‌های اقتصادی بر تجارت، خدمات، ترانسپورت و بازار باعث شده است که زمین‌های زراعتی محدود بوده و بخش قابل توجهی از نفوس مستقیماً در زراعت دخیل نباشند؛ از همین‌رو، نیاز به خدماتی مانند مالداري، باغداری و تخم‌های اصلاح‌شده در مقایسه با ولسوالی‌های روستایی کمتر انعکاس یافته است. با آن‌هم، نوع نیازهای مطرح‌شده برای مرکز جلال‌آباد بیشتر جنبه تکمیلی و حمایتی دارد، از جمله ماشین‌آلات عصری زراعتی، سردخانه، پرس میوه‌جات، کلینیک‌های حیوانی و عرضه کود و ادویه‌جات زراعتی، که این امر نشان می‌دهد جلال‌آباد بیشتر نقش مرکز تجمع، پرسوس، بازاریابی و توزیع محصولات زراعتی ولسوالی‌های اطراف را ایفا می‌نماید. در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که توسعه متوازن سکتور زراعت در ننگرهار مستلزم توجه هم‌زمان به نیازهای تولیدی ولسوالی‌های روستایی و نقش حمایتی، تجارتي و لوژستیک مرکز جلال‌آباد می‌باشد.



گراف 22: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های ننگرهار

4.9.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه ننگرهار

گراف (23)، نشان می‌دهد که نیازهای جامعه ننگرهار به فرصت‌های کاری و خدمات مرتبط با اشتغال در ولسوالی‌های مختلف، چندوجهی و متنوع است. **خدمات کاریابی**، این خدمات در تقریباً تمام ولسوالی‌ها از میزان متوسط تا بالا مورد نیاز است، با تمرکز بیشتر در اچین (93٪)، بہسود (91٪)، پچیرگام (92٪) و شینواری (78٪). این ارقام نشان می‌دهد که جوانان در این ولسوالی‌ها بیش از سایر مناطق دسترسی به فرصت‌های شغلی واقعی و ملموس نیاز دارند. در مقابل، ولسوالی‌هایی مانند خوگیانی (20٪) و سرخ (7٪) نیاز پایین‌تری به خدمات کاریابی دارند که می‌تواند ناشی از محدودیت جمعیت یا فعالیت اقتصادی کمتر باشد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های کاریابی نمی‌توانند یکسان برای همه ولسوالی‌ها طراحی شوند و باید متناسب با جمعیت و ظرفیت اقتصادی هر منطقه تنظیم گردند.

مشوره‌دهی: در این بخش، نیاز به مشوره‌دهی شغلی کمتر است و در برخی ولسوالی‌ها تقریباً صفر است، مانند سرخ رود (0٪) و بتی کود (5٪). پایین بودن درصد مشوره‌دهی نشان می‌دهد که این خدمت هنوز به‌عنوان یک نیاز فوری درک نشده یا ساختارهای منظم مشوره‌دهی شغلی وجود ندارد.

با این حال، در ولسوالی‌هایی مانند اچین (62٪) و مومندره (38٪) نیاز به مشوره‌دهی نسبتاً بیشتر است و نشان‌دهنده علاقه جوانان به دریافت راهنمایی در زمینه اشتغال و توسعه مهارت‌ها است. تقویت مراکز مشوره‌دهی می‌تواند مسیرهای آموزشی مناسب‌تر را برای جوانان فراهم کرده و از اتلاف وقت و منابع جلوگیری کند.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: آموزش‌های حرفه‌ای بالاترین نیاز را در همه ولسوالی‌ها دارند. در برخی مناطق، مانند کامه (100٪)، سپین غر (95٪)، خوگیانی (95٪) و پچیرگام (100٪)، این نیاز به اوج خود می‌رسد. این موضوع نشان می‌دهد که توانمندسازی جوانان از طریق مهارت‌آموزی عملی، بخش حیاتی برنامه‌های اشتغال در ننگرهار است.

سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توسعه ظرفیت‌های مهارتی می‌تواند تأثیر مستقیم بر کاهش بیکاری داشته باشد. مردم، به ویژه جوانان، به دنبال آموزش‌هایی هستند که آنان را به بازار کار و صنایع عملی مانند کارخانه‌ها، خدمات ساختمانی و فنی متصل کند. این امر نشان می‌دهد که هر برنامه کاریابی بدون محوریت آموزش‌های مهارتی، پایداری لازم را نخواهد داشت.

سایر خدمات کاریابی و اقدامات حمایتی عملی: این بخش شامل اقدامات عملی برای ایجاد شغل و حمایت اقتصادی است. در بسیاری از ولسوالی‌ها، ارائه قرضه‌های کوچک، ایجاد کارخانه‌ها و فابریک‌ها و فراهم نمودن زمینه کار برای جوانان اولویت دارد. رودات و اچین: ایجاد کارخانه‌ها و فابریک‌ها برای ایجاد فرصت‌های شغلی.

شینواری و مومندره: تمرکز بر ارائه قرضه‌های کوچک و بزرگ جهت فراهم نمودن زمینه کار.

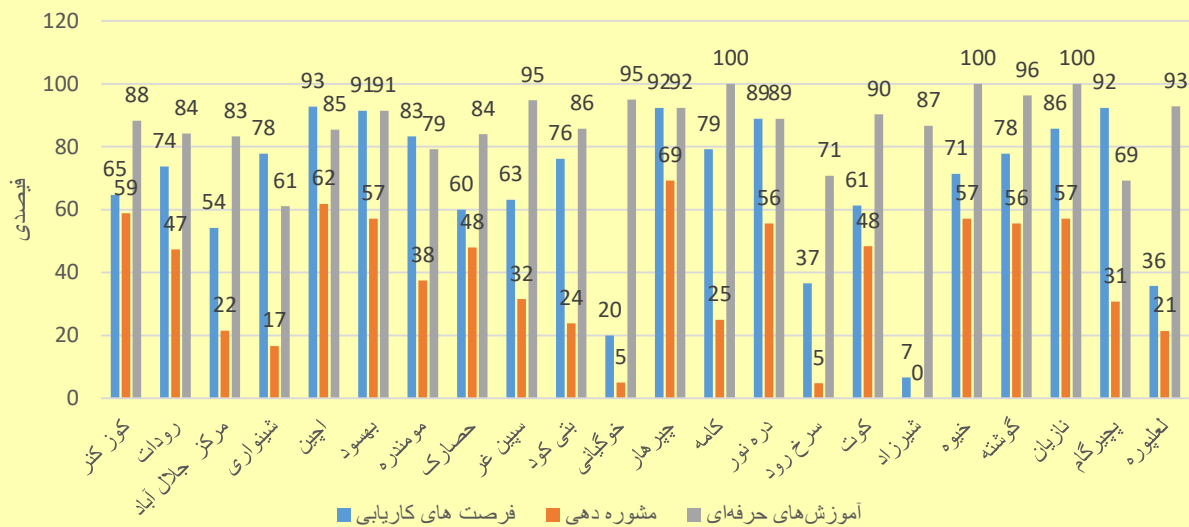
لعل‌پوره: توسعه فابریک‌های تولیدی و کارخانه‌ها به عنوان راهکار اصلی.

این اقدامات نشان می‌دهد که برای رفع نیازهای شغلی، صرفاً آموزش کافی نیست و اقدامات عملی اقتصادی و حمایتی نیز لازم است تا فرصت‌های واقعی شغلی برای جوانان فراهم گردد.

شکل ارائه شده نشان می‌دهد: آموزش‌های حرفه‌ای و مهارت‌آموزی بیشترین نیاز را در همه ولسوالی‌ها دارند. خدمات کاریابی و ایجاد فرصت‌های شغلی، به ویژه در ولسوالی‌های پرجمعیت یا دارای مشکلات اقتصادی، حیاتی هستند. مشوره‌دهی نسبتاً کمتر مورد توجه است، اما در مناطقی که نیاز بالاتر است، می‌تواند مکمل آموزش و کاریابی باشد. اقدامات حمایتی عملی مانند ایجاد کارخانه و ارائه قرضه برای جوانان نقش کلیدی در اشتغال‌زایی دارند و بدون آن‌ها، حتی آموزش و مشاوره به تنهایی نمی‌تواند نیازهای واقعی جامعه را پوشش دهد.

در نهایت، برنامه‌ریزی اشتغال در ننگرهار باید منطقه‌ای و مبتنی بر ظرفیت و نیازهای خاص هر ولسوالی باشد و ترکیبی از آموزش، مشاوره و اقدامات عملی اقتصادی را شامل شود.

خدمات کاریبایی مورد نیاز جامعه ولسوالی های ننگرهار



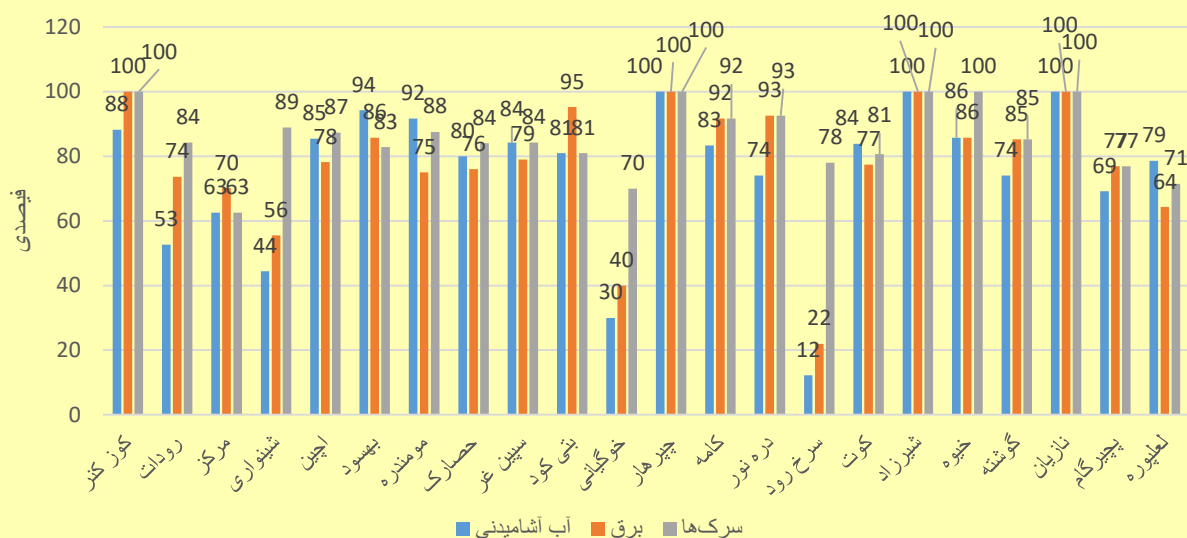
گراف 23: خدمات کاریبایی مورد نیاز جامعه ولسوالی های ننگرهار

5.9.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه ننگرهار

گراف (24)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی های مختلف ولایت ننگرهار بسیار بلند و حیاتی است، اما شدت آن از ولسوالی به ولسوالی تفاوت دارد. به طور نمونه، در بخش آب آشامیدنی ولسوالی های مانند چپرهار، شیرزاد و نازیان با ۱۰۰ فیصد نیاز در صدر قرار دارند که نشان دهنده کمبود جدی آب صحتی و اتکای مردم به منابع غیرمعیاری می باشد؛ در مقابل، ولسوالی سرخ رود با ۱۲ فیصد نیاز کمتر را نشان می دهد که می تواند ناشی از دسترسی نسبی بهتر به شبکه های آبرسانی باشد. در بخش برق، ولسوالی های کوزکنر، چپرهار، شیرزاد و نازیان با ۱۰۰ فیصد نیاز، بیانگر نبود یا ناپایداری شدید انرژی برق است، در حالی که ولسوالی های مانند خوگیانی با ۴۰ فیصد و سرخ رود با ۲۲ فیصد نیاز پایین تری را گزارش کرده اند. همچنان، در بخش سرک ها، نیاز به صورت گسترده احساس می شود؛ به گونه مثال، ولسوالی های کوزکنر، چپرهار، شیرزاد، خیوه و نازیان با ۱۰۰ فیصد نیاز نشان می دهند که وضعیت نامناسب راه های مواصلاتی و اهمیت آن برای دسترسی به بازار، خدمات صحتی و تعلیمی را برجسته می سازد، در حالی که ولسوالی مرکز جلال آباد با ۶۳ فیصد نیاز، وضعیت نسبتاً بهتر اما هنوز ناکافی را نشان می دهد.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، تنوع و تکرار نیازها بیانگر عمق مشکلات ساختاری است؛ برای نمونه، در ولسوالی های اچین و بهسود تمرکز بر ترمیم سرک ها، اعمار سربندها، شبکه های آب و برق و برق سولری دیده می شود، در حالی که در ولسوالی های مومندره و حصارک نیاز به پل ها، پلچک ها، دیوارهای استنادی و حفر چاه های عمیق بیشتر برجسته است. در ولسوالی های کوهستانی مانند نازیان، پچیرگام و لعلپوره، تأکید بیشتر بر دیوارهای استنادی، بندهای کوچک و بزرگ، چکدیم ها و جلوگیری از تخریب زمین ها مشاهده می شود که با شرایط جغرافیایی و خطرات طبیعی این مناطق همخوانی دارد. در مجموع، این تحلیل نشان می دهد که اگرچه نیاز به آب، برق و سرک ها در سراسر ولایت ننگرهار تقریباً همگانی است، اما نوع مداخله زیربنایی باید ولسوالی محور و مبتنی بر فیصدی نیازها باشد. ولسوالی هایی با فیصدی های ۹۰ تا ۱۰۰ باید در اولویت عاجل پروژه های زیربنایی قرار گیرند، در حالی که در مناطقی با فیصدی متوسط، تمرکز می تواند بر بهبود کیفیت خدمات موجود، نگهداری زیرساخت ها و توسعه پایدار باشد. چنین رویکرد هدمند می تواند هم در کاهش نابرابری های منطقه ای مؤثر واقع شود و هم زمینه بهبود معیشت، رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی در ولایت ننگرهار را فراهم سازد.

خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار



گراف 24 خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار

6.9.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ننگرهار

گراف (25)، اولویت خدمات مورد نیاز در ولسوالی های ننگرهار در حوزه های مختلف متفاوت است و می توان آن را در چند دسته کلی تحلیل کرد: آب آشامیدنی، نیاز به آب آشامیدنی در بسیاری از ولسوالی ها بالاست، اگرچه میزان آن متفاوت است. در اچین 48٪، بتی کوت 44٪، پچیرگام 42٪، اسپین غر 35٪، نازیان 36٪، رودات 23٪، حصارک 46٪ و گوشته 32٪ گزارش شده است. این ارقام نشان می دهد که دسترسی به آب آشامیدنی یکی از نیازهای اساسی و همیشگی مردم در اکثر ولسوالی ها است، به ویژه در مناطقی که دیگر خدمات زیرساختی محدود است. سرکها و راهها، ساخت و ترمیم سرکها در بسیاری از ولسوالی ها بیشترین اولویت را دارد. شیرزاد با 78٪، سرخ رود 51٪، نازیان 50٪، کامه 48٪، رودات 46٪، بتی کوت 54٪، دره نور 49٪ و بسیاری دیگر نیاز بالایی به شبکه راه دارند. این امر نشان می دهد که دسترسی به حمل و نقل و جاده های قابل استفاده برای ارتباطات محلی و دسترسی به بازارها و خدمات دیگر، اهمیت بسیار زیادی دارد. برق و انرژی، برق به عنوان یک نیاز حیاتی در ولسوالی های مانند بیسود (41٪)، جلال آباد (39٪)، رودات (31٪)، مهمندره (38٪)، کامه (28٪) و نازیان (14٪) مطرح است. این ارقام نشان می دهد که بسیاری از ولسوالی ها هنوز به تأمین انرژی پایدار دست نیافته اند و برق برای توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه اهمیت دارد.

آموزش های فنی و حرفه ای، در برخی ولسوالی ها، آموزش های فنی و حرفه ای از اولویت بالایی برخوردار است، مانند چپرهار (37٪)، بتی کوت (25٪)، خوگیانی (33٪)، سرخ رود (24٪) و شینواری (23٪). این داده ها نشان می دهند که مهارت آموزی عملی برای اشتغال جوانان و افزایش توان اقتصادی جامعه حیاتی است و برنامه های آموزش حرفه ای باید متناسب با نیازهای محلی طراحی شوند.

دیوارها و ساختارهای استنادی، بندها و پروژه های آبیاری، اهمیت ساخت و ترمیم دیوارهای استنادی و بندهای آب نیز در ولسوالی های مانند شینواری (41٪)، کوزکنر (40٪)، خیوه (43٪)، لعلپور (35٪) و حصارک (17٪) مشهود است. این اقدامها برای حفاظت از زمینها، پیشگیری از سیلاب و تأمین آب کشاورزی ضروری هستند. همچنین، اعمار سربندها و بندهای بزرگ در خیوه و اسپین غر (35٪) به منظور مدیریت منابع آبی و تقویت کشاورزی اهمیت دارد.

سایر خدمات ویژه و منطقه‌ای، برخی ولسوالی‌ها نیازهای خاص خود را دارند؛ برای مثال، شیرزاد اولویت بالایی برای سرک (78٪) و سپس بندهای آب (17٪) دارد، در حالی که کوزکنر و شینواری علاوه بر زیرساخت‌ها، نیازمند ایجاد زمینه‌های کاری برای جوانان (23٪) هستند. بقی کوت به آموزش فنی و حرفه‌ای (25٪) و دیوارهای استنادی (23٪) نیز نیاز دارد.

تحلیل جدول نشان می‌دهد که:

سرک‌ها و آب آشامیدنی بیشترین نیاز عمومی را در اکثر ولسوالی‌ها دارند.

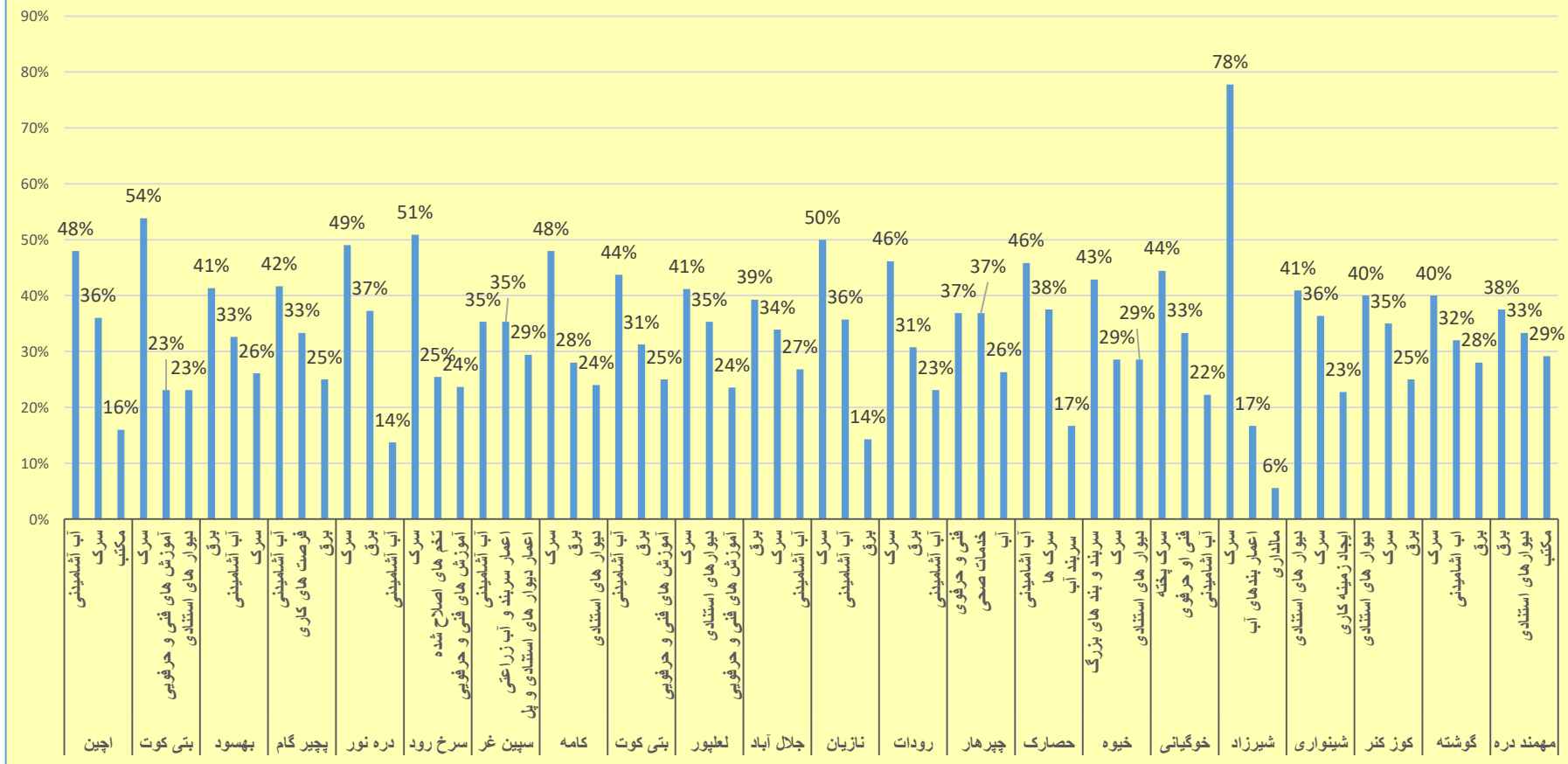
برق و انرژی در برخی ولسوالی‌ها، به ویژه مناطق پرجمعیت یا اقتصادی، اولویت بالایی دارد.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای توانمندسازی جوانان و ایجاد فرصت‌های شغلی ضروری است.

دیوارهای استنادی، بندها و پروژه‌های آبیاری برای حفاظت زمین و توسعه کشاورزی مهم هستند.

اولویت‌بندی خدمات باید بر اساس نیازهای منطقه‌ای و ظرفیت‌های هر ولسوالی انجام شود و ترکیبی از زیرساخت، آموزش و توسعه اقتصادی را شامل شود.

اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار



گراف 25: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ننگرهار

10.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت هرات

ولسوالی‌های ولایت هرات با جمعیت‌های متنوع و پراکنده، با چالش‌های گسترده‌ای در دسترسی به خدمات اساسی روبه‌رو هستند که شامل بخش‌های صحت، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی می‌شود. این خدمات نقش حیاتی در حفظ سلامت، ارتقای سطح سواد، توسعه اقتصادی و معیشتی و ایجاد فرصت‌های شغلی دارند و نبود یا کمبود آن‌ها، کیفیت زندگی و رفاه مردم را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی نیازهای هر ولسوالی نشان می‌دهد که شدت کمبودها متفاوت است و برنامه‌ریزی توسعه‌ای باید با در نظر گرفتن اولویت‌های محلی و شرایط جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه انجام شود.

بر اساس داده‌ها، بیشترین تعداد افراد نیازمند به خدمات در گلران با ۱۲۵۵۲۸ نفر و ادرسکن با ۱۳۶۵۰ نفر گزارش شده است که نشان‌دهنده تفاوت جمعیتی و تمرکز جمعیت در برخی ولسوالی‌هاست. سایر ولسوالی‌ها مانند کهسان (۸۸۳۰۰ نفر)، انجیل (۷۱۳۰۰ نفر) و زنده‌جان (۵۴۷۰۰ نفر) نیز جمعیت بالایی دارند که فشار قابل توجهی بر سیستم خدماتی ایجاد می‌کند. مجموعاً، تعداد افراد نیازمند در تمام ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که ده‌ها هزار نفر به صورت هم‌زمان با کمبودهای گسترده در خدمات اساسی روبه‌رو هستند و برنامه‌ریزی توسعه‌ای و توزیع منابع باید بر اساس تعداد جمعیت نیازمند و اولویت خدمات طراحی شود تا اثرگذاری اقدامات افزایش یابد.

1.10.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه هرات

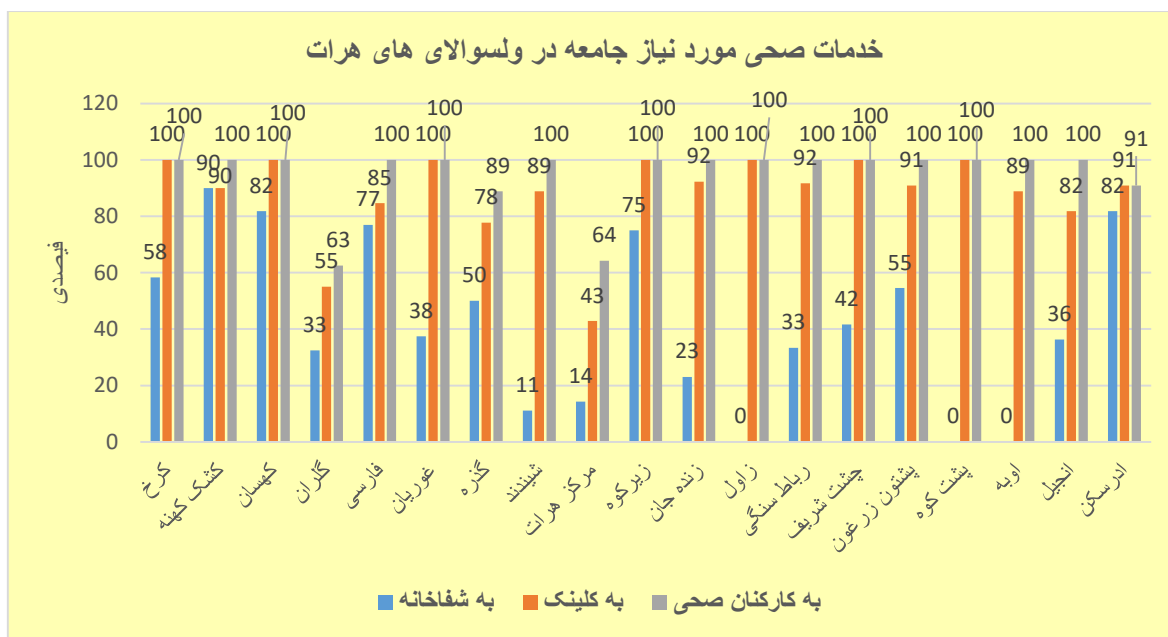
گراف (26)، از وضعیت نیازهای صحتی در ولسوالی‌های ولایت هرات ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که تقاضا برای خدمات صحتی نه‌تنها گسترده، بلکه ساختاری و مزمن است. نخست، در بخش نیاز به کلینک تقریباً تمامی ولسوالی‌ها ارقام بسیار بلند (بین ۷۸ تا ۱۰۰ درصد) را ثبت کرده‌اند؛ این امر بیانگر آن است که خدمات صحتی اولیه یا در دسترس نیست یا پاسخگوی جمعیت موجود نمی‌باشد. حتی ولسوالی‌هایی که به‌ظاهر شهری‌تر اند مانند مرکز هرات و گذره نیز همچنان نیاز بالایی به کلینک دارند که نشان می‌دهد فشار جمعیتی و مراجعه بالا، ظرفیت مراکز موجود را فراتر از توان آن‌ها برده است.

دوم، نیاز به کارکنان صحتی از همه شاخص‌ها بحرانی‌تر است؛ تقریباً در تمام ولسوالی‌ها این نیاز ۱۰۰ درصد گزارش شده و تنها در چند مورد مانند گلران، مرکز و گذره اندکی پایین‌تر است. این موضوع به‌روشنی کمبود داکتران، نرس‌ها، قابله‌ها و کارمندان صحتی مسلکی را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که حتی ایجاد تأسیسات جدید بدون تأمین نیروی انسانی کارآمد، اثرگذاری لازم را نخواهد داشت.

سوم، در بخش نیاز به شفاخانه تفاوت‌های چشمگیر میان ولسوالی‌ها دیده می‌شود. ولسوالی‌هایی مانند کشک کهنه، کهسان، زیرکوه، ادرسکن و کرخ نیاز بسیار بالایی به شفاخانه دارند که معمولاً ولسوالی‌های دورافتاده یا دارای جمعیت زیاد اند و دسترسی آن‌ها به مراکز ولایتی دشوار است. در مقابل، ولسوالی‌هایی چون زاول، پشت کوه و اوبه نیاز صفر را نشان می‌دهند که می‌تواند ناشی از نبود شفاخانه به‌طور کامل، وابستگی کامل به هرات مرکز، یا پایین بودن سطح آگاهی و مطالبه‌گری جامعه باشد، نه الزاماً نبود نیاز واقعی.

چهارم، سایر خدمات صحتی اگرچه درصدی گزارش نشده، اما از نظر کیفی بسیار مهم‌اند. درخواست آمبولانس در غوریان و گذره و ترکیب آمبولانس و دواخانه در شیندند نشان‌دهنده مشکلات جدی در انتقال مریضان عاجل و دسترسی به ادویه است. همچنین نیاز به دواخانه در چشت شریف و پشتون زرغون حاکی از فاصله زیاد مردم با مراکز عرضه دوا و افزایش هزینه و زمان درمان می‌باشد.

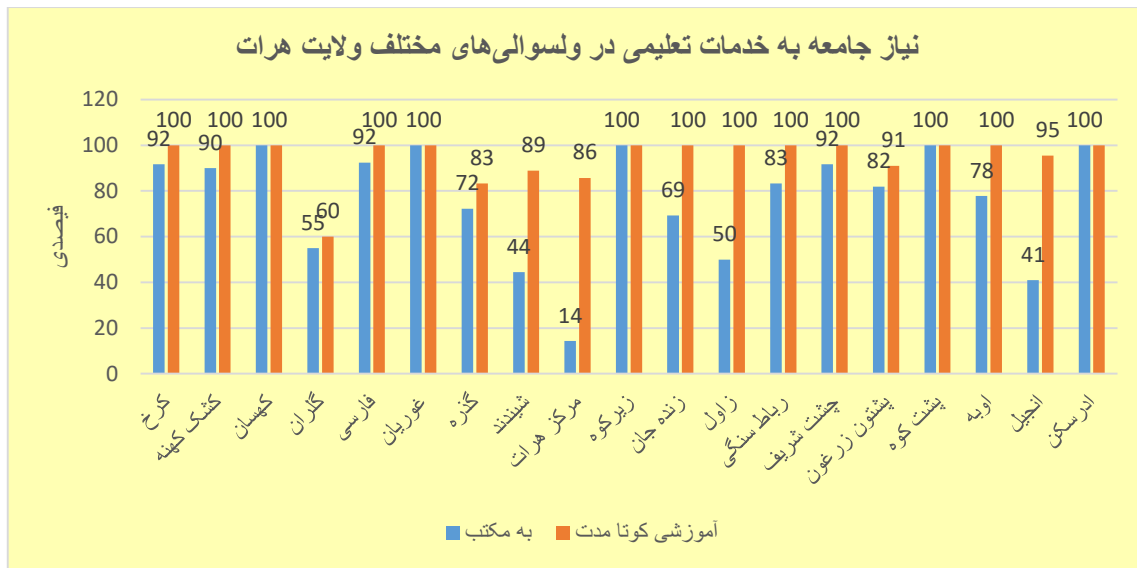
در مجموع، این جدول نشان می‌دهد که چالش اصلی نظام صحتی در ولسوالی‌های هرات کمبود نیروی انسانی، ضعف خدمات صحتی اولیه و نابرابری شدید در دسترسی به شفاخانه‌ها است. بنابراین، سیاست‌گذاری مؤثر باید مبتنی بر اولویت‌بندی جغرافیایی باشد؛ به‌گونه‌ای که در ولسوالی‌های دور دست ایجاد کلینک‌های مجهز با کارکنان کافی در اولویت قرار گیرد و هم‌زمان سیستم ارجاع، آمبولانس و دسترسی به دواخانه‌ها تقویت شود تا شکاف میان مرکز و ولسوالی‌ها کاهش یابد.



گراف 26: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات

2.10.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه هرات

گراف (27)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در تمام ولسوالی‌های ولایت هرات بسیار بلند و فراگیر است، اما شدت و نوع این نیازها از یک ولسوالی به ولسوالی دیگر تفاوت دارد. نیاز به مکتب در اکثر ولسوالی‌ها بالاتر از ۷۰ تا ۱۰۰ درصد گزارش شده است که بیانگر کمبود مکاتب، ازدحام شاگردان، فاصله زیاد تا مراکز تعلیمی و یا تخریب و ناکافی بودن زیربنای آموزشی می‌باشد؛ در این میان ولسوالی‌هایی مانند کھسان، غوربان، زیرکوه، پشت کوه و ادرسکن با نیاز ۱۰۰ درصدی در وضعیت بحرانی قرار دارند، در حالی که مرکز، شینند و گلران با ارقام پایین‌تر نشان‌دهنده دسترسی نسبی بهتر یا تمرکز مکاتب در مرکز شهری هستند. در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، تقریباً تمام ولسوالی‌ها ارقام بسیار بلند (اغلب ۱۰۰ درصد) را ثبت کرده‌اند که نشان‌دهنده تقاضای شدید برای سوادآموزی، آموزش‌های فنی-حرفه‌ای و مهارت‌های سریع‌الاثربه‌ویژه برای جوانان، زنان و افراد بازمانده از مکتب است. در بخش سایر خدمات تعلیمی اگرچه داده‌ها محدود است، اما نیازهای کیفی مهمی مانند ایجاد مکتب برای خانم‌ها در گلران، خدمات تعلیمی ویژه اناث در کڑه، کتابخانه در مرکز و توجه خاص به چشت شریف (۱۰۰ درصد) مطرح شده که نشان‌دهنده شکاف‌های جنسیتی، کمبود امکانات تکمیلی آموزشی و ضعف محیط‌های یادگیری حمایتی می‌باشد. در مجموع، گراف بیانگر آن است که نظام تعلیمی در ولسوالی‌های هرات با کمبود زیرساخت، نیاز شدید به آموزش‌های مهارتی و نابرابری در دسترسی، روبه‌رو است و اقدامات آینده باید به‌صورت هدفمند و متناسب با شرایط هر ولسوالی طراحی شود.



گراف 27: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های هرات

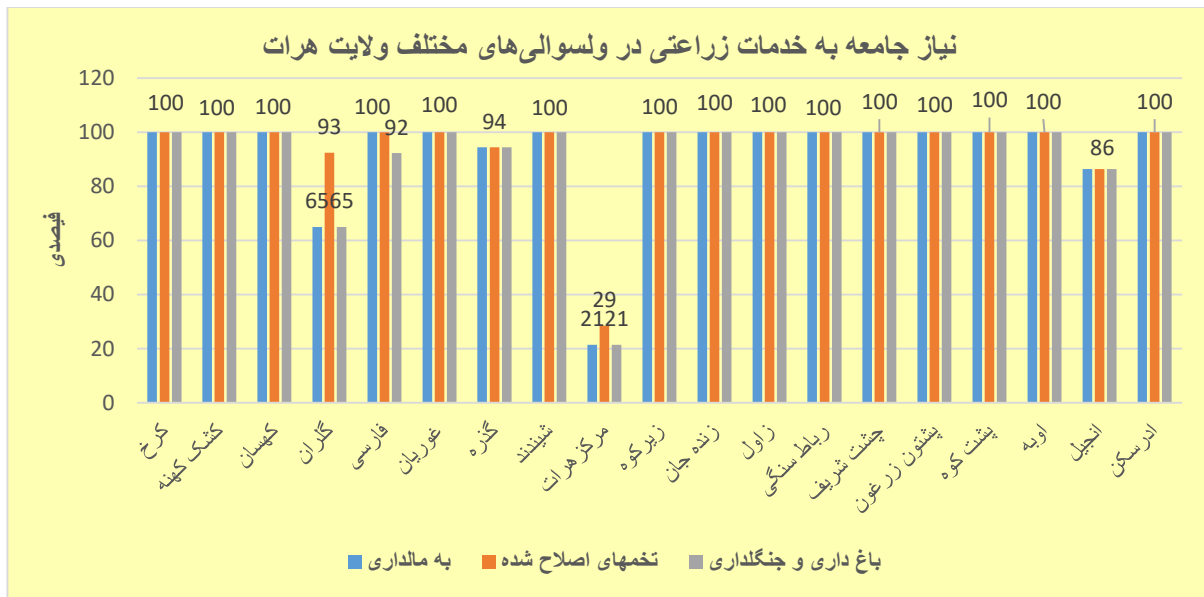
3.10.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه هرات

گراف (28)، نشان می‌دهد که زراعت و مالداری نقش حیاتی در اقتصاد و معیشت مردم تمام ولسوالی‌های ولایت هرات دارد و نیازهای موجود تنها محدود به یک بخش خاص نیست، بلکه زنجیره کامل تولید تا بازار را در بر می‌گیرد. در سه بخش اصلی یعنی مالداری، تخم‌های اصلاح‌شده و باغداری و جنگلداری، ارقام بسیار بلند (اغلب ۱۰۰ درصد) در ولسوالی‌هایی چون کرخ، کهسان، کشک کهنه، غوریان، شیندند، زنده‌جان، زاوول، رابط سنگی، چشت شریف، پشتون زرغون، اوبه و ادرسکن دیده می‌شود که نشان می‌دهد دهقانان و مالداران به شدت با کمبود خدمات تخنیکی، نهاده‌های معیاری و حمایت دولتی یا نهادی روبه‌رو اند. کاهش نسبی نیاز در مرکز هرات و تا حدی گلران، بیشتر به دلیل شهری بودن، محدودیت زمین‌های زراعتی و تغییر معیشت مردم به مشاغل غیرزراعتی است، نه نبود مشکل در این بخش.

در بخش سایر خدمات زراعتی، جدول تصویر عمیق‌تری از مشکلات ساختاری را نشان می‌دهد. در ولسوالی‌های زراعت‌محور مانند کرخ و گذره، نیازها از مرحله تولید فراتر رفته و شامل چاه و تجهیزات زراعتی، آموزش‌های تخصصی (کاشت باغ پسته، مرغداری، زنبورداری و ماهی‌پروری)، ایجاد سردخانه، پیازخانه و کشمش‌خانه می‌شود که بیانگر ضایعات بلند محصولات و نبود امکانات نگهداری است. در ولسوالی‌هایی مانند شیندند و زیرکوه، تمرکز بر صادرات محصولات زراعتی، رفع آفات و سیستم‌های آبیاری نشان می‌دهد که تولید وجود دارد، اما نبود بازار، مسیر ترانزیتی و مدیریت آب، مانع اصلی افزایش درآمد دهقانان است.

همچنین نیاز به کلینیک‌های حیوانی و خدمات دام‌پزشکی در غوریان، رابط سنگی و چشت شریف نشان‌دهنده آسیب‌پذیری مالداران در برابر امراض حیوانی و تلفات اقتصادی ناشی از آن است. در مقابل، تأکید بر گلخانه‌ها، احیای جنگلات پسته و خدمات باغداری مدرن در گلران و برخی ولسوالی‌های کوهستانی، بیانگر تلاش مردم برای سازگاری با کم‌آبی و تغییرات اقلیمی است.

در مجموع، این جدول نشان می‌دهد که مشکل اساسی زراعت در هرات فقط کمبود تولید نیست، بلکه نبود یک سیستم منسجم حمایتی شامل آبیاری معیاری، خدمات تخنیکی، مدیریت امراض، پروسس و بسته‌بندی، و دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی است. بنابراین، اقدامات مؤثر باید به صورت زنجیره‌ای طراحی شود؛ از تأمین نهاده‌های باکیفیت و آموزش دهقانان گرفته تا ایجاد زیرساخت‌های نگهداری و صادرات، تا زراعت از یک فعالیت معیشتی شکننده به یک منبع پایدار درآمد و اشتغال در ولسوالی‌های هرات تبدیل گردد.



گراف 28: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات

4.10.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه هرات

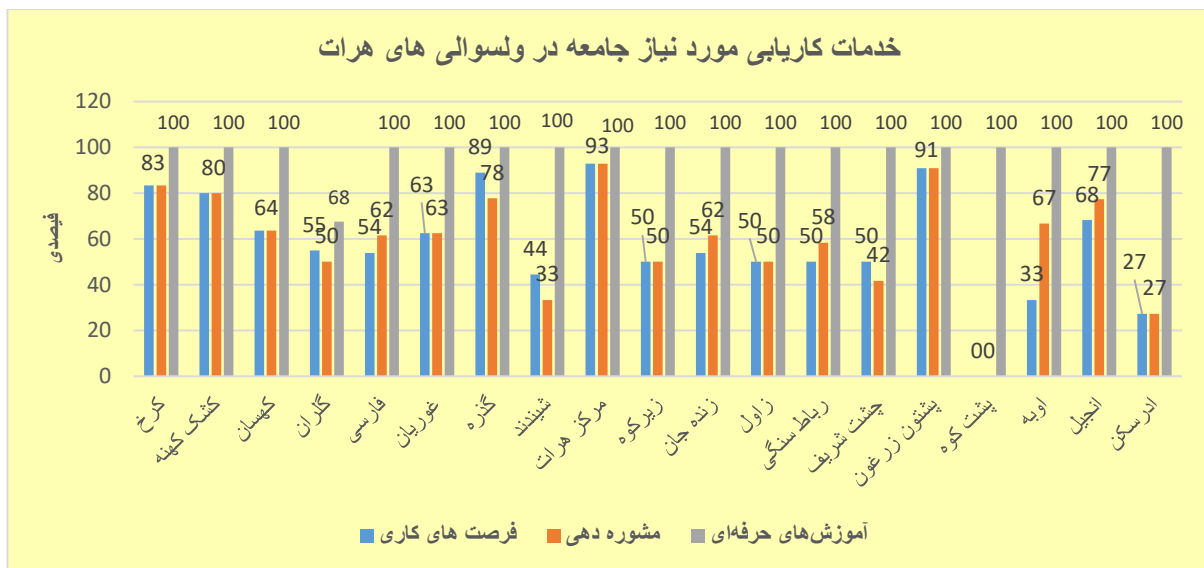
گراف (29)، از چالش بیکاری و کمبود فرصت‌های کاری در ولسوالی‌های مختلف ولایت هرات ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که مشکل کاریابی تنها نبود کار نیست، بلکه مجموعه‌ای از کمبود مهارت، نبود راهنمایی شغلی و ضعف ساختارهای حمایتی را در بر می‌گیرد. در بخش فرصت‌های کاری، تفاوت چشمگیر میان ولسوالی‌ها دیده می‌شود؛ ولسوالی‌هایی مانند مرکز (۹۳٪)، گذره (۸۹٪)، کرخ (۸۳٪) و پشتون زرغون (۹۱٪) بیشترین نیاز را دارند که معمولاً مناطق پرجمعیت‌تر یا دارای مهاجرین برگشته و جوانان جویای کار اند. در مقابل، ولسوالی پشت کوه با رقم صفر و ولسوالی‌هایی مانند اوبه و درسکن با ارقام پایین‌تر، نشان‌دهنده محدود بودن بازار کار محلی، مهاجرت نیروی کار یا اتکای مردم به زراعت سنتی و کارهای فصلی می‌باشد.

در بخش مشوره‌دهی شغلی، الگوی مشابهی دیده می‌شود؛ نیاز بالا در مرکز، کرخ، کشک کهنه و پشتون زرغون نشان می‌دهد که بسیاری از افراد، به‌ویژه جوانان و تحصیل کرده‌ها، مسیر مشخصی برای ورود به بازار کار ندارند و به راهنمایی در زمینه انتخاب شغل، ایجاد کسب‌وکار کوچک و تطبیق مهارت با نیاز بازار نیازمند اند. کاهش این نیاز در برخی ولسوالی‌ها می‌تواند ناشی از دسترسی محدود به خدمات یا آگاهی پایین نسبت به اهمیت مشوره‌دهی باشد، نه نبود نیاز واقعی.

بخش آموزش‌های حرفه‌ای مهم‌ترین و بحرانی‌ترین یافته جدول است؛ ثبت ۱۰۰ درصد نیاز در تمام ولسوالی‌ها بدون استثنا نشان می‌دهد که جامعه به‌طور گسترده فاقد مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مورد تقاضای بازار است. این موضوع به‌روشنی بیان می‌کند که بیکاری بیشتر ساختاری و مهارت‌محور است تا صرفاً کمبود فرصت شغلی. مهارت‌هایی مانند خیاطی، مستزری کاری، ورکشاپ‌های تکنیکی، صنایع دستی و حرفه‌های خدماتی، بارها در بخش سایر خدمات تکرار شده که نشان‌دهنده تقاضای واقعی و ملموس مردم است.

در بخش سایر خدمات کاریابی، تمرکز قابل توجهی بر نیاز به کاریابی برای جوانان تحصیل کرده در غوریان بیانگر فاصله میان آموزش رسمی و نیاز واقعی بازار کار است.

در مجموع، گراف نشان می‌دهد که راه‌حل مشکل بیکاری در ولسوالی‌های هرات تنها در ایجاد شغل کوتاه‌مدت خلاصه نمی‌شود، بلکه نیازمند سرمایه‌گذاری جدی در آموزش‌های حرفه‌ای، مشوره‌دهی شغلی، حمایت از کارآفرینی محلی و فراهم‌سازی فرصت‌های کاری ویژه برای جوانان است تا زمینه اشتغال پایدار و کاهش فقر به‌صورت درازمدت فراهم گردد.



گراف 29: خدمات کاریبایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات

5.10.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه هرات

گراف (30)، از وضعیت خدمات زیربنایی در ولسوالی های ولایت هرات ارائه می کند و نشان می دهد که کمبود زیرساخت های اساسی یکی از بزرگ ترین موانع توسعه و رفاه مردم است. در بخش آب آشامیدنی، ارقام بسیار بلند (اغلب ۹۰ تا ۱۰۰ درصد) در اکثر ولسوالی ها مانند كرخ، كهسان، غوریان، زیرکوه، زاول، پشست کوه و ادرسکن نشان می دهد که دسترسی به آب صحت هنوز یک بحران جدی است و خشک سالی، کاهش منابع آب زیرزمینی و نبود سیستم های منظم آبرسانی، زندگی روزمره مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داده است؛ حتی ولسوالی هایی که به مرکز و یا نزدیک تر اند، مانند انجیل و مرکز، همچنان با کمبود قابل ملاحظه آب سالم روبه رو اند.

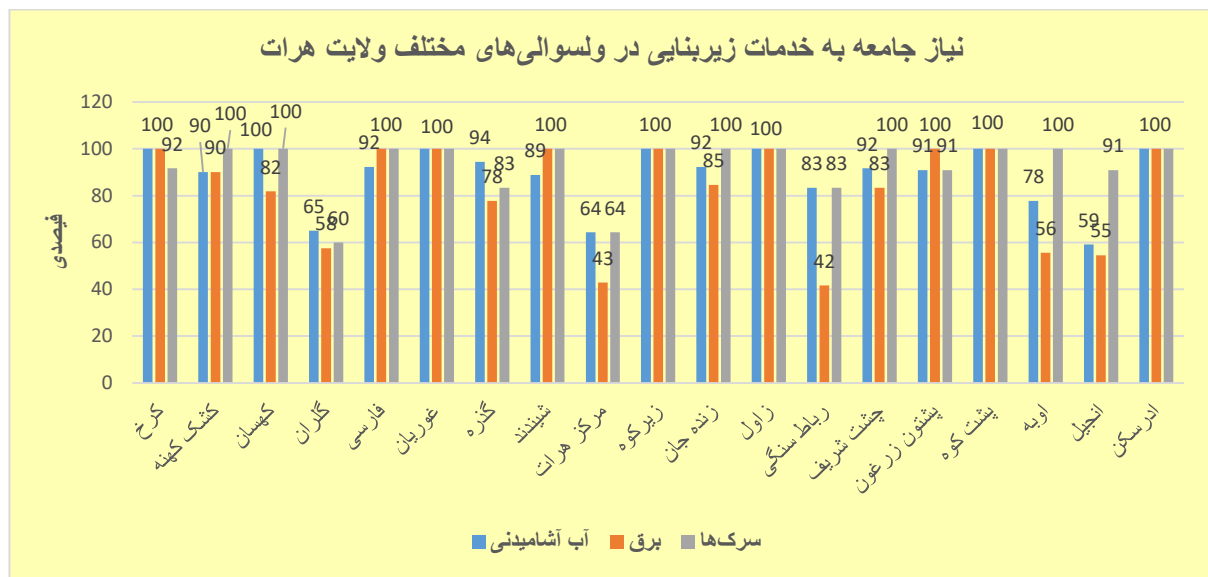
در بخش برق، تفاوت آشکار میان ولسوالی ها دیده می شود؛ نیاز ۱۰۰ درصدی در ولسوالی هایی چون كرخ، فارسی، غوریان، شیندند، زاول، پشتون زرغون، پشست کوه و ادرسکن نشان دهنده نبود یا بی ثباتی شدید برق است، در حالی که ارقام پایین تر در مرکز، رباط سنگی و اوبه بیشتر بیانگر دسترسی نسبی اما ناپایدار و ناعادلانه به شبکه برق می باشد. این نابرابری تأثیر مستقیم بر فعالیت های اقتصادی، آموزش، خدمات صحتی و حتی امنیت اجتماعی دارد.

سرک ها تقریباً در همه ولسوالی ها به عنوان یکی از حیاتی ترین نیازها مطرح شده اند؛ ارقام نزدیک به ۱۰۰ درصد در اکثریت مناطق نشان می دهد که خرابی راه ها، نبود پل و پلیچک و قطع ارتباط در فصل های بارندگی یا زمستان، دسترسی مردم به بازارها، مراکز صحتی، مکاتب و ادارات دولتی را به شدت محدود ساخته است. به ویژه در ولسوالی های کوهستانی و مرزی مانند چشت شریف، پشست کوه، اوبه و شیندند، نبود سرک های معیاری سبب انزوای اقتصادی و اجتماعی شده است.

بخش سایر خدمات زیربنایی بعد عمیق تری از نیازها را آشکار می سازد. درخواست گسترده برای پل و پلیچک در تقریباً تمام ولسوالی ها نشان می دهد که حتی ارتباطات محلی نیز شکننده است. تأکید بر بندهای آب، کانال کشی، کاریزها و برنامه های مقابله با خشک سالی در ولسوالی هایی مانند گلران، شیندند، زنده جان و پشست کوه بیانگر آسیب پذیری شدید در برابر تغییرات اقلیمی است. همچنین نیاز به اینترنت، فایبر نوری و خدمات مخابراتی در اکثر ولسوالی ها نشان می دهد که مردم خواهان اتصال به خدمات مدرن، آموزش، تجارت و ارتباط با بازارهای داخلی و خارجی هستند. افزون بر این، درخواست هایی مانند پارک های تفریحی، سالن های ورزشی، اطفائی، آمبولانس و صفای شهری نشان می دهد که جامعه تنها به زیرساخت های حیاتی بسنده نمی کند، بلکه به بهبود کیفیت زندگی و خدمات شهری و روستایی نیز نیاز جدی دارد.

در مجموع، گراف به روشنی بیان می کند که مشکل زیربنا در ولایت هرات چندبعدی و ساختاری است و بدون سرمایه گذاری هماهنگ در آب، برق، سرک، مدیریت منابع طبیعی و زیرساخت های ارتباطی، توسعه پایدار ممکن نخواهد بود. بنابراین، برنامه ریزی آینده باید مبتنی بر اولویت بندی

جغرافیایی، تمرکز بر ولسوالی‌های دورافتاده و هم‌زمان ایجاد توازن میان نیازهای بقا و نیازهای توسعه‌ای باشد تا شکاف میان مرکز و ولسوالی‌ها کاهش یابد.



گراف 30: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های هرات

6.10.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه هرات

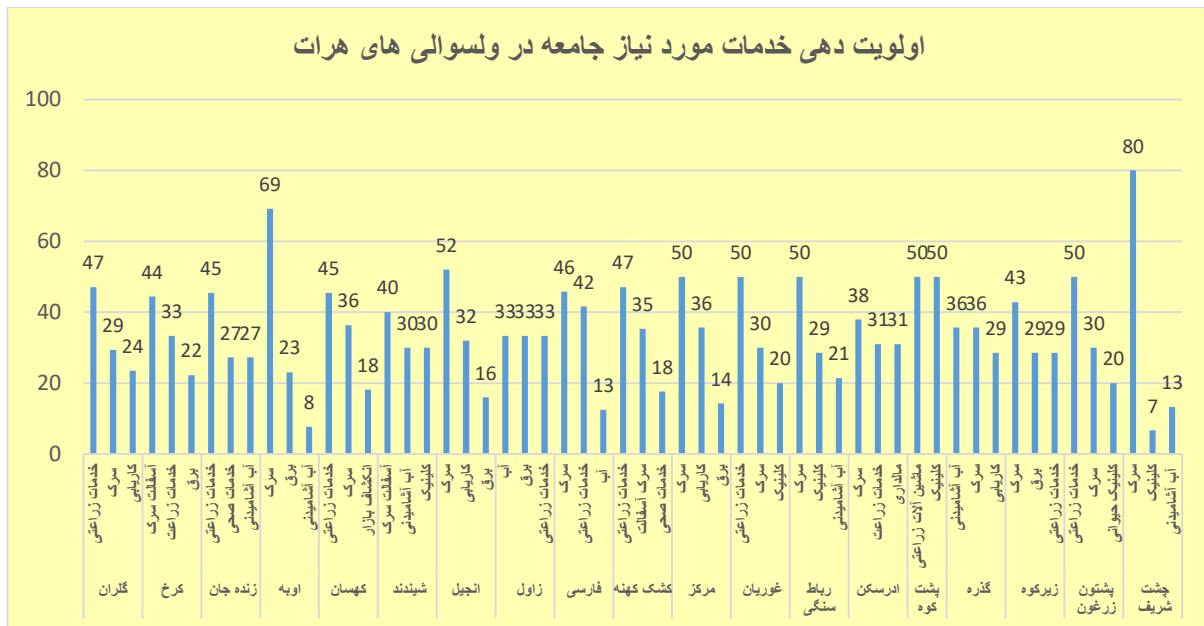
گراف (31)، نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های هرات با موقعیت جغرافیایی، تراکم جمعیت و سطح دسترسی مردم به خدمات حیاتی ارتباط مستقیم دارد. ولسوالی‌های روستایی و زراعت‌محور مانند گلران، زنده‌جان، کهنه، کشک کهنه، غوریان، فارسی، پشتون زرغون و ادرسکن، وابستگی بالایی به کشاورزی و مالداری دارند و در نتیجه خدمات زراعتی بیشتری اولویت را دارد. این خدمات شامل تأمین تخم‌های اصلاح شده، سیستم‌های آبیاری، مالداری، باغداری و بازررسانی محصولات است که در صورت رسیدگی، بهره‌وری کشاورزی افزایش می‌یابد، درآمد خانوارها بهتر شده و امنیت غذایی منطقه ارتقا می‌یابد. عدم رسیدگی به این نیازها می‌تواند باعث کاهش تولید، افزایش فقر، مهاجرت اجباری و افزایش آسیب‌پذیری اقتصادی مردم شود.

در ولسوالی‌هایی با دسترسی محدود و مشکلات ترانسپورت مانند اوبه، شیندند، انجیل، مرکز، رباط سنگی، زیرکوه و چشت شریف، سرک‌ها و آسفالت راه‌ها بالاترین اولویت را دارند. اگر به این نیاز رسیدگی شود، دسترسی به بازار، مراکز صحتی، تعلیمی و خدمات زیربنایی بهبود یافته، هزینه حمل‌ونقل کاهش می‌یابد و فرصت‌های اقتصادی گسترش می‌یابد. عدم رسیدگی به این نیاز باعث انزوا، دشواری دسترسی به خدمات حیاتی، کاهش فرصت‌های شغلی و کندی رشد اقتصادی خواهد شد.

آب آشامیدنی و برق در ولسوالی‌هایی مانند زاول، شیندند، گذره، رباط سنگی و زیرکوه از نیازهای حیاتی هستند. دسترسی به آب سالم و برق پایدار اگر تأمین شود، سلامت عمومی ارتقا می‌یابد، کیفیت آموزش و فعالیت اقتصادی بهبود می‌یابد و زندگی روزمره مردم آسان‌تر می‌شود. در مقابل، کمبود این خدمات می‌تواند باعث شیوع بیماری، کاهش توان اقتصادی خانوارها و مهاجرت جمعیت شود.

خدمات صحتی و کلینیک‌ها در ولسوالی‌هایی چون غوریان، شیندند، رباط سنگی، پشت کوه و چشت شریف نیز از اولویت بالایی برخوردارند. رسیدگی به این نیازها موجب کاهش مرگ و میر، بهبود سلامت مادران و کودکان، افزایش بهره‌وری و توان کار جامعه خواهد شد. عدم رسیدگی به این خدمات می‌تواند پیامدهای جدی مانند شیوع بیماری، هزینه‌های درمانی بالاتر و فشار بر خانواده‌ها داشته باشد.

به‌طور کلی، گراف نشان می‌دهد که بدون یک برنامه‌ریزی هدفمند و هم‌زمان برای زراعت، سرک‌ها، آب، برق، کاریابی و خدمات صحتی، توسعه پایدار در ولسوالی‌های هرات امکان‌پذیر نیست. رسیدگی هدفمند به این خدمات باعث ارتقای رفاه، افزایش فرصت‌های اقتصادی، کاهش مهاجرت و بهبود کیفیت زندگی می‌شود، در حالی که کوتاهی و بی‌توجهی به این نیازها می‌تواند فقر، نابرابری، انزوا و آسیب‌پذیری اجتماعی و اقتصادی را تشدید کند و حتی ثبات منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.



گراف 31: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هرات

11.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت بلخ

ولسوالی های مختلف ولایت بلخ با کمبودها و نیازهای متنوعی در حوزه های خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاروباری و زیربنایی مواجه هستند. بررسی دقیق داده ها نشان می دهد که برخی ولسوالی ها، به ویژه چهاربولک، کشنده، زاری، البرز و کلداری، نیاز شدیدی به توسعه خدمات دارند و در صد بالای نیاز در شاخص های مختلف بیانگر محرومیت جدی این مناطق است. در حوزه صحتی، نیاز به شفاخانه، کلینیک و کارکنان صحتی، همراه با تجهیزات مکمل و خدمات تخصصی حیاتی است. در بخش تعلیمی، کمبود مکتب، آموزش کوتاه مدت و آموزش حرفه ای ملموس است و توسعه زیرساخت های آموزشی و تجهیز مدارس ضرورت دارد. حوزه زراعتی نیز با نیاز به مالدار، تخم های اصلاح شده، باغداری و تجهیزات مدرن روبه روست و خدمات مکمل مانند کلینیک حیوانی، فارم مرغداری و سیستم آب دهی قطره ای باید فراهم شود. خدمات کاروباری در بیشتر ولسوالی ها نیازمند توسعه فرصت های شغلی، آموزش های حرفه ای و مشاوره شغلی است، به ویژه در مناطق با درصدهای نیاز بالاتر. در نهایت، خدمات زیربنایی مانند آب آشامیدنی، برق و سرک ها، همراه با زیرساخت های تکمیلی مانند پل، پلچک، شبکه آب رسانی و چاه های عمیق، برای تأمین زندگی پایدار و بهبود کیفیت زندگی جامعه ضروری هستند.

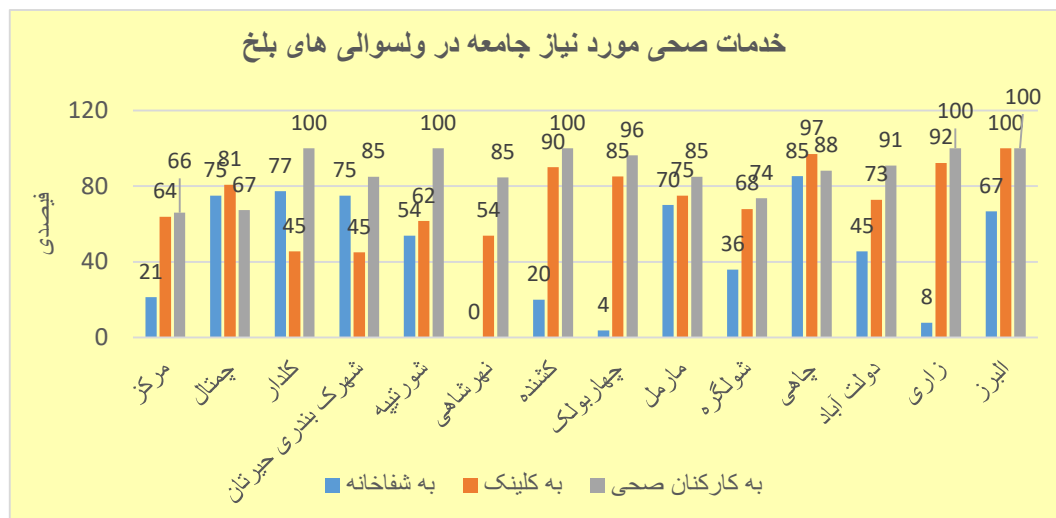
با توجه به جمعیت نیازمند، بیشترین تعداد افراد نیازمند خدمات در ولسوالی شورتیپه (۱۵۳،۲۱۷ نفر)، مرکز (۱۳۶،۳۷۵ نفر) و چمتال (۹۳،۷۹۷ نفر) قرار دارند، در حالی که ولسوالی هایی مانند نهرشاهی (۱۳،۲۰۰ نفر) و شهرک بندری حیرتان (۲۲،۶۷۷ نفر) تعداد نیازمندان کمتری دارند. این داده ها نشان می دهد که برنامه ریزی منابع و اولویت بندی توسعه خدمات باید بر اساس شدت نیاز و تعداد افراد متأثر در هر ولسوالی انجام شود تا بیشترین تأثیر اجتماعی و اقتصادی حاصل گردد.

1.11.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه بلخ

در گراف (32)، ولسوالی های بلخ بر اساس نیاز به خدمات صحتی متفاوت هستند. دسترسی به شفاخانه در نهرشاهی صفر درصد است، که نشان می دهد این ولسوالی در واقع به این خدمت دسترسی دارد و مشکل خاصی ندارد، اما ولسوالی هایی مانند کلداری (۷۷٪)، حیرتان (۷۵٪)، چمتال (۷۵٪) و زاری (۸۵٪) بیشترین نیاز به شفاخانه را دارند و باید در این زمینه توجه بیشتری صورت گیرد. مشابه همین الگو در کلینیک ها دیده می شود؛ ولسوالی هایی مانند البرز (۱۰۰٪)، کشنده (۹۰٪)، چهاربولک (۸۵٪) و زاری (۹۲٪) به شدت نیازمند کلینیک هستند، در حالی که ولسوالی هایی با درصد پایین، مانند کلداری (۴۵٪) و شهرک بندری حیرتان (۴۵٪) خدمات کلینیکی کافی دارند.

دسترسی به کارکنان صحتی نیز تفاوت قابل توجهی دارد. ولسوالی‌هایی مثل کلدار، شورتیپه، کشنده، زاری و البرز با ۱۰۰٪ نیاز، کمبود شدید پرسنل صحتی دارند و باید نیروی انسانی بیشتری به آن‌ها اختصاص داده شود. در مقابل، ولسوالی‌هایی با درصد پایین‌تر مانند چمتال (۶۷٪) و شولگره (۷۴٪) به حد کافی کارکنان دارند.

در بخش سایر خدمات صحتی، توزیع امکانات خاص مثل دیبوی دوا، خدمات روانی، خدمات حیوانات و امبولانس کاملاً نامتوازن است. برای مثال، برخی ولسوالی‌ها مانند نهرشاهی هیچ خدمات اضافی ذکر نشده است، اما درصد نیازشان پایین است و نشان می‌دهد خدمات موجود کافی است، در حالی که ولسوالی‌هایی با درصد بالا (مثل زاری یا البرز) نیاز مبرم به امکانات اضافی دارند. ولسوالی‌هایی با درصد‌های بالا در هر بخش (شفاخانه، کلینیک، کارکنان صحتی) کمبود شدید دارند و اولویت برای توسعه خدمات صحتی باید روی آن‌ها باشد.



گراف 32: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بلخ

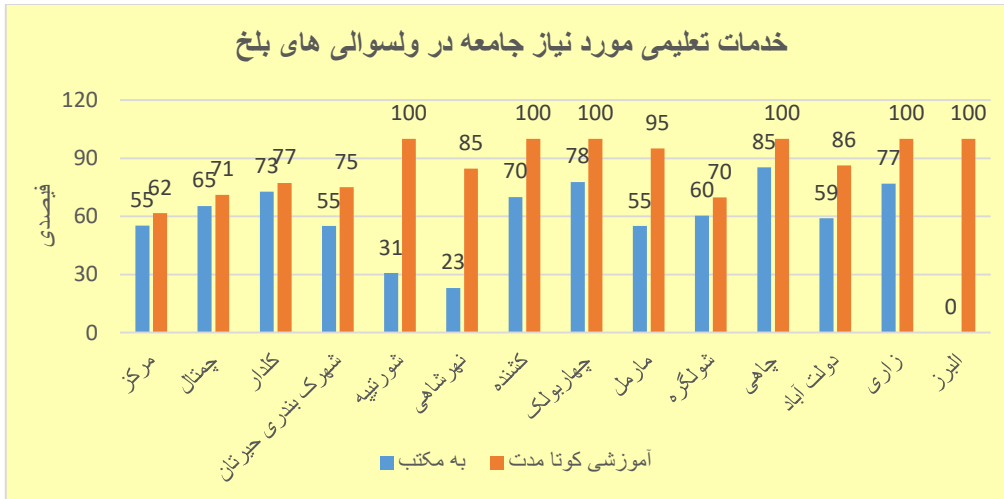
2.11.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه بلخ

در گراف (33)، درصد‌های بالاتر نشان‌دهنده نیاز بیشتر به خدمات تعلیمی هستند و درصد‌های پایین یا صفر یعنی آن خدمات به طور نسبی موجود و دسترس‌پذیر هستند. مشاهده می‌شود که دسترسی به مکتب‌ها در ولسوالی‌هایی مانند البرز (۰٪)، شورتیپه (۳۱٪) و نهرشاهی (۲۳٪) نسبتاً کافی است، در حالی که ولسوالی‌هایی مانند چهاربولک (۷۸٪)، چاهی (۸۵٪)، زاری (۷۷٪) و کلدار (۷۳٪) کمبود قابل توجه دارند و نیاز فوری به مکتب و امکانات آموزشی دارند.

در بخش آموزش کوتاه‌مدت، نیاز به دوره‌های آموزشی و سوادآموزی در بسیاری از ولسوالی‌ها بسیار بالا است. به ویژه البرز، چهاربولک، کشنده، زاری و چاهی با ۱۰۰٪ نیاز، نشان می‌دهند که جمعیت زیادی از مردم به آموزش‌های کوتاه‌مدت یا دوره‌های سوادآموزی نیاز دارند. این نشان می‌دهد که فعالیت‌های آموزشی غیررسمی و مهارت‌آموزی بازار کار در این مناطق باید توسعه یابد.

بخش سایر خدمات تعلیمی نیز پراکنده و متنوع است. برخی ولسوالی‌ها مانند چمتال، کلدار و شهرک بندری حیرتان علاوه بر مدارس، نیاز به پوهنتون، انستیتوت‌ها و سمینارهای آموزشی دارند. در برخی ولسوالی‌ها مثل چهاربولک و مارمل، نیاز به تجهیز مدارس (چوکی، میز، کتاب، خوابگاه) و بهبود زیرساخت‌ها وجود دارد. نهرشاهی و البرز نیز به آموزش حرفه‌ای و مهارت‌های مرتبط با بازار کار نیاز دارند، که نشان‌دهنده کمبود آموزش عملی و کاربردی در این مناطق است.

به‌طور خلاصه، تحلیل شکل نشان می‌دهد که ولسوالی‌هایی با درصد‌های بالای نیاز (چهاربولک، چاهی، زاری، کلدار، البرز) کمبود شدید مکتب و آموزش کوتاه‌مدت دارند و باید اولویت اصلی توسعه آموزشی قرار گیرند. ولسوالی‌هایی با درصد پایین مانند نهرشاهی و شورتیپه دسترسی نسبی به خدمات تعلیمی دارند، اما نیاز به دوره‌های سوادآموزی و آموزش حرفه‌ای هنوز وجود دارد. و توسعه زیرساخت‌های آموزشی، تجهیز مدارس و ارائه آموزش‌های مهارتی در مناطق با نیاز بالا ضروری است تا دسترسی برابر به تعلیم برای همه ولسوالی‌ها فراهم شود.



گراف 33: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بلخ

3.11.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه بلخ

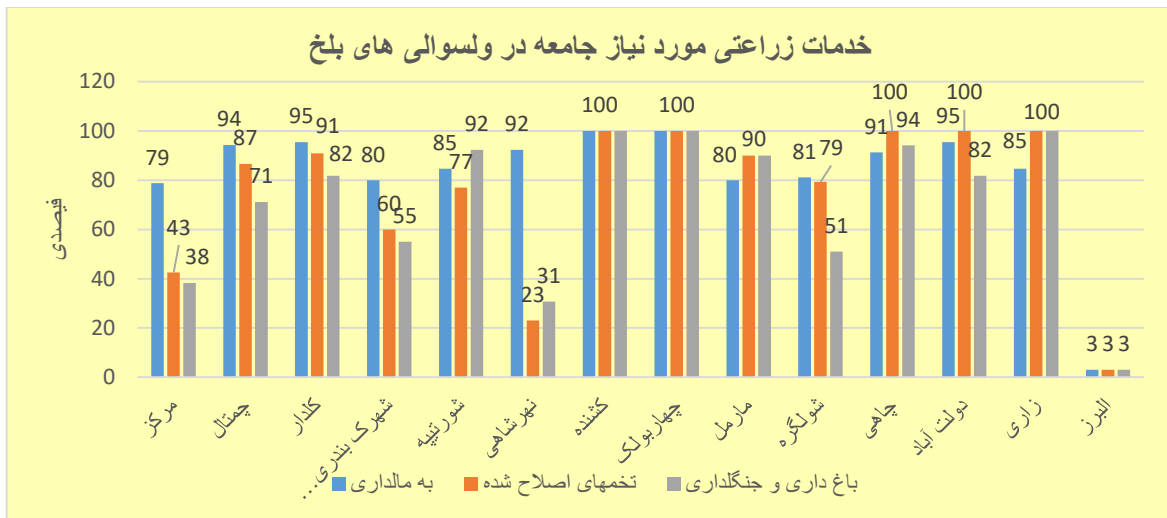
تحلیل گراف (34)، نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی های مختلف ولایت بلخ در بخش مالداری، ولسوالی های چهاربولک و کشنده با ۱۰۰٪ نیاز، بیشترین کمبود خدمات مرتبط با دامداری دارند و باید تجهیزات، دارو و آموزش به دهاقین به شدت توسعه یابد. همچنین کلدار (۹۵٪)، دولت آباد (۹۵٪) و چمتال (۹۴٪) نیز نیاز بالایی دارند، در حالی که البرز با ۳٪ نیاز، دسترسی مناسبی به خدمات مالداری دارد.

در بخش تخم های اصلاح شده، چهاربولک، کشنده، زاری، دولت آباد و چاهی با ۱۰۰٪ نیاز، کمبود شدید دارند و نیازمند توزیع تخم های اصلاح شده برای افزایش بهره‌وری زراعت هستند. ولسوالی هایی مانند مرکز و البرز با ۴۳٪ و ۳٪ نیاز، دسترسی کافی دارند.

در بخش باغداری و جنگلداری، چهاربولک، کشنده و زاری نیز با ۱۰۰٪ نیاز، کمبود شدیدی در نهال های مثمر و خدمات باغداری دارند. سایر ولسوالی ها مانند کلدار (۸۲٪)، چاهی (۹۴٪) و دولت آباد (۸۲٪) نیز نیاز بالایی دارند و باید برنامه های نهال دهی و آموزش مرتبط با باغداری و جنگلداری اجرا شود.

سایر خدمات زراعتی نیز در بسیاری از ولسوالی ها پراکنده و متنوع است؛ خدماتی مثل تجهیزات زراعتی مدرن، کلینیک حیوانی، فارم مرغداری، توزیع کود و آب دهی قطره ای در ولسوالی های مختلف نیاز فوری دارند. مثلاً چهاربولک و کشنده علاوه بر تجهیزات، نیاز به ایجاد فارم مرغداری و دیپو امارتی دارند. ولسوالی هایی مانند شهرک بندری حیرتان و شور تپیه به تراکتور، کلینیک حیوانی و نهال دهی نیازمندند.

به طور خلاصه، تحلیل گراف نشان می دهد که ولسوالی هایی با در صد های بالا در تمام شاخص ها (چهاربولک، کشنده، زاری، کلدار، دولت آباد) بیشترین کمبود خدمات زراعتی را دارند و اولویت اصلی برای ارائه تجهیزات، تخم اصلاح شده، خدمات دام و باغداری هستند. در مقابل، ولسوالی هایی با درصد پایین یا نزدیک به صفر (البرز، مرکز) خدمات زراعتی کافی دارند و فعلاً نیاز فوری به سرمایه گذاری جدید ندارند. توسعه خدمات مدرن زراعتی، کلینیک های حیوانی، آب دهی قطره ای و آموزش به دهاقین باید بر اساس نیاز واقعی هر ولسوالی برنامه ریزی شود تا بهره‌وری کشاورزی و دامداری افزایش یابد.

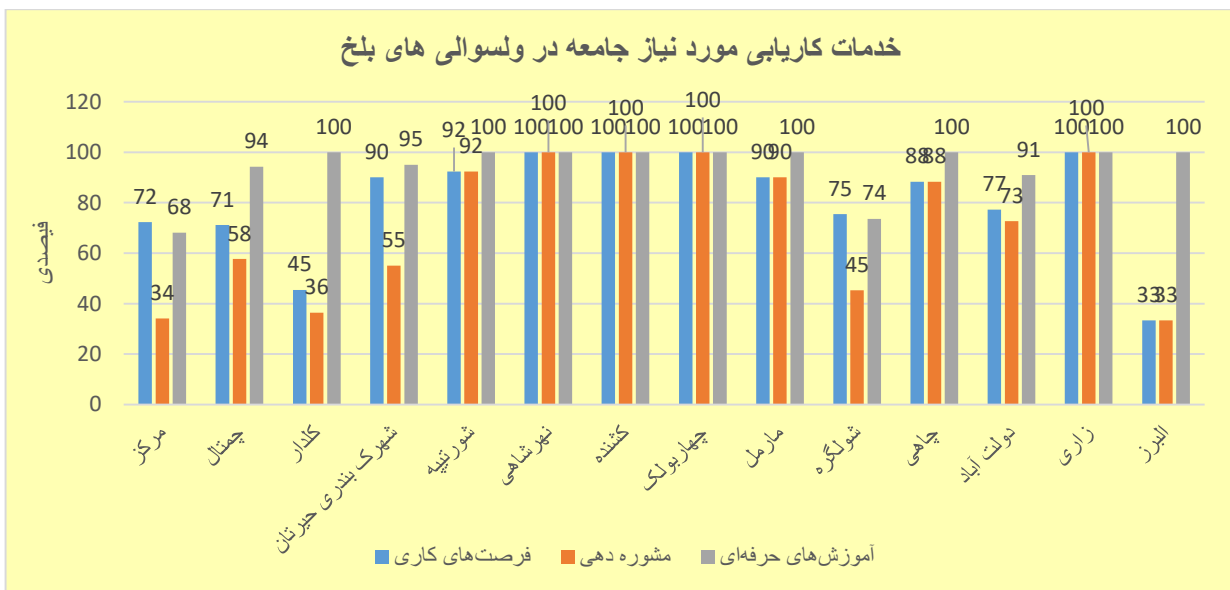


گراف 34: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بلخ

4.11.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه بلخ

در گراف (35)، مشاهده می‌شود که ولسوالی‌هایی مانند کشنده، چهاربولک، زاری و شورتیپیه با ۱۰۰٪ نیاز در بخش‌های مشوره‌دهی و آموزش حرفه‌ای، بیشترین کمبود خدمات کاریابی را دارند و نیازمند برنامه‌های گسترده برای ایجاد فرصت‌های شغلی، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و مشاوره شغلی هستند. ولسوالی‌هایی مانند شهرک بندری حیرتان، مارمل و چاهی نیز با درصد‌های بالای ۹۰٪ در اکثر شاخص‌ها، نیاز فوری به فرصت‌های کاری دارند. در مقابل، ولسوالی‌هایی مانند البرز با ۳۳٪ نیاز و کلدار با ۴۵٪ نیاز، فرصت‌های کاری نسبی دارند و کمبود آن‌ها کمتر است.

بخش سایر خدمات کاریابی نشان می‌دهد که نیاز به ایجاد کسب‌وکار کوچک، اعزام کارگران به خارج از کشور، آموزش خیاطی، قالین‌بافی، فلزکاری، نجاری، سولر سازی، تعمیر موبایل و سایر مهارت‌های حرفه‌ای در اکثر ولسوالی‌ها بالاست. به ویژه در کشنده و چهاربولک که تمرکز بر ایجاد مشاغل متنوع و حرفه‌ای ضروری است. به طور کلی، گراف نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جمعیت ولسوالی‌های محروم بلخ نیازمند تسهیل دسترسی به فرصت‌های شغلی و آموزش‌های حرفه‌ای هستند تا نرخ بیکاری کاهش یافته و توان اقتصادی جامعه افزایش یابد.



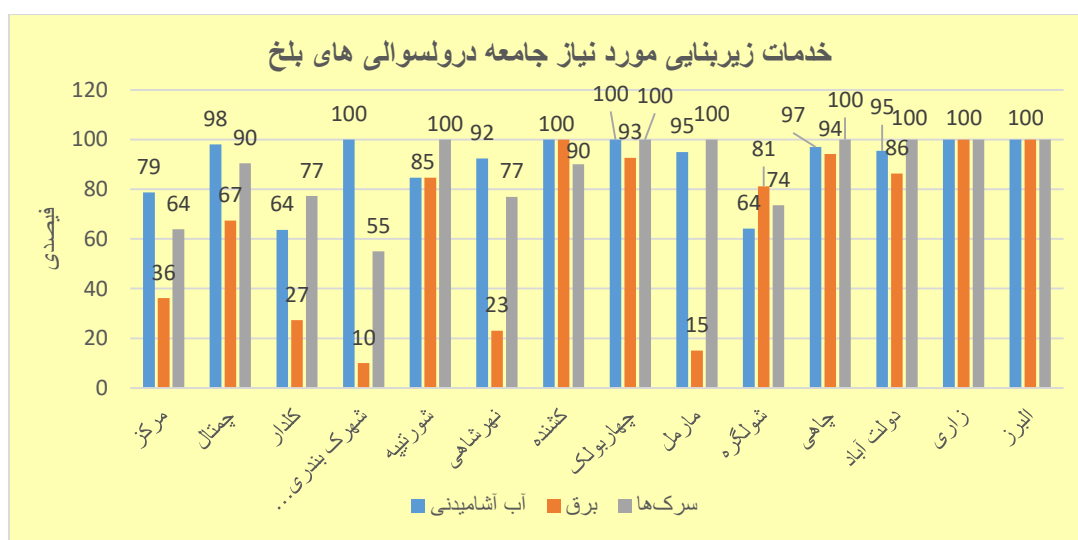
گراف 35: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بلخ

5.11.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه بلخ

در گراف (36)، نشان می‌دهد که اکثر ولسوالی‌ها با کمبود شدید در خدمات آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها مواجه هستند و درصدهای بالای نیاز نمایانگر کمبود واقعی زیرساخت‌ها است. به طور مشخص، ولسوالی‌هایی مانند شهرک بندری حیرتان، کشنده، چهاربولک، زاری و البرز در بخش آب آشامیدنی و سرک‌ها با نیاز ۱۰۰٪، بیشترین محرومیت را دارند و توسعه چاه‌های عمیق، سیستم‌های نل کشی و پل و پلیچک ضروری است. در حوزه برق، چهاربولک، زاری، البرز و کشنده با ۱۰۰٪ نیاز، نیاز فوری به توسعه شبکه برق و کاهش صرفه‌جویی و قطعی برق دارند، در حالی که ولسوالی‌هایی مانند مرکز (۳۶٪) و کلدار (۲۷٪) دسترسی نسبی دارند.

بخش سایر خدمات زیربنایی نشان می‌دهد که نیاز به اقدامات گسترده‌ای مانند حفر چاه عمیق، ذخیره و تصفیه آب، جوی کنی، کانال کشی، ایجاد سردخانه، آماده‌سازی حوض‌های آبی، اعمار پل و پلیچک، تأسیسات آموزشی و مذهبی، شبکه آنتن مخابراتی و سیستم‌های امنیتی در بسیاری از ولسوالی‌ها وجود دارد. این اقدامات نشان‌دهنده کمبود زیرساخت‌های اساسی و ناتوانی جامعه در دسترسی پایدار به خدمات پایه است.

به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثر ولسوالی‌های بلخ به ویژه چهاربولک، کشنده، زاری، البرز و شهرک بندری حیرتان، نیاز فوری به سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های آب، برق و سرک‌ها دارند و همراه با ایجاد خدمات مکمل، کیفیت زندگی و امنیت انسانی در این مناطق بهبود خواهد یافت، در حالی که ولسوالی‌هایی با درصد پایین‌تر مانند مرکز و کلدار وضعیت نسبی بهتری دارند و اولویت کمتر برای سرمایه‌گذاری فوری دارند.



گراف 36: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بلخ

6.11.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بلخ

اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ناحیه‌ها و ولسوالی‌های مختلف ولایت بلخ، گامی اساسی برای پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای واقعی مردم و استفاده بهینه از منابع محدود است. تفاوت‌های جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی و میزان آسیب‌پذیری سبب شده است که نیازهای خدماتی از یک ناحیه یا ولسوالی به ناحیه و ولسوالی دیگر متفاوت باشد. از این‌رو، شناسایی و اولویت‌بندی خدمات اساسی در بخش‌های زیربنایی، صحتی، تعلیمی، زراعتی و کاربایی، زمینه را برای برنامه‌ریزی هدفمند، کاهش نابرابری‌ها و بهبود پایدار سطح زندگی شهروندان فراهم می‌سازد. این تحلیل با تکیه بر دیدگاه و نیازهای واقعی جامعه تنظیم شده تا تصمیم‌گیری‌ها بر اساس شواهد و واقعیت‌های محلی صورت گیرد.

7.11.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز در ناحیه‌های بلخ

این گراف (37)، از اولویت‌های واقعی و فوری جامعه در ناحیه‌های مختلف مرکز ولایت بلخ ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که نیازها تنها محدود به یک بخش نیست، بلکه ترکیبی از خدمات زیربنایی، صحتی، تعلیمی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. آب آشامیدنی در بیشترین ناحیه‌ها به‌عنوان اولویت نخست یا مشترک مطرح شده است؛ به‌گونه‌ای که در ناحیه‌های ۱۲ و ۱۳ با ۵۰٪ و در ناحیه‌های ۴، ۶، ۱۰ و

۱۱ با بیش از ۳۰٪، کمبود آب صحتی یک مشکل اساسی و گسترده محسوب می‌شود که مستقیماً بر صحت و کیفیت زندگی مردم تأثیر می‌گذارد.

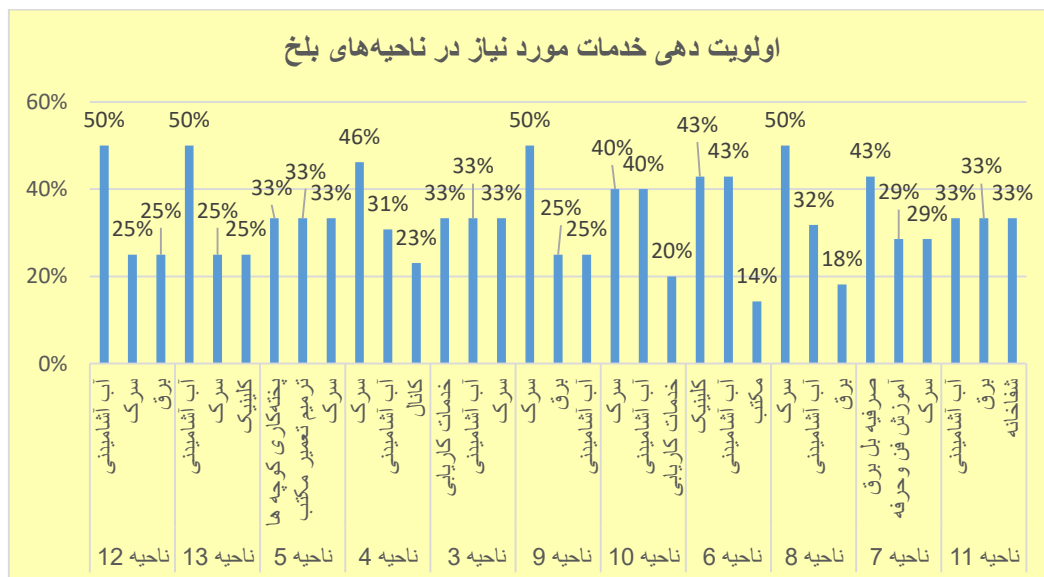
سرک‌ها و زیرساخت‌های ترانسپورتهی دومین نیاز غالب جامعه است؛ ناحیه‌های ۹ و ۸ با ۵۰٪، ناحیه ۴ با ۴۶٪ و ناحیه‌های ۵، ۳ و ۱۰ با بیش از ۳۳٪ نشان می‌دهند که خرابی سرک‌ها مانع جدی دسترسی مردم به خدمات صحتی، تعلیمی و بازار کار شده است. این امر به‌ویژه در ناحیه‌هایی که سرک اولویت اول است، بیانگر انزوای نسبی و دشواری رفت‌وآمد روزمره مردم می‌باشد.

در بخش خدمات صحتی، ناحیه‌های ۶ و ۱۱ وضعیت حساس‌تری دارند؛ در ناحیه ۶، کلینیک و آب آشامیدنی هر دو با ۴۳٪ در صدر قرار دارند که نشان‌دهنده هم‌زمانی کمبود خدمات صحتی و عوامل تهدیدکننده صحت عمومی است. در ناحیه ۱۱ نیز شفاخانه در کنار آب و برق هرکدام با ۳۳٪ مطرح شده که نیاز به خدمات صحتی پیشرفته‌تر را برجسته می‌سازد.

خدمات تعلیمی و آموزشی به‌صورت هدفمند در برخی ناحیه‌ها مطرح شده است؛ ناحیه ۵ با ۳۳٪ نیاز به ترمیم تعمیر مکتب و ناحیه ۷ با ۲۹٪ نیاز به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نشان می‌دهند که علاوه بر زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری بر آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی نیز یک اولویت اجتماعی مهم است.

در بخش کارایی و معیشت، ناحیه‌های ۳ و ۱۰ خدمات کارایی را با ۳۳٪ و ۲۰٪ در اولویت قرار داده‌اند که بیانگر سطح بالای بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان، و نیاز به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار است. همچنین تأکید ناحیه ۷ بر کاهش مصرف برق نشان‌دهنده فشار اقتصادی خانواده‌ها و ناپایداری دسترسی به انرژی است.

این گراف نشان می‌دهد که اولویت‌های ناحیه‌های مرکز ولایت بلخ به‌شدت محلی، نیازمحور و متأثر از شرایط زندگی روزمره مردم است. با این حال، آب آشامیدنی و سرک‌ها به‌عنوان نیازهای مشترک و حیاتی در اکثر ناحیه‌ها برجسته‌اند، در حالی که خدمات صحتی، تعلیمی و کارایی به‌صورت هدفمند و متناسب با چالش‌های خاص هر ناحیه اهمیت یافته‌اند. بنابراین، هرگونه برنامه‌ریزی توسعه‌ای باید به‌صورت ناحیه‌محور، مرحله‌ای و مبتنی بر اولویت واقعی جامعه انجام شود تا بتواند بیشترین تأثیر مثبت و پایدار را بر زندگی مردم مرکز ولایت بلخ بر جای بگذارد.



گراف 37: اولویت دهی خدمات مورد نیاز در ناحیه‌های بلخ

8.11.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز در ولسوالی‌های بلخ

گراف(38)، نشان‌دهنده یک تصویر جامع و واقع‌گرایانه از اولویت‌های اساسی و فوری جامعه در ولسوالی‌های مختلف ولایت بلخ است و به‌وضوح بیان می‌کند که چالش‌های مردم بیش از هر چیز ماهیت زیربنایی، حفاظتی و معیشتی دارد. در اکثریت ولسوالی‌ها، سرک‌ها و آب آشامیدنی یا در جایگاه اول قرار دارند یا سهم بسیار نزدیک به اولویت نخست را به خود اختصاص داده‌اند که این موضوع بیانگر ضعف جدی در دسترسی فیزیکی مردم به خدمات، بازارها، مراکز صحتی و تعلیمی و همچنان نبود دسترسی پایدار به آب صحتی می‌باشد. ولسوالی‌هایی مانند مارمل با ۵۴٪، شولگره و نهرشاهی با بیش از ۴۰٪، شورتیپه، چهارکنت، چهاربولک و چمتال، سرک‌ها را به‌عنوان مهم‌ترین نیاز مطرح کرده‌اند که نشان می‌دهد خرابی راه‌ها نه تنها رفت‌وآمد روزمره بلکه فعالیت‌های اقتصادی و زراعتی را نیز به‌شدت محدود ساخته است.

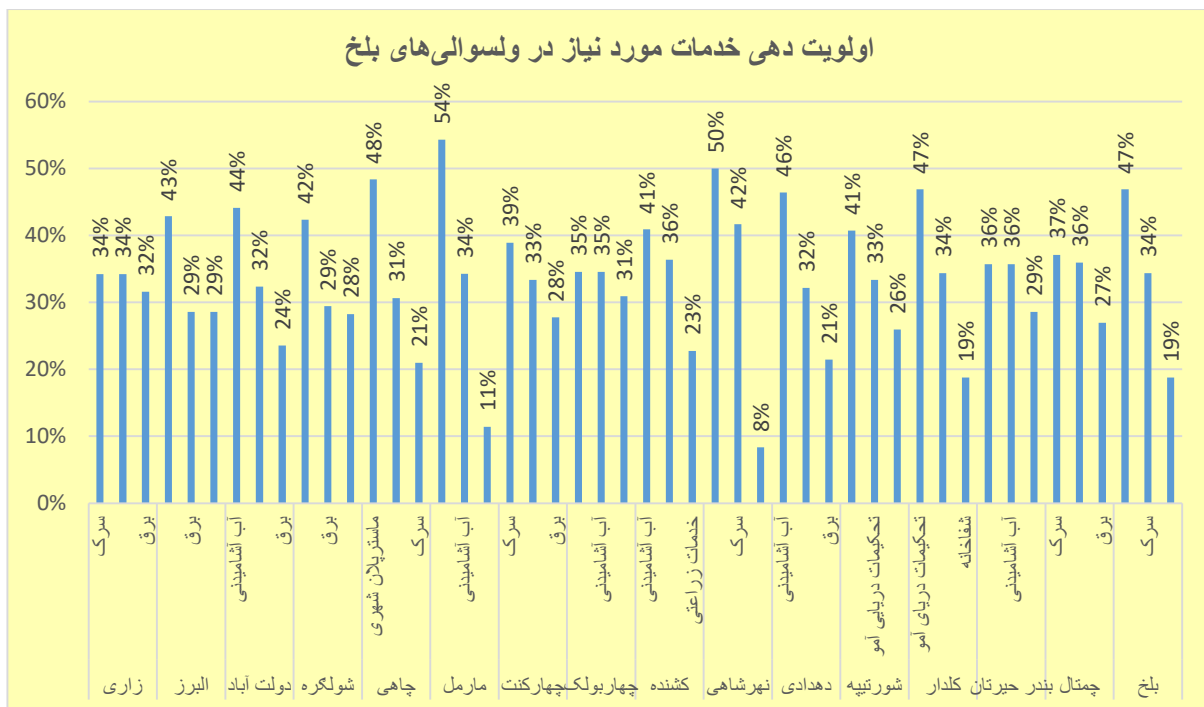
از سوی دیگر، آب آشامیدنی به‌عنوان یک نیاز حیاتی و همگانی در ولسوالی‌هایی چون نهرشاهی (۵۰٪)، دهدادی (۴۶٪)، دولت‌آباد (۴۴٪)، البرز (۴۳٪)، کشنده (۴۱٪) و زاری (۳۴٪) در اولویت بسیار بالا قرار دارد که این امر حاکی از کمبود منابع آب صحتی، ضعف شبکه‌های آبرسانی و وابستگی مردم به منابع ناپایدار آب است؛ وضعیتی که مستقیماً سلامت عمومی، به‌ویژه کودکان و زنان، را تهدید می‌کند.

در بخش برق، هرچند در اغلب ولسوالی‌ها در اولویت سوم قرار گرفته، اما فیصدی‌های نزدیک به ۳۰٪ در ولسوالی‌هایی مانند زاری، البرز، چهاربولک، شولگره و چهارکنت نشان می‌دهد که دسترسی ناپایدار به انرژی همچنان یکی از عوامل محدودکننده رشد اقتصادی، آموزش و خدمات صحتی است. نبود برق پایدار مانع ایجاد صنایع کوچک، نگهداری محصولات زراعتی و توسعه خدمات عامه شده است.

برخی ولسوالی‌ها با چالش‌های ویژه و ساختاری مواجه‌اند که در اولویت‌دهی به‌وضوح بازتاب یافته است. ولسوالی‌های شورتیپه، کلدار، بندر حیرتان و بلخ با اولویت بلندت‌حکیمات دریایی آمو (۳۶ تا ۴۷٪) به‌طور مستقیم در معرض تهدید سیلاب‌ها، فرسایش زمین و تخریب اراضی زراعتی و منازل مسکونی قرار دارند. این موضوع نشان می‌دهد که برای این ولسوالی‌ها، تأمین امنیت جانی و حفاظت از دارایی‌های مردم حتی مهم‌تر از توسعه خدمات عادی زیربنایی است.

در کنار این موارد، مطرح شدن خدمات بخشی مشخص در برخی ولسوالی‌ها نیز قابل توجه است؛ برای نمونه، کشنده با ۲۳٪ نیاز به خدمات زراعتی نشان‌دهنده وابستگی شدید معیشت مردم به زراعت و نیاز به حمایت‌تخنیکی است، در حالی که بندر حیرتان با ۲۹٪ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، با ساختار اقتصادی خاص و نیاز به نیروی کار ماهر متناسب با فعالیت‌های تجاری و ترانزیتی روبه‌رو است. همچنان، نیاز به شفاخانه در کلدار و بلخ (۱۹٪) بیانگر کمبود خدمات صحتی تخصصی در مناطق پرجمعیت یا آسیب‌پذیر می‌باشد، و نیاز نهرشاهی به خدمات تعلیمی هرچند با فیصدی پایین‌تر، نشان‌دهنده شکاف کیفی در آموزش است.

این شکل نشان می‌دهد که اولویت‌های توسعه در ولایت بلخ باید بر اساس ترکیب نیازهای مشترک (آب، سرک و برق) و نیازهای خاص محلی (تحنیمات دریایی، زراعت، آموزش و صحت) تنظیم گردد. رویکرد واحد و یکسان برای تمام ولسوالی‌ها کارآمد نخواهد بود؛ بلکه برنامه‌ریزی باید ولسوالی‌محور، مبتنی بر سطح خطر، میزان آسیب‌پذیری و ساختار معیشتی هر منطقه انجام شود تا اقدامات توسعه‌ای هم پایدار باشد و هم بیشترین اثر را بر بهبود زندگی مردم برجای بگذارد.



گراف 38: اولویت دهی خدمات مورد نیاز در ولسوالی‌های بلخ

12.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کندهار

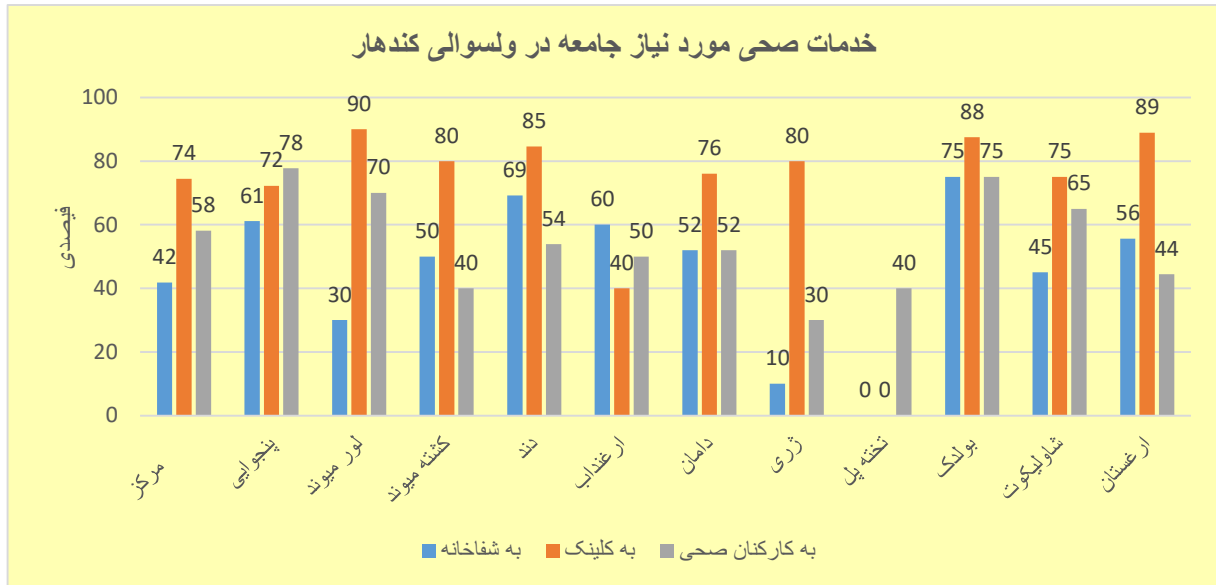
یافته‌های داده‌ها در بخش‌های خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاربایی و زیربنایی نشان می‌دهد که نیازهای اساسی جامعه در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندهار گسترده، چندبُعدی و به‌شدت وابسته به شرایط محلی هر ولسوالی می‌باشد. در بخش صحت، کمبود مراکز صحتی، کارکنان صحتی و ادویه‌جات؛ در بخش معارف، نیاز بلند به مکاتب، معلمین مسلکی و آموزش‌های کوتاه‌مدت؛ در بخش زراعت، وابستگی شدید مردم به مالداران، تخم‌های اصلاح شده، مدیریت آب و حفاظت زمین‌های زراعتی؛ در بخش کاربایی، کمبود فرصت‌های شغلی و نیاز جدی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ و در بخش زیربنا، دسترسی محدود به آب آشامیدنی، سرک‌ها، برق و سایر تأسیسات اساسی به صورت مشترک دیده می‌شود. این تحلیل‌ها به‌روشنی نشان می‌دهد که توسعه متوازن در ولایت کندهار مستلزم برنامه‌ریزی ولسوالی‌محور، مبتنی بر اولویت‌های واقعی جامعه و هم‌زمان توجه به نیازهای فوری انسانی و توسعه پایدار می‌باشد.

از نظر تعداد افراد نیازمند به خدمات، حجم نیاز بسیار قابل توجه است؛ به‌گونه‌ای که در مرکز ولایت حدود ۷۳'۶۹۷ نفر، پنجوایی ۷۹۷'۰۰۰ نفر، لورمیوند ۱'۰۰۴'۶۰۰ نفر، کشته‌میوند ۱۵۷'۶۰۰ نفر، دند ۱۷۳'۵۰۰ نفر، ارغنداب ۲۶۹'۰۰۰ نفر، دامان ۱۰۶'۸۵۳ نفر، ژری ۲۹۷'۰۰۰ نفر، تخته‌پل ۴۴۰'۰۰۰ نفر، بولدک ۱۲۳'۲۰۰ نفر، شاولیکوت ۹۳۵'۰۰۰ نفر و ارغستان ۵۱۳'۰۰۰ نفر به خدمات مختلف نیاز دارند. این ارقام بیانگر آن است که میلیون‌ها تن از باشندگان ولایت کندهار به‌طور مستقیم متأثر از کمبود خدمات اساسی بوده و پا سخ‌گویی مؤثر به این نیازها مستلزم سرمایه‌گذاری هدفمند، هماهنگی نهادی و اولویت‌دهی عادلانه بر اساس میزان نفوس و شدت نیاز در هر ولسوالی می‌باشد.

1.12.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه کندهار

این گراف (39)، بیانگر تفاوت‌های چشمگیر در میزان نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندهار است و نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات صحتی هنوز هم در بسیاری از مناطق ناکافی و نامتوازن می‌باشد. از نگاه دسترسی به شفاخانه، ولسوالی بولدک (۷۵٪)، دند (۶۹٪) و پنجوایی (۶۱٪) بالاترین میزان نیاز را دارند که نشان‌دهنده فشار زیاد بر مراکز موجود یا فاصله زیاد مردم از شفاخانه‌ها است، در حالی که در تخته‌پل میزان نیاز به شفاخانه صفر گزارش شده که بیانگر آن خدمات یا موجود بوده و یا مردم نسبتاً به آن دسترسی مناسب دارند و در مقایسه با سایر نیازها، در اولویت فوری قرار نگرفته‌اند. در بخش کلینیک‌ها، لور میوند (۹۰٪)، ارغستان (۸۹٪)، بولدک (۸۸٪) و دند (۸۵٪) در صدر قرار دارند که حاکی از کمبود جدی مراکز صحتی اولیه و مراجعه گسترده مردم به خدمات ابتدایی صحتی است.

از نظر کارکنان صحت، پنجوایی (۷۸٪)، بولدک (۷۵٪)، شاولیکوت (۶۵٪) و لور میوند (۷۰٪) بیشترین نیاز را نشان می‌دهند که این امر کمبود نیروی انسانی ماهر، به‌ویژه داکتران متخصص و کارمندان صحت آموزش‌دیده را برجسته می‌سازد. ولسوالی‌هایی مانند ژری (۳۰٪) و ارغستان (۴۴٪) اگرچه درصد پایین‌تری دارند، اما همچنان نیازمند تقویت ظرفیت انسانی صحت هستند. در بخش سایر خدمات صحت، خواسته‌های مردم فراتر از درمان مستقیم بوده و شامل ادویه‌جات، کلینیک‌های ۲۴ ساعته، امبولانس، داکتران اناتیه، تجهیزات طبی، واکسیناسیون، حفظ‌الصحه، آگاهی‌دهی صحت و حتی بهبود زیرساخت‌هایی مانند سرک و دیوارهای استنادی می‌شود که ارتباط مستقیم با دسترسی به خدمات صحت دارد. در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که برای بهبود وضعیت صحت ولایت کندهار، نیاز است تا اقدامات بر اساس اولویت هر ولسوالی طراحی گردد، با تمرکز ویژه بر گسترش کلینیک‌ها، تأمین ادویه‌جات، جذب و توزیع عادلانه کارکنان صحت و ایجاد خدمات اضطراری، به‌خصوص در ولسوالی‌هایی که سطح دسترسی به خدمات صحت بسیار محدود گزارش شده است.



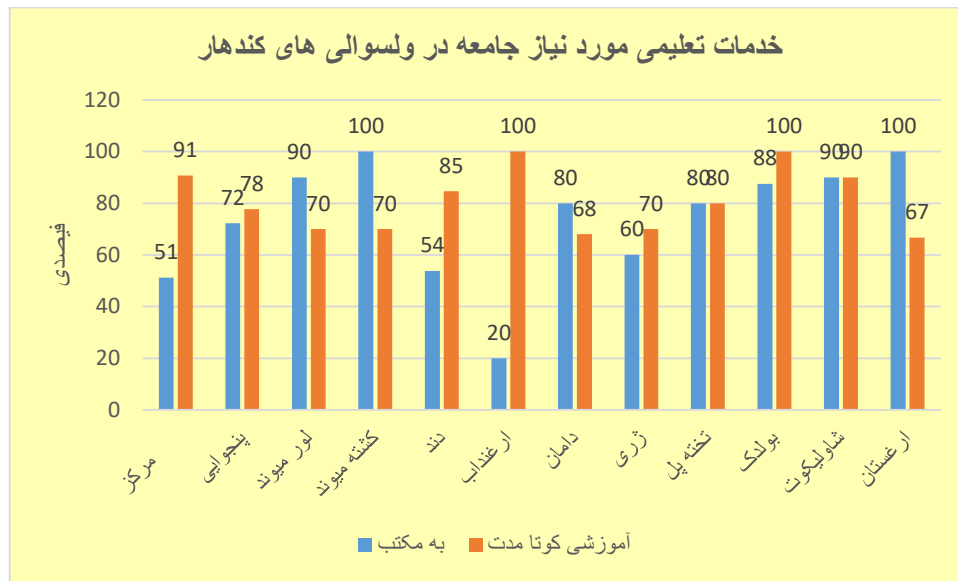
گراف 39: خدمات صحت مورد نیاز جامعه در ولسوالی کندهار

2.12.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه کندهار

در گراف (40)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندهار هم از نظر دسترسی به آموزش رسمی و هم از نظر تنوع و کیفیت خدمات تعلیمی به‌طور چشمگیری متفاوت است. در بخش نیاز به مکتب، ولسوالی‌های کشته میوند و ارغستان با ۱۰۰٪ در بالاترین سطح قرار دارند که بیانگر نبود مکاتب کافی، پراکندگی نفوس و فاصله زیاد شاگردان از مراکز تعلیمی است؛ همچنان لور میوند و شاولیکوت با ۹۰٪ و بولدک با ۸۸٪ نیز نیاز بسیار بلند را نشان می‌دهند که ضرورت اعمار مکاتب جدید و ایجاد صنوف محلی را برجسته می‌سازد. در مقابل، ارغنداب با ۲۰٪ و مرکز با ۵۱٪ نیاز کمتر به مکتب دارند که حاکی از موجودیت نسبی مکاتب است، اما این امر به معنای کفایت کامل نبوده و بیشتر بر بهبود کیفیت و ظرفیت مکاتب موجود دلالت دارد.

در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، ارغنداب و بولدک هر کدام با ۱۰۰٪ بیشترین نیاز را ثبت کرده‌اند که نشان‌دهنده تقاضای جدی برای کورس‌های سوادآموزی، آموزش‌های فنی و حرفوی و مهارت‌های بازارمحور، به‌ویژه برای جوانان و بزرگسالان، می‌باشد. همچنین مرکز (۹۱٪)، شاولیکوت (۹۰٪)، دند (۸۵٪) و پنجوایی (۷۸٪) نیز نیاز بلند به این نوع آموزش‌ها را نشان می‌دهند که بیانگر اهمیت آموزش‌های غیررسمی در تکمیل نظام تعلیمی رسمی است. بخش سایر خدمات تعلیمی تصویر دقیق‌تری از نیازهای کیفی ارائه می‌کند؛ به‌گونه‌ای که خواسته‌های مردم شامل تأمین معلمین مسلکی، به‌ویژه معلمان زن، اعمار تعمیرات معیاری مکاتب، فراهم‌سازی کتاب‌های درسی، قرطاسیه باب، میز و چوکی، ایجاد صنوف محلی، مدارس دینی، کمپیوتر لب و گسترش کورس‌های سوادآموزی می‌باشد. در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که پاسخ مؤثر به نیازهای تعلیمی در ولایت کندهار مستلزم یک رویکرد دوگانه است: از یک سو گسترش زیرساخت‌های تعلیمی در ولسوالی‌های محروم با فیصدی نیاز بلند،

و از سوی دیگر ارتقای کیفیت، تنوع و کارآمدی خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های دارای دسترسی نسبی، تا عدالت آموزشی و توسعه پایدار تعلیمی در سطح ولایت تأمین گردد.



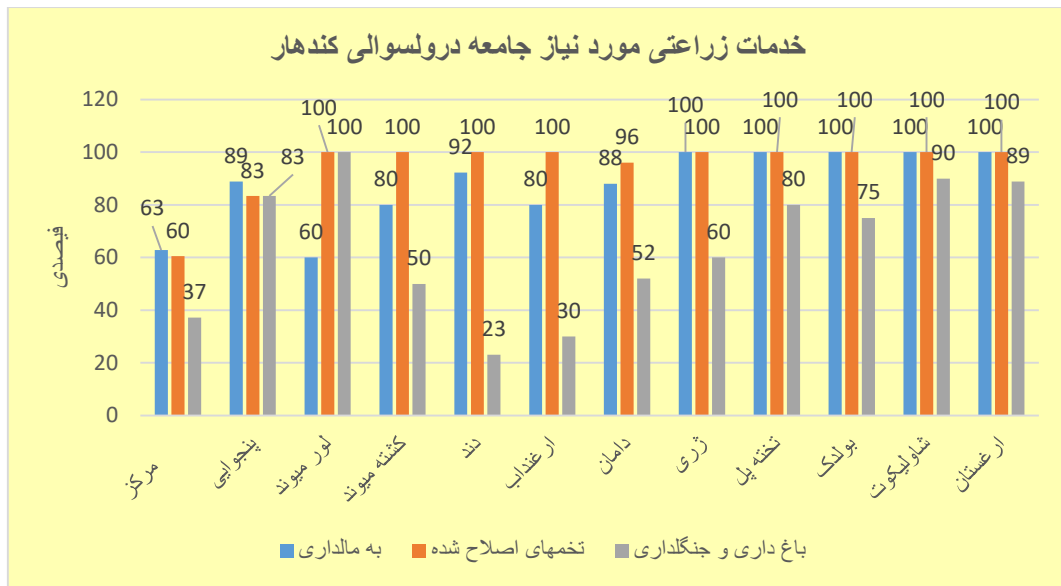
گراف 40: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندهار

3.12.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه کندهار

در گراف (41)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندهار بسیار گسترده، عمیق و ساختاری است و تقریباً تمام حلقه‌های زنجیره زراعت و مالداری را در بر می‌گیرد. در بخش مالداری، ثبت نیاز ۱۰۰٪ در ولسوالی‌های ژری، تخته پل، بولک، شاولیکوت و ارغستان بیانگر آن است که خدمات حمایتی مانند واکسین حیوانی، کلینیک‌های حیوانی، ادویه‌جات و بهبود نسل موافق به شدت ناکافی بوده و معیشت بخش بزرگی از مردم مستقیماً در معرض آسیب قرار دارد؛ همچنان دند با ۹۲٪، پنجوایی با ۸۹٪ و دامان با ۸۸٪ نیز نشان‌دهنده وابستگی شدید مردم این ولسوالی‌ها به مالداری و نیاز فوری به اقدامات حمایتی می‌باشند، در حالی که حتی مرکز ولایت با ۶۳٪ نیز از این نیاز مستثنا نیست. در بخش تخم‌های اصلاح‌شده، گزارش ۱۰۰٪ در اکثر ولسوالی‌ها و فیصدی بلند در دامان (۹۶٪)، پنجوایی (۸۳٪) و مرکز (۶۰٪) نشان می‌دهد که دسترسی محدود دهقانان به تخم‌های معیاری یکی از عوامل اصلی پایین بودن حاصل‌دهی و آسیب‌پذیری تولیدات زراعتی در سطح ولایت است.

در بخش باغداری و جنگلداری، تفاوت‌های ولسوالی محور به‌روشنی دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که لورمیوند با ۱۰۰٪، شاولیکوت با ۹۰٪ و ارغستان با ۸۹٪ نیاز بسیار بلند را گزارش کرده‌اند که بیانگر ظرفیت بالقوه اما استفاده‌نشده برای توسعه باغ‌ها و احیای پوشش نباتی است، در حالی که دند (۲۳٪) و ارغنداب (۳۰٪) نیاز کمتر را نشان می‌دهند که می‌تواند ناشی از موجودیت نسبی باغ‌ها، تجربه قبلی دهقانان یا تمرکز بیشتر بر کشت‌های آبی باشد، هرچند همچنان به بهبود کیفیت و حفاظت باغ‌ها نیاز دارند. بخش سایر خدمات زراعتی تصویر کامل‌تری از چالش‌ها ارائه می‌کند؛ به‌گونه‌ای که خواسته‌های مردم شامل مدیریت و تأمین آب زراعتی از طریق اعمار بندهای آب، کانال‌ها و برمه‌ها، تطبیق چک‌دیم و دیوارهای استنادی برای جلوگیری از فرسایش زمین، فراهم‌سازی ادویه‌جات زراعتی و حیوانی، ایجاد کلینیک‌های حیوانی و نباتی، واکسیناسیون موافق و آگاهی‌دهی تخنیکی در بخش زراعت و مالدار می‌باشد.

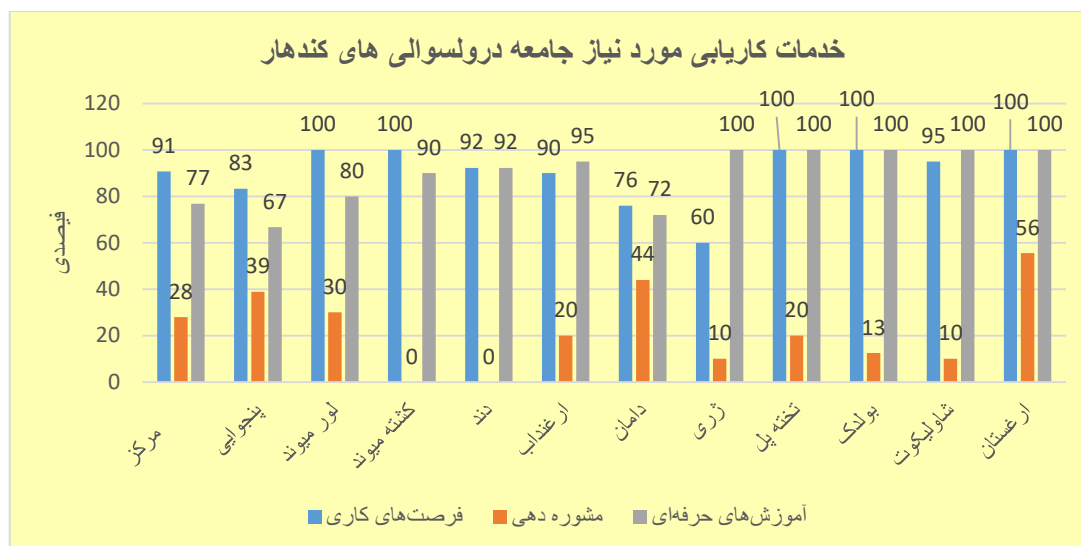
در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که بهبود وضعیت زراعتی ولایت کندهار نیازمند یک رویکرد جامع و پایدار است که در آن افزایش تولید، حفاظت منابع طبیعی و کاهش آسیب‌پذیری دهقانان به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار گیرد؛ به‌ویژه با تمرکز بر ولسوالی‌هایی که در چندین شاخص فیصدی ۱۰۰٪ را گزارش کرده‌اند، تا از طریق اقدامات هدفمند، معیشت روستایی تقویت و امنیت غذایی در سطح ولایت به‌گونه مؤثر تأمین گردد.



گراف 41: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی کندهار

4.12.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه کندهار

گراف (42)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاریابی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندهار به‌طور کلی بسیار بلند است و بیکاری یکی از چالش‌های اساسی معیشتی مردم به‌شمار می‌رود. در بخش فرصت‌های کاری، اکثر ولسوالی‌ها فیصدی‌های بسیار بلند را گزارش کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که لورمیوند، کشته میوند، تخته‌پل، بولک و ارغستان هر کدام با ۱۰۰٪ در بالاترین سطح قرار دارند و پس از آن شاولیکوت (۹۵٪)، دند (۹۲٪) و ارغنداب (۹۰٪) قرار می‌گیرند که نشان‌دهنده کمبود شدید فرصت‌های شغلی و وابستگی گسترده مردم به حمایت‌های کاریابی است، در حالی که حتی مرکز ولایت نیز با ۹۱٪ نیاز بسیار بلند دارد. در بخش آموزش‌های حرفه‌ای، ژری، تخته‌پل، بولک، شاولیکوت و ارغستان با ۱۰۰٪ بیشترین نیاز را نشان می‌دهند و ارغنداب (۹۵٪) و دند (۹۲٪) نیز در سطح بسیار بلند قرار دارند که بیانگر فاصله زیاد میان مهارت‌های موجود نیروی کار و نیاز بازار کار است. در مقابل، مشوره‌دهی کاری در برخی ولسوالی‌ها فیصدی پایین یا حتی صفر (کشته میوند و دند) را نشان می‌دهد که این امر بیشتر به معنای اولویت کمتر این خدمت در مقایسه با نیاز فوری به کار و مهارت است، نه نبود اهمیت آن؛ با این حال ارغستان با ۵۶٪ و دامان با ۴۴٪ نیاز بالاتری را گزارش کرده‌اند که نشان‌دهنده آگاهی بیشتر مردم این مناطق از نقش راهنمایی شغلی می‌باشد. بخش سایر خدمات کاریابی نیز تأکید می‌کند که خواست اصلی مردم در تقریباً تمامی ولسوالی‌ها ایجاد زمینه‌های واقعی کار است. در مجموع، تحلیل گراف نشان می‌دهد که بهبود وضعیت کاریابی در ولایت کندهار نیازمند تمرکز هم‌زمان بر ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بازارمحور است، در حالی که مشوره‌دهی کاری می‌تواند به‌عنوان یک بخش تکمیلی، به‌ویژه در ولسوالی‌هایی با نیاز بالاتر، به‌تدریج تقویت گردد تا پاسخ‌گویی مؤثر به بحران بیکاری در سطح ولایت تضمین شود.

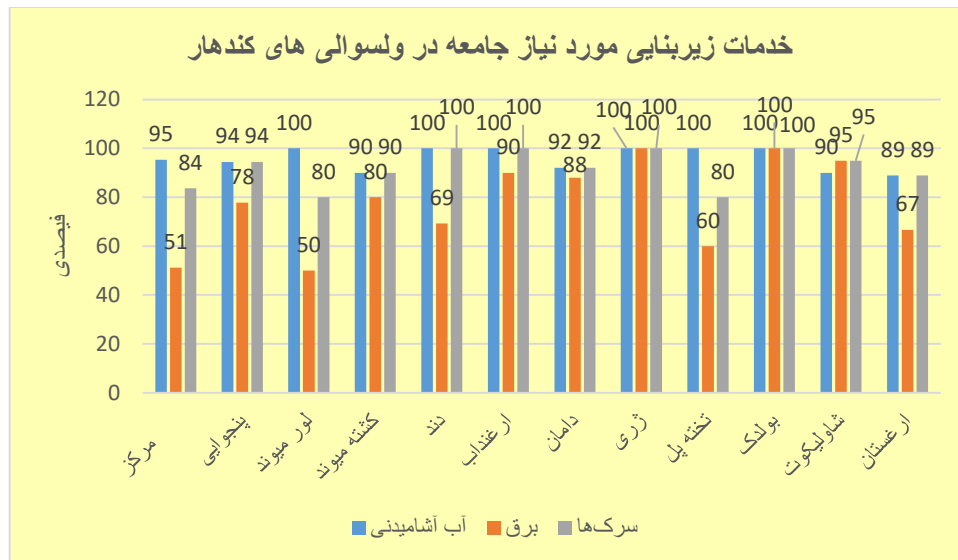


گراف 42: خدمات کارپایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندهار

5.12.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه کندهار

گراف (43)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندهار فراگیر، حیاتی و اولویت‌دار است و کمبود زیربناها یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی این ولایت به شمار می‌رود. در بخش آب آشامیدنی، ثبت فیصدی‌های بسیار بلند در تقریباً تمامی ولسوالی‌ها - به‌ویژه لورمیوند، دند، ارغنداب، ژری، تخته‌پل و بولدک با ۱۰۰٪ - بیانگر آن است که دسترسی به آب صحتی و مصون هنوز هم یک چالش اساسی برای بخش بزرگی از نفوس می‌باشد و خطرات صحتی و فشار بر معیشت خانواده‌ها را افزایش داده است؛ حتی ولسوالی‌هایی مانند مرکز (۹۵٪) و پنجواپی (۹۴٪) نیز نشان می‌دهند که زیرساخت‌های موجود پاسخ‌گوی نیاز فعلی نیستند. در بخش برق، اگرچه تفاوت‌های ولسوالی‌محور مشاهده می‌شود، اما ژری و بولدک با ۱۰۰٪، شاولیکوت با ۹۵٪ و ارغنداب با ۹۰٪ بیانگر محرومیت شدید از انرژی برق هستند که این وضعیت مستقیماً بر فعالیت‌های اقتصادی، آموزش، خدمات صحتی و کیفیت زندگی مردم تأثیر منفی می‌گذارد؛ در مقابل، فیصدی‌های پایین‌تر در مرکز (۵۱٪) و لورمیوند (۵۰٪) بیشتر نشان‌دهنده دسترسی نسبی و ناکافی بودن پوشش برق است، نه رفع کامل مشکل. در بخش سرک‌ها، دند، ارغنداب، ژری و بولدک با ۱۰۰٪ و همچنان شاولیکوت با ۹۵٪ و پنجواپی با ۹۴٪ بیشترین نیاز را دارند که نشان می‌دهد وضعیت نامناسب راه‌های مواصلاتی مانع جدی دسترسی مردم به بازارها، مکاتب، مراکز صحتی و خدمات دولتی بوده و نقش کلیدی در انزوای اقتصادی برخی مناطق ایفا می‌کند.

بخش سایر خدمات زیربنایی تصویر جامع‌تری از نیازهای محلی ارائه می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که خواسته‌های مردم شامل کانکریت‌ریزی کوچه‌ها برای بهبود تردد، اعمار پل و پلچک جهت اتصال قریه‌ها، دیوارهای استنادی و چکدیم برای جلوگیری از فرسایش و سیلاب، کانال‌های آب و پاک‌کاری کاریزها برای تقویت زراعت، گسترش شبکه‌های مخابراتی برای ارتباطات و حتی اعمار مساجد به‌عنوان مراکز اجتماعی می‌باشد. در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که توسعه متوازن در ولایت کندهار مستلزم یک رویکرد جامع زیربنایی است که در آن آب آشامیدنی به‌عنوان نیاز فوری انسانی، سرک‌ها به‌عنوان محرک اقتصاد محلی و برق به‌عنوان پایه خدمات و تولید به‌صورت هم‌زمان و بر اساس شدت نیاز هر ولسوالی در اولویت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری قرار گیرند.



گراف 43: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندهار

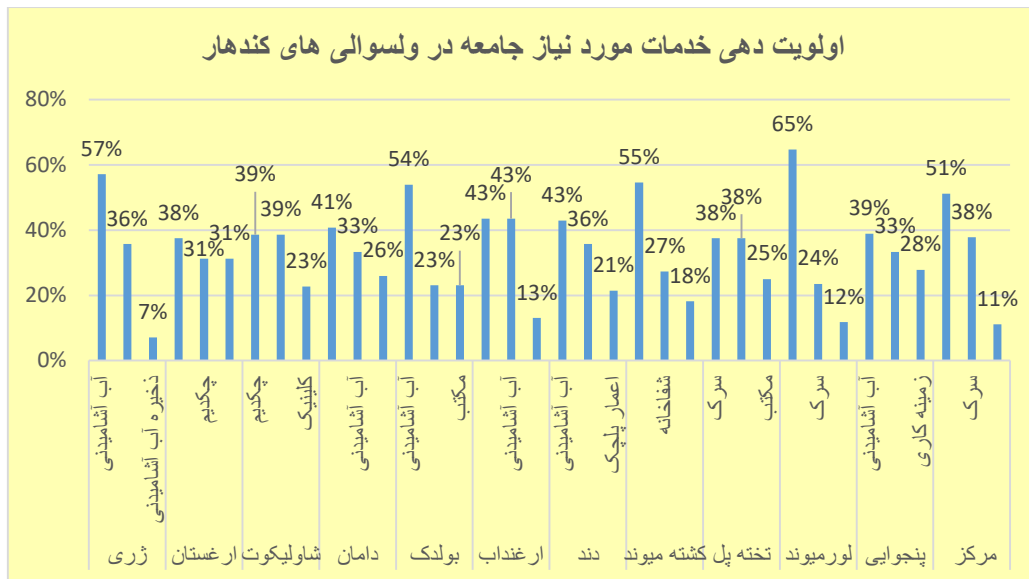
6.12.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه کندهار

در گراف (44)، نشان می‌دهد که اولویت‌دهی نیازهای جامعه در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندهار عمدتاً بر خدمات حیاتی زیربنایی متمرکز است و انتخاب این اولویت‌ها بازتاب‌دهنده واقعیت‌های معیشتی، جغرافیایی و سطح دسترسی هر ولسوالی می‌باشد. آب آشامیدنی به‌عنوان اولویت نخست در بیشترین تعداد ولسوالی‌ها مطرح شده است؛ به‌گونه‌ای که لورمیوند با ۶۵٪ بالاترین میزان را دارد و پس از آن زری (۵۷٪)، کشته‌میوند (۵۵٪)، بولدک (۵۴٪) و مرکز (۵۱٪) قرار دارند که همگی نشان‌دهنده کمبود شدید منابع آب صحی، فرسایش کاریزها و وابستگی مردم به منابع غیرمصرفی می‌باشند. حتی در ولسوالی‌هایی که آب آشامیدنی در اولویت دوم قرار گرفته، مانند دامان (۳۳٪)، پنجواپی (۳۹٪) و شاوولیکوت (۳۹٪)، فیصدی‌ها همچنان بلند بوده و بیانگر فشار گسترده بر منابع آب است.

سرک‌ها به‌عنوان دومین نیاز اساسی تقریباً در تمامی ولسوالی‌ها مطرح شده‌اند و در برخی مناطق حتی به‌عنوان اولویت نخست شناخته می‌شوند؛ مانند دامان (۴۱٪)، ارغنداب (۴۳٪) و تخته‌پل (۳۸٪). این امر نشان می‌دهد که وضعیت نامناسب راه‌های مواصلاتی یکی از موانع جدی دسترسی مردم به خدمات صحی، تعلیمی و بازارهای اقتصادی است و نقش مهمی در انزوای برخی قریه‌ها دارد. در کنار این دو نیاز محوری، برخی ولسوالی‌ها نیازهای خاص‌تر را برجسته ساخته‌اند که ریشه در شرایط محیطی و اجتماعی آن‌ها دارد؛ از جمله چکدیم در شاوولیکوت (۳۹٪)، ارغستان (۲۱٪) و لورمیوند (۱۲٪) که نشان‌دهنده خطر سیلاب و تخریب زمین‌های زراعتی است، و اعمار کانال در ارغنداب (۱۳٪) که اهمیت مدیریت آب زراعتی را برجسته می‌سازد.

همچنان، مطرح شدن خدمات صحی و تعلیمی به‌عنوان اولویت سوم در برخی ولسوالی‌ها—مانند شفاخانه در کشته‌میوند (۲۷٪)، کلینیک در شاوولیکوت (۲۳٪) و مکتب در دامان (۲۶٪)، بولدک (۲۳٪) و تخته‌پل (۲۵٪)—بیانگر آن است که با وجود تمرکز شدید بر زیربناها، نیاز به ارتقای سرمایه انسانی نیز همچنان احساس می‌شود. از سوی دیگر، حضور زمینه کاری و فرصت‌های کاری در پنجواپی (۲۸٪) و مرکز (۱۱٪) نشان می‌دهد که در مناطق با تمرکز نفوس و فعالیت اقتصادی بیشتر، بیکاری و معیشت شهری به‌تدریج به یک دغدغه مهم تبدیل شده است. در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که توسعه مؤثر در ولایت کندهار

نیازمند رویکردی متوازن و ولسوالی‌محور است که در آن تأمین آب آشامیدنی و بهبود سرک‌ها به‌عنوان نیازهای فوری انسانی در اولویت قرار گیرد و هم‌زمان، به نیازهای خاص محلی در بخش‌های مدیریت آب، صحت، معارف و اشتغال به‌گونه هدفمند پاسخ داده شود تا توسعه پایدار و عادلانه در سطح ولایت تحقق یابد.



گراف 44: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندهار

13.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت پکتیا

ولایت پکتیا با جمعیت گسترده و پراکنده در ولسوالی های مختلف، به خدمات حیاتی در حوزه های صحت، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی نیازمند است. در بخش صحت، مردم به شفاخانه ها، کلینیک ها، کارکنان صحت و خدمات تکمیلی مانند دواخانه، لابراتوار و داکتران متخصص و زنانه نیاز دارند. در بخش تعلیمی، نیاز به مکتب ها، آموزش های کوتاه مدت و امکانات آموزشی از جمله کتابتون، معلمین و مدارس دینی بسیار بالاست. در حوزه زراعتی، خدماتی مانند مالداري، تخم های اصلاح شده، باغداری و ماشین آلات زراعتی و سردخانه ها ضروری است. همچنین نیاز به فرصت های کاری و آموزش های حرفه ای و مهارتی در بخش کاریابی و بهبود زیرساخت های آب، برق، سرک ها و سایر خدمات زیربنایی بسیار چشمگیر است.

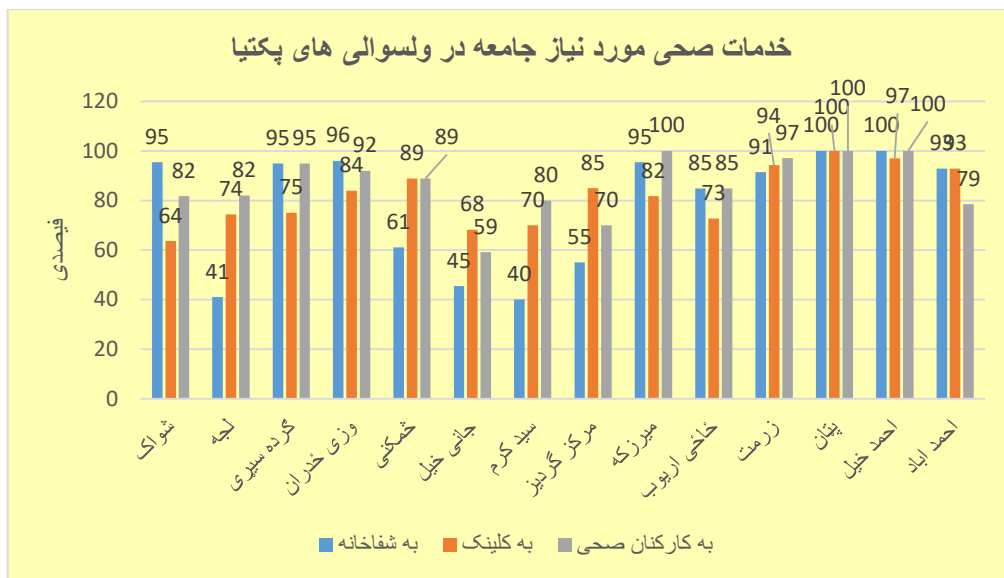
بر اساس داده های ولسوالی ها، مجموع افراد نیازمند به این خدمات در ۱۴ ولسوالی پکتیا بالغ بر ۶۳۲، ۴۴۳ نفر می باشد، که اهمیت برنامه ریزی هدفمند و سرمایه گذاری فوری در این حوزه ها را نشان می دهد.

1.13.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه پکتیا

گراف (45)، نیاز جامعه به خدمات صحتی را در ولسوالی های مختلف ولایت پکتیا به گونه واضح نشان می دهد که در اکثر ولسوالی ها سطح نیاز بسیار بلند است. بر اساس ارقام، نیاز به شفاخانه در ولسوالی هایی چون پتان و احمدخیل (۱۰۰٪)، وزی خدران (۹۶٪)، شوک، گرده سیری و میرزکه (۹۵٪) در بالاترین حد قرار دارد که بیانگر کمبود جدی مراکز بستری صحتی است، در حالی که ولسوالی های جانی خیل و سیدکرم نیاز پایین تری را در این بخش نشان می دهند. نیاز به کلینیک و کارکنان صحتی نیز در همه ولسوالی ها بلند بوده و در زرمت، پتان، احمدخیل و احمدآباد تا ۹۴ الی ۱۰۰ فیصد می رسد که کمبود نیروی بشری صحتی را به صورت سراسری برجسته می سازد. همچنان بخش «سایر خدمات صحتی» نشان می دهد که مردم به خدمات تکمیلی مانند دواخانه، ادویه، لابراتوار، امبولانس، داکتران متخصص و زنانه، آگاهی دهی عامه، واکسیناسیون و حتی اعمار تعمیر شفاخانه ها نیاز مبرم دارند که این امر هم ضعف زیرساخت ها و هم نارسایی کیفیت خدمات صحتی موجود را نشان می دهد. در مجموع، این فیصدها حاکی از آن است که نظام صحتی در ولایت پکتیا پاسخگوی نیاز واقعی جامعه نیست و برنامه ریزی هدفمند و سرمایه گذاری متوازن برای بهبود دسترسی، کیفیت و عدالت در ارائه خدمات صحتی یک ضرورت فوری به شمار می رود.

اما اگر به این نیازها به گونه هدفمند و متوازن رسیده گی صورت گیرد، نتایج آن بسیار مثبت خواهد بود. فراهم سازی شفاخانه ها و کلینیک ها در ولسوالی هایی که بالاترین فیصدها نیاز را دارند، همراه با جذب و توزیع عادلانه کارکنان صحتی، می تواند به صورت مستقیم میزان مرگومیر و شدت امراض را کاهش دهد. تقویت خدماتی چون دواخانه، لابراتوار، امبولانس، واکسیناسیون، آگاهی دهی عامه و حضور داکتران زنانه، باعث

می‌شود که مردم در همان محل سکونت‌شان خدمات لازم را دریافت کنند و مراجعه زودهنگام برای تداوی افزایش یابد. در درازمدت، این اقدامات سطح صحت عامه را بلند برده، هزینه‌های درمانی خانواده‌ها را کاهش داده و اعتماد مردم به دولت و نهادهای صحتی را تقویت می‌کند. در مجموع، این فیصدی‌ها یک زنگ خطر جدی اند؛ ادامه وضعیت فعلی به تشدید بحران صحتی منجر می‌شود، اما رسیدگی مؤثر و مبتنی بر نیاز می‌تواند نه تنها وضعیت صحتی ولسوالی‌های پکتیا را بهبود بخشد، بلکه به ثبات اجتماعی و انکشاف پایدار در ولایت نیز کمک نماید.

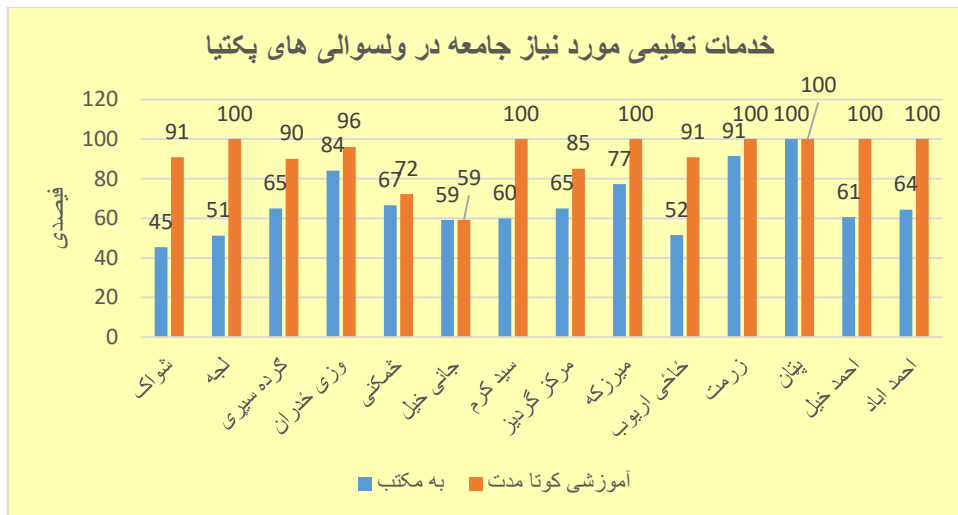


گراف 45: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های پکتیا

2.13.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه پکتیا

این گراف (46)، با وضاحت نشان می‌دهد که نیازهای تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت پکتیا نه تنها گسترده، بلکه چندبُعدی و ساختاری است. فیصدی نیاز به مکتب در بسیاری از ولسوالی‌ها، به‌ویژه پتان (۱۰۰٪)، زرم (۹۱٪)، وزی خدران (۸۴٪) و میرزک (۷۷٪)، بیانگر کمبود شدید مکاتب فعال، فاصله زیاد مکاتب از محل بودوباش مردم و یا فرسودگی تعمیرات موجود است؛ موضوعی که مستقیماً بر میزان شمولیت اطفال، به‌خصوص دختران، تأثیر منفی می‌گذارد. در کنار آن، بلند بودن نیاز به آموزش‌های کوتاه‌مدت در تقریباً تمام ولسوالی‌ها (۹۰ تا ۱۰۰٪) نشان می‌دهد که بخش بزرگی از جامعه، به‌ویژه جوانان و بزرگسالان، از فرصت‌های رسمی آموزشی محروم مانده و خواهان کورس‌های سوادآموزی، مهارت‌های فنی، و برنامه‌های ارتقای ظرفیت هستند که این خود پیامد سال‌ها وقفه در آموزش منظم را بازتاب می‌دهد.

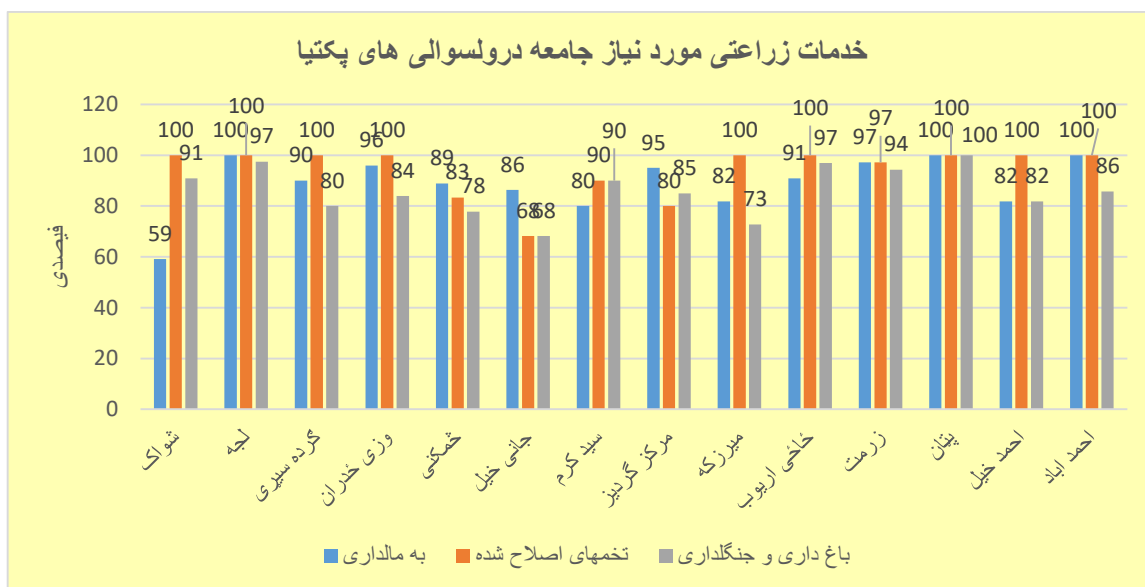
همچنان، فهرست «سایر خدمات تعلیمی» ضعف عمیق نظام آموزشی را از نگاه کیفیت و زیرساخت آشکار می‌سازد؛ کمبود معلمین مسلکی، نبود کتابتون‌ها و لابراتوارهای مجهز، فقدان کمپیوترلیب، کمبود قرطاسیه و نیاز به اعمار یا بازسازی تعمیر مکاتب تقریباً در تمام ولسوالی‌ها تکرار شده است. توجه خاص به ایجاد صنف‌های محلی، مدارس دینی معیاری برای دختران و پسران، کودکان‌ها و کورس‌های سوادآموزی نشان می‌دهد که مردم به یک نظام تعلیمی فراگیر و متناسب با واقعیت‌های محلی نیاز دارند. در مجموع، این ارقام هشدار می‌دهد که اگر به این نیازها به‌گونه متوازن و برنامه‌ریزی‌شده رسیدگی نشود، فاصله تعلیمی میان ولسوالی‌ها عمیق‌تر خواهد شد؛ اما در صورت سرمایه‌گذاری هدفمند در زیربنا، نیروی بشری و آموزش‌های مهارتی، نظام تعلیمی می‌تواند به یک عامل کلیدی برای کاهش فقر، افزایش ثبات اجتماعی و انکشاف پایدار در ولایت پکتیا مبدل گردد.



گراف 46: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا

3.13.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه پکتیا

گراف (47)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در تمام ولسوالی‌های ولایت پکتیا بسیار بلند و حیاتی است و زراعت و مالداری هنوز هم ستون اصلی معیشت مردم را تشکیل می‌دهد. بر اساس ارقام فیصدی، نیاز به مالداری در ولسوالی‌هایی مانند لجه، پتان و احمدآباد (۱۰۰٪)، زرمت (۹۷٪) و وزی خدران (۹۶٪) در بالاترین سطح قرار دارد که وابستگی شدید خانواده‌ها به پرورش مواشی و کمبود خدمات حمایتی این بخش را برجسته می‌سازد. همچنان تقاضا برای تخم‌های اصلاح شده در تقریباً تمام ولسوالی‌ها به ۱۰۰ فیصد می‌رسد که نشان‌دهنده تلاش دهقانان برای افزایش حاصلات و بهبود امنیت غذایی است، در حالی که باغداری و جنگلداری نیز با فیصدی‌های بلند (بیشتر از ۸۰٪) بیانگر اهمیت منابع طبیعی و باغی در اقتصاد محلی می‌باشد. در بخش سایر خدمات زراعتی، نیاز گسترده به کود کیمیاوی، ادویه‌های زراعتی و مالداری، کلینیک‌های حیوانی و زراعتی، ماشین‌آلات، سردخانه‌ها، گرین‌هاوس‌ها، مارکیت میوه‌جات، پروسس محصولات و ترینینگ دهقانان نشان می‌دهد که چالش اصلی تنها تولید نیست، بلکه نگهداری، بازاریابی و افزایش ارزش محصولات زراعتی نیز از مشکلات جدی به شمار می‌رود. در مجموع، این ارقام حاکی از آن است که بدون سرمایه‌گذاری هدفمند در خدمات زراعتی، مالداری و مدیریت منابع طبیعی، معیشت دهقانان آسیب‌پذیر باقی می‌ماند؛ اما رسیده‌گی مؤثر به این نیازها می‌تواند تولید را افزایش داده، عواید دهقانان را بلند برده و نقش مهمی در کاهش فقر و تقویت اقتصاد محلی در ولایت پکتیا ایفا نماید.



گراف 47: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا

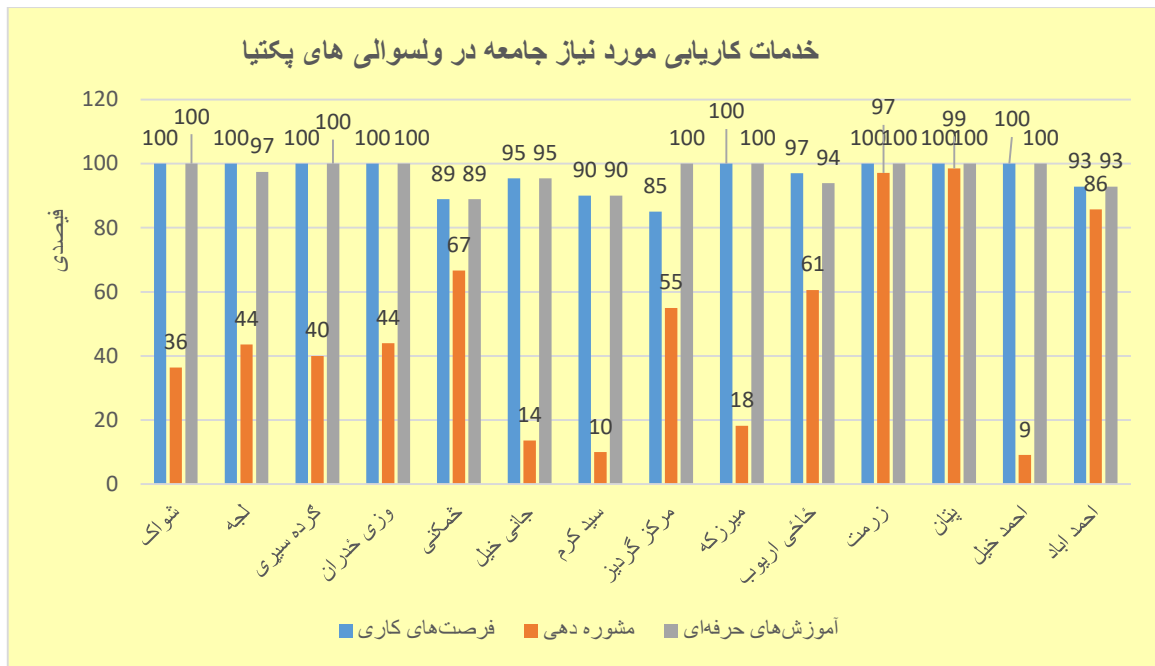
4.13.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه پکتیا

گراف (48)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاربایی در تمام ولسوالی‌های ولایت پکتیا بسیار بلند و تقریباً سراسری است و بیکاری یکی از جدی‌ترین چالش‌های اجتماعی و اقتصادی مردم به شمار می‌رود. بر اساس ارقام، نیاز به فرصت‌های کاری در اکثر ولسوالی‌ها به ۱۰۰ فیصد رسیده و حتی در ولسوالی‌هایی که پایین‌تر است نیز کمتر از ۸۵ فیصد نمی‌باشد که این امر وابستگی شدید معیشت خانواده‌ها به ایجاد شغل را برجسته می‌سازد. همچنان نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای و فنی نیز در بیشتر ولسوالی‌ها بین ۹۰ تا ۱۰۰ فیصد قرار دارد که نشان می‌دهد مردم به‌جای کمک‌های کوتاه‌مدت، خواهان مهارت‌هایی هستند که زمینه اشتغال پایدار را فراهم کند. در مقابل، فیصدی پایین مشوره‌دهی در برخی ولسوالی‌ها مانند سیدکرم، جانی‌خیل و احمدخیل بیانگر نبود ساختارهای راهنمایی شغلی و آگاهی محدود مردم از مسیرهای کاری موجود است. فهرست سایر خدمات کاربایی - از نلدوانی، نجاری، موتورسایکل‌سازی، خیاطی و قالین‌بافی گرفته تا آموزش‌های کمپیوتر، ورکشاپ‌های تخنیکی، برنامه‌های ویژه برای زنان و حتی ایجاد دفاتر کاربایی و فرصت‌های کاری در داخل و خارج کشور - نشان می‌دهد که تقاضا برای اشتغال بسیار متنوع اما عمدتاً مهارت‌محور است.

اگر به خدمات کاربایی یاد شده به‌طور مؤثر و هدفمند رسیده‌گی صورت گیرد، نتایج آن بسیار مثبت و پایدار خواهد بود. ایجاد فرصت‌های کاری و تطبیق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سبب می‌شود که جوانان و افراد بیکار به نیروی کار ماهر مبدل شده و توانایی تأمین معیشت خانواده‌هایشان را پیدا کنند. این امر عواید خانوارها را افزایش داده، فقر را کاهش می‌دهد و وابستگی مردم به کمک‌های بیرونی را کمتر می‌سازد. همچنان فراهم‌سازی مشوره‌دهی شغلی و ایجاد دفاتر کاربایی می‌تواند جهت‌دهی درست به نیروی کار داده، از ضایع شدن مهارت‌ها جلوگیری کرده و ارتباط میان کارجو و بازار کار را تقویت نماید. در نتیجه، مهاجرت‌های اجباری، پیوستن جوانان به فعالیت‌های غیرقانونی و نارضایتی اجتماعی کاهش یافته و ثبات اجتماعی و اقتصادی در سطح ولسوالی‌ها و ولایت تقویت خواهد شد.

اما اگر به این نیازها رسیده‌گی صورت نگیرد، پیامدهای آن به‌مراتب جدی‌تر و آسیب‌زا خواهد بود. تداوم بیکاری گسترده باعث افزایش فقر، ناامیدی جوانان و وابستگی بیشتر خانواده‌ها به منابع ناپایدار می‌شود. در چنین وضعیتی، مهاجرت‌های غیرقانونی به خارج از کشور، کارهای شاقه و پرخطر، افزایش جرایم اجتماعی و حتی بی‌ثباتی‌های امنیتی محتمل‌تر خواهد شد. همچنان نبود آموزش‌های حرفه‌ای سبب می‌شود که نیروی کار فاقد مهارت باقی‌مانند و فرصت‌های اقتصادی - even در صورت ایجاد پروژه‌ها - به افراد غیرمحملی یا ولایات دیگر برسد.

در مجموع، این داده‌ها بیانگر آن است که بدون ایجاد فرصت‌های واقعی شغلی و سرمایه‌گذاری جدی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بیکاری همچنان عامل اصلی فقر، مهاجرت و بی‌ثباتی اجتماعی در ولایت پکتیا باقی خواهد ماند، در حالی که رسیده‌گی هدفمند به این نیازها می‌تواند نیروی کار جوان را به یک ظرفیت مولد اقتصادی مبدل سازد.

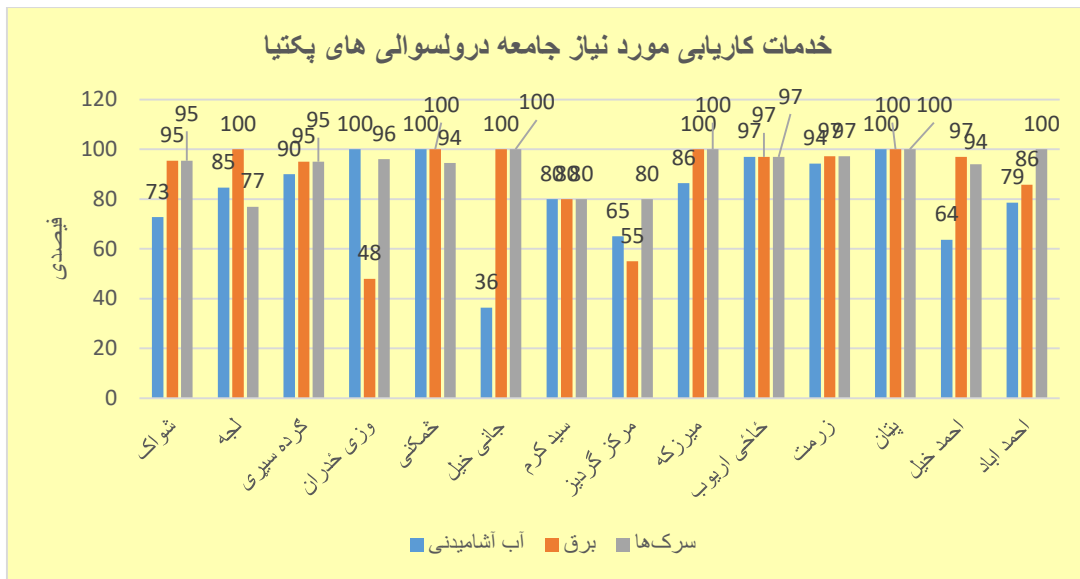


گراف 48: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا

5.13.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه پکتیا

گراف (49)، از وضعیت خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت پکتیا ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که شکاف زیربنایی هم عمیق است و هم فراگیر. فیصدی‌های بسیار بلند نیاز به آب آشامیدنی صحی، به‌ویژه در ولسوالی‌های وزی خدران، خمنکی و پتان (۱۰۰٪)، بیانگر فشار شدید بر منابع آب، خشک سالی‌های مکرر، تخریب کاریزها و نبود سیستم‌های معیاری آبرسانی است که پیامد مستقیم آن افزایش امراض ناشی از آب آلوده و کاهش مصونیت صحی خانواده‌ها می‌باشد. تفاوت محسوس میان ولسوالی‌ها، مانند پایین‌تر بودن نیاز در جانی خیل نسبت به سایر مناطق، نشان می‌دهد که توسعه زیربنایی نامتوازن بوده و برخی مناطق از اقدامات قبلی بهره‌مند شده‌اند، در حالی که بسیاری ولسوالی‌ها کاملاً محروم مانده‌اند.

در بخش برق و سرک‌ها، فیصدی‌های نزدیک به ۱۰۰ نشان می‌دهد که نبود انرژی پایدار و راه‌های معیاری به مانع اصلی رشد اقتصادی و اجتماعی مبدل شده است؛ دهقانان نمی‌توانند محصولات شان را به بازار برسانند، دسترسی به مکاتب و مراکز صحی دشوار است و سرمایه‌گذاری خصوصی نیز به دلیل ضعف زیربنا شکل نمی‌گیرد. همچنان گستردگی نیازها در بخش سایر خدمات زیربنایی—از اعمار بندهای آب، چک‌دیم‌ها، کانال‌ها و دیوارهای استنادی گرفته تا شبکه‌های مخابراتی، پارک‌های صنعتی و تفریحی—نشان می‌دهد که جامعه تنها به زیرساخت‌های ابتدایی بسنده نمی‌کند، بلکه خواهان زیربناهایی است که هم از خطرات طبیعی مانند سیلاب جلوگیری کند و هم زمینه اشتغال و توسعه پایدار را فراهم سازد. در مجموع، این داده‌ها تأکید می‌کند که توسعه زیربنایی در پکتیا باید به صورت یک بسته جامع و هماهنگ عملی شود؛ زیرا هرگونه مداخله پراکنده و مقطعی، بدون توجه به پیوند آب، انرژی، راه‌ها و مخابرات، نمی‌تواند پاسخگوی این سطح بلند نیازهای جامعه باشد و تنها سرمایه‌گذاری هدفمند و عادلانه می‌تواند زیربنای انکشاف متوازن و ثبات اجتماعی در ولایت را تضمین کند.



گراف 49: خدمات کاریبایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا

6.13.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه پکتیا

گراف (50)، نشان می‌دهد که اولویت‌های خدمات مورد نیاز در ولسوالی‌های مختلف ولایت پکتیا بسیار متنوع و مرتبط با وضعیت محلی هر منطقه است و الگوی مشخصی از نیازهای حیاتی مردم را نمایان می‌سازد. در برخی ولسوالی‌ها مانند مرکز، نیازها نسبتاً متوازن است و برق، دیوارهای استنادی و سرک هرکدام با ۳۳٪ اولویت تقریباً برابر دارند؛ این نشان می‌دهد که در این ولسوالی مردم هم به زیرساخت‌های زیربنایی (سرک و دیوارهای استنادی) و هم به برق نیاز جدی دارند. در مقابل، ولسوالی‌هایی مانند میرزکه و سیدکرم بیشتر به خدمات آموزشی و صحتی توجه دارند؛ میرزکه مکتب با ۵۰٪ بالاترین اولویت را دارد و کلینیک و اعمار مسجد هرکدام ۲۵٪، و سیدکرم کلینیک سیار (۵۶٪) و کورس سوادآموزی (۴۴٪) اولویت دارند، که نشان می‌دهد دسترسی به آموزش و خدمات صحتی برای این ولسوالی‌ها از اهمیت حیاتی برخوردار است.

در احمدآباد نیز کورس سوادآموزی با ۵۷٪ در صدر قرار دارد و کلینیک سیار ۳۶٪، در حالی که دیوارهای استنادی تنها ۷٪ اهمیت دارد، که بازتاب‌دهنده نیاز شدید به آموزش و خدمات صحتی و نسبتاً کمتر بودن اولویت زیربنا در این ولسوالی است. جانی خیل و ختمکنی بیشتر به سرک و برق (۵۷٪ و ۳۹٪) اولویت داده‌اند و شبکه‌های مخابراتی و فرصت‌های کاری اهمیت کمتری دارند، این الگو نشان می‌دهد که مردم این مناطق با چالش‌های دسترسی و ارتباطات مواجه هستند و ایجاد زیرساخت‌ها از اولویت بالایی برخوردار است.

ولسوالی‌های دیگر مانند وزی خدران، گرده سیری و شواک تمرکز بیشتری بر آموزش و خدمات صحتی دارند، به‌ویژه کورس‌های سوادآموزی (۴۲ تا ۵۴٪) و کلینیک سیار (۳۸ تا ۴۲٪)، که نشان‌دهنده کمبود آموزش و خدمات صحتی در این مناطق است و نیاز به اقدامات فوری آموزشی و صحتی دارد. ولسوالی‌هایی مانند لجه منگل و مرکز گردینز اولویت را بیشتر به دیوارهای استنادی، برق و سرک داده‌اند، که بیانگر وضعیت ناپایدار زیرساخت‌ها و ضرورت سرمایه‌گذاری در این بخش‌هاست. همچنین، در ولسوالی‌های خاکی اریوب، زرمت و پتان سرک و برق به عنوان اولویت‌های اصلی مطرح هستند و خدمات آب آشامیدنی و اعمار بند آب نیز در لیست نیازها جایگاه مهمی دارند، که اهمیت زیرساخت‌های حیاتی برای زندگی روزمره مردم را نشان می‌دهد.

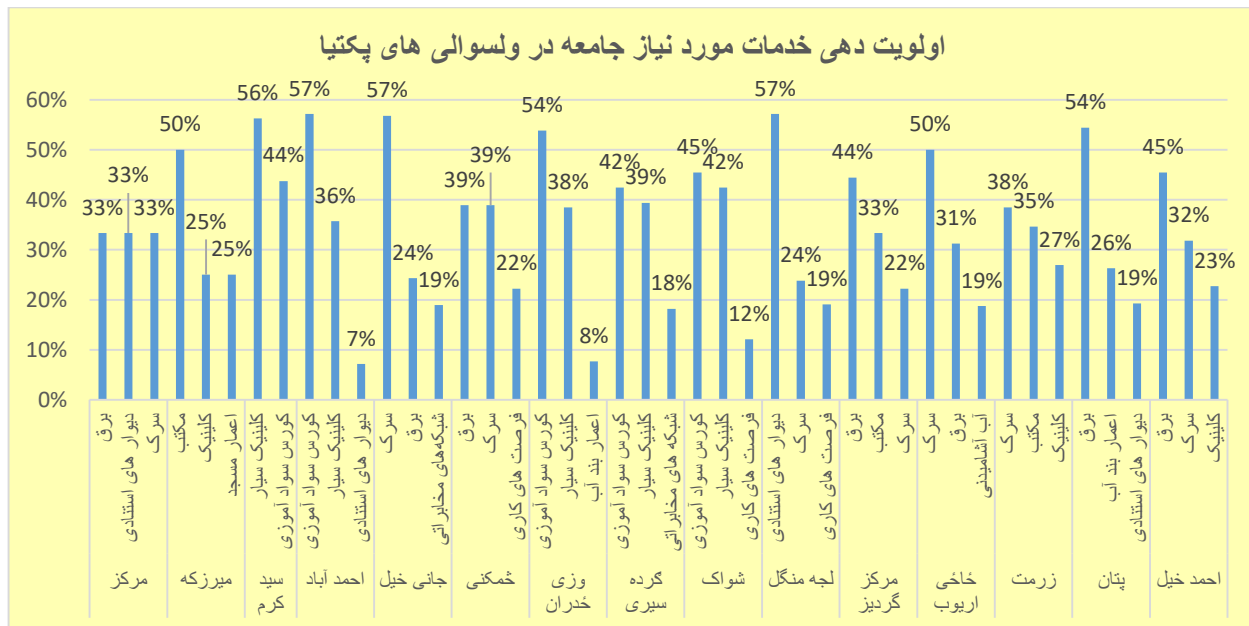
به‌طور کلی، این جدول نشان می‌دهد که اولویت‌های خدماتی در ولسوالی‌های مختلف با توجه به وضعیت زیربنایی، آموزشی، صحتی و فرصت‌های اقتصادی متفاوت است:

مناطق که زیرساخت‌های ابتدایی دارند، نیاز به آموزش و خدمات صحتی بالاتری دارند.

مناطق که فاقد سرک و برق مناسب هستند، زیرساخت‌ها اولویت اصلی است.

مناطق که آموزش و سواد پایین است، کورس‌های سوادآموزی و مکتب در صدر نیازها قرار دارند.

این الگو به تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا منابع محدود را به صورت هدفمند و منطقی تخصیص دهند و برنامه‌های توسعه‌ای متناسب با نیاز واقعی هر ولسوالی طراحی کنند. به این ترتیب، رسیده‌گی به خدمات یاد شده می‌تواند هم عدالت دسترسی به خدمات را افزایش دهد و هم اثرگذاری توسعه را به حداکثر برساند.



گراف 50: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیا

14.4. خدمات مورد نیاز جامعه ارزگان

این گزارش وضعیت نیازهای اساسی مردم در ولسوالی‌های ولایت ارزگان را در حوزه‌های صحت، تعلیمی، زراعتی، کارایی و زیربنایی بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نیازها در تمام ولسوالی‌ها بسیار بالا و گسترده است و بر اساس شدت نیاز و اولویت‌ها، مناطق مختلف با چالش‌های متفاوتی مواجه‌اند.

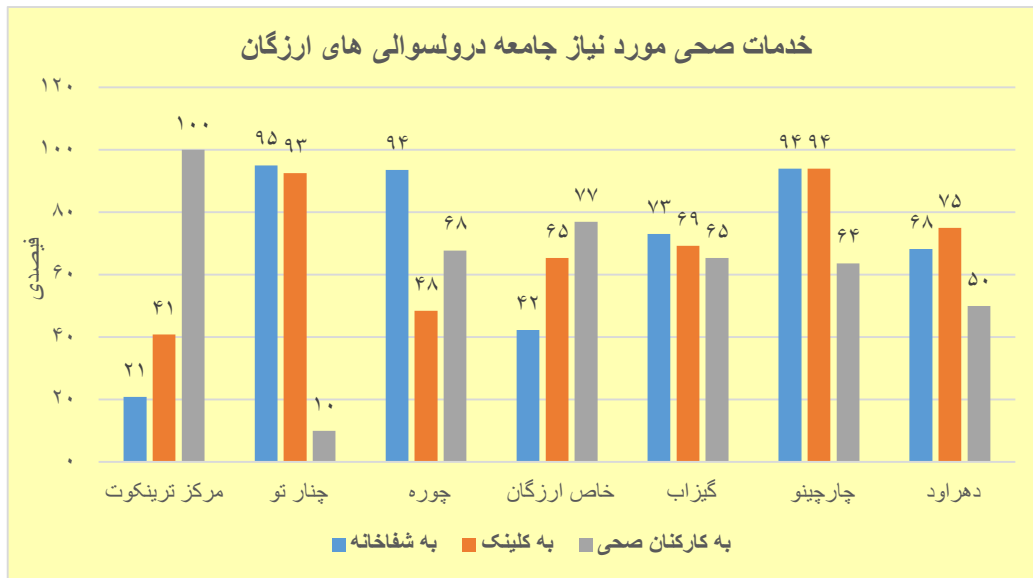
در حوزه تعلیم، چنارتو با نیاز ۱۰۰ درصدی، گیزاب با ۸۱ درصد، چارچینو با ۸۸ درصد، دهرآود با ۷۵ درصد و مرکز ترینکوت با ۴۲ درصد نیاز به مکتب دارند. در بخش زراعت، نیاز به خدمات حمایتی مانند مالداری، تخم‌های اصلاح شده و باغداری در گیزاب، چنارتو و چارچینو بسیار بالاست. حوزه کارایی و آموزش‌های حرفه‌ای نیز در همه ولسوالی‌ها مورد توجه است و کمبود فرصت‌های شغلی فشار اقتصادی را افزایش می‌دهد. در بخش زیربنایی، دسترسی به آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها در ولسوالی‌های پرجمعیت مانند گیزاب، چوره، دهرآود و مرکز ترینکوت، ضرورت فوری دارد.

با در نظر گرفتن جمعیت نیازمند در هر ولسوالی، میزان افراد تحت تاثیر به شرح زیر است: گیزاب ۶۴'۸۰۰ نفر، مرکز ترینکوت ۵۴'۹۰۰ نفر، چنارتو ۲۹'۹۹۰ نفر، چارچینو ۳۳'۴۰۰ نفر، دهرآود ۳۱'۲۰۰ نفر و چوره ۳۹'۷۰۰ نفر. این ارقام تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی و اقدامات توسعه‌ای باید همزمان بر شدت نیاز و تعداد افراد نیازمند متمرکز باشد تا رفاه و توسعه پایدار در ولایت ارزگان تحقق یابد.

1.14.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه ارزگان

در گراف (51)، وضعیت نیازمندی‌های صحتی در ولایت ارزگان تصویر واضحی از نابرابری دسترسی و تفاوت اولویت‌ها میان ولسوالی‌ها را نشان می‌دهد. ولسوالی‌هایی مانند چنارتو، چوره و چارچینو بلندترین فیصدی نیاز به شفاخانه و کلینیک را دارند که این امر می‌تواند ناشی از کمبود شدید تأسیسات صحتی، فاصله زیاد مراکز درمانی و یا افزایش نفوس باشد. در مقابل، مرکز ترینکوت هرچند نیاز پایین‌تری به شفاخانه و کلینیک نشان می‌دهد، اما ثبت ۱۰۰ درصد نیاز به کارکنان صحتی بیانگر آن است که تأسیسات موجود بدون نیروی انسانی کافی قادر به عرضه خدمات مؤثر

نیستند و فشار عمده بر کیفیت خدمات متمرکز شده است نه بر کمیت مراکز. ولسوالی خاص ارزگان با فیصدی‌های نسبتاً بلند در هر سه بخش (شفابخانه، کلینک و کارکنان صحت) وضعیت متوازن اما نگران‌کننده‌ای را بازتاب می‌دهد که نشان‌دهنده کمبود هم‌زمان زیرساخت و نیروی متخصص می‌باشد. گیزاب و دهرآود نیز نیاز متوسط تا بلند به کلینک، کارکنان صحت و ادویه‌جات دارند که بیانگر آسیب‌پذیری خدمات صحت اولیه در این مناطق است. همچنان بخش «سایر خدمات صحت» نشان می‌دهد که تمرکز مردم بیشتر بر دسترسی به ادویه‌جات، تیم‌های صحت سیار، واکسیناسیون اطفال، آگاهی‌دهی صحت عامه و حضور داکتران انائیه است؛ موضوعی که بیانگر چالش‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی در دسترسی به خدمات صحت می‌باشد. در مجموع، این داده‌ها تأکید می‌کند که اقدامات صحت در ارزگان باید بر اساس نیازهای خاص هر ولسوالی طراحی شود، به گونه‌ای که در مرکز ولایت تمرکز بر تقویت نیروی انسانی، و در ولسوالی‌های دور دست تمرکز بر ایجاد و گسترش مراکز صحت، تیم‌های سیار و تأمین ادویه‌جات باشد.

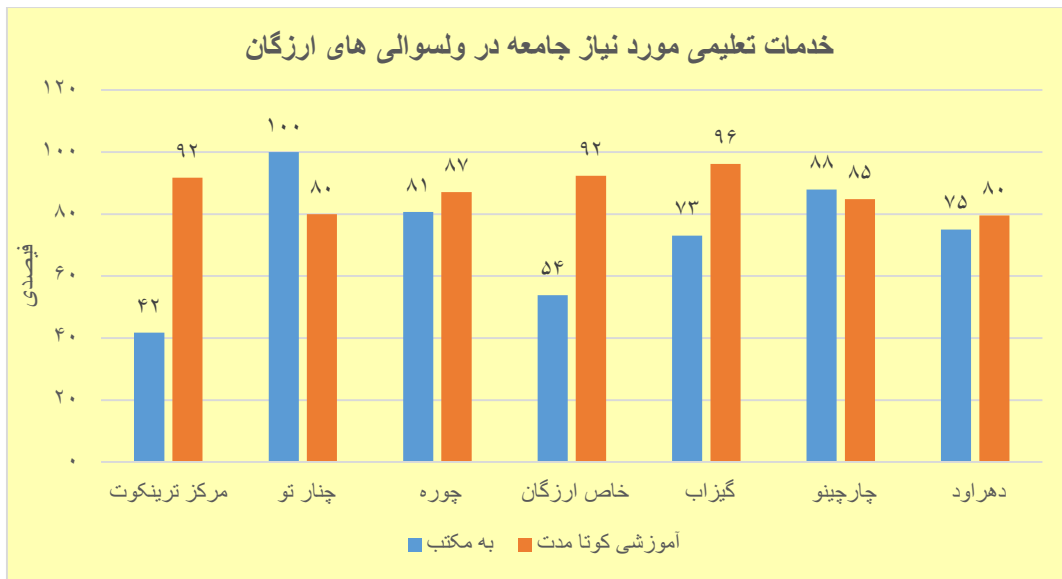


گراف 51: خدمات صحت مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های ارزگان

2.14.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه ارزگان

در گراف (52)، یافته‌ها با در نظر داشت فیصدی نیازها و تعداد افراد مستفید، تصویر جامع‌تری از وضعیت خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت ارزگان ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که چالش‌ها هم از نگاه کمیت و هم کیفیت قابل توجه است. از نظر نیاز به مکتب، ولسوالی چرنار تو با ۱۰۰ درصد در رأس قرار دارد و با توجه به جمعیت ۲۹۰۹۹۰ نفری نیازمند، ایجاد و گسترش مکاتب در این ولسوالی یک اولویت فوری محسوب می‌شود، در حالی که گیزاب با ۷۳ درصد و جمعیت بلند ۶۴۰۸۰۰ نفر نیازمند، از نگاه کمیت یکی از بحرانی‌ترین مناطق به شمار می‌رود. چارچینو و دهرآود نیز با فیصدی‌های بلند نیاز به مکتب (۸۸ و ۷۵ درصد) و جمعیت‌های قابل ملاحظه، فشار زیادی بر نظام آموزشی محلی وارد می‌کنند. مرکز ترینکوت هرچند تنها ۴۲ درصد نیاز به مکتب را نشان می‌دهد، اما با داشتن ۵۴۰۹۰۰ نفر نیازمند، از نگاه تعداد مطلق افراد همچنان با چالش جدی روبه‌رو است و کمبود مکاتب می‌تواند به ازدحام صنف و افت کیفیت آموزش منجر شود.

در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، فیصدی نیاز در تمام ولسوالی‌ها بسیار بلند است که در گیزاب به ۹۶ درصد می‌رسد و همراه با ۶۴۰۸۰۰ نفر نیازمند، بیانگر تقاضای گسترده برای برنامه‌های مهارت‌آموزی، سوادآموزی و آموزش‌های کاربردی می‌باشد. خاص ارزگان و مرکز ترینکوت نیز با ۹۲ درصد نیاز و جمعیت‌های قابل توجه، ظرفیت بالایی برای تطبیق برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت دارند. در بخش سایر خدمات تعلیمی، تکرار نیاز به معلمین و استادان مسلکی، کتاب‌های درسی، قرطاسیه‌باب، اعمار تعمیر مکاتب و ایجاد یا تقویت مدرسه‌های دینی، نشان‌دهنده ضعف ساختاری نظام تعلیم و تربیه در سطح ولایت است. در مجموع، این داده‌ها تأکید می‌کند که اولویت‌بندی اقدامات تعلیمی در ارزگان باید بر اساس ترکیب فیصدی نیاز و تعداد افراد نیازمند صورت گیرد؛ به گونه‌ای که ولسوالی‌های پرجمعیت با نیاز بلند مانند گیزاب، دهرآود و مرکز ترینکوت در کنار ولسوالی‌هایی با نیاز شدید به مکتب مانند چرنار تو و چارچینو، در صدر برنامه‌ریزی‌های تعلیمی قرار گیرند.



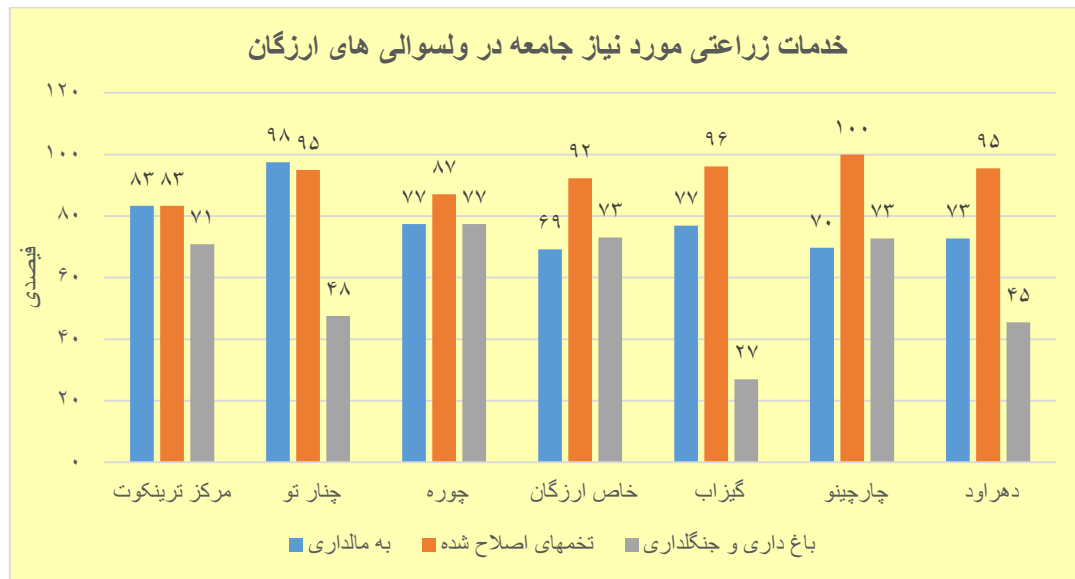
گراف 52: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان

3.14.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه ارزگان

در گراف (53)، یافته‌ها نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در تمام ولسوالی‌های ولایت ارزگان بلند و گسترده است، اما نوع و شدت این نیازها میان ولسوالی‌ها تفاوت دارد. در بخش مالداري، بیشترین نیاز در ولسوالی چنارتو با ۹۸ درصد ثبت شده که بیانگر وابستگی شدید معیشت مردم این ولسوالی به مالداري است، در حالی که سایر ولسوالی‌ها نیز با فیصدی‌های نسبتاً بلند (۶۹ تا ۸۳ درصد) همچنان با کمبود خدمات حمایتی مالداري مواجه‌اند. در زمینه تخم‌های اصلاح‌شده، نیاز در همه ولسوالی‌ها بسیار بلند است و ولسوالی چارچینو با ۱۰۰ درصد در صدر قرار دارد که نشان‌دهنده ضرورت فوری افزایش حاصل‌دهی و بهبود تولیدات زراعتی می‌باشد. در بخش باغداری و جنگلداری، تفاوت چشمگیر دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که چوره، خاص ارزگان و مرکز ترینکوت نیاز متوسط تا بلند دارند، اما گیزاب با ۲۷ درصد کمترین نیاز را نشان می‌دهد که می‌تواند ناشی از محدودیت‌های اقلیمی یا اولویت‌دادن به سایر فعالیت‌های زراعتی باشد. بخش سایر خدمات زراعتی بیانگر نیاز گسترده به آگاهی‌دهی زراعتی، کود کیمیاوی، ادویه‌جات زراعتی و حیوانی، نهال‌های اصلاح‌شده، کلینیک‌های زراعتی و حیوانی، و ترنران مسلکی و ماشین‌های عصری است که ضعف خدمات تکنیکی و حمایتی را در سطح ولایت برجسته می‌سازد. با درنظرداشت تعداد بالای افراد نیازمند، به‌ویژه در ولسوالی‌های پرجمعیت مانند گیزاب، چوره و دهراود، این داده‌ها تأکید می‌کند که اقدامات زراعتی باید بر اساس ترکیب فیصدی نیاز و جمعیت هدف طراحی گردد تا معیشت دهقانان و مالداران به‌صورت مؤثر بهبود یابد.

اگر وضعیت کنونی نیازمندی‌های زراعتی در ولایت ارزگان به همین شکل ادامه یابد و خدمات لازم به‌گونه مؤثر فراهم نگردد، پیامدهای منفی آن به‌صورت مستقیم بر معیشت مردم و ثبات اقتصادی منطقه تأثیر خواهد گذاشت. با درنظرداشت وابستگی بلند مردم به مالداري و زراعت، ادامه کمبود خدماتی چون تخم‌های اصلاح‌شده، کلینیک‌های حیوانی، و ترنران مسلکی و آگاهی‌دهی تکنیکی باعث کاهش حاصل‌دهی زمین‌ها، افزایش بیماری‌های حیوانی، تلفات مویشی و در نهایت کاهش عواید خانواده‌ها خواهد شد. این وضعیت می‌تواند فقر روستایی را تشدید نموده، ناامنی غذایی را افزایش دهد و دهقانان را به استفاده از روش‌های سنتی و غیرپایدار زراعتی وادار سازد. همچنان تخریب تدریجی باغ‌ها و جنگل‌ها، به‌ویژه در ولسوالی‌هایی که نیاز به باغداری و جنگلداری بلند است، می‌تواند منجر به فرسایش خاک، کاهش منابع طبیعی و آسیب‌پذیری بیشتر در برابر تغییرات اقلیمی گردد. در چنین شرایطی، مهاجرت داخلی، ترک زمین‌های زراعتی و افزایش وابستگی مردم به کمک‌های بشری نیز محتمل خواهد بود. در مقابل، اگر خدمات زراعتی مورد نیاز به‌گونه منظم، عادلانه و هدفمند به ولسوالی‌ها رسانیده شود، نتایج مثبت و پایدار قابل انتظار است. فراهم‌سازی تخم‌های اصلاح‌شده، کود کیمیاوی و نهال‌های معیاری می‌تواند تولیدات زراعتی را به‌طور چشمگیر افزایش دهد و امنیت غذایی خانواده‌ها را تقویت نماید. ایجاد و تقویت کلینیک‌های زراعتی و حیوانی، حضور ترنران مسلکی و عرضه ادویه‌جات حیوانی باعث کاهش تلفات مویشی و بهبود کیفیت محصولات مالداري خواهد شد که به‌صورت مستقیم عواید دهقانان و مالداران را افزایش می‌دهد. همچنان آگاهی‌دهی در

بخش زراعت، باغداری و استفاده از ماشینری عصری می‌تواند شیوه‌های سنتی را به روش‌های پایدار و مؤثر تبدیل نموده و زمینه اشتغال محلی را فراهم سازد. در درازمدت، رسیدگی مؤثر به این نیازها نه تنها سبب خودکفایی نسبی زراعتی و کاهش فقر می‌گردد، بلکه ثبات اقتصادی و اجتماعی را در ولایت ارزگان تقویت نموده و وابستگی مردم به کمک‌های بیرونی را به گونه قابل ملاحظه کاهش خواهد داد.



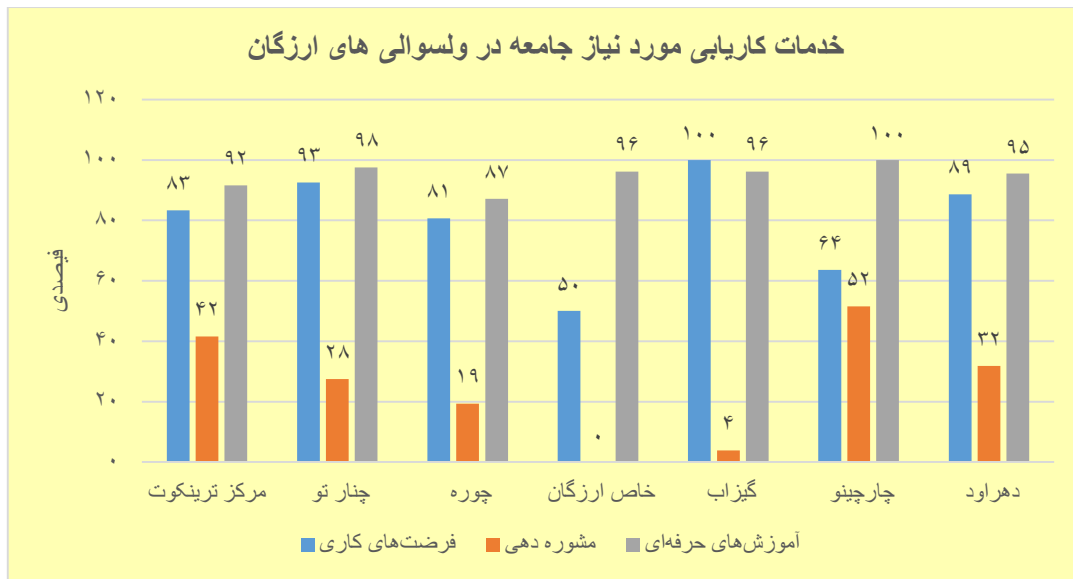
گراف 53: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان

4.14.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه ارزگان

در گراف (54)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاربایی در تمام ولسوالی‌های ولایت ارزگان بسیار بلند است و بیکاری به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی معیشتی مردم مطرح می‌باشد. بلند بودن نیاز به فرصت‌های کاری در اکثر ولسوالی‌ها، به‌ویژه در گیزاب (۱۰۰ درصد)، چنارتو (۹۳ درصد) و دهراود (۸۹ درصد)، بیانگر نبود بازار کار فعال و محدود بودن منابع درآمدی محلی است؛ موضوعی که با جمعیت‌های بلند نیازمند، فشار مضاعف بر خانواده‌ها وارد می‌کند. در چنین شرایطی، بسیاری از جوانان ناگزیر به انجام کارهای موسمی، مهاجرت داخلی یا خارجی و یا وابستگی به کمک‌های بشری می‌شوند که خود پیامدهای منفی اجتماعی و اقتصادی را در پی دارد.

از سوی دیگر، نیاز بسیار بلند به آموزش‌های حرفه‌ای در تمام ولسوالی‌ها (۹۲ تا ۱۰۰ درصد) نشان می‌دهد که جامعه آمادگی و انگیزه لازم برای یادگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای را دارد، اما فرصت و دسترسی به این آموزش‌ها به‌شدت محدود است. این شکاف میان تقاضا و عرضه مهارت‌آموزی سبب می‌شود ظرفیت نیروی کار محلی بلااستفاده باقی بماند. در بخش مشوره‌دهی کاربایی، فیصدی پایین در اکثر ولسوالی‌ها، به‌ویژه خاص ارزگان (۰ درصد) و چوره (۱۹ درصد)، نشان می‌دهد که یا این خدمات به‌کلی وجود ندارد یا آگاهی مردم از آن بسیار محدود است. در حالی که این خدمات می‌تواند نقش کلیدی در پیوند دادن آموزش‌های حرفه‌ای با بازار کار ایفا کند. بخش سایر خدمات کاربایی نیز حاکی از نیاز مشخص به مهارت‌هایی چون خیاطی، گلدوزی، ترمیم موتورسایکل و فراهم‌سازی زمینه کار برای جوانان است که ضعف بازار کار محلی و نبود برنامه‌های حمایتی را برجسته می‌سازد.

در مجموع، این داده‌ها نشان می‌دهد که اگر اقدامات کاربایی به‌صورت جامع انجام نگیرد، بیکاری مزمن و فقر ساختاری در ارزگان تشدید خواهد شد؛ اما در صورت سرمایه‌گذاری هدفمند بر آموزش‌های حرفه‌ای، ایجاد فرصت‌های کاری محلی، حمایت از مشاغل کوچک و تقویت خدمات مشوره‌دهی، می‌توان ظرفیت عظیم نیروی انسانی را فعال ساخته، وابستگی به کمک‌ها را کاهش داد و زمینه ثبات اقتصادی و اجتماعی پایدار را در ولایت ارزگان فراهم نمود.



گراف 54: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان

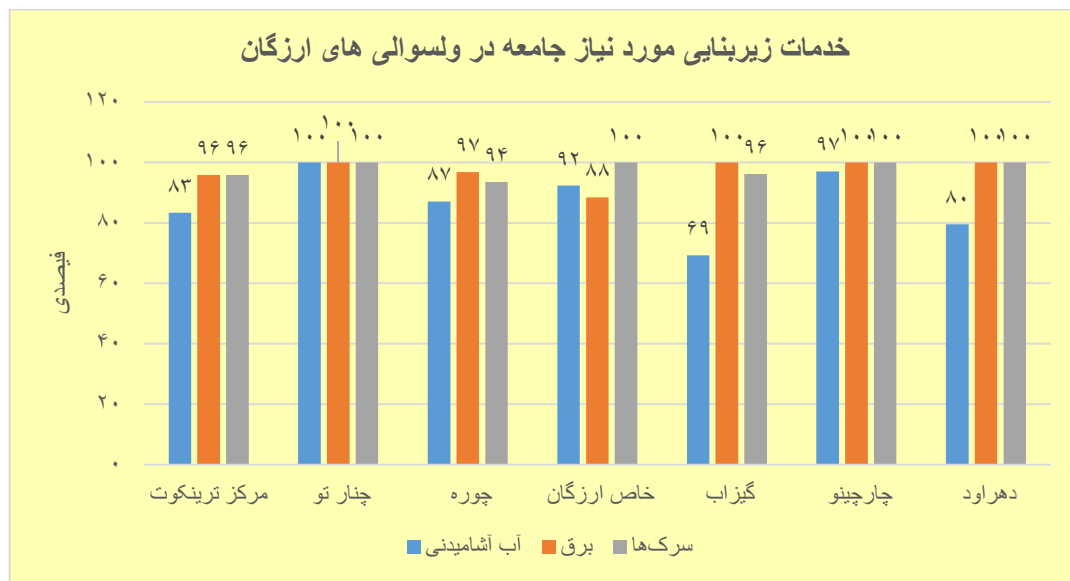
5.14.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه ارزگان

گراف (55)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در تمام ولسوالی‌های ولایت ارزگان بسیار بلند و حیاتی است و تقریباً همه بخش‌های اساسی زندگی مردم را در بر می‌گیرد. نیاز به آب آشامیدنی در اکثر ولسوالی‌ها، به‌ویژه چنارتو (۱۰۰ درصد)، چارچینو (۹۷ درصد) و خاص ارزگان (۹۲ درصد)، بیانگر کمبود شدید دسترسی به آب صحتی و تهدید جدی برای صحت عامه است. در بخش برق و سرک‌ها، درصد نیاز در تمامی ولسوالی‌ها بسیار بالا گزارش شده و حتی در برخی موارد به ۱۰۰ درصد رسیده است. این وضعیت نشان‌دهنده تخریب زیربنایها، پوشش ناکافی خدمات و وجود تقاضای انباشته شده مردم می‌باشد؛ مسأله‌ای که به‌طور مستقیم بر اقتصاد محلی، دسترسی به خدمات صحتی و تعلیمی و رفت‌وآمد مردم تأثیر منفی گذاشته است. بخش سایر خدمات زیربنایی نیز تنوع گسترده‌ای از نیازها مانند پل و پلچک، بند و ذخیره آب، سربند و پاک‌کاری کانال‌ها و کاریزها، دیوارهای استنادی، چک‌دیم و حتی شبکه‌های مخابراتی و تأسیسات عام‌المنفعه را برجسته می‌سازد که نشان‌دهنده آسیب‌پذیری شدید زیرساخت‌ها در برابر سیلاب‌ها، خشکسالی و انزوای جغرافیایی است. با در نظر گرفتن تعداد بلند افراد نیازمند، به‌ویژه در ولسوالی‌های پرجمعیت مانند گیزاب، چوره، دهراود و مرکز ترینکوت، این داده‌ها تأکید می‌کند که توسعه زیربنایها در ارزگان یک ضرورت فوری بوده و بدون سرمایه‌گذاری جدی و متوازن در این بخش، بهبود معیشت، ثبات اجتماعی و دسترسی عادلانه مردم به خدمات اساسی امکان‌پذیر نخواهد بود.

اگر وضعیت کنونی نیازهای زیربنایی در ولایت ارزگان به همین شکل ادامه یابد، پیامدهای منفی گسترده و بلندمدت آن کاملاً قابل پیش‌بینی است. کمبود آب آشامیدنی در ولسوالی‌هایی مانند چنارتو، چارچینو و خاص ارزگان می‌تواند منجر به بحران سلامت عمومی، شیوع بیماری‌های آبی و افزایش فشار بر منابع محدود شود. نبود برق کافی و تخریب سرک‌ها، به‌ویژه در ولسوالی‌هایی که بیش از ۱۰۰ درصد نیاز ثبت شده است، علاوه بر کاهش دسترسی مردم به خدمات حیاتی، تجارت محلی و فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌سازد و باعث انزوا و کاهش فرصت‌های شغلی می‌شود. همچنین ضعف پل‌ها، بندها، کانال‌ها و سایر زیرساخت‌های حیاتی، خطر سیلاب، فرسایش خاک و تخریب زمین‌های زراعتی را افزایش می‌دهد و آسیب‌پذیری جامعه در برابر بلایای طبیعی را تشدید می‌کند.

در مقابل، اگر خدمات زیربنایی مورد نیاز به‌طور مؤثر و هدفمند فراهم گردد، نتایج بسیار مثبت و پایدار خواهد بود. تأمین آب آشامیدنی سالم، برق پایدار و سرک‌های قابل عبور، علاوه بر بهبود کیفیت زندگی، دسترسی مردم به خدمات صحتی و تعلیمی را تسهیل می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی محلی را رونق می‌بخشد. سرمایه‌گذاری در پل‌ها، بندها، کانال‌ها و ذخیره آب، علاوه بر افزایش امنیت غذایی و حفاظت از زمین‌های زراعتی، به کاهش آسیب‌های ناشی از سیلاب و خشکسالی کمک می‌کند. توسعه زیرساخت‌ها، به‌ویژه در ولسوالی‌های پرجمعیت مانند گیزاب، چوره، دهراود و مرکز ترینکوت، می‌تواند نه تنها رفاه مردم را افزایش دهد بلکه ثبات اجتماعی، فرصت‌های اقتصادی و کاهش مهاجرت اجباری را نیز به همراه

داشته باشد. به طور کلی، رسیدگی مؤثر به نیازهای زیربنایی، پایه‌ای برای توسعه پایدار، بهبود معیشت و افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌های طبیعی و اقتصادی فراهم می‌سازد.



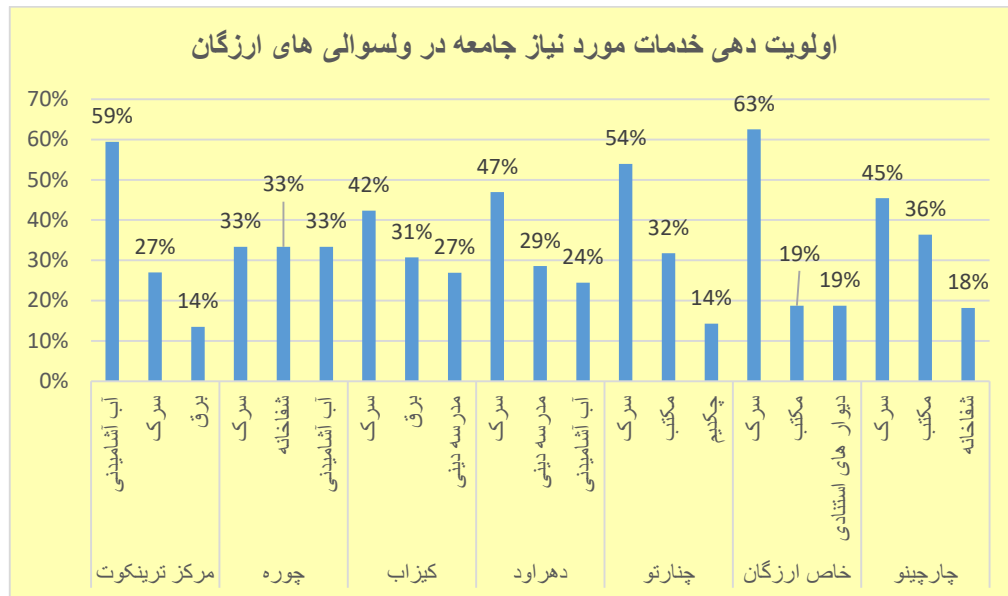
گراف 55: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان

6.14.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ارزگان

گراف (56)، نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت ارزگان بر اساس نیاز مردم متفاوت است و بیشترین تمرکز در اکثر ولسوالی‌ها بر بهبود زیرساخت‌ها، به ویژه سرک‌ها قرار دارد. در مرکز ترینکوت، آب آشامیدنی با ۵۹ درصد بالاترین اولویت را دارد، در حالی که سرک و برق به ترتیب ۲۷ و ۱۴ درصد اهمیت یافته‌اند که نشان می‌دهد مردم به آب سالم و دسترسی به خدمات ابتدایی بیشتر توجه دارند. در چوره، نیازها به طور مساوی میان سرک، شفاخانه و آب آشامیدنی تقسیم شده و هرکدام ۳۳ درصد اولویت دارد، بیانگر توازن نسبی بین خدمات زیربنایی و صحتی. در گیزاب، سرک با ۴۲ درصد و برق با ۳۱ درصد بیشترین اهمیت را دارند، در حالی که مدرسه دینی ۲۷ درصد اولویت دارد که نشان‌دهنده توجه مردم به حمل و نقل، انرژی و آموزش دینی است. دهراود نیز بیشترین توجه را به سرک (۴۷ درصد) دارد و مکتب و آب آشامیدنی در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. چنار تو با ۵۴ درصد اولویت بر سرک و ۳۲ درصد بر مکتب و ۱۴ درصد بر چکدیم نشان می‌دهد که نیازهای زیرساختی و تعلیمی هم‌زمان مورد توجه مردم است. در خاص ارزگان، سرک با ۶۳ درصد و مکتب و دیوارهای استنادی هرکدام ۱۹ درصد، اولویت‌بندی شده‌اند، که اهمیت زیرساخت حمل و نقل در این ولسوالی را برجسته می‌سازد. نهایتاً، چارچینو سرک (۴۵ درصد)، مکتب (۳۶ درصد) و شفاخانه (۱۸ درصد) را به ترتیب در اولویت دارد که نشان‌دهنده ترکیبی از نیازهای زیرساختی، تعلیمی و صحتی است. در مجموع، این داده‌ها تأکید می‌کند که در اکثر ولسوالی‌ها، توسعه و ترمیم سرک‌ها اولویت نخست مردم است، چرا که دسترسی به خدمات صحتی، تعلیمی و زراعتی به شدت به وضعیت حمل و نقل وابسته است، در حالی که سایر خدمات مانند آب آشامیدنی، مکتب و شفاخانه در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. این اولویت‌بندی نشان می‌دهد که برای بهبود معیشت و رفاه عمومی، تمرکز اولیه باید بر تقویت زیرساخت‌های اساسی باشد.

اگر به خدمات ذکرشده در جدول - به‌ویژه سرک‌ها، آب آشامیدنی، برق، مکاتب، شفاخانه‌ها و دیوارهای استنادی - رسیدگی مؤثر شود، اثرات مثبت گسترده و پایدار برای جامعه ولایت ارزگان قابل انتظار است. ترمیم و توسعه سرک‌ها، که در اکثر ولسوالی‌ها اولویت اول مردم است، دسترسی به مراکز صحتی، تعلیمی و بازارها را تسهیل می‌کند و باعث کاهش هزینه و زمان سفر، رونق اقتصادی و افزایش فرصت‌های شغلی خواهد شد. تأمین آب آشامیدنی سالم، به ویژه در مرکز ترینکوت و چوره، به کاهش بیماری‌های ناشی از آب آلوده، بهبود سلامت عمومی و افزایش بهره‌وری افراد کمک می‌کند. ارتقای برق‌رسانی، مانند گیزاب و چارچینو، امکان فعالیت‌های اقتصادی، روشنایی و استفاده از تکنولوژی‌های مدرن را فراهم می‌سازد و سطح رفاه خانواده‌ها را بهبود می‌بخشد.

بهبود مکاتب و مدارس دینی، که در برخی ولسوالی‌ها از جمله چنارتو و دهرآود اولویت دارند، سبب افزایش سطح سواد و مهارت‌های حرفه‌ای می‌شود و زمینه اشتغال جوانان را فراهم می‌آورد. ترمیم و تقویت شفاخانه‌ها و دیوارهای استنادی نیز باعث افزایش امنیت انسانی، حفاظت از زمین‌ها در برابر خطر سیلاب و ارتقای خدمات صحتی می‌شود. در مجموع، رسیدگی هدفمند به این خدمات، علاوه بر بهبود کیفیت زندگی مردم، باعث کاهش فقر، افزایش امنیت اجتماعی، خودکفایی اقتصادی و تاب‌آوری جامعه در برابر بلایای طبیعی و بحران‌های معیشتی خواهد شد و توسعه پایدار ولایت ارزگان را به صورت ملموس تسریع می‌کند.



گراف 56: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های ارزگان

15.4. خدمات مورد نیاز جامعه بادغیس

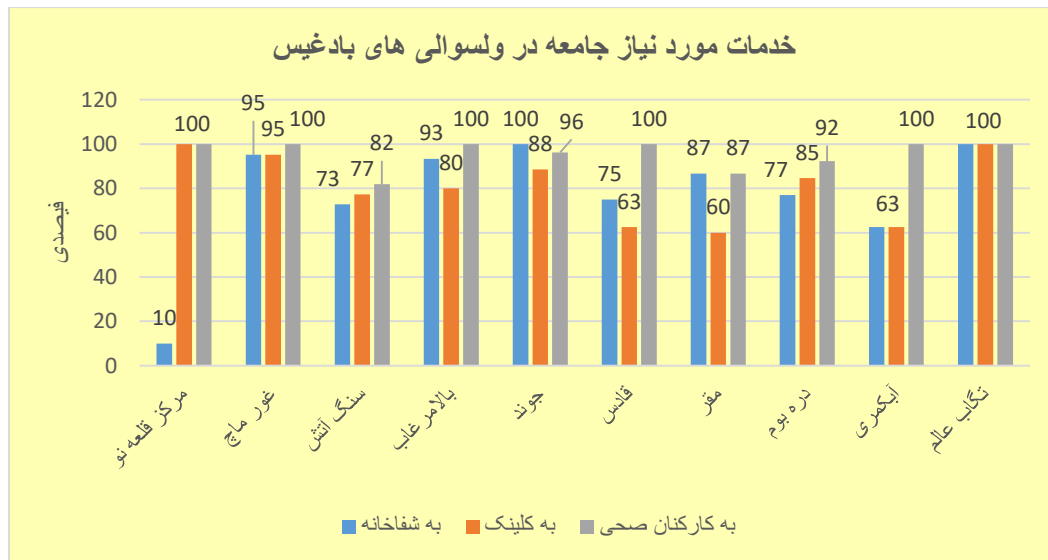
ولایت بادغیس با وجود ظرفیت‌های بالقوه، با کمبودها و چالش‌های گسترده در حوزه‌های خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کارایی و زیربنایی مواجه است. تحلیل نیازهای این ولایت نشان می‌دهد که دسترسی به مراکز صحتی، کلینیک‌ها، کارکنان و تجهیزات طبی در بیشتر ولسوالی‌ها محدود بوده و ضعف امکانات تشخیصی و دارویی محسوس است؛ در بخش تعلیمی، کمبود مکاتب، معلمان مسلکی و تجهیزات آموزشی وجود دارد، در حالی که آموزش‌های کوتاه مدت و مهارت‌آموزی نیاز فوری مردم را منعکس می‌کند. سکتور زراعت با کمبود تخم‌های اصلاح‌شده، ماشین‌آلات، کود و مدیریت منابع آب روبه‌رو است و نیازمند حمایت جامع برای تقویت مالداري، باغداری و تولیدات نباتی است. خدمات کارایی نیز در تمامی ولسوالی‌ها بسیار ضروری است، چرا که فرصت‌های شغلی، مشوره شغلی و آموزش‌های حرفه‌ای برای کاهش بیکاری و افزایش درآمد خانوارها حیاتی می‌باشند. در بخش زیربنایی، کمبود آب آسمانی، برق، سرک‌ها، پل‌ها و سایر زیرساخت‌ها مشکلات اساسی را ایجاد کرده و توسعه اقتصادی و اجتماعی را محدود می‌سازد.

بر اساس آمار، مجموع افراد نیازمند به این خدمات در ولسوالی‌های مختلف بادغیس متفاوت است؛ به گونه مثال، مرکز قلعه‌نو با ۷۲'۳۰۰ نفر، غور ماچ با ۴۲'۱۱۰ نفر، سنگ آتش با ۶۱'۵۰۰ نفر، جوند با ۲۵'۰۷۰ نفر و تگاب عالم با ۶۵'۰۰۰ نفر بیشترین نیازمندان را دارند، که نشان‌دهنده ضرورت اقدامات هدفمند، متوازن و گسترده در تمامی حوزه‌ها برای بهبود شرایط معیشتی و توسعه پایدار در این ولایت است.

1.15.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه بادغیس

گراف (57)، بیانگر نابرابری در دسترسی و شدت نیاز به خدمات صحتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت بادغیس است و نشان می‌دهد که سیستم صحتی موجود پاسخگوی نیاز واقعی نفوس نمی‌باشد. نیاز به شفاخانه در اکثر ولسوالی‌ها بسیار بلند است؛ به‌ویژه در جوند، تگاب عالم، بالامرغاب و غورماچ که ارقام نزدیک یا مساوی به ۱۰۰ درصد می‌باشند، این وضعیت بیانگر کمبود جدی مراکز بستری و خدمات ثانوی صحتی است، در حالی که در ولسوالی‌هایی مانند مرکز قلعه‌نو و آبکمری تمرکز بیشتر روی کلینیک‌ها دیده می‌شود. دسترسی به کلینیک اگرچه در برخی مناطق مانند مرکز

قلعه‌نو، غورماچ و تگاب عالم بلند است، اما در ولسوالی‌هایی چون قادس و مقر پایین بوده که نشان‌دهنده پوشش ناکافی خدمات صحتی اولیه و فاصله جغرافیایی مراکز صحتی با باشندگان می‌باشد. نیاز شدید به کارکنان صحتی در تمام ولسوالی‌ها (۸۷ تا ۱۰۰ درصد) یکی از مهم‌ترین یافته‌های شکل است که کمبود داکتران، قابل‌ها و پرسونل مسلکی را برجسته ساخته و مستقیماً بر کیفیت خدمات صحتی تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین در بخش سایر خدمات صحتی، تکرار نیاز به تجهیزات تشخیصیه، آمبولانس، ادویه با کیفیت، ارتقای سطح کلینیک‌ها و ایجاد کلینیک‌های سیار نشان می‌دهد که مشکل تنها کمیت مراکز صحتی نیست، بلکه کیفیت خدمات، امکانات حمایتی و توان تشخیصی نیز به شدت ضعیف است. در مجموع، این جدول ضرورت برنامه‌ریزی جامع، افزایش سرمایه‌گذاری در زیربنای صحتی، توزیع عادلانه منابع و توجه ویژه به ولسوالی‌های دورافتاده را برجسته می‌سازد تا دسترسی عادلانه و مؤثر به خدمات صحتی در سراسر ولایت بادغیس تأمین گردد.



گراف 57: خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بادغیس

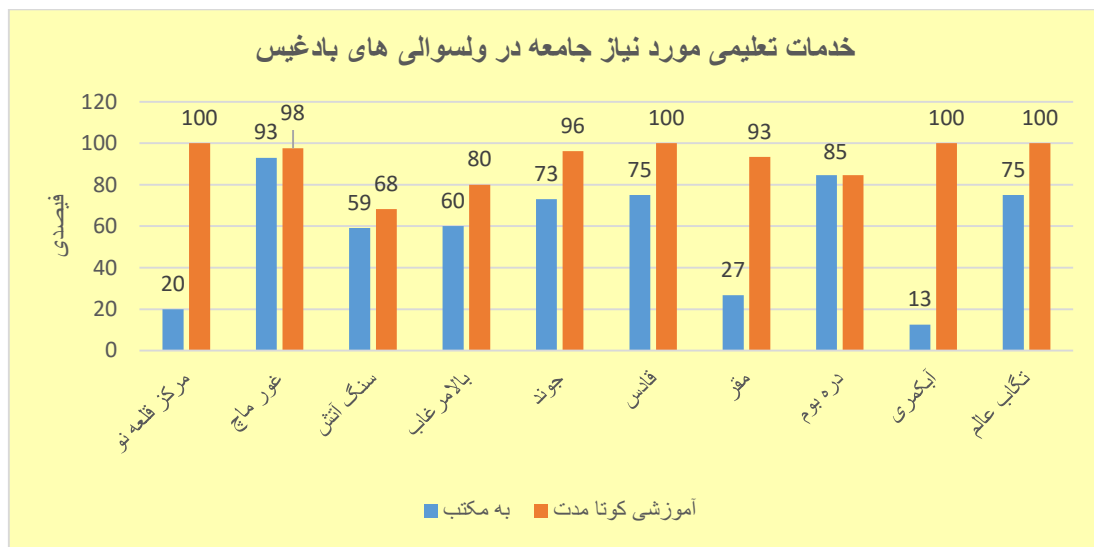
2.15.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه بادغیس

گراف (58)، نشان می‌دهد که نیاز به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های ولایت بادغیس به‌طور گسترده و در برخی مناطق بسیار بلند است. در بخش رفتن به مکتب، ولسوالی‌هایی مانند غورماچ (۹۳٪)، دره بوم (۸۵٪)، قادس (۷۵٪)، جوند (۷۳٪) و تگاب عالم (۷۵٪) بیشترین نیاز را دارند که بیانگر کمبود شدید زیرساخت‌های تعلیمی رسمی در این مناطق است و احتمالاً بسیاری از کودکان و نوجوانان امکان حضور منظم در مدارس را ندارند. در مقابل، مرکز قلعه‌نو (۲۰٪) و آبکمری (۱۳٪) پایین‌ترین نیاز را نشان می‌دهند که می‌تواند ناشی از وجود مدارس کافی، جمعیت کمتر دانش‌آموزان یا عوامل دسترسی محدود باشد.

در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، تقریباً تمامی ولسوالی‌ها با درصدهای بین ۸۰ تا ۱۰۰، نیاز بسیار شدید دارند. این موضوع نشان می‌دهد که تقاضا برای کورس‌های مهارتی، سوادآموزی و آموزش‌های غیررسمی به ویژه برای جوانان و بزرگسالان بسیار بالا است و حتی مناطقی که دسترسی به مکتب پایین است، در آموزش کوتاه‌مدت فعال هستند. این امر تأکید می‌کند که برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت می‌توانند جای خالی مدارس رسمی را تا حدودی پر کنند و نقش مهمی در ارتقای مهارت و سواد عمومی دارند.

در بخش سایر خدمات تعلیمی، تجهیزات و امکانات ارائه شده نیز متفاوت است. اکثر ولسوالی‌ها، مانند مرکز قلعه‌نو، بالامرغاب، جوند، قادس، مقر، آبکمری و تگاب عالم، تجهیزات کافی برای آموزش دارند، اما برخی ولسوالی‌ها مانند غورماچ و سنگ آتش علاوه بر تجهیزات، نیاز به معلمان مسلکی و مهارت‌های تخصصی دارند. این نشان می‌دهد که کیفیت آموزش در این ولسوالی‌ها به میزان قابل توجهی به حضور معلمان آموزش دیده و منابع تخصصی وابسته است. همچنین در جوند، کورس‌های محلی همراه با تجهیزات کافی ارائه شده‌اند که ممکن است به تقویت آموزش محلی و تطبیق با نیازهای جامعه کمک کند.

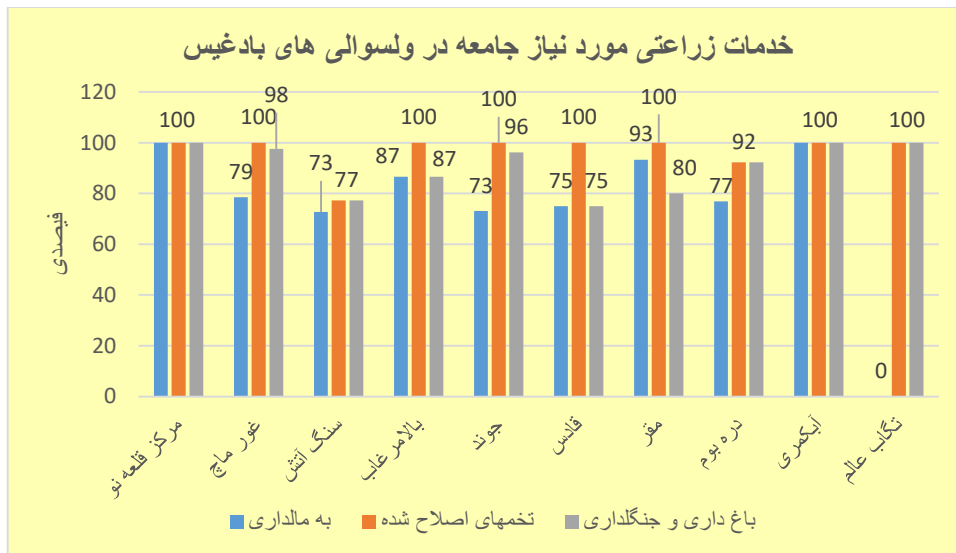
به طور خلاصه، شکل نشان می‌دهد که کمبود حضور در مکتب و نیاز به نیروی انسانی متخصص مهم‌ترین چالش‌ها هستند، در حالی که آموزش کوتاه‌مدت و تجهیزات عمومی تقریباً در سطح خوبی ارائه می‌شوند. تمرکز آینده باید بر افزایش حضور در مکتب و ارتقای کیفیت آموزشی در ولسوالی‌های کم‌درآمد و محروم باشد.



گراف 58: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس

3.15.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه بادغیس

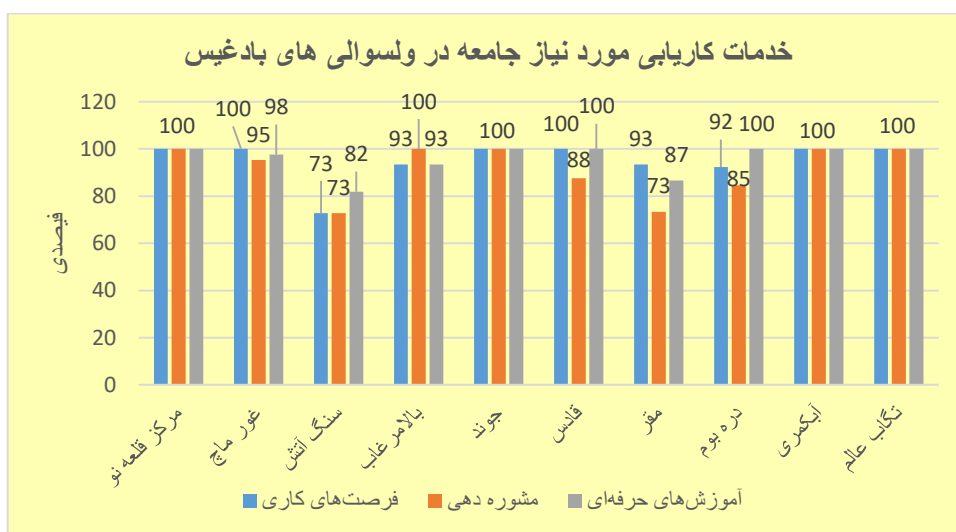
در گراف (59)، از وابستگی شدید معیشت باشندگان ولسوالی‌های بادغیس به سکتور زراعت و چالش‌های ساختاری آن ارائه می‌کند. فیصدی بلند نیاز به مالداری در اکثر ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که دامداری یکی از ارکان اساسی اقتصاد محلی است؛ به‌ویژه در مرکز قلعه‌نو، مقر و آبکمری که نیاز به ۱۰۰ درصد رسیده و بیانگر کمبود خدمات حمایتی چون واکسین، علوفه و مدیریت صحت حیوانات می‌باشد، در حالی که صفر بودن نیاز در تگاب عالم می‌تواند نشان‌دهنده تمرکز بیشتر این ولسوالی بر زراعت نباتی یا محدود بودن فعالیت‌های مالداری باشد. نیاز تقریباً سراسری به تخم‌های اصلاح‌شده (۹۲ تا ۱۰۰ درصد) یکی از مهم‌ترین یافته‌ها است که ضعف شدید در دسترسی به نهاده‌های معیاری، پایین بودن حاصل‌دهی و وابستگی زارعین به روش‌های سنتی را برجسته می‌سازد. در بخش باغداری و جنگلداری نیز ارقام بلند نشان می‌دهد که ولسوالی‌ها ظرفیت بالقوه برای تنوع محصولات، افزایش عاید و حفاظت محیط‌زیست دارند، اما به دلیل کمبود حمایت‌تکنیکی و تجهیزاتی این ظرفیت به‌طور کامل استفاده نمی‌شود. بخش سایر خدمات زراعتی به‌روشنی نشان می‌دهد که مشکلات اصلی زارعین فراتر از نهاده‌ها بوده و شامل نبود ماشین‌آلات زراعتی، کود و دواهای زراعتی، گلخانه و سردخانه، ضعف مدیریت آب از طریق جوی‌ها، بندها و چکده‌ها و کمبود خدمات حمایتی مستقیم برای زارعین است؛ این وضعیت باعث کاهش تولید، افزایش ضایعات و آسیب‌پذیری شدید در برابر خشکسالی می‌گردد. در مجموع، گراف بر ضرورت تطبیق برنامه‌های جامع زراعتی، مکانیزه‌سازی تولید، مدیریت پایدار منابع آب و حمایت هدفمند از زارعین در سطح ولسوالی‌ها تأکید می‌کند تا امنیت غذایی و ثبات معیشتی در ولایت بادغیس تقویت گردد.



گراف 59: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس

4.15.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه بادغیس

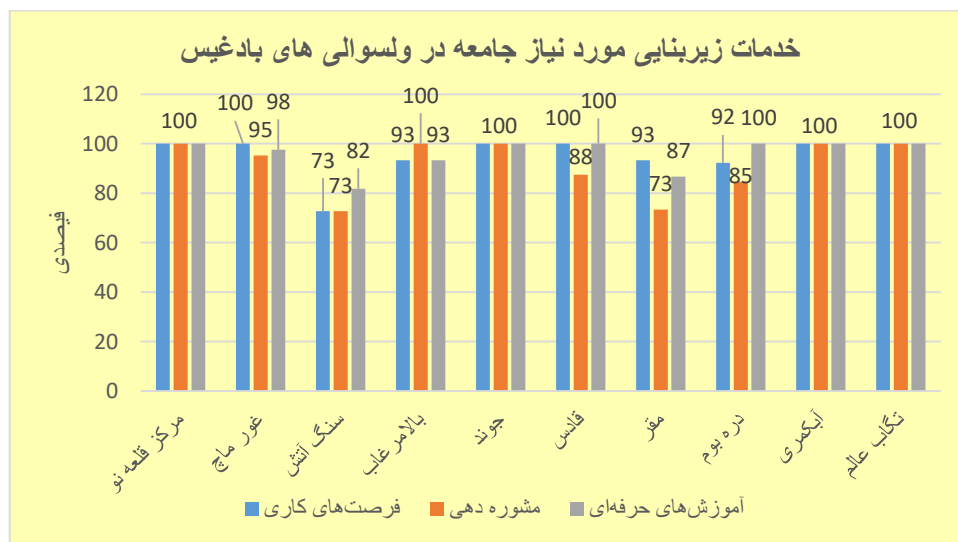
گراف (60)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاریابی در تمام ولسوالی‌های ولایت بادغیس به‌گونه بسیار گسترده و شدید مطرح است، به‌طوری که فرصت‌های کاری در همه ولسوالی‌ها فیصدی بسیار بلند (۹۲ تا ۱۰۰ درصد) را نشان می‌دهد که بیانگر بیکاری گسترده و محدود بودن منابع عایداتی پایدار می‌باشد. نیاز به مشوره‌دهی شغلی و حمایتی نیز در اکثر ولسوالی‌ها بالا است، به‌ویژه در مرکز قلعه‌نو، بالامرغاب، جونز، آبکمری و تکاب عالم که به ۱۰۰ درصد رسیده و نشان‌دهنده نبود راهنمایی حرفه‌ای، برنامه‌ریزی شغلی و دسترسی به معلومات بازار کار است، هرچند در برخی ولسوالی‌ها مانند سنگ آتش و مقر این نیاز اندکی پایین‌تر است. آموزش‌های حرفه‌ای تقریباً در تمام ولسوالی‌ها با فیصدی بسیار بلند (۸۲ تا ۱۰۰ درصد) مطرح بوده که اهمیت مهارت‌آموزی برای جوانان و افراد فاقد تخصص را برجسته می‌سازد. بخش سایر خدمات کاریابی که عمدتاً بر ایجاد مستقیم کار برای مردم تأکید دارد، نشان می‌دهد که جامعه بیش از برنامه‌های نظری، به فرصت‌های عملی اشتغال نیاز فوری دارد و اشاره به استخراج معادن در آبکمری بیانگر ظرفیت‌های اقتصادی بالقوه محلی است که در صورت مدیریت درست می‌تواند به کاهش بیکاری و بهبود وضعیت معیشتی در ولایت بادغیس کمک نماید.



گراف 60: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بادغیس

5.15.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه بادغیس

در گراف (61)، نشان می‌دهد که وضعیت خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت بادغیس با کمبودهای گسترده و جدی روبه‌رو است و این نیازها مستقیماً بر کیفیت زندگی مردم و روند توسعه محلی تأثیر می‌گذارد. نیاز بلند به آب آشامیدنی در اکثر ولسوالی‌ها، به‌ویژه غورماچ، قادس، دره بوم و مقر، بیانگر محدودیت شدید دسترسی به منابع مصئون آب، وابستگی به منابع ناپایدار و افزایش آسیب‌پذیری صحتی و محیط‌زیستی است؛ در مقابل، پایین‌تر بودن فیصدی در مرکز قلعه‌نو و تگاب عالم می‌تواند نشان‌دهنده دسترسی نسبی بهتر یا وجود منابع بدیل باشد. در بخش برق، اختلاف چشم‌گیر میان مرکز قلعه‌نو و سایر ولسوالی‌ها قابل مشاهده است؛ نیاز بسیار بلند در ولسوالی‌های دورافتاده نشان می‌دهد که نبود انرژی پایدار یکی از موانع اساسی رشد اقتصادی، ایجاد فرصت‌های کاری، عرضه خدمات صحتی و تعلیمی و حتی توسعه صنایع کوچک می‌باشد. نیاز فراگیر به سرک‌ها در تمام ولسوالی‌ها نشان‌دهنده انزوای جغرافیایی، دشواری انتقال محصولات زراعتی، محدودیت دسترسی به بازارها و خدمات اساسی و افزایش هزینه‌های ترانسپورتی است. بخش سایر خدمات زیربنایی ابعاد عمیق‌تری از این کمبودها را بازتاب می‌دهد؛ از اعمار چاه‌های عمیق، سیستم‌های تصفیه و ذخیره آب، بندهای آبگردان و برق، دیوارهای استنادی و پل‌ها گرفته تا شبکه‌های مخابراتی، سیستم‌های فاضلاب و ایجاد سردخانه‌ها که همگی بیانگر نیاز به سرمایه‌گذاری هماهنگی، مدیریت منابع آب، کاهش خطرات طبیعی و تقویت زیربنای اقتصادی است. در مجموع، جدول تأکید می‌کند که بدون توجه همه‌جانبه و برنامه‌ریزی پایدار در بخش زیربنایها، بهبود معیشت، ثبات اجتماعی و توسعه متوازن در ولایت بادغیس با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد بود.

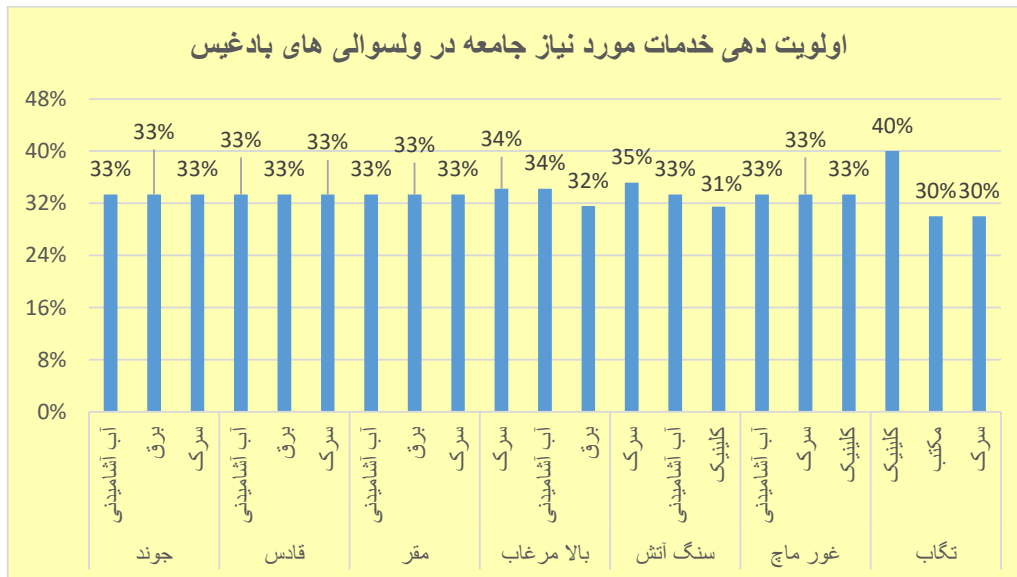


گراف 61: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بادغیس

6.15.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بادغیس

در گراف (62)، نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات اساسی در ولسوالی‌های مختلف ولایت بادغیس عمدتاً بر نیازهای حیاتی و زیربنایی متمرکز است، به‌طوری‌که آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها در اکثر ولسوالی‌ها مانند جونز، قادس و مقر به صورت مساوی (۳۳ درصد) به‌عنوان اولویت‌های اصلی مطرح شده‌اند که بیانگر کمبود هم‌زمان این سه خدمت کلیدی است. در بالامرغاب نیز سرک و آب آشامیدنی با سهم اندکی بیشتر نسبت به برق در صدر اولویت‌ها قرار دارند که نشان‌دهنده مشکلات دسترسی و نیاز فوری به اتصال ترانسپورتی و منابع آب مصئون می‌باشد. در سنگ آتش و غورماچ، علاوه بر آب آشامیدنی و سرک، کلینیک به‌عنوان یکی از اولویت‌های مهم مطرح شده که بیانگر ضعف دسترسی به خدمات صحتی در کنار مشکلات زیربنایی است. در تگاب، تفاوت قابل‌توجهی دیده می‌شود؛ جایی که کلینیک با ۴۰ درصد در اولویت نخست قرار دارد و پس از آن مکتب و سرک مطرح‌اند که این امر نشان می‌دهد چالش‌های اجتماعی مانند صحت و تعلیم در این ولسوالی نسبت به خدمات زیربنایی اولویت بالاتری یافته‌اند. در مجموع، جدول نشان می‌دهد که اگرچه نیازها در ولسوالی‌ها متفاوت است، اما آب، برق، سرک و خدمات اجتماعی اساسی همچنان محور اصلی مطالبات جامعه در ولایت بادغیس را تشکیل می‌دهد.

اگر به خدمات فوق‌الذکر رسیدگی مؤثر صورت گیرد، دسترسی مردم به آب آشامیدنی مصئون، برق و سرک‌ها بهبود یافته و در نتیجه سطح صحت عمومی، فعالیت‌های اقتصادی، رفت‌وآمد، دسترسی به بازارها و استفاده از خدمات صحتی و تعلیمی افزایش می‌یابد؛ این امر باعث ایجاد فرصت‌های کاری، کاهش فقر، تقویت اعتماد مردم به نهادها و بهبود ثبات اجتماعی در ولسوالی‌های بادغیس خواهد شد. در مقابل، اگر به این نیازها رسیدگی نشود، کمبود آب، نبود برق و سرک‌های مناسب همچنان سبب گسترش مشکلات صحتی، رکود اقتصادی، انزوای جغرافیایی، افزایش بیکاری و نارضایتی اجتماعی می‌گردد و در درازمدت روند توسعه پایدار و بهبود معیشت مردم با موانع جدی و پیامدهای منفی گسترده مواجه خواهد شد.



گراف 62: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بادغیس

16.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت بامیان

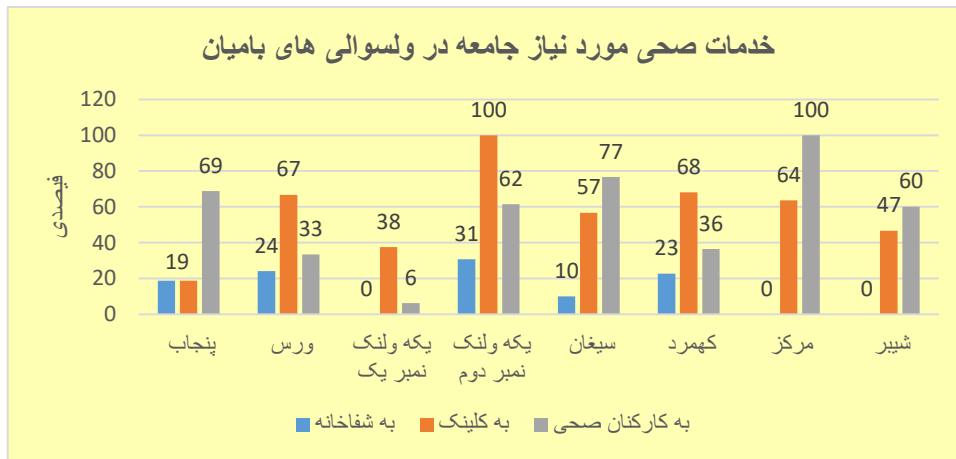
ولایت بامیان با وجود منابع طبیعی و انسانی قابل توجه، با نیازهای گسترده و متنوعی در بخش‌های خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی مواجه است. تحلیل داده‌های ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که هر ولسوالی دارای الگوی متفاوتی از نیازهاست؛ به طور مثال، در بخش خدمات صحتی، نیاز به کارکنان صحتی، شفاخانه، کلینک و تجهیزات متنوع بسته به ولسوالی فرق دارد، در بخش خدمات تعلیمی تقاضا برای مکتب، آموزش کوتاه‌مدت و سایر خدمات مانند سوادآموزی و آموزش‌های تخصصی متفاوت است. در حوزه خدمات زراعتی، نیازها شامل مالداري، استفاده از تخم‌های اصلاح شده، باغداری و جنگلداری و سایر خدمات عملیاتی مانند کلینک حیوانی، آب زراعتی و سردخانه است. بخش خدمات کاریابی نیز بر فرصت‌های شغلی، مشوره‌دهی، آموزش‌های حرفه‌ای و مهارت‌های تخصصی هر ولسوالی متمرکز است و الگوهای متفاوتی را نشان می‌دهد. در نهایت، خدمات زیربنایی شامل آب آشامیدنی، برق، سرک‌ها و سایر زیرساخت‌های مرتبط با پل‌ها، دیوار استنادی، شبکه مخابراتی و سردخانه‌ها است که اهمیت توسعه متوازن و هدفمند را در هر ولسوالی برجسته می‌کند.

بر اساس آمار، تعداد کل افراد نیازمند به این خدمات در ولسوالی‌های مختلف بامیان متفاوت است: بیشترین تعداد نیازمندان در ورس با ۱۴۷۳۳۸ نفر و کمترین در یکه ولنک نمبر یک با ۱۲۷۵۰ نفر است. سایر ولسوالی‌ها مانند سیغان (۷۸۳۱۰ نفر)، مرکز (۶۷۵۷۰ نفر)، کهمرد (۵۴۴۹۰ نفر)، پنجاب (۵۳۶۰۰ نفر)، یکه ولنک نمبر دوم (۱۵۳۲۰ نفر) و شیبیر (۱۹۴۵۰ نفر) نیز جمعیت قابل توجهی از افراد نیازمند را شامل می‌شوند که برنامه‌ریزی خدمات باید متناسب با این جمعیت و اولویت‌های محلی انجام شود.

1.16.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه بامیان

گراف (63)، نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت بامیان تفاوت‌های چشمگیری دارد. به طور کلی، بیشترین نیاز به کارکنان صحتی در مرکز ولسوالی‌ها (۱۰۰٪) و سیغان (۷۷٪) مشاهده می‌شود، در حالی که پنجاب (۶۹٪) و شیبیر (۶۰٪) نیز تقاضای قابل توجهی دارند،

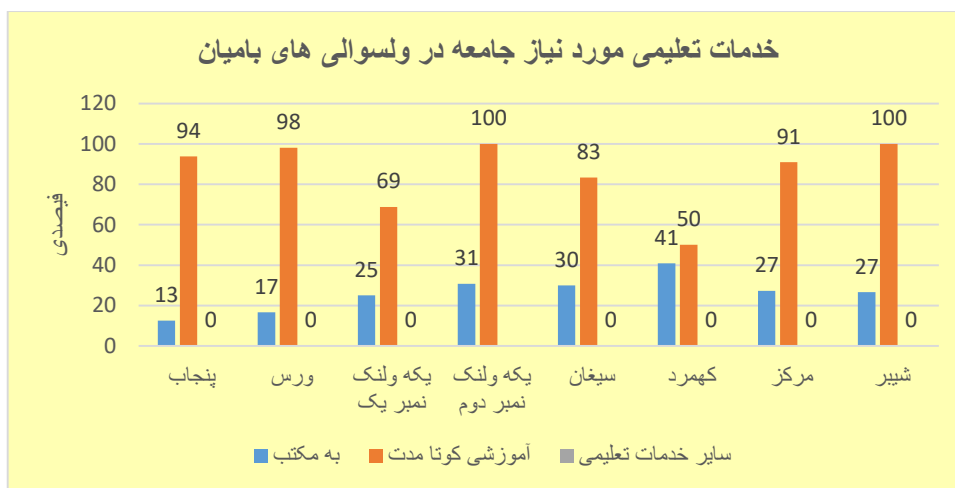
ولی در یکه ولنک نمبر یک (۶٪) کمترین میزان نیاز به کارکنان صحتی گزارش شده است. در زمینه دسترسی به شفاخانه، ورس (۲۴٪) و یکه ولنک نمبر دوم (۳۱٪) بالاترین نیاز را نشان می‌دهند، در حالی که پنجاب، سیغان و کهمرد به ترتیب ۱۹٪، ۱۰٪ و ۲۳٪ نیاز دارند و برخی ولسوالی‌ها مانند یکه ولنک نمبر یک و مرکز هیچ نیاز به شفاخانه گزارش نکرده‌اند. دسترسی به کلینک‌ها نیز متفاوت است؛ بیشترین نیاز در یکه ولنک نمبر دوم (۱۰۰٪) و ورس (۶۷٪) مشاهده می‌شود، در حالی که پنجاب (۱۹٪) و سیغان (۵۷٪) نسبتاً پایین هستند. در بخش سایر خدمات صحتی، نیازها شامل ادویه‌جات، واکسین، ایجاد پوسته صحتی، تجهیزات صحتی، آمبولانس و تعمیر کلینیک‌ها است که بسته به ولسوالی متفاوت است؛ به طور مثال، کهمرد نیاز به ادویه و آمبولانس و تعمیر کلینیک دارد، در حالی که یکه ولنک نمبر دوم نیاز اصلی آن ادویه و تجهیزات صحتی است. بنابراین، می‌توان گفت که هر ولسوالی الگوی متفاوتی از نیازهای صحتی دارد که برنامه‌ریزی خدمات باید بر اساس این تفاوت‌ها هدفمند شود.



گراف 63: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بامیان

2.16.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه بامیان

گراف (64)، نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت بامیان متفاوت و متنوع است. در زمینه دسترسی به مکتب، کهمرد (۴۱٪) و یکه ولنک نمبر دوم (۳۱٪) بیشترین نیاز را نشان می‌دهند، در حالی که پنجاب (۱۳٪) و ورس (۱۷٪) کمترین نیاز را دارند. آموزش‌های کوتاه‌مدت تقریباً در همه ولسوالی‌ها تقاضای بالایی دارد و بیشترین میزان در یکه ولنک نمبر دوم و شیبیر (۱۰۰٪) و ورس (۹۸٪) دیده می‌شود، در حالی که کهمرد (۵۰٪) کمترین نیاز به آموزش کوتاه‌مدت را دارد. سایر خدمات تعلیمی نیز بسته به ولسوالی متفاوت است؛ به طور مثال، در پنجاب تمرکز بر مکتب محلی، سوادآموزی و دانشگاه است، ورس به معلم حوزه علمیه نیاز دارد، کهمرد بر تقویت مدارس دینی متمرکز است و مرکز بر استخدام اساتید مجرب و آموزش کامپیوتر تأکید دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نیازهای تعلیمی در هر ولسوالی هم از نظر نوع خدمات (مکتب، آموزش کوتاه‌مدت، خدمات تخصصی) و هم از نظر شدت تقاضا متفاوت است و برنامه‌ریزی آموزشی باید بر اساس این تفاوت‌ها به صورت هدفمند انجام شود.



گراف 64: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان

3.16.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه بامیان

گراف (65)، نشان می دهد که نیازهای زراعتی در ولسوالی های بامیان بسیار متنوع و وابسته به شرایط محلی هستند. در زمینه مالداری، پنجاب و سیغان با ۱۰۰٪ نیاز، کاملاً نشان دهنده وابستگی بالا به دامداری هستند، در حالی که یکه ولنک نمبر دوم (۹۲٪)، مرکز (۹۱٪) و شیبیر (۸۷٪) نیز نیاز بالایی دارند. ورس با ۱۹٪، کمترین تقاضا را دارد که ممکن است به دلیل محدودیت زمین، جمعیت کم یا تمرکز بر کشاورزی گیاهی باشد. یکه ولنک نمبر یک (۶۳٪) و کهمرد (۶۴٪) در سطح متوسط نیاز به خدمات مالداری دارند.

در زمینه تخم های اصلاح شده، بالاترین نیازها در پنجاب (۱۰۰٪)، کهمرد (۹۱٪) و شیبیر (۹۳٪) مشاهده می شود که نشان می دهد این ولسوالی ها به شدت به افزایش بهره وری زراعتی و استفاده از بذرهایی بهبود یافته نیاز دارند. ورس (۲۶٪) کمترین نیاز را دارد که احتمالاً ناشی از محدودیت زمین یا تمرکز بر دامداری است. یکه ولنک نمبر یک و دوم نیز نیاز قابل توجهی دارند (۸۸٪ و ۸۵٪). برای باغداری و جنگلداری، سیغان (۹۳٪) و یکه ولنک نمبر دوم (۸۵٪) بیشترین نیاز را دارند، در حالی که مرکز (۸۲٪) و کهمرد (۷۳٪) نیز نیاز بالایی دارند. این نشان می دهد که در این ولسوالی ها برنامه های توسعه باغ ها و جنگل کاری می تواند تأثیر قابل توجهی بر معیشت و حفاظت محیط زیست داشته باشد. ورس با ۱۱٪ و پنجاب با ۵۰٪ کمترین نیاز را دارند، که ممکن است به دلیل محدودیت منابع طبیعی و تمرکز بر کشاورزی سنتی باشد.

در بخش سایر خدمات زراعتی، الگوها به شدت متفاوت هستند و نشان دهنده تنوع نیازهای عملیاتی و زیرساختی است. برای مثال:

پنجاب به کلینک حیوانی و ترمیم جوی های کار شده نیاز دارد، که نشان دهنده تمرکز بر خدمات دام و مدیریت آب است.

ورس به بند آب و کلینک حیوانی نیاز دارد، که اهمیت مدیریت منابع آب در کشاورزی و دامداری این ولسوالی را نشان می دهد.

یکه ولنک نمبر دوم به مجموعه ای از خدمات شامل کلینک حیوانی، سردخانه، آب زراعتی، بند آب و ایجاد کانال و آگاهی دهی نیاز دارد، که نشان دهنده نیاز پیچیده و گسترده به زیرساخت ها و خدمات آموزشی در کشاورزی است.

کهمرد به ادویه جات و آب زراعتی نیاز دارد که نشان می دهد تمرکز بر حفظ سلامت محصولات و تأمین آب کشاورزی است.

مرکز به سردخانه، آب زراعتی و بند آب گردان نیاز دارد، که اهمیت نگهداری محصولات و مدیریت آب را نشان می دهد.

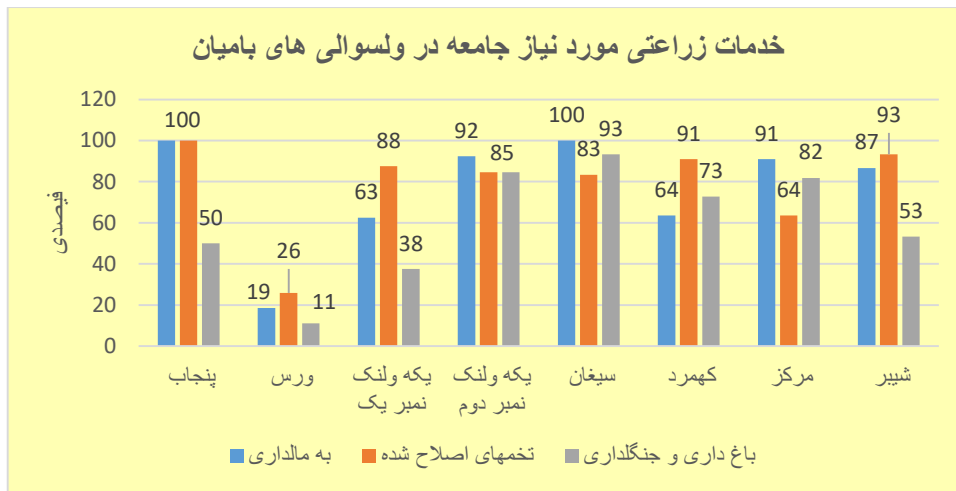
به طور خلاصه، این شکل نشان می دهد که:

مالداری و تخم های اصلاح شده بیشترین نیاز را در اکثر ولسوالی ها دارند، ولی شدت نیاز در هر ولسوالی متفاوت است.

باغداری و جنگلداری به ویژه در سیغان، یکه ولنک دوم و مرکز اهمیت زیادی دارند و در برخی ولسوالی ها کم اهمیت است.

خدمات زیرساختی و تخصصی زراعتی (کلینک حیوانی، سردخانه، آب زراعتی و بند آب) به شدت متغیر هستند و نیازمند برنامه ریزی محلی دقیق هستند.

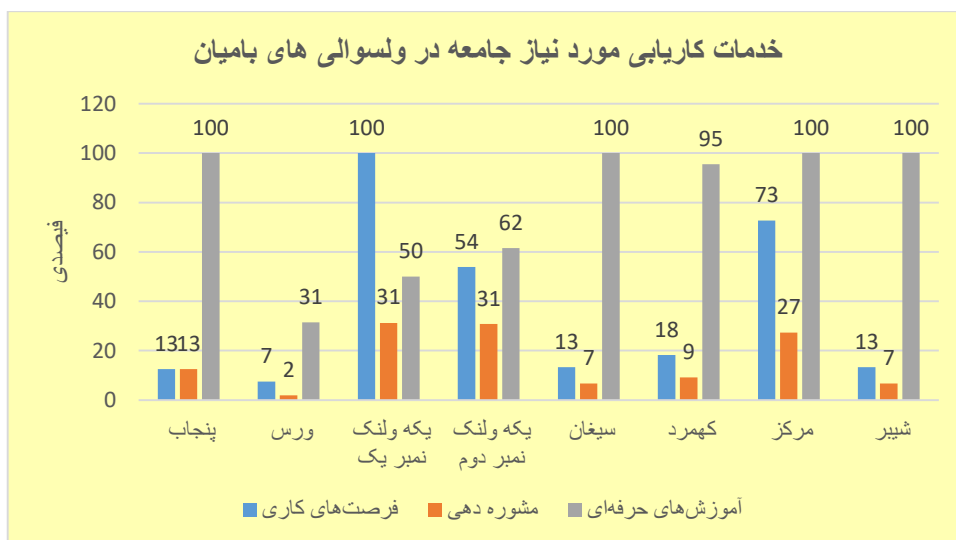
در مجموع، این تحلیل نشان می دهد که برنامه های زراعتی در بامیان باید منطبق با اهداف محلی باشند، به گونه ای که خدمات و منابع متناسب با نیازهای هر ولسوالی اختصاص یابد و تمرکز بر افزایش بهره وری، مدیریت آب و دامداری، و توسعه باغ ها و جنگل ها باشد.



گراف 65: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان

4.16.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه بامیان

گراف (66)، نیاز جامعه به خدمات کاریابی در ولسوالی های بامیان بسیار متفاوت و وابسته به شرایط محلی است. در زمینه فرصت های کاری، بیشترین نیاز در یکه ولنک نمبر یک (۱۰۰٪) و مرکز (۷۳٪) مشاهده می شود، در حالی که ورس (۷٪)، پنجاب، سیغان و شیر (هرکدام ۱۳٪) کمترین تقاضا را دارند. مشوره دهی شغلی نیز در یکه ولنک نمبر یک و دوم (هرکدام ۳۱٪) بالاترین میزان نیاز را دارند، در حالی که سایر ولسوالی ها، از جمله ورس (۲٪) و شیر (۷٪)، کمترین نیاز را نشان می دهند. آموزش های حرفه ای تقریباً در همه ولسوالی ها تقاضای بالایی دارد؛ پنجاب، سیغان، مرکز و شیر با ۱۰۰٪ بیشترین نیاز را نشان می دهند، در حالی که کهمرد (۹۵٪)، یکه ولنک دوم (۶۲٪) و یکه ولنک یک (۵۰٪) نیز نیاز قابل توجهی دارند، و ورس با ۳۱٪ کمترین میزان را دارد. در بخش سایر خدمات کاریابی، نیازها به صورت تخصصی و متنوع است: ایجاد فابریکه در پنجاب، خیاطی در ورس، ورکشاپ های تکنیکی در یکه ولنک دوم، سپردن کار به اهل کار در سیغان، و نجاری در شیر، که نشان دهنده تفاوت الگوهای اشتغال و مهارت های مورد نیاز در هر ولسوالی است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که برنامه های کاریابی و آموزش حرفه ای باید بر اساس نیاز هر ولسوالی طراحی شود، با تمرکز بر فراهم کردن فرصت های شغلی واقعی، مشاوره و آموزش های مهارتی مطابق با ظرفیت ها و منابع محلی.



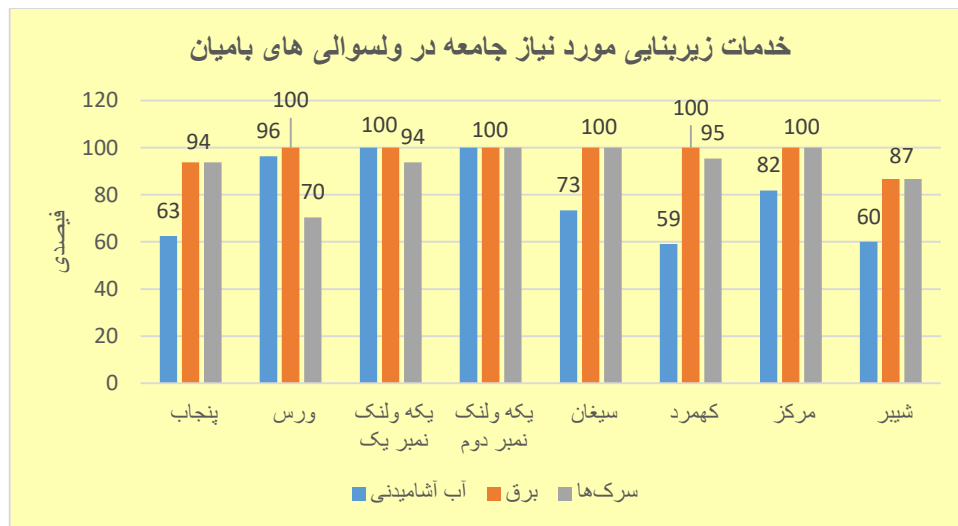
گراف 66: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان

5.16.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه بامیان

گراف (67)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های بامیان بسیار گسترده و متنوع است و شدت آن بین ولسوالی‌ها تفاوت قابل توجهی دارد. در زمینه آب آشامیدنی، یک‌هولنک و دوم (۱۰۰٪) بیشترین نیاز را دارند، ورس (۹۶٪) نیز در سطح بسیار بالا قرار دارد و سایر ولسوالی‌ها مانند پنجاب (۶۳٪)، کهمرد (۵۹٪) و شیبر (۶۰٪) نیاز متوسطی نشان می‌دهند. در زمینه برق، تقریباً تمامی ولسوالی‌ها به استثنای شیبر (۸۷٪) نیاز کامل یا بسیار بالایی دارند و نشان‌دهنده اهمیت دسترسی به انرژی برای زندگی روزمره و توسعه اقتصادی است. برای سرک‌ها، یک‌هولنک و دوم، سیغان و مرکز (همگی ۱۰۰٪ یا ۹۵٪) بیشترین نیاز را دارند، در حالی که ورس (۷۰٪) و شیبر (۸۷٪) نسبت به سایر ولسوالی‌ها کمی پایین‌تر هستند، که بر اهمیت بهبود ترابری و دسترسی محلی تاکید می‌کند.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، نیازها کاملاً متفاوت و متنوع است و شامل مجموعه‌ای از اقدامات عملی و زیرساختی می‌شود: از جمله برق آفتابی، چاه عمیق، پل و پلیچک، آب زراعتی، کلینک حیوانی، دیوار استنادی، شبکه مخابراتی و تخم اصلاح شده. به طور مشخص، هر ولسوالی بسته به شرایط و منابع محلی نیاز متفاوتی دارد؛ به عنوان مثال، پنجاب ترکیبی از برق آفتابی، پل، آب زراعتی و شبکه مخابراتی را می‌خواهد، ورس بیشتر بر شبکه مخابراتی و چاه عمیق تمرکز دارد، یک‌هولنک و دوم نیاز به ذخیره کچالو و دیوار استنادی دارد، و مرکز به مجموعه گسترده‌ای از خدمات از جمله برق، آب زراعتی، سردخانه کچالو و ادویه‌جات زراعتی نیازمند است.

در کل، تحلیل نشان می‌دهد که نیازهای زیربنایی در بامیان شدید و منطقه‌ای متفاوت است؛ دسترسی به آب و برق و بهبود سرک‌ها اولویت اصلی برای اکثر ولسوالی‌هاست، اما هر منطقه نیازمند خدمات تکمیلی و زیرساختی ویژه خود مانند پل‌ها، دیوارهای استنادی، سردخانه‌ها و شبکه مخابراتی است. بنابراین، برنامه‌ریزی زیربنایی باید همزمان منطقه‌ای، هدفمند و متنوع باشد تا نیازهای پایه‌ای و توسعه‌ای جامعه به صورت مؤثر برطرف شود.



گراف 67: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بامیان

6.16.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بامیان

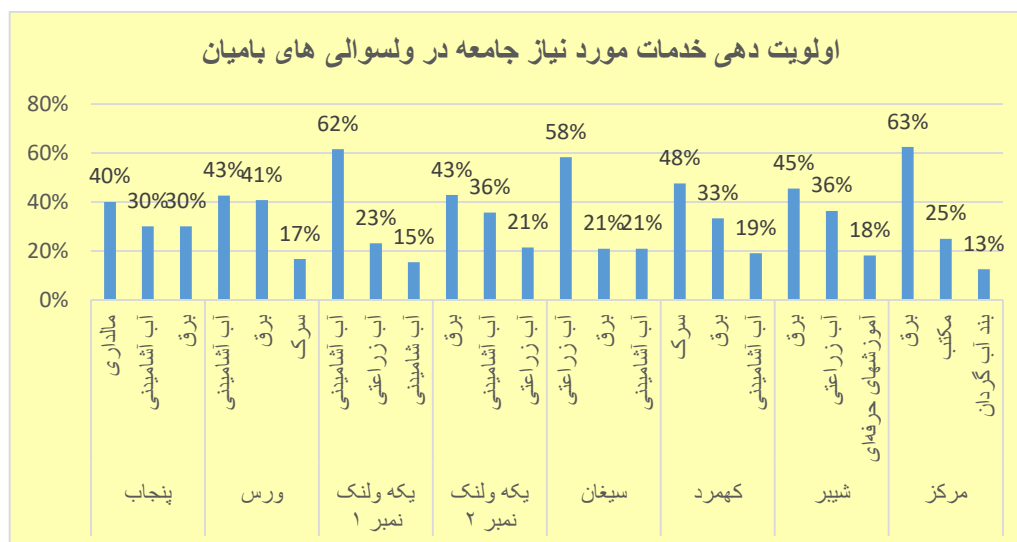
گراف (68)، اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های مختلف ولایت بامیان نشان‌دهنده تفاوت چشمگیر نیازها و تمرکز بر حوزه‌های حیاتی هر ولسوالی است. در پنجاب، بیشترین اولویت به مالداری (۴۰٪) داده شده و سپس آب آشامیدنی (۳۰٪) و برق (۳۰٪) قرار دارند که نشان می‌دهد تمرکز بر معیشت دامداری و تأمین نیازهای پایه‌ای انرژی و آب است. در ورس، بیشترین نیاز به آب آشامیدنی (۴۳٪) و برق (۴۱٪) است و سرک‌ها با ۱۷٪ در جایگاه سوم قرار دارند، که اهمیت تأمین آب و انرژی برای زندگی روزمره و توسعه ترابری را برجسته می‌کند.

در ولسوالی یک‌هولنک نمبر ۱، آب آشامیدنی با ۶۲٪ بالاترین اولویت را دارد و سپس آب زراعتی (۲۳٪) و آب شامیدنی (۱۵٪) قرار می‌گیرند، که بیانگر تمرکز ویژه بر مدیریت منابع آب برای کشاورزی و مصرف روزمره است. ولسوالی یک‌هولنک نمبر ۲ اولویت اصلی آن برق (۴۳٪) است و پس از آن آب آشامیدنی (۳۶٪) و آب زراعتی (۲۱٪) قرار دارند، که نشان‌دهنده اهمیت انرژی و منابع آبی برای زندگی و کشاورزی است.

در ولسوالی سیغان، آب زراعتی (۵۸٪) بالاترین اولویت را دارد و سپس برق و آب آشامیدنی هر کدام ۲۱٪، که نشان می‌دهد کشاورزی و تأمین آب برای تولید محصولات اهمیت بیشتری دارد. کهمرد اولویت اصلی آن سرک‌ها (۴۸٪) و سپس برق (۳۳٪) و آب آشامیدنی (۱۹٪) است، که بر نیاز به توسعه ترابری و انرژی متمرکز است.

در ولسوالی شیر، برق (۴۵٪) و آب زراعتی (۳۶٪) بیشترین اولویت را دارند و آموزش‌های حرفه‌ای با ۱۸٪ نیز مورد توجه است، که بیانگر ترکیبی از نیازهای زیرساختی و مهارت‌های انسانی است. در مرکز، برق با ۶۳٪ بالاترین اولویت دارد و سپس مکتب (۲۵٪) و بند آب گردان (۱۳٪) قرار دارند، که تمرکز بر انرژی، آموزش و مدیریت آب را نشان می‌دهد.

به طور کلی، گراف نشان می‌دهد که هر ولسوالی اولویت‌های متفاوتی دارد: برخی بر تأمین آب آشامیدنی و زراعتی، برخی بر برق و انرژی، برخی بر توسعه سرک‌ها و خدمات آموزشی و برخی بر مالداری متمرکز دارند. این داده‌ها برای برنامه‌ریزی مؤثر و تخصیص منابع بسیار حیاتی هستند، زیرا نیازها و اولویت‌ها به وضوح بر اساس شرایط محلی متفاوت هستند و برنامه‌های توسعه باید با این تفاوت‌ها همسو شوند.



گراف 68: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بامیان

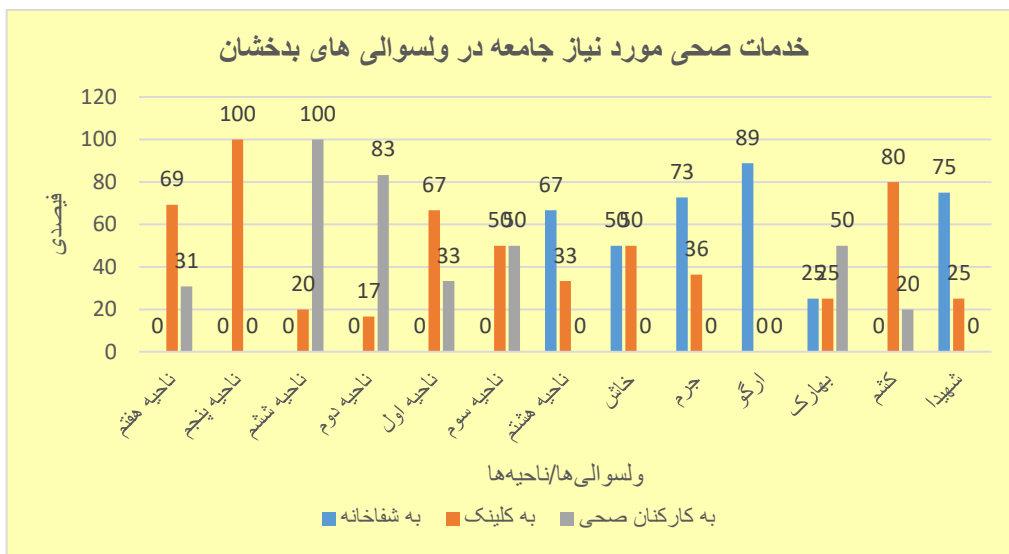
17.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت بدخشان

ولسوالی‌ها و نواحی مختلف ولایت بدخشان با توجه به شرایط جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی خود، با کمبودهای متنوع در بخش‌های خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی مواجه‌اند. بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده، تعداد افراد نیازمند در هر ولسوالی به شرح زیر است: ناحیه هفتم حدود ۳۵۲۵۰ نفر، ناحیه پنجم ۷۴۱۵ نفر، ناحیه ششم ۵۶۵۰ نفر، ناحیه دوم ۸۱۰۰ نفر، ناحیه اول ۸۵۰۰ نفر، ناحیه سوم ۱۷۰۰ نفر، ناحیه هشتم ۹۹۰۰۰ نفر، خاش ۲۶۴۲۴ نفر، جرم ۲۲۴۶۱ نفر، ارگو ۱۴۷۰۰ نفر، بهارک ۲۹۰۰ نفر، کشم ۴۴۴۰ نفر و شهیدا ۲۲۰۴ نفر می‌باشند. این ارقام نشان می‌دهد که جامعه محلی در این مناطق به خدمات اساسی و حیاتی نیازمند است؛ در بخش صحتی، افراد برای دسترسی به شفاخانه، کلینک و کارکنان صحتی وابسته هستند، در بخش تعلیمی کودکان و جوانان به مکتب و آموزش‌های کوتاه‌مدت نیاز دارند، در بخش زراعتی زارعین به تخم‌های اصلاح‌شده، مالداران و سیستم‌های آبیاری نیازمندند، در زمینه کاریابی افراد جویای کار به آموزش‌های حرفه‌ای و فرصت‌های شغلی نیاز دارند و در بخش زیربنایی هزاران نفر با کمبود آب آشامیدنی، برق و سرک مواجه‌اند. تحلیل این داده‌ها نشان می‌دهد که نیازها در برخی مناطق مانند ناحیه هشتم و ناحیه هفتم بسیار بالا است و ضرورت برنامه‌ریزی هدفمند و تمرکز منابع برای تأمین رفاه و توسعه پایدار جامعه بدخشان را برجسته می‌سازد.

1.17.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه بدخشان

در گراف (69)، نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی‌ها و نواحی مختلف ولایت بدخشان تصویر روشن‌تری از اولویت‌ها و عدم توازن خدمات صحتی را نشان می‌دهد. در بخش مراجعه به شفاخانه، بیشترین فیصدی نیاز در ارگو (۸۹٪)، جرم (۷۳٪)، شهیدا (۷۵٪)، خاش (۵۰٪) و ناحیه هشتم (۶۷٪) ثبت شده است که بیانگر فشار بلند بر خدمات شفاخانه‌ای و کمبود مراکز مجهز در این مناطق می‌باشد، در حالی که در نواحی اول تا

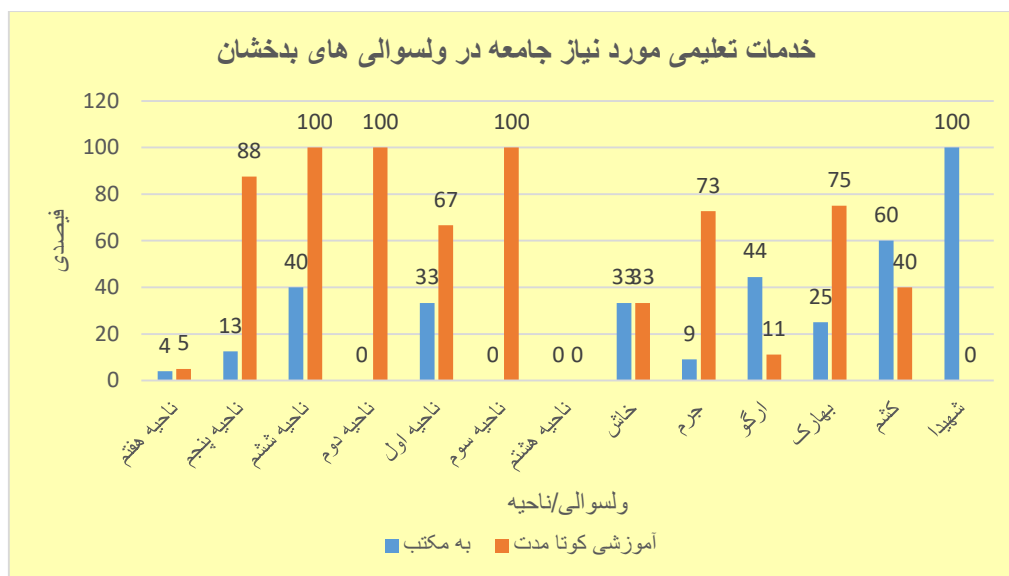
هفتم (به جز ناحیه هشتم) این نیاز صفر فیصد گزارش شده که می‌تواند ناشی از دسترسی نسبی بهتر یا تمرکز مردم بر خدمات دیگر باشد. در بخش کلینک، فیصدی نیاز تقریباً در تمام مناطق بلند است؛ ناحیه پنجم با ۱۰۰٪، کشم با ۸۰٪، ناحیه هفتم با ۶۹٪، ناحیه اول با ۶۷٪ و ناحیه سوم و خاش هرکدام با ۵۰٪ در صدر قرار دارند که نشان می‌دهد کلینک‌ها مهم‌ترین نقطه تماس مردم با نظام صحتی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، نیاز به کارکنان صحتی به گونه قابل ملاحظه در ناحیه ششم (۱۰۰٪)، ناحیه دوم (۸۳٪)، بهارک (۵۰٪) و ناحیه سوم (۵۰٪) بلند است که این امر کمبود داکتران، نرس‌ها و کارکنان مسلکی صحتی را در این مناطق برجسته می‌سازد، در حالی که در اکثر ولسوالی‌های دیگر این نیاز صفر فیصد گزارش شده است. بخش سایر خدمات صحتی در تمام مناطق ۰٪ می‌باشد که نشان می‌دهد یا این خدمات وجود ندارند، یا مردم آگاهی کافی از آن‌ها ندارند و تمرکز اصلی تقاضا بر خدمات اساسی چون شفاخانه، کلینک و نیروی انسانی صحتی است. در مجموع، تحلیل فیصدی‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری صحتی در بدخشان باید به صورت هدفمند و منطقه‌محور انجام شود تا در مناطق با فیصدی بلند، سرمایه‌گذاری عاجل در زیربناها، گسترش کلینک‌ها و افزایش کارکنان صحتی صورت گیرد.



گراف 69: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بدخشان

2.17.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه بدخشان

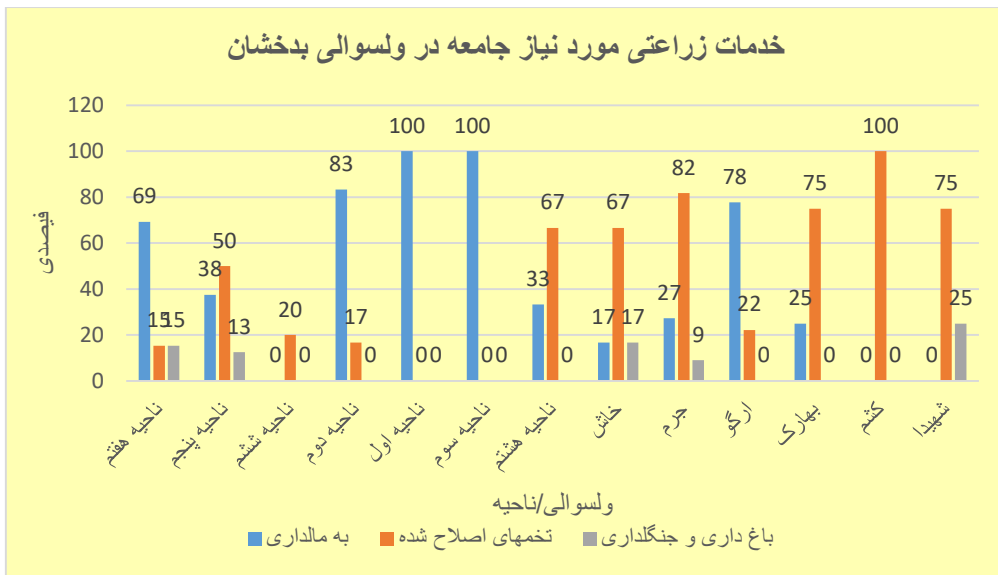
گراف (70)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌ها و نواحی مختلف ولایت بدخشان به صورت فیصدی، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد و اولویت‌های آموزشی در هر منطقه یکسان نیست. در بخش «به مکتب»، بیشترین نیاز در شهیدا با ۱۰۰٪ و سپس کشم با ۶۰٪، ارگو با ۴۴٪، ناحیه ششم با ۴۰٪ و خاش هرکدام با ۳۳٪ دیده می‌شود که بیانگر کمبود دسترسی به مکاتب یا ظرفیت محدود آن‌ها در این مناطق است، در حالی که در ناحیه دوم، ناحیه سوم و ناحیه هشتم نیاز صفر فیصد گزارش شده است. در بخش «آموزشی کوتاه‌مدت»، میزان نیاز به طور کلی بلندتر است؛ ناحیه ششم، ناحیه دوم و ناحیه سوم هرکدام با ۱۰۰٪ در صدر قرار دارند و بهارک با ۷۵٪، جرم با ۷۳٪، ناحیه اول با ۶۷٪ و ناحیه پنجم با ۸۸٪ نیز نیاز جدی را نشان می‌دهند که حاکی از تقاضای گسترده برای آموزش‌های مهارتی و سریع‌الاثرباشد. در مقابل، ناحیه هشتم و شهیدا در این بخش صفر فیصد نیاز را ثبت کرده‌اند. بخش «سایر خدمات تعلیمی» در اکثر مناطق صفر فیصد است، اما اشاره به نیازهایی مانند اعمار تعمیر مکتب و مدرسه دینی، موجودیت معلمان مسلکی، آموزش‌های درازمدت و ایجاد انستیتوت تکنیکی و تربیه معلم نشان می‌دهد که کمبود زیرساخت‌ها و نیروی انسانی مسلکی همچنان از چالش‌های اساسی نظام تعلیمی بدخشان به شمار می‌رود. به طور کلی، تحلیل جدول بیانگر آن است که تمرکز اصلی نیازهای تعلیمی مردم بدخشان بر گسترش مکاتب در برخی ولسوالی‌ها و توسعه آموزش‌های کوتاه‌مدت در اکثر نواحی می‌باشد، در حالی که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و آموزش‌های مسلکی و درازمدت هنوز به صورت نظام‌مند پاسخ داده نشده است.



گراف 70: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بدخشان

3.17.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه بدخشان

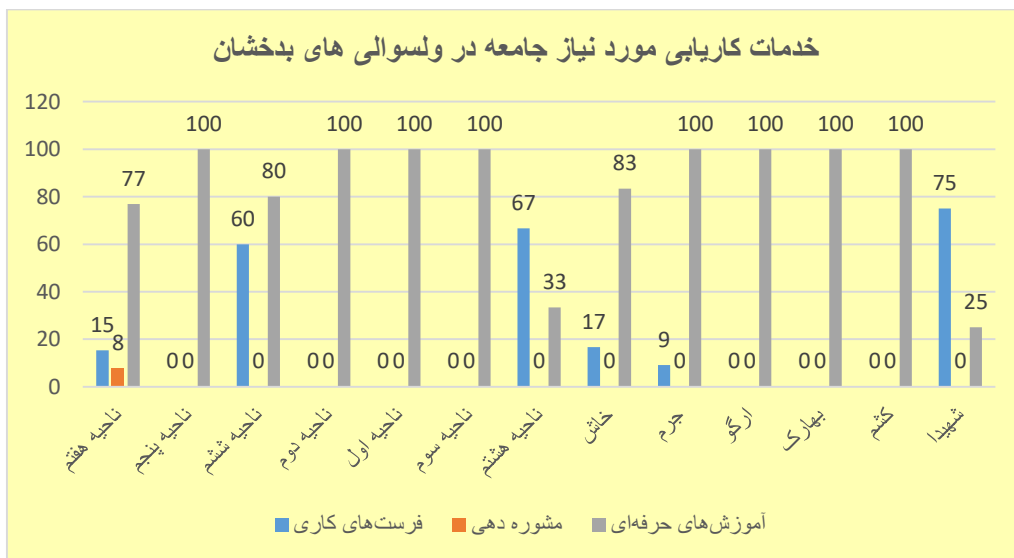
گراف (71)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌ها و نواحی مختلف ولایت بدخشان به‌گونه‌ی فیکدی، تنوع و تفاوت قابل ملاحظه دارد و هر منطقه با توجه به شرایط معیشتی خود، اولویت‌های مشخصی را دنبال می‌کند. در بخش مالداران، بیشترین نیاز در ناحیه اول و ناحیه سوم هرکدام با ۱۰۰٪، ناحیه دوم با ۸۳٪، ارگو با ۷۸٪ و ناحیه هفتم با ۶۹٪ مشاهده می‌شود که بیانگر وابستگی شدید مردم این مناطق به مالداران به‌عنوان منبع اصلی عاید است، در حالی که در ناحیه ششم، کشم و شهیدا این نیاز صفر فیصد گزارش شده است. در بخش تخم‌های اصلاح‌شده، کشم با ۱۰۰٪، جرم با ۸۲٪، بهارک و شهیدا هرکدام با ۷۵٪، و خاش و ناحیه هشتم هرکدام با ۶۷٪ بیشترین نیاز را نشان می‌دهند که بیانگر ضرورت بهبود حاصل‌دهی محصولات زراعتی از طریق استفاده از تخم‌های معیاری می‌باشد. نیاز به باغداری و جنگلداری به‌طور کلی پایین‌تر است، اما در شهیدا با ۲۵٪، خاش با ۱۷٪ و ناحیه پنجم با ۱۳٪ قابل توجه است که می‌تواند نشان‌دهنده ظرفیت محدود یا توجه کمتر به این بخش باشد. در بخش سایر خدمات زراعتی، اگرچه فیکدی‌ها صفر گزارش شده‌اند، اما توضیحات کیفی مانند نیاز به آب زراعتی، بندهای آب‌گردان، دیوارهای استنادی، کانال‌های آبیاری، فارم گاو و چک‌دیم در ولسوالی‌هایی چون جرم، ارگو و شهیدا نشان می‌دهد که مدیریت آب و زیربنای آبیاری یکی از چالش‌های اساسی زراعت در بدخشان است. به‌طور کلی، تحلیل جدول نشان می‌دهد که تقویت مالداران، توزیع تخم‌های اصلاح‌شده و سرمایه‌گذاری در زیربنای آبیاری باید در صدر برنامه‌های توسعه زراعتی ولایت بدخشان قرار گیرد تا پاسخ‌گوی نیازهای واقعی جوامع محلی باشد.



گراف 71: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی بدخشان

4.17.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه بدخشان

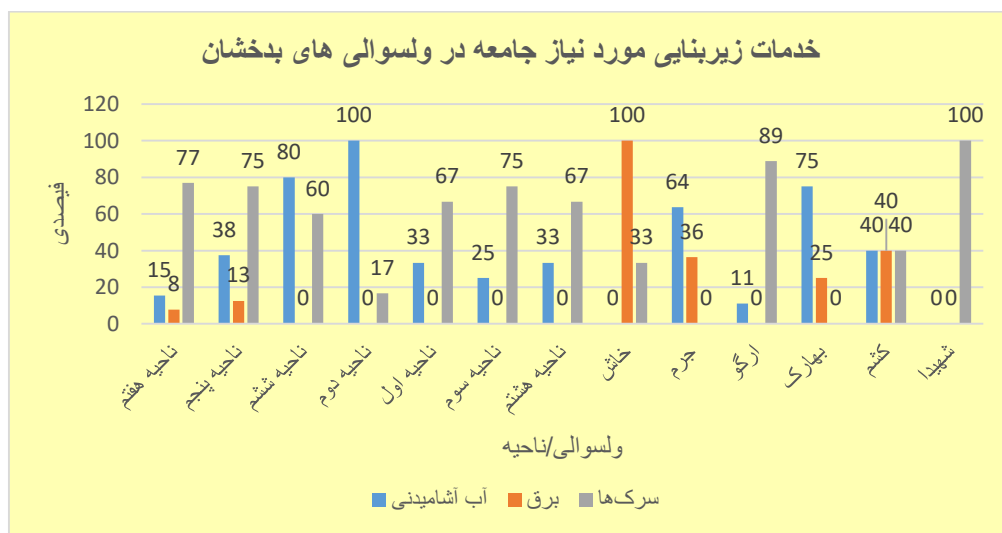
اگراف (72)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌ها و نواحی مختلف ولایت بدخشان به‌گونه‌ی متفاوت و منطقه‌ای مشخص است. در بخش «فرست‌های کاری»، بیشترین نیاز در شهیدا با ۷۵٪، ناحیه هشتم با ۶۷٪، ناحیه ششم با ۶۰٪ و خاش با ۱۷٪ ثبت شده است، در حالی که سایر مناطق تقریباً نیاز صفر فیصد دارند؛ این نشان می‌دهد که در برخی ولسوالی‌ها فرصت‌های شغلی محدود بوده و مردم به واسطه خدمات کاربایی برای دسترسی به اشتغال متکی هستند. بخش «مشوره‌دهی» نیاز بسیار پایین دارد و تنها در ناحیه هفتم با ۸٪ گزارش شده است که می‌تواند به دلیل عدم آگاهی یا دسترسی محدود به خدمات مشاوره‌ای باشد. در مقابل، نیاز به «آموزش‌های حرفه‌ای» در اکثر ولسوالی‌ها بسیار بالا است؛ ناحیه پنجم، ناحیه دوم، ناحیه اول، ناحیه سوم، جرم، ارگو و بهارک با ۱۰۰٪ در صدر قرار دارند و ناحیه ششم با ۸۰٪، خاش با ۸۳٪ و ناحیه هفتم با ۷۷٪ نیاز قابل توجهی دارند، که بیانگر اهمیت آموزش‌های مهارتی برای آماده‌سازی نیروی کار و افزایش اشتغال در این مناطق است. بخش «سایر خدمات کاربایی» در تمام مناطق صفر فیصد گزارش شده است، که نشان می‌دهد خدمات مکمل یا نوآورانه کاربایی هنوز در بدخشان توسعه نیافته است. به‌طور کلی، تحلیل جدول تأکید می‌کند که برنامه‌های کاربایی در بدخشان باید به‌ویژه بر آموزش‌های حرفه‌ای متمرکز باشد و در برخی ولسوالی‌ها فرست‌های کاری به عنوان راهکار فوری اشتغال تقویت شود.



گراف 72: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های بدخشان

5.17.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه بدخشان

گراف (73)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌ها و نواحی مختلف ولایت بدخشان به صورت فیصدی و نوع خدمات، تفاوت‌های قابل ملاحظه دارد. در بخش «آب آشامیدنی»، بیشترین نیاز در ناحیه دوم با ۱۰۰٪، ارگو با ۷۵٪ و ناحیه ششم با ۸۰٪ ثبت شده است، که نشان می‌دهد دسترسی مردم به منابع آب سالم در این مناطق محدود است، در حالی که در شهیدا و خاش نیاز صفر فیصد گزارش شده است. در بخش «برق»، نیاز در خاش با ۱۰۰٪ و سپس ارگو و بهارک با ۳۶٪ و ۴۰٪ بالاترین است، در حالی که بیشتر نواحی دیگر نیاز کمی دارند یا صفر فیصد است، که حاکی از عدم توسعه شبکه برق‌رسانی و نیاز به انرژی‌های جایگزین مانند برق سولری و بادی است. در بخش «سرک‌ها»، نیازها بسیار گسترده است؛ ناحیه هفتم با ۷۷٪، ناحیه پنجم ۷۵٪، ناحیه سوم ۷۵٪، ناحیه هشتم ۶۷٪ و شهیدا با ۱۰۰٪ در صدر قرار دارند، که بیانگر ضعف جدی در دسترسی به مسیرهای مواصلاتی و ضرورت ترمیم و احداث سرک‌ها است. بخش «سایر خدمات زیربنایی» بیشتر جنبه کیفی دارد و شامل دیوارهای استنادی، ترمیم کانال‌ها، برق سولری و بادی، شبکه‌های مخابراتی و کمک‌های مالی می‌شود، که نشان می‌دهد علاوه بر نیازهای اساسی، توسعه زیرساخت‌های مکمل نیز برای بهبود زندگی مردم حیاتی است. در مجموع، تحلیل جدول بیانگر آن است که اولویت اصلی مردم در بدخشان تأمین آب آشامیدنی، برق و سرک‌های مناسب است و برنامه‌های توسعه زیربنایی باید به‌طور هدفمند بر مناطق با نیاز بالا تمرکز کنند.



گراف 73: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بدخشان

6.17.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بدخشان

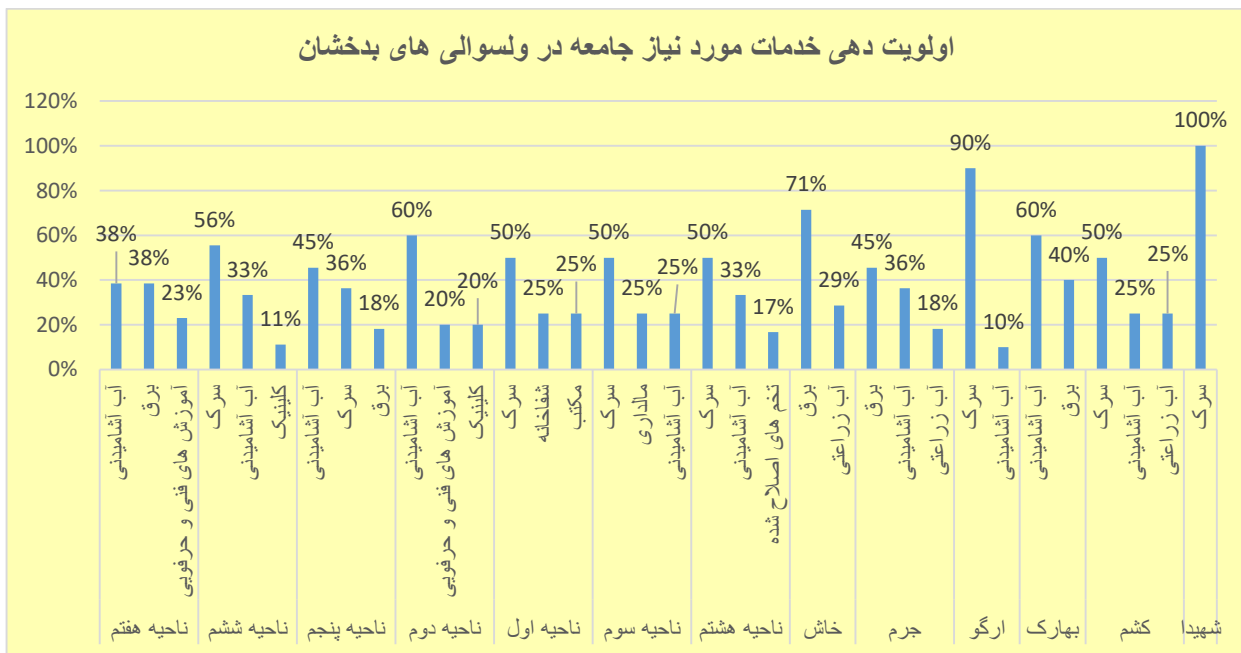
گراف (74)، نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات اساسی در ولسوالی‌ها و نواحی مختلف ولایت بدخشان به‌گونه‌ای روشن با نیازهای فوری و شرایط محلی هر منطقه پیوند دارد. در ناحیه هفتم، آب آشامیدنی و برق هرکدام با ۳۸٪ در صدر اولویت قرار دارند که بیانگر کمبود هم‌زمان آب سالم و انرژی می‌باشد، در حالی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با ۲۳٪ در جایگاه سوم قرار گرفته است. ناحیه ششم بیشترین تمرکز را بر سرک‌ها با ۵۶٪ دارد و پس از آن آب آشامیدنی با ۳۳٪ و کلینیک با ۱۱٪ اولویت یافته‌اند که نشان‌دهنده چالش‌های دسترسی و خدمات صحتی است. در ناحیه پنجم و ناحیه دوم، آب آشامیدنی به ترتیب با ۴۵٪ و ۶۰٪ مهم‌ترین اولویت محسوب می‌شود که کمبود جدی آب سالم را برجسته می‌سازد. ناحیه اول و ناحیه سوم سرک‌ها را با ۵۰٪ در اولویت نخست قرار داده‌اند که بیانگر نقش حیاتی راه‌های مواصلاتی در دسترسی به خدمات می‌باشد. در ناحیه هشتم نیز سرک با ۵۰٪ و سپس آب آشامیدنی با ۳۳٪ بیشترین اهمیت را دارد، در حالی که تخم‌های اصلاح‌شده با ۱۷٪ نشان‌دهنده توجه به بهبود زراعت است. در ولسوالی خاش و جرم، برق به ترتیب با ۷۱٪ و ۴۵٪ به‌عنوان اولویت اصلی مطرح است که کمبود انرژی را به‌خوبی نشان

می‌دهد، در کنار آن آب زراعتی و آب آشامیدنی نیز اهمیت دارند. در ارگو، سرک با ۹۰٪ و در شهیدا با ۱۰۰٪ به صورت قاطع در صدر اولویت قرار گرفته که بیانگر انزوای ارتباطی و مشکلات شدید دسترسی است. به طور کلی، تحلیل جدول نشان می‌دهد که آب آشامیدنی، سرک‌ها و برق سه اولویت اصلی مردم بدخشان را تشکیل می‌دهند و خدمات صحتی، تعلیمی و زراعتی به عنوان اولویت‌های ثانوی اما مهم، متناسب با شرایط هر ولسوالی مطرح شده‌اند؛ امری که ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌محور و هدفمند را برای پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای جامعه برجسته می‌سازد.

اگر به خدمات فوق‌الذکر رسیده‌گی صورت گیرد، دسترسی مردم به آب آشامیدنی سالم بهبود یافته و سطح بیماری‌های ناشی از آب آلوده کاهش می‌یابد، سرک‌ها باعث سهولت رفت‌وآمد، دسترسی بهتر به بازارها، مراکز صحتی و تعلیمی شده و انزوای ولسوالی‌ها کاهش می‌یابد، برق زمینه رشد فعالیت‌های اقتصادی، آموزش، خدمات صحتی و استفاده از تکنالوژی را فراهم می‌سازد، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فرصت‌های کاری ایجاد کرده و وابستگی جوانان به کمک‌های بیرونی را کاهش می‌دهد، خدمات صحتی و تعلیمی تقویت شده و در نهایت سطح رفاه، ثبات اجتماعی و اعتماد مردم به نهادهای خدمات‌رسان افزایش می‌یابد. در مجموع، رسیدگی به این خدمات منجر به بهبود معیشت، کاهش فقر و حرکت به سوی توسعه پایدار در ولایت بدخشان خواهد شد.

اما اگر به این خدمات رسیده‌گی نشود، کمبود آب آشامیدنی باعث افزایش بیماری‌ها و فشار بیشتر بر خانواده‌ها خواهد شد، نبود سرک‌ها و برق انزوای مناطق را تشدید کرده و مانع دسترسی مردم به خدمات اساسی می‌گردد، فقر و بیکاری به‌ویژه در میان جوانان افزایش یافته و مهاجرت داخلی و خارجی شدت می‌گیرد، زراعت و مالداری به دلیل نبود زیرساخت و آب زراعتی آسیب می‌بیند، سطح آموزش و خدمات صحتی کاهش یافته و نارضایتی اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه، عدم رسیدگی به این نیازها نه تنها روند توسعه را متوقف می‌سازد، بلکه می‌تواند باعث تشدید آسیب‌پذیری، بی‌ثباتی اجتماعی و تداوم فقر در ولایت بدخشان گردد.

به‌طور کلی، رسیده‌گی به این خدمات یک ضرورت حیاتی است، نه یک انتخاب؛ زیرا تأثیر آن مستقیماً بر سلامت، اقتصاد، امنیت اجتماعی و آینده نسل‌های بعدی اثرگذار خواهد بود.



گراف 74: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بدخشان

18.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت بغلان

تحلیل گراف (75)، بر بنیاد معلومات نمودار ذیل، نیازسنجی خدمات اساسی در ولسوالی‌های پلخمیری، بغلان مرکزی و دهنه‌غوری ولایت بغلان تهیه گردیده است و هدف آن ارائه تصویر جامع از وضعیت موجود، اولویت‌ها و چالش‌های اساسی مردم در بخش‌های صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاربایی و زیربنایی می‌باشد. بررسی و مقایسه ارقام نشان می‌دهد که سطح دسترسی به خدمات در ولسوالی‌ها یکسان نبوده و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای از نگاه جمعیت، امکانات موجود و شدت نیازمندی‌ها وجود دارد. درک دقیق این نیازها برای برنامه‌ریزی مؤثر، تخصیص عادلانه منابع

و طراحی اقدامات هدفمند انکشافی از اهمیت حیاتی برخوردار است، زیرا بدون توجه به واقعیت‌های محلی، تلاش‌ها نمی‌تواند پاسخ‌گوی مشکلات اساسی مردم بوده و به بهبود پایدار وضعیت معیشتی و اجتماعی منجر گردد.

1.18.4. خدمات صحی

در بخش خدمات صحی، بیشترین نیاز به شفاخانه در دهنه‌غوری (۶۸٪) مشاهده می‌شود که بیانگر کمبود شدید خدمات درمانی تخصصی در این ولسوالی است، در حالی که این نیاز در پلخمري تنها ۱۰٪ گزارش شده است. نیاز به کلینیک در هر سه ولسوالی بلند است، به‌ویژه در پلخمري و دهنه‌غوری (۶۹٪ و ۶۸٪)، که نشان‌دهنده اهمیت خدمات صحی ابتدایی می‌باشد. همچنین کمبود کارکنان صحی بیشتر در دهنه‌غوری (۳۶٪) و بغلان مرکزی (۳۱٪) احساس می‌شود.

2.18.4. خدمات تعلیمی

در حوزه خدمات تعلیمی، نیاز به مکاتب در بغلان مرکزی (۳۸٪) و پلخمري (۳۴٪) نسبتاً بیشتر از دهنه‌غوری (۱۴٪) است؛ اما آموزش‌های کوتاه‌مدت در هر سه ولسوالی، مخصوصاً دهنه‌غوری (۱۰۰٪)، بسیار مورد نیاز دانسته شده که نشان‌دهنده تقاضای جدی برای مهارت‌آموزی سریع و عملی است.

3.18.4. خدمات زراعتی

در بخش خدمات زراعتی، نیاز به مالداري در همه ولسوالی‌ها بالا بوده (۵۷٪ تا ۶۶٪)، اما تقاضا برای تخم‌های اصلاح شده در دهنه‌غوری (۷۷٪) و بغلان مرکزی (۶۲٪) بیشتر است که اهمیت توسعه تولیدات زراعتی را برجسته می‌سازد. نیاز به باغداری و جنگلداری در سطح متوسط قرار دارد. همچنان، درخواست برای باغداری، جنگلداری، دیوارهای استنادی، کود کیمیاوی و توزیع زمین زراعتی نشان می‌دهد که زمین‌های زراعتی در برابر سیلاب، فرسایش و کم‌آبی آسیب‌پذیر بوده و بدون حمایت تکنیکی و زیربنایی، امنیت غذایی مردم با تهدید مواجه می‌باشد.

4.18.4. خدمات کاریابی

در قسمت خدمات کاریابی، نیاز به خدمات کاریابی در هر سه ولسوالی تقریباً مشابه و بلند (حدود ۵۵-۵۹٪) است، اما مشوره‌دهی شغلی بسیار پایین گزارش شده، به‌خصوص در بغلان مرکزی (۰٪)، که می‌تواند نشان‌دهنده نبود یا آگاهی کم از چنین خدمات باشد. در مقابل، آموزش‌های حرفه‌ای یکی از بالاترین نیازها را دارد، به‌ویژه در بغلان مرکزی (۹۰٪) و دهنه‌غوری (۸۶٪)، که بیانگر ضرورت برنامه‌های مهارت‌محور برای کاهش بیکاری است.

5.18.4. خدمات زیربنایی

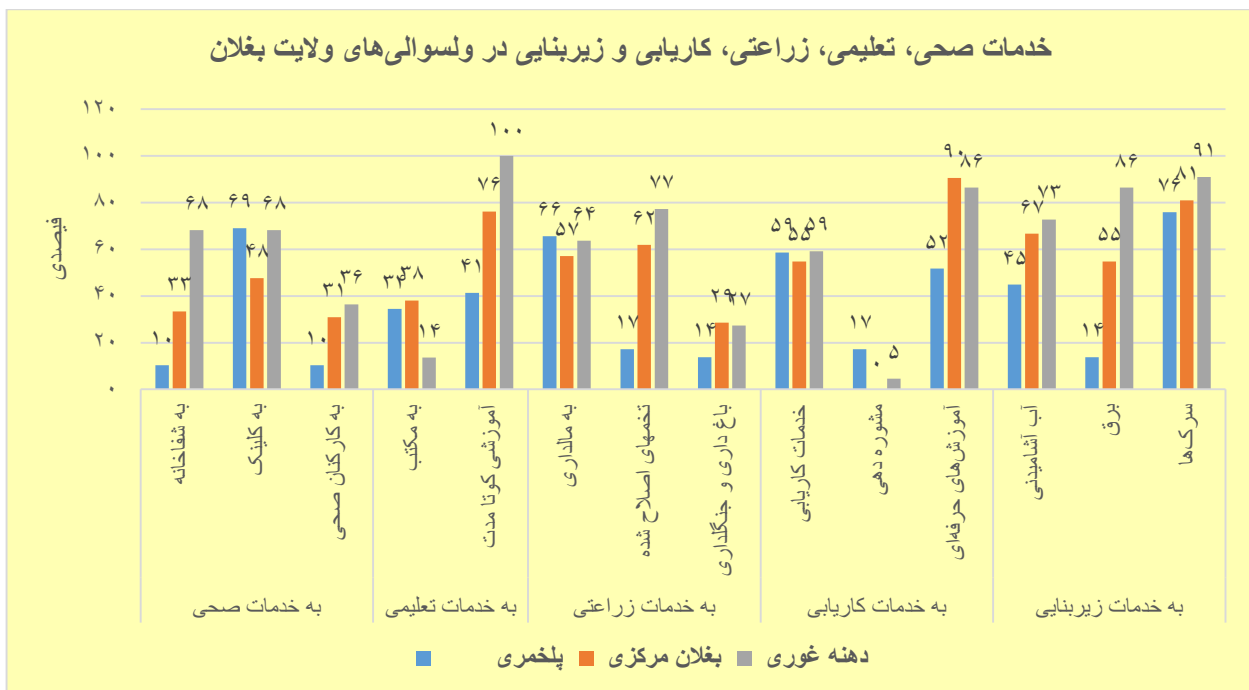
در نهایت، در بخش خدمات زیربنایی، نیاز به سرک‌ها در هر سه ولسوالی بسیار بلند است و در دهنه‌غوری به ۹۱٪ می‌رسد که نشان‌دهنده ضعف شدید شبکه‌های ترانسپورتی و محدودیت دسترسی مردم به بازارها، مراکز صحی و تعلیمی است. همچنان نیاز بلند به آب آشامیدنی و برق، به‌ویژه در دهنه‌غوری و بغلان مرکزی، بیانگر کمبود خدمات اساسی زندگی و پایین بودن کیفیت معیشت مردم می‌باشد. ، که بیانگر عقب‌ماندگی نسبی این ولسوالی‌ها در خدمات اساسی می‌باشد.

همچنان، درخواست برای پروژه‌هایی مانند ذخیره آب، اعمار کانال‌ها، دیوارهای استنادی، پل و پلچک و مدیریت زباله‌ها نشان می‌دهد که مشکلات زیربنایی نه تنها خدمات اساسی را محدود ساخته، بلکه خطرات محیط‌زیستی و حوادث طبیعی را نیز افزایش داده است.

در نتیجه می‌توان گفت که رسیدگی مؤثر، متوازن و هدفمند به خدمات صحی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی‌های پلخمري، بغلان مرکزی و دهنه‌غوری می‌تواند تغییرات بنیادی و پایدار در وضعیت زندگی مردم به‌وجود آورد.

در صورت رسیدگی به این نیازها، دسترسی مردم به خدمات صحی بهبود یافته، میزان بیماری‌ها و مرگ‌ومیر، به‌ویژه در میان مادران و اطفال، کاهش می‌یابد و اعتماد مردم به نهادهای خدمات‌رسان افزایش پیدا می‌کند. تقویت زیربنای تعلیمی و گسترش آموزش‌های کوتاه‌مدت و

حرفه‌ای سبب بلندرفتن سطح سواد، ارتقای مهارت‌های کاری جوانان و افزایش فرصت‌های اشتغال می‌گردد که در نهایت به کاهش بیکاری، فقر و وابستگی اقتصادی می‌انجامد. همچنان، حمایت از سکتور زراعت از طریق بهبود مالداری، توزیع تخم‌های اصلاح‌شده و حفاظت زمین‌های زراعتی، امنیت غذایی را تقویت نموده و عواید خانواده‌ها را افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری در زیربناها، به‌ویژه سرک‌ها، آب آشامیدنی و برق، زمینه رشد اقتصادی، دسترسی بهتر به بازارها و کاهش آسیب‌پذیری در برابر حوادث طبیعی را فراهم می‌سازد و ثبات اجتماعی را تقویت می‌کند. در مقابل، اگر به این نیازهای اساسی رسیدگی نگردد، مشکلات موجود نه تنها پابرجا خواهد ماند، بلکه با گذشت زمان تشدید نیز خواهد شد. کمبود خدمات صحتی می‌تواند منجر به افزایش بیماری‌ها، مرگ‌ومیر و فشار بیشتر بر خانواده‌های فقیر گردد؛ ضعف سیستم تعلیمی و نبود آموزش‌های مهارتی، بیکاری و ناامیدی جوانان را افزایش داده و خطر مهاجرت، کارهای شاقه و ناهنجاری‌های اجتماعی را بالا می‌برد. بی‌توجهی به سکتور زراعت سبب کاهش حاصل‌دهی، تشدید ناامنی غذایی و فقر روستایی می‌شود و نبود فرصت‌های کاری، فشار اقتصادی و اجتماعی را به‌ویژه در میان مهاجرین برگشته تشدید می‌کند. همچنان، ادامه کمبود زیربنای اساسی مانند سرک، آب و برق، دسترسی مردم به خدمات دیگر را محدود ساخته و روند انکشاف متوازن را با مانع جدی مواجه می‌سازد. بنابراین، رسیدگی به این نیازها نه تنها یک ضرورت انکشافی، بلکه یک اقدام حیاتی برای جلوگیری از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در آینده می‌باشد.



گراف 75: خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی‌های ولایت بغلان

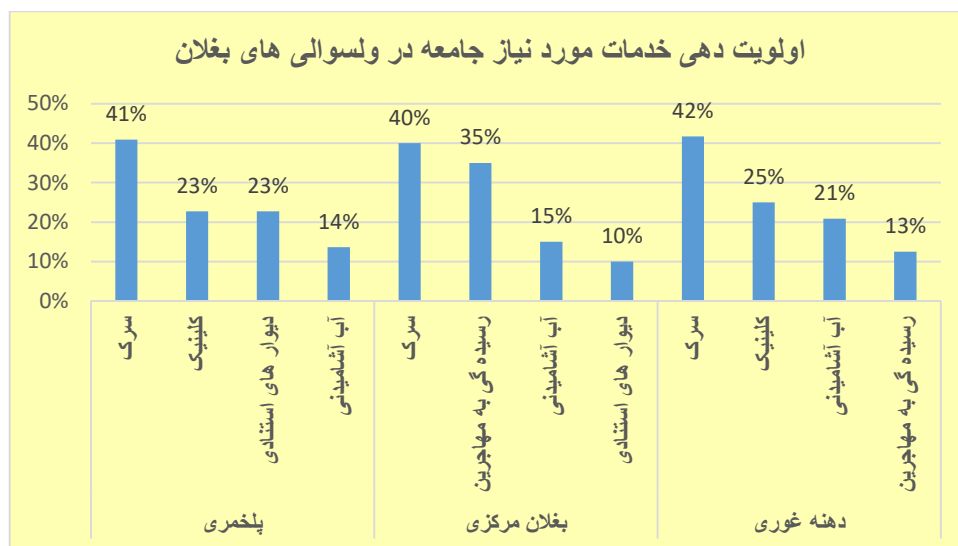
6.18.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه بغلان

بر اساس گراف (76)، اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های مختلف ولایت بغلان نشان می‌دهد که با شندگان این مناطق بیشتر بر خدماتی تمرکز دارند که مستقیماً با دسترسی، مصئونیت و نیازهای اساسی زندگی روزمره مرتبط است. در هر سه ولسوالی، سرک‌ها بلندترین اولویت را به خود اختصاص داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در دهنه‌غوری (۴۲٪)، پلخمري (۴۱٪) و بغلان مرکزی (۴۰٪) در صدر نیازها قرار دارد. این امر بیانگر آن است که مشکلات ترانسپورتی و دسترسی به بازارها، مراکز صحتی، تعلیمی و خدمات دولتی همچنان یکی از چالش‌های اساسی مردم محسوب می‌شود و بهبود شبکه سرک‌ها می‌تواند تأثیر مستقیم بر سایر بخش‌های توسعه‌ای داشته باشد.

در ولسوالی پلخمري، پس از سرک‌ها، کلینیک‌ها و دیوارهای استنادی هرکدام با ۲۳٪ در جایگاه دوم قرار دارند که نشان‌دهنده نگرانی همزمان مردم نسبت به دسترسی به خدمات صحتی و کاهش خطرات طبیعی مانند سیلاب و فرسایش زمین است. نیاز به آب آشامیدنی با ۱۴٪ نیز بیانگر آن است که هرچند این خدمت تا حدی موجود است، اما هنوز بخشی از جامعه با کمبود آب صحتی مواجه می‌باشد. در بغلان مرکزی، علاوه بر سرک‌ها، رسیدگی به مهاجرین (۳۵٪) اولویت مهم شمرده شده که نشان می‌دهد این ولسوالی احتمالاً میزبان جمعیت بیجا شده یا عودت‌کنندگان

بوده و فشارهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از مهاجرت بر خدمات محلی تأثیر گذاشته است. آب آشامیدنی (۱۵٪) و دیوارهای استنادی (۱۰٪) نیز نشان‌دهنده نیازهای زیربنایی و حفاظتی در این منطقه است.

در ولسوالی دهنه‌غوری، پس از سرک‌ها، کلینیک‌ها با ۲۵٪ در اولویت دوم قرار دارند که بیانگر کمبود محسوس خدمات صحتی و فاصله مردم با مراکز درمانی می‌باشد. آب آشامیدنی با ۲۱٪ نیز از نیازهای اساسی این ولسوالی به شمار می‌رود و نشان‌دهنده چالش دسترسی به منابع آب صحتی است. همچنان رسیدگی به مهاجرین با ۱۳٪ بیانگر وجود فشارهای جمعیتی و نیاز به حمایت‌های اجتماعی در این منطقه می‌باشد. به‌طور کلی، تحلیل جدول نشان می‌دهد که اولویت‌های مردم در ولسوالی‌های بغلان بیشتر حول زیرساخت‌های ترانسپورتی، خدمات صحتی و تأمین نیازهای اساسی متمرکز است. تکرار اولویت سرک‌ها در هر سه ولسوالی نشان می‌دهد که توسعه سایر خدمات بدون بهبود راه‌های مواصلاتی دشوار خواهد بود. همچنین تفاوت در اولویت‌های بعدی بیانگر شرایط اجتماعی و جغرافیایی متفاوت هر ولسوالی است؛ به‌گونه‌ای که پلخمري بیشتر بر خدمات شهری و محافظتی، بغلان مرکزی بر مسائل اجتماعی مهاجرین، و دهنه‌غوری بر دسترسی به خدمات صحتی و آب آشامیدنی متمرکز دارد. این نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌های انکشافی باید مبتنی بر نیازهای محلی و اولویت‌های مشخص هر ولسوالی طراحی گردد تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.



گراف 76: اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های بغلان

19.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت پروان

ولسوالی‌های ولایت پروان با جمعیت متنوع و شرایط طبیعی و اجتماعی متفاوت، به مجموعه‌ای از خدمات اساسی نیازمند هستند که زندگی روزمره، معیشت و رفاه مردم را تأمین کند. بررسی نیازهای جامعه نشان می‌دهد که این نیازها در پنج بخش عمده متمرکز دارند: خدمات صحتی برای تأمین سلامت و جلوگیری از بیماری‌ها، خدمات تعلیمی برای افزایش سواد و مهارت‌های علمی و عملی، خدمات زراعتی برای حمایت از معیشت و افزایش تولیدات کشاورزی و مالداري، خدمات کاریابی برای کاهش بیکاری و فراهم کردن فرصت‌های شغلی، و خدمات زیربنایی برای بهبود دسترسی، آب آشامیدنی، سرک‌ها، برق و سایر زیرساخت‌ها.

این تحلیل به‌گونه‌ای طراحی شده است که نیاز واقعی و فوری مردم در هر ولسوالی و ناحیه را مشخص کند و به تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان نشان دهد کدام خدمات در اولویت قرار دارند، کدام مناطق بیشترین کمبود را دارند و چگونه می‌توان برنامه‌های توسعه‌ای را به شکلی مؤثر و هدفمند پیاده کرد. هدف از این بررسی، ارائه تصویری جامع و قابل فهم از وضعیت نیازهای مردم ولایت پروان است تا منابع و تلاش‌ها در مسیر تأمین رفاه، توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی به شکل مؤثری متمرکز شود.

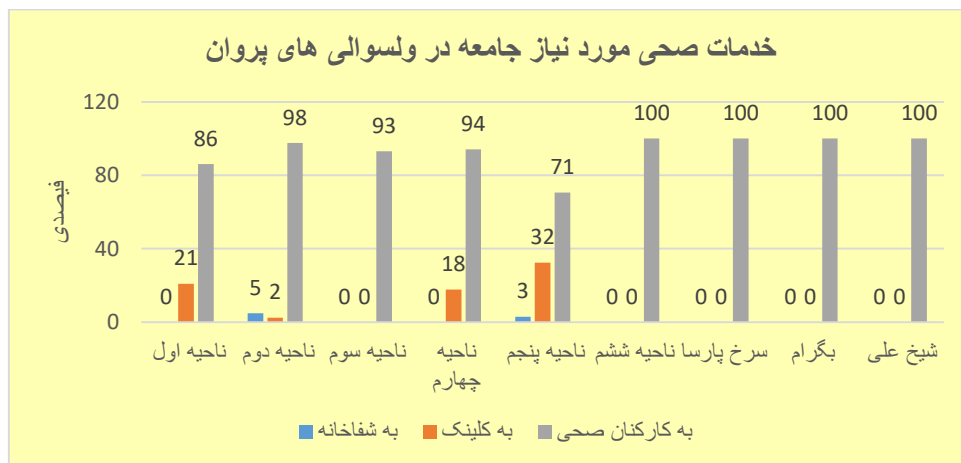
بر اساس معلومات جمع‌آوری‌شده، ده‌ها هزار تن از باشندگان ولایت پروان در ولسوالی‌های مختلف به این خدمات نیازمند اند؛ به‌گونه‌ای که در ناحیه اول حدود ۴۱'۰۵۰ نفر، ناحیه دوم ۴۷'۳۴۰ نفر، ناحیه سوم ۵۶'۶۶۰ نفر، ناحیه چهارم ۴۵'۷۵۰ نفر، ناحیه پنجم ۴۰'۰۵۰ نفر، ناحیه ششم ۵۴'۱۰۰ نفر، در سرخ‌پارسا حدود ۱'۰۰۰ نفر، در بگرام ۲۳'۱۳۰ نفر و در شیخ‌علی حدود ۲'۷۰۰ نفر نیازمند دریافت خدمات اساسی می‌باشند. این

ارقام نشان می‌دهد که بخش بزرگی از جمعیت ولایت پروان به‌طور مستقیم تحت تأثیر کمبود خدمات قرار دارد و رسیدگی هدفمند به این نیازها می‌تواند نقش مهمی در بهبود رفاه عمومی، کاهش آسیب‌پذیری و تقویت توسعه پایدار در این ولایت ایفا نماید.

1.19.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه پروان

گراف (77)، نشان می‌دهد که بیشترین و فراگیرترین نیاز صحی جامعه در تمام ولسوالی‌های ولایت پروان، کمبود کارکنان صحی است. این نیاز در ناحیه دوم (۹۸٪)، ناحیه سوم (۹۳٪)، ناحیه چهارم (۹۴٪) و ناحیه اول (۸۶٪) بسیار بلند بوده و در ناحیه ششم، سرخ پارسا، بگرام و شیخ علی به ۱۰۰٪ رسیده است که بیانگر اجماع کامل مردم بر کمبود نیروی صحی می‌باشد. حتی در ناحیه پنجم که پایین‌ترین میزان را دارد، این نیاز هنوز هم بلند و قابل توجه (۷۱٪) است.

در مقابل، نیاز به کلینک‌ها در مقایسه با کارکنان صحی بسیار پایین‌تر و محدود است؛ بیشترین فیصدی آن در ناحیه پنجم (۳۲٪) و ناحیه اول (۲۱٪) دیده می‌شود و در سایر نواحی یا بسیار ناچیز بوده یا کاملاً صفر است، که نشان می‌دهد زیرساخت‌های ابتدایی صحی تا حدی وجود دارد اما ظرفیت خدمات‌دهی آن‌ها کافی نیست. نیاز به شفاخانه نیز در تمامی مناطق بسیار اندک (حداکثر ۵٪) گزارش شده و فقط در ناحیه دوم و پنجم مطرح است، که بیانگر آن است که مردم بیشتر از نبود خدمات تخصصی در سطح محلی شکایت دارند تا کمبود ساختمان‌های بزرگ صحی. همچنین، سایر خدمات صحی در تمام ولسوالی‌ها ۰٪ گزارش شده که نشان می‌دهد اولویت‌های جامعه مشخص و متمرکز بر نیروی انسانی صحی است. به‌طور خلاصه، تحلیل فیصدی‌ها نشان می‌دهد که برای بهبود وضعیت صحی در ولایت پروان، باید بیشتر تمرکز روی جذب، آموزش و توزیع عادلانه کارکنان صحی باشد، نه فقط افزایش تعداد مراکز صحی.

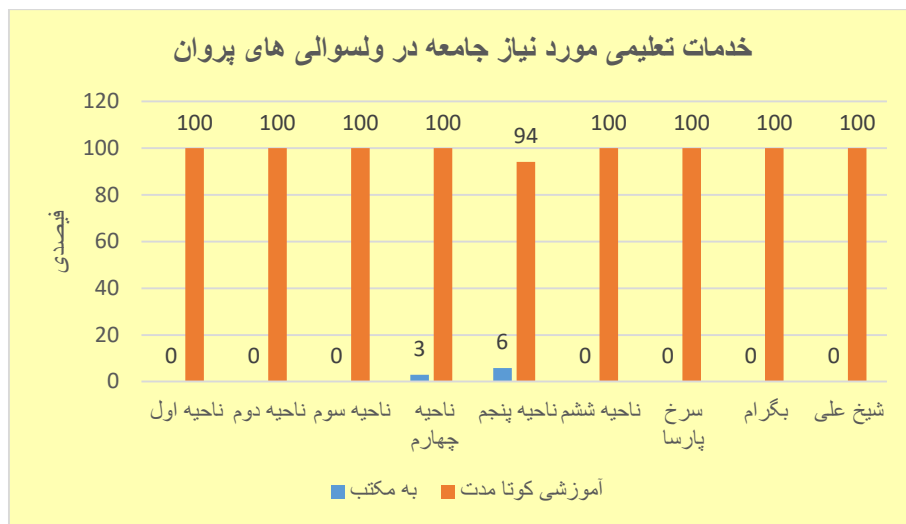


گراف 77: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های پروان

2.19.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه پروان

گراف (78)، بر اساس داده‌های ارائه شده و تحلیل درصدی، نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های ولایت پروان نشان می‌دهد که در بخش «مکتب» اکثر نواحی صفر درصد نیاز دارند (ناحیه اول تا سوم، ششم، سرخ پارسا، بگرام و شیخ‌علی) و تنها ناحیه چهارم و پنجم درصد کمی دارند (۳٪ و ۶٪)، که می‌تواند به معنای وجود مکاتب موجود یا کم بودن نیاز فوری به توسعه بیشتر مکاتب باشد. در مقابل، بخش «آموزشی کوتاه‌مدت» در تمامی نواحی و ولسوالی‌ها بسیار بالا است (۹۴-۱۰۰٪)، که نشان می‌دهد این نوع آموزش‌ها هنوز به‌طور گسترده در دسترس نیستند و جامعه به شدت به آن نیاز دارد؛ درصد نسبتاً کمتر در ناحیه پنجم (۹۴٪) ممکن است نشان‌دهنده وجود مقداری خدمات آموزشی کوتاه‌مدت یا کمتر بودن نیاز در آن ناحیه باشد. همچنین، بخش «سایر خدمات تعلیمی» در تمام نواحی صفر درصد است که می‌تواند به معنای کمبود این نوع خدمات یا نیاز کمتر شناسایی شده باشد. بنابراین، تحلیل نشان می‌دهد که اولویت اصلی جامعه آموزش کوتاه‌مدت است، در حالی که نیاز به مکاتب رسمی کم‌رنگ است و سایر خدمات تعلیمی هنوز نیاز یا دسترسی محدودی دارند.

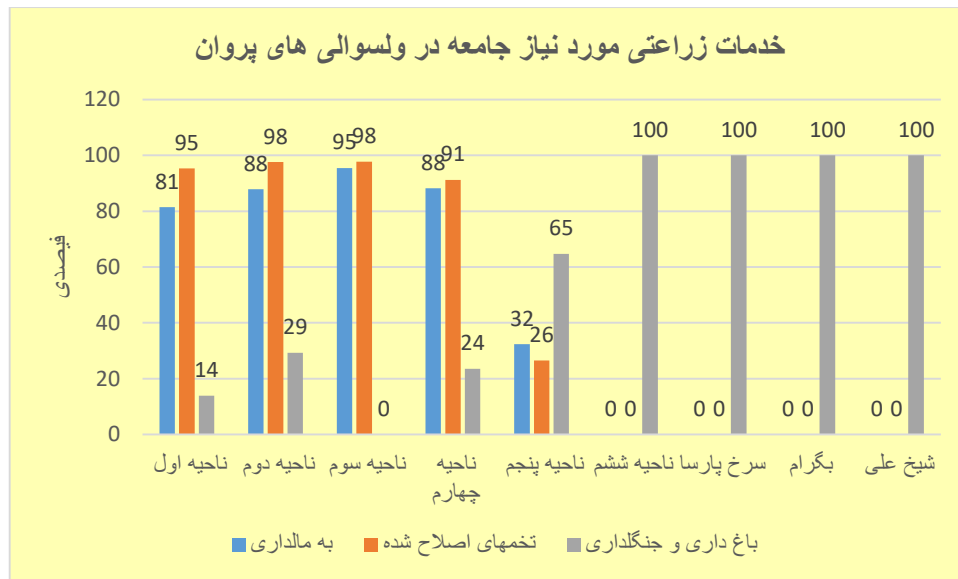
در نتیجه، اگر تغییر مثبت ایجاد شود و در کنار حفظ و تقویت آموزش‌های کوتاه‌مدت، توجه جدی به توسعه و بهبود آموزش رسمی و سایر خدمات تعلیمی صورت گیرد، تعادل مؤثری میان مهارت‌آموزی و تحصیلات بنیادی به وجود خواهد آمد. در این حالت، جامعه هم در کوتاه‌مدت از آموزش‌های کاربردی بهره‌مند می‌شود و هم در درازمدت سطح سواد، آگاهی و ظرفیت انسانی افزایش می‌یابد که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار، بهبود وضعیت اقتصادی و تقویت نقش اجتماعی نسل آینده در ولایت پروان گردد.



گراف 78: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های پروان

3.19.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه پروان

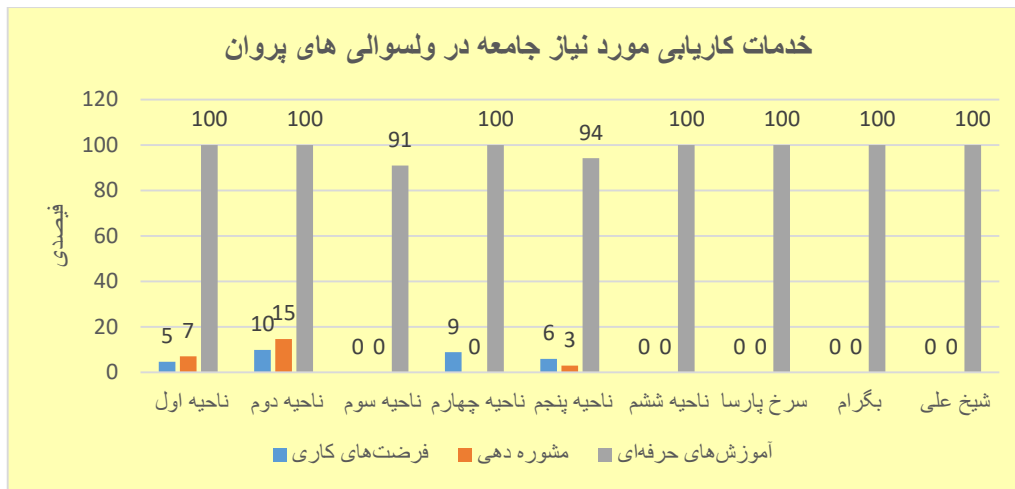
در گراف (79)، نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت پروان، به صورت روشن دیده می‌شود که نوع نیازهای زراعتی از یک ناحیه به ناحیه دیگر فرق می‌کند و این تفاوت‌ها بیشتر به نوع معیشت مردم و شرایط طبیعی هر منطقه وابسته است. در نواحی اول، دوم، سوم و چهارم، نیاز به مالداری بسیار بلند است (بین ۸۱٪ تا ۹۵٪) و همچنان تخم‌های اصلاح‌شده با فیصدی بسیار بالا (۹۱٪ تا ۹۸٪) مطرح شده است، که نشان می‌دهد بیشتر مردم این نواحی مصروف زراعت و مالداری اند و برای افزایش حاصل و بهبود درآمد خود به خدمات بهتر و تخم‌های معیاری ضرورت دارند. در ناحیه پنجم، نیاز به مالداری و تخم‌های اصلاح‌شده پایین‌تر است، اما باغداری و جنگلداری با ۶۵٪ بیشترین نیاز را تشکیل می‌دهد که نشان می‌دهد مردم این ناحیه بیشتر به باغداری، درخت‌کاری و منابع طبیعی وابسته اند. در ناحیه ششم، سرخ‌پارسا، بگرام و شیخ‌علی، نیاز به باغداری و جنگلداری به ۱۰۰٪ رسیده است و در مقابل، نیاز به مالداری و تخم‌های اصلاح‌شده صفر گزارش شده که می‌تواند به این معنا باشد که این خدمات یا تا حدی موجود است یا تمرکز اصلی مردم این مناطق بر باغداری و جنگل می‌باشد. همچنان، صفر بودن فیصدی سایر خدمات زراعتی در تمام نواحی نشان می‌دهد که یا این خدمات موجود است و یا مردم هنوز نیاز مشخصی در این بخش احساس نکرده‌اند. به‌طور کلی، این جدول نشان می‌دهد که برای مؤثر بودن برنامه‌های زراعتی در ولایت پروان، باید خدمات زراعتی متناسب با نیاز واقعی هر ناحیه طراحی و تطبیق شود تا معیشت مردم به شکل بهتر و پایدار تقویت گردد.



گراف 79: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان

4.19.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه پروان

گراف (80)، نیاز جامعه به خدمات کاریابی در ولسوالی های مختلف ولایت پروان، تحلیل دقیق تر چنین نتیجه می دهد که الگوی نیازها میان نواحی متفاوت اما هدفمند است. در بخش فرصت های کاری، ثبت فیصدی پایین در نواحی اول، دوم، چهارم و پنجم (۵٪ تا ۱۰٪) نشان می دهد که هرچند برخی فرصت های کاری در این نواحی وجود دارد، اما کافی نیست و هنوز بخشی از جامعه خواهان گسترش آن است؛ در مقابل، صفر بودن این شاخص در ناحیه سوم، ششم، سرخ پارسا، بگرام و شیخ علی می تواند بیانگر آن باشد که فرصت های کاری نسبی موجود است یا حداقل به عنوان نیاز فوری احساس نمی شود. در بخش مشوره دهی کاریابی، نیاز محدود در نواحی اول، دوم و پنجم (۳٪ تا ۱۵٪) نشان دهنده آن است که خدمات مشوره دهی تا حدی وجود دارد، اما تقویت آن می تواند مؤثر باشد؛ در حالی که صفر بودن آن در سایر مناطق به معنای کفایت این خدمات یا عدم اولویت فوری آن است. در مقابل، آموزش های حرفه ای با فیصدی بسیار بلند (۹۱٪ تا ۱۰۰٪) در تمام نواحی و ولسوالی ها مطرح شده که به روشنی نشان می دهد، علی رغم موجودیت نسبی برخی خدمات کاریابی، جامعه هنوز از نظر مهارت های فنی و حرفه ای با کمبود جدی روبه رو است و این بخش نیاز مبرم و سراسری محسوب می شود. همچنان، صفر بودن سایر خدمات کاریابی در اکثر نواحی نشان می دهد که این خدمات یا تا حد قابل قبول فراهم است و یا در مقایسه با آموزش های حرفه ای و اشتغال مستقیم، اهمیت کمتری دارد؛ هرچند اشاره ناحیه پنجم به «فراهم نمودن زمینه کار برای جوانان» بیانگر حساسیت بیشتر این ناحیه نسبت به مشکل بیکاری جوانان است. در مجموع، این تحلیل نشان می دهد که تمرکز اصلی برنامه های کاریابی در ولایت پروان باید بر توسعه آموزش های حرفه ای و تکمیل زنجیره مهارت تا اشتغال باشد، در حالی که سایر خدمات در بسیاری از نواحی یا موجود است و یا نیاز فوری به گسترش آن احساس نمی شود.



گراف 80: خدمات کاریبی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان

5.19.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه پروان

گراف (81)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت پروان، به گونه‌ی بسیار روشن دیده می‌شود که بزرگ‌ترین و فوری‌ترین مشکل مردم کمبود آب آشامیدنی است؛ زیرا در تقریباً تمام نواحی و ولسوالی‌ها این نیاز با فیصدی بسیار بلند (۹۷ تا ۱۰۰٪) ثبت شده و حتی در ناحیه پنجم نیز با ۸۲٪ همچنان یک نیاز جدی محسوب می‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد که بسیاری از خانواده‌ها به آب صحتی، دایمی و قابل دسترس دسترسی ندارند و این موضوع به‌طور مستقیم بر صحت و زندگی روزمره مردم تأثیر می‌گذارد.

در کنار آن، سرک‌ها دومین نیاز اساسی مردم اند؛ چون در بیشتر نواحی فیصدی نیاز به سرک‌ها بین ۹۳ تا ۱۰۰٪ است و در نواحی اول و پنجم نیز با وجود پایین‌تر بودن (۷۲٪ و ۷۹٪)، هنوز هم مشکل رفت‌وآمد، دسترسی به بازار، مکتب و مراکز صحتی وجود دارد. نیاز بلند به سرک‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از راه‌ها خراب، خاکی یا فرسوده است و مردم در انتقال محصولات، رفت‌وآمد روزانه و دسترسی به خدمات عمومی با مشکل روبه‌رو اند.

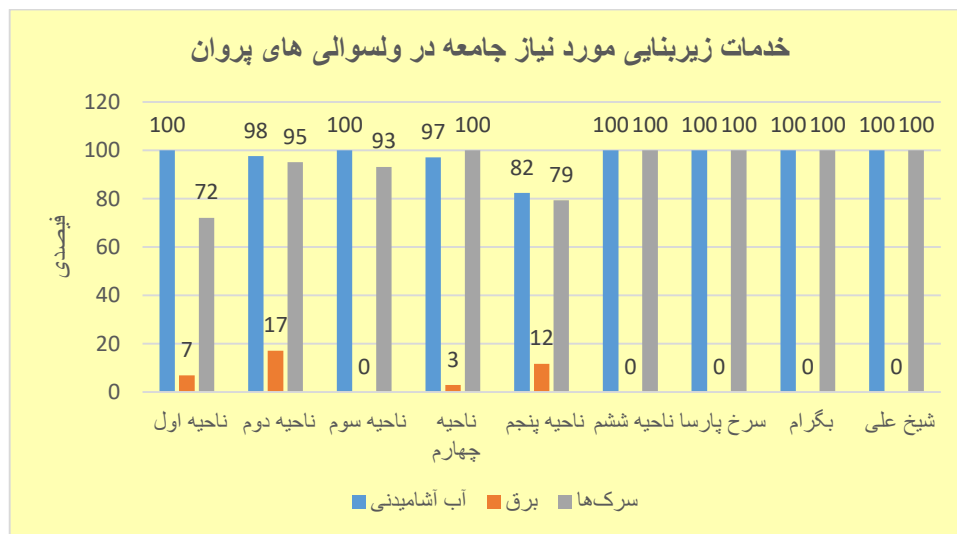
در بخش برق، فیصدی نیاز در اکثر نواحی بسیار کم یا صفر گزارش شده و تنها در برخی نواحی مانند ناحیه اول، دوم، چهارم و پنجم با فیصدی اندک (۳ تا ۱۷٪) مطرح است. این وضعیت می‌تواند به این معنا باشد که برق تا حدی در این مناطق موجود است و یا در مقایسه با مشکلات بزرگ‌تری مانند آب و سرک، برای مردم اولویت فوری ندارد.

همچنان، در بخش سایر خدمات زیربنایی، نیازهای مشخص محلی مانند اعمار و ترمیم پل‌ها و پلچک‌ها، ترمیم سرک‌های فرعی، کوچه‌ها و کانکریتهای آن‌ها یاد شده است که نشان می‌دهد هر ناحیه علاوه بر نیازهای عمومی، مشکلات خاص خود را نیز دارد. به‌طور کلی، این جدول به صورت ساده و واضح نشان می‌دهد که مردم ولایت پروان قبل از هر چیز به آب آشامیدنی و سرک‌های معیاری نیاز دارند و رسیدگی به این دو بخش می‌تواند بیشترین تأثیر مثبت را بر زندگی، صحت و اقتصاد مردم این ولایت داشته باشد.

اگر به نیازهای زیربنایی مردم ولایت پروان، به ویژه آب آشامیدنی و سرک‌ها رسیدگی شود، تأثیرات مثبت قابل توجه خواهد داشت. دسترسی مردم به آب صحتی باعث بهبود سلامت عمومی، کاهش بیماری‌های مرتبط با آب ناسالم و صرفه‌جویی در وقت و انرژی خانواده‌ها می‌شود. بهبود و ترمیم سرک‌ها رفت‌وآمد را آسان می‌کند، دسترسی به بازار، مراکز صحتی و آموزشی را ممکن می‌سازد و فرصت‌های اقتصادی و شغلی را افزایش می‌دهد. همچنین، ترمیم پل‌ها، پلچک‌ها و کوچه‌ها باعث کاهش حوادث و مشکلات ترافیکی و افزایش ایمنی مردم خواهد شد و کیفیت زندگی روزمره را بهبود می‌بخشد.

اما اگر به این خدمات رسیدگی نشود، مشکلات جدی و گسترده‌ای به وجود خواهد آمد. نبود آب آشامیدنی سالم می‌تواند منجر به افزایش بیماری‌ها، کاهش کیفیت زندگی و فشار اقتصادی بر خانواده‌ها شود. خرابی و ناکافی بودن سرک‌ها باعث دشواری در رفت‌وآمد، کاهش دسترسی به بازار و خدمات اساسی و کندی روند توسعه اقتصادی می‌شود. مشکلات زیرساختی مانند پل‌ها و کوچه‌های فرسوده نیز خطر حوادث و آسیب‌های

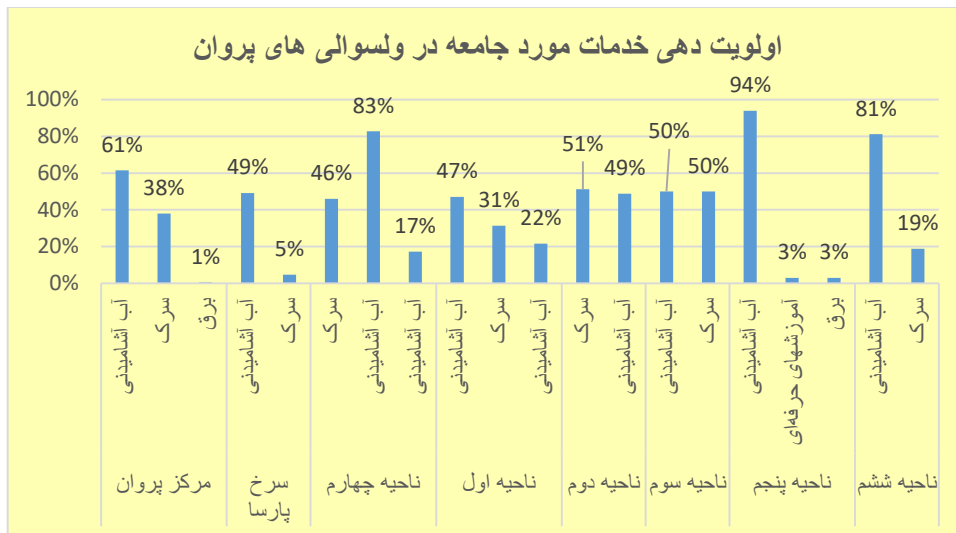
جانی و مالی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، عدم رسیدگی به این خدمات می‌تواند منجر به کاهش رفاه، محدودیت فرصت‌های اقتصادی و آسیب‌های بلندمدت به توسعه اجتماعی و اقتصادی ولایت پروان گردد.



گراف 81: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پروان

6.19.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه پروان

گراف (82)، اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز در ناحیه‌ها و ولسوالی‌های ولایت پروان، تصویر روشنی از تمرکز جامعه بر نیازهای اساسی و حیاتی به دست می‌آید. در تقریباً تمام نواحی، آب آشامیدنی بالاترین اولویت را دارد؛ به‌ویژه در ناحیه پنجم با ۹۴٪ و ناحیه ششم با ۸۱٪ که نشان‌دهنده کمبود شدید دسترسی به آب صحتی و تأثیر مستقیم آن بر صحت، معیشت و زندگی روزمره مردم است. حتی در مرکز پروان نیز با وجود امکانات نسبی، آب آشامیدنی با ۶۱٪ همچنان در صدر نیازها قرار دارد که بیانگر فشار روزافزون جمعیت و ناکافی بودن منابع موجود است. در کنار آن، سرک به‌عنوان دومین اولویت مهم مطرح است؛ ناحیه دوم (۵۱٪) و ناحیه سوم (۵۰٪) بیشترین نیاز را به بهبود راه‌ها نشان می‌دهند که این امر بیانگر مشکلات دسترسی به بازار، مراکز صحتی، آموزشی و خدمات عمومی می‌باشد. در نواحی اول و ششم نیز سرک با ۳۱٪ و ۱۹٪ مطرح است که هرچند نسبت به آب آشامیدنی پایین‌تر است، اما همچنان نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی دارد. نیاز به برق تنها با درصد بسیار پایین در مرکز پروان (۱٪) و ناحیه پنجم (۳٪) ذکر شده است که می‌تواند نشان‌دهنده موجودیت نسبی این خدمت یا کم‌اولویت بودن آن در مقایسه با نیازهای حیاتی‌تر باشد. همچنان، آموزش‌های حرفه‌ای فقط در ناحیه پنجم با ۳٪ مطرح شده که نشان می‌دهد تا زمانی که نیازهای اولیه مانند آب و سرک تأمین نشود، جامعه کمتر به خدمات توسعه‌ای و مهارتی توجه می‌کند. در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که اولویت مردم ولایت پروان در درجه نخست تأمین نیازهای اولیه زندگی است و برنامه‌ریزی انکشافی باید ابتدا بر آب آشامیدنی و بهبود زیربنای ترانسپورتی تمرکز کند؛ زیرا بدون رفع این نیازهای بنیادین، زمینه برای توسعه سایر بخش‌ها مانند آموزش، اشتغال و رفاه اجتماعی به‌طور مؤثر فراهم نخواهد شد.



گراف 82: اولویت دهی خدمات مورد جامعه در ولسوالی های پروان

20.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت پکتیکا

در ولایت پکتیکا، نیاز جامعه به خدمات اساسی در سطح ولسوالی‌ها بسیار گسترده و چندبعدی است و شامل حوزه‌های صحت، تعلیمی، زراعتی، کارایی و زیربنایی می‌باشد. این نیازها نه تنها به تأمین دسترسی مردم به خدمات اولیه محدود می‌شود، بلکه کیفیت، ظرفیت و عدالت در توزیع خدمات را نیز در بر می‌گیرد. در بخش صحت، کمبود شفاخانه‌ها، کلینک‌ها، کارکنان صحتی و تجهیزات ضروری مانند داکتران انائیه، لابراتوار و ماشین‌های التراسوند، چالش اصلی در حفظ سلامت مادران، اطفال و عموم مردم است. در حوزه تعلیمی، کمبود مکاتب، معلمین مسلکی، کتاب‌های درسی، کمپیوتر لب‌ها و آموزش‌های کوتاه‌مدت مهارتی مانع توسعه سرمایه انسانی و افزایش سواد در جامعه می‌گردد. سکتور زراعت نیز با کمبود خدمات مالدار، تخم‌های اصلاح شده، ماشین‌آلات عصری و مدیریت منابع آب روبه‌رو است که رشد اقتصادی و امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خدمات کارایی و آموزش‌های حرفه‌ای، به‌ویژه برای جوانان، برای کاهش بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی حیاتی است، در حالی که ضعف زیرساخت‌های زیربنایی مانند آب آشامیدنی، برق، سرک‌ها، پل‌ها و کانال‌ها زندگی روزمره، اقتصاد و توسعه پایدار را محدود می‌کند.

تعداد افراد نیازمند به خدمات فوق در هر ولسوالی به شرح زیر است: ولسوالی مرکز ۱۱۰۰۰ نفر، متاخان ۴۲۳۰۰ نفر، یوسف خیل ۴۳۵۰۰ نفر، صروضه ۹۳۴۹ نفر، اورگون ۵۷۵۲ نفر، سروبی ۳۲۵۴ نفر، برمل ۵۹۵۷ نفر و شینکین ۱۷۳۶ نفر. این ارقام نشان‌دهنده گستردگی و اهمیت رسیدگی فوری به نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم در تمام ولسوالی‌های ولایت پکتیکا است.

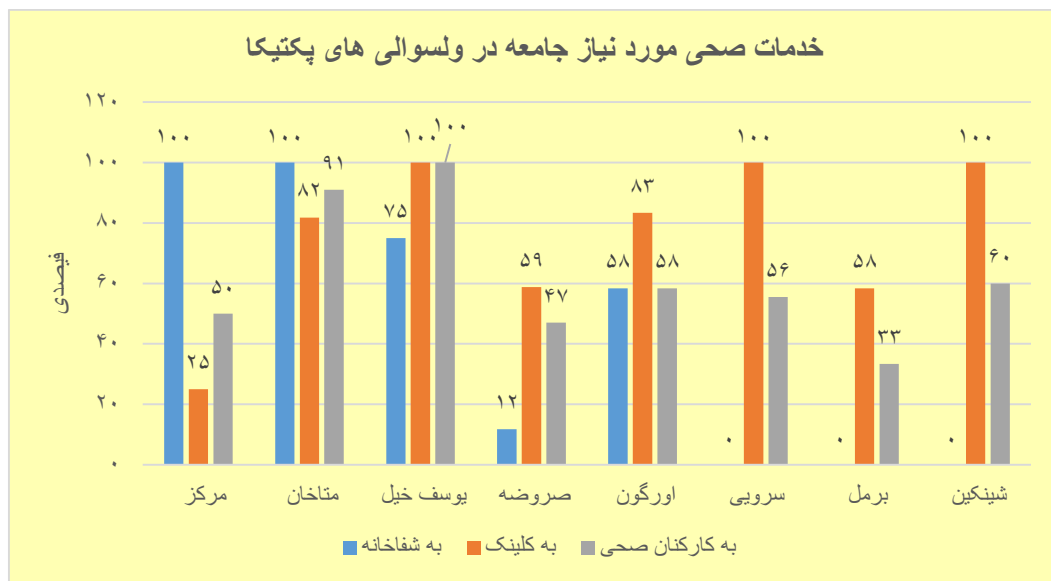
1.20.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه پکتیکا

گراف (83)، بر اساس ارقام جدول، نیاز به شفاخانه در ولسوالی‌های مرکز و متاخان هر دو ۱۰۰٪ گزارش شده که بلندترین سطح نیاز را نشان می‌دهد، در حالی که این نیاز در یوسف خیل ۷۵٪، در اورگون ۵۸٪ و در صروضه تنها ۱۲٪ است و در سروبی، برمل و شینکین صفر درصد ذکر شده است. از نگاه نیاز به کلینیک، بیشترین تقاضا مربوط به یوسف خیل، سروبی و شینکین (هر سه ۱۰۰٪) می‌باشد؛ پس از آن اورگون با ۸۳٪، متاخان با ۸۲٪، صروضه با ۵۹٪، برمل با ۵۸٪ و در نهایت مرکز با ۲۵٪ قرار دارند. در بخش نیاز به کارکنان صحتی، یوسف خیل با ۱۰۰٪ در صدر قرار دارد، متاخان ۹۱٪، شینکین ۶۰٪، اورگون ۵۸٪، سروبی ۵۶٪، مرکز ۵۰٪، صروضه ۴۷٪ و برمل با ۳۳٪ کمترین درصد را نشان می‌دهد. به طور کلی، ارقام نشان می‌دهد که ولسوالی‌های یوسف خیل و متاخان در اکثر شاخص‌ها بالاترین سطح نیاز را دارند، در حالی که مرکز بیشتر به شفاخانه نیازمند است و برخی ولسوالی‌ها مانند سروبی و شینکین بیشتر به کلینیک و تقویت خدمات سیار و تخصصی ضرورت دارند.

اگر به این نیازهای صحتی به‌گونه‌ی درست، عادلانه و دوامدار رسیده‌گی صورت گیرد، پیامدهای بسیار مثبت برای جامعه ولایت پکتیکا خواهد داشت. فراهم‌شدن شفاخانه‌ها، کلینک‌های مجهز و افزایش کارکنان صحتی—به‌خصوص داکتران و قابل‌های انائیه—باعث کاهش چشم‌گیر

مرگومیر مادران و اطفال، تشخیص به موقع امراض، و جلوگیری از گسترش بیماری‌های ساری خواهد شد. همچنان دسترسی به تجهیزات طبی، لابراتوار، التراسوند و ادویه‌جات معیاری اعتماد مردم به سیستم صحتی را افزایش داده و سبب می‌شود بیماران کمتر مجبور به سفر به ولایات دیگر شوند که این خود هزینه‌ها و خطرات جانبی را کاهش می‌دهد. در درازمدت، بهبود صحت عامه سطح آگاهی جامعه را بلند برده، توان کاری مردم را افزایش داده و به رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی کمک می‌کند.

اما اگر این وضعیت به همین شکل ادامه یابد و به نیازهای مطرح شده رسیده‌گی نشود، پیامدهای منفی آن جدی و دوامدار خواهد بود. ادامه کمبود خدمات صحتی، به‌ویژه نبود داکتران انائیه و مراکز مجهز، باعث افزایش مرگومیر قابل پیشگیری، تشدید امراض مزمن، و گسترش بیماری‌های ساری خواهد شد. مردم، به‌خصوص زنان، اطفال و باشندگان ولسوالی‌های دورافتاده، بیشترین آسیب را خواهند دید و بی‌اعتمادی به نظام صحتی افزایش خواهد یافت. در نتیجه، فقر صحتی، فشار اقتصادی بر خانواده‌ها، و وابسته‌گی بیشتر به کمک‌های اضطراری تداوم پیدا می‌کند و توسعه پایدار در ولایت پکتیکا با چالش جدی روبه‌رو خواهد شد.



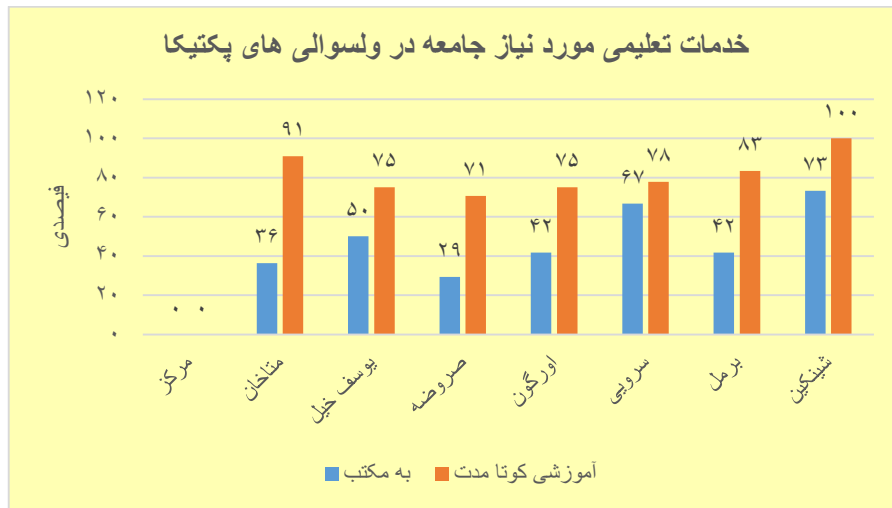
گراف 83: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های پکتیکا

2.20.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه پکتیکا

گراف (84)، بیانگر آن است که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت پکتیکا بلند اما نابرابر می‌باشد. در حالی که ولسوالی مرکز نیاز قابل توجه به مکتب و آموزش‌های کوتاه‌مدت را نشان نمی‌دهد، اکثر ولسوالی‌های دیگر به‌خصوص شینکین، سروبی و برملم با نیاز بلند به مکاتب (67 تا 73 درصد) و آموزش‌های کوتاه‌مدت (78 تا 100 درصد) روبه‌رو اند که بیانگر کمبود دسترسی به تعلیم و تربیه می‌باشد. همچنان نیاز گسترده به آموزش‌های کوتاه‌مدت در همه ولسوالی‌ها، به‌ویژه شینکین (100 درصد) و متاخان (91 درصد)، نشان می‌دهد که جوانان و بزرگسالان به مهارت‌های فوری و عملی برای بهبود وضعیت معیشتی خود نیاز دارند. در بخش سایر خدمات تعلیمی، تأکید بر اعمار تعمیر مکاتب، فراهم سازی معلمین مسلکی، کتاب‌های درسی، قرطاسیه، کمپیوتر لب، کورس‌های سوادآموزی و حتی مدارس دینی، بیانگر چالش‌های چندبعدی نظام تعلیمی در پکتیکا است که هم زیرساخت، هم کیفیت آموزش و هم دسترسی عادلانه را در بر می‌گیرد.

اگر وضعیت فعلی خدمات تعلیمی به همین گونه ادامه یابد و به نیازهای برجسته شده در جدول رسیده‌گی صورت نگیرد، پیامدهای آن برای جامعه ولایت پکتیکا نگران کننده خواهد بود. ادامه کمبود مکاتب، معلمین مسلکی و امکانات آموزشی سبب افزایش بی‌سوادی، ترک تحصیل اطفال، و محدود شدن فرصت‌های شغلی به‌ویژه برای جوانان خواهد شد. همچنان نبود آموزش‌های کوتاه‌مدت و مهارتی، توانایی مردم را برای کسب درآمد کاهش داده و فقر، وابسته‌گی اقتصادی و آسیب‌پذیری اجتماعی را تشدید می‌کند. در درازمدت، این وضعیت می‌تواند به تضعیف سرمایه بشری، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و کند شدن روند انکشاف و ثبات در ولسوالی‌های دورافتاده منجر شود.

اما اگر به این خدمات تعلیمی به‌گونه‌ی هدفمند و پایدار رسیده‌گی صورت گیرد، نتایج بسیار مثبت و ماندگار به‌دست خواهد آمد. اعمار مکاتب، فراهم‌سازی معلمین مسلکی، کتاب‌ها و قرطاسیه، و ایجاد کمپیوتر لب‌ها و انستیتوت‌ها باعث بهبود کیفیت آموزش و افزایش میزان شمولیت اطفال و جوانان در نظام تعلیمی می‌گردد. همچنان گسترش آموزش‌های کوتاه‌مدت و کورس‌های سوادآموزی مهارت‌های عملی را در جامعه تقویت کرده و زمینه اشتغال، خودکفایی اقتصادی و کاهش فقر را فراهم می‌سازد. در مجموع، سرمایه‌گذاری در بخش تعلیم نه‌تنها سطح آگاهی و توانمندی جامعه را بلند می‌برد، بلکه زیربنای اساسی برای انکشاف پایدار، ثبات اجتماعی و آینده بهتر در ولایت پکتیکا را ایجاد می‌کند.

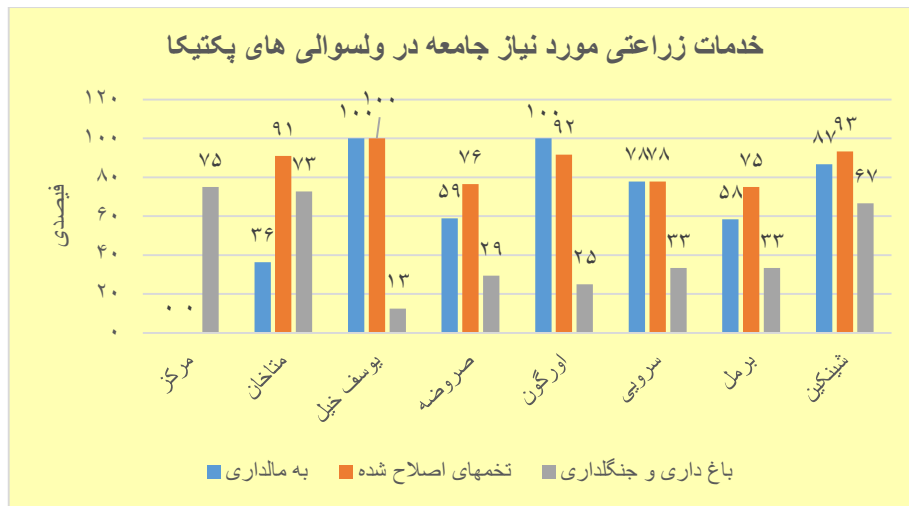


گراف 84: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا

3.20.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه پکتیکا

گراف (85)، نیاز به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های ولایت پکتیکا متفاوت اما در مجموع بلند ارزیابی شده است. در بخش مالداری، بیشترین نیاز مربوط به یوسف خیل و اورگون (هر دو ۱۰۰٪) می‌باشد که نشان‌دهنده وابستگی شدید اقتصادی این مناطق به دامداری است؛ پس از آن شینکین با ۸۷٪، سروبی با ۷۸٪، صروضه با ۵۹٪ و برمل با ۵۸٪ قرار دارند، در حالی که متاخان ۳۶٪ و مرکز صفر درصد را نشان می‌دهد که بیانگر نقش کمتر مالداری در مرکز است. در بخش تخم‌های اصلاح‌شده، یوسف خیل با ۱۰۰٪ و شینکین با ۹۳٪ در صدر قرار دارند و اورگون (۹۲٪) و متاخان (۹۱٪) نیز نیاز بسیار بالا دارند؛ این موضوع نشان می‌دهد که بهبود کیفیت تولیدات نباتی یک اولویت اساسی در اکثر ولسوالی‌ها است، در حالی که مرکز باز هم صفر درصد گزارش شده است. در بخش باغداری و جنگلداری، مرکز با ۷۵٪ و متاخان با ۷۳٪ بیشترین نیاز را دارند و شینکین نیز با ۶۷٪ در سطح بلند قرار دارد، اما یوسف خیل تنها ۱۳٪ را نشان می‌دهد که بیانگر تمرکز بیشتر آن بر مالداری و زراعت نباتی نسبت به باغداری است. به طور کلی، ولسوالی یوسف خیل از نگاه مالداری و تخم‌های اصلاح‌شده در وضعیت بحرانی قرار دارد، اورگون نیز نیاز شدید در مالداری و نهاده‌های اصلاح‌شده دارد، شینکین در هر سه شاخص در سطح نسبتاً بالا است، در حالی که مرکز بیشتر به توسعه باغداری، جنگلداری و خدمات تخنیک‌ی نیازمند است. ذکر سردخانه‌ها، ماشین‌آلات عصری، بندهای آب، مارکیت محصولات زراعتی و متخصصین وترنری در بخش سایر خدمات نشان می‌دهد که مشکل تنها تولید نیست، بلکه کمبود زیرساخت‌های نگهداری، مدیریت آب، بازاریابی و خدمات تخنیک‌ی نیز به‌گونه جدی وجود دارد.

اگر به این خدمات زراعتی به‌گونه‌ی همه‌جانبه و دوامدار رسیده‌گی صورت گیرد، پیامدهای آن بسیار مثبت خواهد بود. فراهم‌سازی خدمات مالداری و وترنری باعث کاهش تلفات مویشی، افزایش تولیدات لبنی و گوشتی و بهبود امنیت غذایی می‌شود. استفاده از تخم‌های اصلاح‌شده، ماشین‌آلات عصری و مدیریت بهتر آب زراعتی حاصلات را افزایش داده و درآمد دهقانان را بلند می‌برد. ایجاد سردخانه‌ها و مارکیت‌های منظم، ضایعات محصولات را کاهش داده و ارزش اقتصادی تولیدات محلی را بالا می‌برد. همچنان توسعه باغداری و حفاظت جنگلات به حفظ محیط زیست، ایجاد فرصت‌های کاری و استفاده پایدار از منابع طبیعی کمک می‌کند. در مجموع، سرمایه‌گذاری در خدمات زراعتی می‌تواند فقر را کاهش داده، اقتصاد محلی را تقویت کرده و زمینه انکشاف پایدار و خودکفایی اقتصادی مردم ولایت پکتیکا را فراهم سازد.

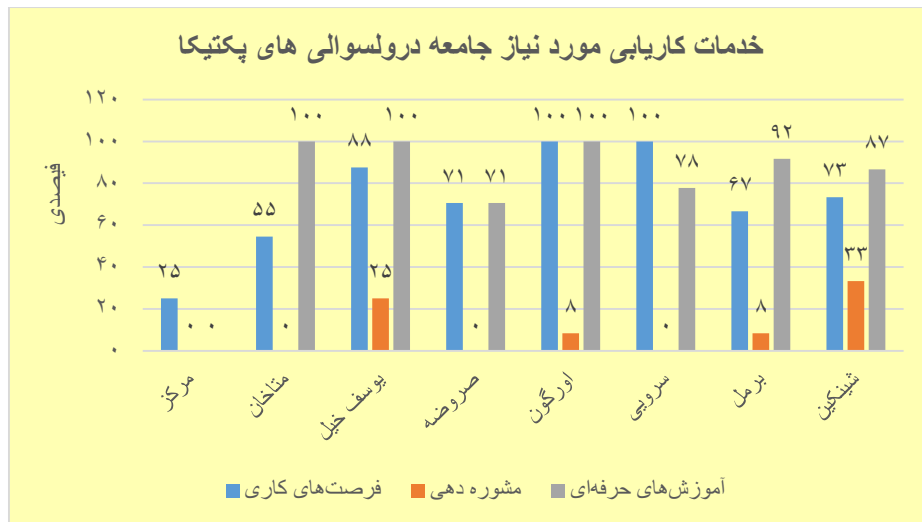


گراف 85: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا

4.20.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه پکتیکا

تحلیل گراف (86)، نشان می دهد که بیکاری یکی از جدی ترین چالش های اجتماعی و اقتصادی در ولسوالی های مختلف ولایت پکتیکا است، به ویژه در میان قشر جوان. سطح بسیار بلند نیاز به فرصت های کاری در ولسوالی هایی مانند اورگون و سرربی (۱۰۰ درصد) و همچنان یوسف خیل و شینکین بیانگر آن است که فرصت های موجود با تعداد نیروی کار هیچ گونه تناسب ندارد و اقتصاد محلی توان جذب جوانان را ندارد. نیاز گسترده به آموزش های حرفه ای در اکثر ولسوالی ها نشان می دهد که بسیاری از افراد فاقد مهارت های فنی و مسلکی مورد نیاز بازار کار اند و بدون این مهارت ها امکان اشتغال پایدار برای آنان بسیار محدود است. پایین بودن تقاضا برای مشوره های کاریابی نیز می تواند نشان دهنده نبود سیستم های منظم کاریابی، کمبود مراکز مشورتي، یا آگاهی اندک مردم از اهمیت هدایت شغلی باشد. تأکید مکرر بر فراهم نمودن زمینه کار برای جوانان در بخش سایر خدمات، بیانگر خواست جدی جامعه برای اقدامات عملی، پروژه های اشتغال زا و همکاری نزدیک نهاد های دولتی و محلی در حل مشکل بیکاری است.

اگر به این خدمات کاریابی به گونه ای مؤثر و دوامدار رسیده گی صورت گیرد، پیامدهای آن بسیار مثبت خواهد بود. ایجاد فرصت های کاری و گسترش آموزش های حرفه ای باعث کاهش بیکاری، افزایش عواید خانواده ها و بهبود وضعیت معیشتی مردم می شود. جوانانی که به مهارت های فنی مجهز می شوند، می توانند وارد بازار کار شده، کار آفرینی کنند و یا در پروژه های انکشافی سهم فعال بگیرند. این امر نه تنها فشار اقتصادی و اجتماعی را کاهش می دهد، بلکه از مهاجرت اجباری، ناامیدی جوانان و بروز آسیب های اجتماعی نیز جلوگیری می کند. در مجموع، سرمایه گذاری در خدمات کاریابی و اشتغال زایی می تواند اقتصاد محلی را تقویت کرده، ثبات اجتماعی را افزایش داده و زمینه انکشاف پایدار در ولایت پکتیکا را فراهم سازد.



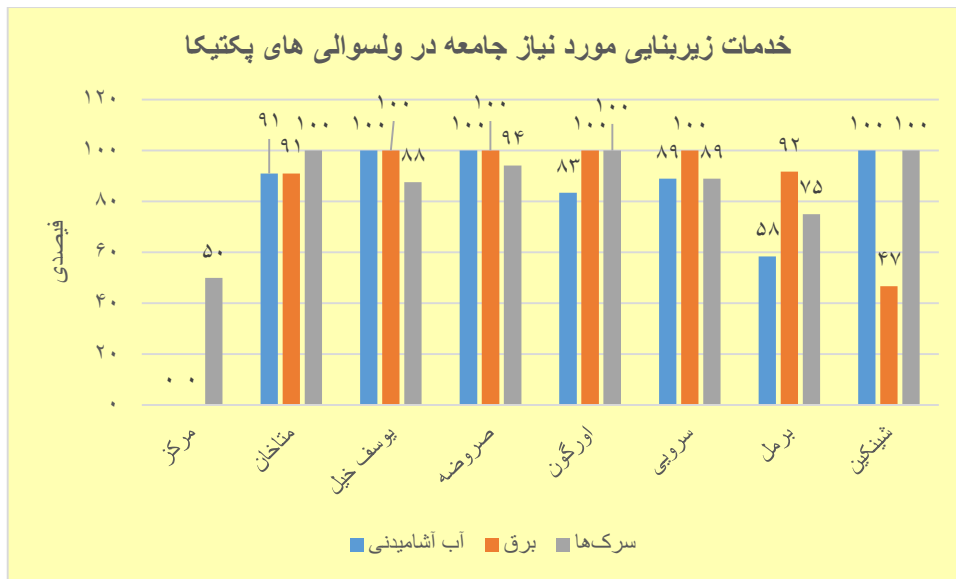
گراف 86: خدمات کاریبی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا

5.20.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه پکتیکا

در گراف (87)، نیاز به خدمات زیربنایی در اکثر ولسوالی‌های ولایت پکتیکا در سطح بسیار بلند قرار دارد و نشان‌دهنده کمبود گسترده در زیرساخت‌های اساسی است. در بخش آب آشامیدنی، یوسف خیل، صروضه و شینکین هر سه با ۱۰۰٪ بیشترین نیاز را دارند و متاخان (۹۱٪)، سرویی (۸۹٪) و اورگون (۸۳٪) نیز در سطح بسیار بالا قرار دارند، در حالی که برمل با ۵۸٪ نیاز متوسط و مرکز با صفر درصد کمترین نیاز را نشان می‌دهد که بیانگر دسترسی نسبی بهتر مرکز به آب آشامیدنی است. در بخش برق، یوسف خیل، صروضه، اورگون و سرویی همگی ۱۰۰٪ نیاز دارند که نشان می‌دهد مشکل برق در این ولسوالی‌ها کاملاً حاد است؛ متاخان (۹۱٪) و برمل (۹۲٪) نیز وضعیت بحرانی دارند، در حالی که شینکین با ۴۷٪ نیاز متوسط و مرکز با صفر درصد کمترین سطح نیاز را دارد. در زمینه سرک‌ها، متاخان، اورگون و شینکین هر سه با ۱۰۰٪ در صدر قرار دارند و صروضه (۹۴٪)، سرویی (۸۹٪)، یوسف خیل (۸۸٪) و برمل (۷۵٪) نیز نیاز بسیار بالا دارند، در حالی که مرکز با ۵۰٪ نیاز متوسط را نشان می‌دهد. به طور کلی، الگوی ارقام نشان می‌دهد که ولسوالی‌های یوسف خیل و صروضه در هر سه شاخص آب، برق و سرک در وضعیت بحرانی قرار دارند؛ متاخان و اورگون نیز به‌ویژه در بخش سرک و برق با کمبود جدی مواجه‌اند؛ در حالی که مرکز نسبت به سایر ولسوالی‌ها وضعیت بهتر اما همچنان نیازمند توسعه سرک‌های فرعی است. ذکر نیاز به اعمار سرک‌های فرعی، دیوارهای استنادی، پلچک‌ها، کانال‌های آب، بندهای آب و ذخایر آب آشامیدنی در بخش سایر خدمات نشان می‌دهد که مشکلات زیربنایی تنها به کمبود خدمات عمومی محدود نمی‌شود، بلکه شامل ضعف در مدیریت آب، حفاظت از اراضی، جلوگیری از تخریب جاده‌ها و اتصال قریه‌ها نیز می‌گردد؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در زیربناها در این ولایت باید جامع، همزمان و متوازن باشد تا هم دسترسی به خدمات اساسی و هم پیوند اقتصادی و اجتماعی ولسوالی‌ها تقویت گردد.

اگر به این خدمات زیربنایی به‌طور مؤثر و پایدار رسیده‌گی صورت گیرد، پیامدهای مثبت گسترده خواهد بود: دسترسی به آب سالم و برق پایدار سلامت مردم را بهبود می‌بخشد و فعالیت‌های اقتصادی و آموزشی را تقویت می‌کند؛ سرک‌ها و پل‌ها امکان حمل و نقل مؤثر کالا و خدمات را فراهم کرده و بازارهای محلی و منطقه‌ای را فعال می‌سازد؛ مدیریت آب و کانال‌ها و حفاظت از منابع طبیعی، محیط زیست را پایدار کرده و از آسیب‌های طولانی‌مدت پیشگیری می‌کند. در مجموع، سرمایه‌گذاری در خدمات زیربنایی، رفاه اجتماعی، رشد اقتصادی و توسعه پایدار را تقویت کرده و زمینه‌ای برای ثبات و خودکفایی جامعه در تمامی ولسوالی‌های ولایت پکتیکا ایجاد می‌نماید.

اگر وضعیت فعلی ادامه یابد، کمبود زیرساخت‌های حیاتی باعث افزایش بیماری‌ها، محدودیت اقتصادی، مهاجرت اجباری، و کندشدن روند توسعه پایدار خواهد شد و آسیب‌های زیربنایی و اجتماعی در بلندمدت تشدید می‌گردد.



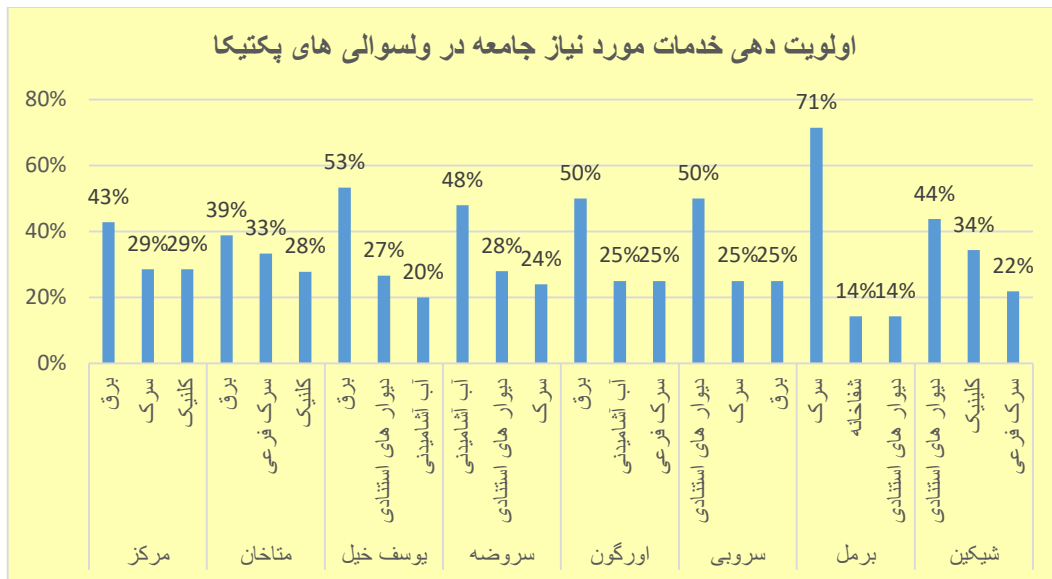
گراف 87: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا

6.20.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه پکتیکا

با تحلیل گراف (88)، می‌توان دریافت که اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت پکتیکا بر اساس ترکیبی از نیازهای زیربنایی و حیاتی جامعه شکل گرفته است و نشان‌دهنده تفاوت شرایط زیربنایی و اجتماعی هر ولسوالی است. برق در بیشتر ولسوالی‌ها مانند یوسف‌خیل (۵۳٪)، اورگون (۵۰٪)، مرکز (۴۳٪) و متاخان (۳۹٪) به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازها اولویت یافته است، که نشان می‌دهد فقدان انرژی برق فعالیت‌های اقتصادی، خدمات صحتی، تعلیمی و زندگی روزمره مردم را محدود کرده است. نیاز به سرک‌ها و سرک‌های فرعی نیز در اکثر ولسوالی‌ها برجسته است؛ برمیل با ۷۱٪ و یوسف‌خیل و سروضه با بیش از ۲۴٪ نیاز، تأکید بر اهمیت دسترسی فیزیکی و اتصال رو ستاها به مراکز خدماتی و بازارها دارد، زیرا ضعف در زیرساخت‌های حمل و نقل مانع تجارت و دسترسی به خدمات حیاتی می‌شود.

آب آشامیدنی به ویژه در سروضه (۴۸٪) و یوسف‌خیل (۲۰٪) یکی از اولویت‌های حیاتی است، که نشان‌دهنده محدودیت منابع آب سالم و خطرات بهداشتی ناشی از آن است. دیوارهای استنادی نیز در سروبی (۵۰٪) و شینکین (۴۴٪) اهمیت بالایی دارند، که بیانگر مشکلات زمین‌لغزش و تخریب ساختارهای حفاظتی در مناطق کوهستانی است. خدمات صحتی و کلینیک‌ها در مرکز، متاخان و شینکین به ترتیب ۲۹٪، ۲۸٪ و ۳۴٪ اولویت یافته‌اند، که نشان‌دهنده نیاز به تقویت ظرفیت درمانی و دسترسی به خدمات صحتی اولیه در مناطق مختلف است.

به‌طور کلی، گراف نشان می‌دهد که در هر ولسوالی، اولویت خدمات با توجه به شرایط محلی و آسیب‌پذیری‌های زیربنایی متفاوت است: برخی مناطق بیشترین تمرکز را بر برق و انرژی دارند، برخی دیگر بر دسترسی به آب و حفاظت زیربنایی، و بعضی ولسوالی‌ها بیشترین نیاز را به راه‌ها و خدمات صحتی دارند. این اولویت‌ها، راهنمای واضحی برای برنامه‌ریزی هدفمند و تخصیص منابع در بخش توسعه زیربنایی و خدمات اساسی در ولایت پکتیکا فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که هر ولسوالی نیازمند رویکرد متناسب با شرایط جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی خود است.



گراف 88: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پکتیکا

21.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت پنجشیر

در ولایت پنجشیر، دسترسی به خدمات پایه ای و حیاتی برای بهبود کیفیت زندگی مردم در تمام ولسوالی ها هنوز با چالش های جدی مواجه است. تحلیل داده های اخیر نشان می دهد که نیاز جامعه به خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در این ولایت بسیار گسترده و متفاوت بین ولسوالی ها است. خدمات صحتی، شامل شفاخانه ها، کلینیک ها، کارکنان صحتی و تجهیزات تخصصی، برای کاهش بیماری ها و مرگ و میر ضروری است. خدمات تعلیمی، از مکاتب ابتدایی تا آموزش های کوتاه مدت و حرفه ای، پایه توسعه انسانی و توانمندی جوانان را تشکیل می دهد. در بخش زراعت، نیاز به مالداری، تخم های اصلاح شده، باغداری و خدمات تکمیلی مانند کانال های آب، تراکتور و آموزش دهقانان، نشان دهنده اهمیت زراعت به عنوان منبع اصلی معیشت مردم است. خدمات کاریابی و آموزش های حرفه ای برای کاهش بیکاری و افزایش فرصت های اقتصادی حیاتی می باشد، در حالی که توسعه زیرساخت ها شامل آب آشامیدنی، برق، سرک ها و سایر خدمات زیربنایی، پایه های زندگی روزمره، فعالیت های اقتصادی و امنیت جامعه را شکل می دهد.

با توجه به جمعیت هر ولسوالی و درصد نیاز به خدمات، می توان تخمین زد که تعداد افراد نیازمند به این خدمات بسیار زیاد است. برای نمونه، ولسوالی هایی مانند حصه اول (۸۱'۱۲۰ نفر)، رخه (۸۰'۶۸۵ نفر) و پریان (۸۴'۲۲۶ نفر) به دلیل جمعیت زیاد و درصد بالای نیاز، فشار شدید بر سیستم های موجود دارند. در ولسوالی های کوچکتر مانند آبشار (۱۴'۹۰۷ نفر)، دره (۱۴'۰۴۰ نفر) و شتل (۲۰'۱۵۰ نفر)، هرچند جمعیت کمتر است، اما درصد نیاز در برخی خدمات مانند مالداری، آب آشامیدنی یا آموزش های کوتاه مدت بسیار بالاست که نشان دهنده شدت مشکلات در این ولسوالی ها می باشد.

ترکیب جمعیت و درصد نیازها نشان می دهد که ده ها هزار نفر در تمام ولسوالی ها به انواع خدمات حیاتی نیازمندند و بدون سرمایه گذاری هدفمند و متوازن در بخش های صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی، مشکلات معیشتی، بیکاری، بیماری و فقر ادامه خواهد یافت و توسعه پایدار در ولایت پنجشیر به خطر خواهد افتاد.

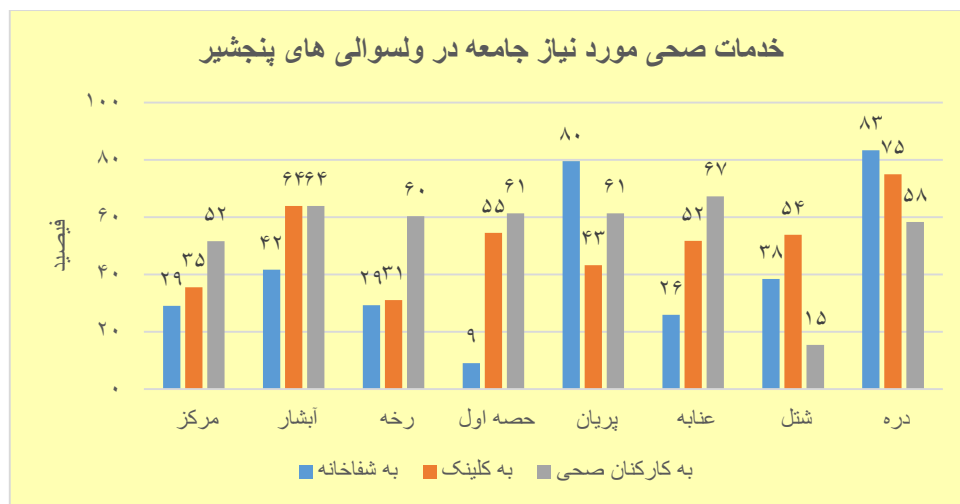
1.21.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه پنجشیر

گراف (89)، نشان می دهد که نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی های مختلف ولایت پنجشیر متفاوت اما به گونه ای عمومی بلند است. بیشترین نیاز به شفاخانه در ولسوالی های دره (۸۳%) و پریان (۸۰%) دیده می شود، در حالی که حصه اول کمترین نیاز (۹%) را دارد. از نگاه نیاز به کلینیک، ولسوالی های دره (۷۵%) و آبشار (۶۴%) در صدر قرار دارند و مرکز و رخه در سطح متوسط قرار گرفته اند. در بخش کارکنان صحتی، عنابه (۶۷%) و آبشار (۶۴%) بیشترین نیاز را نشان می دهند، اما شتل با رقم بسیار پایین (۱۵%) تفاوت چشم گیر دارد که می تواند ناشی از کمبود

گزارش دهی یا تمرکز خدمات موجود با شد. همچنان، نوع نیازهای تکمیلی صحتی در ولسوالی‌ها متفاوت است؛ برخی مانند حصه اول و پریان به خدمات تخصصی‌تر چون قلب، گرده، گوش و گلو و لابراتوار نیاز دارند، در حالی که در اکثر ولسوالی‌ها امبولانس و لابراتوار به‌عنوان نیاز مشترک تکرار شده است. به‌طور کلی، جدول بیانگر آن است که توسعه متوازن شفاخانه‌ها، کلینک‌ها، کارکنان صحتی و خدمات تشخیصی و عاجل، برای بهبود وضعیت صحتی در سراسر ولایت پنجشیر یک ضرورت جدی می‌باشد.

اگر این وضعیت به همین شکل ادامه یابد و به این نیازها رسیده‌گی صورت نگیرد، ولسوالی‌هایی مانند دره، پریان و آبشار که فیصدی نیاز به شفاخانه و کلینک در آن‌ها بسیار بلند است، با افزایش مرگ‌ومیر قابل جلوگیری، گسترش امراض قابل علاج، ازدحام بیش از حد مراکز صحتی موجود و نارضایتی شدید مردم روبه‌رو خواهند شد. همچنان کمبود کارکنان صحتی، به‌ویژه در ولسوالی‌هایی که نیاز بالاتر از ۶۰ فیصد است، باعث کاهش کیفیت خدمات، خستگی پرسونل موجود و بی‌اعتمادی مردم به نظام صحتی خواهد گردید و در نهایت مردم مجبور می‌شوند برای تداوی به ولایات دیگر مراجعه کنند که هزینه و خطرات بیشتری را در پی دارد.

اما اگر به این فیصدی‌های نیاز به صورت هدفمند رسیده‌گی شود، پیامدهای مثبت آن بسیار چشم‌گیر خواهد بود. ایجاد یا تقویت شفاخانه‌ها در ولسوالی‌های با نیاز بلند، توسعه کلینک‌ها، استخدام و آموزش کارکنان صحتی، و فراهم‌سازی خدمات اساسی مانند امبولانس، لابراتوار و تجهیزات طبی، باعث کاهش بیماری‌ها، تشخیص به‌موقع امراض، کاهش مرگ‌ومیر مادران و اطفال، و افزایش دسترسی عادلانه مردم به خدمات صحتی می‌شود. همچنان، رسیده‌گی به خدمات تخصصی (چشم، گوش و گلو، قلب، گرده و جلدی) می‌تواند وابستگی مردم به مراکز بیرون از ولایت را کاهش داده و اعتماد عمومی به نظام صحتی را تقویت نماید. در مجموع، این ارقام فیصدی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در بخش صحت نه تنها یک نیاز فوری، بلکه یک اقدام پیش‌گیرانه برای ثبات اجتماعی، رفاه عمومی و توسعه پایدار ولایت پنجشیر می‌باشد.



گراف ۸۹: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های پنجشیر

2.21.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه پنجشیر

گراف (۹۰)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت پنجشیر از نگاه شدت و اولویت متفاوت است، نه این که در برخی مناطق هیچ خدمتی وجود نداشته باشد. برای نمونه، پایین بودن نیاز به مکتب در مرکز ولایت (۳٪) بیانگر آن است که زیربنای تعلیمی در مرکز تا حد زیادی موجود و قابل دسترس‌اند؛ در مقابل، ولسوالی‌های دره (۸۳٪) و شتل (۵۴٪) هنوز با کمبود قابل ملاحظه در تعمیر مکاتب یا ظرفیت پذیرش شاگردان روبه‌رو اند.

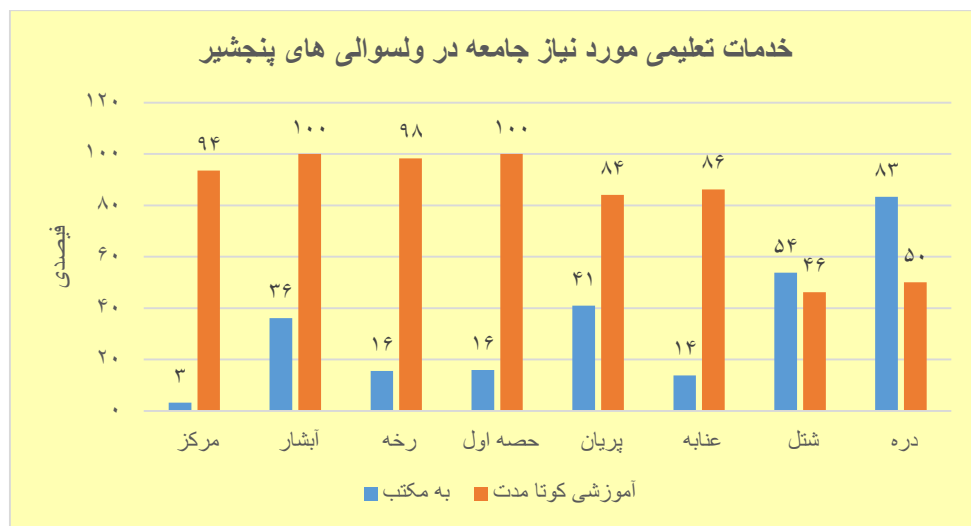
در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، بلند بودن فیصدی‌ها در تمام ولسوالی‌ها (بین ۸۴ تا ۱۰۰٪) نشان می‌دهد که حتی در مناطقی که مکاتب موجود است، نیاز به مهارت‌آموزی، سوادآموزی بزرگسالان و آموزش‌های کاربردی همچنان جدی و فراگیر است. این موضوع بیشتر بیانگر تقاضای نوظهور و تکمیلی جامعه است، نه صرفاً نبود ساختار رسمی.

همچنان تفاوت در نیازهای تکمیلی—مانند استخدام معلمان مجرب، کورس‌های آمادگی کانکور، سوادآموزی زنان، اعمار تعمیر جدید یا تهیه مواد درسی—نشان می‌دهد که هر ولسوالی مرحله متفاوتی از توسعه تعلیمی را تجربه می‌کند. برخی مناطق بیشتر به گسترش کمی (اعمار مکاتب جدید) نیاز دارند، در حالی که در برخی دیگر تمرکز باید بر بهبود کیفیت، ظرفیت معلمان و برنامه‌های حمایتی باشد.

به‌گونه کلی، تحلیل اصلاح شده بیانگر آن است که خدمات تعلیمی در مرکز نسبتاً متمرکز و در دسترس است، اما در ولسوالی‌های دورتر نیاز به توسعه و تقویت بیشتر احساس می‌شود. در عین حال، تقاضای گسترده برای آموزش‌های کوتاه‌مدت در سراسر ولایت نشان می‌دهد که جامعه به سمت مهارت‌محوری و ارتقای ظرفیت‌های عملی حرکت می‌کند؛ بنابراین برنامه‌ریزی آینده باید هم بر توازن جغرافیایی امکانات و هم بر ارتقای کیفیت و تنوع خدمات تعلیمی تمرکز داشته باشد تا شکاف میان ولسوالی‌ها کاهش یابد.

اگر وضعیت خدمات تعلیمی به همین شکل ادامه یابد و به این نیازها رسیده‌گی صورت نگیرد، پیامدهای منفی آن در ولسوالی‌های مختلف ولایت پنجشیر به‌گونه‌ی جدی نمایان خواهد شد. ولسوالی‌هایی مانند دره، شتل و پریان که فیصدهای نیاز به مکتب در آن‌ها بلند است، با افزایش ترک تحصیل اطفال، کاهش سطح سواد، تداوم نابرابری تعلیمی میان مرکز و ولسوالی‌ها و محدود شدن فرصت‌های آینده نسل جوان روبه‌رو خواهند شد. همچنان، با وجود نیاز بسیار بلند به آموزش‌های کوتاه‌مدت، عدم فراهم‌سازی این برنامه‌ها باعث می‌شود که جوانان و بزرگ‌سالان از مهارت‌های اساسی زندگی، سواد ابتدایی و توانایی اشتراک در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی محروم بمانند؛ به‌ویژه زنان که بیشترین نیاز به کورس‌های سوادآموزی در موردشان تکرار شده است.

در مقابل، اگر به این خدمات تعلیمی به صورت هدفمند و متوازن رسیده‌گی صورت گیرد، نتایج آن بسیار مثبت و پایدار خواهد بود. اعمار و تجهیز مکاتب در ولسوالی‌های با نیاز بلند، استخدام و آموزش معلمان مسلکی، فراهم‌سازی مواد درسی و ایجاد مدارس دینی و صنوف محلی، باعث افزایش دسترسی اطفال به آموزش، کاهش ترک تحصیل و بهبود کیفیت تعلیم می‌شود. همچنان گسترش آموزش‌های کوتاه‌مدت، کورس‌های سوادآموزی، آماده‌گی کانکور و مهارت‌های کاربردی، ظرفیت انسانی جامعه را بالا برده و زمینه اشتغال، خودکفایی و مشارکت فعال مردم—به‌ویژه زنان و جوانان—را فراهم می‌سازد. در مجموع، رسیده‌گی به این نیازهای تعلیمی نه تنها سطح سواد و آگاهی را بلند می‌برد، بلکه به ثبات اجتماعی، کاهش فقر و توسعه پایدار در سراسر ولایت پنجشیر کمک اساسی خواهد کرد.



گراف ۹۰: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های پنجشیر

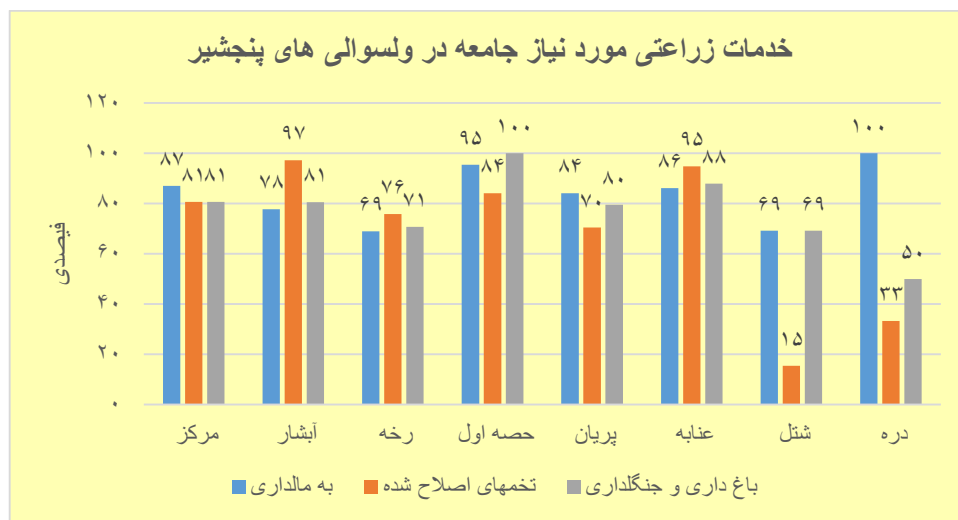
3.21.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه پنجشیر

گراف (91)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در تمام ولسوالی‌های ولایت پنجشیر بسیار بلند و گسترده است و زراعت به‌عنوان منبع اصلی معیشت مردم با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌باشد. فیصدهای نیاز به مالداری در همه ولسوالی‌ها بلند است و در ولسوالی دره به ۱۰۰ فیصد می‌رسد که بیانگر وابستگی شدید مردم به پرورش مویشی و کمبود خدمات حمایتی در این بخش است. همچنان نیاز به تخم‌های اصلاح شده در ولسوالی‌هایی چون آبشار (۹۷٪) و عنابه (۹۵٪) بسیار بلند است، در حالی که شتل با ۱۵ فیصد کمترین نیاز را نشان می‌دهد که می‌تواند ناشی از

محدودیت زمین‌های زراعتی یا تغییر نوع معیشت باشد. در بخش باغداری و جنگلداری، ولسوالی حصه اول با ۱۰۰ فیصد نیاز در وضعیت بحرانی قرار دارد و سایر ولسوالی‌ها نیز با فیصدی‌های بلند میان ۷۱ تا ۸۸ مواجه اند. علاوه بر این، فهرست سایر خدمات زراعتی نشان می‌دهد که نیازها بیشتر بر بهبود سیستم‌های آبیاری، دسترسی به ماشین‌آلات زراعتی، سردخانه‌ها، ادویه و کود کیمیایی، پروسس محصولات و آموزش دهقانان متمرکز است. به طور کلی، جدول بیانگر آن است که بدون سرمایه‌گذاری جدی در زیربنای زراعتی، تکنالوژی، خدمات مالدارانی و آموزش دهقانان، تولیدات زراعتی ولایت پنجشیر محدود باقی مانده و امنیت غذایی و معیشت پایدار مردم با تهدید جدی روبه‌رو خواهد بود.

اگر وضعیت کنونی بدون مداخله و رسیدگی ادامه یابد، سکتور زراعت در ولایت پنجشیر با پیامدهای نگران‌کننده روبه‌رو خواهد شد. وابستگی بلند مردم به مالدارانی، به‌ویژه در ولسوالی‌هایی مانند دره، حصه اول و عنابه، در کنار کمبود خدمات مالدارانی، داکتران حیوانی و خوراک معیاری مواشی، می‌تواند باعث افزایش تلفات حیوانات، کاهش تولید لبنیات و گوشت، و در نهایت کاهش درآمد خانواده‌های دهقان گردد. همچنان، نبود تخم‌های اصلاح شده، ماشین‌آلات زراعتی و سیستم‌های معیاری آبیاری سبب پایین ماندن حاصلات، ضایع شدن زمین‌های قابل کشت و افزایش فقر در میان دهقانان می‌شود. اگر این وضعیت دوام یابد، امنیت غذایی خانواده‌ها تضعیف شده، وابستگی به کمک‌های بیرونی افزایش می‌یابد و مهاجرت کاری از ولسوالی‌ها به شهرها یا ولایات دیگر شدت خواهد گرفت.

در مقابل، اگر تغییر مثبت و رسیده‌گی هدفمند به این نیازها صورت گیرد، پیامدهای آن می‌تواند زیربنایی و پایدار باشد. فراهم‌سازی خدمات مالدارانی (داکتر حیوانی، واکسیناسیون و تغذیه مواشی)، توزیع تخم‌های اصلاح شده، توسعه باغداری و جنگلداری، و سرمایه‌گذاری در کانال‌های آبیاری و سردخانه‌ها، باعث افزایش تولیدات زراعتی، کاهش ضایعات محصولات و بلند رفتن عواید دهقانان خواهد شد. همچنان آموزش عملی دهقانان، دسترسی به ماشین‌آلات زراعتی و ایجاد مراکز پروسس محصولات، زمینه خودکفایی نسبی، ایجاد کار محلی و تقویت اقتصاد روستایی را فراهم می‌سازد. در مجموع، بهبود خدمات زراعتی نه تنها امنیت غذایی ولایت پنجشیر را تضمین می‌کند، بلکه باعث کاهش فقر، افزایش تاب‌آوری جوامع روستایی و حرکت به سوی توسعه پایدار و متوازن در سطح ولسوالی‌ها خواهد شد.



گراف 91: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پنجشیر

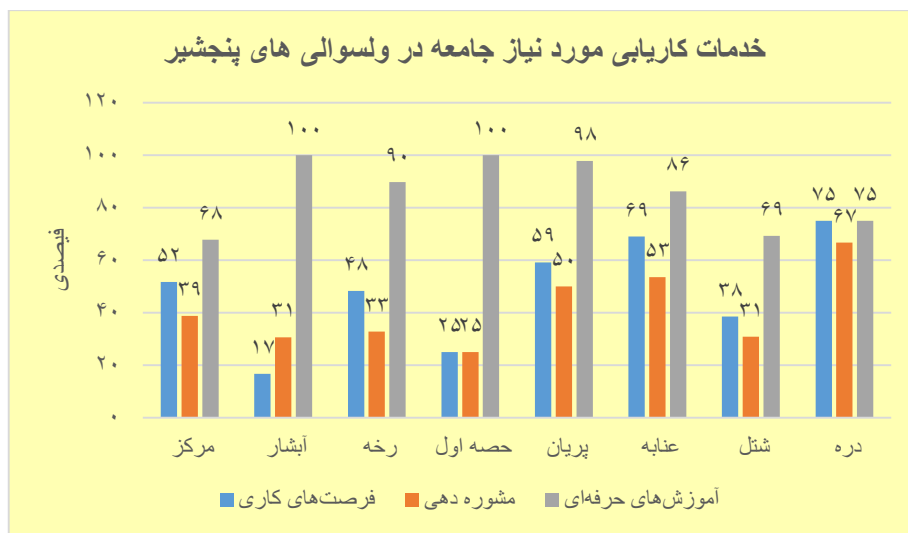
4.21.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه پنجشیر

در گراف (92)، نیاز به خدمات کاریابی در ولسوالی‌های ولایت پنجشیر به‌ویژه در بخش آموزش‌های حرفه‌ای بسیار بلند و گسترده است. در بخش فرصت‌های کاری، بیشترین نیاز مربوط به دره (۷۵٪) و عنابه (۶۹٪) است که نشان‌دهنده کمبود جدی زمینه‌های اشتغال در این مناطق می‌باشد؛ پس از آن پریان (۵۹٪) و مرکز (۵۲٪) قرار دارند، در حالی که آبشار با ۱۷٪ و حصه اول با ۲۵٪ نیاز پایین‌تری را نشان می‌دهند که بیانگر دسترسی نسبی بهتر یا فرصت‌های محدود اما موجود در این ولسوالی‌ها است. در بخش مشوره‌دهی کاری نیز دره (۶۷٪) و عنابه (۵۳٪) بالاترین نیاز را دارند و پریان (۵۰٪) در سطح متوسط بلند قرار دارد، در حالی که سایر ولسوالی‌ها بین ۲۵ تا ۳۳ درصد قرار دارند که نشان می‌دهد خدمات ابتدایی راهنمایی شغلی تا حدی موجود است اما کافی نیست. اما برجسته‌ترین بخش جدول مربوط به آموزش‌های حرفه‌ای است که تقریباً در تمام

ولسوالی‌ها با فیصدی بسیار بلند (بین ۶۸٪ تا ۱۰۰٪) ثبت شده؛ آبشار و حصه اول هر دو ۱۰۰٪، پریان ۹۸٪ و رخه ۹۰٪ را نشان می‌دهند که بیانگر تقاضای شدید برای مهارت‌آموزی تکنیکی و فنی است. این ارقام نشان می‌دهد که مشکل اصلی نه تنها کمبود شغل، بلکه کمبود مهارت‌های تخصصی برای ورود به بازار کار است. در بخش سایر خدمات نیز تأکید بر ایجاد فابریکه‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری کوچک، زنبورداری، مرغداری، تجارت‌های کوچک و فراهم‌سازی زمینه کار برای جوانان دیده می‌شود که بیانگر تمایل به توسعه اقتصاد محلی و کارآفرینی است. به‌گونه کلی، جدول نشان می‌دهد که هرچند سطح نیاز به فرصت‌های کاری در برخی ولسوالی‌ها متوسط است، اما نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای و توسعه فعالیت‌های تولیدی در سراسر ولایت یک اولویت اساسی و مشترک به شمار می‌رود و می‌تواند نقش کلیدی در کاهش بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان، داشته باشد.

اگر وضعیت به همین شکل ادامه یابد، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن می‌تواند بسیار عمیق باشد. ولسوالی‌هایی مانند دره، عنابه و پریان که نیاز به فرصت‌های کاری و مشوره‌دهی در آن‌ها بلند است، در صورت نبود مداخله مؤثر با افزایش بیکاری مزمن، مهاجرت جوانان به کابل و سایر ولایات، گسترش کارهای غیررسمی و کاهش امیدواری نسل جوان روبه‌رو خواهند شد. همچنان فیصدی بسیار بلند آموزش‌های حرفه‌ای نشان می‌دهد که جوانان آماده کار اند اما مهارت‌های لازم یا دسترسی به آموزش بازارمحور را ندارند؛ اگر این خلأ پر نشود، حتی افراد آموزش‌دیده نیز جذب بازار کار نخواهند شد و سرمایه انسانی ضایع می‌گردد. نبود مشوره‌دهی کاری نیز سبب می‌شود جوانان مسیر شغلی مشخص نداشته باشند و میان آموزش، بیکاری و کارهای موقتی سرگردان بمانند.

در مقابل، اگر به این نیازها به‌گونه‌ی هدفمند و هماهنگ رسیده‌گی صورت گیرد، خدمات کارایی می‌تواند به یک محرک قوی توسعه محلی مبدل شود. ایجاد فابریکه‌های کوچک و متوسط، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خرد، توسعه زنبورداری، مرغداری و صنایع تبدیلی، و ایجاد دفاتر کارایی فعال، زمینه اشتغال پایدار را در داخل ولسوالی‌ها فراهم می‌سازد و وابستگی مردم به مهاجرت کاری را کاهش می‌دهد. همچنان گسترش آموزش‌های حرفه‌ای مطابق نیاز بازار، همراه با مشوره‌دهی شغلی و وصل‌سازی فارغان به کارفرمایان، می‌تواند توانمندی جوانان را به فرصت واقعی کار تبدیل کند. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در کارایی نه تنها یک پاسخ فوری به بیکاری است، بلکه یک راهبرد کلیدی برای کاهش فقر، تقویت ثبات اجتماعی و استفاده مؤثر از ظرفیت جوانان در ولایت پنجشیر به شمار می‌رود.



گراف ۹۲: خدمات کارایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های پنجشیر

5.21.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه پنجشیر

ارقام گراف (۹۳)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در اکثر ولسوالی‌های ولایت پنجشیر بسیار جدی و فوری است و اگر این وضعیت ادامه یابد، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده خواهد بود. در بخش آب آشامیدنی، ولسوالی‌های دره (۹۲٪)، عنابه (۸۸٪) و رخه (۸۶٪) بیشترین نیاز را دارند، که نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از جمعیت این ولسوالی‌ها دسترسی محدود یا غیرمطمئن به آب سالم دارند و ادامه

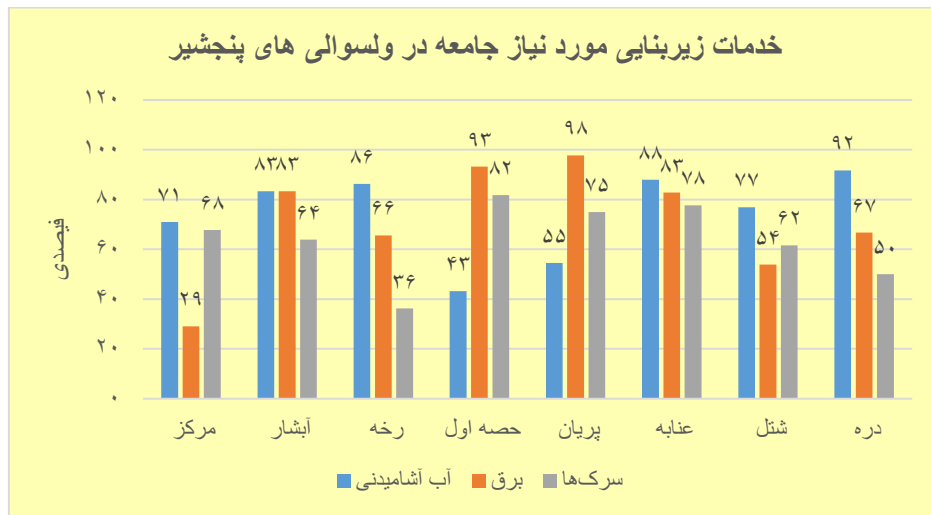
این وضعیت می‌تواند منجر به بیماری‌های ناشی از آب، افزایش هزینه‌های سلامت و کاهش کیفیت زندگی شود. در مقابل، حصه اول با ۴۳٪ نیاز پایین‌تر است، که به معنی دسترسی نسبی بهتر مردم به منابع آب آشامیدنی است.

در بخش برق‌رسانی، ولسوالی‌های پریان (۹۸٪)، حصه اول (۹۳٪) و آبشار (۸۳٪) نشان‌دهنده فشار شدید برای دسترسی به انرژی هستند، در حالی که مرکز با ۲۹٪ کمترین نیاز را دارد، که اختلاف شدید میان مرکز و ولسوالی‌های دورافتاده را نمایان می‌سازد و نشان می‌دهد تمرکز خدمات زیربنایی بیشتر در مرکز است. نبود برق کافی می‌تواند توسعه اقتصادی، آموزش، و خدمات صحتی و زراعتی را محدود کند.

در بخش سرک‌ها و حمل‌ونقل، نیازها نیز متفاوت است؛ حصه اول (۸۲٪)، عنابه (۷۸٪) و پریان (۷۵٪) بیشترین نیاز به جاده‌های ترانزیتی و دسترسی به مسیرهای قابل استفاده دارند، در حالی که دره (۵۰٪) و رخه (۳۶٪) نیاز نسبتاً پایین‌تر دارند، اما همچنان اصلاح و توسعه سرک‌ها برای حمل و نقل محصولات زراعتی، دسترسی به مراکز صحتی و بازارها حیاتی است.

در مجموع، سایر خدمات زیربنایی مانند بند برق، پل‌ها، دیوارهای استنادی، سولرپمپ‌ها، کانال‌های آب، شبکه‌های مخابراتی و محل‌های دفن زباله در تمام ولسوالی‌ها مورد نیاز است، که نشان می‌دهد توسعه و نگهداری زیرساخت‌ها باید به صورت جامع و متوازن انجام شود.

اگر این وضعیت ادامه یابد، ولسوالی‌های با نیاز بالا با مشکلات جدی مواجه خواهند شد: کمبود آب و برق، محدودیت دسترسی به بازارها، آسیب‌پذیری در برابر سیلاب و سوانح طبیعی، و کاهش کیفیت زندگی مردم. اما اگر به این نیازها رسیده‌گی شود، تأمین آب سالم و برق پایدار، توسعه سرک‌ها، و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی، موجب بهبود شرایط زندگی، افزایش فرصت‌های اقتصادی، توسعه آموزشی و صحتی، و کاهش مهاجرت مردم از ولسوالی‌های دورافتاده به مرکز خواهد شد و مسیر توسعه پایدار را برای ولایت پنجشیر هموار می‌سازد.



گراف 93: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های پنجشیر

6.21.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه پنجشیر

گراف (94)، نشان می‌دهد که اولویت خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های مختلف ولایت پنجشیر متفاوت است، اما به‌طور کلی برق، سرک و آب آشامیدنی سه نیاز اساسی و مشترک در اکثر ولسوالی‌ها محسوب می‌شوند. در ولسوالی‌های شتل، دره و مرکز، سرک بیشترین اولویت را دارد که بیانگر مشکلات جدی در زیرساخت‌های ترانسپورتی است، در حالی که در عنابه، حصه اول، پریان و آبشار، برق با بیش از ۴۸ درصد در صدر نیازها قرار گرفته و کمبود انرژی را برجسته می‌سازد. ولسوالی رخه بیشترین تمرکز را بر آب آشامیدنی (۴۸٪) دارد که نشان‌دهنده چالش‌های جدی در دسترسی به آب سالم است. همچنان حضور خدماتی مانند کلینیک در حصه اول و سولر پمپ در مرکز، هرچند با درصد کمتر، بیانگر نیازهای خاص محلی است. به‌طور کلی، این تحلیل نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی انکشافی در پنجشیر باید مبتنی بر نیازهای متفاوت ولسوالی‌ها و با تمرکز بر بهبود زیرساخت‌های حیاتی انجام شود.



گراف 94: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های پنجشیر

22.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت خوست

در ولایت خوست، جامعه در ولسوالی های مختلف با نیازهای گسترده و متنوعی در بخش های صحت، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی مواجه است. کمبود خدمات صحتی و دسترسی محدود به شفاخانه ها، کلینیک ها و کارکنان صحتی سبب شده تا مردم به حمایت های جدی برای حفظ صحت خود، مادران و اطفال، واکسیناسیون و تجهیزات طبی نیاز داشته باشند. در بخش تعلیمی، کمبود مکاتب، معلمین مسلکی و آموزش های کوتاه مدت یا مهارتی، به ویژه برای دختران و نوجوانان، مانع رشد علمی و توانمندسازی نیروی انسانی محلی گردیده است. خدمات زراعتی نیز از اهمیت ویژه برخوردار است؛ نیاز به مالداری، تخم های اصلاح شده، باغداری و جنگلداری و سایر خدمات حمایتی نشان دهنده وابستگی اکثریت مردم به فعالیت های کشاورزی و ضرورت مدیریت بهتر منابع طبیعی و آب می باشد. بخش کاریابی به ویژه برای جوانان، شامل فرصت های شغلی، آموزش های حرفه ای و پروژه های کوچک و بزرگ، نقش کلیدی در کاهش بیکاری و توانمندسازی اقتصادی دارد. خدمات زیربنایی همچون آب آشامیدنی، برق، سرک ها، پل ها، کانال ها و سایر پروژه های زیرساختی، پایه و اساس زندگی سالم، توسعه اقتصادی و دسترسی به خدمات دیگر را تشکیل می دهد.

بر اساس آمار ارائه شده، تعداد افراد نیازمند به این خدمات در ولسوالی های ولایت خوست حدوداً بین ۳۶۹۱۶ نفر در باک تا ۹۸۲۵۰ نفر در اسمعیل خیل متغیر است، که جمعاً نشان دهنده فشار بالایی تقاضا و ضرورت اقدامات فوری و جامع برای رسیدگی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم این ولایت می باشد.

1.22.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه خوست

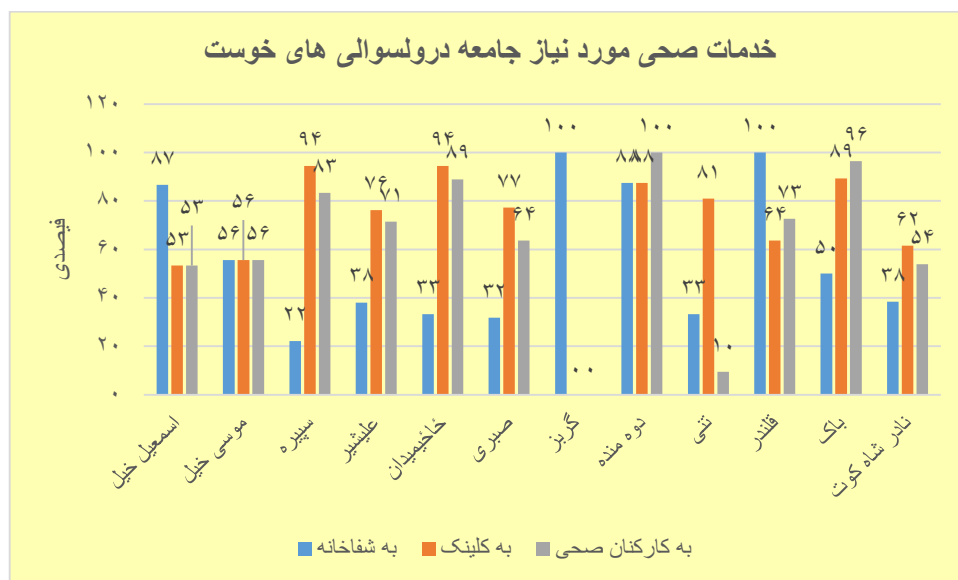
بر بنیاد معلومات گراف (95)، نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی های مختلف ولایت خوست تفاوت قابل ملاحظه دارد؛ به گونه ای عموم، نیاز به شفاخانه در ولسوالی های گربز و قلندر (۱۰۰٪) و دوه منده (۸۸٪) بسیار بلند است، در حالی که ولسوالی هایی چون سپیره (۲۲٪) و صبری (۳۲٪) نیاز کمتر را نشان می دهند. از نگاه نیاز به کلینیک، سپیره و خاخی میدان (۹۴٪) در صدر قرار دارند که بیانگر کمبود جدی مراکز صحتی اولیه می باشد، در حالی که در گربز هیچ نیازی به کلینیک گزارش نشده است. همچنان نیاز به کارکنان صحتی در دوه منده (۱۰۰٪)، باک (۹۶٪) و خاخی میدان (۸۹٪) بسیار بلند بوده که کمبود نیروی بشری صحتی را برجسته می سازد، در مقابل تنی (۱۰٪) و گربز (۰٪) کمترین نیاز را نشان می دهند.

نیازهای صحتی در ولسوالی های ولایت خوست نه تنها متفاوت، بلکه بازتاب دهنده نابرابری در دسترسی به خدمات اساسی صحتی می باشد. ولسوالی هایی مانند گربز، قلندر و دوه منده که نیاز بسیار بلند به شفاخانه را گزارش کرده اند، احتمالاً با کمبود شدید مراکز تداوی ثانوی و ثالثی روبه رو اند یا هم نفوس آن ها برای دریافت خدمات مجبور به مراجعه به ولسوالی ها و مرکز ولایت می باشند. در مقابل، پایین بودن فیصدی نیاز به

شفاخانه در سپیره و خاخی میدان می‌تواند نشان‌دهنده تمرکز بیشتر مردم بر خدمات صحتی اولیه یا عدم آگاهی کافی از اهمیت خدمات شفاخانه‌ای باشد.

از نگاه کلینیک‌های صحتی، بلند بودن سطح نیاز در ولسوالی‌های سپیره، خاخی میدان، صبری، تنی و باک بیانگر آن است که خدمات صحتی ابتدایی یا وجود ندارد و یا پاسخگوی نفوس محل نیست. این وضعیت می‌تواند باعث افزایش بیماری‌های قابل پیشگیری و مراجعه دیرهنگام مریضان به شفاخانه‌ها گردد. همچنان فیصدی بلند نیاز به کارکنان صحتی در ولسوالی‌هایی چون دوه‌منده، باک، خاخی میدان و اسمعیل خیل نشان می‌دهد که حتی در جاهایی که مراکز صحتی وجود دارد، کمبود داکتران، نرس‌ها، قابله‌ها و کارمندان صحتی زن، کیفیت و دسترسی خدمات را به شدت محدود ساخته است؛ موضوعی که به‌ویژه برای زنان، اطفال و مادران باردار پیامدهای جدی صحتی در پی دارد.

در بخش سایر خدمات صحتی، تنوع بالای نیازها از تجهیزات طبی، لابراتوار و امبولانس گرفته تا تیم‌های صحتی سیار، واکسیناسیون، ادویه‌جات و آگاهی‌دهی صحتی عامه — نشان می‌دهد که نظام صحتی موجود توان پاسخگویی همه‌جانبه را ندارد. تأکید مکرر بر تیم‌های صحتی سیار در ولسوالی‌های دوردست بیانگر پراکندگی جغرافیایی نفوس و دشواری دسترسی به مراکز ثابت صحتی است. همچنان درخواست خدمات نسایی ولادی، قابلگی و پیشگیری از مرگ‌ومیر مادران و اطفال نشان می‌دهد که صحت باروری یکی از چالش‌های اساسی جامعه می‌باشد. به‌طور کلی، گراف تأکید می‌کند که برای بهبود وضعیت صحت در ولایت خوست، یک رویکرد متوازن لازم است که همزمان بر توسعه زیربنای صحتی، افزایش نیروی بشری متخصص، تجهیز مراکز صحتی و گسترش خدمات سیار و وقایوی تمرکز داشته باشد.



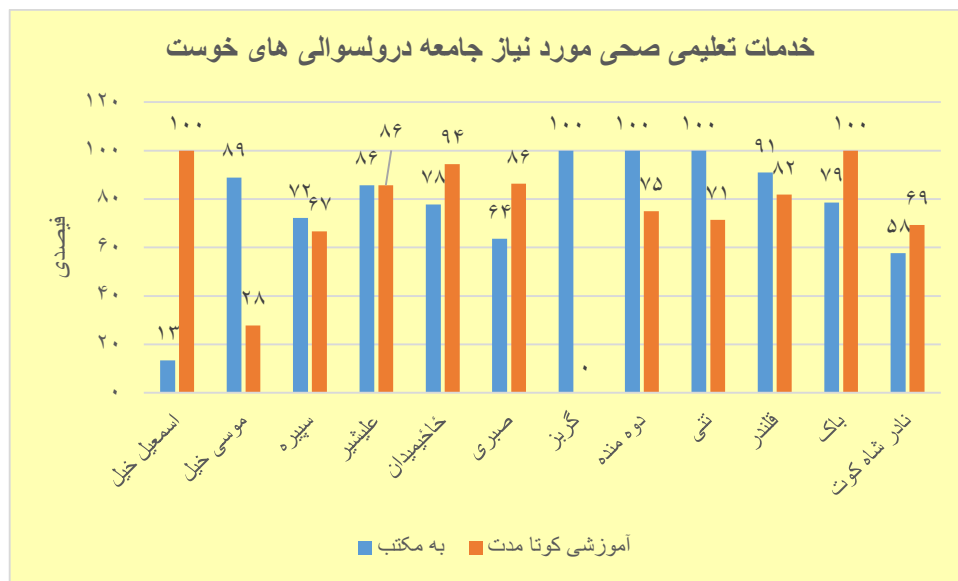
گراف 95: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های خوست

2.22.4. خدمات تعلیمی صحتی مورد نیاز جامعه خوست

گراف (96)، نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت خوست به‌گونه‌ی چشم‌گیر متفاوت است و نشان می‌دهد که سکتور معارف با چالش‌های جدی کمی و کیفی روبه‌رو می‌باشد. نیاز به مکتب در ولسوالی‌های گریز، دوه‌منده و تنی (۱۰۰٪) و همچنان قلندر (۹۱٪) و موسی خیل (۸۹٪) بسیار بلند است که بیانگر کمبود شدید مکاتب، به‌ویژه مکاتب متوسطه و لیسه، می‌باشد؛ در حالی که اسمعیل خیل با ۱۳٪ کمترین نیاز را در این بخش نشان می‌دهد. از نگاه آموزش‌های کوتاه‌مدت، اسمعیل خیل و باک (۱۰۰٪) و همچنان خاخی میدان (۹۴٪) بالاترین نیاز را دارند که نشان‌دهنده تقاضای جدی برای کورس‌های سوادآموزی، ارتقای ظرفیت معلمین و آموزش‌های مهارتی است، در حالی که گریز در این بخش هیچ نیازی گزارش نکرده است. در بخش سایر خدمات تعلیمی، تمرکز بیشتر ولسوالی‌ها بر اعمار و ترمیم تعمیر مکاتب، ارتقای سطح مکاتب به متوسطه و لیسه، تأمین معلمین مسلکی، ایجاد صنوف محلی و فراهم‌سازی زمینه آموزش برای دختران، به‌ویژه ایجاد مکاتب و لیسه‌های انائیه، می‌باشد که این امر نشان می‌دهد بهبود زیربنای، کیفیت تدریس و دسترسی عادلانه به آموزش، به‌خصوص برای جوانان، از اولویت‌های اساسی جامعه در ولایت خوست محسوب می‌گردد.

اگر به نیازهای یادشده در بخش خدمات تعلیمی رسیده‌گی مؤثر و دوامدار صورت گیرد، پیامدهای مثبت و گسترده‌ای در سطح فردی، اجتماعی و انکشافی در ولایت خوست به‌وجود خواهد آمد. با اعمار و ترمیم مکاتب، ارتقای مکاتب به سطوح متوسطه و لیسه و فراهم سازی معلمین مسلکی، دسترسی اطفال و نوجوانان به آموزش افزایش یافته و میزان ترک مکتب به‌گونه‌ی چشم‌گیر کاهش خواهد یافت. همچنان ایجاد صنوف محلی و آموزش‌های کوتاه‌مدت باعث می‌شود کودکانی که به دلایل اقتصادی، جغرافیایی یا اجتماعی از آموزش رسمی بازمانده‌اند، دوباره جذب نظام تعلیمی گردند.

از سوی دیگر، تمرکز بر آموزش‌های کوتاه‌مدت، کورس‌های سوادآموزی و ورکشاپ‌های ارتقای ظرفیت معلمین، کیفیت آموزش را بهبود بخشیده و سطح آگاهی جامعه را بلند می‌برد. در درازمدت، بهبود وضعیت معارف سبب پرورش نیروی بشری باسواد و مسلکی می‌گردد که می‌تواند در بخش‌های مختلف چون صحت، اقتصاد، اداره و انکشاف محلی سهم فعال بگیرد. به‌طور کلی، رسیدگی به این خدمات تعلیمی نه‌تنها سطح دانش و مهارت‌های فردی را بلند می‌برد، بلکه زمینه ثبات اجتماعی، کاهش فقر و تقویت توسعه پایدار در ولایت خوست را نیز فراهم خواهد ساخت.



گراف 96: خدمات تعلیمی صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست

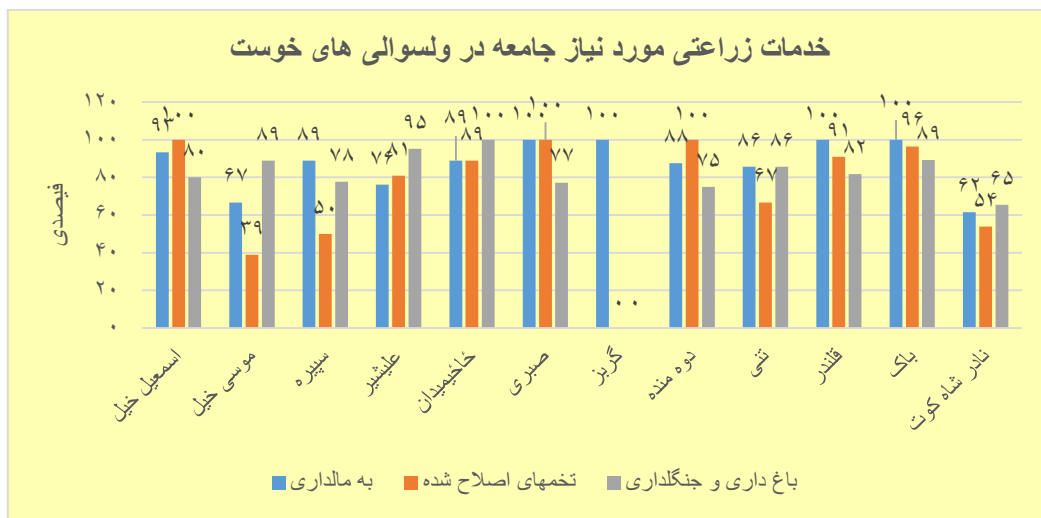
3.22.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه خوست

گراف (97)، نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت خوست به‌طور عموم بسیار بلند بوده و نشان می‌دهد که معیشت اکثریت مردم به زراعت و مالداری وابسته است. نیاز به خدمات مالداری در ولسوالی‌های صبری، گربز، قلندر و باک (۱۰۰٪) و همچنان اسماعیل خیل و سپیره بیش از ۸۹٪ بسیار برجسته است که کمبود خدمات حمایتی چون واکسین، کلینیک‌های حیوانی و تری‌های مالداری را آشکار می‌سازد. در بخش تخم‌های اصلاح‌شده، اسماعیل خیل، صبری و دوه‌منده (۱۰۰٪) و نیز باک و قلندر با فیصدی بلند قرار دارند که بیانگر ضرورت جدی افزایش حاصل‌دهی زمین‌های زراعتی می‌باشد، در حالی که گربز در این بخش هیچ نیازی را گزارش نکرده است. همچنان نیاز به باغداری و جنگلداری در ولسوالی‌های خاخی‌میدان (۱۰۰٪)، علیشیر (۹۵٪) و موسی خیل (۸۹٪) بسیار بالا است که نشان‌دهنده تمایل جامعه به تنوع محصولات زراعتی، حفظ محیط زیست و افزایش عواید از باغداری می‌باشد. در بخش سایر خدمات زراعتی، تمرکز اکثر ولسوالی‌ها بر اعمار و ترمیم کانال‌ها و سربندها، دیوارهای استنادی، خانه‌های سبز، توزیع و غرس نهال‌های مثمر، ایجاد کلینیک‌های حیوانی و پروژه‌های ذخیره آب زراعتی است که این امر بیانگر چالش‌های جدی در مدیریت آب، حفاظت زمین‌های زراعتی و کمبود تکنالوژی و خدمات تکنیکی در سکتور زراعت ولایت خوست می‌باشد.

اگر به خدمات زراعتی یادشده به‌گونه‌ی مؤثر، همه‌جانبه و دوامدار رسیده‌گی صورت گیرد، تغییرات مثبت و اساسی در وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم ولایت خوست به‌وجود خواهد آمد. با تقویت مالداری از طریق ایجاد کلینیک‌های حیوانی، واکسیناسیون، آموزش مالداران و فراهم سازی ادویه‌جات حیوانی، میزان تلفات مواشی کاهش یافته و تولیدات لبنی و گوشتی افزایش می‌یابد. توزیع تخم‌های اصلاح‌شده، ترویج خانه‌های سبز

و استفاده از ماشین‌آلات زراعتی سبب بلند رفتن حاصل‌دهی زمین‌ها، افزایش تولیدات زراعتی و بهبود امنیت غذایی خواهد شد. همچنان توسعه باغداری و جنگلداری، غرس نهال‌های مثمر و اعمار بندها، سربندها و کانال‌های آبیاری، مدیریت بهتر منابع آب را ممکن ساخته و از تخریب زمین‌ها جلوگیری می‌کند که در نهایت به افزایش عواید دهقانان، ایجاد فرصت‌های کاری محلی و کاهش فقر می‌انجامد.

در مقابل، اگر این وضعیت به همین حالت ادامه یابد و به نیازهای زراعتی رسیده‌گی صورت نگیرد، پیامدهای منفی و نگران‌کننده‌ای در پی خواهد داشت. تداوم کمبود خدمات مالدارانی باعث افزایش بیماری‌ها و تلفات مواشی شده و معیشت خانواده‌های دهقان به شدت آسیب می‌بیند. نبود تخم‌های اصلاح شده، تکنالوژی مناسب و زیرساخت‌های آبیاری منجر به کاهش حاصلات، ضیاع زمین‌های زراعتی و وابستگی بیشتر مردم به کمک‌های خارجی می‌گردد. همچنان عدم سرمایه‌گذاری در باغداری و جنگلداری سبب تخریب محیط زیست، فرسایش خاک و از بین رفتن منابع طبیعی می‌شود. در درازمدت، ادامه این وضعیت می‌تواند فقر، بیکاری، مهاجرت اجباری و ناامنی غذایی را تشدید نموده و روند توسعه پایدار و ثبات اجتماعی در ولایت خوست را به‌طور جدی با چالش مواجه سازد.



گراف 97: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست

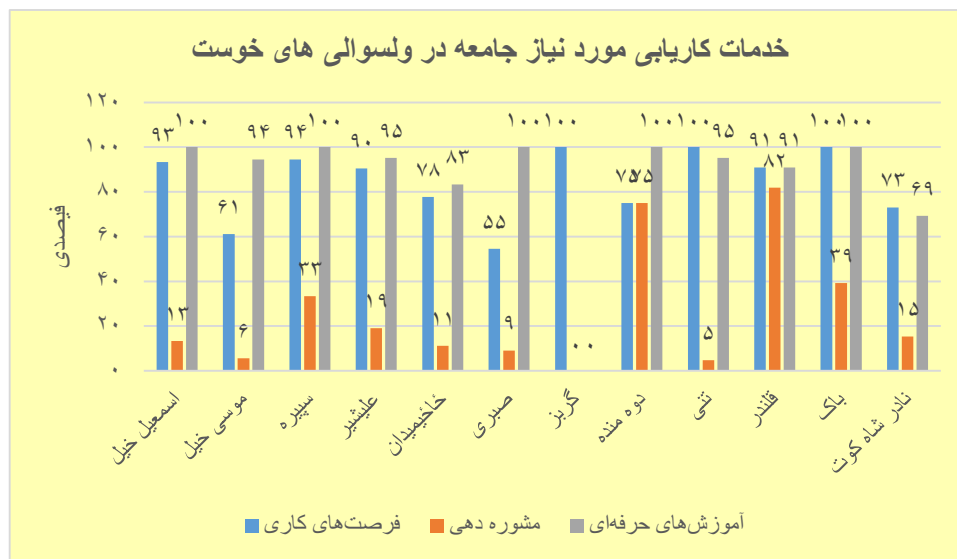
4.22.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه خوست

گراف (98)، نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت خوست بسیار بلند بوده و نشان می‌دهد که بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان، یکی از چالش‌های اساسی این ولایت می‌باشد. نیاز به فرصت‌های کاری در ولسوالی‌های گربز، تنی و باک (۱۰۰٪) و همچنان سپیره، اسمعیل خیل و قلندر بالاتر از ۹۰٪ است که بیانگر کمبود شدید شغل و وابستگی مردم به کارهای موسمی و غیرثبات می‌باشد. در بخش آموزش‌های حرفه‌ای نیز در اکثر ولسوالی‌ها سطح نیاز بسیار بلند است؛ به‌گونه‌ی مثال اسمعیل خیل، سپیره، صبری، دوه‌منده و باک (۱۰۰٪) که نشان می‌دهد جامعه خواهان کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای برای ورود به بازار کار است، در حالی که گربز در این بخش نیازی را گزارش نکرده است. در مقابل، فیصدی نیاز به مشوره‌دهی کاری در اکثر ولسوالی‌ها پایین است، به‌جز دوه‌منده (۷۵٪) و قلندر (۸۲٪) که نشان می‌دهد در این مناطق نبود راهنمایی شغلی و معلومات بازار کار یک خلای جدی محسوب می‌گردد. در بخش سایر خدمات کاربایی، تأکید عمده بر ایجاد پروژه‌های کوچک و بزرگ، فابریکه‌ها، حمایت از تجارت و فراهم‌سازی زمینه کار برای جوانان است که این امر بیانگر ضرورت سرمایه‌گذاری، انکشاف بخش خصوصی و ایجاد فرصت‌های کاری پایدار برای کاهش بیکاری و بهبود وضعیت اقتصادی مردم ولایت خوست می‌باشد.

اگر به خدمات کاربایی یادشده به‌گونه‌ی مؤثر و دوامدار رسیده‌گی صورت گیرد، پیامدهای بسیار مثبت اجتماعی و اقتصادی در ولایت خوست به‌وجود خواهد آمد. با ایجاد فرصت‌های کاری، پروژه‌های کوچک و بزرگ، فابریکه‌ها و حمایت از تجارت، سطح بیکاری به‌ویژه در میان جوانان کاهش یافته و عواید خانواده‌ها افزایش می‌یابد. فراهم‌سازی آموزش‌های حرفه‌ای و مهارتی باعث می‌شود نیروی کار محلی با نیازهای بازار کار هماهنگ گردد و جوانان بتوانند به‌جای وابستگی به کارهای موسمی یا مهاجرت، در داخل ولایت مصروف کار شوند. همچنان توسعه خدمات مشوره‌دهی کاری، به‌ویژه در ولسوالی‌هایی که نیاز بلند دارند، سبب هدایت درست جوانان به سمت مشاغل مناسب، کارآفرینی و استفاده بهتر از

ظرفیت‌های محلی می‌گردد. در مجموع، رسیدگی به این خدمات می‌تواند به کاهش فقر، افزایش ثبات اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت اقتصاد محلی و پایدار در ولایت خوست منجر شود.

در مقابل، اگر به این خدمات کارایی رسیده‌گی صورت نگیرد و وضعیت موجود ادامه یابد، پیامدهای منفی آن به‌طور جدی جامعه را متأثر خواهد ساخت. تداوم بیکاری سبب افزایش فقر، ناامیدی و نارضایتی اجتماعی، به‌ویژه در میان جوانان، می‌گردد و می‌تواند زمینه مهاجرت اجباری، کارهای غیرقانونی و آسیب‌های اجتماعی را فراهم سازد. نبود آموزش‌های حرفه‌ای باعث می‌شود نیروی کار فاقد مهارت باقی بماند و فرصت‌های اقتصادی احتمالی نیز از دست برود. همچنان عدم ایجاد پروژه‌ها و فرصت‌های کاری پایدار، اقتصاد محلی را ضعیف نگه داشته و وابستگی مردم به کمک‌های بیرونی را افزایش می‌دهد. در درازمدت، ادامه این وضعیت می‌تواند ثبات اجتماعی و روند توسعه و انکشاف پایدار در ولایت خوست را به‌گونه‌ی جدی با چالش مواجه سازد.



گراف 98: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست

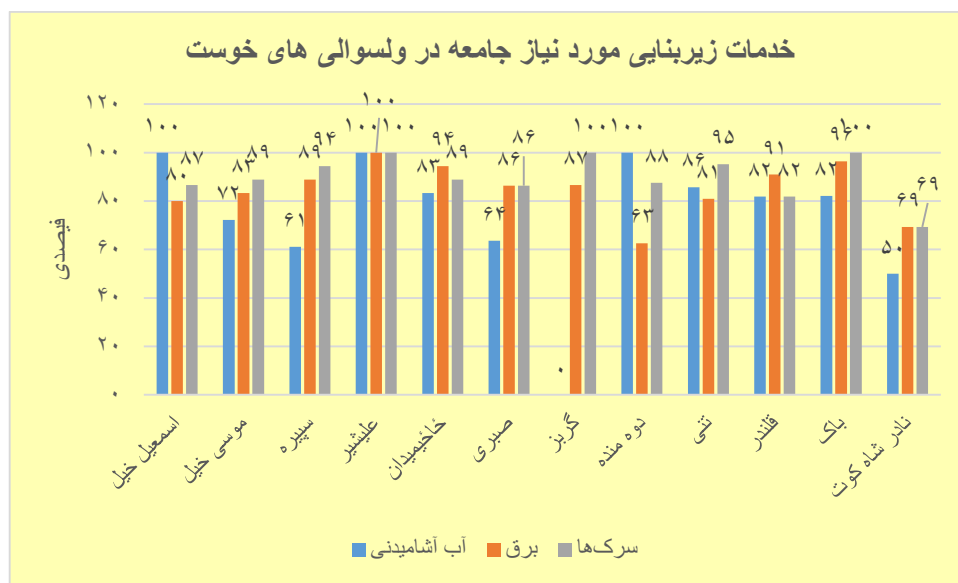
5.22.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه خوست

گراف (99)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت خوست به‌گونه‌ی بسیار بلند و گسترده دیده می‌شود که نشان‌دهنده کمبود جدی زیربنای اساسی زندگی است. نیاز به آب آشامیدنی صحتی در ولسوالی‌های اسماعیل خیل، علیشیر و دوه منده (۱۰۰٪) و همچنان تنی، قلندر و باک بالاتر از ۸۰٪ بسیار برجسته است که بیانگر دسترسی محدود مردم به منابع آب مصئون می‌باشد، در حالی که گریز در این بخش نیازی را گزارش نکرده است. در بخش برق، تقریباً تمام ولسوالی‌ها نیاز بلند (بیش از ۸۰٪) را نشان می‌دهند، به‌ویژه علیشیر (۱۰۰٪)، باک (۹۶٪) و خاخی میدان (۹۴٪) که کمبود شدید انرژی برق را بازتاب می‌دهد. همچنان نیاز به سرک‌ها در اکثر ولسوالی‌ها بسیار بالا است؛ گریز، علیشیر و باک (۱۰۰٪) و سپیره، تنی و صبری بالاتر از ۹۰٪ قرار دارند که بیانگر وضعیت نامناسب راه‌ها و دشواری دسترسی به بازارها و خدمات اساسی می‌باشد. در بخش سایر خدمات زیربنایی، تأکید اکثر ولسوالی‌ها بر اعمار و ترمیم سرک‌ها و پل‌ها، کانکریتریزی کوچه‌ها، ایجاد شبکه‌های آب و مخابراتی، اعمار بندها، کانال‌ها، دیوارهای استنادی و استفاده از برق سولری است که این امر نشان می‌دهد توسعه زیربنای نقش کلیدی در بهبود معیشت، دسترسی به خدمات و انکشاف متوازن ولسوالی‌های ولایت خوست دارد.

اگر به خدمات زیربنایی یادشده به‌گونه‌ی مؤثر، همه‌جانبه و پایدار رسیده‌گی صورت گیرد، تغییرات بنیادی و مثبت در زندگی روزمره مردم ولایت خوست به‌وجود خواهد آمد. دسترسی به آب آشامیدنی صحتی سبب کاهش امراض ناشی از آب آلوده، بهبود صحت عامه و کاهش مصارف صحتی خانواده‌ها می‌گردد. تأمین برق، به‌ویژه از منابع بدیل مانند سولر، زمینه رشد فعالیت‌های اقتصادی، توسعه صنایع کوچک، بهبود خدمات تعلیمی و صحتی و افزایش رفاه اجتماعی را فراهم می‌سازد. اعمار و ترمیم سرک‌ها، پل‌ها و کوچه‌ها، سهولت در رفت‌وآمد، دسترسی بهتر به بازارها، مکاتب، مراکز صحتی و ادارات دولتی را ممکن ساخته و انزوای جغرافیایی بسیاری از مناطق را از میان برمی‌دارد. همچنان تطبیق سایر پروژه‌های زیربنایی

مانند بندها، کانال‌ها، دیوارهای استنادی و شبکه‌های مخابراتی، باعث مدیریت بهتر آب، حفاظت از زمین‌ها، کاهش خطرات طبیعی و تقویت ارتباطات می‌شود که در مجموع به رشد اقتصادی، ایجاد فرصت‌های کاری و انکشاف متوازن ولسوالی‌ها می‌انجامد.

در مقابل، اگر به این خدمات زیربنایی رسیده‌گی صورت نگیرد و وضعیت موجود ادامه یابد، پیامدهای منفی آن به‌گونه‌ی گسترده دامنگیر جامعه خواهد شد. ادامه کمبود آب آشامیدنی صحتی سبب افزایش بیماری‌ها، به‌ویژه در میان اطفال و زنان، می‌گردد و فقر صحتی را تشدید می‌کند. نبود برق کافی رشد اقتصادی را محدود ساخته، فرصت‌های کاری را کاهش داده و کیفیت خدمات تعلیمی و صحتی را پایین می‌آورد. خرابی سرک‌ها و نبود پل‌ها رفت‌وآمد را دشوار ساخته و باعث افزایش هزینه‌های ترانسپورت، ضیاع محصولات زراعتی و انزوای اجتماعی و اقتصادی مناطق دوردست می‌شود. همچنان عدم رسیدگی به بندها، کانال‌ها و دیوارهای استنادی خطر سیلاب، تخریب زمین‌ها و خسارات مالی را افزایش می‌دهد. در درازمدت، ادامه این وضعیت می‌تواند فقر، مهاجرت اجباری، نابرابری‌های منطوقی و کندی روند توسعه پایدار در ولایت خوست را به‌گونه‌ی جدی تشدید نماید.



گراف 99: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های خوست

6.22.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه خوست

بر اساس گراف (100)، اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت خوست نشان‌دهنده تفاوت‌های جدی در نیازهای زیربنایی و خدمات عمومی است که با توجه به شرایط جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی هر ولسوالی شکل گرفته است.

۱. زیرساخت‌های راه‌ها و پل‌ها: واضح است که نیاز به سرک و پل در اکثر ولسوالی‌ها بالاترین اولویت را دارد. بیشترین درصدها در سپیره (۹۶٪) و موسی خیل (۸۶٪) مشاهده می‌شود، که نشان می‌دهد دسترسی به مراکز صحتی، تعلیمی و بازارها با مشکل مواجه است و مردم بیشتر از کمبود راه‌های مناسب رنج می‌برند. قلندر (۵۷٪)، نادر شاه کوت (۴۸٪)، تتی (۳۸٪) و باک (۴۰٪) نیز وضعیت مشابهی دارند، هرچند با درصد کمی پایین‌تر. این امر نشان می‌دهد که ارتقای راه‌ها و پل‌ها یک ضرورت حیاتی برای اتصال مناطق دوردست و تسهیل حمل‌ونقل کالا و خدمات است.

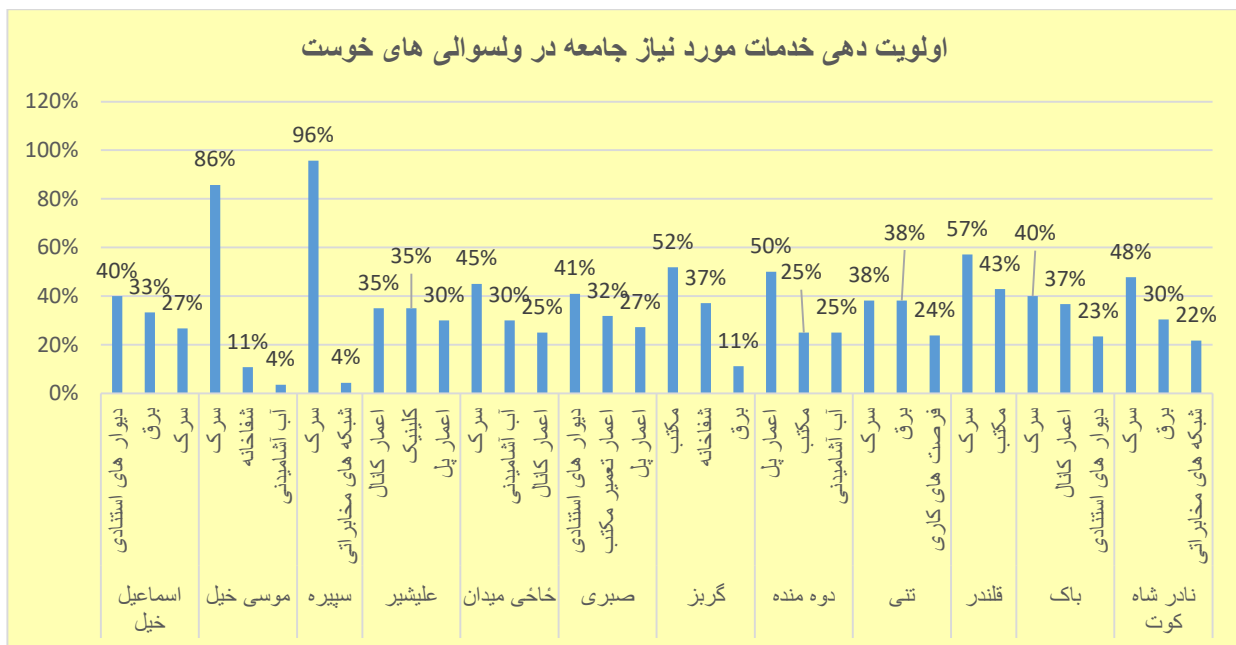
۲. آب آشامیدنی و برق: نیاز به آب آشامیدنی در دوه‌منده (۲۵٪)، خاچی میدان (۳۰٪) و موسی خیل (۴٪) نشان‌دهنده کمبود منابع آب صحتی در این ولسوالی‌هاست و اولویت‌های پایین در برخی مناطق، ممکن است به دلیل دسترسی نسبی بهتر یا کمبود آگاهی مردم باشد. برق در تتی و نادر شاه کوت (۳۸٪ و ۳۰٪) و موسی خیل و سپیره (۸۳٪-۸۹٪) اهمیت بالایی دارد و نشان‌دهنده محدودیت انرژی و تأثیر آن بر فعالیت‌های اقتصادی، تحصیلی و خدمات صحتی است.

۳. خدمات تعلیمی و صحتی: اعمار مکتب به ویژه در گربز (۵۲٪)، صدری (۳۲٪) و قلندر (۴۳٪) و شفاخانه در گربز (۳۷٪) و موسی خیل (۱۱٪) نشان می‌دهد که کمبود مراکز آموزشی و صحتی در برخی ولسوالی‌ها هنوز یک چالش جدی است و نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت برای افزایش

ظرفیت مکتب‌ها، لیسسه‌ها و شفاخانه‌ها وجود دارد. این اولویت‌ها همچنین نشان‌دهنده تمرکز مردم بر دسترسی به خدمات ابتدایی برای ارتقای سطح سواد و سلامت جامعه است.

۴. مدیریت منابع آب و حفاظت زمین: اعمار کانال‌ها و دیوارهای استنادی در علیشیر، صبری، باک و اسمعیل خیل (۲۳-۴۰٪) بیانگر اهمیت کنترل سیلاب‌ها، مدیریت آب و حفاظت زمین‌های زراعتی است. این پروژه‌ها نه تنها امنیت غذایی را افزایش می‌دهند، بلکه از خسارات ناشی از فرسایش خاک و تخریب زمین جلوگیری می‌کنند.

۵. شبکه‌های ارتباطی و خدمات نوین: شبکه‌های مخابراتی در سپیره و نادر شاه کوت (۴٪ و ۲۲٪) در اولویت پایین قرار دارند، اما اهمیت آن در ارتقای اطلاع‌رسانی، خدمات دیجیتال و آموزش آنلاین غیرقابل چشم‌پوشی است و می‌تواند تسهیل‌کننده توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد. به طور کل، گراف می‌دهد که اکثر اولویت‌ها به زیرساخت‌های حیاتی و خدمات پایه‌ای متمرکز است. سرک‌ها و پل‌ها بیشترین اولویت را دارند، پس از آن آب آشامیدنی، برق و مکتب‌ها در صدر قرار دارند و خدمات صحتی و شبکه‌های مخابراتی در بعضی مناطق اولویت‌های پایین‌تری دارند. این الگو نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه‌ای باید بر بهبود دسترسی، ارتقای زیرساخت‌ها و مدیریت منابع طبیعی و انسانی تمرکز کنند تا اثرگذاری بلندمدت در زندگی مردم ولایت خوست حاصل شود.



گراف 100: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های خوست

23.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت زابل

در این سروری، نیازهای اساسی جامعه در ولسوالی‌های مختلف ولایت زابل در پنج بخش مهم صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که مردم زابل با مشکلات گسترده و مشترک در دسترسی به خدمات ابتدایی زندگی روبه‌رو اند. در بخش صحتی، کمبود مراکز صحتی، کارکنان صحتی، ادویه‌جات و تجهیزات تشخیصی، به‌ویژه در ولسوالی‌های دورافتاده، سلامت مردم را به شدت متأثر ساخته است. در بخش تعلیمی، نیاز بلند به مکاتب، معلمین مسلکی، کتاب‌های درسی و امکانات آموزشی بیانگر ضعف زیربنای و کیفیت آموزش است. در بخش زراعتی، وابستگی معیشت مردم به زراعت و مالداری در کنار نبود خدمات حمایتی، مانند تخم‌های اصلاح‌شده، کلینیک‌های حیوانی، سیستم‌های آبیاری و مراکز پروسس، باعث کاهش تولید و درآمد شده است. همچنان، در بخش کاریابی، بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی، به‌ویژه برای جوانان، یکی از چالش‌های جدی اجتماعی بوده و نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای، ایجاد تجارت‌های کوچک و حمایت دولتی را برجسته می‌سازد. در نهایت، بخش زیربنایی نشان می‌دهد که کمبود آب آشامیدنی، سرک‌های معیاری، برق و سایر تأسیسات عامه، زندگی روزمره مردم و دسترسی آنان به خدمات اساسی را به شدت محدود کرده است.

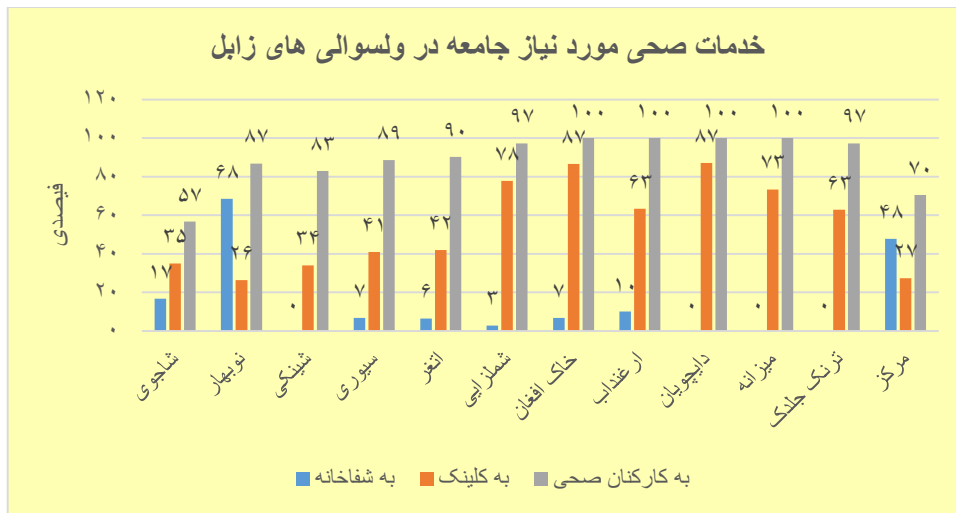
بر اساس معلومات ارائه شده، مجموعاً حدود ۳۹۵'۲۷۵ نفر در ولسوالی‌های مختلف ولایت زابل به این خدمات اساسی نیازمند می‌باشند که این رقم نشان‌دهنده وسعت مشکلات و ضرورت اقدامات همه‌جانبه، متوازن و عاجل برای بهبود وضعیت زندگی مردم این ولایت است.

1.23.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه زابل

در گراف (101)، نیاز به خدمات صحی در ولسوالی‌های ولایت زابل بیشتر در بخش کارکنان صحی متمرکز است تا صرفاً اعمار شفاخانه‌ها. در بخش نیاز به شفاخانه، تنها نوبهار با ۶۸٪ و مرکز با ۴۸٪ در سطح نسبتاً بلند قرار دارند، در حالی که شاجوی ۱۷٪، سیوری ۷٪، اتغر ۶٪، شملزایی ۳٪، خاک افغان ۷٪ و ارغنداب ۱۰٪ نیاز پایین را نشان می‌دهند و در شینکی، دایچوپان، میزانه و ترنک جلدک صفر درصد ثبت شده که بیانگر موجودیت نسبی یا دسترسی قابل قبول به شفاخانه در این ولسوالی‌ها است. اما در بخش کلینیک‌ها وضعیت متفاوت است؛ خاک افغان و دایچوپان هر دو ۸۷٪، شملزایی ۷۸٪، میزانه ۷۳٪ و ارغنداب و ترنک جلدک هرکدام ۶۳٪ نیاز دارند که نشان می‌دهد خدمات صحی سطح اول در بسیاری از ولسوالی‌ها کافی نیست، در حالی که مرکز (۲۷٪) و نوبهار (۲۶٪) نیاز پایین‌تری دارند. بلندترین و نگران‌کننده‌ترین ارقام مربوط به نیاز به کارکنان صحی است؛ خاک افغان، ارغنداب، دایچوپان و میزانه هرکدام ۱۰۰٪، شملزایی و ترنک جلدک ۹۷٪، اتغر ۹۰٪، سیوری ۸۹٪ و نوبهار ۸۷٪ را نشان می‌دهند، حتی مرکز نیز با ۷۰٪ نیاز بالا مواجه است. این الگو نشان می‌دهد که چالش اصلی سیستم صحی در زابل کمبود نیروی انسانی متخصص (به‌ویژه داکتران اناث)، نه صرفاً ساختمان‌های صحی است. در بخش سایر خدمات نیز تکرار نیاز به بانک خون، لابراتوار مجهز، بسترخانه، ادویه‌جات، التراسوند، امبولانس، آکسیجن و تیم‌های سیار نشان می‌دهد که خدمات تشخیصی، مراقبت‌های عاجل و صحی مادر و کودک با کمبود جدی روبه‌رو اند. به طور کلی، اگرچه در برخی ولسوالی‌ها زیرساخت شفاخانه‌ای تا حدی موجود است، اما کمبود کادر صحی، تجهیزات تخصصی و خدمات تکمیلی باعث شده است که تقویت منابع بشری و تجهیز مراکز موجود نسبت به اعمار شفاخانه‌های جدید، اولویت فوری‌تری در ولایت زابل محسوب شود.

از دید تجهیزات و خدمات تخصصی، تکرار نیازهایی مانند بانک خون، لابراتوار مجهز، عملیات‌خانه، التراسوند، اکسیجن و امبولانس در تقریباً همه ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که حتی خدمات تشخیصی و تداوی ابتدایی نیز به شکل پایدار فراهم نیست. نبود بانک خون و تجهیزات جراحی در ولسوالی‌های دورافتاده خطر مرگ‌ومیر مادران، اطفال و بیماران عاجل را به‌طور چشمگیر افزایش می‌دهد. همچنان تأکید گسترده بر ادویه‌جات و تخفیف در قیمت آن‌ها بیانگر فشار اقتصادی بر خانواده‌ها و ناتوانی مردم در تأمین هزینه‌های تداوی است.

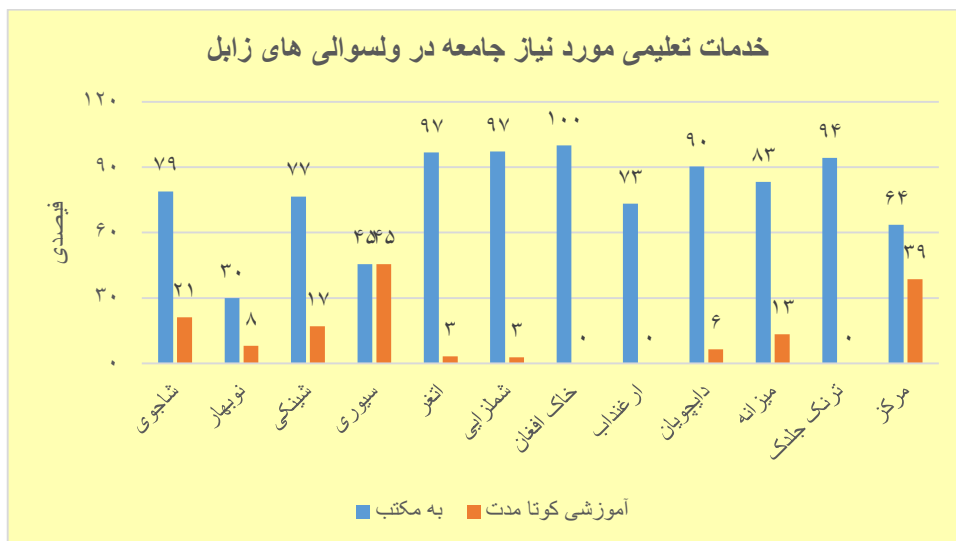
از منظر پیشگیری و آگاهی‌دهی صحی، نیاز گسترده به واکسین اطفال، سیمینارهای حفظ‌الصحه و آگاهی‌دهی عامه نشان می‌دهد که نظام صحی بیشتر واکنشی است تا پیشگیرانه؛ در حالی که تقویت خدمات پیشگیرانه می‌تواند بار بیماری‌ها را در سطح جامعه کاهش دهد. در نهایت، این جدول به‌روشنی بیان می‌کند که توسعه خدمات صحی در ولایت زابل باید به صورت متوازن، ولسوالی‌محور و پایدار انجام شود؛ به‌گونه‌ای که هم‌زمان بر اعمار و تجهیز مراکز صحی، جذب و نگهداشت نیروی انسانی، تقویت خدمات تشخیصی و گسترش برنامه‌های پیشگیرانه تمرکز شود، در غیر آن شکاف صحی میان مرکز و ولسوالی‌های دوردست همچنان عمیق‌تر خواهد شد.



گراف 101: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل

2.23.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه زابل

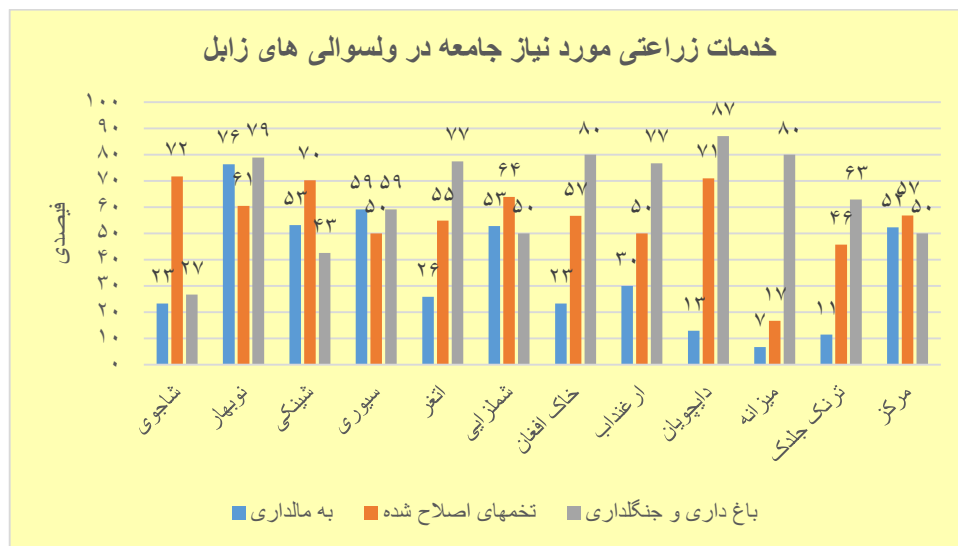
بر اساس (102)، نیازسنجی خدمات تعلیمی در ولسوالی های مختلف ولایت زابل، روشن می گردد که نیاز جامعه به مکتب در تمام ولسوالی ها بسیار بلند است؛ به ویژه در خاک افغان (۱۰۰٪)، اتغر و شملزایی (۹۷٪)، ترنک جلدک (۹۴٪) و دایچویان (۹۰٪) که بیانگر کمبود جدی دسترسی به مکاتب و زیربنای تعلیمی می باشد. در مقابل، نیاز به آموزش های کوتاه مدت به صورت محدودتر گزارش شده و عمدتاً در سیوری (۴۵٪) و مرکز (۳۹٪) برجسته است که نشان می دهد تمرکز اصلی مردم بر آموزش رسمی مکتب محور است. بخش « سایر خدمات تعلیمی » نشان می دهد که مشکلات تعلیمی تنها به نبود مکتب خلاصه نمی شود، بلکه کمبود معلمین مسلکی، کتاب های درسی، قرطاسیه، لابراتوارهای آموزشی، کمپیوتر، دارالمعلمین، میدان های ورزشی و امکانات عملی آموزشی در تمام ولسوالی ها مشترک است. همچنان تأکید مکرر بر اعمار و ترمیم مکاتب نشان می دهد که بسیاری از تأسیسات تعلیمی یا وجود ندارد یا فرسوده و غیرمعیاری است. در مجموع، این جدول بیانگر آن است که نظام تعلیم و تربیه در ولایت زابل با چالش های ساختاری، کمبود منابع بشری و ضعف امکانات آموزشی مواجه بوده و نیازمند مداخله همه جانبه و متوازن برای بهبود کیفیت و دسترسی عادلانه به خدمات تعلیمی در سطح تمام ولسوالی ها می باشد.



گراف 102: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل

3.23.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه زابل

بر اساس گراف (103)، نیازسنجی خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت زابل، روشن می‌شود که ساختار معیشت زراعت‌محور مردم با کمبودهای جدی خدمات حمایتی مواجه است. نیاز به مالرداری در ولسوالی‌هایی چون نوبهار (۷۶٪)، سیوری (۵۹٪) و شینکی و شملزایی (۵۳٪) بلند گزارش شده که وابستگی گسترده خانواده‌ها به پرورش مواشی و در عین حال کمبود خدمات و تترنری را نشان می‌دهد، در حالی که در دایچویان، میزانه و ترنک جلدک این نیاز پایین‌تر بوده اما همچنان قابل توجه است. نیاز به تخم‌های اصلاح شده در تقریباً همه ولسوالی‌ها بالا است و در شاجوی (۷۲٪)، شینکی (۷۰٪) و دایچویان (۷۱٪) برجستگی خاص دارد که بیانگر ضعف دسترس دهقانان به نهاده‌های معیاری و کاهش حاصل‌دهی محصولات زراعتی می‌باشد. همچنان، باغداری و جنگلداری در بسیاری از ولسوالی‌ها به‌ویژه دایچویان (۸۷٪)، خاک افغان (۸۰٪)، نوبهار و میزانه (۷۹-۸۰٪) از اولویت‌های اساسی است که نشان‌دهنده ظرفیت بلند اما استفاده‌نشده در بخش باغداری و حفاظت منابع طبیعی می‌باشد. بخش «سایر خدمات زراعتی» تصویر جامع‌تری از نیازها ارائه می‌کند؛ به‌گونه‌ای که تکرار نیاز به کلینیک‌های حیوانی و نباتی، و تترنران مسلکی، کود و ادویه‌جات زراعتی، سیستم‌های آبیاری قطره‌ای، سردخانه‌ها، مراکز پروسس و بسته‌بندی میوه‌جات، لابراتوارهای تشخیص امراض و تست خاک، و ایجاد مارکیت برای محصولات زراعتی نشان می‌دهد که مشکل اصلی تنها تولید نیست، بلکه زنجیره کامل ارزش زراعتی از تولید تا بازار به‌درستی شکل نگرفته است. در مجموع، این جدول بیانگر آن است که توسعه زراعت در ولایت زابل مستلزم یک رویکرد همه‌جانبه است که هم‌زمان بر بهبود نهاده‌های تولید، مدیریت آب، خدمات تخنیکی و و تترنری، پروسس و بازاریابی محصولات تمرکز داشته باشد تا معیشت دهقانان و مالداران به‌گونه پایدار تقویت گردد.

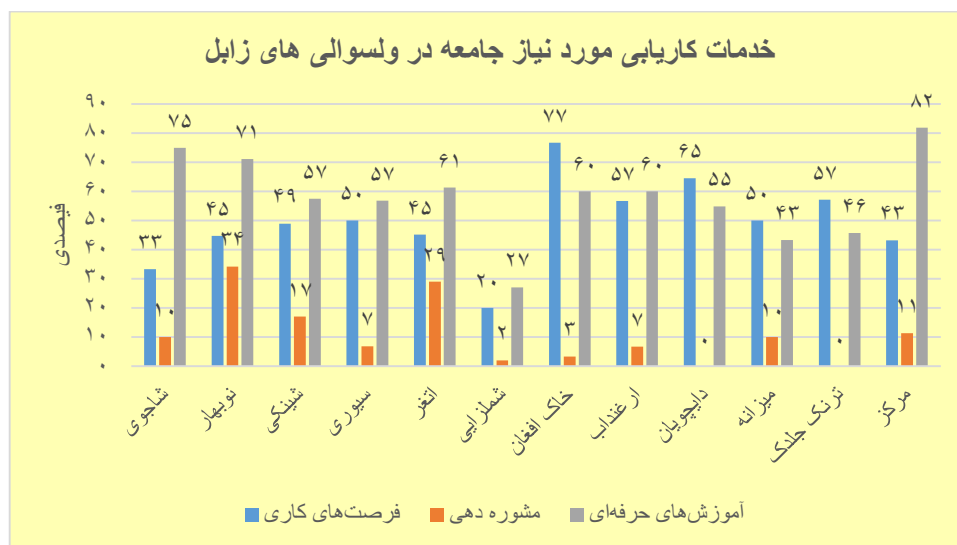


گراف 103: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های زابل

4.23.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه زابل

بر اساس گراف (104)، نیازسنجی خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت زابل، روشن می‌شود که بیکاری به‌ویژه در میان جوانان یکی از چالش‌های اساسی اجتماعی-اقتصادی این ولایت است. نیاز به فرصت‌های کاری در اکثر ولسوالی‌ها در سطح متوسط تا بلند گزارش شده و در خاک افغان (۷۷٪)، دایچویان (۶۵٪)، ارغنداب (۵۷٪) و ترنک جلدک (۵۷٪) برجسته‌تر است که نشان‌دهنده کمبود شدید بازار کار محلی می‌باشد. در مقابل، نیاز به مشوره‌دهی کاری در بیشتر ولسوالی‌ها پایین است و در برخی مانند دایچویان و ترنک جلدک صفر گزارش شده که بیانگر آگاهی محدود جامعه از نقش خدمات مشورتی و یا نبود چنین خدماتی است. بیشترین تقاضا مربوط به آموزش‌های حرفه‌ای است که در تمام ولسوالی‌ها بسیار بالا بوده و در مرکز (۸۲٪)، شاجوی (۷۵٪) و نوبهار (۷۱٪) به اوج می‌رسد؛ این امر نشان می‌دهد که مردم، به‌ویژه جوانان، آموزش مهارت‌محور را کلید اصلی دستیابی به کار می‌دانند. بخش «سایر خدمات کاربایی» نیز نشان می‌دهد که خواست مشترک مردم ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی، حمایت دولت از تجارت‌های کوچک و بزرگ، فراهم‌سازی قرضه‌های کوتاه‌مدت و دوام‌دار، و ایجاد زمینه کار پایدار برای جوانان است. در مجموع، گراف بیانگر آن است که حل معضل بیکاری در ولایت زابل مستلزم یک رویکرد یکپارچه است که هم‌زمان

بر توسعه مهارت‌های فنی، حمایت مالی از ابتکارات محلی، گسترش صنایع کوچک و متوسط و نقش آفرینی فعال دولت در ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار تمرکز داشته باشد.

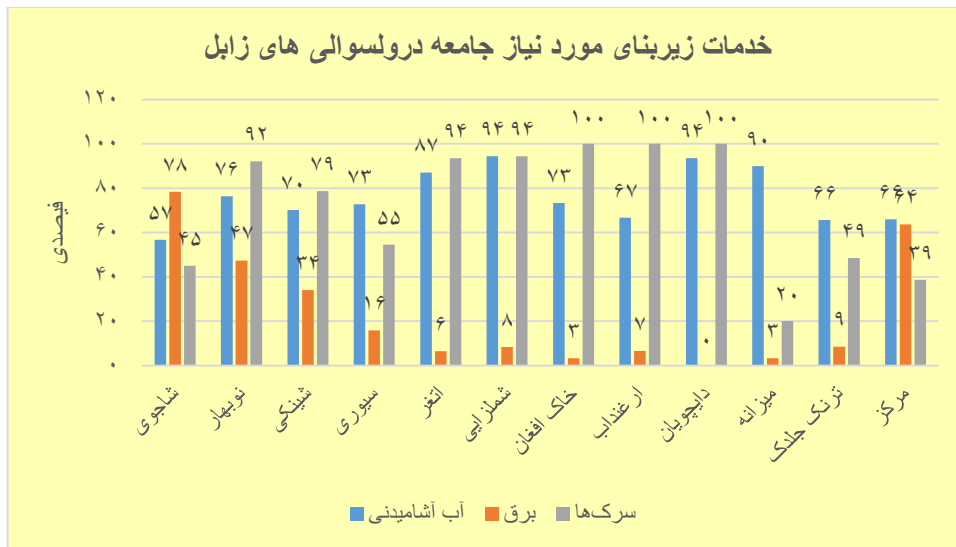


گراف 104: خدمات کارایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل

5.23.4. خدمات زیربنای مورد نیاز جامعه زابل

بر اساس ارقام گراف (105)، نیاز به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های ولایت زابل به‌گونه گسترده و چندبُعدی مطرح است، اما شدت آن در بخش‌های مختلف تفاوت دارد. در بخش آب آشامیدنی، تقریباً تمام ولسوالی‌ها با نیاز بلند مواجه‌اند؛ شملزایی و دایچوپان هر دو با ۹۴٪، میزانه با ۹۰٪ و اتغر با ۸۷٪ در بالاترین سطح قرار دارند، در حالی که سایر ولسوالی‌ها نیز بین ۵۷ تا ۷۶ درصد نیاز را نشان می‌دهند که بیانگر کمبود عمومی منابع و سیستم‌های ذخیره و توزیع آب صحتی در سراسر ولایت است. در بخش برق، وضعیت متفاوت است؛ شاجوی با ۷۸٪ و مرکز با ۶۴٪ بیشترین نیاز را دارند، اما در بسیاری ولسوالی‌ها مانند اتغر (۶٪)، شملزایی (۸٪)، خاک افغان (۳٪)، ارغنداب (۷٪)، دایچوپان (۰٪) و میزانه (۳٪) نیاز پایین یا صفر ثبت شده که نشان‌دهنده موجودیت نسبی یا دسترسی بهتر به برق (احتمالاً از منابع سولری یا بادی) در این مناطق است. در زمینه سرک‌ها، مشکل بسیار جدی‌تر است؛ خاک افغان، ارغنداب و دایچوپان هر سه ۱۰۰٪، اتغر و شملزایی ۹۴٪ و نوبهار ۹۲٪ نیاز دارند که نشان می‌دهد ضعف شبکه‌های مواصلاتی یکی از اساسی‌ترین چالش‌های زیربنایی ولایت است، در حالی که میزانه با ۲۰٪ و مرکز با ۳۹٪ نیاز پایین‌تر دارند که بیانگر وضعیت نسبتاً بهتر راه‌ها در این مناطق است. در بخش سایر خدمات نیز تکرار نیاز به تانک‌های آب آشامیدنی، پل و پلیچک‌ها، کانکریت‌ریزی کوچه‌ها، حفر چاه‌های عمیق، بندهای آب و سیستم‌های برق سولری و بادی نشان می‌دهد که تمرکز جامعه بیشتر بر بهبود دسترسی محلی، مدیریت منابع آب و تقویت زیرساخت‌های کوچک اما حیاتی است. به طور کلی، اگرچه در برخی ولسوالی‌ها دسترسی به برق تا حدی فراهم شده، اما کمبود آب آشامیدنی صحتی و سرک‌های معیاری همچنان چالش اساسی و اولویت اول زیربنایی در اکثر ولسوالی‌های ولایت زابل محسوب می‌شود.

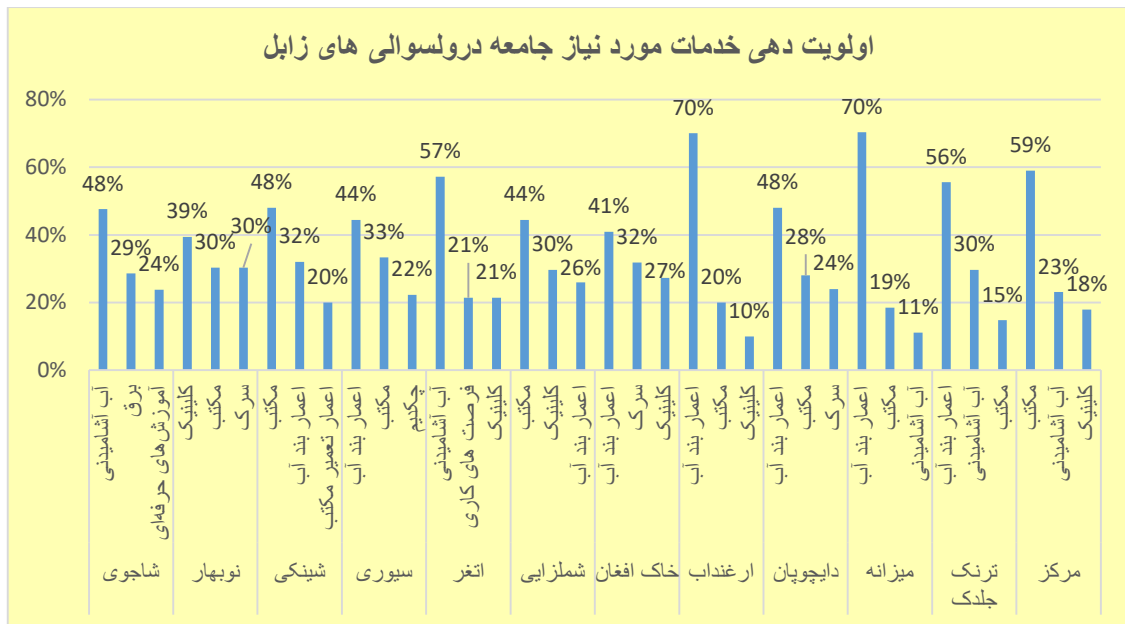
اگر به خدمات یادشده رسیده‌گی مؤثر و همه‌جانبه صورت گیرد، می‌تواند تغییرات مثبت و پایدار در زندگی مردم ولایت زابل به‌وجود آورد. بهبود خدمات صحتی باعث کاهش مرگ‌ومیر، افزایش سلامت مادران و اطفال و بلند رفتن سطح آگاهی صحتی خواهد شد. تقویت بخش تعلیمی زمینه دسترسی کودکان و جوانان به آموزش معیاری را فراهم نموده و در درآمدت نیروی انسانی سالم و آگاه را به جامعه تقدیم می‌کند. رسیدگی به خدمات زراعتی و مالداری موجب افزایش تولید، بهبود معیشت دهقانان و تقویت اقتصاد محلی می‌گردد. همچنان، توسعه خدمات کارایی و آموزش‌های حرفه‌ای می‌تواند بیکاری، فقر و مشکلات اجتماعی را به‌گونه چشم‌گیر کاهش دهد. در کنار آن، سرمایه‌گذاری در خدمات زیربنایی مانند آب آشامیدنی، سرک و برق، دسترسی مردم به سایر خدمات اساسی را آسان ساخته و زمینه رشد و انکشاف متوازن ولسوالی‌ها را فراهم می‌سازد. در مجموع، رسیدگی جدی به این نیازها نه تنها کیفیت زندگی مردم را بهبود می‌بخشد، بلکه ثبات اجتماعی و توسعه پایدار در ولایت زابل را نیز تضمین خواهد کرد.



گراف 105: خدمات زیربنای مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل

6.23.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه زابل

بر اساس گراف (106)، دیده می شود که نیازهای حیاتی هر ولسوالی متفاوت و مبتنی بر کمبودهای اصلی آن منطقه است. در شاجوی و اتغر، آب آشامیدنی با بیشترین درصد اولویت (۴۸%-۵۷) در رأس قرار دارد که نشان می دهد دسترسی به آب صحتی بزرگترین دغدغه مردم این مناطق است. در نوبهار، کلینیکها و خدمات صحتی با ۳۹% بالاترین اولویت را دارند و پس از آن مکتب و سرکها با ۳۰% اهمیت یافته اند، که بیانگر ضرورت همزمان ارتقای سلامت و آموزش است. در بسیاری از ولسوالی های مرکزی و دورافتاده مانند شینگی، شملزایی و مرکز، مکتب و آموزش بالاترین اولویت را دارند (۴۴%-۵۹)، که نشان دهنده اهمیت دسترسی کودکان به آموزش معیاری و توسعه نیروی انسانی آینده است. همچنین، اعمار بند آب به عنوان یکی از خدمات زیربنایی در ولسوالی های ارغنداب، دایچویان، میزانه و ترنک جلدک با درصدهای بسیار بالا (۴۸%-۷۰) اولویت اصلی مردم است، زیرا تامین آب برای آشامیدن، زراعت و مالداری، زندگی روزمره و اقتصاد محلی را مستقیماً تحت تاثیر قرار می دهد. در کنار آن، خدماتی مانند کلینیکها، برق، سرک و فرصت های کاری درصدهای پایین تر اما هنوز قابل توجهی دارند و نشان می دهند که نیازها در سطح محلی چندبعدی و به هم پیوسته است. در مجموع، تحلیل گراف نشان می دهد که اولویت دهی خدمات در هر ولسوالی بازتاب دهنده نیازهای فوری مردم و وضعیت موجود زیر ساختها و منابع است؛ به گونه ای که آب و آموزش در بیشتر ولسوالی ها و بندهای آب در ولسوالی های دورافتاده محور اولویتها را تشکیل می دهند و سایر خدمات حمایتی تکمیل کننده این نیازهای اساسی هستند.



گراف 106: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های زابل

24.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت سرپل

ولسوالی های ولایت سرپل با توجه به پراکندگی جمعیت و ویژگی های جغرافیایی و اقتصادی، نیازهای متفاوت و متنوعی در حوزه های خدمات صحتی، آموزشی، زراعتی، کاریابی و زیرساختی دارند. تحلیل داده ها نشان می دهد که خدمات صحتی در ولسوالی هایی مانند سیدآباد و گوسفندی با درصدهای بالای نیاز به شفاخانه ها و کلینیک ها، و بخش هایی مانند سیاد و الفتج با نیاز زیاد به کارکنان صحتی، اهمیت ویژه ای دارد و تامین تجهیزات تخصصی مانند آمبولانس، لابراتوار و فابریکه ادویه در برخی مناطق ضروری است. در حوزه تعلیمی، بیشترین نیاز به مکتب ها در الجهاد و کوهستانات و به کورس های سوادآموزی در بلخاب و البدر مشاهده می شود، که نشان دهنده اولویت سوادآموزی و تقویت زیرساخت ها و منابع انسانی آموزشی است. خدمات زراعتی نیز نیاز گسترده ای دارد، به ویژه در البدر، الجهاد و کوهستانات که درصدهای بالایی برای مالداری، تخم های اصلاح شده و باغداری گزارش شده است و برخی ولسوالی ها علاوه بر آن به تجهیزات تخصصی، ذخیره آب و ماشین آلات زراعتی نیاز دارند. در حوزه کاریابی، آموزش های حرفه ای بیشترین تقاضا را در همه ولسوالی ها داشته و البدر و الفتج نیاز بالایی به فرست های کاری دارند، در حالی که الجهاد و سانچارک به مشوره دهی و ایجاد فرصت های محلی توجه بیشتری دارند. در نهایت، خدمات زیرساختی همچون آب آشامیدنی، برق و سرک ها، بیشترین نیاز را در سیاد، البدر و الجهاد دارند و سایر خدمات زیربنایی مانند اعمار بند آبگردان، پل ها، شبکه مخابراتی و سیستم فاضلاب نیز در برخی ولسوالی ها اهمیت دارد.

با در نظر گرفتن جمعیت نیازمند در هر ولسوالی، واضح است که نیاز به خدمات در مناطقی با جمعیت بیشتر مانند البدر (۸۸۹۰۰ نفر)، سیاد (۷۷۹۰۰ نفر) و سانچارک (۷۲۱۰۰ نفر) از اهمیت بالاتری برخوردار است و برنامه ریزی باید متناسب با این جمعیت انجام شود، در حالی که ولسوالی هایی با جمعیت کمتر مانند سیدآباد (۶۵۰۰ نفر) و بلخاب (۲۳۹۳۲ نفر) نیازهای محدودتری دارند ولی نیازهای خاص و منطقه ای آنها نیز باید پوشش داده شود. به طور کلی، برای تحقق عدالت و توسعه متوازن، تخصیص منابع باید همزمان با شدت نیاز در هر حوزه خدماتی و تعداد جمعیت نیازمند هماهنگ باشد.

1.24.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه سرپل

بر اساس گراف (107)، نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی های سرپل تفاوت های قابل توجهی دارد و شدت این نیاز با درصدها به خوبی قابل سنجش است. در بخش دسترسی به شفاخانه ها، بیشترین نیاز در سیدآباد (۸۰٪) و گوسفندی (۶۷٪) مشاهده می شود، که نشان دهنده کمبود شدید امکانات درمانی و اهمیت دسترسی به خدمات بیمارستانی در این ولسوالی هاست، در حالی که سیاد (۰٪) کمترین نیاز را دارد که ممکن است

ناشی از جمعیت پایین، دسترسی نسبی به مراکز نزدیک یا کمبود داده باشد. در حوزه کلینیک‌ها، نیازها در اکثر ولسوالی‌ها بالا است و بالاترین درصد در البدر (۶۳٪) و سانچارک (۵۸٪) ثبت شده است، در حالی که بلخاب (۲۰٪) و سیاد (۲۷٪) پایین‌ترین نیاز را دارند. این نشان می‌دهد که کلینیک‌ها در مناطقی که بیمارستان‌ها کم هستند، نقش حیاتی دارند.

در زمینه دسترسی به کارکنان صحت، الگوی متفاوتی مشاهده می‌شود: سیاد (۵۵٪) و الفتج (۵۰٪) بیشترین نیاز را دارند، در حالی که سیدآباد (۰٪) و بلخاب (۰٪) هیچ نیازی ثبت نکرده‌اند، که احتمالاً به دلیل کمبود جمعیت یا تمرکز نیاز بر تجهیزات و مراکز درمانی است. در بخش سایر خدمات صحتی نیز نیازها مشخص و منطقه‌ای هستند. البدر به فابریکه ادویه نیاز دارد، سیاد به اعمار تعمیر کلینیک و واکسیناتور، سانچارک به آمبولانس و الجهاد و بلخاب به تجهیزات و ماشین‌آلات پزشکی و سیستم‌های خدماتی نیاز دارند. این نشان می‌دهد که برخی ولسوالی‌ها علاوه بر زیرساخت‌های درمانی و پرسنل، به تجهیزات تخصصی و خدمات تکمیلی پزشکی نیز نیاز شدید دارند.

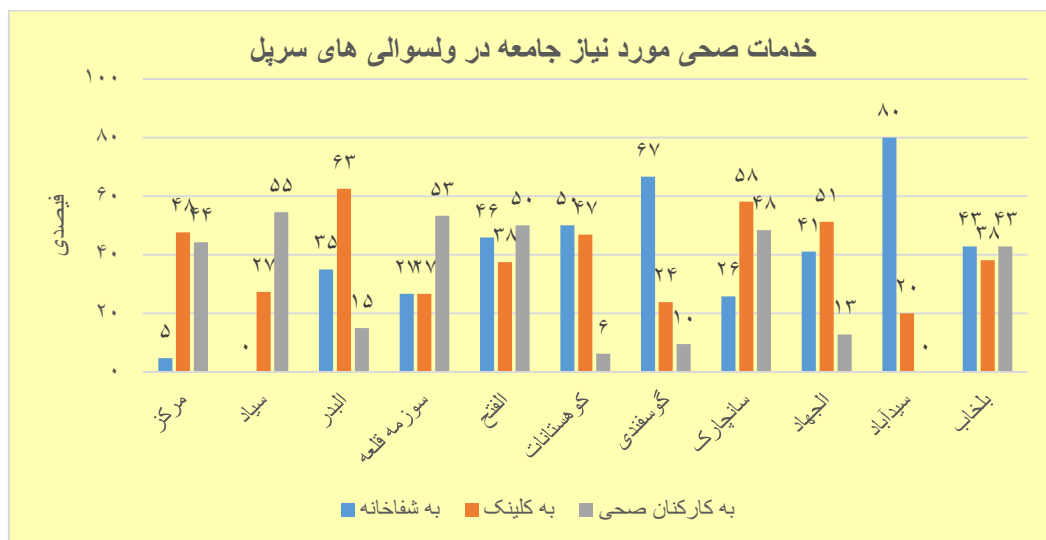
به طور کلی، با مقایسه درصدها می‌توان نتیجه گرفت که:

سیدآباد و گوسفندی بیشترین نیاز به خدمات بیمارستانی دارند.

البدر و سانچارک نیاز بیشتری به کلینیک‌ها و تجهیزات تکمیلی دارند.

سیاد و الفتج نیاز بالایی به پرسنل صحتی دارند.

بنابراین، برنامه‌ریزی صحتی باید منطقه‌ای و مبتنی بر شدت نیاز هر ولسوالی باشد؛ به طوری که علاوه بر مراکز درمانی و کارکنان، تأمین تجهیزات، واکسیناسیون و خدمات تکمیلی پزشکی نیز در نظر گرفته شود.



گراف 107: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های سرپل

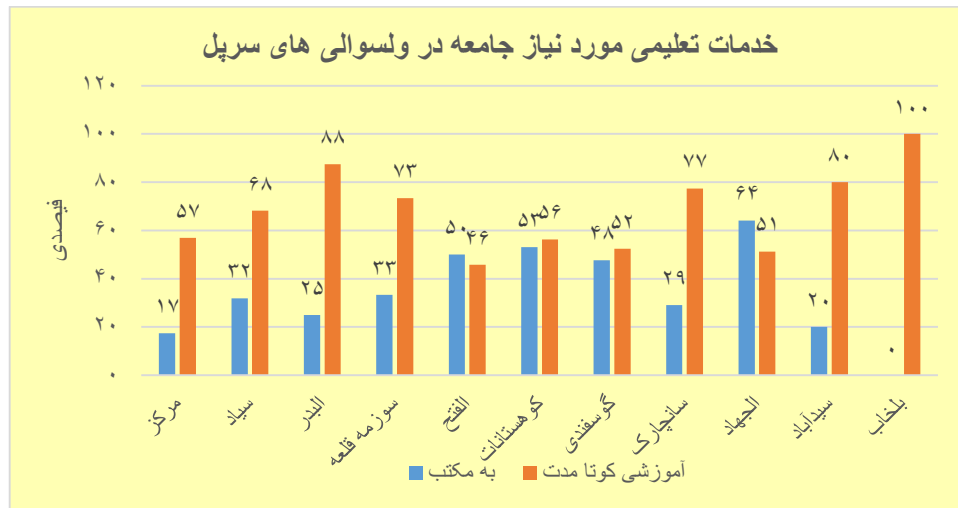
2.24.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه سرپل

بر اساس گراف (108)، نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های ولایت سرپل تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در بخش دسترسی به مکتب‌ها، بالاترین نیاز در ولسوالی الجهاد (۶۴٪) و کوهستانات (۵۳٪) مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده تمرکز جمعیت و کمبود زیرساخت‌های آموزشی در این مناطق است، در حالی که بلخاب (۰٪) هیچ نیازی به مکتب گزارش نکرده است، که ممکن است به دلیل کمبود جمعیت دانش‌آموزان یا عدم موجودیت مدارس باشد. کورس‌های سوادآموزی در همه ولسوالی‌ها تقاضای بالایی دارند؛ بیشترین نیاز در بلخاب (۱۰۰٪) و البدر (۸۸٪) ثبت شده، که اهمیت سوادآموزی و نیاز به آموزش بزرگسالان را در این مناطق نشان می‌دهد، در حالی که نیاز در الفتج (۴۶٪) و گوسفندی (۵۲٪) نسبتاً کمتر است، اما هنوز قابل توجه است.

در بخش سایر خدمات تعلیمی، نیازها متنوع و شامل معلمان مسلکی، اعمار یا تعمیر مکتب، مدرسه انائیه، کتابخانه، کورس‌های سوادآموزی و سیمینارهای آموزشی است. برای نمونه، مرکز، البدر و الجهاد به مدرسه انائیه و کورس‌های آموزشی نیاز دارند، در حالی که کوهستانات و سانچارک

نیاز خاصی در این بخش ذکر نکرده‌اند. این نشان می‌دهد که برخی ولسوالی‌ها علاوه بر نیاز به زیرساخت‌های پایه، به تقویت منابع انسانی و آموزش تخصصی نیز نیاز دارند.

به طور کلی، مقایسه درصدها نشان می‌دهد که بلخاب و البدر به شدت به سوادآموزی و کورس‌های آموزشی نیاز دارند، در حالی که الجهاد و کوهستانات نیاز بالایی به مدارس و مکتب‌ها دارند. بنابراین، برنامه‌ریزی تعلیمی باید همزمان به زیرساخت‌ها، آموزش معلمان و برنامه‌های سوادآموزی توجه کند و اولویت‌ها را بر اساس شدت نیاز هر ولسوالی تنظیم نماید.

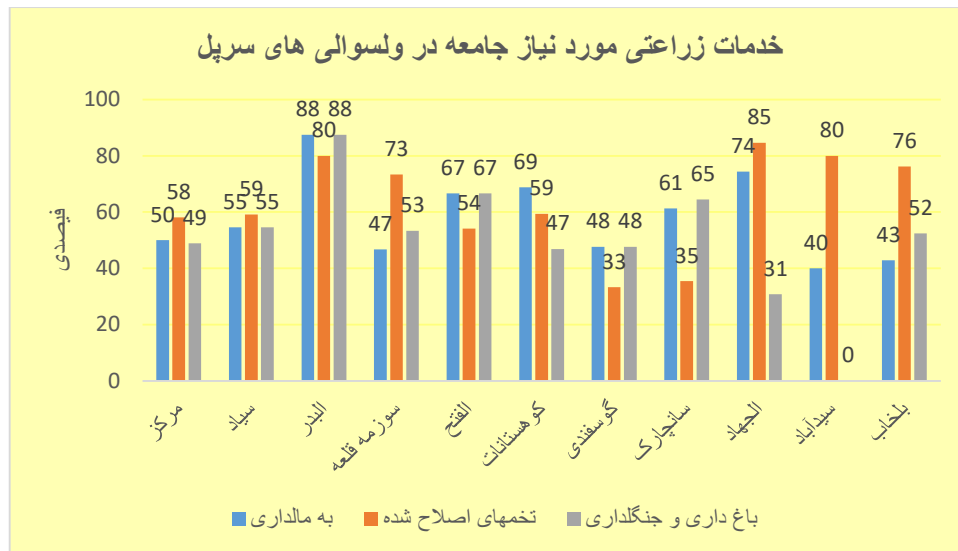


گراف 108: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل

3.24.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه سرپل

گراف (109)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های ولایت سرپل تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در بخش مالداري، بیشترین نیاز در ولسوالی البدر (۸۸٪) و الجهاد (۷۴٪) مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده اهمیت دامداری در این مناطق، در حالی که کمترین نیاز در سیدآباد (۴۰٪) و بلخاب (۴۳٪) است. برای تخم‌های اصلاح شده، نیاز در بلخاب (۷۶٪)، الجهاد (۸۵٪) و البدر (۸۰٪) بالاست، اما گوسفندی (۳۳٪) و سانچارک (۳۵٪) پایین‌تر است، که نشان می‌دهد دسترسی یا اهمیت کشت محصولات بهبود یافته در این ولسوالی‌ها کمتر است. در حوزه باغداری و جنگلداری، البدر (۸۸٪)، کوهستانات (۶۷٪) و سانچارک (۶۵٪) نیاز بالایی دارند، در حالی که سیدآباد (۰٪) هیچ نیازی گزارش نکرده است، که احتمالاً به دلیل کمبود زمین مناسب یا تمرکز بر سایر فعالیت‌های زراعتی است.

در بخش سایر خدمات زراعتی، نیازها بیشتر به تجهیزات و خدمات تخصصی متمرکز است: سیادا به کود، ادویه و تراکتور نیاز دارد، البدر به سردخانه، سوزمه قلعه به دیوارهای استنادی، و سانچارک و بلخاب به ماشین‌آلات و سیستم‌های آبیاری و ذخیره آب نیاز دارند. این نشان می‌دهد که برخی ولسوالی‌ها علاوه بر نیازهای پایه، به زیرساخت‌ها و خدمات تخصصی برای افزایش بهره‌وری و حفاظت محصولات و دام‌ها نیاز دارند. به طور کلی، اگر درصدها را با هم مقایسه کنیم، البدر و الجهاد در همه حوزه‌ها جزو مناطق با بالاترین نیاز هستند، در حالی که سیدآباد و گوسفندی در برخی حوزه‌ها نیاز کمتری دارند. بنابراین، برنامه‌ریزی زراعتی باید همزمان به خدمات پایه (مالداري و تخم اصلاح شده) و تجهیزات تخصصی و زیرساخت‌ها توجه داشته باشد و اولویت‌ها را بر اساس شدت نیاز هر ولسوالی تنظیم کند.



گراف 109: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل

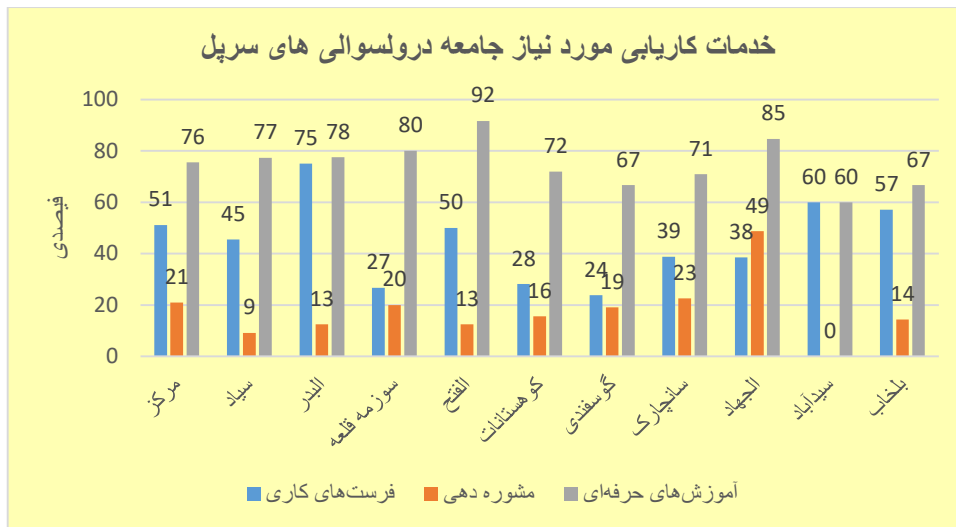
4.24.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه سرپل

بر اساس گراف (110)، نیاز جامعه به خدمات کاریابی در ولسوالی های ولایت سرپل نشان دهنده تفاوت های قابل توجه در شدت و نوع نیازهاست. در زمینه فرست های کاری، بالاترین نیاز در البدر (۷۵٪) و سیدآباد (۶۰٪) ثبت شده، در حالی که گوسفندی (۲۴٪) و سوزمه قلعه (۲۷٪) کمترین نیاز را نشان می دهند، که بیانگر تمرکز فرصت های کاری و تقاضای بالای کار در برخی مناطق است. در بخش مشوره دهی کاریابی، نیاز نسبتاً پایین و پراکنده است؛ بیشترین تقاضا در الجهاد (۴۹٪) و سانچارک (۲۳٪) مشاهده می شود، در حالی که برخی ولسوالی ها مثل سیدآباد (۰٪) هیچ تقاضایی نداشته اند، که احتمالاً نشان دهنده کمبود آگاهی یا دسترسی به خدمات مشاوره ای است.

آموزش های حرفه ای به عنوان پرتقاضاترین خدمت کاریابی است و در همه ولسوالی ها درصدهای بالایی ثبت شده اند؛ بیشترین نیاز در الفتح (۹۲٪) و الجهاد (۸۵٪) و پایین ترین در سیدآباد (۶۰٪) و گوسفندی (۶۷٪) دیده می شود. این نشان می دهد که جامعه به مهارت آموزی و آموزش های فنی برای افزایش فرصت های شغلی اهمیت زیادی می دهد.

در بخش سایر خدمات کاریابی، نیازها به شکل خدمات تکمیلی و توسعه ای ظاهر می شوند؛ سانچارک به کمک موسسات بین المللی، پروژه های انکشافی و اشتغال زراعی نیاز دارد، و بلخاب بر بازار یابی صنایع دستی خانم ها و تشویق کارآفرینی تمرکز کرده است، در حالی که سایر ولسوالی ها چنین نیازهای خاصی را گزارش نکرده اند.

به طور کلی، گراف نشان می دهد که نیازهای کاریابی در سرپل ترکیبی از فرست های کاری، آموزش های حرفه ای و خدمات توسعه ای است، و شدت این نیازها در هر ولسوالی متفاوت است: البدر و الفتح بیشتر به فرست کاری و آموزش حرفه ای نیاز دارند، الجهاد و سانچارک به مشوره دهی و آموزش حرفه ای، و بلخاب و سانچارک بر کارآفرینی و توسعه مشاغل محلی تمرکز دارند. این نشان می دهد که برنامه ریزی کاریابی باید منطقه ای و متناسب با اولویت هر ولسوالی باشد تا تأثیرگذاری بالایی داشته باشد.



گراف 110: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل

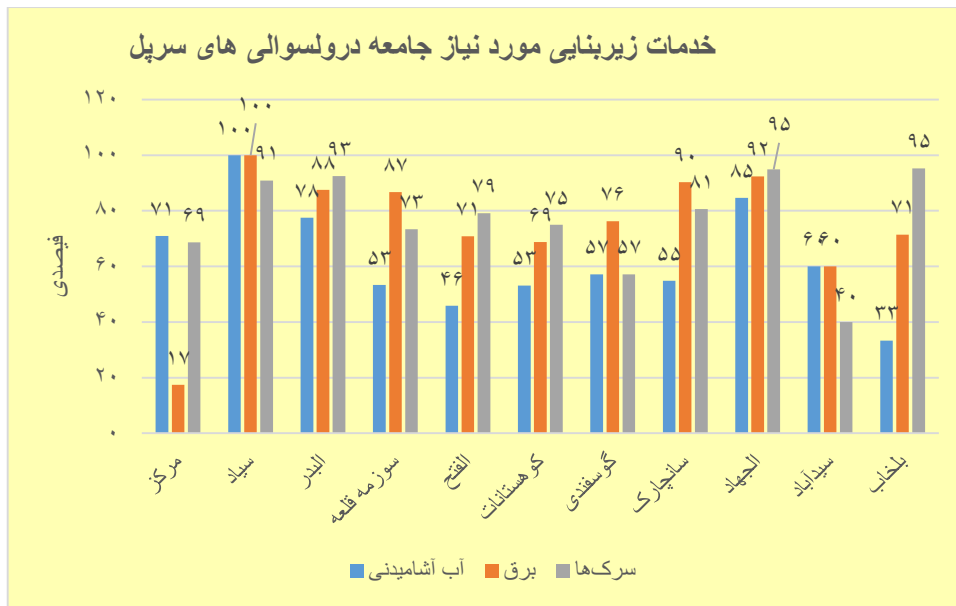
5.24.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه سرپل

بر اساس گراف (111)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی های ولایت سرپل تفاوت های قابل توجهی دارد و شدت این نیاز در حوزه های مختلف و ولسوالی ها متفاوت است. در بخش آب آشامیدنی، بیشترین نیاز در سیاد (۱۰۰٪) و الجهاد (۸۵٪) مشاهده می شود و کمترین نیاز در بلخاب (۳۳٪) و الفتح (۴۶٪) است، که نشان دهنده کمبود منابع آب سالم و دسترسی محدود به آب آشامیدنی در برخی مناطق است. در زمینه برق، نیازها نیز پراکنده و شدید است؛ سیاد باز هم ۱۰۰٪، الجهاد ۹۲٪ و سوزمه قلعه ۸۷٪ نیاز دارند، در حالی که مرکز ۱۷٪ و سیدآباد ۶۰٪ ثبت شده است، که بیانگر تفاوت در دسترسی و توسعه شبکه برق رسانی است.

در بخش سرک ها و راه ها، بیشترین نیاز در بلخاب و الجهاد (۹۵٪)، البدر (۹۳٪) و سیاد (۹۱٪) است، در حالی که سیدآباد (۴۰٪) و گوسفندی (۵۷٪) کمترین نیاز را نشان می دهند؛ این داده ها نشان می دهد که راه ها و دسترسی زمینی در برخی ولسوالی ها محدود و زیرساختی است و نیاز به ترمیم و توسعه دارد.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، نیازها متنوع و شامل اعمار بند آبگردان، سردخانه، دیوارهای استنادی، پل و پلچک، شبکه فاضلاب، خدمات مخابراتی و برق و مخازن آب است. برای مثال، سیاد به خدمات مخابراتی و دیوارهای استنادی، سوزمه قلعه به پل، پلچک و شبکه های مخابراتی و کوهستانات به توربین برق، سردخانه و بند آبگردان نیاز دارد، در حالی که بلخاب بر ایجاد بند آبگردان، برق سولری و مخازن آب تمرکز کرده است.

به طور کلی، گراف نشان می دهد که نیازهای زیربنایی در بیشتر ولسوالی ها شدید و ترکیبی است؛ سیاد، البدر و الجهاد بیشترین نیازها را در همه حوزه ها دارند، بلخاب و مرکز در برخی حوزه ها کمتر نیازمندند، و اولویت بندی باید به گونه ای باشد که آب آشامیدنی و برق، ترمیم سرک ها و خدمات تخصصی زیربنایی در هر ولسوالی متناسب با شدت نیاز تأمین شود تا توسعه متوازن و پایدار مناطق فراهم گردد.



گراف 111: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل

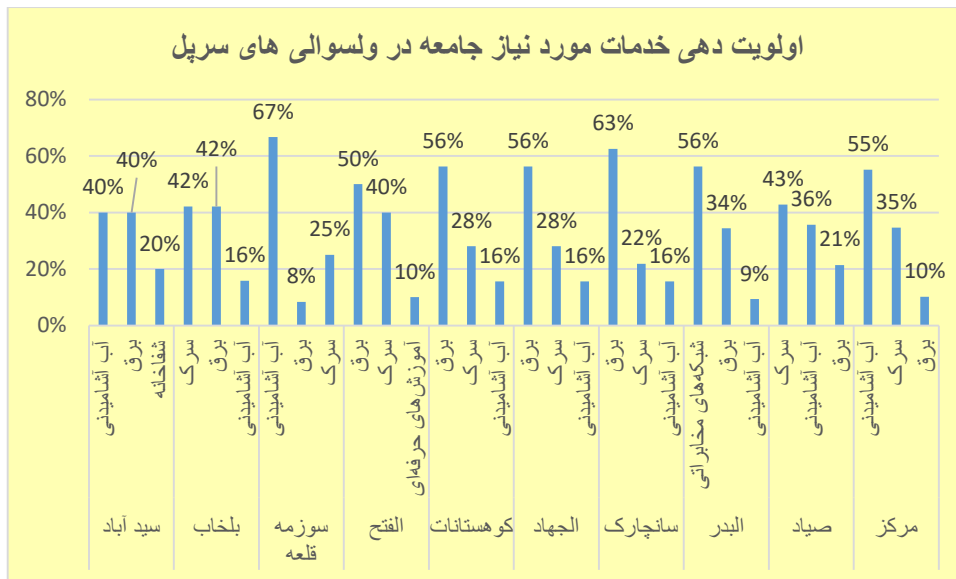
6.24.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه سرپل

در گراف (112)، نشان می‌دهد که اولویت‌ها در ولسوالی‌های مختلف ولایت ارائه کرد. نتایج نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات به شدت تحت تأثیر سطح محرومیت، نوع معیشت، جمعیت و وضعیت دسترسی فعلی به خدمات قرار دارد. در اکثر ولسوالی‌ها، خدمات زیربنایی مانند آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها در صدر اولویت‌ها قرار گرفته‌اند، زیرا این خدمات پیش‌شرط دسترسی به سایر خدمات صحتی، تعلیمی و اقتصادی محسوب می‌شوند؛ نبود زیرساخت مناسب باعث می‌شود حتی مراکز صحتی و تعلیمی موجود نیز کارایی لازم را نداشته باشند.

در مرحله بعد، خدمات صحتی به عنوان اولویت حیاتی مطرح است، به‌ویژه در ولسوالی‌هایی که فاصله جغرافیایی تا مراکز درمانی زیاد بوده یا کمبود کلینیک، شفاخانه و کارکنان صحتی دارند. بالا بودن اولویت خدمات صحتی در این مناطق نشان می‌دهد که سلامت جامعه به‌طور مستقیم با فقر، دورافتادگی و ضعف زیرساخت‌ها مرتبط است. پس از آن، خدمات تعلیمی - به‌ویژه مکتب‌ها، مدرسه‌های انائیه و کورس‌های سوادآموزی - در اولویت قرار می‌گیرند که بیانگر تلاش برای سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی و شکستن چرخه فقر در درازمدت است.

خدمات زراعتی در ولسوالی‌هایی که اقتصاد محلی بر زراعت و مالداری استوار است، اولویت بالایی دارند و شامل تخم‌های اصلاح‌شده، مالداری، باغداری و تجهیزات زراعتی می‌شوند؛ این موضوع نشان می‌دهد که بهبود معیشت مردم بدون تقویت زراعت امکان‌پذیر نیست. در نهایت، خدمات کارایی به‌ویژه آموزش‌های حرفه‌ای و ایجاد فرصت‌های شغلی، بیشتر به عنوان یک اولویت مکمل و میان‌مدت مطرح شده‌اند که هدف آن کاهش بیکاری، جلوگیری از مهاجرت و افزایش خودکفایی اقتصادی خانواده‌هاست.

به طور کلی، گراف اولویت‌دهی نشان می‌دهد که نیازهای فوری و حیاتی (زیرساخت و صحت) در اول قرار دارند، سپس نیازهای توسعه‌ای میان‌مدت (تعلیم و زراعت) و در نهایت نیازهای توانمندساز اقتصادی (کارایی) مطرح می‌شوند. این الگو بیانگر آن است که اولویت‌دهی خدمات باید مرحله‌وار، هماهنگ و متناسب با شرایط هر ولسوالی باشد تا هم نیازهای فوری پاسخ داده شود و هم زمینه توسعه پایدار و متوازن در سطح ولایت فراهم گردد.



گراف 112: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سرپل

25.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کندز

بررسی نیازهای جامعه به خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی های مختلف ولایت کندز نشان می دهد که با وجود ظرفیت های بلند انسانی و اقتصادی، دسترسی مردم به خدمات اساسی همچنان محدود و نابرابر است. نتایج تحلیل جداول مختلف بیانگر آن است که در اکثر ولسوالی ها، کمبود خدمات صحتی و زیربنایی زندگی روزمره مردم را به طور مستقیم بر زندگی مردم * اثر منفی می گذارد، در حالی که ضعف آموزش های تعلیمی و حرفه ای، فرصت های کاری را کاهش داده و بیکاری را تشدید نموده است. از سوی دیگر، با توجه به جایگاه مهم کندز در تولیدات زراعتی کشور، کمبود خدمات حمایتی زراعتی مانند تخم های اصلاح شده، مالداری و باغ داری باعث شده است که ظرفیت واقعی این سکتور به شکل مؤثر به آن رسیدگی نشده است. در مجموع، این وضعیت ضرورت برنامه ریزی جامع، اولویت بندی ولسوالی محور و تخصیص عادلانه منابع را برای پاسخ گویی مؤثر به نیازهای اساسی جامعه در ولایت کندز برجسته می سازد.

بر اساس معلومات موجود، تعداد افراد نیازمند به خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی های مختلف ولایت کندز به صورت جداگانه به شرح زیر می باشد:

مرکز کندز: ۶۵'۳۶۵ نفر نیازمند خدمات، که بیشترین تعداد را در میان ولسوالی ها تشکیل می دهد و نشان دهنده فشار بلند نفوس و نیاز گسترده به خدمات اساسی است.

قلعه زال: ۳۴'۲۸۰ نفر نیازمند خدمات، که بیانگر ضرورت اقدامات هدفمند به ویژه در بخش زیربناها، زراعت و آموزش های حرفه ای می باشد. آرچی: ۲۰۰ نفر نیازمند خدمات، که با وجود رقم پایین، سطح بلند فیصدی نیازها نشان می دهد این ولسوالی از نظر دسترسی به خدمات اساسی با محرومیت شدید روبه رو است.

چهاردره: ۲۴'۲۰۰ نفر نیازمند خدمات، که نیاز به بهبود جدی خدمات زیربنایی، صحتی و کاریابی در آن احساس می شود. علی آباد: ۱'۵۰۰ نفر نیازمند خدمات، که هرچند از نظر عددی کمتر است، اما در بخش هایی مانند کاریابی، زراعت و آب آشامیدنی نیازهای قابل توجهی دارد.

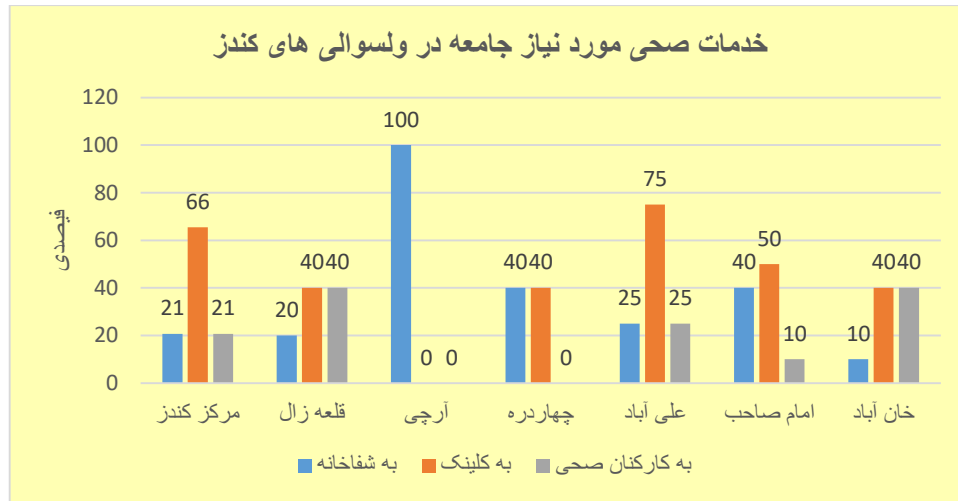
امام صاحب: ۳۴'۷۵۲ نفر نیازمند خدمات، که نشان دهنده نیاز بلند به توسعه زیربناها، آموزش و خدمات زراعتی در این ولسوالی مرزی می باشد. خان آباد: ۱۷'۴۲۰ نفر نیازمند خدمات، که بیشتر به خدمات تعلیمی، کاریابی و زیربنایی نیاز دارند. در مجموع، این ارقام نشان می دهد که دامنه نیازمندی ها در ولایت کندز گسترده و متنوع است و پاسخ گویی به آن مستلزم برنامه ریزی همه جانبه، هماهنگی میان سکتورها و تمرکز ویژه بر ولسوالی های پرنفوس و محروم می باشد.

1.25.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه کندز

به اساس گراف (113)، نشان می‌دهد که سطح تقاضای جامعه برای خدمات صحتی در بیشتر ولسوالی‌ها بسیار بلند است و این موضوع بیانگر نارضایتی گسترده از دسترسی و کیفیت خدمات موجود می‌باشد. به‌طور خاص، نیاز ۱۰۰ فیصدی به شفاخانه در ولسوالی آرچی نشان‌دهنده یک بحران جدی صحتی است؛ به این معنا که تقریباً تمام پاسخ‌دهندگان این ولسوالی نبود یا ناکافی بودن خدمات شفاخانه‌ای را احساس می‌کنند. فیصدی‌های نسبتاً بلند نیاز به شفاخانه در چهاردره، امام صاحب و علی‌آباد نیز نشان می‌دهد که خدمات سطح دوم صحتی در این مناطق پاسخ‌گوی نیاز جمعیت نیست.

در بخش کلینک‌ها، فیصدی بلند نیاز در علی‌آباد (۷۵٪)، مرکز کندز (۶۶٪) و امام صاحب (۵۰٪) بیانگر فشار زیاد بر خدمات صحتی ابتدایی است که معمولاً نخستین نقطه تماس مردم با سیستم صحتی محسوب می‌شود. این وضعیت می‌تواند ناشی از تراکم نفوس، فاصله جغرافیایی، کمبود امکانات و یا پایین بودن کیفیت خدمات در کلینک‌های موجود باشد. صفر فیصدی نیاز به کلینک در آرچی، در کنار نیاز ۱۰۰ فیصدی به شفاخانه، نشان می‌دهد که جامعه این ولسوالی یا به کلینک‌ها دسترسی مؤثر ندارد یا آن‌ها را ناکارآمد دانسته و مستقیماً خواهان خدمات پیشرفته‌تر صحتی است.

در مورد کارکنان صحتی، فیصدی‌های بلند در قلعه‌زال و خان‌آباد (۴۰٪) نشان‌دهنده کمبود قابل توجه نیروی انسانی صحتی مانند داکتران، نرسان‌ها و قابل‌ها است؛ این کمبود می‌تواند کیفیت خدمات را حتی در مراکز موجود به شدت کاهش دهد. فیصدی پایین یا صفر در برخی ولسوالی‌ها لزوماً به معنای نبود مشکل نیست، بلکه ممکن است بازتاب ضعف آگاهی جامعه از نقش نیروی انسانی صحتی یا تمرکز ذهنی آنان بر کمبود تأسیسات باشد. در نهایت، صفر فیصدی «سایر خدمات صحتی» در تمام ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که نیازهای فوری و حیاتی در اولویت کامل قرار دارد و خدمات مکمل مانند صحت روانی، تغذیه، تشخیص و مشاوره یا در دسترس نیست یا هنوز درک و مطالبه اجتماعی لازم را پیدا نکرده است. در مجموع، این فیصدی‌ها به‌روشنی ضرورت مداخله فوری، اولویت‌بندی جغرافیایی و تقویت هم‌زمان زیرساخت، خدمات ابتدایی و نیروی انسانی صحتی را در سطح ولایت کندز برجسته می‌سازد.

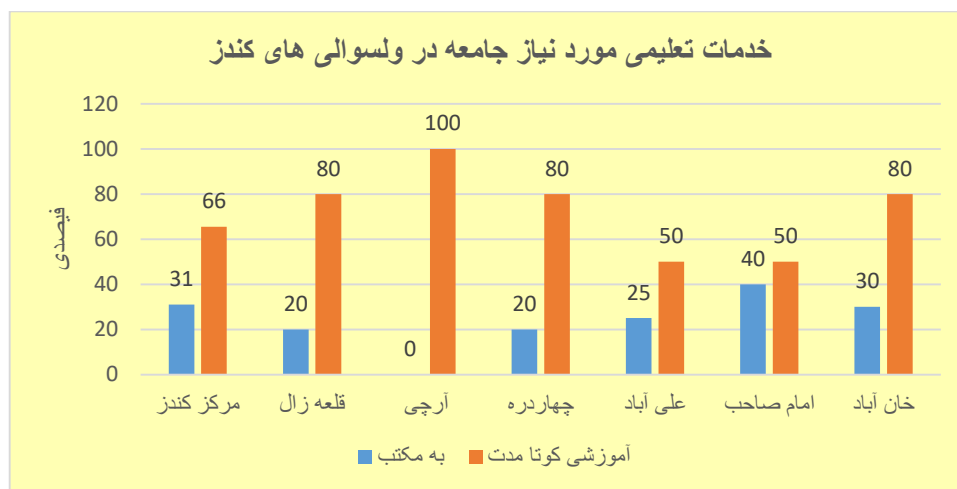


گراف 113: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کندز

2.25.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه کندز

گراف (114)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندز، به‌ویژه در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، بسیار بلند است. بیشترین تقاضا برای آموزش‌های کوتاه‌مدت در ولسوالی آرچی با ۱۰۰ فیصد مشاهده می‌شود که بیانگر کمبود شدید فرصت‌های آموزشی مهارتی و غیررسمی در این ولسوالی است؛ همچنان قلعه‌زال، چهاردره و خان‌آباد با ۸۰ فیصد در سطح بلند نیاز قرار دارند. در مقابل، نیاز به مکتب در اکثر ولسوالی‌ها در سطح متوسط گزارش شده است؛ بیشترین آن در امام صاحب (۴۰٪) و مرکز کندز (۳۱٪) بوده، در حالی که در آرچی نیاز به مکتب صفر فیصد ثبت شده که می‌تواند نشان‌دهنده نبود مکاتب فعال، موانع دسترسی یا تمرکز جامعه بر انواع دیگر آموزش باشد. صفر بودن نیاز

به «سایر خدمات تعلیمی» در تمام ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که اولویت اصلی مردم بر آموزش‌های رسمی (مکتب) و به‌ویژه آموزش‌های کوتاه‌مدت و مهارتی متمرکز است. در مجموع، این گراف ضرورت سرمایه‌گذاری هدفمند بر آموزش‌های کوتاه‌مدت در کنار تقویت مکاتب رسمی را به‌خصوص در ولسوالی‌های محروم ولایت کندز به‌روشنی برجسته می‌سازد.



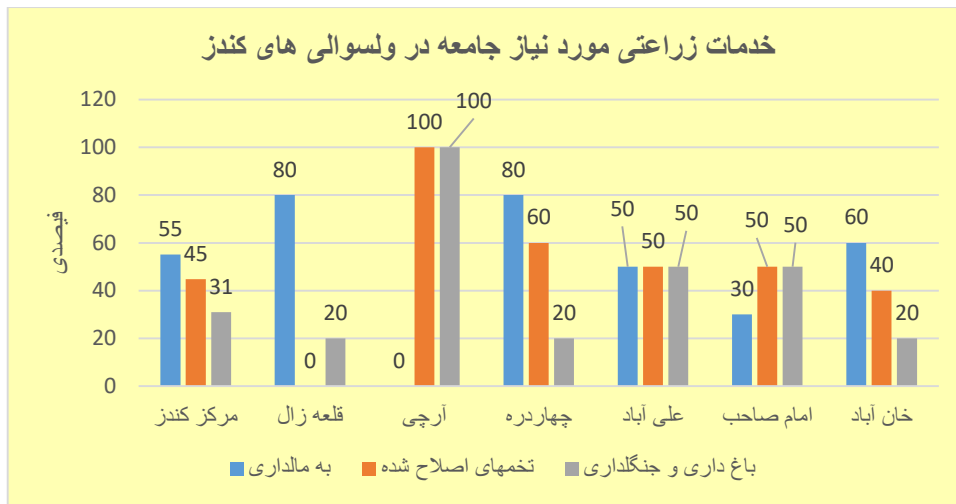
گراف 114: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کندز

3.25.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه کندز

گراف (115)، با در نظر گرفتن این که ولایت کندز یکی از قطب‌های مهم زراعتی کشور است و نسبت به بسیاری از ولایات دیگر حجم و تنوع محصولات زراعتی بیشتری دارد، نتایج این شکل اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. فیصدهای بلند نیاز به خدمات زراعتی نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت بلند تولید، خدمات حمایتی متناسب با این ظرفیت رشد نکرده است. نیاز بلند به خدمات مالداری در قلعه‌زال و چهاردره (۸۰٪) بیانگر آن است که اقتصاد روستایی این ولسوالی‌ها به‌گونه مستقیم به دامداری وابسته بوده، اما کمبود واکسین، خدمات و ترنری و مدیریت معیاری مالداری باعث کاهش بهره‌وری و افزایش خطرات صحت حیوانات می‌شود. در مقابل، صفر بودن این نیاز در آرچی نشان می‌دهد که این ولسوالی بیشتر بر زراعت نباتی و کشت‌های وسیع تمرکز دارد.

نیاز بسیار بلند (۱۰۰٪) به تخم‌های اصلاح‌شده در آرچی و علی‌آباد، با توجه به نقش این ولسوالی‌ها در تولید گندم، برنج و سایر محصولات اساسی، نشان‌دهنده یک شکاف جدی میان ظرفیت تولید و دسترسی به نهاده‌های معیاری زراعتی است؛ موضوعی که مستقیماً بر امنیت غذایی، کیفیت محصول و توان رقابت در بازار تأثیر منفی می‌گذارد. همچنان، فیصدهای بلند نیاز به باغداری و جنگل‌داری در آرچی و علی‌آباد نشان می‌دهد که دهقانان این مناطق به‌دنبال تنوع‌بخشی به تولیدات، افزایش عواید و کاهش وابستگی به کشت‌های مومسم هستند، اما حمایت فنی و تخنیکی کافی در اختیار ندارند.

از سوی دیگر، مرکز کندز با نیاز متوسط اما هم‌زمان در هر سه بخش (مالداری، تخم‌های اصلاح‌شده و باغداری) نشان می‌دهد که با وجود دسترسی نسبی بهتر به بازار و خدمات، فشار تولید بالا و تقاضای فزاینده برای افزایش محصول باعث افزایش نیاز به خدمات زراعتی شده است. صفر بودن «سایر خدمات زراعتی» در همه ولسوالی‌ها می‌تواند بیانگر تمرکز شدید دهقانان بر نیازهای فوری تولید باشد و یا نشان دهد که خدمات تخصصی مانند مکانیزه‌سازی، مدیریت آب، بسته‌بندی و بازاریابی محصولات یا وجود ندارد یا هنوز درک و مطالبه اجتماعی لازم را پیدا نکرده است. در مجموع، با توجه به جایگاه برجسته کندز در تولید محصولات زراعتی کشور، این گراف به‌روشنی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری هدفمند، ولسوالی‌محور و متناسب با نوع تولید در خدمات زراعتی نه‌تنها برای توسعه محلی، بلکه برای تقویت اقتصاد و امنیت غذایی در سطح ملی حیاتی می‌باشد.

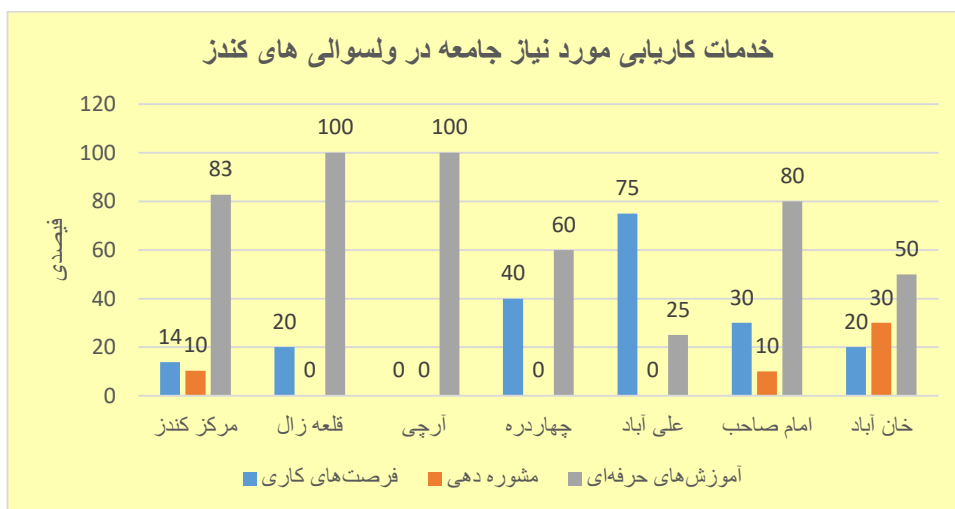


گراف 115: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندز

4.25.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه کندز

گراف (116)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاریابی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کندز بسیار بلند بوده و تمرکز اصلی مردم بیشتر بر آموزش‌های حرفه‌ای است تا دسترسی مستقیم به فرصت‌های کاری. فیصدی بسیار بلند نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای در قلعه‌زال و آرچی (۱۰۰٪) و همچنان در مرکز کندز (۸۳٪) و امام صاحب (۸۰٪) بیانگر آن است که بخش بزرگی از نیروی کار مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار را ندارد و بیکاری بیشتر ریشه در کمبود مهارت‌های فنی و حرفه‌ای دارد تا نبود مطلق کار. در مقابل، نیاز به فرصت‌های کاری در علی‌آباد با ۷۵ فیصد به‌طور چشم‌گیر بلند است که می‌تواند نشان‌دهنده محدودبودن بازار کار محلی و نبود پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا در این ولسوالی باشد، در حالی که در آرچی این نیاز صفر فیصد گزارش شده که احتمالاً بازتاب مهاجرت کاری یا تمرکز مردم بر زراعت است.

نیاز به مشوره‌دهی کاریابی در مجموع پایین گزارش شده، اما فیصدی ۳۰ در خان‌آباد نشان می‌دهد که بخشی از جوانان این ولسوالی به راهنمایی در انتخاب شغل، مهارت و مسیر کاری نیاز دارند. صفر بودن «سایر خدمات کاریابی» در تمام ولسوالی‌ها بیانگر تمرکز جامعه بر نیازهای اصلی و فوری اشتغال است و یا نشان می‌دهد که خدمات مکمل مانند ارتباط با بازار کار، کارآموزی و حمایت از تشبثات کوچک یا وجود ندارد و یا هنوز به‌عنوان نیاز شناخته نشده است. در مجموع، این جدول تأکید می‌کند که برای کاهش بیکاری در ولایت کندز، سرمایه‌گذاری هدفمند بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پیوند مهارت با بازار کار و ایجاد فرصت‌های شغلی محلی به‌ویژه در ولسوالی‌های آسیب‌پذیر، یک ضرورت اساسی می‌باشد.



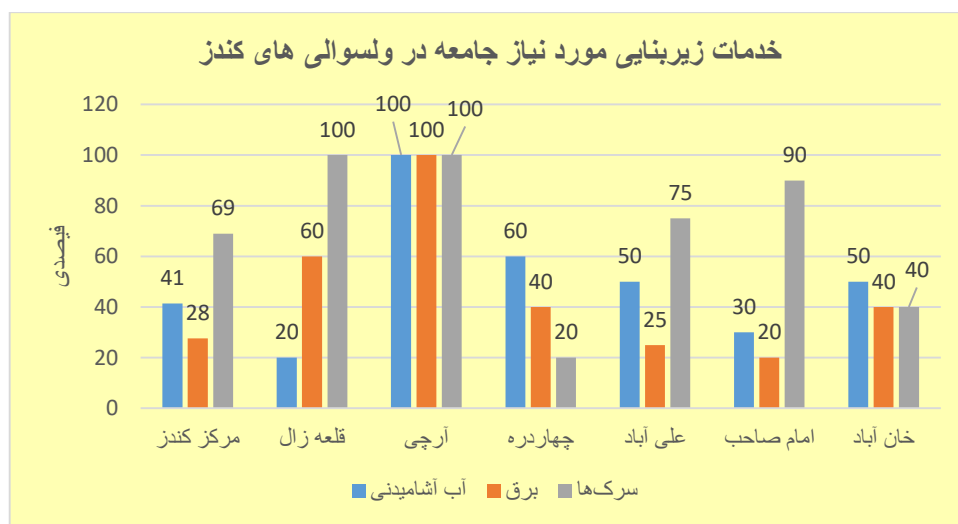
گراف 116: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندز

5.25.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه کندز

با تحلیل دقیق تر گراف (117)، می توان گفت که خدمات زیربنایی یکی از اساسی ترین نیازهای جامعه در ولایت کندز است و کمبود آن به گونه مستقیم بر صحت، اقتصاد، آموزش و ثبات اجتماعی تأثیر منفی گذاشته است. نیاز بسیار بلند (۱۰۰٪) به آب آشامیدنی، برق و سرکها در ولسوالی آرچی نشان می دهد که این ولسوالی با یک محرومیت همه جانبه زیربنایی روبه رو است؛ نبود آب صحتی خطر بیماریها را افزایش داده، کمبود برق مانع رشد فعالیت های اقتصادی و خدمات عامه شده و وضعیت نامناسب سرکها دسترسی مردم به بازارها و مراکز خدماتی را به شدت محدود کرده است. چهاردره و علی آباد نیز با فیصدی های بلند نیاز به آب آشامیدنی (۶۰٪ و ۵۰٪) نشان می دهند که امنیت صحتی خانواده ها در این مناطق همچنان در معرض تهدید قرار دارد.

در بخش برق، نیاز قابل توجه در قلعه زال (۶۰٪) و خان آباد (۴۰٪) بیانگر پوشش ناکافی شبکه برق و یا ناپایداری آن است که نه تنها رفاه خانوارها، بلکه فعالیت های تولیدی کوچک، سردخانه ها و خدمات عامه را نیز متأثر ساخته است. نیاز به سرکها تقریباً در تمام ولسوالی ها بسیار بلند گزارش شده؛ قلعه زال و آرچی با ۱۰۰ فیصد و امام صاحب با ۹۰ فیصد نشان می دهند که ضعف شبکه راهها یکی از بزرگ ترین موانع توسعه محلی در کندز است. حتی در مرکز کندز با ۶۹ فیصد نیاز به سرکها، فشار نفوس، فرسودگی زیربناها و رشد بی برنامه شهری باعث شده است که زیرساخت های موجود پاسخ گوی نیاز فعلی نباشد.

از منظر توسعه پایدار، ثبت «اعمار بند آب و برق» در بخش سایر خدمات زیربنایی نشان می دهد که جامعه تنها خواهان راه حل های مقطعی نیست، بلکه تقاضای پروژه های زیربنایی کلان و دوام دار را دارد که بتواند هم زمان مشکل آب، برق و حتی آبیاری زراعتی را حل نماید. صفر بودن فیصدی سایر خدمات زیربنایی در جدول نیز بیانگر آن است که اولویت ذهنی مردم بر نیازهای فوری و حیاتی متمرکز شده و خدماتی مانند مدیریت فاضلاب، سیستم های شهری و زیربنا های مخابراتی یا وجود ندارند یا هنوز به عنوان مطالبه عمومی برجسته نشده اند. در مجموع، این گراف به روشنی نشان می دهد که توسعه ولایت کندز بدون سرمایه گذاری گسترده، هدفمند و عادلانه در زیربنا های اساسی امکان پذیر نیست و ولسوالی هایی مانند آرچی، قلعه زال و امام صاحب باید در اولویت فوری اقدامات زیربنایی قرار گیرند.



گراف 117: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کندز

26.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کنر

ولسوالی های ولایت کنر با چالش های متنوع در زمینه های صحتی، تعلیمی، زراعتی، کارایی و زیربنایی مواجه هستند. داده ها نشان می دهد که نیاز جامعه در تمامی این حوزه ها بالا و گسترده است و تفاوت های قابل توجهی میان ولسوالی ها وجود دارد. در حوزه خدمات صحتی، نیاز به

شفاخانه، کلینک، کارکنان صحتی و سایر امکانات مانند زایشگاه و لابراتوار در بسیاری از ولسوالی‌ها بسیار محسوس است و کمبود متخصصان، تجهیزات و خدمات مکمل، دسترسی مردم به خدمات درمانی را محدود کرده است. در بخش تعلیمی، گرچه مکتب‌های رسمی در اکثر ولسوالی‌ها موجود هستند، تقاضای مردم برای آموزش کوتاه‌مدت، کورس‌های سوادآموزی و کلاس‌های محلی بالاست و نشان می‌دهد که جامعه به یادگیری عملی و مهارت‌آموزی سریع علاقه‌مند است.

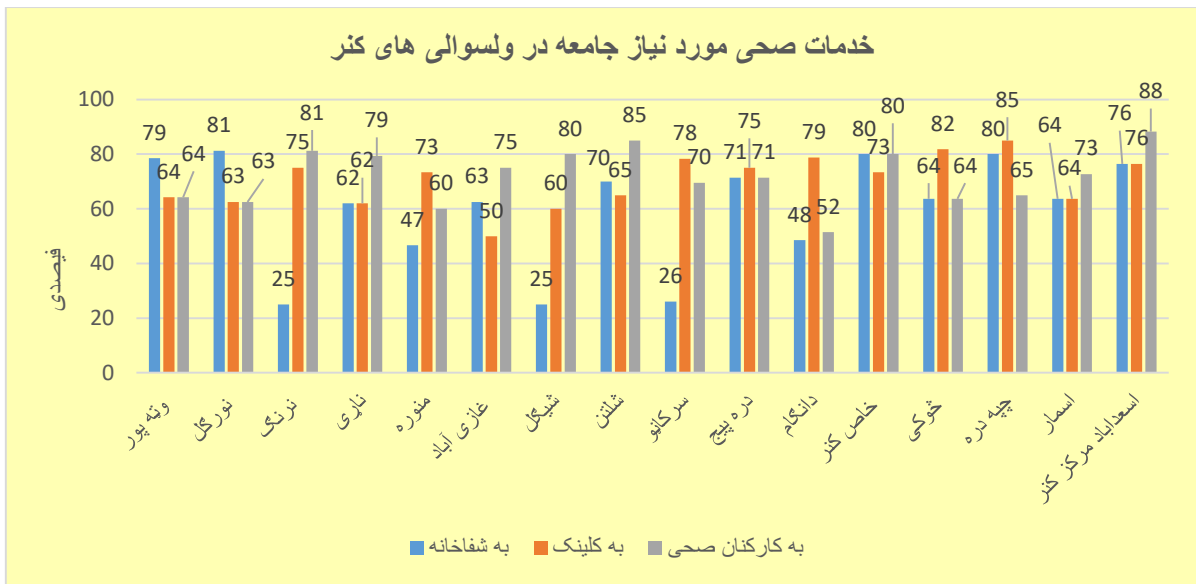
در حوزه زراعت، نیازها شامل آموزش‌های فنی، تأمین بذر و کود، ماشین‌آلات کشاورزی، خدمات دامداری و حمایت از باغداری و زراعت سبزیجات است. این نشان می‌دهد که کشاورزی و دامداری منبع اصلی معیشت و امنیت غذایی مردم است و توسعه این بخش مستلزم ارائه خدمات فنی و حمایتی جامع می‌باشد. خدمات کاربایی نیز در اکثر ولسوالی‌ها بسیار حیاتی است؛ نیاز به فرصت‌های شغلی، آموزش‌های حرفه‌ای و مشاوره شغلی در مناطقی مانند وپه‌پور، نرنگ، شلتن و خاص‌کنر به ۱۰۰٪ رسیده است، که بیانگر فقدان فرصت‌های شغلی کافی و علاقه مردم به مهارت‌آموزی برای ورود به بازار کار است.

در بخش زیربنایی، نیاز به آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها و سایر خدمات مکمل مانند اعمار پل، دیوارهای استنادی، سربندها و کانال‌ها در اکثر ولسوالی‌ها بالاست و تفاوت‌ها نشان می‌دهد که برخی مناطق با کمبود شدید دسترسی به آب و برق یا زیرساخت‌های جاده‌ای مواجه هستند. با توجه به تعداد جمعیت نیازمند در هر ولسوالی، می‌توان دید که ولسوالی‌های با جمعیت بالاتر مانند اسعدآباد مرکز کنر (۱۶۰۳۲۰ نفر) و خاص‌کنر (۸۷۰۰۰ نفر) بیشترین فشار بر خدمات مختلف را دارند و نیازمند اولویت‌بندی و سرمایه‌گذاری جدی در تمام حوزه‌ها هستند. ولسوالی‌های دره پیچ (۵۳۴۶۵ نفر)، ناری (۵۶۶۵۰ نفر) و دانگام (۴۱۵۵۲ نفر) نیز به دلیل جمعیت قابل توجه، نیاز بالایی به خدمات جامع دارند، در حالی که ولسوالی‌هایی با جمعیت کمتر مانند اسمار (۱۰۷۷۰ نفر) و شیگل (۱۸۳۳۰ نفر) می‌توانند تمرکز خود را بر بهبود کیفیت خدمات موجود و توسعه زیرساخت‌های محلی قرار دهند.

به طور کلی، تحلیل ترکیبی این پنج حوزه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی توسعه‌ای در کنر باید منطقه‌ای، هدفمند و چندبخشی باشد تا نیازهای گسترده و متنوع جامعه پاسخ داده شود و عدالت دسترسی به خدمات تضمین گردد.

1.26.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه کنر

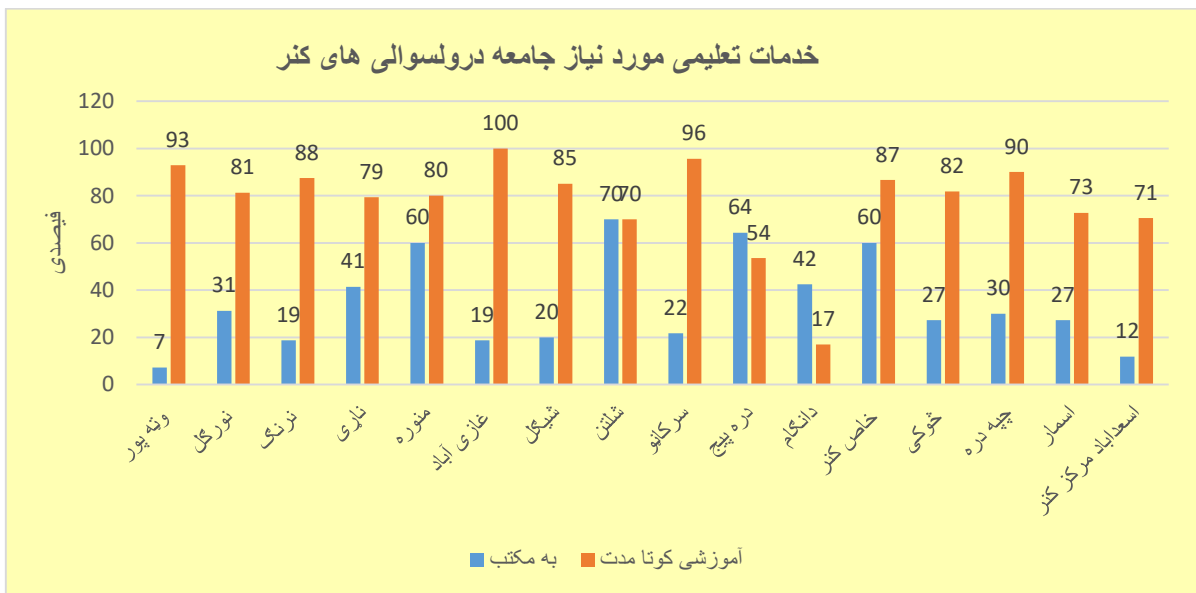
بر اساس گراف (118)، نیاز به خدمات صحتی در ولسوالی‌های ولایت کنر هم از نگاه نوع خدمت و هم از نظر شدت متفاوت اما در مجموع بلند است. در بخش **نیاز به شفاخانه**، نورگل (۸۱٪)، خاص‌کنر و چپه‌دره (هر دو ۸۰٪) و وپه‌پور (۷۹٪) در بالاترین سطح قرار دارند که نشان‌دهنده کمبود خدمات بستری و تخصصی در این مناطق است؛ در مقابل، نرنگ و شیگل هر دو با ۲۵٪ و سرکانو با ۲۶٪ نیاز پایین‌تری دارند که بیانگر موجودیت نسبی یا دسترسی بهتر به شفاخانه در این ولسوالی‌ها است. در بخش **نیاز به کلینیک**، چپه‌دره با ۸۵٪، دانگام با ۷۹٪، سرکانو با ۷۸٪ و نرنگ و دره‌پیچ هر دو با ۷۵٪ بیشترین نیاز را دارند که نشان می‌دهد خدمات سطح اول صحتی در بسیاری از مناطق کافی نیست؛ در حالی که غازی‌آباد با ۵۰٪ کمترین نیاز نسبی را دارد. در بخش **نیاز به کارکنان صحتی**، اسعدآباد مرکز کنر با ۸۸٪، شلتن با ۸۵٪، نرنگ با ۸۱٪، شیگل و خاص‌کنر هر دو با ۸۰٪ در صدر قرار دارند که بیانگر کمبود جدی داکتران و کارمندان صحتی در مرکز ولایت است؛ در مقابل، دانگام با ۵۲٪ و منوره با ۶۰٪ نیاز متوسط‌تری را نشان می‌دهند. در بخش سایر خدمات نیز تکرار نیاز به زایشگاه، داکتران زنانه، لابراتوار، امبولانس، بخش نسایی و ولادی، جراحان متخصص و کلینیک‌های سیار نشان می‌دهد که تمرکز عمده بر تقویت خدمات مادر و کودک، تشخیص امراض و دسترسی به خدمات عاجل است. به طور کلی، اگرچه در برخی ولسوالی‌ها زیرساخت شفاخانه‌ای تا حدی موجود است، اما کمبود کلینیک‌های معیاری و به‌ویژه نیروی بشری متخصص یک چالش فراگیر در سطح ولایت کنر محسوب می‌شود و تقویت منابع انسانی صحتی باید در اولویت برنامه‌ریزی قرار گیرد.



گراف 118: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کنر

2.26.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه کنر

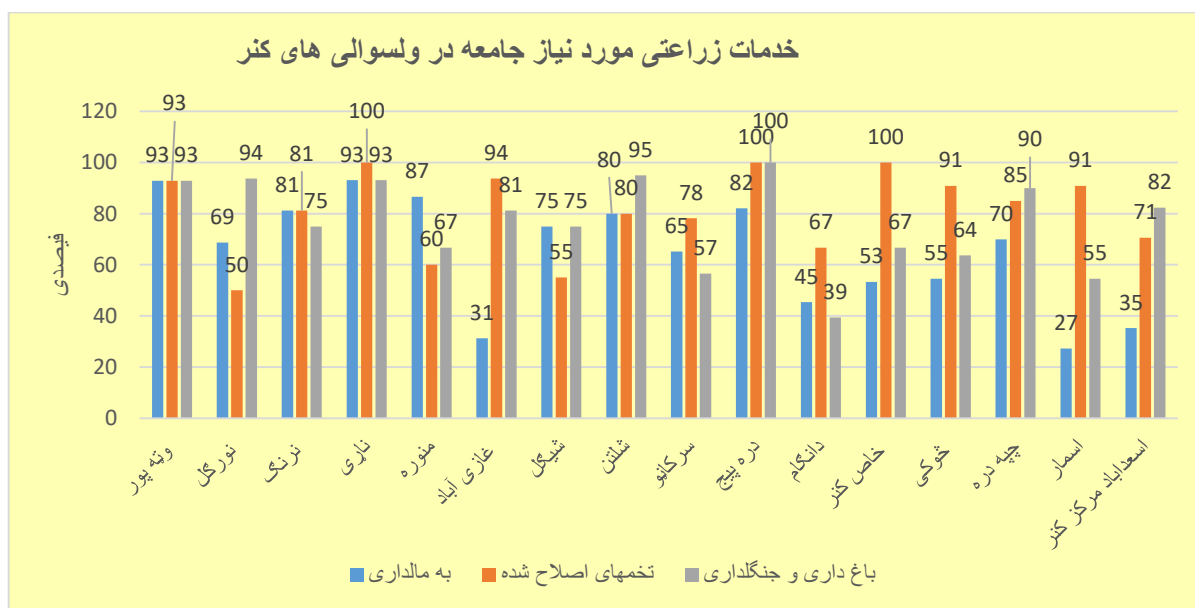
براساس گراف (119)، ارائه شده، نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی های مختلف ولایت کنر نشان دهنده الگوهای جالبی است. در اکثر ولسوالی ها، نیاز به مکتب رسمی نسبتا پایین گزارش شده است، مانند ونه پور (7٪)، اسعدآباد مرکز کنر (12٪) و شیگل (20٪)، شاید مکتب های رسمی در این ولسوالی ها موجود هستند؛ بنابراین، این آمار نشان می دهد که تقاضای واقعی مردم برای مکتب رسمی نسبت به سایر روش های آموزش کم است. در مقابل، نیاز به آموزش کوتاه مدت بسیار بالا است و در اکثر ولسوالی ها بیش از 70٪ است، مانند غازی آباد (100٪)، نرنگ (88٪) و چپه دره (90٪)، که این موضوع حاکی از گرایش جامعه به آموزش عملی، سریع و انعطاف پذیر است. سایر خدمات تعلیمی، شامل اعمار تعمیر مکتب، کلاس های محلی، کورس های سوادآموزی نیز در اکثر ولسوالی ها مورد تقاضای بالا قرار دارد. به طور کلی، داده ها نشان می دهد که حتی با وجود مکتب های رسمی، جامعه ترجیح می دهد از آموزش کوتاه مدت نیز استفاده کند و این نکته نشان دهنده اهمیت توسعه دوره های مهارتی و تقویت زیرساخت های آموزشی در کنار مدارس رسمی است تا نیاز واقعی مردم به آموزش به شکل مؤثر پاسخ داده شود.



گراف 119: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کنر

3.26.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه کنر

تحلیل گراف (120)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های ولایت کنر ناهمگن و متنوع است. در بخش مالداری، ولسوالی‌های وپه پور و ناری با ۹۳٪ بیشترین تقاضا را دارند، در حالی که اسمار و اسعدآباد مرکز به ترتیب با ۲۷٪ و ۳۵٪ کمترین نیاز را نشان می‌دهند. در زمینه تخم‌های اصلاح‌شده، بالاترین نیاز در ناری، دره پیچ، دانگام و خاص کنر (۱۰۰٪) مشاهده می‌شود و نورگل با ۵۰٪ کمترین تقاضا را دارد. خدمات باغداری و جنگلداری نیز در ولسوالی‌هایی مانند دره پیچ (۱۰۰٪) و شلتن (۹۵٪) اهمیت بالایی دارد، در حالی که نورگل و نرنگ نیاز کمتری دارند. سایر خدمات زراعتی شامل کلینیک‌های حیوانی، کود کیمیاوی، ماشین‌های زراعتی، فارم‌ها، گرین‌هاوس و سیستم مدیریت آب است که تنوع و شدت آن‌ها بسته به شرایط محلی متفاوت است؛ برای مثال در شلتن تمرکز بر گرین‌هاوس و تربیت دهقانان است، در حالی که در ناری خدمات مرتبط با فارم‌های مرغ و گاو و آب زراعتی برجسته‌اند. به طور کلی، نیاز به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مرکزی و پرجمعیت مانند ناری، منوره و وپه پور بالاتر بوده و تنوع خدمات نشان‌دهنده شرایط محلی، نوع فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی هر ولسوالی است. اولویت اصلی توسعه خدمات باید شامل تأمین آب زراعتی و کود کیمیاوی، ارتقای بذر اصلاح‌شده، توسعه خدمات جانبی مانند کلینیک حیوانی و گرین‌هاوس و توجه به حفظ جنگل و باغداری باشد.



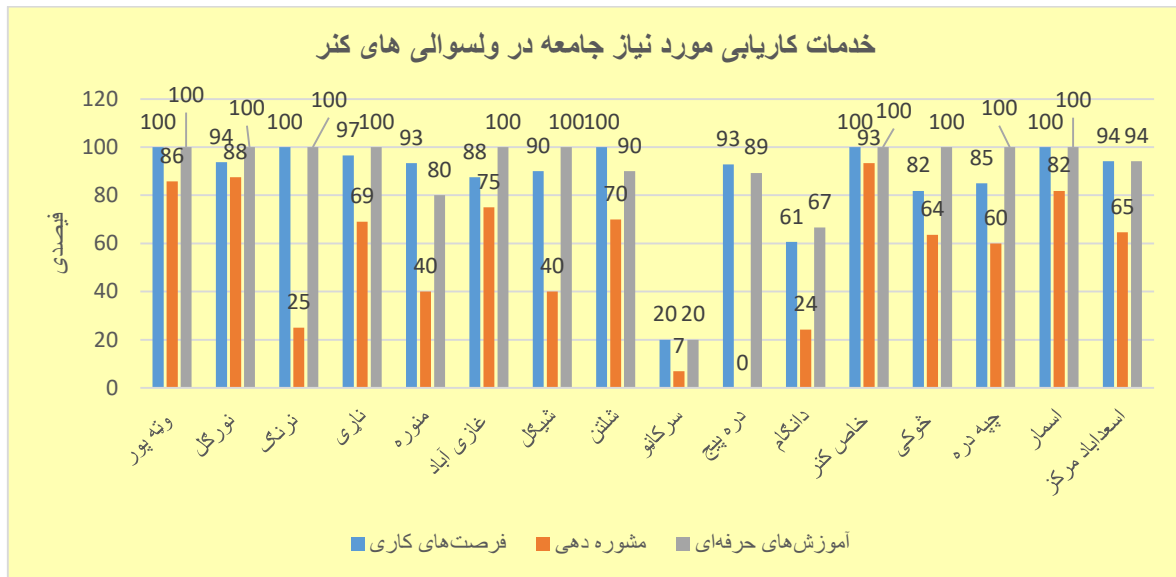
گراف 120: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کنر

4.26.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه کنر

براساس گراف (121)، نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کنر بسیار بالا و در برخی مناطق شدید و فوری است، اما شدت و نوع نیازها متفاوت است. نیاز به فرصت‌های کاری در اکثر ولسوالی‌ها تقریباً کامل است؛ برای مثال، وپه پور، نرنگ، شلتن، اسمار و خاص کنر با ۱۰۰٪ نیاز، نشان می‌دهند که بخش بزرگی از جامعه به فرصت‌های شغلی دسترسی ندارد و نیازمند برنامه‌های گسترده ایجاد اشتغال هستند. تنها ولسوالی سرکانو با ۲۰٪ نیاز، و وضعیت نسبتاً بهتری دارد، اما همچنان نشان می‌دهد که در آنجا نیز بخشی از جامعه از فرصت‌های شغلی محروم است.

در بخش مشوره‌دهی شغلی، الگوها متفاوت هستند. ولسوالی‌هایی مانند وپه پور (۸۶٪) و نورگل (۸۸٪) نیاز بالایی به مشاوره دارند، که نشان می‌دهد مردم علاوه بر اشتغال، به راهنمایی برای انتخاب حرفه و مسیر شغلی مناسب نیز نیاز دارند. در مقابل، نرنگ (۲۵٪)، سرکانو (۷٪) و دره پیچ (۰٪) نیاز کمتری دارند، که ممکن است به محدودیت آگاهی، دسترسی ناکافی به مشاوران یا عدم شناخت فرصت‌های موجود مرتبط باشد. نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای تقریباً در تمام ولسوالی‌ها بسیار بالا است و در بیشتر مناطق ۱۰۰٪ ثبت شده، به جز سرکانو (۲۰٪) و دانگام (۶۷٪). این موضوع نشان می‌دهد که جامعه آماده و علاقه‌مند به یادگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای برای ورود به بازار کار است و برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت و عملی می‌تواند نقش بسیار مؤثری در کاهش بیکاری ایفا کند.

سایر خدمات کارایی نیز شامل ایجاد کارخانه‌ها، مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، برنامه‌های تجاری و فراهم کردن زمینه شغلی برای زنان و جوانان است و در ولسوالی‌هایی مانند نرنگ، شیگل و چپه‌دره مورد تأکید قرار گرفته است. این نشان می‌دهد که جامعه به خدمات جامع و ترکیبی نیاز دارد: هم فرصت‌های واقعی شغلی، هم آموزش و مهارت‌آموزی، و هم حمایت‌های تجاری و مشاوره‌ای. به طور کلی، داده‌ها بیانگر آن است که نیاز به خدمات کارایی در کمر فوری و گسترده است و برنامه‌ها باید به صورت هدفمند و منطقه‌ای طراحی شوند تا تفاوت نیازها در ولسوالی‌های مختلف در نظر گرفته شود؛ مناطقی با نیاز ۱۰۰٪ به اقدامات فوری اشتغال و آموزش حرفه‌ای نیاز دارند، در حالی که مناطقی با نیاز کمتر می‌توانند تمرکز خود را بر تقویت مهارت‌ها و مشاوره شغلی بگذارند.



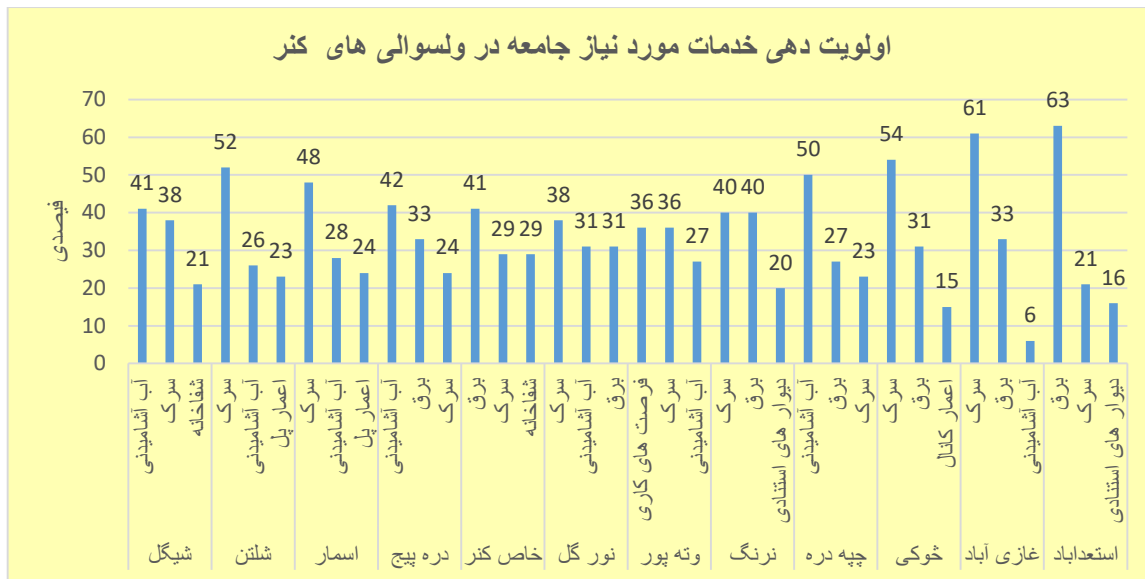
گراف 121: خدمات کارایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کمر

5.26.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه کمر

بر اساس گراف (122)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کمر بسیار گسترده و متنوع است و نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجه میان مناطق است. در حوزه آب آشامیدنی، نیاز در اکثر ولسوالی‌ها بالاست و در ولسوالی‌هایی مانند شلتن (۸۵٪)، دره پیچ (۹۳٪)، خاص کمر (۸۰٪) و چپه دره (۸۵٪) بیشترین تقاضا دیده می‌شود، در حالی که سرکانو (۱۲٪) و اسمار (۵۵٪) کمترین نیاز را دارند، که احتمالاً به دلیل دسترسی نسبی بهتر به منابع آب در این مناطق است. در بخش برق، تقریباً تمامی ولسوالی‌ها نیاز بالایی دارند و درصد تقاضا در وته پور، نورگل، نرنگ، شلتن، خاص کمر و اسمار به ۱۰۰٪ رسیده است، که نشان‌دهنده اهمیت برق‌رسانی پایدار برای زندگی روزمره و توسعه اقتصادی است؛ تنها سرکانو (۲۲٪) و دانگام (۴۸٪) نیاز کمتری دارند.

در حوزه سرک‌ها، نیاز به تعمیر، پخته‌کاری، سرک‌های فرعی و پل‌ها نیز بالا است، به ویژه در منوره (۸۷٪)، دره پیچ (۸۲٪) و دانگام (۸۱٪)، در حالی که سرکانو (۱۸٪) و شیگل (۴۰٪) نیاز پایین‌تری دارند. سایر خدمات زیربنایی مانند اعمار دیوارهای استنادی، سربندها، چیک دیم‌ها، سیستم پمپ سکیم، کانال‌ها، اعمار بند آب، شبکه‌های مخابراتی و حتی فابریکه‌های یخ و ذخیره آب، در اکثر ولسوالی‌ها مورد نیاز است و نشان می‌دهد که جامعه علاوه بر زیرساخت‌های اساسی، به خدمات مکمل برای مدیریت آب، امنیت محیطی و بهبود زندگی شهری و روستایی نیز نیازمند است.

به طور کلی، داده‌ها نشان می‌دهند که نیاز به خدمات زیربنایی در کمر فوری و گسترده است و برنامه‌های توسعه‌ای باید به صورت منطقه‌ای و ترکیبی طراحی شوند؛ مناطقی با درصد بالای نیاز، مانند شلتن، دره پیچ، چپه‌دره و خاص کمر، باید در اولویت بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها قرار گیرند، در حالی که مناطقی با نیاز نسبتاً پایین‌تر، مانند سرکانو و اسمار، می‌توانند بیشتر بر بهبود کیفیت خدمات و نگهداری زیرساخت‌های موجود تمرکز کنند.



گراف 123: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های کتر

27.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت هلمند

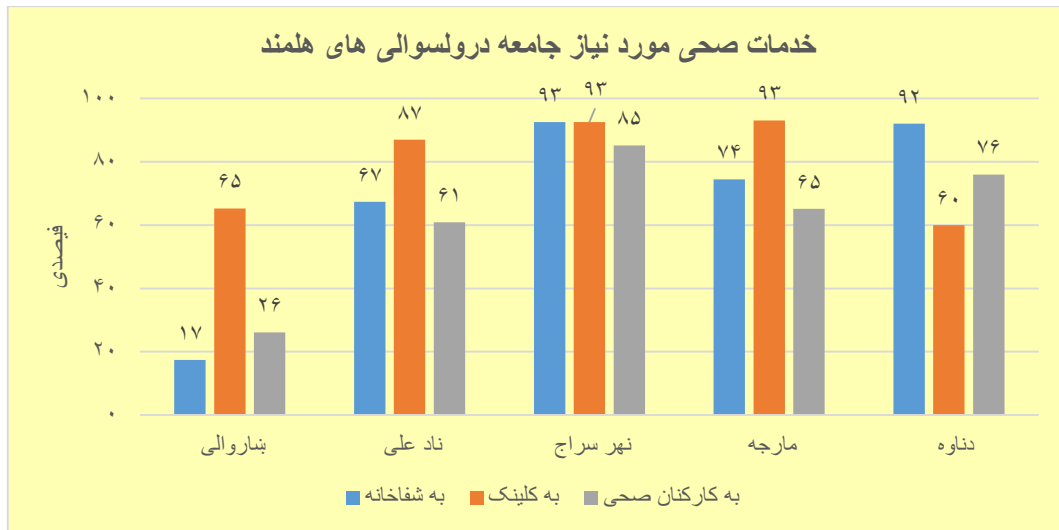
ولسوالی های مختلف ولایت هلمند با چالش های متعددی در زمینه ارائه خدمات اساسی روبه رو هستند که شامل بخش های صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی می باشد. تحلیل نیازهای جامعه نشان می دهد که مردم هر ولسوالی با کمبودهای متفاوت و متناسب با شرایط محلی مواجه اند و این کمبودها تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی، سلامت، معیشت و فرصت های اقتصادی آنان دارد. در بخش صحتی، دسترسی محدود به شفاخانه ها، کلینیک ها و کارکنان صحتی و همچنین کمبود ادویه جات و تجهیزات پزشکی باعث آسیب پذیری جامعه شده است. در حوزه تعلیمی، نیاز به مکاتب، آموزش های کوتاه مدت، کتاب ها و خدمات حمایتی آموزشی به ویژه در ولسوالی هایی مانند نهر سراج و مارجه بسیار برجسته است. بخش زراعتی نیز با کمبود تخم های اصلاح شده، خدمات باغ داری و مال داری و تجهیزات زراعتی مواجه است و این موضوع باعث محدود شدن تولید و معیشت دهقانان شده است. در زمینه کاریابی، نیاز به فرصت های شغلی، مشوره دهی و آموزش های حرفه ای در بسیاری از ولسوالی ها به ویژه نهر سراج و دناوه بسیار بالا است، که نشان دهنده بیکاری گسترده و ضرورت توسعه مهارت های حرفه ای می باشد. همچنین خدمات زیربنایی، شامل آب آشامیدنی، برق، سرک ها و زیرساخت های حمایتی، در اکثر ولسوالی ها با کمبود جدی روبه رو است و بدون توسعه این خدمات، سایر بخش ها نیز نمی توانند به طور کامل کارآمد باشند.

با توجه به جمعیت تحت پوشش این خدمات، تعداد افراد نیازمند در هر ولسوالی قابل توجه است: شهر والی با ۲۳۲۴۶ نفر، ناد علی با ۶۲۷۱۴ نفر، نهر سراج با ۴۰۲۳۵ نفر، مارجه با ۳۱۷۱۰ نفر و دناوه با ۱۷۳۶۰ نفر، که نشان دهنده گستردگی نیازها و ضرورت اقدامات هدفمند و فوری در تمام حوزه ها برای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه پایدار این ولایت می باشد.

1.27.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه هلمند

گراف (124)، نشان می دهد که ساختار و نوع نیازهای صحتی مردم در ولسوالی های مختلف ولایت هلمند یک سان نیست و بیشتر متأثر از سطح دسترسی، تراکم نفوس و امکانات موجود صحتی می باشد. بلند بودن فیصدی مراجعه به شفاخانه در نهر سراج، مارجه و دناوه (بیش از ۷۴٪ تا ۹۳٪) نشان می دهد که یا کلینیک های محلی توانایی پاسخ گویی به نیازهای صحتی را ندارند یا هم بیماری ها در این ولسوالی ها در سطحی است که مردم مجبور به مراجعه به مراکز بزرگ تر صحتی می شوند. در مقابل، پایین بودن نیاز به شفاخانه در شهر والی (۱۷٪) می تواند بیانگر دسترسی بهتر به خدمات ابتدایی صحتی یا تمرکز بیشتر مردم بر کلینیک ها باشد. فیصدی بلند مراجعه به کلینیک ها در اکثر ولسوالی ها، به ویژه در ناد علی، نهر سراج و مارجه (۸۷٪ تا ۹۳٪)، نشان دهنده نقش حیاتی این مراکز در تأمین خدمات ابتدایی صحتی است، اما هم زمان فشار بیش از حد بر این مراکز را نیز برجسته می سازد. نیاز قابل توجه به کارکنان صحتی، به خصوص در نهر سراج، دناوه و مارجه، نشان می دهد که کمبود داکتران، نرس ها و

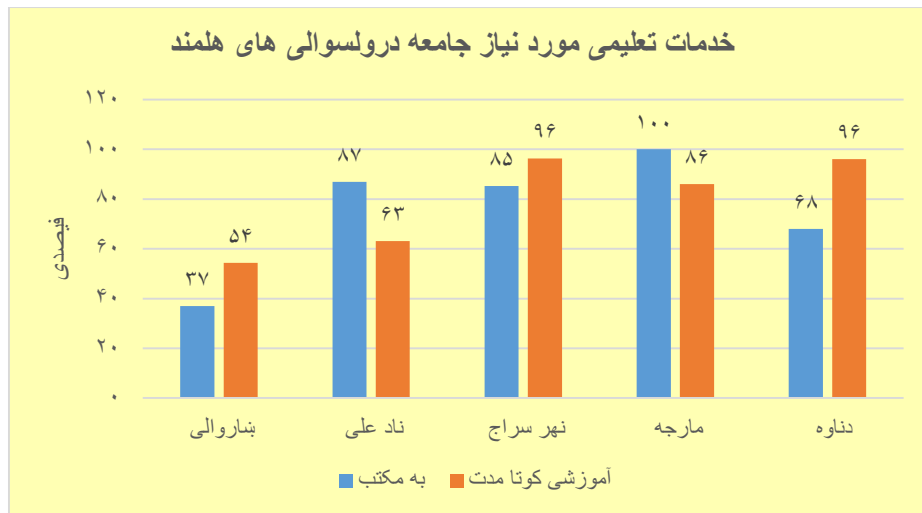
قابله‌ها یکی از چالش‌های اساسی این ولسوالی‌ها است. همچنان ذکر مکرر ادویه‌جات به‌عنوان سایر خدمات صحتی بیانگر کمبود دوام‌دار دوا و ضعف در زنجیره تأمین ادویه می‌باشد. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که بهبود وضعیت صحتی در هلمند نیازمند سرمایه‌گذاری هم‌زمان بر توسعه زیرساخت‌های شفاخانه‌ای، تقویت کلینک‌ها، افزایش و آموزش کارکنان صحتی و تأمین پایدار ادویه‌جات است تا خدمات صحتی به‌گونه عادلانه و مؤثر به تمام ولسوالی‌ها عرضه گردد.



گراف 124: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های هلمند

2.27.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه هلمند

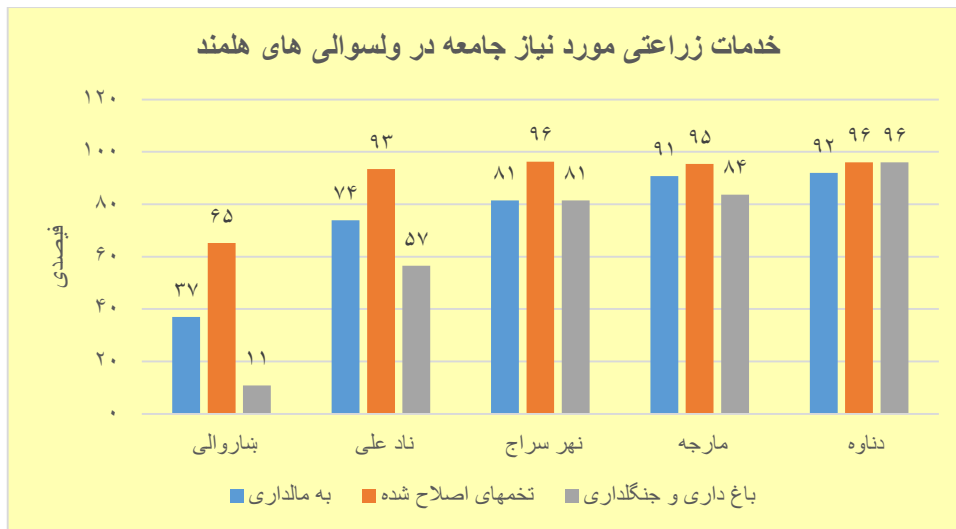
گراف (125)، بازتاب‌دهنده وضعیت نابرابر دسترسی و نیازهای متفاوت تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت هلمند است. بلندترین میزان نیاز به مکتب در ولسوالی مارجه (۱۰۰٪) نشان می‌دهد که تقریباً تمام جامعه با کمبود شدید مکاتب یا ظرفیت ناکافی آن‌ها روبه‌رو است، در حالی که ناد علی و نهر سراج با بیش از ۸۵٪ نیز در وضعیت هشداردهنده قرار دارند که می‌تواند ناشی از رشد نفوس، تخریب زیربناها یا کمبود معلمین باشد. پایین‌ترین میزان نیاز به مکتب در شهر والی (۳۷٪) بیانگر تمرکز نسبی امکانات تعلیمی در این منطقه است، اما این امر به‌معنای رفع کامل نیازها نیست. در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، فیصدی بسیار بلند در نهر سراج و دناوه (۹۶٪) و همچنان مارجه (۸۶٪) نشان‌دهنده تقاضای جدی برای آموزش‌های مهارتی، سوادآموزی و برنامه‌های تعلیمی انعطاف‌پذیر است که می‌تواند به بهبود معیشت و کاهش بیکاری کمک نماید. این نیاز در شهر والی و ناد علی نیز قابل توجه است و نشان می‌دهد که آموزش‌های غیررسمی در کنار مکاتب رسمی اهمیت روزافزون یافته است. در بخش سایر خدمات تعلیمی، تأکید بر کتاب‌های درسی، قرطاسیه، سمینارهای آموزشی، معلمین مسلکی و اعمار تعمیر مکاتب و مدارس دینی بیانگر ضعف خدمات حمایتی و کیفیت آموزش می‌باشد؛ در عین حال، نبود فیصدی مشخص در نهر سراج و مارجه می‌تواند نشان‌دهنده کمبود این خدمات یا ضعف در سیستم جمع‌آوری معلومات باشد. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که بهبود وضعیت تعلیمی در هلمند نیازمند یک رویکرد همه‌جانبه است که هم‌زمان بر گسترش زیربناها، افزایش ظرفیت و مهارت معلمین، توسعه آموزش‌های کوتاه‌مدت و تأمین منابع آموزشی تمرکز داشته باشد تا عدالت تعلیمی میان ولسوالی‌ها تأمین گردد.



گراف 125: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند

3.27.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه هلمند

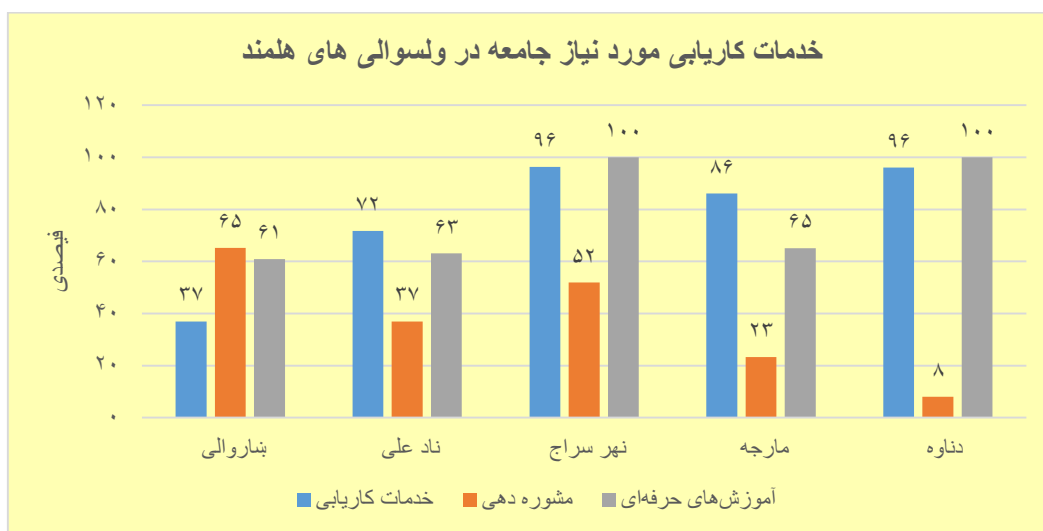
گراف (126)، نشان می‌دهد که زراعت و مالداری ستون اصلی معیشت مردم در ولسوالی‌های مختلف ولایت هلمند است و میزان بلند نیازها بیانگر کمبود گسترده خدمات حمایتی و تخنیکی می‌باشد. در بخش مالداری، بلند بودن فیصدی نیاز در مارجه (۹۱٪) و دناوه (۹۲٪) نشان می‌دهد که اکثریت خانواده‌ها به پرورش مواشی وابسته‌اند، اما دسترسی محدود به واکسین، خدمات و ترنری و مشوره‌های مسلکی باعث آسیب‌پذیری معیشت آنان شده است؛ در مقابل، پایین بودن این نیاز در شهر والی (۳۷٪) بیانگر وابستگی کمتر به مالداری و یا دسترسی بهتر به خدمات موجود است. در بخش تخم‌های اصلاح شده، تقریباً تمام ولسوالی‌ها با نیاز بسیار بلند (بیش از ۹۳٪) روبه‌رو اند که نشان‌دهنده مشکلات جدی در کیفیت تخم، پایین بودن حاصلات و ضرورت فوری به معرفی تکنالوژی‌های نوین زراعتی می‌باشد. همچنان افزایش تدریجی نیاز به باغ‌داری و جنگل‌داری از شهر والی (۱۱٪) تا دناوه (۹۶٪) بیانگر ظرفیت‌های بالقوه اما استفاده‌نشده در این بخش است که می‌تواند به تنوع معیشت و حفاظت محیط زیست کمک نماید. در بخش سایر خدمات زراعتی، تأکید مردم بر ایجاد مارکیت برای محصولات، دسترسی به افراد مسلکی، ادویه‌جات زراعتی، ماشین‌آلات، آب زراعتی و زیرساخت‌هایی چون دیوارهای استنادی، پل و پلچک نشان می‌دهد که چالش‌های زراعتی تنها تخنیکی نیست، بلکه به زنجیره ارزش، مدیریت منابع طبیعی و زیربناهای روستایی نیز ارتباط مستقیم دارد. در مجموع، گراف بیانگر این واقعیت است که بدون سرمایه‌گذاری هدفمند در خدمات زراعتی، تقویت ظرفیت‌های دهقانان و بهبود زیرساخت‌ها، توسعه پایدار زراعت و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های روستایی در هلمند ممکن نخواهد بود.



گراف 126: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند

4.27.4. خدمات کاريابی مورد نیاز جامعه هلمند

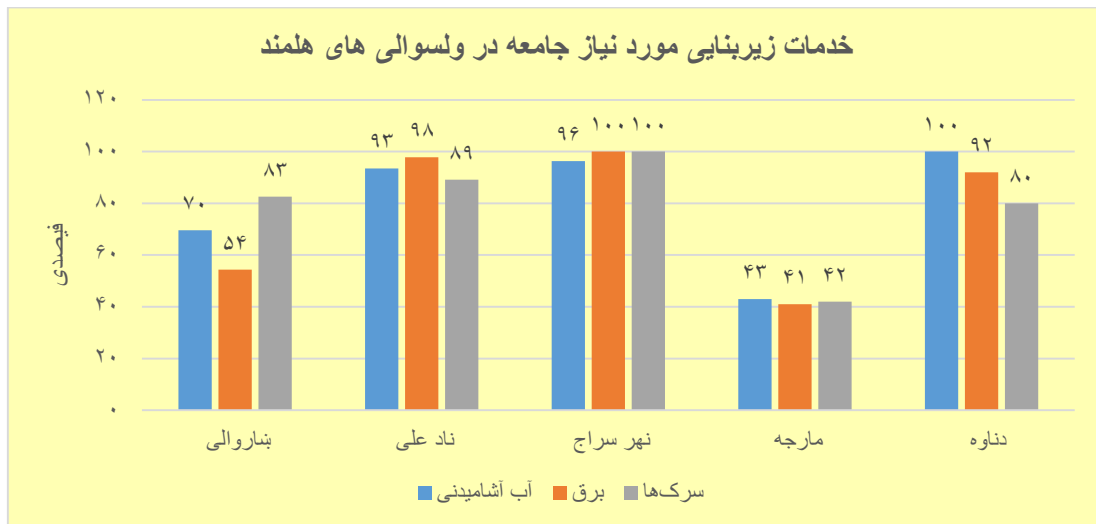
گراف (127)، بیانگر چالش بیکاری و کمبود فرصت‌های کاری در ولسوالی‌های مختلف ولایت هلمند است و نشان می‌دهد که مردم بیش از هر چیز به اقدامات عملی و مهارت‌محور نیاز دارند. بلند بودن نیاز به فرصت‌های کاری در نهر سراج و دناوه (۹۶٪) و همچنان در مارجه (۸۶٪) بیانگر آن است که ساختار اقتصادی این ولسوالی‌ها ظرفیت جذب نیروی کار را ندارد و وابستگی مردم به زراعت سنتی یا کارهای موسمی باعث ناپایداری عایدات شده است؛ در مقابل، پایین‌تر بودن این نیاز در شهر والی می‌تواند ناشی از دسترسی نسبی به بازار، ادارات و فعالیت‌های خدماتی باشد. در بخش مشوره‌دهی کاری، نیاز بلند در شهر والی (۶۵٪) و نهر سراج (۵۲٪) نشان می‌دهد که جوانان و جویندگان کار با کمبود راهنمایی در زمینه انتخاب شغل، مسیر شغلی و استفاده از فرصت‌ها روبه‌رو اند، در حالی که پایین بودن این نیاز در مارجه و دناوه احتمالاً بیانگر اولویت مردم به کار عملی و فوری نسبت به خدمات مشورتي است. در بخش آموزش‌های حرفه‌ای، رسیدن نیاز به سطح ۱۰۰٪ در نهر سراج و دناوه نشان‌دهنده آمادگی کامل جامعه برای فراگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و تغییر از کارهای غیرماهرانه به مشاغل پایدارتر می‌باشد؛ این وضعیت در سایر ولسوالی‌ها نیز با فیصدی‌های نسبتاً بلند، ضرورت گسترش آموزش‌های مهارتی را تأیید می‌کند. تأکید مکرر بر ایجاد زمینه کار در بخش سایر خدمات کاريابی نشان می‌دهد که بدون سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی، کارآفرینی محلی و اتصال آموزش‌ها به بازار کار، تلاش‌های کاريابی نتیجه مطلوب نخواهد داشت. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که بهبود وضعیت اشتغال در هلمند نیازمند یک رویکرد جامع است که هم‌زمان بر ایجاد فرصت‌های واقعی کاری، توسعه مهارت‌های حرفه‌ای، تقویت مشوره‌دهی شغلی و انکشاف اقتصاد محلی در هر ولسوالی تمرکز نماید.



گراف 127: خدمات کاريابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند

5.27.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه هلمند

گراف (128)، نشان می‌دهد که وضعیت خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های هلمند نابرابر و نیازمند توجه فوری است. در بخش آب آشامیدنی، دناوه با ۱۰۰٪ و نهر سراج با ۹۶٪ بالاترین نیاز را دارند، که نشان‌دهنده کمبود منابع پایدار و مشکلات دسترسی به آب سالم است؛ در مقابل، مارجه با ۴۳٪ نیاز پایین‌تر، احتمالاً از منابع محلی یا شبکه‌های محدود بهره‌مند است، اما همچنان نیاز به بهبود دارد. بخش برق نیز وضعیت مشابهی دارد؛ نهر سراج با ۱۰۰٪ و ناد علی با ۹۸٪ نیاز شدید به برق دارند، که نشان‌دهنده ضعف شبکه توزیع و احتمال قطع مکرر برق است، در حالی که شهر والی و مارجه نیاز نسبی کمتری دارند، اما این به معنای رفع کامل مشکل نیست. در حوزه سرک‌ها، نیاز بالای نهر سراج و ناد علی (به ترتیب ۱۰۰٪ و ۸۹٪) بیانگر اهمیت حیاتی مسیرهای ارتباطی برای حمل‌ونقل مردم، کالاها و دسترسی به خدمات اساسی است، در حالی که مارجه با ۴۲٪ وضعیت نسبتاً بهتری دارد. سایر خدمات زیربنایی مانند اعمار بند آب، کانال‌ها، پل‌ها، دیوارهای استنادی، شبکه‌های مخابراتی، کانکریتری و کوچه‌ها و شبکه‌های ذخیره آب آشامیدنی نشان‌دهنده ضرورت اقدامات جامع و هماهنگ است؛ به عبارت دیگر، مشکل تنها کمبود یک نوع زیرساخت نیست، بلکه ضعف هم‌زمان در چندین بخش باعث محدودیت شدید توسعه و کیفیت زندگی مردم شده است. بنابراین، گراف نشان می‌دهد که برای بهبود وضعیت زیربنایی در هلمند، باید یک برنامه جامع و منطقه‌ای طراحی شود که هم توسعه منابع آب و برق، هم بازسازی سرک‌ها و پل‌ها، و هم گسترش خدمات مخابراتی و شبکه‌های آبرسانی را در بر گیرد تا زندگی روزمره مردم و دسترسی آنان به خدمات اساسی بهبود یابد.



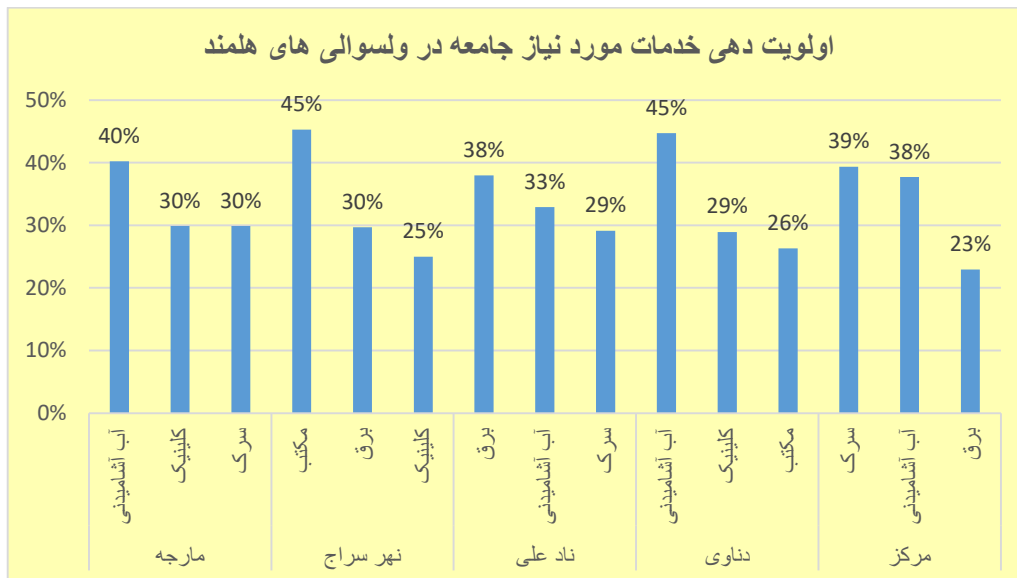
گراف 128: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های هلمند

6.27.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه هلمند

گراف (129)، نشان می‌دهد که اولویت خدمات مورد نیاز در ولسوالی‌های مختلف ولایت هلمند متفاوت است و تمرکز مردم بر تأمین نیازهای اساسی زندگی و زیرساخت‌ها می‌باشد. در مارجه، بیشترین نیاز مربوط به آب آشامیدنی با ۴۰٪ است و کلینیک و سرک هر کدام ۳۰٪ سهم دارند، که بیانگر کمبود شدید منابع آب سالم و خدمات صحتی و همچنین ضعف شبکه راه‌هاست. در نهر سراج، اولویت نخست مردم مکتب با ۴۵٪ است، و برق و کلینیک به ترتیب با ۳۰٪ و ۲۵٪ نیاز بعدی را تشکیل می‌دهند؛ این نشان می‌دهد که علاوه بر آموزش، دسترسی به انرژی و خدمات صحتی نیز برای جامعه اهمیت دارد. در ناد علی، برق با ۳۸٪ بالاترین اولویت را دارد، پس از آن آب آشامیدنی با ۳۳٪ و سرک با ۲۹٪ قرار گرفته است، که بیانگر وابستگی زیاد مردم به برق و منابع آب و مشکلات زیرساختی راه‌هاست. در دناوه، نیاز اصلی مردم به آب آشامیدنی با ۴۵٪ است و کلینیک و مکتب به ترتیب ۲۹٪ و ۲۶٪ اهمیت دارند، که وضعیت کمبود منابع آب و خدمات پایه‌ای آموزشی و صحتی را نشان می‌دهد. در مرکز ولایت،

اولویت‌ها شامل سرک با ۳۹٪، آب آشامیدنی با ۳۸٪ و برق با ۲۳٪ است، که تمرکز بر دسترس‌ی به راه‌های ارتباطی و تأمین آب سالم را برجسته می‌سازد. به طور کلی، جدول نشان می‌دهد که در تمام ولسوالی‌ها آب آشامیدنی، خدمات صحتی، برق، سرک و مکتب به عنوان نیازهای اصلی مردم اولویت دارند، اما میزان اهمیت هر یک متناسب با شرایط محلی و کمبودهای موجود متفاوت است و برنامه‌ریزی خدماتی باید بر اساس این اولویت‌ها انجام شود.

اگر به خدمات یاد شده در ولسوالی‌های مختلف هلمند رسیدگی شود، تأثیرات آن بر زندگی مردم و توسعه منطقه می‌تواند گسترده و پایدار باشد. اولاً، تأمین آب آشامیدنی سالم باعث کاهش بیماری‌های منتقله از طریق آب، بهبود سلامت عمومی و کاهش هزینه‌های درمانی می‌شود و زندگی روزمره مردم را آسان‌تر می‌سازد. ثانیاً، تقویت کلینیک‌ها و خدمات صحتی باعث دسترسی بهتر به مراقبت‌های اولیه و تخصصی، کاهش مرگ و میر و افزایش اعتماد جامعه به سیستم صحتی خواهد شد. ثالثاً، توسعه سرک‌ها و مسیرهای ارتباطی، حمل‌ونقل کالاها و خدمات را تسهیل کرده و دسترسی مردم به بازارها، مراکز تعلیمی و صحتی را افزایش می‌دهد و فعالیت‌های اقتصادی را رونق می‌بخشد. علاوه بر این، تأمین برق پایدار و شبکه‌های انرژی، امکان روشنایی، سرمایش و استفاده از وسایل برقی را فراهم می‌کند و شرایط آموزش، کار و کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد. نهایتاً، ارتقای مکاتب و آموزش سبب افزایش سواد، مهارت‌های فنی و ظرفیت نیروی انسانی خواهد شد که به توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه کمک می‌کند. در مجموع، رسیدگی هدفمند به این خدمات باعث بهبود کیفیت زندگی، کاهش فقر، افزایش بهره‌وری و ایجاد شرایط پایدار برای رشد اجتماعی و اقتصادی در تمام ولسوالی‌های هلمند خواهد شد.



گراف 129: اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های هلمند

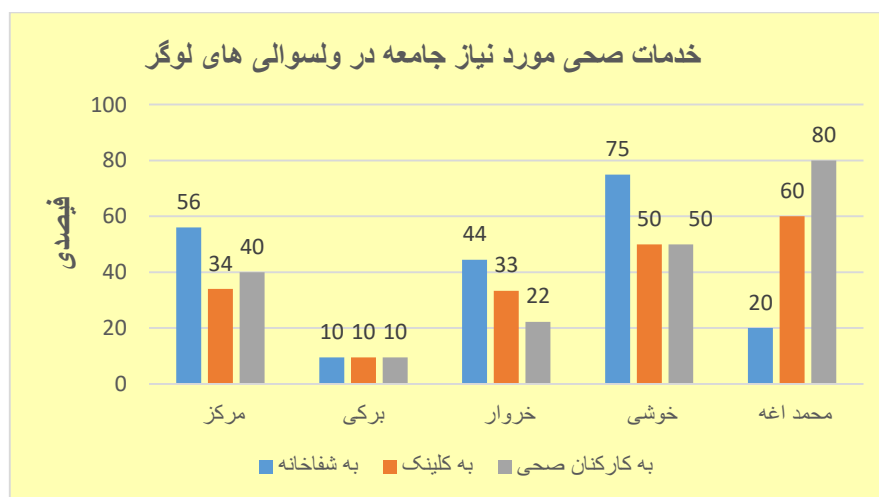
28.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت لوگر

نیازهای جامعه در بخش‌های صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت لوگر نشان می‌دهد که مردم این ولایت با چالش‌های گسترده و چندبعدی روبه‌رو هستند که به طور مستقیم بر سطح زندگی، معیشت، صحت، آموزش و ثبات اقتصادی آنان تأثیر گذاشته است. نتایج تحلیل جداول بیانگر آن است که هر ولسوالی با توجه به وضعیت جغرافیایی، تراکم نفوس، سطح دسترسی به خدمات عامه و فرصت‌های اقتصادی، نیازهای متفاوت اما در بسیاری موارد فوری و حیاتی دارد. کمبود مراکز و کارکنان صحتی، دسترسی محدود به مکاتب و آموزش‌های مهارتی، ضعف خدمات زراعتی و مالداری، بیکاری گسترده به‌ویژه در میان جوانان، و نبود یا کمبود شدید زیرساخت‌های اساسی مانند برق، آب آشامیدنی و سرک‌ها، همگی نشان‌دهنده ضرورت اقدامات هماهنگ، هدفمند و پایدار انکشافی در سطح ولایت لوگر می‌باشد. این تحلیل تأکید می‌کند که توسعه متوازن و پاسخ‌گو به نیازهای واقعی مردم، تنها از طریق برنامه‌ریزی جامع و اولویت‌بندی ولسوالی‌های آسیب‌پذیر امکان‌پذیر است.

بر اساس معلومات ارائه شده، بیشترین تعداد افراد نیازمند به خدمات در ولسوالی مرکز با ۱۳۳'۸۲۰ نفر ثبت شده است که به دلیل وسعت جغرافیایی، تعداد زیاد قریه‌ها و تمرکز نفوس، فشار بیشتری بر خدمات اساسی وارد می‌نماید. پس از آن ولسوالی برکی با ۴۴'۰۹۰ نفر و ولسوالی خروار با ۲۲'۲۳۰ نفر در رده‌های بعدی قرار دارند. ولسوالی محمد آغه با ۱۱'۰۰۰ نفر و ولسوالی خوشی با ۳'۹۰۰ نفر، هرچند از نظر نفوس کمتر هستند، اما طبق تحلیل‌های بخشی، در برخی حوزه‌ها مانند برق، کاریابی، آموزش‌های حرفه‌ای و خدمات زراعتی از آسیب‌پذیری بالایی برخوردار می‌باشند. در مجموع، این ارقام نشان می‌دهد که ده‌ها هزار تن از باشندگان ولایت لوگر به‌گونه مستقیم نیازمند دسترسی به خدمات اساسی اند و بی‌توجهی به این نیازها می‌تواند پیامدهای منفی اجتماعی، اقتصادی و انسانی در پی داشته باشد.

1.28.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه لوگر

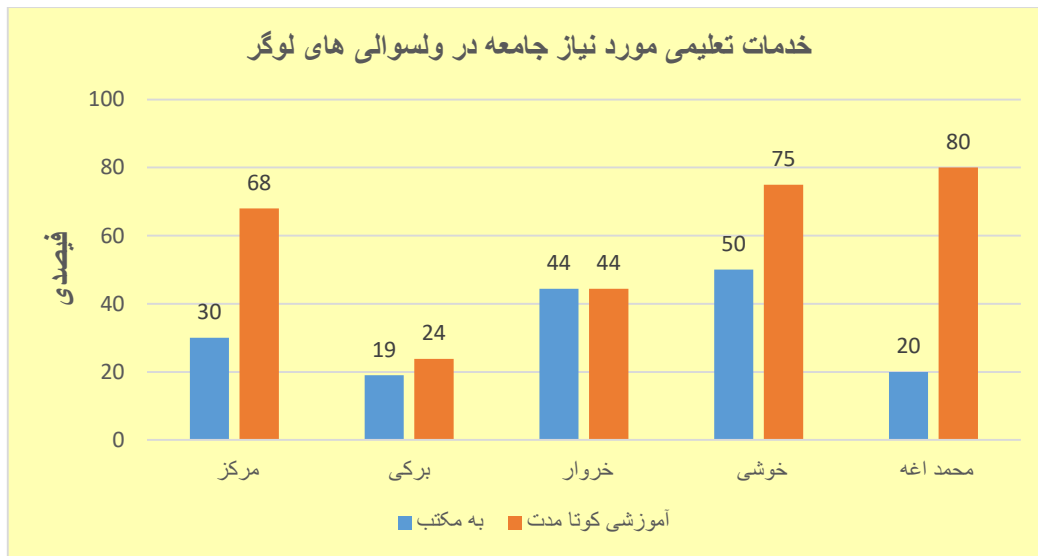
گراف (130)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات صحی در ولسوالی‌های مختلف ولایت لوگر متفاوت اما در مجموع قابل توجه است. ولسوالی خوشی بیشترین نیاز به شفاخانه را با ۷۵ درصد دارد که بیانگر کمبود شدید خدمات درمانی در این ولسوالی است، در حالی که مرکز ولایت نیز با ۵۶ درصد نیاز بالا به شفاخانه مواجه می‌باشد. نیاز به کلینیک در ولسوالی محمد آغه (۶۰ درصد) و خوشی (۵۰ درصد) بیشتر از سایر ولسوالی‌هاست که نشان‌دهنده تمرکز جمعیت و دسترسی محدود به مراکز صحی محلی است. از نظر نیاز به کارکنان صحی، ولسوالی محمد آغه با ۸۰ درصد در صدر قرار دارد که کمبود نیروی انسانی صحی را به‌خوبی نشان می‌دهد، در حالی که ولسوالی برکی در همه شاخص‌ها کمترین درصد نیاز (۹,۵ درصد) را دارد. همچنان در بخش سایر خدمات صحی، نیاز به تجهیزات مدرن، واکسین اطفال و آمبولانس به‌ویژه در مرکز ولایت و ولسوالی برکی مطرح شده است، در حالی که در سایر ولسوالی‌ها هیچ‌گونه خدمات اضافی گزارش نشده که می‌تواند نشان‌دهنده یا نبود امکانات پایه‌ای یا کم‌توجهی در ثبت نیازها باشد.



گراف 130: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های لوگر

2.28.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه لوگر

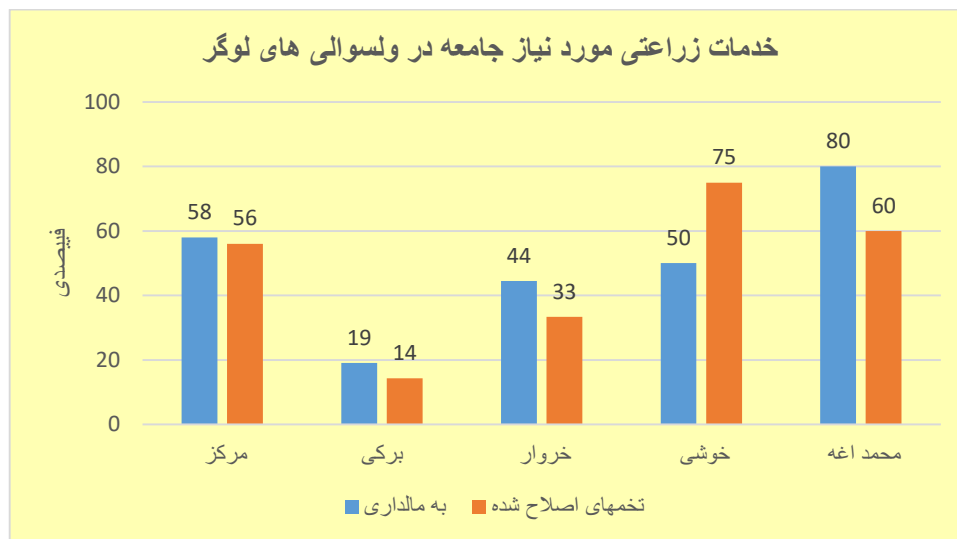
گراف (131)، بیانگر آن است که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت لوگر به‌گونه نابرابر اما در مجموع بالا می‌باشد. ولسوالی خوشی با ۵۰ درصد بیشترین نیاز به مکتب را دارد که نشان‌دهنده کمبود زیرساخت‌های آموزشی رسمی در این ولسوالی است، در حالی که ولسوالی خروار نیز با ۴۴ درصد در سطح نسبتاً بلند قرار دارد. از نگاه آموزش‌های کوتاه‌مدت، ولسوالی محمد آغه با ۸۰ درصد و خوشی با ۷۵ درصد بیشترین نیاز را نشان می‌دهند که بیانگر تقاضای بلند برای مهارت‌آموزی و آموزش‌های کاربردی در میان مردم است. ولسوالی مرکز نیز با ۶۸ درصد نیاز قابل توجه به آموزش‌های کوتاه‌مدت دارد که می‌تواند به بهبود ظرفیت‌های بشری کمک نماید. در مقابل، ولسوالی برکی در هر دو بخش مکتب و آموزش کوتاه‌مدت درصد پایین‌تری را نشان می‌دهد که احتمالاً ناشی از دسترسی بهتر به خدمات تعلیمی یا جمعیت کمتر است. همچنان بخش سایر خدمات، به‌ویژه در ولسوالی مرکز و برکی، به آموزش‌های مرتبط با زراعت و فراهم سازی تجهیزات اشاره دارد که پیوند میان آموزش و بهبود معیشت را برجسته می‌سازد، در حالی که در سایر ولسوالی‌ها این نیازها گزارش نشده است.



گراف 131: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر

3.28.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه لوگر

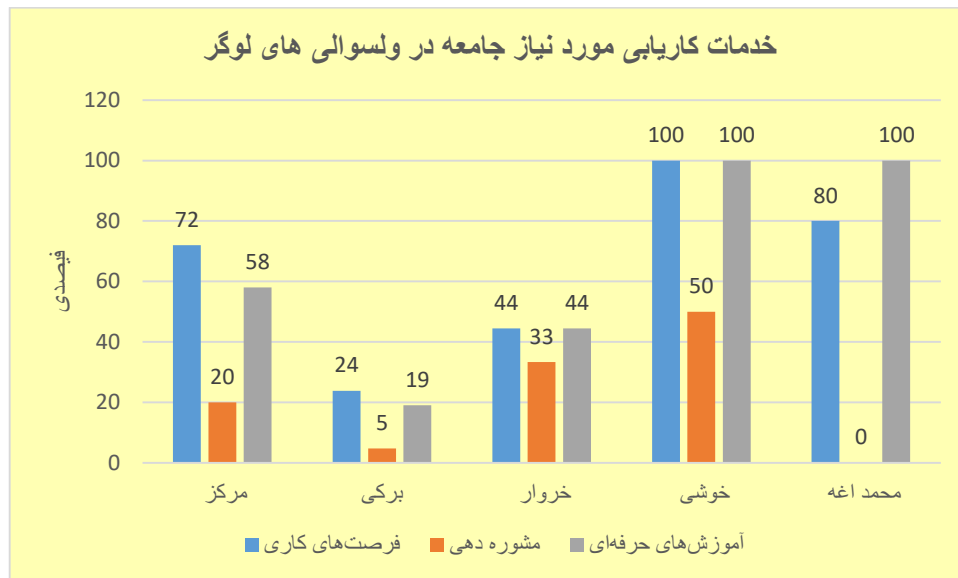
گراف (132)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی های مختلف ولایت لوگر به صورت گسترده و متفاوت احساس می‌شود. ولسوالی محمد آغه با ۸۰ درصد بیشترین نیاز به خدمات مالداری را دارد که وابستگی بلند معیشت مردم این ولسوالی به دامداری را برجسته می‌سازد، در حالی که مرکز ولایت نیز با ۵۸ درصد در سطح بلند قرار دارد. در بخش تخم‌های اصلاح شده، ولسوالی خوشی با ۷۵ درصد بیشترین نیاز را نشان می‌دهد که بیانگر تلاش برای افزایش حاصل‌دهی زمین‌های زراعتی است، در حالی که محمد آغه و مرکز نیز نیاز قابل توجهی دارند. از نگاه باغداری و جنگلداری، ولسوالی خوشی با ۱۰۰ درصد نیاز در وضعیت بسیار بحرانی قرار دارد که نشان‌دهنده کمبود شدید این خدمات و ظرفیت‌های مرتبط است. ولسوالی های مرکز، خروار و محمد آغه نیز نیاز متوسط تا بلند را نشان می‌دهند، در حالی که برکی در تمام شاخص‌ها کمترین میزان نیاز را دارد. همچنان در بخش سایر خدمات زراعتی، ولسوالی مرکز و برکی بر نیاز به آموزش شیوه‌های نوین کشت، تجهیزات زراعتی، معیاری‌سازی سیستم آبیاری، تراکتور، بازار مناسب برای محصولات و آب زراعتی تأکید کرده‌اند که اهمیت توسعه همه‌جانبه زراعت را برای بهبود معیشت مردم نشان می‌دهد، در حالی که در سایر ولسوالی‌ها این نیازها گزارش نشده است.



گراف 132: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر

4.28.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه لوگر

گراف (133)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کارایی در ولایت لوگر نه تنها گسترده بلکه ساختاری و عمیق است و میان ولسوالی‌ها تفاوت‌های معنادار دارد. ولسوالی خوشی با ثبت ۱۰۰ درصد نیاز به فرصت‌های کاری و آموزش‌های حرفه‌ای، آسیب‌پذیرترین و وضعیت را دارد که نشان‌دهنده بیکاری مزمن، محدودیت شدید منابع معیشتی و نبود مهارت‌های قابل عرضه در بازار کار است؛ این وضعیت می‌تواند زمینه‌ساز مهاجرت، فقر و آسیب‌های اجتماعی گردد. ولسوالی محمد آغه نیز با ۸۰ درصد نیاز به فرصت‌های کاری و ۱۰۰ درصد نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای، بیانگر جمعیت فعال اما فاقد مهارت‌های فنی و دسترسی به فرصت‌های شغلی پایدار است، هرچند عدم گزارش نیاز به مشوره‌دهی می‌تواند نشان‌دهنده آگاهی پایین از اهمیت این خدمات یا نبود نهادهای مربوطه باشد. در ولسوالی مرکز، سطح بلند نیاز به فرصت‌های کاری (۷۲ درصد) و آموزش‌های حرفه‌ای (۵۸ درصد) بیانگر فشار جمعیتی، تمرکز جوانان جویای کار و ناکافی بودن ظرفیت بازار کار شهری است که لزوم سرمایه‌گذاری در کارآفرینی، صنایع کوچک و خدمات حمایتی را برجسته می‌سازد. ولسوالی خروار با نیاز متوسط اما قابل توجه در همه شاخص‌ها، نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه برای توسعه متوازن است، در حالی که ولسوالی برکی با پایین‌ترین درصدها، یا از وضعیت نسبی بهتر برخوردار است یا نیازها به‌درستی شناسایی و ثبت نشده‌اند. همچنان بخش «سایر خدمات کارایی» که برقرضه‌های کوچک، فارم‌های مرغداری، سرمایه‌گذاری برای جوانان و ایجاد فابریکه‌های تولیدی و فرصت‌های اقتصادی برای زنان تأکید دارد، نشان می‌دهد که جامعه صرفاً خواهان کار مزدوری نیست، بلکه به دنبال خوداشتغالی، توانمندسازی اقتصادی و ایجاد مشاغل پایدار و محلی است؛ موضوعی که می‌تواند با برنامه‌های هدفمند مهارت‌آموزی، دسترسی به سرمایه و حمایت نهادی، نقش کلیدی در کاهش بیکاری و بهبود ثبات اجتماعی در ولایت لوگر ایفا کند.



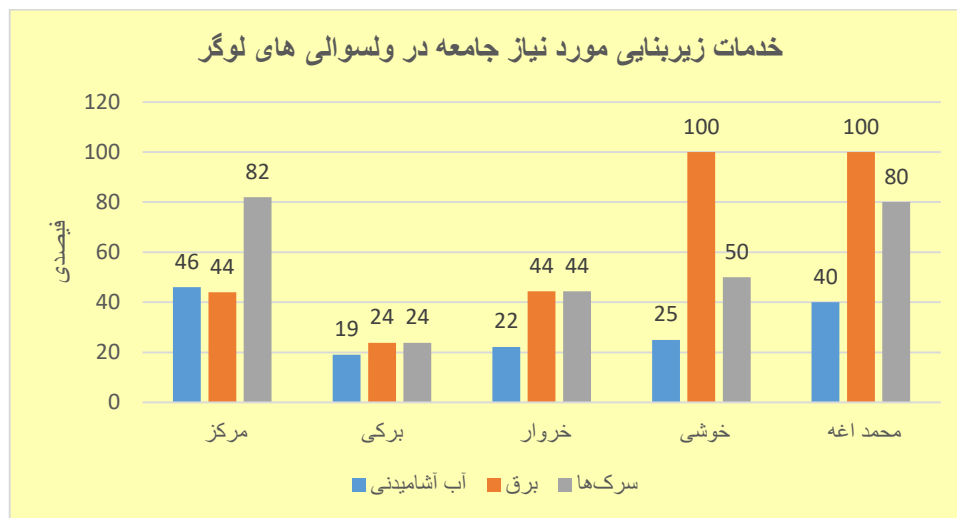
گراف 133: خدمات کارایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر

5.28.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه لوگر

این (134)، نشان می‌دهد که با تحلیل عمیق‌تر جدول می‌توان گفت که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولایت لوگر یک نیاز اساسی، چندبعدی و به‌شدت وابسته به شرایط جغرافیایی، اقتصادی و جمعیتی هر ولسوالی است. در بخش آب آشامیدنی، هرچند درصدها نسبتاً متوسط به نظر می‌رسند، اما همین ارقام (به‌ویژه در ولسوالی‌های مرکز و محمد آغه) نشان‌دهنده تهدید مستقیم برای صحت عامه و افزایش بیماری‌های ناشی از آب ناسالم است که می‌تواند فشار مضاعف بر خدمات صحتی وارد کند. در بخش برق، وضعیت ولسوالی‌های خوشی و محمد آغه با ثبت ۱۰۰ درصد نیاز، کاملاً بحرانی است؛ نبود برق نه تنها زندگی روزمره مردم را مختل می‌سازد، بلکه مانع رشد صنایع کوچک، خدمات آموزشی، صحتی و توسعه اقتصادی محلی می‌گردد و وابستگی مردم به منابع سنتی انرژی را افزایش می‌دهد.

از نگاه سرک‌ها، نیاز بسیار بلند در ولسوالی مرکز و محمد آغه نشان می‌دهد که ضعف شبکه ترانسپورتی باعث انزوای قریه‌ها، افزایش هزینه انتقال محصولات زراعتی و محدود شدن دسترسی مردم به بازارها، مکاتب و مراکز صحتی شده است. ولسوالی خوشی با وجود نیاز متوسط به سرک، به دلیل نبود برق و سایر زیرساخت‌ها، همچنان در وضعیت محرومیت انکشافی قرار دارد. بخش «سایر خدمات زیربنایی» تصویر روشنی از

اولویت‌های واقعی مردم ارائه می‌کند؛ تمرکز بر دیوارهای استنادی، بندهای آب، سیستم‌های معیاری آبیاری، ترمیم کاریزها و سردخانه‌ها بیانگر آسیب‌پذیری شدید در برابر سیلاب‌ها، ضایعات محصولات زراعتی و مدیریت نادرست منابع آب است. همچنان درخواست ایجاد فابریکه‌های تولیدی، بازارهای فروش، میدان‌های ورزشی، خدمات انترنتی و حتی استخراج معادن و میدان هوایی، نشان می‌دهد که جامعه خواهان گذار از حالت بقا به توسعه پایدار و خودکفایی اقتصادی است. در مجموع، این گراف تأکید می‌کند که پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای زیربنایی در لوگر مستلزم رویکرد جامع، اولویت‌بندی ولسوالی‌های محروم‌تر، پیوند میان زیرساخت و اشتغال، و سرمایه‌گذاری بلندمدت است تا بتوان هم‌زمان کیفیت زندگی، ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی ولایت را بهبود بخشید.



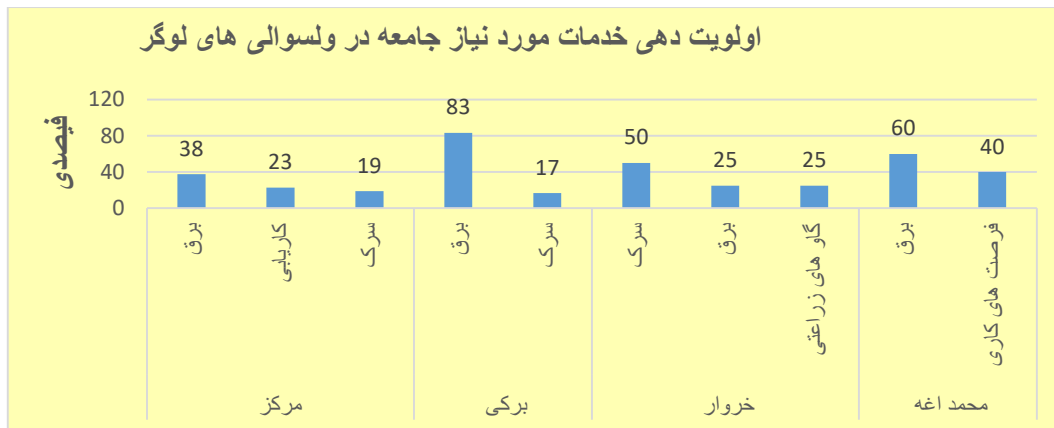
گراف 134: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های لوگر

6.28.4. اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز جامعه لوگر

با تحلیل گراف (135)، می‌توان گفت که اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت لوگر بازتاب‌دهنده نیازهای فوری، واقعی و تأثیرگذار بر زندگی روزمره مردم است و رسیدگی به این خدمات می‌تواند پیامدهای بسیار مثبت و چندبعدی در پی داشته باشد. قرار گرفتن برق در صدر اولویت‌ها در اکثر ولسوالی‌ها، به‌ویژه برکی، محمد آغه و مرکز، نشان می‌دهد که نبود انرژی برق نه تنها رفاه خانواده‌ها را کاهش داده، بلکه مانع اساسی رشد اقتصادی، ایجاد فرصت‌های کاری، توسعه صنایع کوچک، بهبود خدمات صحتی و تعلیمی و حتی امنیت اجتماعی شده است؛ در صورت تأمین برق پایدار، زمینه برای راه‌اندازی کارگاه‌ها، فابریکه‌های کوچک، سردخانه‌ها، خدمات انترنتی و فعالیت‌های آموزشی و صحتی فراهم می‌گردد که به‌گونه مستقیم بیکاری را کاهش می‌دهد.

رسیدگی به مشکل سرک‌ها، که در ولسوالی‌های خروار و مرکز از اولویت‌های اصلی است، می‌تواند انزوای قریه‌ها را از میان بردارد، دسترسی مردم به بازارها، مکاتب و مراکز صحتی را آسان‌تر سازد، هزینه انتقال محصولات زراعتی را کاهش دهد و ارتباط اقتصادی و اجتماعی میان ولسوالی‌ها را تقویت کند. همچنان توجه به کاریابی و فرصت‌های شغلی، به‌ویژه در ولسوالی‌های مرکز و محمد آغه، باعث می‌شود جوانان به‌جای بیکاری و مهاجرت، در فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و زراعتی جذب شوند که این امر ثبات اجتماعی، کاهش فقر و افزایش درآمد خانواده‌ها را در پی دارد. در ولسوالی‌های خروار، سرمایه‌گذاری روی گاوهای زراعتی می‌تواند معیشت دهقانان را تقویت نموده، تولیدات لبنی و زراعتی را افزایش دهد و امنیت غذایی را بهبود بخشد.

در مجموع، اگر به این خدمات اولویت‌دار به‌صورت هدفمند و متوازن رسیدگی شود، نه تنها کیفیت زندگی مردم به‌گونه محسوس بهبود می‌یابد، بلکه زمینه توسعه پایدار، خودکفایی اقتصادی، کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی و افزایش اعتماد مردم به نهادهای خدمات‌رسان فراهم می‌گردد. چنین اقداماتی می‌تواند ولایت لوگر را از وضعیت نیازمندی و محرومیت تدریجاً به سوی ثبات، رشد و انکشاف متوازن سوق دهد.



گراف 135: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لوگر

29.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت غزنی

بررسی جامع نیازهای جامعه در بخش های صحت، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی های مختلف ولایت غزنی نشان می دهد که این نیازها عمیق، متنوع و به گونه ای نابرابر میان ولسوالی ها توزیع شده اند. در بخش صحت، کمبود مراکز درمانی، نیروی انسانی صحت، ادویه و خدمات تشخیصی در بسیاری از ولسوالی ها به ویژه مناطق دورافتاده، دسترسی مردم به خدمات اساسی صحت را به شدت محدود ساخته است. در بخش تعلیمی، اگرچه در برخی ولسوالی ها مکاتب رسمی وجود دارد، اما نیاز جدی به بهبود کیفیت آموزش، آموزش های کوتاه مدت، معلمین مسلکی، مواد درسی و برنامه های بدیل آموزشی به وضوح مشاهده می شود.

بر اساس معلومات ارائه شده، تعداد مجموعی افراد نیازمند به خدمات صحت، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی های مختلف ولایت غزنی به شرح زیر است: مرکز غزنی ۸۳'۶۵۰ نفر، خواجه عمری ۲۸'۱۷۱ نفر، زنخان ۱۶'۱۱۰ نفر، مقر ۱۲'۸۴۱ نفر، رشیدان ۲۳'۳۰۰ نفر، دهیک ۱۴'۱۵۰ نفر، قره باغ ۵'۶۳۰ نفر، اندر ۳۲'۹۶۳ نفر، ناوه ۲۰'۰۰۰ نفر، جغتو ۴۰۰ نفر و جاغوری ۴'۰۰۰ نفر. این ارقام بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از جمعیت ولایت غزنی به گونه ای مستقیم به اقدامات عاجل و هدفمند انکشافی نیازمند بوده و اولویت دهی منابع باید بر اساس حجم جمعیت نیازمند و شدت کمبود خدمات در هر ولسوالی صورت گیرد.

1.29.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه غزنی

تحلیل گراف (136)، نشان می دهد که نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی های مختلف ولایت غزنی الگوی متفاوت اما قابل توجهی دارد و بیشتر بر بهبود دسترسی به خدمات صحتی اولیه، افزایش کارکنان صحتی و تجهیز مراکز موجود تمرکز یافته است تا صرفاً اعمار مراکز درمانی جدید.

در بخش نیاز به شفاخانه، بیشترین میزان تقاضا در ولسوالی های رشیدان، ناوه و جاغوری (همگی ۱۰۰٪) و پس از آن زنخان (۷۵٪)، دهیک و قره باغ (۶۰٪) و مرکز غزنی (۵۷،۷٪) ثبت شده است. در مقابل، در ولسوالی های اندر و جغتو این نیاز صفر گزارش شده که می تواند نشان دهنده تمرکز مردم این مناطق بر خدمات صحتی ابتدایی یا دسترسی نسبی به مراکز درمانی باشد. این وضعیت بیانگر آن است که در برخی ولسوالی ها کمبود خدمات تخصصی و شفاخانه ای همچنان یک چالش جدی محسوب می شود.

در زمینه کلینیک ها، نیاز در ولسوالی های مقر (۷۰٪)، زنخان (۶۸،۸٪)، اندر (۶۶،۷٪) و مرکز غزنی (۶۳،۴٪) نسبتاً بالا است، در حالی که در ولسوالی جغتو (۱۰۰٪) بیشترین میزان تقاضا مشاهده می شود. در مقابل، در ولسوالی های ناوه و جاغوری رقم صفر ثبت شده که احتمالاً نشان دهنده اولویت داشتن سایر خدمات صحتی در این مناطق است. این ارقام نشان می دهد که دسترسی به خدمات صحتی اولیه نزدیک به محل سکونت، یکی از نیازهای اساسی مردم به شمار می رود.

در بخش نیاز به کارکنان صحتی، بیشترین درصد در ولسوالی های ناوه و جغتو (۱۰۰٪)، زنخان (۸۷،۵٪) و رشیدان (۸۰٪) ثبت شده است، در حالی که در قره باغ (۲۰٪) و جاغوری (۰٪) پایین تر گزارش شده است. این موضوع نشان دهنده کمبود جدی

داکتران، قابله‌ها و سایر پرسونل صحتی در بسیاری از ولسوالی‌ها است و تأکید می‌کند که حتی در صورت موجودیت مراکز صحتی، نبود نیروی انسانی متخصص مانع ارائه خدمات مؤثر می‌شود.

در بخش سایر خدمات صحتی، نیازها شامل لابراتوارهای مجهز، ادویه‌جات، قابله‌های اناثیه، تجهیزات طبی، واکسیناسیون، آمبولانس و برنامه‌های آگاهی‌دهی صحتی می‌باشد. این تنوع نشان می‌دهد که مردم علاوه بر دسترسی فیزیکی به مراکز صحتی، به بهبود کیفیت خدمات، مراقبت‌های مادر و کودک و تقویت خدمات وقایوی نیز نیاز دارند.

در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که توسعه خدمات صحتی در ولایت غزنی نیازمند رویکردی جامع است که بر تقویت کلینیک‌ها، افزایش کارکنان صحتی، تجهیز مراکز موجود و گسترش خدمات وقایوی و حمایتی تمرکز داشته باشد تا دسترسی عادلانه و مؤثر به خدمات صحتی در سطح ولسوالی‌ها فراهم گردد.



گراف 136: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های غزنی

2.29.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه غزنی

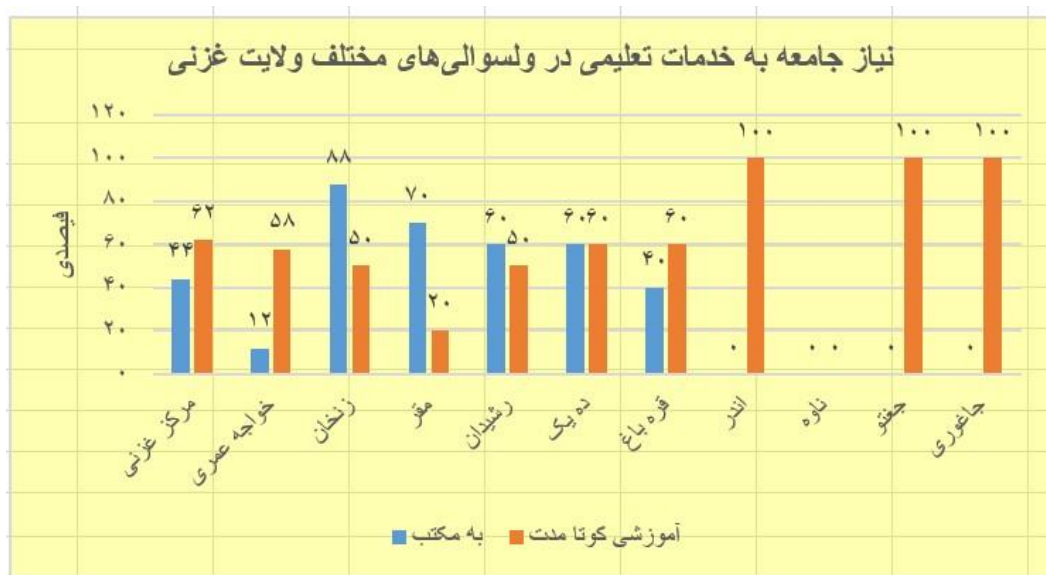
تحلیل گراف (137)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت غزنی الگوی متفاوتی دارد و در مجموع بر بهبود دسترسی به مکاتب، توسعه آموزش‌های کوتاه‌مدت و تقویت کیفیت خدمات آموزشی تمرکز یافته است.

در بخش نیاز به مکتب، بیشترین میزان تقاضا در زنخان (۸۷٫۵٪)، مقر (۷۰٪)، رشیدان و ده‌یک (هر دو ۶۰٪) ثبت شده است، در حالی که در مرکز غزنی (۴۳٫۷٪) و قره‌باغ (۴۰٪) این نیاز در سطح متوسط قرار دارد. در مقابل، در اندر، ناوه، جغتو و جاغوری رقم صفر گزارش شده که می‌تواند نشان‌دهنده دسترسی نسبی بهتر به مکاتب موجود یا اولویت داشتن سایر نیازهای آموزشی در این ولسوالی‌ها باشد. این وضعیت بیانگر آن است که در برخی مناطق هنوز کمبود زیرساخت‌های آموزشی و فضای مناسب تدریس یک چالش اساسی محسوب می‌شود.

در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، میزان تقاضا در اندر، جغتو و جاغوری (همگی ۱۰۰٪) بسیار بالا است و در مرکز غزنی (۶۲٪)، ده‌یک و قره‌باغ (۶۰٪) نیز سطح قابل توجهی دارد. این امر نشان می‌دهد که جامعه به برنامه‌های مهارت‌آموزی و آموزش‌های کاربردی که بتواند فرصت‌های شغلی

و خوداشتغالی را در کوتاه مدت فراهم سازد، علاقه و نیاز جدی دارد. در مقابل، در ناوه رقم صفر ثبت شده که احتمالاً بیانگر تمرکز بر سایر اولویت‌های تعلیمی می‌باشد.

در بخش سایر خدمات تعلیمی، نیازها شامل استخدام معلمان مسلکی، اعمار تعمیر مکاتب، ایجاد صنوف محلی، فراهم سازی مواد و کتاب‌های درسی، ایجاد کودکستان، لابراتوارهای تعلیمی، کتابخانه، کمپیوترل و مدارس دینی است.

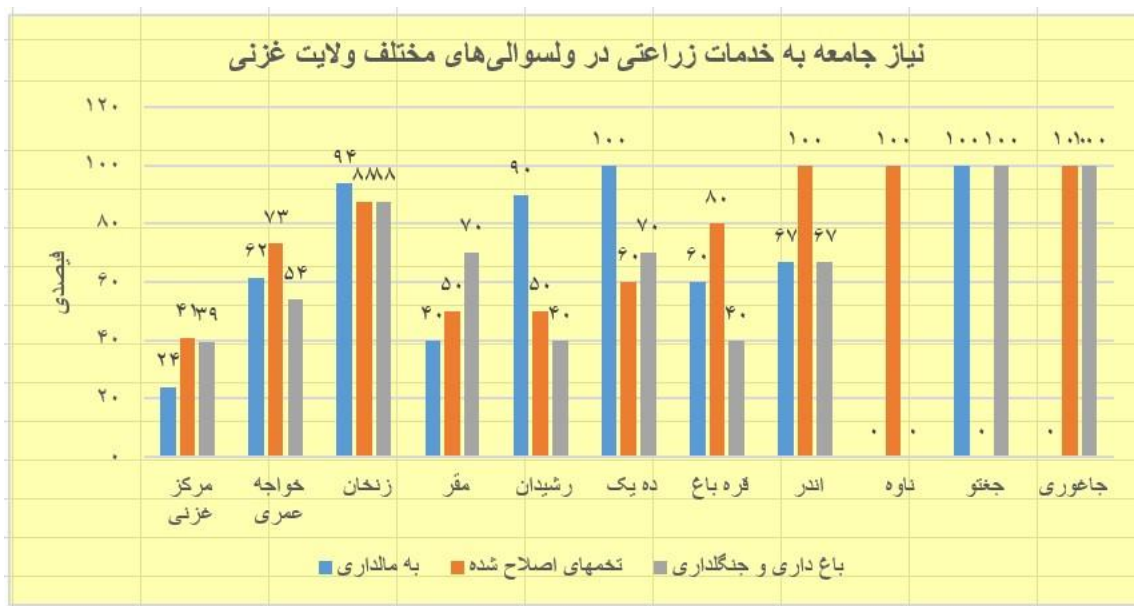


گراف 137: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های فزنی

3.29.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه غزنی

گراف (138)، نشان می‌دهد که نیازهای زراعتی در ولسوالی‌های ولایت غزنی نه تنها گسترده بلکه به شدت متأثر از نوع معیشت، شرایط اقلیمی و سطح دسترسی به منابع حمایتی است. ولسوالی‌هایی مانند زنخان، رشیدان، دهیک و جغتو که فیصدی بسیار بلند در بخش مالداری (۹۰٪ تا ۱۰۰٪) دارند، به گونه‌ی آشکار متکی بر اقتصاد مواشی اند و کمبود خدماتی چون تقویه مواشی، کلینیک‌های حیوانی، ادویه و تجهیزات مالداری، آسیب‌پذیری معیشت مردم را افزایش داده است. در مقابل، صفر بودن نیاز به مالداری در ناوه و جاغوری می‌تواند نشان‌دهنده تمرکز بیشتر این ولسوالی‌ها بر زراعت نباتی یا کفایت نسبی خدمات مالداری موجود باشد، نه نبود فعالیت مالداری.

در بخش تخم‌های اصلاح‌شده، ثبت نیاز ۱۰۰٪ در اندر، ناوه و جاغوری بیانگر استفاده گسترده از روش‌های سنتی کشت و پایین بودن حاصل‌دهی زمین‌ها است که ضرورت اقدامات تکنیکی برای افزایش تولید، بهبود امنیت غذایی و کاهش فقر دهقانی را برجسته می‌سازد. همچنان نیاز بلند به باغداری و جنگلداری در زنخان، مقر، دهیک، جغتو و جاغوری (۷۰٪ تا ۱۰۰٪) نشان می‌دهد که این ولسوالی‌ها ظرفیت بالایی برای توسعه باغ‌های مثمر، جنگل‌کاری و ایجاد منابع عایداتی پایدار دارند، اما با کمبود دانش فنی، نهال باکیفیت و مدیریت منابع طبیعی مواجه‌اند. بخش «سایر خدمات زراعتی» تصویر روشنی از ضعف ساختاری بخش زراعت ارائه می‌کند؛ نیاز مکرر به آب زراعتی، سیستم‌های آبیاری و ذخیره آب، کود کیمیاوی، ادویه‌جات زراعتی، سردخانه، پروسس میوه‌جات، گلخانه و مدیریت محصولات نشان می‌دهد که مشکل اصلی تنها تولید نیست، بلکه نبود زنجیره کامل ارزش از کشت تا بازار است. همچنین ذکر مدیریت آب‌های زیرزمینی در اندر بیانگر فشار فزاینده بر منابع آبی و خطر کاهش پایدار تولیدات زراعتی می‌باشد. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که توسعه زراعت در ولایت غزنی نیازمند رویکرد جامع است که هم‌زمان بر تقویت مالداری، افزایش بهره‌وری زمین، مدیریت پایدار آب و ایجاد زیرساخت‌های نگهداری و بازاریابی محصولات تمرکز داشته باشد.



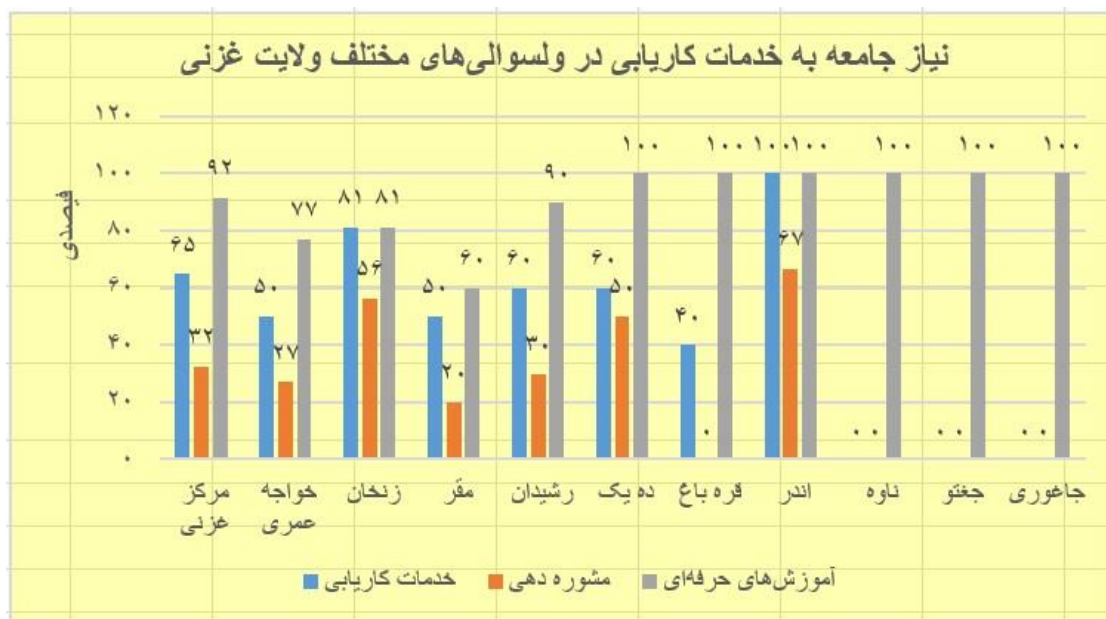
گراف 138: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های غزنی

4.29.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه غزنی

گراف (139)، نشان می‌دهد که مشکل کاریابی در ولسوالی‌های ولایت غزنی ساختاری و چندبُعدی است و تنها به نبود فرصت شغلی محدود نمی‌شود. نیاز بسیار بلند به آموزش‌های حرفه‌ای در تمام ولسوالی‌ها (۶۰٪ تا ۱۰۰٪) بیانگر آن است که بخش بزرگی از نیروی کار، به‌ویژه جوانان، فاقد مهارت‌های تکنیکی و فنی متناسب با بازار کار می‌باشند؛ موضوعی که حتی در ولسوالی‌هایی با نیاز صفر به فرصت‌های کاری مستقیم مانند ولسوالی‌های ناهه، جغتو و جاغوری نیز صادق است و نشان می‌دهد مردم این مناطق بیش از معرفی به کار، به کسب مهارت برای خوداشتغالی یا مهاجرت کاری نیاز دارند.

در بخش فرصت‌های کاری، فیصدی بلند در اندر (۱۰۰٪)، زنخان (۸۱٪) و مرکز غزنی (۶۵٪) حاکی از تمرکز جمعیت جویای کار و امید به دسترسی به فرصت‌های شغلی رسمی، پروژه‌ای یا خدماتی است، در حالی که صفر بودن این نیاز در برخی ولسوالی‌ها می‌تواند ناشی از نبود بازار کار محلی، محدودیت دسترسی به نهادهای کاریابی یا بی‌اعتمادی به اثربخشی این خدمات باشد. نیاز متوسط به مشوره‌دهی کاری، به‌ویژه در اندر، زنخان و ده‌یک، نشان می‌دهد که بسیاری از افراد مسیر شغلی روشن، آگاهی از مهارت‌های مورد نیاز بازار و اطلاعات لازم برای آغاز کسب‌وکار کوچک را ندارند.

بخش «سایر خدمات کاریابی» که عمدتاً بر فراهم‌سازی زمینه کار و جذب افراد مسلکی تأکید دارد، بیانگر شکاف جدی میان آموزش و اشتغال واقعی است؛ یعنی حتی پس از آموزش، فرصت‌های کاری کافی وجود ندارد. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که پاسخ مؤثر به بیکاری در ولایت غزنی مستلزم رویکردی یکپارچه است که هم‌زمان بر آموزش‌های حرفه‌ای کاربردی، مشوره‌دهی شغلی هدفمند، ایجاد فرصت‌های اشتغال محلی و حمایت از خوداشتغالی تمرکز داشته باشد.



گراف 139: خدمات کاریبی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های غزنی

5.29.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه غزنی

تحلیل گراف (140)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت غزنی عمدتاً بر تأمین آب آشامیدنی، برق و بهبود شبکه سرک‌ها متمرکز است و این امر بیانگر چالش‌های قابل توجه در دسترسی به زیرساخت‌های اساسی در بسیاری از مناطق می‌باشد.

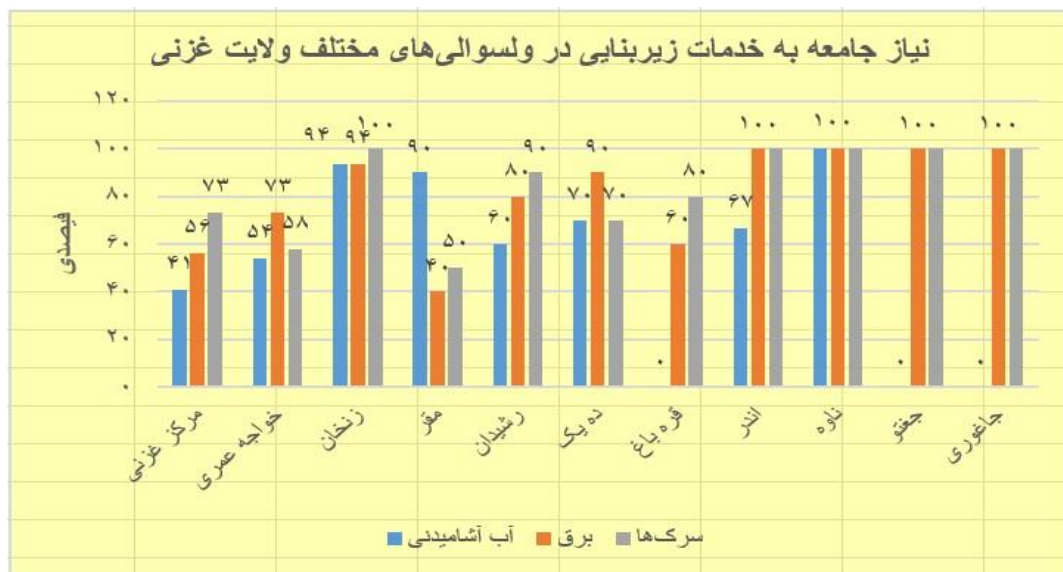
در بخش آب آشامیدنی، بیشترین میزان نیاز در ولسوالی‌های ناوه (۱۰۰٪)، زنخان (۹۳٫۸٪) و مقر (۹۰٪) ثبت شده است، در حالی که در رشیدان (۶۰٪) و ده یک (۷۰٪) نیز سطح قابل توجهی مشاهده می‌شود. در مقابل، در قره‌باغ، جغتو و جاغوری رقم صفر گزارش شده که می‌تواند نشان‌دهنده دسترسی نسبی بهتر به منابع آب یا اولویت داشتن سایر خدمات زیربنایی در این ولسوالی‌ها باشد. این وضعیت نشان می‌دهد که کمبود آب صحتی هنوز یکی از چالش‌های اساسی در بخش‌هایی از ولایت محسوب می‌شود.

در زمینه برق، نیاز در اکثر ولسوالی‌ها بسیار بلند است؛ به‌ویژه در اندر، ناوه، جغتو و جاغوری (همگی ۱۰۰٪)، زنخان (۹۳٫۸٪) و ده یک (۹۰٪). حتی در ولسوالی‌هایی که درصد پایین‌تر ثبت شده، مانند مرکز غزنی (۵۶٫۳٪) و مقر (۴۰٪)، نیاز به برق همچنان قابل توجه است. این امر بیانگر کمبود انرژی پایدار و وابستگی مردم به منابع بدیل و پرهزینه می‌باشد.

بخش سرک‌ها یکی از برجسته‌ترین اولویت‌ها در سطح ولایت است؛ به‌گونه‌ای که زنخان، اندر، ناوه، جغتو و جاغوری (همگی ۱۰۰٪) بیشترین نیاز را نشان می‌دهند و در رشیدان (۹۰٪)، قره‌باغ (۸۰٪) و مرکز غزنی (۷۳٫۲٪) نیز این نیاز در سطح بلند قرار دارد. این موضوع بیانگر مشکلات جدی در دسترسی ترانسپورته، ارتباطات اقتصادی و دسترسی مردم به خدمات اساسی مانند صحت و تعلیم می‌باشد.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، نیازها شامل برق سولری، اعمار کانال‌های آب، حفر چاه‌های عمیق، اعمار بندهای آب، پل و پلچک، ترمیم کاریزها، دیوارهای استنادی، شبکه‌های مخابراتی و ایجاد سردخانه‌ها می‌باشد. این تنوع نشان می‌دهد که مردم علاوه بر زیرساخت‌های پایه، به پروژه‌های انکشافی مرتبط با مدیریت منابع آب، حفاظت محیطی و تقویت اقتصاد محلی نیز نیاز دارند.

در مجموع، داده‌ها بیانگر آن است که توسعه زیربنایی در ولایت غزنی نیازمند رویکردی جامع و چندبخشی است که به‌صورت هم‌زمان بر تأمین آب آشامیدنی، برق پایدار، بهبود شبکه سرک‌ها و اجرای پروژه‌های تکمیلی زیربنایی تمرکز داشته باشد تا نیازهای متفاوت ولسوالی‌ها به‌گونه‌ای متوازن و هدفمند پاسخ داده شود.

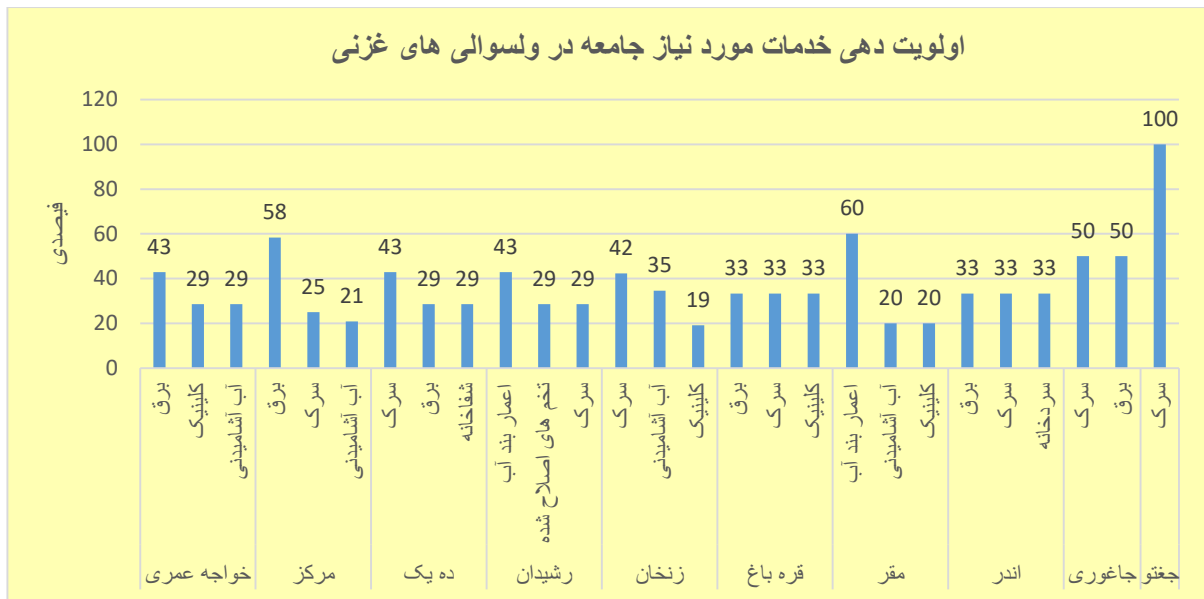


گراف 140: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های غزنی

6.29.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه غزنی

گراف (141)، اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت غزنی نشان می‌دهد که تفاوت اولویت‌ها بازتاب‌دهنده شرایط جغرافیایی، سطح دسترسی به خدمات و نوع معیشت مردم در هر ولسوالی است. برق به‌عنوان یک نیاز محوری در ولسوالی‌های شهری و نیمه‌شهری برجسته‌تر است؛ به‌گونه‌ای که در مرکز غزنی با ۵۸٪ در صدر قرار دارد و در خواجه‌عمری، قره‌باغ و اندر نیز یکی از سه اولویت اصلی محسوب می‌شود، که این امر بیانگر فشار روزافزون بر منابع انرژی و وابستگی مردم به برق برای فعالیت‌های اقتصادی، تعلیمی و خدماتی است. در مقابل، سرک‌ها در ولسوالی‌های نسبتاً دورافتاده و زراعت‌محور اهمیت حیاتی یافته‌اند؛ چنان‌که در جغتو با ۱۰۰٪ به‌عنوان اولویت مطرح شده و در جاغوری (۵۰٪)، ده بیک (۴۳٪) و زنخان (۴۲٪) نیز در جایگاه نخست قرار دارد که نشان‌دهنده انزوای جغرافیایی، دشواری دسترسی به بازارها، مراکز صحتی و خدمات دولتی است.

مدیریت آب به‌صورت‌های مختلف در اولویت‌ها بازتاب یافته است؛ اعمار بند آب در مقر (۶۰٪) و رشیدان (۴۳٪) و آب آشامیدنی در خواجه‌عمری، مرکز و زنخان نشان می‌دهد که کمبود آب هم در بعد معیشتی و هم در بعد صحتی یک چالش جدی است، به‌ویژه در ولسوالی‌های متکی به زراعت. از سوی دیگر، حضور خدمات صحتی مانند کلینیک و شفاخانه در اولویت‌های خواجه‌عمری، زنخان، قره‌باغ و ده بیک بیانگر آن است که دسترسی به خدمات صحتی اولیه و ثانویه هنوز پاسخ‌گوی نیاز جمعیت نیست و مردم ناگزیر به طی مسافت‌های طولانی برای درمان می‌باشند. مطرح‌شدن تخم‌های اصلاح‌شده در رشیدان و سردخانه در اندر نیز نشان‌دهنده تغییر تدریجی اولویت‌ها از نیازهای صرفاً زیربنایی به سمت تقویت اقتصاد محلی، افزایش تولیدات زراعتی و کاهش ضایعات محصولات است. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی انکشافی در ولایت غزنی باید کاملاً ولسوالی‌محور باشد و بر اساس ترکیب نیازهای زیربنایی، صحتی و اقتصادی هر ولسوالی تنظیم گردد تا اقدامات مؤثر، هدفمند و پایدار تضمین شود.



گراف 141: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غزنی

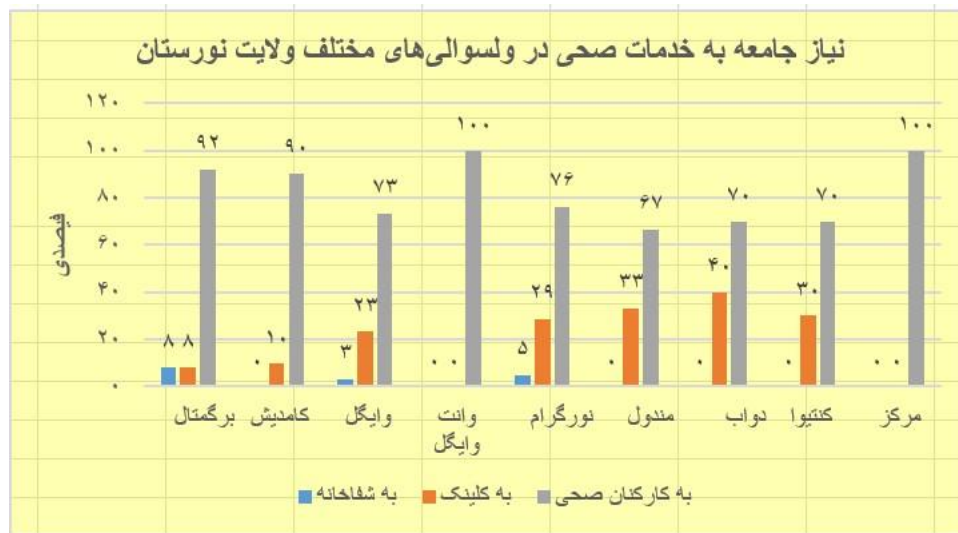
30.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت نورستان

در ولایت نورستان، نیاز جامعه به خدمات مختلف شامل صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی های مختلف با شدت و اولویت های متفاوت گزارش شده است. بررسی داده ها نشان می دهد که دسترسی به خدمات صحتی، به ویژه کارکنان صحتی و کلینیک ها، در تمام ولسوالی ها حیاتی است و نیاز به داکتران متخصص، خدمات نسای ولادی، لابراتوار، تجهیزات طبی و دارو در مناطق مختلف متفاوت است. در بخش تعلیمی، نیاز به مکتب، آموزشی کوتاه مدت و خدمات مکمل مانند معلمین مسلکی، کورس های سوادآموزی و تجهیزات تعلیمی متغیر است و برخی ولسوالی ها به توسعه مدارس دینی و کارگاه های آموزشی تاکید دارند. در حوزه زراعت، نیازها شامل مالداری، تخم های اصلاح شده، باغداری و جنگلداری و خدمات مکمل مانند کلینیک حیوانی، واکسین، ماشین آلات عصری و ذخیره آب زراعتی است و شدت این نیازها بسته به ظرفیت تولید و الگوی کشاورزی هر ولسوالی متفاوت می باشد. خدمات کاریابی نیز عمدتاً بر آموزش های فنی و حرفوی، فرصت های کاری و فراهم نمودن زمینه کار برای جوانان تمرکز دارد، در حالی که مشوره دهی شغلی اولویت پایین تری دارد. در حوزه زیربنایی، نیازها شامل تأمین آب آشامیدنی، برق، سرک ها، پل ها، دیوارهای استنادی، نلدوانی و سایر خدمات تکمیلی می باشد که شدت و نوع آن در هر ولسوالی متغیر است. بر اساس آمار جمعیتی، بیشترین تعداد افراد نیازمند خدمات در برگمتال با ۱۶۶۰۸۰ نفر گزارش شده است و پس از آن کامدیش با ۵۲۵۱۷ نفر و وایگل با ۳۶۵۷۷ نفر قرار دارند. ولسوالی هایی مانند مرکز با ۳۶۵۰ نفر و کنتیوا با ۷۵۵۰ نفر نیازمند خدمات کمتری هستند، اما حتی در این مناطق، اولویت های حیاتی در بخش های صحتی، آموزشی و زیربنایی باید تأمین شود. بنابراین، برنامه ریزی جامع خدمات باید بر اساس شدت نیازها و جمعیت تحت پوشش هر ولسوالی انجام شود تا منابع محدود به شکل مؤثر و عادلانه توزیع گردد و بیشترین تأثیر بر رفاه و توسعه جامعه داشته باشد.

1.30.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه نورستان

بر اساس گراف (142)، نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی های مختلف ولایت نورستان، می توان گفت که دسترسی به شفاخانه ها در بیشتر ولسوالی ها محدود است و تنها در برگمتال (۸٪)، وایگل (۳٪) و نورگرام (۵٪) مراجعه به شفاخانه اندکی گزارش شده است، در حالی که سایر ولسوالی ها صفر درصد ثبت شده اند؛ این بدان معنا نیست که شفاخانه وجود ندارد، بلکه نشان می دهد که یا این خدمات به اندازه کافی در دسترس است یا مردم نیازی به مراجعه مستقیم به شفاخانه نمی بینند. در مقابل، نیاز به کلینیک ها در ولسوالی هایی مانند کنتیوا (۴۰٪)، دواب (۳۳٪) و نورگرام (۲۹٪) بالاست، که بیانگر تکیه جامعه بر کلینیک ها برای دریافت خدمات اولیه و مراقبت های روزمره است. با وجود تفاوت در مراجعه به شفاخانه و کلینیک، نیاز به کارکنان صحتی در تمامی ولسوالی ها بسیار بالا است و بین ۶۷٪ تا ۱۰۰٪ گزارش شده است، به ویژه در مرکز و وانت

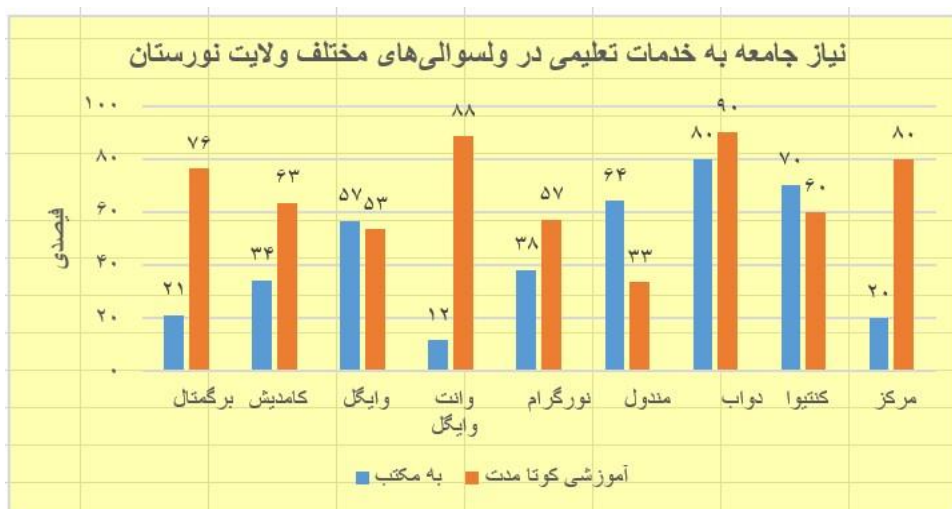
وایگل که صد درصد نیاز اعلام شده، نشان‌دهنده اهمیت حضور پزشکان، ماماها و پرستاران برای تأمین مراقبت‌های صحتی حتی در مناطقی که دسترسی به شفاخانه و کلینیک محدود است. علاوه بر این، سایر خدمات صحتی مورد نیاز در ولسوالی‌ها متفاوت است؛ برگمتال بیشتر به داکتران متخصص، تجهیزات طبی و لابراتوار، نورگرام و مندول به خدمات نسای ولادی، آگاهی‌دهی حفظ‌الصحه و لابراتوار، و کنتیوا به خدمات تیم‌های صحتی سیار، داکتران اناثیه و واکسیناتورها نیاز دارند. بنابراین، جدول نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی صحتی در نورستان باید بر تقویت کلینیک‌ها و خدمات سیار، توزیع متوازن کارکنان صحتی و تأمین تجهیزات و خدمات تخصصی متمرکز باشد تا نیازهای متنوع جامعه در تمام ولسوالی‌ها پاسخ داده شود و مناطقی که نیاز کم یا صفر گزارش شده‌اند نیز از خدمات موجود به طور مؤثر بهره‌مند شوند.



گراف 142: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نورستان

2.30.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه نورستان

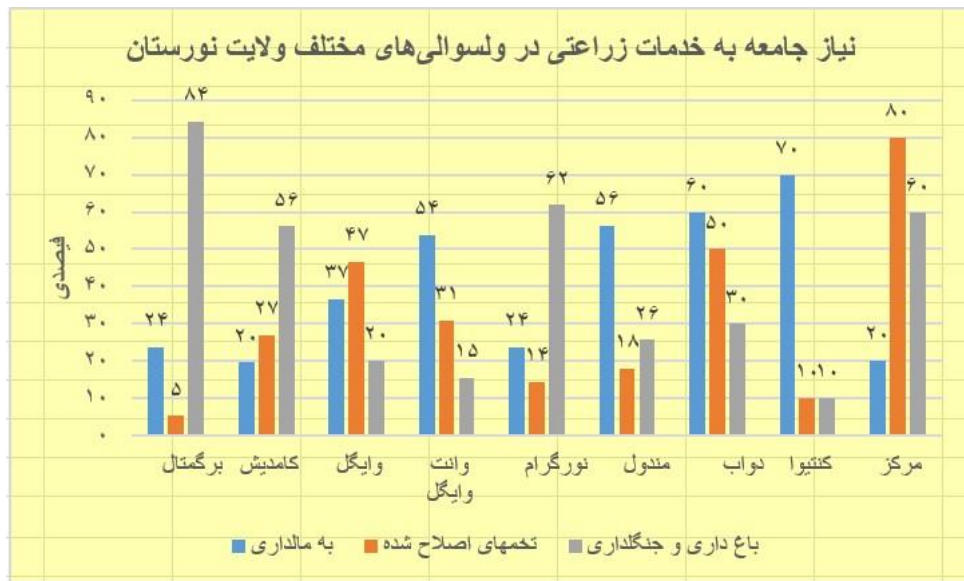
بر اساس گراف (143)، نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نورستان، می‌توان گفت که نیاز به مکتب و آموزش رسمی در ولسوالی‌ها متفاوت است؛ به طور مثال، بالاترین نیاز به مکتب در دواب (۸۰٪)، کنتیوا (۷۰٪) و مندول (۶۴٪) مشاهده می‌شود، در حالی که پایین‌ترین نیاز در برگمتال (۲۱٪) و مرکز (۲۰٪) گزارش شده است، که نشان می‌دهد دسترسی به مکتب یا اولویت مردم برای فرستادن کودکان به مکتب در ولسوالی‌ها متفاوت است. در زمینه آموزشی کوتاه‌مدت، نیازها در برخی ولسوالی‌ها بسیار بالا است؛ مانند دواب (۹۰٪)، وانت وایگل (۸۸٪) و مرکز (۸۰٪)، و در برخی دیگر مانند مندول (۳۳٪) کمتر است، که نشان می‌دهد آموزش کوتاه‌مدت و مهارت‌آموزی، به ویژه برای بزرگسالان یا دوره‌های تخصصی، اولویت متفاوتی در هر ولسوالی دارد. سایر خدمات تعلیمی شامل معلمین مسلکی، اعمار و ترمیم تعمیرات مکتب، تجهیزات تعلیمی، مدرسه دینی، قرطاسیه و کتاب‌های درسی، کورس‌های سوادآموزی و ورکشاپ‌ها است که بسته به ولسوالی متفاوت است؛ به طور مثال، برگمتال و کامدیش بر معلمین مسلکی، ورکشاپ و اعمار تعمیر مکتب تأکید دارند، وایگل و نورگرام بر فراهم نمودن زمینه برای معلمین مسلکی و تجهیزات تعلیمی تمرکز دارند و کنتیوا بیشتر به مدرسه دینی و کورس‌های سوادآموزی نیاز دارد. به طور کلی، گراف نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی تعلیمی در نورستان باید هم بر توسعه مکتب‌ها و امکانات آموزشی، هم بر آموزش کوتاه‌مدت و مهارت‌آموزی، و هم بر خدمات مکمل مانند معلمین مسلکی، تجهیز مکتب و سوادآموزی متمرکز داشته باشد تا نیازهای متنوع جامعه در تمامی ولسوالی‌ها پاسخ داده شود.



گراف 143: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نورستان

3.30.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه نورستان

بر اساس گراف (144)، نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نورستان، می‌توان گفت که نیازها در بخش‌های مختلف زراعتی و دامداری متفاوت است و نشان‌دهنده اولویت‌ها و ظرفیت‌های هر ولسوالی می‌باشد. در زمینه مالداري، بیشترین نیاز در کنتیوا (۷۰٪)، دواب (۶۰٪) و مندول (۵۶٪) گزارش شده، در حالی که کمترین نیاز در مرکز (۲۰٪)، کامدیش (۲۰٪) و برگمتال (۲۴٪) است، که این امر بیانگر تمرکز دامداری در برخی ولسوالی‌ها و تفاوت اولویت جامعه است. در بخش تخم‌های اصلاح شده، بیشترین درصد نیاز در مرکز (۸۰٪)، دواب (۵۰٪) و وایگل (۴۷٪) دیده می‌شود و کمترین نیاز در برگمتال (۵٪) و کنتیوا (۱۰٪) است، نشان‌دهنده اهمیت توزیع بذر مناسب و اصلاح شده برای بهبود زراعت در ولسوالی‌های مختلف. در زمینه باغداری و جنگلداری، بیشترین نیاز در برگمتال (۸۴٪)، نورگرام (۶۲٪) و مرکز (۶۰٪) گزارش شده و کمترین نیاز در کنتیوا (۱۰٪) و وانت وایگل (۱۵٪) است، که نشان می‌دهد توسعه باغداری و حفاظت از جنگلات در برخی ولسوالی‌ها اولویت بالایی دارد. سایر خدمات زراعتی شامل ماشین‌آلات عصری زراعتی، نهال‌های مثمر و غیرمثمر، کلینیک حیوانی، واکسین حیوانی، کود کیمیاوی، کانال‌های آب، ذخیره آب زراعتی و آگاهی‌دهی عامه است و بسته به نیاز هر ولسوالی متفاوت می‌باشد؛ برای مثال برگمتال به ماشین‌آلات، درختان مثمر و بندهای آب نیاز دارد، وایگل به ادویه جات زراعتی، واکسین حیوانی و نهال‌ها تأکید دارد، و مرکز بیشتر به کلینیک حیوانی، تجهیزات زراعتی و کود کیمیاوی نیازمند است. به طور کلی، گراف نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی زراعتی در نورستان باید بر توزیع متوازن خدمات دامداری، ارائه تخم‌های اصلاح شده، توسعه باغداری و جنگلداری، و تأمین خدمات فنی و مشاوره‌ای شامل ماشین‌آلات و کلینیک‌های حیوانی متمرکز باشد تا نیازهای متنوع جامعه در تمامی ولسوالی‌ها پاسخ داده شود.



گراف 144: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نورستان

4.30.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه نورستان

گراف (145)، نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نورستان، می‌توان گفت که آموزش‌های فنی و حرفوی بالاترین اولویت را در همه ولسوالی‌ها دارد و در صد آن بین ۵۶٪ در مندول تا ۱۰۰٪ در مرکز و برگمتال متغیر است، نشان‌دهنده نیاز شدید جامعه به مهارت‌آموزی برای افزایش فرصت‌های شغلی و آماده‌سازی نیروی کار است. در بخش فرصت‌های کاری، بیشترین نیاز در مندول (۳۶٪)، دواب (۳۰٪) و کنتیوا (۳۰٪) مشاهده می‌شود، در حالی که در کامدیش و مرکز صفر درصد ثبت شده است، که می‌تواند نشان‌دهنده وجود فرصت‌های کاری نسبی یا عدم اولویت برای جامعه باشد. مشوره‌دهی شغلی در اکثر ولسوالی‌ها پایین است و تنها در نورگرام (۱۰٪) و برگمتال و کامدیش (۵٪) اندکی گزارش شده است، که بیانگر این است که خدمات مشوره‌ای هنوز در دسترس یا اولویت پایین دارند. سایر خدمات کاربایی شامل ایجاد ورکشاپ‌های تخنیکي و حرفوی، فابریکه‌ها و فراهم نمودن زمینه کار برای جوانان است و بسته به ولسوالی متفاوت می‌باشد؛ برای مثال، برگمتال و وانت وایگل به ورکشاپ‌ها و شبکه‌های کاربایی نیاز دارند، وایگل و نورگرام بر ایجاد فابریکه و ورکشاپ تأکید دارند و مرکز بر آموزش فنی، فابریکه و فراهم نمودن زمینه کار برای جوانان تمرکز دارد. به طور کلی، گراف نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی خدمات کاربایی در نورستان باید بر آموزش‌های فنی و حرفوی، ایجاد فرصت‌های شغلی عملی و فابریکه‌ها، و فراهم کردن زمینه کار برای جوانان متمرکز باشد تا نیازهای متنوع هر ولسوالی به شکل مؤثر پاسخ داده شود.



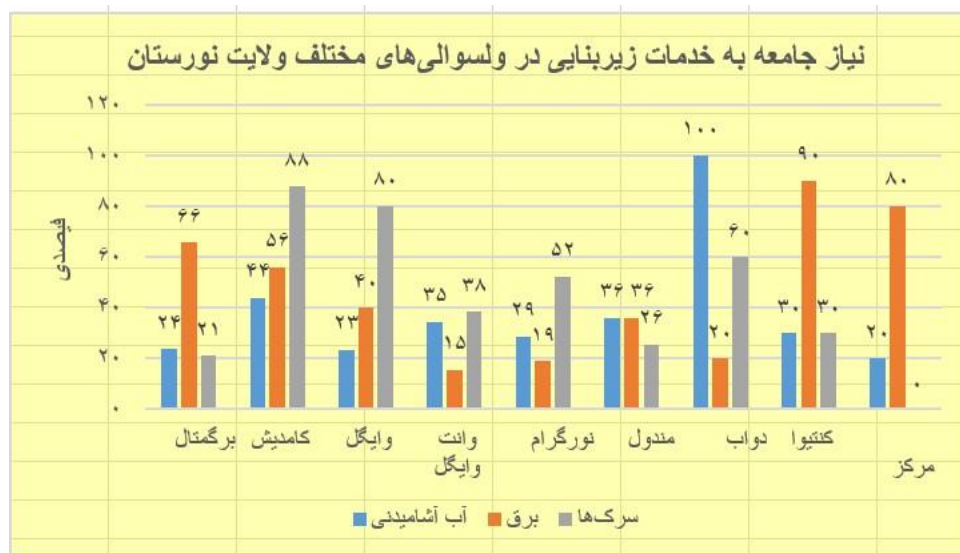
گراف 145: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نورستان

5.30.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه نورستان

گراف (146)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نورستان نشان می‌دهد که نیازهای زیربنایی در این ولایت هم از نظر اولویت و هم از نظر شدت در ولسوالی‌ها تفاوت زیادی دارد و تمرکز بر برنامه‌ریزی هدفمند ضرورت دارد. در بخش آب آشامیدنی، نیاز در دواب صد درصد است و این امر بیانگر نیاز جدی در تأمین آب سالم برای مردم آن ولسوالی است. سایر ولسوالی‌ها مانند کامدیش (۴۴٪)، مندول (۳۶٪) و وایت وایگل (۳۵٪) نیز درصد بالایی دارند که نشان می‌دهد حتی در مناطقی که آب آشامیدنی نسبی وجود دارد، نیاز به توسعه منابع و سیستم‌های آب‌رسانی محسوس است. در بخش برق، نیازها متفاوت است؛ برگمتال (۶۶٪) و مرکز (۸۰٪) بیشترین اولویت را دارند، در حالی که وایت وایگل (۱۵٪) و نورگرام (۱۹٪) پایین‌ترین نیاز را نشان می‌دهند، که این امر ممکن است به دلیل وجود برق نسبی یا اولویت پایین جامعه برای دسترسی به برق باشد.

در زمینه سرک‌ها، کمبود جدی در ولسوالی‌هایی مانند کامدیش (۸۸٪) و وایگل (۸۰٪) دیده می‌شود، در حالی که مرکز ۰٪ گزارش شده است؛ این نشان می‌دهد که دسترسی به راه‌های اصلی و فرعی در مناطق کوهستانی و دورافتاده محدود است و نیازمند پروژه‌های ترمیم و اعمار سرک‌های جدید می‌باشد.

سایر خدمات زیربنایی نیز در ولسوالی‌ها متفاوت است و شامل ترمیم و اعمار سرک‌ها، پل‌ها، دیوارهای استنادی، نلدوانی، بندهای آب آشامیدنی و زراعتی، برق سولری و شبکه مخابراتی می‌باشد. به عنوان مثال، برگمتال و وایگل بر اعمار بند برق و سرک‌ها تمرکز دارند، دواب بر آب آشامیدنی و برق زراعتی، کنتیوا و مرکز بر پل‌ها و ترمیم سرک‌ها اولویت داده‌اند و نورگرام و مندول نیاز به شبکه آب و ترمیم دیوارهای استنادی دارند. به طور کلی، تحلیل نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی زیربنایی در نورستان باید توزیع منابع و پروژه‌ها بر اساس شدت نیاز هر ولسوالی باشد؛ مناطق با بحران آب باید اولویت اول، مناطقی با کمبود برق و سرک دوم و پروژه‌های تکمیلی مانند پل‌ها، دیوارهای استنادی و شبکه مخابراتی به عنوان نیازهای مکمل مد نظر قرار گیرند. همچنین، تنوع جغرافیایی و پراکندگی جمعیت سبب شده که هر ولسوالی ترکیبی از نیازهای آب، برق و سرک‌ها داشته باشد و توجه ویژه به مناطق دورافتاده برای کاهش نابرابری و دسترسی برابر به خدمات زیربنایی ضروری است.

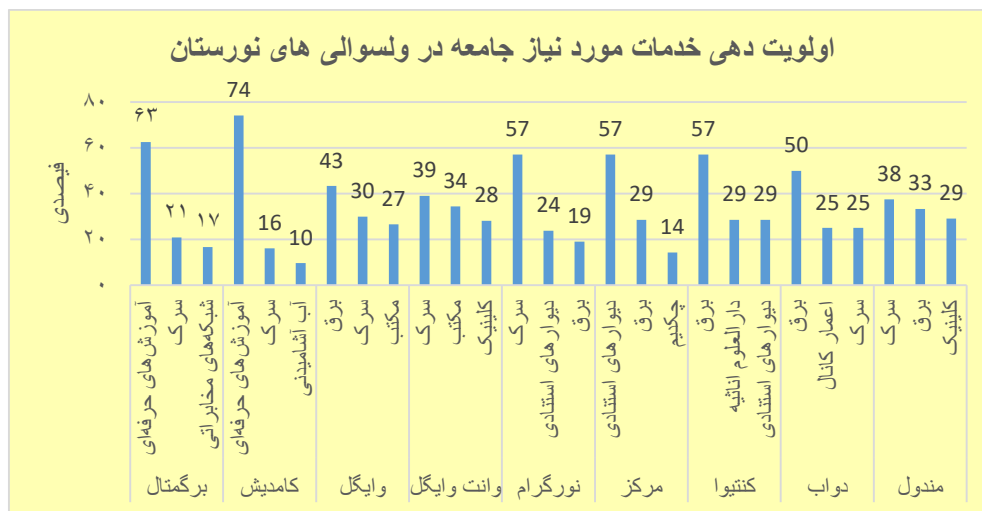


گراف 146: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نورستان

6.30.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه نورستان

بر اساس گراف (147)، اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت نورستان، می‌توان گفت که هر ولسوالی بسته به نیاز و منابع خود، اولویت‌های متفاوتی دارد. در برگمتال آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با ۶۳٪ بالاترین اولویت را دارد و سرک‌ها و شبکه‌های مخابراتی پس از آن قرار دارند، نشان‌دهنده نیاز شدید به مهارت‌آموزی و ارتباطات. در کامدیش نیز آموزش‌های حرفه‌ای با ۷۴٪ بیشترین اهمیت را دارد و پس از آن سرک‌ها و آب آشامیدنی قرار دارند. در وایگل برق با ۴۳٪، سرک‌ها با ۳۰٪ و مکتب با ۲۷٪ اولویت دارند، که نشان می‌دهد دسترسی به انرژی و راه‌ها از

اولویت‌های اصلی است. در وانت وایگل سرک‌ها با ۳۹٪، مکتب ۳۴٪ و کلینیک ۲۸٪ در اولویت قرار دارند و تأکید بر خدمات پایه و سلامت است. در نورگرام سرک‌ها با ۵۷٪، دیوارهای استنادی ۲۴٪ و برق ۱۹٪ اهمیت دارند، در حالی که در مرکز دیوارهای استنادی ۵۷٪، برق ۲۹٪ و چکدیم ۱۴٪ اولویت دارند. کنتیوا و دواب بیشترین تمرکز را بر برق دارند، به ترتیب ۵۷٪ و ۵۰٪، و کنتیوا همچنین دارالعلوم انائیه و دیوارهای استنادی را با ۲۹٪ در اولویت قرار داده است. در مندول سرک‌ها ۳۸٪، برق ۳۳٪ و کلینیک ۲۹٪ اولویت دارند. به طور کلی، جدول نشان می‌دهد که آموزش‌های فنی و حرفوی، برق، سرک‌ها و خدمات زیربنایی بیشترین اولویت را در سراسر ولایت دارند و سایر خدمات مانند کلینیک، مکتب، دیوارهای استنادی و شبکه مخابراتی نیز بسته به شرایط محلی اهمیت دارند. اگر به این خدمات به موقع و هدفمند رسیدگی شود، کیفیت زندگی، توسعه اقتصادی، امنیت و آموزش در سراسر ولایت بهبود خواهد یافت، مهاجرت کاهش پیدا می‌کند و ظرفیت جامعه برای رشد افزایش می‌یابد. اما اگر وضعیت کنونی ادامه پیدا کند، مردم با بیکاری، کمبود دسترسی به خدمات صحتی و آموزشی، ضعف زیرساخت‌ها، خطرات طبیعی و محدودیت‌های اقتصادی مواجه خواهند شد و شکاف توسعه‌ای بین ولسوالی‌ها افزایش می‌یابد.



گراف 147: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های نورستان

31.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کاپیسا

ولسوالی‌های ولایت کاپیسا با توجه به پراکندگی جمعیتی و شرایط محلی، نیازهای متنوعی در حوزه‌های صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی دارند. خدمات صحتی در کوهبند، نجراب و اله‌سای بیشترین اهمیت را دارند، در حالی که سایر ولسوالی‌ها بر خدمات پایه تمرکز دارند. در بخش تعلیمی، آموزش کوتاه‌مدت و مهارت‌آموزی در تگاب و اله‌سای اولویت است و توسعه مکتب‌ها و استادان مسلکی برای همه مناطق ضروری است. خدمات زراعتی به تخم‌های اصلاح شده، مالداری و باغداری در کوهبند، نجراب و تگاب نیاز دارد، و کاریابی و آموزش حرفه‌ای در اله‌سای و تگاب اهمیت بالایی دارد. در حوزه زیربنایی، برق، آب آشامیدنی و سرک‌ها در تگاب، نجراب و اله‌سای بالاترین اولویت‌ها را دارند.

تعداد افراد نیازمند خدمات در هر ولسوالی به ترتیب: مرکز ۸۲۱۲۱ نفر، حصه اول ۶۲۷۸۰ نفر، حصه دوم ۸۴۰۶۵ نفر، کوهبند ۲۰۹۳۰ نفر، نجراب ۳۷۴۰۰ نفر، تگاب ۷۹۲۹۰ نفر و اله‌سای ۴۴۴۳۸ نفر، که نشان‌دهنده ضرورت برنامه‌ریزی هدفمند برای ارائه خدمات متوازن در تمام ولسوالی‌ها است.

1.31.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه کاپیسا

تحلیل گراف (148)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کاپیسا تفاوت چشمگیری دارد. ابتدا مراجعه به شفاخانه: بیشترین نیاز در کوهبند (۷۴٪) و اله‌سای (۶۳٪) دیده می‌شود، که نشان می‌دهد مردم این ولسوالی‌ها احتمالاً به خدمات تخصصی و تجهیزات پیشرفته نیاز دارند. در مقابل، نجراب تنها ۸٪ را نشان می‌دهد که بسیار پایین است؛ این می‌تواند به دلیل وجود شفاخانه‌های نزدیک، دسترسی آسان به کلینیک‌ها، یا ضعف اطلاعات جمعیتی باشد. سایر ولسوالی‌ها مانند حصه اول و حصه دوم بین ۳۱ تا ۴۳٪ هستند، یعنی متوسط نیاز به خدمات شفاخانه وجود دارد.

در بخش خدمات کلینیک، الگوی متفاوتی دیده می‌شود: اله‌سای با ۸۷٪ بیشترین تقاضا را دارد، که حتی از مراجعه به شفاخانه بیشتر است، این نشان می‌دهد مردم ترجیح می‌دهند برای خدمات سریایی و ساده به کلینیک مراجعه کنند. مرکز، حصه دوم و کوهبند بین ۴۱ تا ۴۸٪ هستند، اما حصه اول تنها ۲۹٪ نیاز دارد. این نشان می‌دهد کلینیک‌ها در مناطقی که دسترسی به شفاخانه محدود است، نقش پررنگ‌تری دارند. در خدمات کارکنان صحتی، نجراب با ۱۰۰٪ و کوهبند با ۷۰٪ و اله‌سای با ۶۹٪ بالاترین نیاز را نشان می‌دهند، که بیانگر کمبود یا پراکندگی نیروی متخصص در این مناطق است. در مرکز و سایر ولسوالی‌ها این درصدها بین ۴۳ تا ۵۱٪ هستند، یعنی دسترسی به کارکنان صحتی نسبی و محدود است.

در بخش سایر خدمات صحتی، هر ولسوالی نیازهای خاص خود را دارد:

مرکز ولایت کاپیسا: دواخانه ۲۴ ساعته، امبولانس، تجهیزات پیشرفته، بسترخانه و زایشگاه، نشان‌دهنده نیاز به خدمات جامع و اورژانسی.

حصه اول و دوم: ادویه جات، لابراتوار، تجهیزات پیشرفته، ایجاد ورکشاپ‌ها و بسترخانه، یعنی نیاز بیشتر به امکانات تشخیصی و درمانی پایه.

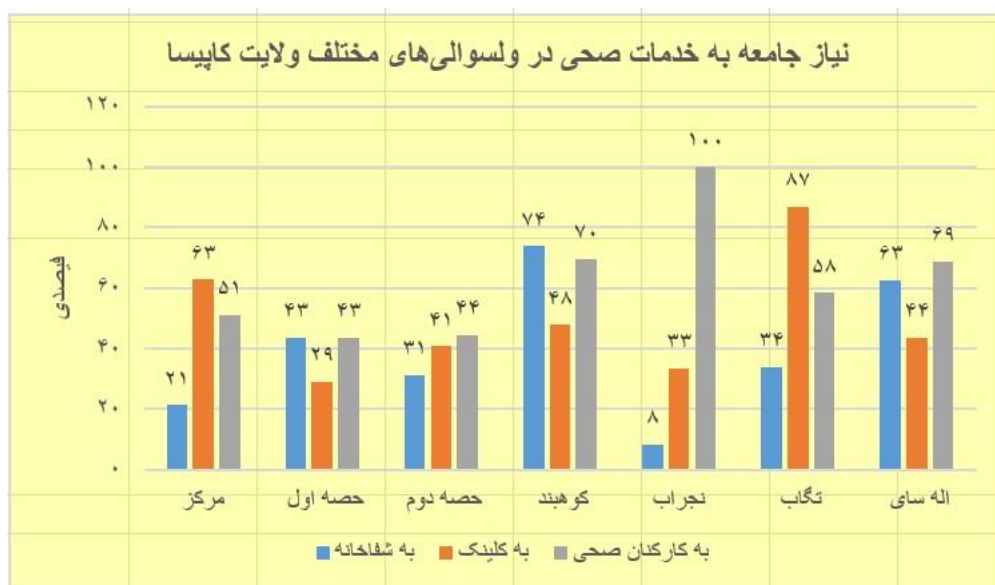
ولسوالی کوهبند: بسترخانه، تجهیزات پیشرفته، ادویه جات و امبولانس، تمرکز روی خدمات اورژانسی و پیشرفته.

ولسوالی نجراب: امبولانس، ادویه جات با کیفیت، متخصصین و تجهیزات پیشرفته، نشان‌دهنده نیاز شدید به نیروی متخصص و مراقبت‌های پیچیده.

ولسوالی تگاب: تجهیزات صحتی پیشرفته، واکسین، ادویه جات، امبولانس، کلینیک سیار، یعنی خدمات ترکیبی و متحرک برای دسترسی بهتر.

ولسوالی اله‌سای: امبولانس، ادویه جات، تجهیزات و متخصصین، نیاز به خدمات جامع و قابل اعتماد دارد.

به طور کلی، ولسوالی‌های کوهبند، نجراب و اله‌سای هم به شفاخانه و خدمات پیشرفته و هم به نیروی متخصص نیاز دارند، و تمرکز باید روی ایجاد امکانات کامل و اورژانسی باشد. ولسوالی‌هایی مانند حصه اول و دوم نیاز بیشتر به کلینیک‌ها و تجهیزات پایه دارند و احتمالاً خدمات سریایی و لابراتوار کافی است. جهت عدم توازن در توزیع خدمات صحتی و نیاز به برنامه‌ریزی هدفمند برای منابع انسانی، تجهیزات و خدمات پیشرفته است. خدمات مکمل مثل کلینیک‌های سیار، امبولانس و زایشگاه‌ها در مناطق دورافتاده می‌تواند دسترسی را به میزان قابل توجهی افزایش دهد.

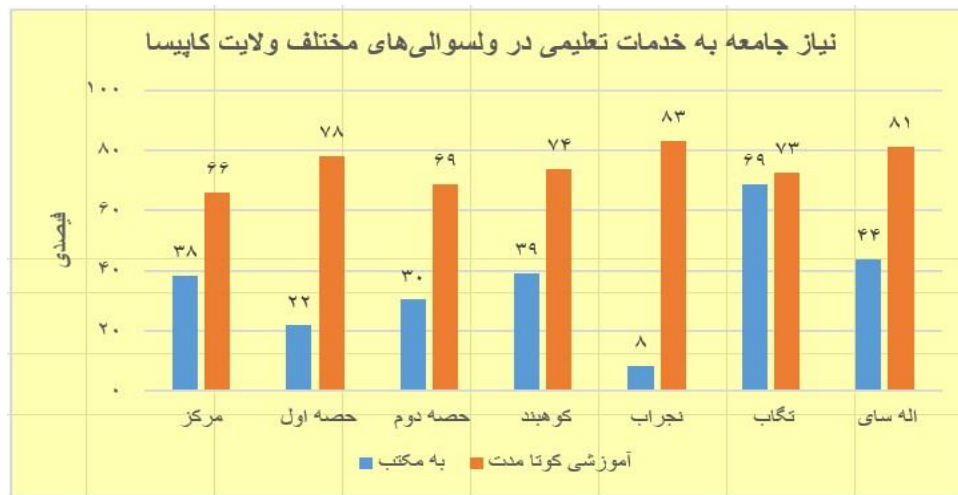


گراف 148: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های مختلف کاپیسا

2.31.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه کاپیسا

تحلیل گراف (149)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کاپیسا متنوع و متفاوت است. در زمینه مراجعه به مکتب، تگاب با ۶۹٪ و اله‌سای با ۴۴٪ بیشترین تقاضا را دارند، در حالی که نجراب با ۸٪ کمترین نیاز را نشان می‌دهد، که می‌تواند ناشی از کمبود مکتب‌ها، دسترسی دشوار یا فرهنگ آموزشی محدود باشد. سایر ولسوالی‌ها بین ۲۲ تا ۳۹٪ قرار دارند، یعنی نیاز متوسط به تحصیل رسمی

وجود دارد. در بخش آموزش کوتاه‌مدت، همه ولسوالی‌ها درصدهای بالایی دارند؛ نجراب ۸۳٪، اله‌سای ۸۱٪ و حصه اول ۷۸٪، که نشان‌دهنده علاقه و نیاز شدید جامعه به آموزش‌های عملی، مهارت‌آموزی و سوادآموزی است. سایر خدمات تعلیمی نیز متنوع هستند و بر اساس نیازهای محلی متفاوت‌اند: مرکز و کوهبند بر استادان مسلکی، کتاب، کامپیوتر و مکتب نسوان تمرکز دارند، حصه اول و دوم بر کورس‌های سوادآموزی و تجهیزات آموزشی تأکید دارند، و تگاب و اله‌سای بر آموزش دختران، کورس‌های عملی و مدارس دینی تمرکز دارند. به طور کلی، الگو نشان می‌دهد که ولسوالی‌های دورافتاده مانند تگاب و اله‌سای نیاز به آموزش عملی، کوتاه‌مدت و مهارت‌آموزی دارند، در حالی که ولسوالی‌هایی مثل مرکز و کوهبند نیاز به توسعه امکانات آموزشی، استادان مسلکی و منابع علمی دارند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده ضرورت تخصیص هدفمند منابع آموزشی و برنامه‌های تطبیقی برای رفع نیازهای متنوع جامعه است.



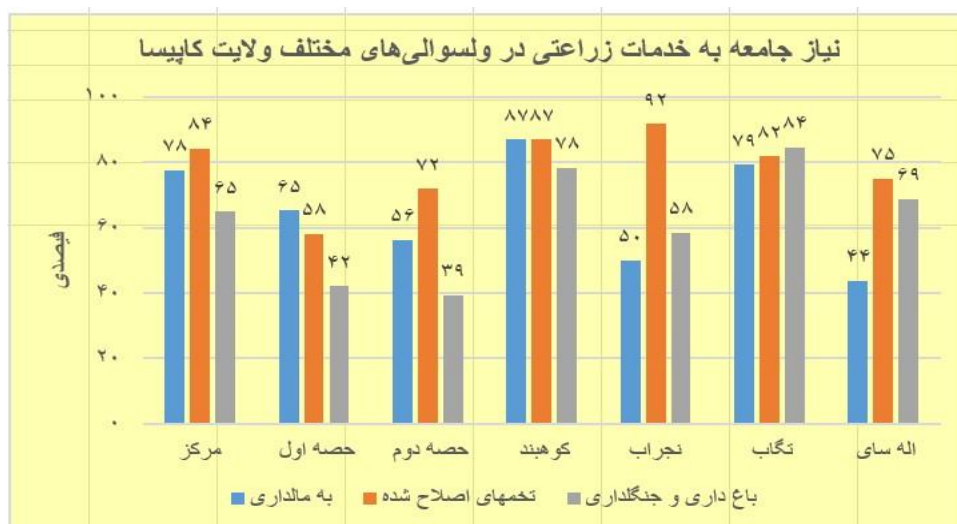
گراف 149: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کاپیسا

3.31.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه کاپیسا

تحلیل گراف (150)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کاپیسا بسیار متنوع و بستگی به ظرفیت‌های محلی و فعالیت‌های کشاورزی و دامداری دارد. در بخش مالداری، کوهبند با ۸۷٪ و تگاب با ۷۹٪ بالاترین نیاز را دارند، در حالی که اله‌سای با ۴۴٪ کمترین نیاز را نشان می‌دهد، که می‌تواند به دلیل محدودیت زمین یا تمرکز کمتر بر دامداری باشد. سایر ولسوالی‌ها بین ۵۰ تا ۷۸٪ قرار دارند، که نشان‌دهنده اهمیت متوسط تا بالا برای خدمات مرتبط با دامداری است. در تخم‌های اصلاح شده، نجراب با ۹۲٪ و کوهبند و مرکز با ۸۷٪ و ۸۴٪ نیاز بالایی دارند، نشان می‌دهد که این ولسوالی‌ها به بهبود تولید و افزایش کیفیت محصولات زراعتی علاقه شدید دارند. باغداری و جنگلداری نیز در تگاب (۸۴٪) و کوهبند (۷۸٪) و اله‌سای (۶۹٪) بالاترین نیاز را نشان می‌دهد، در حالی که حصه دوم و حصه اول کمترین درصدها (۳۹ و ۴۲٪) را دارند، که نشان‌دهنده تفاوت طبیعی و ظرفیت زمین در هر ولسوالی است.

در بخش سایر خدمات زراعتی، نیازها متنوع و شامل ایجاد کلینیک‌های حیوانی، ماشین‌آلات، سردخانه، فارم‌های مرغ و ماهی، زنبورداری، تولید کود شیمیایی، مکانیزه کردن زراعت، معاینه خاک و تخصص زراعتی است. مرکز و کوهبند بیشتر به خدمات گسترده و حرفه‌ای مثل کلینیک حیوانی و کارخانه کود نیاز دارند، حصه اول و دوم بر فارم‌ها و حمایت دهاقین تمرکز دارند، تگاب نیازمند ماشین‌آلات پیشرفته، کود و بندهای آبیاری است و اله‌سای بر مکانیزه کردن زراعت، توزیع درخت و خدمات تخصصی زراعتی تأکید دارد.

به طور کلی، گراف نشان می‌دهد که ولسوالی‌های کوهبند، نجراب و تگاب نیاز شدیدی به خدمات کامل دامداری، تخم‌های اصلاح شده و باغداری دارند، در حالی که ولسوالی‌هایی مانند اله‌سای و حصه دوم بیشتر نیاز به مکانیزاسیون، ماشین‌آلات و خدمات تخصصی دارند. این الگو نیازمند برنامه‌ریزی هدفمند و تخصیص منابع مطابق ظرفیت‌ها و نیازهای محلی است تا توسعه زراعت و دامداری در تمام ولسوالی‌ها به صورت متوازن انجام شود.



گراف 150: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کاپیسا

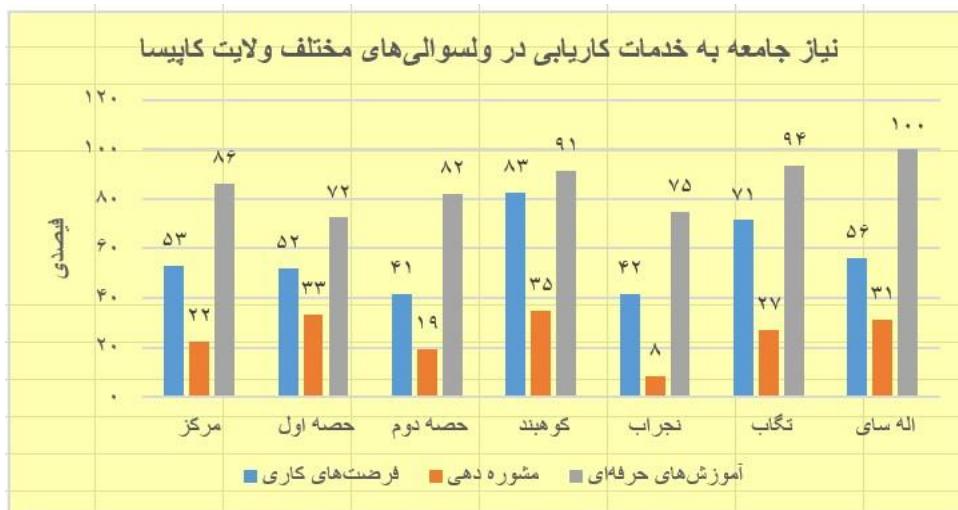
4.31.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه کاپیسا

تحلیل گراف (151)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کاپیسا تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در بخش فرصت‌های کاری، کوهبند با ۸۳٪ و تگاب با ۷۱٪ بالاترین نیاز را دارند، در حالی که حصه دوم و نجراب با ۴۱ و ۴۲٪ کمترین میزان را نشان می‌دهند، و سایر ولسوالی‌ها بین ۵۲ تا ۵۶٪ قرار دارند، که بیانگر تفاوت در فرصت‌های موجود یا دسترسی به بازار کار است. در مشوره‌دهی شغلی، درصدها به طور کلی پایین‌تر هستند؛ کوهبند ۳۵٪ و حصه اول ۳۳٪ بالاترین نیاز را دارند، اما نجراب تنها ۸٪ را نشان می‌دهد، که احتمالاً به دلیل نسبتاً وجود مراکز مشاوره یا عدم اطلاع‌رسانی کافی است.

در زمینه آموزش‌های حرفه‌ای، تمام ولسوالی‌ها درصدهای بالایی دارند؛ اله‌سای ۱۰۰٪، تگاب ۹۴٪ و کوهبند ۹۱٪ بالاترین نیازها را نشان می‌دهند و مرکز، حصه دوم و نجراب نیز بین ۷۲ تا ۸۶٪ هستند، که نشان می‌دهد جامعه به آموزش‌های عملی و مهارت‌آموزی برای ورود به بازار کار علاقه شدید دارد.

در بخش سایر خدمات کاربایی، عمدتاً نیاز به ایجاد زمینه کار برای جوانان و فعال‌سازی شرکت‌های صنعتی و پروژه‌های انکشافی دیده می‌شود، به ویژه در کوهبند و تگاب که علاوه بر آموزش، فرصت‌های شغلی عملی نیز ضروری است.

به طور کلی، گراف نشان می‌دهد که ولسوالی‌های کوهبند، تگاب و اله‌سای بیشترین نیاز را به آموزش‌های حرفه‌ای و فرصت‌های کاری دارند، در حالی که سایر ولسوالی‌ها نیاز بیشتری به مشوره و فراهم شدن فرصت‌های ابتدایی کاری دارند. این الگو حاکی از ضرورت برنامه‌ریزی هدفمند برای آموزش مهارتی و ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با ظرفیت‌های محلی است.



گراف 151: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کاپیسا

5.31.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه کاپیسا

تحلیل گراف (152)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کاپیسا متنوع و به شرایط جغرافیایی و دسترسی هر ولسوالی بستگی دارد. در بخش آب آشامیدنی، تگاب با ۹۱٪ و نجراب با ۸۳٪ بالاترین نیاز را دارند، در حالی که کوهبند تنها ۳۰٪ را نشان می‌دهد، احتمالاً به دلیل دسترسی نسبی به منابع آب طبیعی یا شبکه‌های موجود. سایر ولسوالی‌ها بین ۶۲ تا ۷۵٪ فرار دارند و نشان می‌دهد که آب آشامیدنی هنوز یکی از نیازهای اساسی اکثر ولسوالی‌ها است. در بخش برق، اله‌سای با ۹۴٪ و تگاب با ۹۲٪ بیشترین نیاز را دارند، کوهبند تنها ۳۹٪ نیاز دارد، و سایر ولسوالی‌ها بین ۶۴ تا ۸۷٪ قرار دارند، که اختلاف‌ها به تفاوت در شبکه برق‌رسانی و میزان دسترسی به انرژی بازمی‌گردد.

در زمینه سرک‌ها، کوهبند با ۹۶٪ بالاترین نیاز را دارد و نشان می‌دهد که راه‌ها در این ولسوالی بسیار ناکافی هستند، تگاب و نجراب نیز بالاتر از ۷۵٪ نیاز دارند، در حالی که مرکز، حصه اول، حصه دوم و اله‌سای بین ۵۲ تا ۷۵٪ قرار دارند، یعنی سرک‌ها وضعیت بهتری دارند اما همچنان نیاز به ترمیم و توسعه وجود دارد.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، نیازها شامل ساخت پل و پلچک، دیوارهای استنادی، اعمار بندهای آب، چاه‌های عمیق، شبکه آب‌رسانی، پخته‌کاری سرک، خدمات مخابراتی و نلدوانی است. هر ولسوالی بر اساس وضعیت محلی و کمبودهای موجود به ترکیبی از این خدمات نیاز دارد؛ برای مثال کوهبند و تگاب تمرکز بیشتری بر راه‌ها و پل‌ها دارند، نجراب و حصه اول بر بندهای آب و دیوارهای استنادی، و اله‌سای بر خدمات برق، پل‌ها و شبکه آب نیاز دارند.

به طور کلی، گراف نشان می‌دهد که تگاب، نجراب و اله‌سای بیشترین نیازها را در زمینه آب، برق و سرک دارند، کوهبند بیشترین نیاز را به توسعه سرک‌ها و پل‌ها دارد، و سایر ولسوالی‌ها نیاز متوسطی دارند که با برنامه‌ریزی هدفمند و اولویت‌بندی منابع می‌توان بر آن‌ها تمرکز کرد تا دسترسی به خدمات زیربنایی در سطح ولایت به صورت متوازن افزایش یابد.



گراف 152: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کاپیسا

6.31.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت کاپیسا

تحلیل گراف (153)، نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات زیربنایی و اجتماعی در ولسوالی‌های مختلف ولایت کاپیسا متفاوت است و بازتاب‌دهنده نیازها و کمبودهای محلی است. در اله سایی، برق با ۴۲٪ بالاترین اولویت را دارد، پس از آن سرک‌ها با ۳۳٪ و آب آشامیدنی با ۲۵٪ قرار دارند، که بیانگر اهمیت انرژی و حمل‌ونقل برای توسعه این ولسوالی است. در حصه دوم، برق با ۴۹٪ بیشترین اهمیت را دارد، آب آشامیدنی ۳۸٪ و سرک تنها ۱۳٪ است، نشان‌دهنده تمرکز بر تأمین انرژی و آب نسبت به توسعه راه‌ها. کوهبند نیز برق با ۴۳٪، آب آشامیدنی ۳۰٪ و سرک ۲۶٪ را در اولویت دارد، که نشان‌دهنده نیاز متوازن به انرژی، آب و راه‌ها است.

در نجراب، آب آشامیدنی با ۴۵٪ بالاترین اولویت است، در حالی که کلینیک و برق هر کدام ۲۷٪ دارند، که حاکی از کمبود شدید منابع آب و اهمیت خدمات صحتی در این ولسوالی است. تگاب برق با ۴۹٪، آب آشامیدنی ۳۲٪ و کلینیک ۱۹٪ در اولویت قرار دارند، نشان‌دهنده نیاز همزمان به انرژی، آب و خدمات صحتی. حصه اول برق با ۵۸٪ در صدر قرار دارد، آب آشامیدنی ۳۳٪ و کورس‌های سوادآموزی تنها ۹٪، که تمرکز بیشتر بر تأمین انرژی و آب است و آموزش کوتاه‌مدت در اولویت کمتر قرار دارد. در مرکز، برق و سرک هر کدام با ۳۷٪ اولویت دارند و آب آشامیدنی با ۲۶٪ سوم است، که نشان‌دهنده نیاز نسبی متوازن به انرژی و حمل‌ونقل است.

به طور کلی، شکل نشان می‌دهد که برق و آب آشامیدنی اغلب در صدر اولویت‌ها هستند، اما اولویت سرک‌ها و خدمات صحتی در برخی ولسوالی‌ها مانند نجراب، کوهبند و مرکز بالا است. این الگو تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی توسعه باید بر اساس نیاز محلی و ترکیب خدمات انرژی، آب، راه و خدمات اجتماعی انجام شود تا بیشترین تأثیر برای مردم داشته باشد.



گراف 153: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های کاپیسا

32.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت تخار

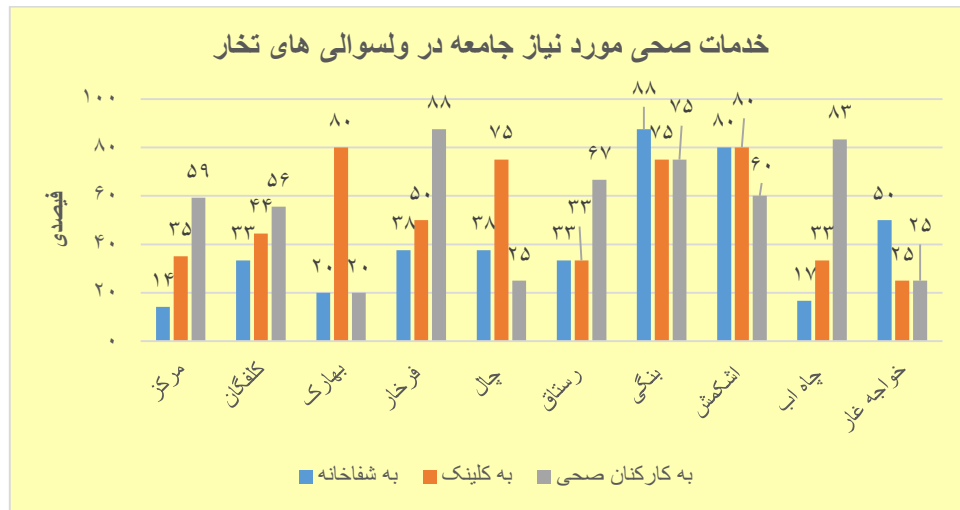
ولایت تخار با جمعیتی متنوع و گسترده در ولسوالی‌های مختلف با کمبودها و نیازهای فراوان در بخش‌های صحت، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی مواجه است. تحلیل‌های انجام‌شده قرار ذیل نشان می‌دهد که هر ولسوالی بسته به شرایط جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی خود اولویت‌های متفاوتی دارد؛ به‌عنوان مثال، برخی مناطق نیاز بیشتری به خدمات صحتی و کارکنان حرفه‌ای دارند، در حالی که برخی دیگر به آب آشامیدنی، برق یا سرک‌های مناسب نیازمندند. در بخش تعلیمی، نیازهای بالایی به آموزش‌های کوتاه‌مدت و فنی-حرفه‌ای دیده می‌شود، و در بخش زراعتی، تأمین تخم‌های اصلاح‌شده، مالداری و باغداری از اولویت‌های اساسی است. همچنین، در حوزه کاریابی، آموزش‌های حرفه‌ای و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع، تحلیل‌های انجام‌شده بیانگر آن است که یک رویکرد جامع و ولسوالی‌محور برای برنامه‌ریزی و توزیع خدمات ضروری است تا نیازهای اساسی و توسعه‌ای مردم تخار به‌طور متوازن تأمین شود. با توجه به داده‌های ارائه‌شده، تعداد افراد نیازمند به خدمات در هر ولسوالی نیز قابل توجه است؛ به‌طور مثال، مرکز حدود ۳۳'۰۰۰ نفر، بنگی ۲۱'۲۷۰ نفر، اشکمش ۱۶'۰۰۰ نفر و خواجه‌غار ۲۲'۰۰۰ نفر نیازمند خدمات اساسی هستند، که نشان‌دهنده گستردگی و اهمیت رسیدگی فوری به این نیازها است.

1.32.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه تخار

گراف (154)، نشان می‌دهد که نیازمندی‌های صحتی در ولسوالی‌های ولایت تخار هم از نگاه نوع خدمات و هم از نگاه شدت نیاز، نابرابر و نگران‌کننده است. در بخش خدمات شفاخانه‌ای، بنگی و اشکمش با فیصدی‌های بسیار بلند (۸۸٪ و ۸۰٪) در وضعیت بحرانی قرار دارند که می‌تواند ناشی از فاصله زیاد تا شفاخانه‌های معیاری، تراکم نفوس و یا نبود مراکز مجهز باشد، در حالی که پایین بودن نیاز در مرکز نشان می‌دهد که امکانات صحتی نسبتاً متمرکز و قابل دسترس است. در بخش کلینک‌ها، فیصدی‌های بلند در بهارک، اشکمش، بنگی و چال بیانگر کمبود جدی خدمات صحتی ابتدایی و پیشگیرانه است که معمولاً اولین نقطه تماس مردم با سیستم صحتی می‌باشد. از نظر نیاز به کارکنان صحتی، ارقام بلند در فرخار (۸۸٪)، چاه‌آب (۸۳٪) و رستاق (۶۷٪) نشان می‌دهد که حتی در صورت موجودیت مراکز صحتی، کمبود داکتر، نرس و قابله یکی از چالش‌های اساسی است و این موضوع می‌تواند کیفیت خدمات را به‌شدت کاهش دهد. این مسئله احتمالاً سبب مراجعه مستقیم مردم به شفاخانه‌ها و افزایش فشار بر مراکز ثانوی می‌گردد. در بخش سایر خدمات صحتی نیز تفاوت آشکار دیده می‌شود؛ برخی ولسوالی‌ها هیچ‌گونه نیاز ثبت‌شده ندارند که می‌تواند ناشی از نبود آگاهی مردم یا نبود دسترسی به چنین خدماتی باشد، در حالی که

ولسوالی‌هایی مانند خواجه‌غار و اشکمش به مجموعه‌ای از خدمات حیاتی شامل امبولانس، لابراتوار، ادویه باکیفیت، واکسینا سیون و تجهیزات طبی مدرن نیاز دارند که نشان‌دهنده ضعف شدید سیستم ارجاع و تشخیص است.

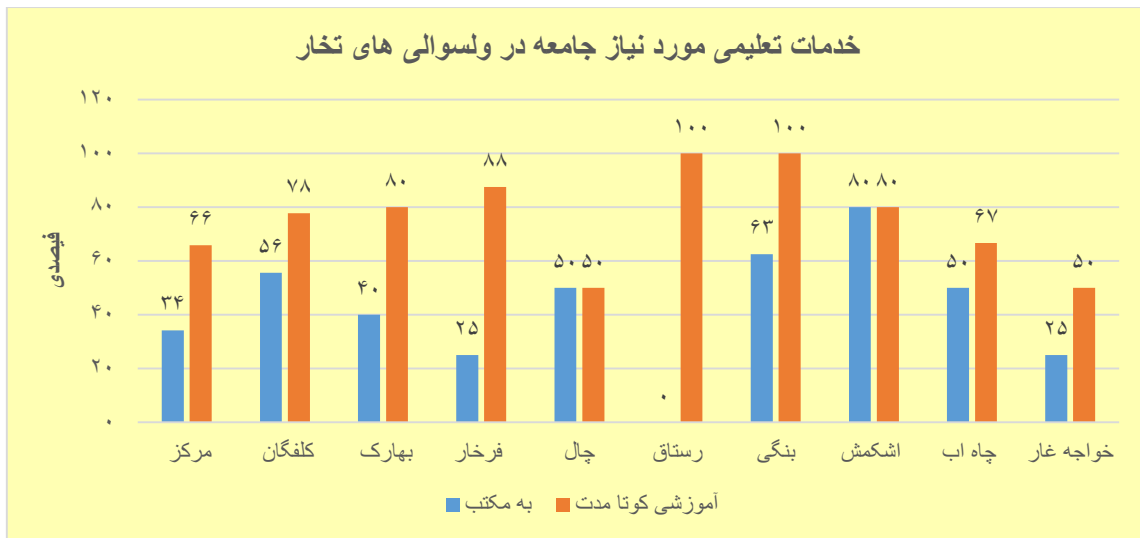
در مجموع، گراف بیانگر آن است که چالش اصلی صحتی در تخار فقط کمبود مراکز نیست، بلکه ترکیبی از کمبود زیرساخت، نیروی انسانی، تجهیزات و خدمات حمایتی می‌باشد. بنابراین، اقدامات صحتی باید هدفمند و ولسوالی‌محور طراحی شود؛ یعنی در برخی مناطق تمرکز بر ساخت و تجهیز شفاخانه، در برخی دیگر افزایش کلینک‌ها و در مناطق دارای فیصدی بلند کمبود کارکنان، جذب و نگهداشت نیروی صحتی در اولویت قرار گیرد.



گراف 154: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های تخار

2.32.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه تخار

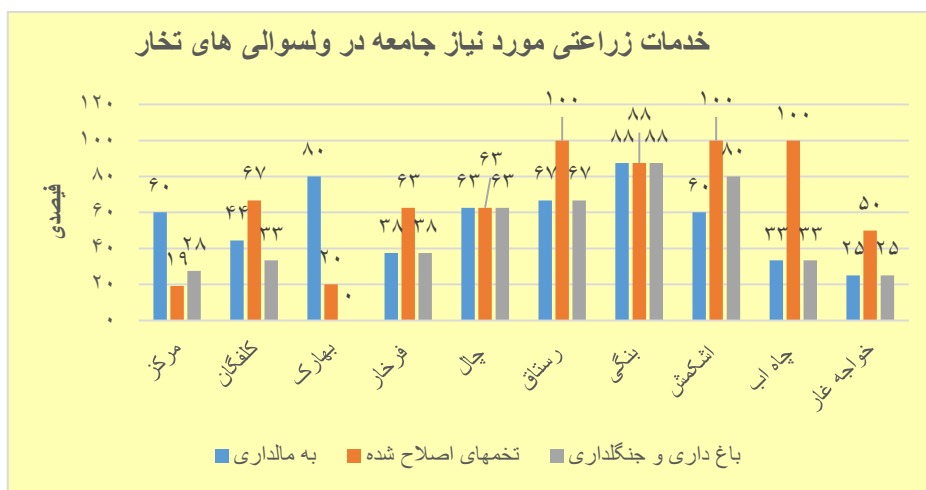
گراف (155)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت تخار بیشتر در بخش آموزش‌های کوتاهمدت متمرکز است و در همه ولسوالی‌ها فیصدی‌های بلند را نشان می‌دهد؛ به‌ویژه در رستاق و بنگی که نیاز به آموزش‌های کوتاهمدت به ۱۰۰٪ رسیده و بیانگر تقاضای شدید برای مهارت‌آموزی، سوادآموزی و آموزش‌های کاربردی است. نیاز به مکتب در اشکمش (۸۰٪) و بنگی (۶۳٪) بلند بوده که نشان‌دهنده کمبود مکاتب یا دسترس محدود به آموزش رسمی است، در حالی که در رستاق نیاز به مکتب صفر گزارش شده که می‌تواند بیانگر پوشش نسبی مناسب مکاتب یا تمرکز بر سایر انواع آموزش باشد. در بخش سایر خدمات تعلیمی، تمرکز بیشتر بر سوادآموزی، به‌ویژه برای زنان، ایجاد مکاتب انائیه، کورس‌های زبان‌های خارجی و آموزش کمپیوتری است که در ولسوالی‌هایی مانند مرکز، چال، بنگی و خواجه‌غار برجسته می‌باشد. همچنان وجود نیازهایی چون دارالعلوم انائیه و کورس‌های آموزشی نشان می‌دهد که جامعه تنها به آموزش ابتدایی بسنده نکرده، بلکه به توسعه آموزش دینی، مهارتی و مسلکی نیز علاقه‌مند است. در مجموع، گراف بیانگر آن است که اولویت اساسی تعلیمی در ولایت تخار، گسترش آموزش‌های غیررسمی و مهارت‌محور در کنار تقویت مکاتب، به‌خصوص برای جوانان، می‌باشد.



گراف 155: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار

3.32.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه تخار

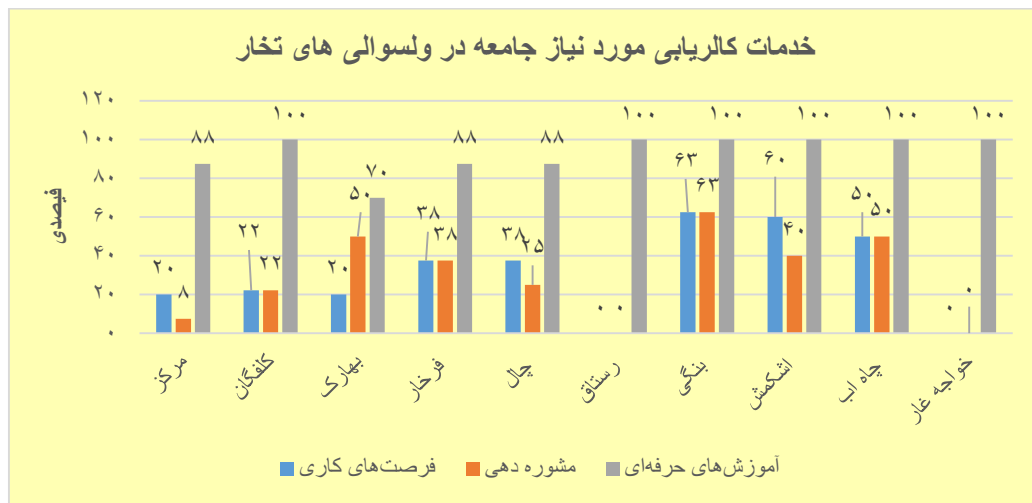
این گراف (156)، بیانگر آن است که نیازهای زراعتی در ولسوالی های مختلف ولایت تخار به صورت گسترده اما نامتوازن وجود دارد و بیشترین تمرکز بر مالداری، تخم های اصلاح شده و باغداری مشاهده می شود. نیاز به خدمات مالداری در بنگی (۸۸٪)، بهارک (۸۰٪) و رستاق (۶۷٪) بسیار بلند است که نشان می دهد معیشت بخش بزرگی از باشندگان این ولسوالی ها به دامداری وابسته است، در حالی که خواجه غار (۲۵٪) و چاه آب (۳۳٪) کمترین نیاز را گزارش کرده اند. در بخش تخم های اصلاح شده، فیصدی های بسیار بلند و حتی ۱۰۰٪ در رستاق، اشکمش و چاه آب نشان دهنده وابستگی شدید دهقانان به نهاده های معیاری و کمبود دسترسی به تخم های اصلاح شده می باشد. نیاز به باغداری و جنگلداری نیز در بنگی (۸۸٪)، اشکمش (۸۰٪) و رستاق (۶۷٪) بالا است که ظرفیت بالای این ولسوالی ها را برای توسعه باغداری و افزایش تولیدات نشان می دهد، در حالی که در بهارک هیچ نیازی گزارش نشده که می تواند ناشی از محدودیت منابع طبیعی یا تمرکز بر سایر فعالیت های زراعتی باشد. در بخش سایر خدمات زراعتی، نیاز به آموزش دهقانان، کود و ادویه زراعتی، سردخانه ها، ماشین آلات پیشرفته و مشاوران فنی به گونه مشخص در ولسوالی هایی مانند فرخار، چال، کلفگان و خواجه غار برجسته است که بیانگر ضعف خدمات حمایتی و فنی در زنجیره تولید زراعتی می باشد. در مجموع، گراف نشان می دهد که توسعه زراعت در ولایت تخار نیازمند رویکرد جامع شامل تأمین نهاده ها، ارتقای مهارت دهقانان، مکانیزه سازی زراعت و تقویت خدمات پس از تولید، به ویژه در ولسوالی های بنگی، رستاق، اشکمش و چاه آب است.



گراف 156: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار

4.32.4. خدمات کالریایی مورد نیاز جامعه تخرار

در گراف (157)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کالریایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت تخرار به صورت واضح بر آموزش‌های حرفه‌ای متمرکز است، به گونه‌ای که در اکثر ولسوالی‌ها این نیاز به ۱۰۰٪ رسیده و حتی در کمترین حالت نیز بسیار بلند (۷۰٪ بهارک) گزارش شده است؛ این امر بیانگر بیکاری گسترده و نبود مهارت‌های فنی مورد نیاز بازار کار می‌باشد. نیاز به فرصت‌های کاری مستقیم در بنگی (۶۳٪)، اشکمش (۶۰٪) و چاه آب (۵۰٪) قابل توجه است، در حالی که در رستاق و خواجه‌غار هیچ فرصتی گزارش نشده که می‌تواند نشان‌دهنده رکود شدید اقتصادی یا نبود برنامه‌های اشتغال‌زایی در این مناطق باشد. در بخش مشوره‌دهی شغلی، نیاز در بنگی، اشکمش و چاه آب بلند است که نشان می‌دهد جوانان علاوه بر کار، به راهنمایی برای انتخاب حرفه و ورود به بازار کار نیاز دارند. در قسمت سایر خدمات کالریایی، تمرکز بیشتر بر ایجاد صنایع کوچک، فابریکه‌ها، قالین‌بافی، خیاطی، نجاری و مراکز آموزش حرفوی است که بیانگر تمایل جامعه به خودکفایی اقتصادی و اشتغال پایدار می‌باشد. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که اولویت اساسی در ولایت تخرار، سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی-حرفه‌ای، ایجاد صنایع کوچک و فابریکه‌های تولیدی برای کاهش بیکاری و تقویت اقتصاد محلی است.



گراف 157: خدمات کالریایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخرار

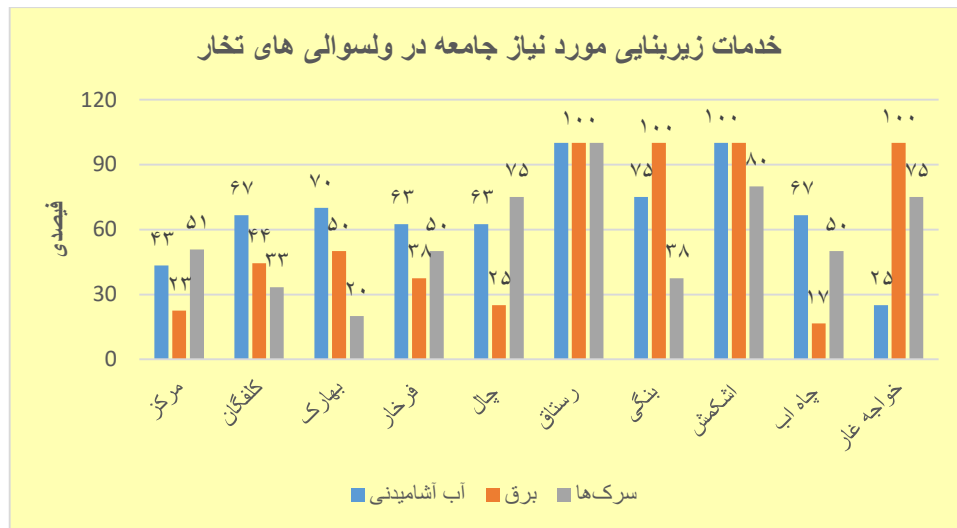
5.32.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه تخرار

با تحلیل گراف (158)، روشن می‌شود که کمبود خدمات زیربنایی در ولایت تخرار نه تنها گسترده بلکه در برخی ولسوالی‌ها بحرانی است و پیامدهای جدی بر زندگی روزمره مردم دارد. در بخش آب آشامیدنی، ولسوالی‌های رستاق و اشکمش با ۱۰۰٪ نیاز، و بنگی و چال با ۷۵٪ تا ۶۳٪ نشان می‌دهند که بخش زیادی از جمعیت این مناطق دسترسی کافی به آب صحتی و آشامیدنی ندارد. نبود آب صحتی می‌تواند مشکلات بهداشتی، شیوع بیماری‌ها و کاهش بهره‌وری کشاورزی و دامداری را به دنبال داشته باشد، بنابراین اولویت اول باید تأمین منابع آب و بهبود شبکه‌های توزیع آب باشد.

در بخش برق‌رسانی، درصد ۱۰۰٪ در رستاق، بنگی، اشکمش و خواجه‌غار نشان می‌دهد که اکثر مردم این ولسوالی‌ها به شبکه برق پایدار دسترسی ندارند و این مشکل تأثیر مستقیم بر آموزش، کسب‌وکار، تولید، ذخیره مواد غذایی و زندگی روزمره دارد. حتی مناطقی مانند مرکز و چاه‌آب با درصدهای پایین‌تر، هنوز با کمبود برق مواجه‌اند و این نشان می‌دهد که شبکه برق‌رسانی پراکنده و ناکافی است.

در مورد راه‌ها و سرک‌ها، ولسوالی‌هایی مانند رستاق، اشکمش و چال با نیاز ۷۵٪ تا ۱۰۰٪ بیانگر مشکلات جدی در دسترسی به بازارها، مراکز صحتی و تعلیمی هستند. عدم وجود سرک مناسب باعث افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، محدود شدن تجارت و دشواری دسترسی به خدمات حیاتی می‌شود.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، نیازهای متنوعی از جمله پخته کاری کوچه‌ها، دیوارهای استنادی، پل‌ها، جوی‌های آب، سردخانه‌ها، سیستم آبیاری قطره‌ای، پارک‌های تفریحی و خدمات مخابراتی مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد توسعه زیربنا تنها به یک حوزه محدود نمی‌شود. این نیازها هم شامل زیرساخت‌های اساسی برای زندگی روزمره و هم توسعه اقتصادی و اجتماعی است. به‌طور کلی، الگوی نیازهای زیربنایی در تخار نشان می‌دهد که برخی ولسوالی‌ها (رستاق، اشکمش، بنگی) در وضعیت نامناسب قرار دارند و توسعه زیرساخت‌ها باید همزمان در سه محور کلیدی: آب، برق و راه‌ها همراه با خدمات مکمل مانند پل‌ها، سردخانه‌ها و سیستم‌های آبیاری انجام شود. نبود توجه به این نیازها می‌تواند باعث افزایش نابرابری، مهاجرت به مناطق شهری و کاهش توسعه پایدار در این مناطق شود. این تحلیل نشان می‌دهد که یک رویکرد جامع و ولسوالی‌محور با اولویت‌بندی مناطق ضروری برای زیربنای تخار حیاتی است.



گراف 158: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار

6.32.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت تخار

گراف (159)، نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت تخار به شکل قابل توجهی بر نیازهای اساسی زندگی و توسعه مهارت‌های فنی تمرکز دارد و هر ولسوالی بسته به وضعیت محلی، اولویت‌های متفاوتی دارد. در مرکز، سرک‌ها (۳۹٪) و آب آشامیدنی (۳۶٪) بیشترین اولویت را دارند و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (۲۴٪) در جایگاه سوم قرار دارد که نشان‌دهنده نیاز همزمان به زیرساخت و مهارت‌افزایی است. در فرخار، اولویت اصلی به تخم اصلاح‌شده (۴۳٪) تعلق دارد و آموزش‌های فنی و کارکنان صحت هر کدام ۲۹٪ هستند، که بیانگر تمرکز بر کشاورزی و خدمات صحت است. کلفگان و بهارک بیشترین اولویت را به آب آشامیدنی (۵۶٪ و ۵۸٪) داده‌اند، در حالی که برق و تخم اصلاح‌شده یا کلینیک در رده‌های بعدی قرار دارند. در چال و اشکمش، آب آشامیدنی و سرک‌ها تقریباً هم‌رتبه هستند (۳۸٪ و ۴۳٪)، که نشان می‌دهد دسترسی به آب و مسیرهای ارتباطی برای این ولسوالی‌ها حیاتی است. در رستاق و بنگی، برق بالاترین اولویت را دارد (۵۰٪) و در کنار آن سرک و آب آشامیدنی یا آموزش‌های فنی اهمیت دارند، که نشان‌دهنده تمرکز بر زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل است. در چاه‌آب، آب آشامیدنی (۶۰٪) و مکتب و مکان‌های تفریحی (۲۰٪ هر کدام) اولویت یافته‌اند، نشان‌دهنده نیاز به خدمات اساسی و رفاهی. در خواجه‌غار، برق (۶۰٪) مهم‌ترین اولویت است و سرک و زراعت و مالداری هر کدام ۲۰٪ قرار دارند، که نیاز به انرژی و توسعه اقتصادی را برجسته می‌کند.

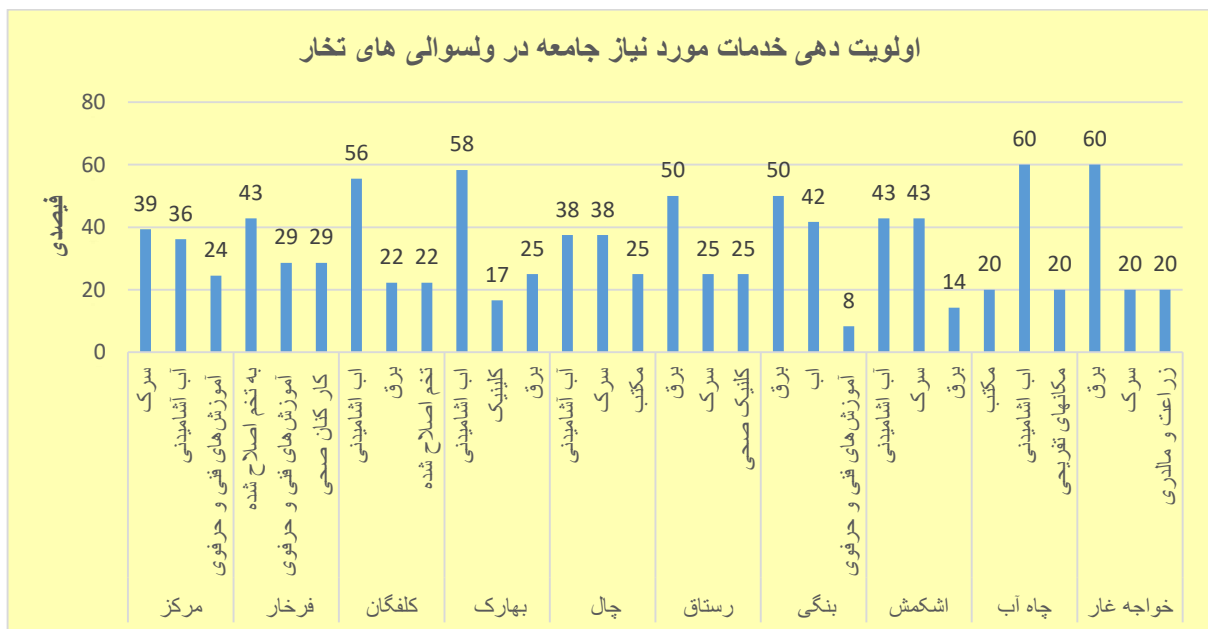
در مجموع، گراف نشان می‌دهد که آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها به‌عنوان زیرساخت‌های حیاتی در اکثر ولسوالی‌ها اولویت بالایی دارند، در حالی که آموزش‌های فنی، خدمات صحتی و کشاورزی بسته به شرایط محلی دومین اولویت‌ها هستند. این الگو بیانگر نیاز به رویکرد ولسوالی‌محور و ترکیبی است که هم خدمات اساسی و هم توسعه مهارت و معیشت را پوشش دهد.

اگر به خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی‌های ولایت تخار رسیدگی شود، اثرات مثبت گسترده‌ای مشاهده خواهد شد. در بخش صحتی، دسترسی به شفاخانه‌ها، کلینیک‌ها و کارکنان ماهر باعث کاهش بیماری‌ها، بهبود سلامت مادر و کودک، افزایش امید به زندگی و کاهش فشار بر خانواده‌ها می‌شود. در بخش تعلیمی، توسعه مکاتب، آموزش‌های کوتاه‌مدت و فنی-حرفه‌ای توانایی افراد برای اشتغال و

مشارکت اقتصادی را افزایش می‌دهد و به‌ویژه زنان و جوانان را توانمند می‌سازد. در حوزه زراعتی، تأمین تخم‌های اصلاح‌شده، مالداری و باغداری باعث افزایش تولیدات، امنیت غذایی و درآمد دهقانان خواهد شد. خدمات کاربایی و آموزش‌های حرفه‌ای، جوانان را وارد بازار کار کرده و بیکاری را کاهش می‌دهد و زیرساخت‌های زیربنایی مانند آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها بهبود کیفیت زندگی، تسهیل تجارت و رشد اقتصادی را ممکن می‌سازد. در مجموع، رسیدگی به این خدمات باعث توسعه پایدار، کاهش فقر و بهبود رفاه عمومی در تخار خواهد شد.

اما اگر به این خدمات رسیدگی نشود و وضعیت فعلی ادامه یابد، پیامدهای منفی قابل توجهی انتظار می‌رود. در بخش صحت، کمبود امکانات و کارکنان ماهر منجر به شیوع بیماری‌ها، مرگ و میر بالاتر و فشار اقتصادی و اجتماعی بر خانواده‌ها می‌شود. در حوزه تعلیمی، کمبود آموزش و مهارت سبب کاهش فرصت‌های شغلی، افزایش بیکاری و مهاجرت جوانان می‌گردد. در بخش زراعتی، نبود تخم اصلاح‌شده و آموزش‌های کشاورزی منجر به کاهش تولیدات و امنیت غذایی ضعیف خواهد شد. در زمینه کاربایی، کمبود فرصت‌های شغلی و آموزش حرفه‌ای باعث افزایش فقر، بیکاری و نارضایتی اجتماعی می‌شود. همچنین، نبود زیرساخت‌های اساسی مانند برق، آب و سرک‌ها کیفیت زندگی را کاهش می‌دهد، دسترسی به بازار و خدمات صحتی و تعلیمی را محدود می‌کند و توسعه اقتصادی را متوقف می‌سازد.

در نهایت، ادامه وضعیت فعلی به معنای تشدید فقر، نابرابری و کاهش رفاه عمومی برای جمعیتی بالغ بر ۷۳۰٬۰۰۰ تا ۳۳۰٬۰۰۰ نفر در هر ولسوالی است، که بدون اقدام فوری، این ضرورت اجتماعی و اقتصادی تشدید خواهد شد.



گراف 159: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های تخار

33.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت سمنگان

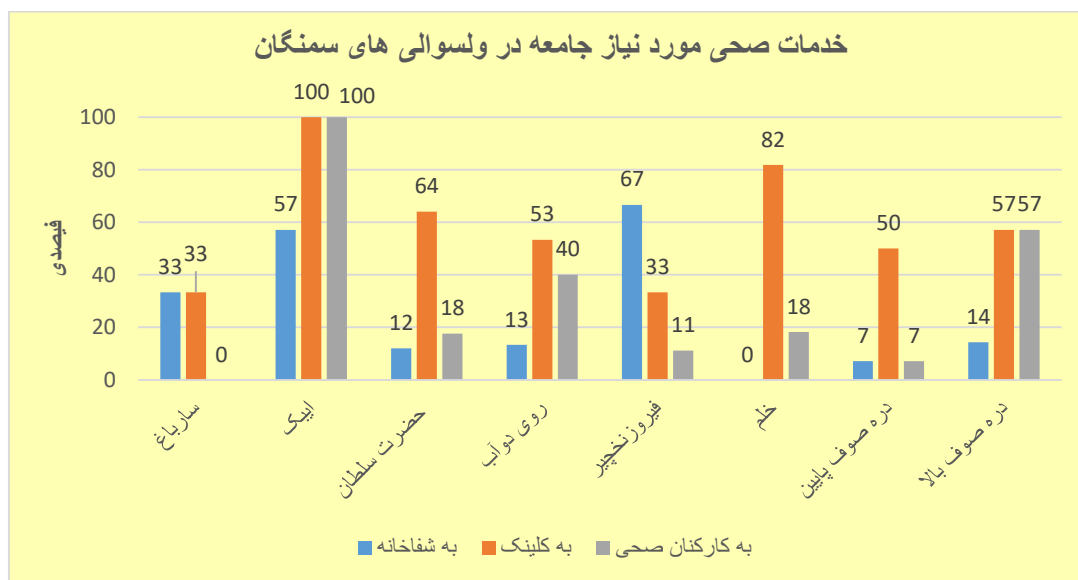
ولایت سمنگان با تنوع جمعیتی و اقلیمی خود، نیازهای گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف خدماتی دارد که شامل خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاربایی و زیربنایی می‌شود. خدمات صحتی نقش حیاتی در بهبود سلامت و کاهش بیماری‌ها دارند و دسترسی به شفاخانه‌ها، کلینیک‌ها و کارکنان صحتی در ولسوالی‌ها متفاوت است و برخی مناطق مانند ایبک و فیروزنخچیر بیشترین نیاز را نشان می‌دهند. خدمات تعلیمی، شامل مکتب و آموزش‌های کوتاه‌مدت، برای ارتقای سطح سواد و مهارت‌های کاری ضروری است و در ایبک و سارباغ بیشترین درصد نیاز گزارش شده است. خدمات زراعتی، از جمله مالداری، استفاده از تخم‌های اصلاح شده و باغداری و جنگلداری، برای بهبود تولید کشاورزی و درآمد اقتصادی خانواده‌ها اهمیت دارد و ایبک و دره صوف بالا نیازهای بیشتری در این حوزه دارند. خدمات کاربایی، شامل فرصت‌های شغلی، مشاوره و آموزش‌های حرفه‌ای، نقش مهمی در کاهش بیکاری و تقویت مهارت‌های حرفه‌ای دارد و بیشترین نیازها در ایبک و دره صوف بالا مشاهده

می‌شود. در نهایت، خدمات زیربنایی مانند آب آشامیدنی، برق، سرک‌ها و سایر پروژه‌های توسعه‌ای برای ارتقای کیفیت زندگی و فعالیت‌های اقتصادی ضروری است، که اییک، دره صوف بالا و حضرت سلطان نیازهای بیشتری در این زمینه دارند.

با توجه به جمعیت هر ولسوالی، تعداد افراد نیازمند به خدمات مختلف قابل توجه است: سارباغ 23,100 نفر، اییک 40,360 نفر، حضرت سلطان 51,423 نفر، روی دوآب 38,400 نفر، فیروزنخچیر 21,400 نفر، خلم 42,800 نفر، دره صوف پایین 50,000 نفر و دره صوف بالا 39,000 نفر. این ارقام نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و تخصیص منابع باید به صورت دقیق و متناسب با نیاز هر ولسوالی انجام شود تا بیشترین بهره‌وری و تأثیر مثبت در زندگی مردم حاصل شود.

1.33.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه سمنگان

گراف (160)، نشان‌دهنده نیاز جامعه به خدمات صحی در ولسوالی‌های مختلف ولایت سمنگان است و چهار دسته خدمات صحی را شامل می‌شود: مراجعه به شفاخانه، کلینیک، کارکنان صحی و سایر خدمات. بیشترین نیاز به شفاخانه در ولسوالی‌های فیروزنخچیر (67٪) و اییک (57٪) مشاهده می‌شود، در حالی که خلم (0٪) و دره صوف پایین (7٪) کمترین درصد نیاز را دارند، که نشان می‌دهد دسترسی به مراکز درمانی بزرگ یا جمعیت نیازمند خدمات در این ولسوالی‌ها متفاوت است. نیاز به کلینیک نیز در اییک (100٪) و حضرت سلطان (64٪) بالاتر است و در سایر ولسوالی‌ها بین 33٪ تا 57٪ متغیر است، که اهمیت توسعه کلینیک‌ها و تسهیل دسترسی به خدمات اولیه در مناطق مختلف را نشان می‌دهد. در بخش کارکنان صحی، اییک با 100٪ بیشترین نیاز را دارد، در حالی که سارباغ (0٪) و فیروزنخچیر (11٪) پایین‌ترین درصد نیاز را نشان می‌دهند، که ضرورت توزیع عادلانه نیروی انسانی صحی را مشخص می‌کند. سایر خدمات صحی در تمام ولسوالی‌ها صفر درصد گزارش شده است، که نشان‌دهنده فقدان خدمات جانبی مانند واکسیناسیون ویژه، آموزش‌های بهداشتی یا خدمات روانی است. به طور کل، اییک با بالاترین درصد نیاز در تمام دسته‌ها کانون توجه برای توزیع منابع و کارکنان است، در حالی که ولسوالی‌هایی مانند خلم و دره صوف پایین نسبت به سایر مناطق نیاز کمتری دارند. این داده‌ها می‌تواند راهنمایی برای برنامه‌ریزی دقیق و بهینه منابع صحی و توسعه خدمات جانبی در ولایت سمنگان باشد.

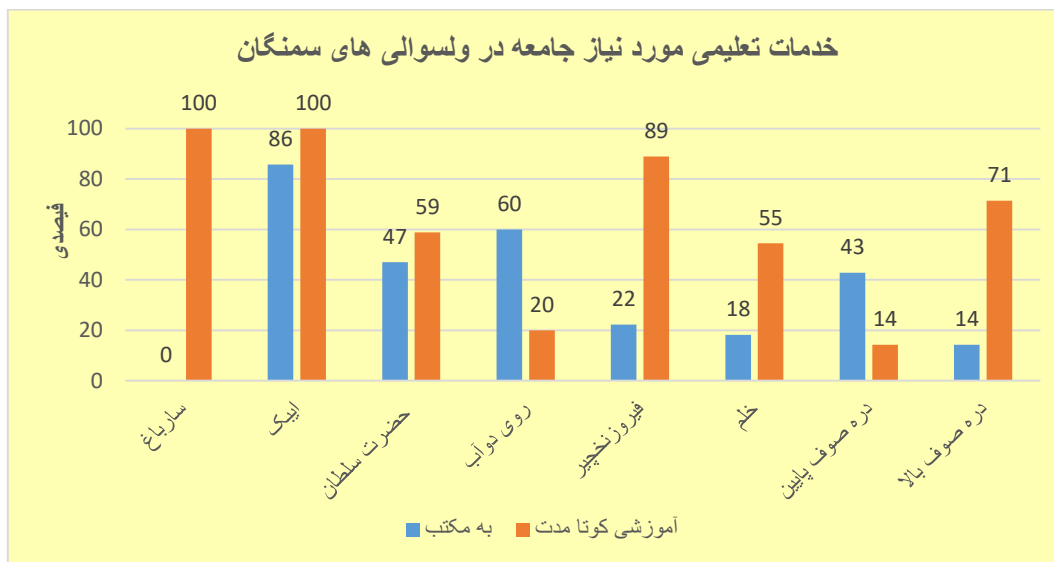


گراف 160: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های سمنگان

2.33.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه سمنگان

گراف (161)، نشان‌دهنده نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت سمنگان است و شامل سه دسته خدمات می‌باشد: مراجعه به مکتب، آموزش کوتاه‌مدت و سایر خدمات تعلیمی. نیاز به مکتب در اییک با 86٪ بالاترین درصد را دارد، در حالی که ولسوالی‌های سارباغ (0٪) و دره صوف بالا (14٪) پایین‌ترین نیاز را نشان می‌دهند، و این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از دسترسی محدود به مکاتب یا جمعیت دانش‌آموزان باشد.

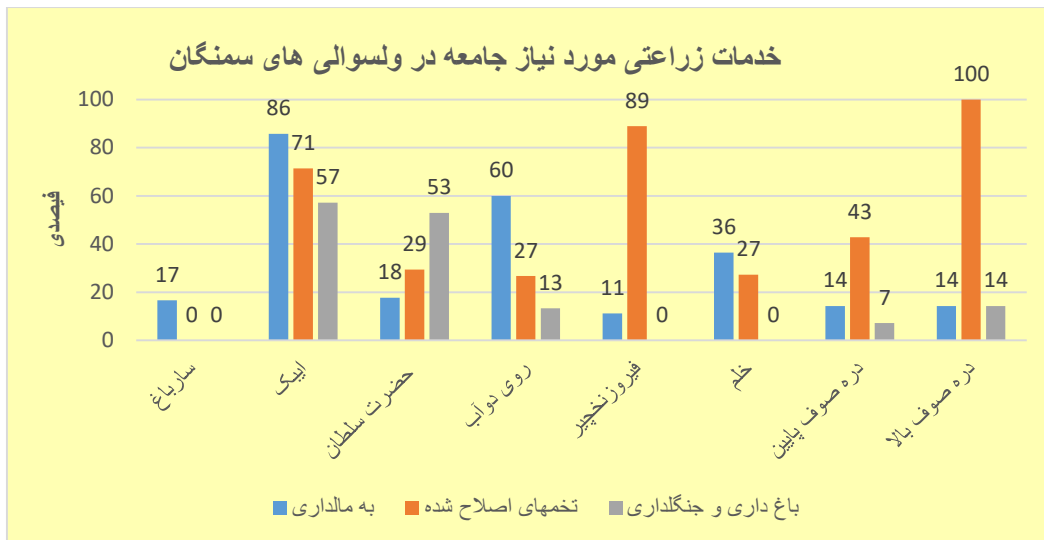
در بخش آموزش کوتاه مدت، تمامی نیازها در ایبک و سارباغ 100٪ گزارش شده که نشان دهنده اهمیت دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای تقویت مهارت‌ها و پر کردن خلاءهای آموزشی است؛ سایر ولسوالی‌ها بین 14٪ تا 89٪ متغیر هستند که تفاوت‌های قابل توجهی در دسترسی یا نیاز به آموزش کوتاه مدت را نشان می‌دهد. در بخش سایر خدمات تعلیمی هیچ نیاز درصدی گزارش نشده است (0٪)، که می‌تواند به معنای نبود برنامه‌های تکمیلی یا فعالیت‌های آموزشی جانبی باشد. به طور کل، ایبک و سارباغ بیشترین نیاز را در بخش آموزش کوتاه مدت و مکتب دارند و نیاز به توسعه زیرساخت‌های تعلیمی و ارائه دوره‌های کوتاه مدت در سایر ولسوالی‌ها نیز محسوس است، در حالی که ولسوالی‌هایی مانند خلم و دره صوف بالا نسبت به دیگر مناطق نیاز کمتری دارند.



گراف 161: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان

3.33.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه سمنگان

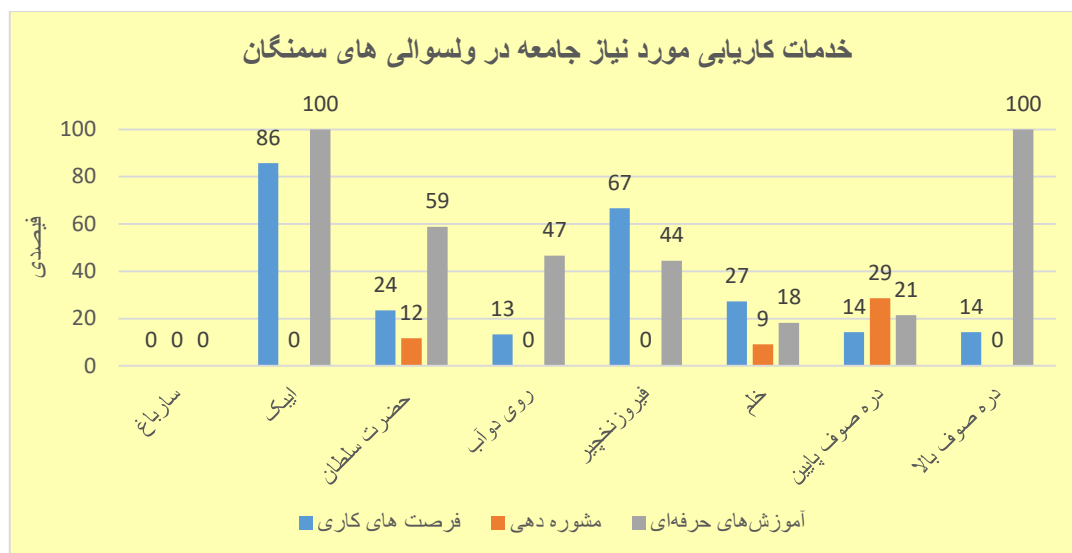
گراف (162)، نشان دهنده نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت سمنگان است و چهار دسته خدمات را شامل می‌شود: مالداری، تخم‌های اصلاح شده، باغداری و جنگلداری و سایر خدمات زراعتی. در بخش مالداری، نیاز بالاتر در ایبک (86٪) و روی دواب (60٪) است، که نشان می‌دهد این ولسوالی‌ها جمعیت بیشتری در زمینه دامداری دارند یا اهمیت اقتصادی مالداری در این مناطق بالاتر است، در حالی که ولسوالی‌های فیروزخچیر (11٪)، دره صوف پایین و بالا (14٪) و سارباغ (17٪) کمترین نیاز را دارند، که می‌تواند ناشی از جمعیت کمتر تمرکز بر سایر فعالیت‌های زراعتی باشد. در بخش تخم‌های اصلاح شده، بیشترین نیاز در دره صوف بالا (100٪) و فیروزخچیر (89٪) مشاهده می‌شود، که نشان دهنده علاقه یا ضرورت کشاورزان این ولسوالی‌ها به استفاده از تکنولوژی‌های نوین و افزایش کیفیت و کمیت تولید محصولات است؛ سایر ولسوالی‌ها بین 0٪ تا 71٪ متغیر هستند، که تفاوت‌های قابل توجهی در دسترسی و تمایل به تخم‌های اصلاح شده نشان می‌دهد. بخش باغداری و جنگلداری بیشترین نیاز را در ایبک (57٪) و حضرت سلطان (53٪) دارد، در حالی که در سایر ولسوالی‌ها، به ویژه فیروزخچیر و خلم، نیاز تقریباً صفر است؛ این امر می‌تواند نشان دهنده تفاوت در شرایط اقلیمی، خاک، یا اولویت‌های اقتصادی مردم باشد. بخش سایر خدمات زراعتی، مانند ماشین‌های زراعتی، در هیچ یک از ولسوالی‌ها گزارش نشده است، که ممکن است به کمبود تجهیزات، ناآگاهی یا محدودیت منابع اشاره داشته باشد. به طور کل، ایبک با نیاز بالا در مالداری و باغداری، و دره صوف بالا با نیاز بسیار بالا در تخم‌های اصلاح شده، مناطقی هستند که نیازمند تمرکز ویژه برای توسعه خدمات زراعتی، توزیع تخم‌های اصلاح شده، آموزش کشاورزان و فراهم کردن امکانات دامی و باغداری هستند، در حالی که ولسوالی‌هایی مانند فیروزخچیر و خلم نیاز کمتری در بعضی بخش‌ها دارند، اما همچنان باید به نیازهای تخم اصلاح شده و مالداری توجه شود تا تولید کشاورزی و دامی بهبود یابد و عدم تعادل بین ولسوالی‌ها کاهش یابد.



گراف 162: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان

4.33.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه سمنگان

گراف (163)، نشان دهنده نیاز جامعه به خدمات کاریابی در ولسوالی های مختلف ولایت سمنگان است و شامل چهار دسته خدمات می شود: فرصت های کاری، مشوره دهی، آموزش های حرفه ای و سایر خدمات کاریابی. در بخش فرصت های کاری، بیشترین نیاز در ایبک (86%) و فیروز خجیر (67%) مشاهده می شود، در حالی که سارباغ (0%) و برخی ولسوالی های دیگر مانند دره صوف پایین و بالا (هرکدام 14%) کمترین نیاز را دارند، که این امر نشان دهنده تمرکز فرصت های شغلی و تمایل افراد به بازار کار در ایبک و فیروز خجیر است. در بخش مشوره دهی، نیازها به طور کلی پایین است و بیشترین درصد در دره صوف پایین (29%) و حضرت سلطان (12%) دیده می شود، که نشان می دهد بسیاری از ولسوالی ها هنوز از خدمات مشاوره شغلی محروم هستند. بخش آموزش های حرفه ای بیشترین نیاز را دارد، به ویژه در ایبک و دره صوف بالا (هرکدام 100%)، و همچنین حضرت سلطان (59%) و روی دواب (47%) نیاز قابل توجهی نشان می دهند؛ این داده ها اهمیت برگزاری دوره های آموزشی حرفه ای برای ارتقای مهارت های کاریابی و اشتغال را در این مناطق تأکید می کند. بخش سایر خدمات کاریابی تنها در ایبک با اشاره به استخدام استادان مجرب در آموزش های فنی و حرفه ای مطرح شده است، که نشان دهنده توجه ویژه به کیفیت آموزش های فنی در این ولسوالی است. به طور کل، ایبک و دره صوف بالا بیشترین نیاز را در زمینه آموزش حرفه ای و فرصت های کاری دارند و توجه ویژه به توسعه دوره های آموزشی، مشاوره شغلی و ایجاد فرصت های اشتغال در این مناطق ضروری است، در حالی که ولسوالی هایی مانند سارباغ و روی دواب نیاز کمتری نشان می دهند اما همچنان می توانند از خدمات مشاوره و آموزش های کوتاه مدت بهره مند شوند.



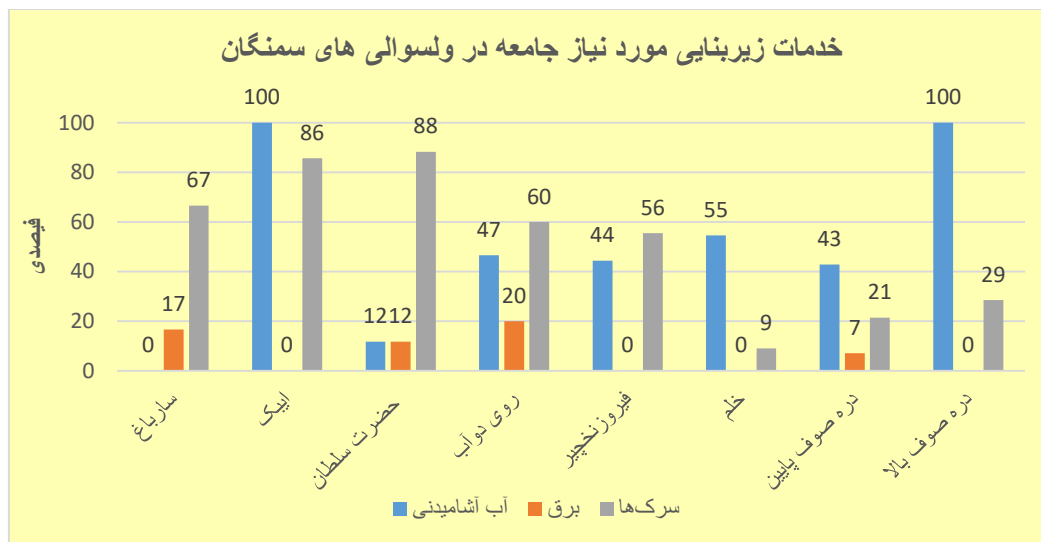
گراف 163: خدمات کاریبایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان

5.33.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه سمنگان

گراف (164)، نشان دهنده نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی های مختلف ولایت سمنگان است و شامل چهار دسته اصلی خدمات می شود: آب آشامیدنی، برق، سرک ها و سایر خدمات زیربنایی. در بخش آب آشامیدنی، بیشترین نیاز در ایبک و دره صوف بالا (100٪) مشاهده می شود که اهمیت تأمین آب سالم برای زندگی روزمره و توسعه کشاورزی را نشان می دهد؛ نیاز بالای 50٪ در خلم (55٪)، روی دوآب (47٪) و فیروزنخچیر (44٪) نیز نشان می دهد که دسترسی به آب آشامیدنی هنوز در بسیاری از ولسوالی ها مشکل ساز است و تأمین منابع آب اولویت حیاتی است. در بخش برق، نیازها نسبتاً پایین هستند و تنها سارباغ با 17٪ بالاترین درصد را دارد، در حالی که سایر ولسوالی ها کمبود برق یا نیاز فوری گزارش نکرده اند؛ این ممکن است به دلیل محدودیت شبکه برق یا اولویت های دیگر زیرساختی باشد.

در بخش سرک ها، بیشترین نیاز در حضرت سلطان (88٪) و ایبک (86٪) دیده می شود، که نشان دهنده کمبود یا نیاز به بهبود شبکه حمل و نقل و ارتباط بین روستاها و مراکز اصلی است؛ سرک های کم کیفیت می تواند دسترسی به خدمات صحی، تعلیمی و بازار را محدود کند. سایر ولسوالی ها مانند روی دوآب (60٪) و فیروزنخچیر (56٪) نیز نیاز قابل توجهی دارند، در حالی که خلم (9٪) و دره صوف پایین (21٪) نیاز کمتری نشان می دهند.

بخش سایر خدمات زیربنایی شامل پروژه های متنوع و تخصصی است که هر ولسوالی با توجه به شرایط خود نیازمند آنهاست. این خدمات شامل بند آب گردان، حفر کانال های زراعتی، ترمیم پل ها، دیوارهای استنادی و ساخت فابریکه تولیدی است و نشان می دهد که توسعه زیرساختی تنها محدود به آب، برق و جاده نیست، بلکه نیازهای اقتصادی، کشاورزی و خدمات عمومی نیز باید مدنظر قرار گیرد. به طور کل، ایبک و دره صوف بالا بیشترین نیاز را به آب آشامیدنی و پروژه های زیربنایی حیاتی دارند، حضرت سلطان و ایبک بیشترین نیاز به بهبود جاده و سرک دارند، و سایر ولسوالی ها مانند خلم و دره صوف پایین نسبتاً نیاز کمتری دارند اما نیازهای خاص هر ولسوالی نشان دهنده ضرورت برنامه ریزی منطقه ای و تخصیص منابع به صورت متوازن است. این داده ها تأکید می کند که توسعه زیر ساخت ها باید جامع و متناسب با شرایط هر ولسوالی باشد تا هم زندگی مردم بهبود یابد و هم فعالیت های اقتصادی و کشاورزی تقویت شود.



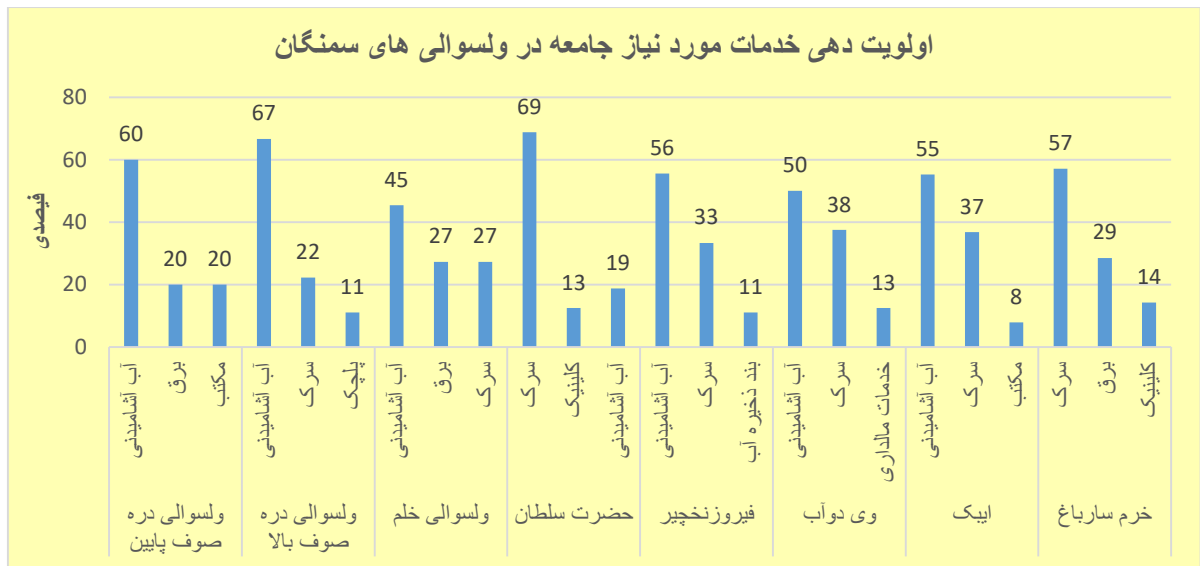
گراف 164: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان

6.33.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت سمنگان

گراف (165)، اولویت بندی خدمات در ولسوالی های ولایت سمنگان نشان می دهد که نیازهای زیربنایی و خدمات اساسی هر ولسوالی متفاوت است و بر اساس درصد اولویت دهی قابل تحلیل است. در ولسوالی های دره صوف پایین و دره صوف بالا بیشترین اولویت با آب آشامیدنی است (60٪ و 67٪)، که نشان دهنده اهمیت تأمین آب سالم برای زندگی روزمره مردم است، در حالی که سایر خدمات مانند برق، مکتب و پلچک اولویت کمتری دارند. در خلم نیز آب آشامیدنی با 45٪ بالاترین اولویت را دارد، و برق و سرک هر کدام 27٪ در رتبه دوم قرار دارند، که نشان دهنده نیاز همزمان به خدمات زیربنایی و حمل و نقل است. در حضرت سلطان بیشترین اولویت با سرکها (69٪) است، که بیانگر اهمیت جاده ها و دسترسی به مراکز خدماتی و بازارهاست، و کلینیک و آب آشامیدنی اولویت های بعدی محسوب می شوند. فیروزنخچیر و وی دوآب نیز اولویت اصلی شان آب آشامیدنی است (56٪ و 50٪)، در حالی که سرک و خدمات مالداری یا بند ذخیره آب اولویت های بعدی را تشکیل می دهند. در ایبیک آب آشامیدنی با 55٪، سرک با 37٪ و مکتب با 8٪ اولویت های اصلی هستند و نشان می دهد که توسعه آب سالم و حمل و نقل و آموزش همزمان مورد توجه است. در خرم سارباغ سرک با 57٪ بیشترین اولویت را دارد، و برق (29٪) و کلینیک (14٪) در رتبه های بعدی قرار دارند، که اهمیت توسعه زیرساخت حمل و نقل و تأمین برق را در این ولسوالی نشان می دهد. به طور کلی، تحلیل این جدول نشان می دهد که آب آشامیدنی و سرکها بیشترین اولویت را در اکثر ولسوالی ها دارند و سایر خدمات مانند برق، مکتب، کلینیک، پلچک و خدمات مالداری در رتبه دوم یا سوم قرار می گیرند؛ این الگوها می تواند برای برنامه ریزی و تخصیص منابع در سطح ولسوالی ها جهت بهبود زندگی مردم و توسعه متوازن منطقه راهنمایی کند.

اگر به خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی های ولایت سمنگان رسیدگی شود، زندگی مردم به شکل قابل توجهی بهبود می یابد؛ سلامت عمومی ارتقا یافته، میزان سواد و مهارت های کاری افزایش می یابد، تولید کشاورزی و درآمد خانواده ها بهبود می یابد، فرصت های شغلی گسترش می یابد و دسترسی به آب، برق و جاده ها آسان تر می شود؛ در نتیجه کیفیت زندگی مردم بالاتر رفته و توسعه متوازن در سطح ولسوالی ها تحقق می یابد.

در مقابل، اگر این خدمات به موقع و به اندازه کافی ارائه نشود، پیامدهای منفی قابل توجهی به دنبال خواهد داشت: بیماری ها و مشکلات سلامت افزایش یافته، کم سواد و کمبود مهارت های کاری تشدید می شود، تولید و درآمد کشاورزی کاهش می یابد، بیکاری و فقر گسترده تر می شود و کمبود زیرساخت های حیاتی مانند آب آشامیدنی، برق و سرکها، کیفیت زندگی مردم را پایین می آورد و نابرابری بین ولسوالی ها شدت می یابد. به طور خلاصه، رسیدگی به این خدمات برای توسعه انسانی، اقتصادی و زیربنایی مناطق ضروری است و تأخیر یا غفلت می تواند پیامدهای بلندمدت و جدی برای جامعه داشته باشد.



گراف 165: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های سمنگان

34.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت غور

در ولایت غور، مردم ولسوالی های مختلف با کمبود گسترده و چندبعدی خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاربایی و زیربنایی مواجه هستند. دسترسی به آب آشامیدنی، برق، سرکها و خدمات صحتی و تعلیمی، کمبود نیروی متخصص، امکانات آموزشی و تجهیزات زراعتی و فرصت های شغلی از چالش های اصلی است. این وضعیت نشان می دهد که نیازها هم در بخش زیرساخت و هم در کیفیت خدمات بسیار بالاست و برنامه ریزی توسعه ای نیازمند اولویت بندی و تمرکز بر مناطق دارای بیشترین نیاز می باشد.

با توجه به جمعیت ولسوالی ها، تعداد افراد نیازمند این خدمات بسیار چشم گیر است؛ به گونه ای که مرکز فیروزکوه با ۸۷۳۱۲ نفر و تیوره با ۱۱۳۴۱۸ نفر بیشترین جمعیت نیازمند را دارند، و حتی ولسوالی های کم جمعیت تر مانند لعل و سرچنگل (۱۱۵۷۵ نفر) نیز نیازمند توجه جدی در تمامی بخش ها هستند. در مجموع، این داده ها تأکید می کنند که اقدامات توسعه ای در ولایت غور باید همه جانبه، متوازن و مبتنی بر اولویت های محلی باشد تا تمامی افراد نیازمند، چه در ولسوالی های پرجمعیت و چه در مناطق کم جمعیت، از خدمات اساسی بهره مند شوند.

1.34.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه غور

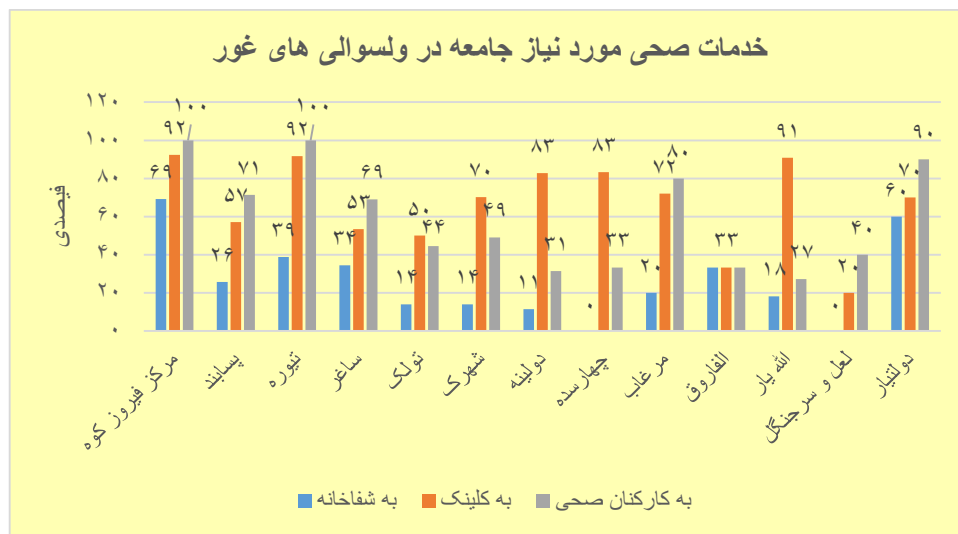
تحلیل گراف (166)، نشان می دهد که نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی های ولایت غور متنوع است و عمدتاً بر توسعه کلینیک ها، تأمین کارکنان صحتی و ارائه خدمات تکمیلی تمرکز دارد، در حالی که ساخت شفاخانه های بزرگ در اولویت کمتری قرار دارد. در بخش نیاز به شفاخانه، بالاترین درصد در مرکز فیروزکوه (۶۹٪) و دولتیار (۶۰٪) ثبت شده است، در حالی که در چهارسده صفر و در شهرک و دولینه به ترتیب ۱۴٪ و ۱۱٪ گزارش شده است. این امر نشان می دهد که در برخی مناطق، مردم بیشتر به خدمات صحتی اولیه و نزدیک به محل سکونت نیاز دارند، در حالی که مراکز درمانی بزرگ در اولویت پایین تری قرار دارند.

در زمینه کلینیک ها، درصد نیاز در اکثر ولسوالی ها بسیار بالا است؛ به ویژه مرکز فیروزکوه و تیوره (۹۲٪)، لعل و سرچنگل (۹۱٪)، دولینه و چهارسده (۸۳٪) و شهرک (۷۰٪). این وضعیت بیانگر آن است که دسترسی به خدمات صحتی نزدیک به جامعه و ارائه مراقبت های اولیه، از اولویت های اصلی مردم محسوب می شود.

در بخش کارکنان صحت، نیاز در مرکز فیروزکوه و تیوره (۱۰۰٪)، دولتیار (۹۰٪) و مرغاب (۸۰٪) بالاترین میزان را دارد، در حالی که در دولینه و اللهیار کمتر از ۴۰٪ گزارش شده است. این داده‌ها نشان‌دهنده کمبود نیروی انسانی متخصص در بسیاری از ولسوالی‌ها است و تأکید می‌کند که حتی در صورت موجودیت کلینیک یا شفاخانه، نبود کارکنان کافی یک چالش عمده برای ارائه خدمات صحتی می‌باشد.

در بخش سایر خدمات صحتی، نیازها شامل تأمین ادویه‌جات، کلینیک‌های سیار، تجهیزات طبی، واکسین، تیم‌های صحتی، آمبولانس و ایجاد زباله‌های صحتی است. برخی ولسوالی‌ها نیاز به خدمات ویژه مانند داکتران نسای ولادی، لابراتوار و سوی تغذیه دارند که نشان می‌دهد برخی مناطق با چالش‌های خاص بهداشتی و درمانی مواجه هستند و خدمات عمومی کافی نمی‌باشد.

در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که توسعه خدمات صحتی در ولایت غور نیازمند رویکردی جامع و منطقه‌محور است؛ به گونه‌ای که علاوه بر ساخت و تجهیز مراکز صحتی، بر افزایش نیروی انسانی متخصص، تأمین تجهیزات و دارو، ارائه خدمات سیار و رفع نیازهای خاص مناطق تمرکز شود تا دسترسی مردم به مراقبت‌های اولیه و تخصصی به‌طور متوازن و مؤثر تأمین گردد.



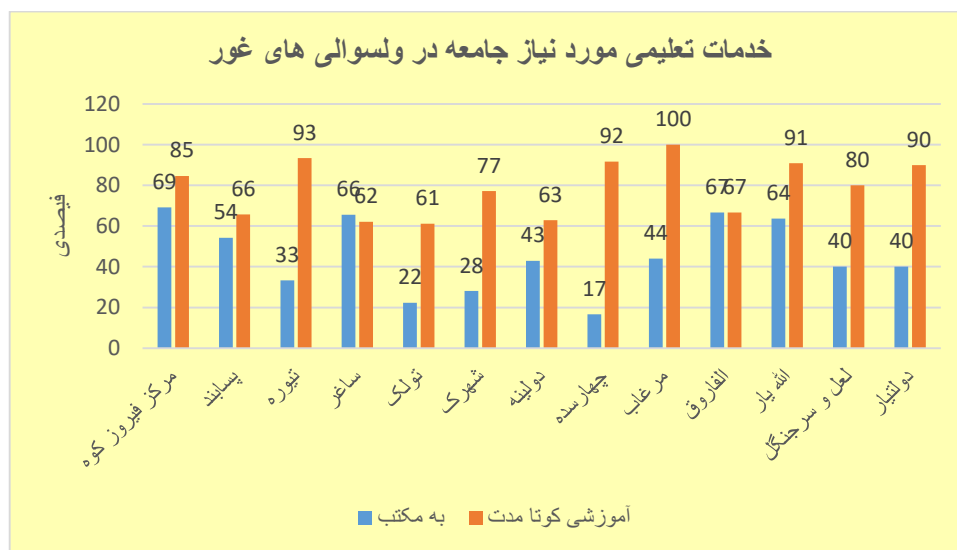
گراف 166: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های غور

2.34.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه غور

در گراف (167)، به صورت دقیق نشان می‌دهد که ارقام به شکل فیصدی بیانگر میزان نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت غور است و سطح این نیازها در اکثر مناطق بلند و نگران‌کننده می‌باشد. بر اساس ارقام، نیاز به مکتب در مرکز فیروزکوه (۶۹٪)، ساغر (۶۶٪)، الفاروق (۶۷٪) و الله یار (۶۴٪) بسیار بلند است که بیانگر کمبود محسوس مکاتب یا ظرفیت ناکافی مکاتب موجود در این ولسوالی‌ها می‌باشد؛ در مقابل، فیصدی پایین‌تر در تولک (۲۲٪) و چهارسده (۱۷٪) نشان می‌دهد که مکاتب تا حدی موجود بوده اما هنوز نیازهای تکمیلی بابرجاست. نیاز به آموزش‌های کوتاه‌مدت در تمام ولسوالی‌ها به‌طور چشم‌گیر بلند است و در مرغاب (۱۰۰٪)، چهارسده (۹۲٪)، تیوره (۹۳٪)، الله یار (۹۱٪) و دولتیار (۹۰٪) به اوج خود می‌رسد که این وضعیت نشان‌دهنده تقاضای شدید برای کورس‌های سوادآموزی، مهارت‌آموزی و آموزش‌های سریع برای جوانان، زنان و افراد بازمانده از آموزش رسمی می‌باشد.

در بخش سایر خدمات تعلیمی، نوع نیازها تصویر روشنی از چالش‌های کیفی نظام آموزشی ارائه می‌کند؛ تمرکز مکرر بر معلمین مسلکی در تقریباً تمام ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که حتی در جاهایی که مکتب وجود دارد، کمبود معلم متخصص یکی از موانع اصلی کیفیت آموزش است. همچنان نیاز به کتاب‌های درسی، قرطاسیه، میز و چوکی، اعمار تعمیر مکتب، مدارس دینی، دارالحفاظ و کورس‌های سوادآموزی بیانگر ضعف هم‌زمان در زیرساخت، تجهیزات و محتوای آموزشی است. گزارش صفر فیصدی در برخی ولسوالی‌ها در بخش «سایر خدمات تعلیمی» به معنی موجودیت نسبی آن خدمات بوده، اما در عین حال نیاز بلند به مکاتب و آموزش‌های کوتاه‌مدت در همان مناطق نشان می‌دهد که پوشش خدمات تعلیمی هنوز همه‌جانبه و متوازن نیست. در مجموع، این داده‌ها تأیید می‌کند که بهبود وضعیت تعلیمی در ولایت غور نیازمند یک رویکرد جامع است که

شامل توسعه مکاتب، سرمایه‌گذاری بر آموزش‌های کوتاه‌مدت، تأمین معلمان مسلکی و ارتقای کیفیت و امکانات آموزشی در تمام ولسوالی‌ها می‌باشد.

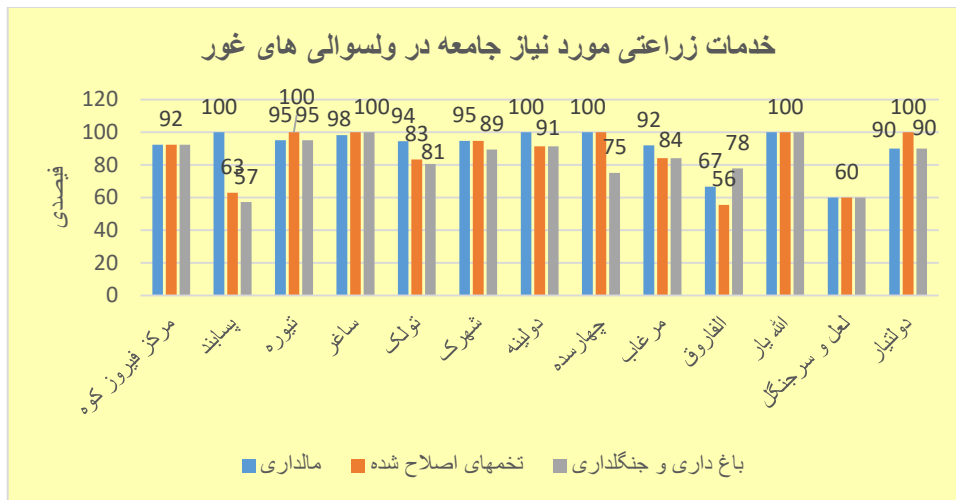


گراف 167: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور

3.34.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه غور

در گراف (168)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های ولایت غور به صورت فیصدی در سطح بسیار بلند قرار دارد و زراعت و مالداری همچنان ستون فقرات معیشت مردم این ولایت را تشکیل می‌دهد. بر اساس ارقام، نیاز به مالداری در اکثر ولسوالی‌ها بسیار بلند است و در پسابند، دولینه، چهارسده و الله یار به ۱۰۰٪ می‌رسد که بیانگر وابستگی شدید خانواده‌ها به پرورش مواشی و کمبود خدمات حمایتی در این بخش است؛ حتی کم‌ترین میزان ثبت‌شده در الفاروق (۶۷٪) و لعل و سرچنگل (۶۰٪) نیز نشان‌دهنده نیاز قابل توجه می‌باشد. نیاز به تخم‌های اصلاح‌شده نیز در بسیاری از ولسوالی‌ها به اوج رسیده و در تیوره، ساغر، چهارسده، الله یار و دولتیار ۱۰۰٪ گزارش شده است که بیانگر ضعف شدید در دسترسی به نهاده‌های معیاری زراعتی و تأثیر مستقیم آن بر پایین بودن حاصل‌دهی محصولات است. در بخش باغداری و جنگلداری نیز فیصدی‌های بلند (اغلب بالاتر از ۸۰٪) دیده می‌شود که نشان می‌دهد مردم خواهان تنوع‌بخشی به تولیدات زراعتی، احیای باغ‌ها و حفاظت از منابع طبیعی هستند.

بخش سایر خدمات زراعتی تصویر جامع‌تری از نوع نیازها ارائه می‌کند؛ تمرکز بر ادویه‌جات زراعتی و حیوانی، کود کیمیاوی، تجهیزات عصری، سردخانه‌ها، بندهای آب‌گردان، ذخیره آب زراعتی، ترمیم کانال‌های آبیاری، پروسس محصولات زراعتی و ایجاد فارم‌های لبنیات و مرغداری نشان می‌دهد که چالش اصلی تنها تولید نیست، بلکه مدیریت آب، کاهش ضایعات، افزایش ارزش افزوده و مقاوم‌سازی معیشت دهقانان است. در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که مداخله مؤثر در سکتور زراعت ولایت غور باید همه‌جانبه باشد و شامل حمایت هم‌زمان از مالداری، تأمین نهاده‌های اصلاح‌شده، توسعه باغداری، بهبود مدیریت آب و ایجاد زیرساخت‌های پروسس و نگهداری محصولات زراعتی در تمام ولسوالی‌ها گردد.

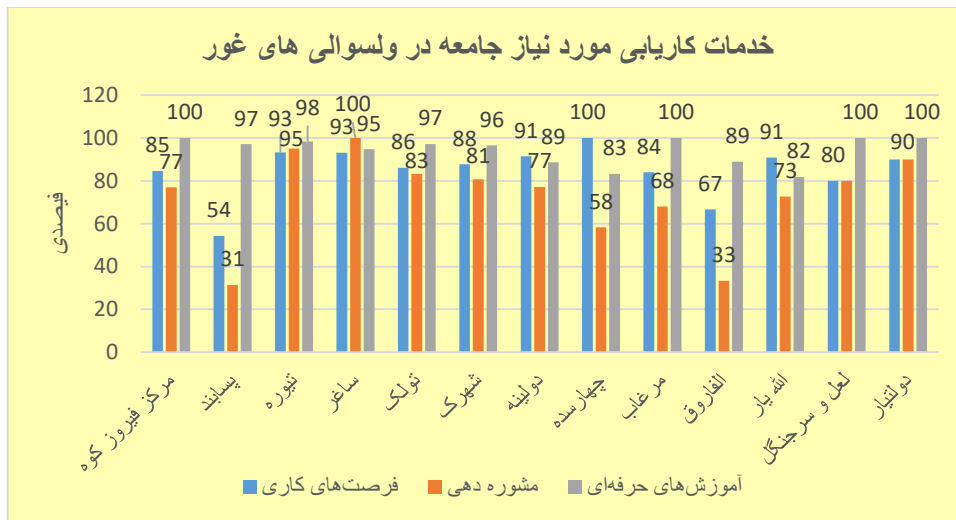


گراف 168: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور

4.34.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه غور

در گراف (169)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های ولایت غور به‌صورت فیصدی در سطح بسیار بلند قرار دارد و بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان، یکی از چالش‌های اساسی این ولایت محسوب می‌شود. بر اساس ارقام، نیاز به فرصت‌های کاری در اکثر ولسوالی‌ها بالاتر از ۸۵٪ است و در چهارسده به ۱۰۰٪ می‌رسد که بیانگر کمبود شدید شغل و وابستگی معیشت خانواده‌ها به فرصت‌های ناپایدار می‌باشد؛ حتی ولسوالی‌هایی با فیصدی پایین‌تر مانند پسابند (۵۴٪) و الفاروق (۶۷٪) نیز همچنان با مشکل قابل توجه بیکاری روبه‌رو اند. نیاز به مشوره‌دهی شغلی در ولسوالی‌هایی چون ساغر (۱۰۰٪)، تیوره (۹۵٪) و دولتیار (۹۰٪) بسیار بلند است که نشان می‌دهد بخش بزرگی از جوانان مسیر روشن برای ورود به بازار کار ندارند، در حالی که فیصدی پایین‌تر در پسابند (۳۱٪) و الفاروق (۳۳٪) بیشتر بیانگر موجودیت نسبی این خدمات است نه نبود نیاز.

نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای تقریباً در تمام ولسوالی‌ها به بالاترین سطح خود رسیده و در مرکز فیروزکوه، مرغاب، لعل و سرجنگل و دولتیار ۱۰۰٪ گزارش شده است که اهمیت حیاتی مهارت‌آموزی برای کاهش بیکاری و افزایش خودکفایی اقتصادی را برجسته می‌سازد. بخش سایر خدمات کاربایی نیز نشان می‌دهد که تمرکز اصلی مردم بر ایجاد شرکت‌های تولیدی، اعزام کارگران به خارج از کشور، استخراج معادن، ایجاد کارخانه‌ها و توسعه مشاغل فنی و صنایع دستی است؛ این امر بیانگر آن است که جامعه تنها خواهان شغل کوتاه‌مدت نیست، بلکه به دنبال راه‌حل‌های پایدار و ساختاری برای ایجاد اشتغال می‌باشد. در مجموع، داده‌ها تأیید می‌کند که پاسخ به نیازهای کاربایی در ولایت غور مستلزم یک رویکرد جامع شامل توسعه مهارت‌های حرفه‌ای، هدایت شغلی، سرمایه‌گذاری در تولید و فراهم‌سازی زمینه‌های اشتغال داخلی و خارجی در سطح تمام ولسوالی‌ها است.



گراف 169: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور

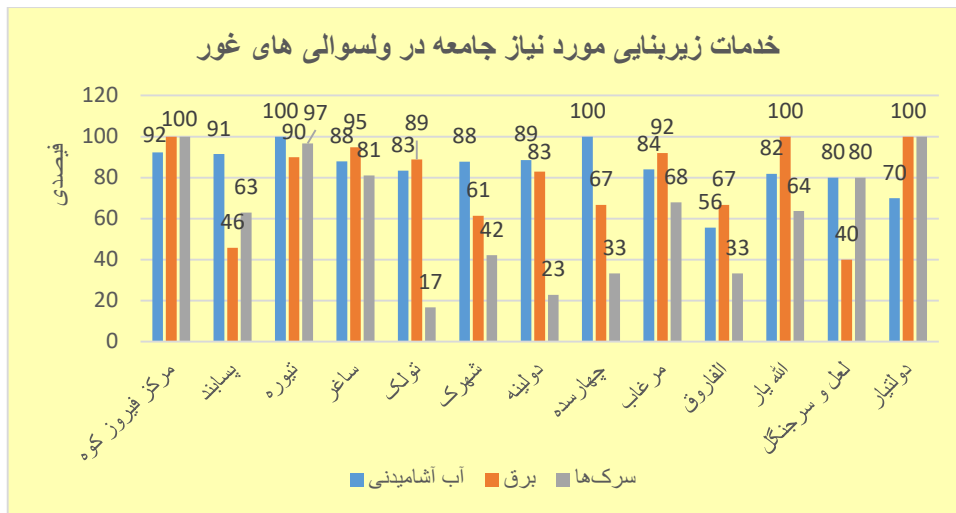
5.34.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه غور

در گراف (170)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های ولایت غور به شکل فیصدی در سطح بسیار بلند، چندبعدی و نابرابر توزیع شده است و ضعف زیرساخت‌ها یکی از ریشه‌ای‌ترین عوامل عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی این ولایت به شمار می‌رود. در بخش آب آشامیدنی، ثبت فیصدی‌های بسیار بلند در تقریباً تمام ولسوالی‌ها (بیش از ۸۰٪) و رسیدن آن به ۱۰۰٪ در تیوره و چهارسده بیانگر بحران جدی دسترسی به آب صحتی، فرسودگی شبکه‌ها و وابستگی مردم به منابع ناامن است؛ حتی ولسوالی‌هایی با فیصدی پایین‌تر مانند الفاروق (۵۶٪) و دولتیار (۷۰٪) نیز همچنان با کمبود قابل ملاحظه روبه‌رو اند که می‌تواند پیامدهای مستقیم صحتی و محیط‌زیستی داشته باشد.

در بخش برق، تفاوت میان ولسوالی‌ها بسیار چشم‌گیر است؛ نیاز ۱۰۰٪ در مرکز فیروزکوه، الله یار و دولتیار نشان‌دهنده نبود برق دائمی یا پوشش ناکافی شبکه برق است، در حالی که فیصدی پایین‌تر در پسایند (۴۶٪) و لعل و سرچنگل (۴۰٪) بیشتر حاکی از موجودیت نسبی برق بوده، اما کیفیت و پایداری آن هنوز کامل نیست. این نابرابری در دسترسی به برق تأثیر مستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی، خدمات عامه و کیفیت زندگی مردم دارد.

در بخش سرک‌ها، ارقام تفاوت‌های منطقه‌ای عمیق را نشان می‌دهد؛ نیاز بسیار بلند در مرکز فیروزکوه، تیوره و دولتیار (نزدیک یا برابر با ۱۰۰٪) بیانگر خرابی راه‌ها، قطع ارتباطات فصلی و دشواری دسترسی به بازارها و خدمات اساسی است، در حالی که فیصدی بسیار پایین در تولک (۱۷٪) و دولینه (۲۳٪) نشان می‌دهد که یا سرک‌ها تا حدی موجود است یا سایر نیازها در اولویت بالاتر قرار دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که توسعه نامتوازن سرک‌ها باعث تشدید انزوای جغرافیایی برخی ولسوالی‌ها شده است.

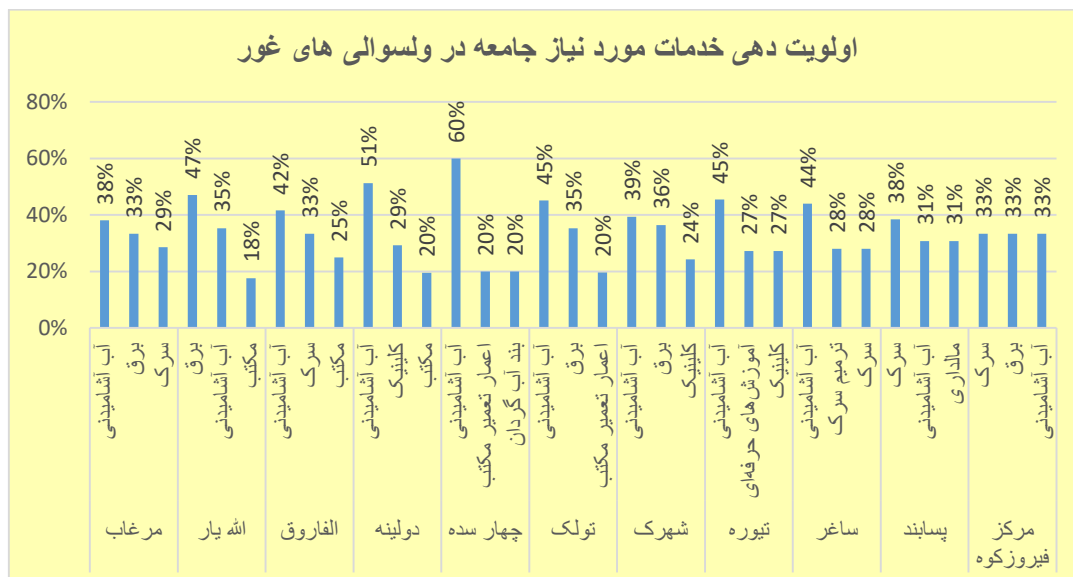
بخش سایر خدمات زیربنایی تصویر دقیق‌تری از عمق مشکلات ارائه می‌کند؛ تمرکز گسترده بر ترمیم و اعمار پل و پلچک، دیوارهای استنادی، بندهای آب‌گردان، ذخایر آبی، کانال‌های آبیاری، کانالیزاسیون و سردخانه‌ها نشان می‌دهد که ولایت غور به شدت در برابر سیلاب، فرسایش زمین و کمبود مدیریت آب آسیب‌پذیر است و زیرساخت‌های موجود توان پاسخ‌گویی به نیازهای فعلی را ندارند. در مجموع، داده‌ها به روشنی تأیید می‌کند که پاسخ مؤثر به نیازهای زیربنایی در ولایت غور مستلزم یک رویکرد یکپارچه و درازمدت است که هم‌زمان بر بهبود آب آشامیدنی، برق‌رسانی پایدار، توسعه و ترمیم سرک‌ها و ایجاد زیرساخت‌های حفاظتی و تولیدی تمرکز داشته باشد تا زمینه توسعه پایدار و کاهش فقر در تمام ولسوالی‌ها فراهم گردد.



گراف 170: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور

6.34.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت غور

در گراف (171)، نشان می‌دهد که اولویت‌دهی خدمات اساسی در ولسوالی‌های مختلف ولایت غور عمدتاً بر اساس نیازهای فوری زیربنایی و خدمات پایه زندگی شکل گرفته است. آب آشامیدنی به‌عنوان اولویت نخست در اکثر ولسوالی‌ها مطرح شده و در چهارسده (۶۰٪)، دولینه (۵۱٪)، تولک و تیوره (۴۵٪) و ساغر (۴۴٪) بالاترین سهم را به خود اختصاص داده که بیانگر بحران جدی دسترسی به آب صحتی در این مناطق است. در کنار آن، برق و سرک‌ها در بسیاری از ولسوالی‌ها در رده‌های دوم و سوم قرار دارند؛ به‌گونه‌ای که برق در الله یار (۴۷٪)، شهرک (۳۶٪) و تولک (۳۵٪) و سرک در پسایند (۲۸٪)، الفاروق (۳۳٪) و مرکز فیروزکوه (۳۳٪) از اولویت‌های مهم به‌شمار می‌روند. خدمات اجتماعی مانند مکتب و کلینیک عموماً در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند، اما حضور آن‌ها در اولویت‌های ولسوالی‌هایی چون دولینه، شهرک، تیوره و چهار سده نشان می‌دهد که کمبود خدمات تعلیمی و صحتی همچنان بر کیفیت زندگی مردم تأثیرگذار است. در مجموع، این الگوی اولویت‌دهی نشان می‌دهد که جوامع محلی ولایت غور بیش از هر چیز بر تأمین نیازهای حیاتی (آب، برق و سرک) تمرکز دارند و پس از آن به خدمات آموزشی، صحتی و معیشتی توجه می‌کنند که این امر می‌تواند راهنمای مهمی برای برنامه‌ریزی اقدامات توسعه‌ای مبتنی بر واقعیت‌های محلی باشد.



گراف 171: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های غور

35.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت نیمروز

ولسوالی‌های ولایت نیمروز با نیازهای متنوعی در زمینه خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی مواجه هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که آب آشامیدنی و زیرساخت‌های حمل و نقل در اکثر ولسوالی‌ها از اولویت بالایی برخوردارند، در حالی که خدمات صحتی و تعلیمی به ویژه در دلارام و خاشرود اهمیت ویژه دارند. نیاز به خدمات زراعتی و کاریابی نیز در برخی مناطق احساس می‌شود، هرچند نسبت به سایر خدمات اولویت کمتری دارد.

با توجه به داده‌ها، تعداد افراد نیازمند در ولسوالی‌ها به ترتیب عبارت است از: چخانسور ۷۴۳۴ نفر، دلارام ۵۴۴۷۰ نفر، کنگ ۸۰۱۰ نفر، خاشرود ۶۴۳۵۰ نفر، چهار برجک ۱۳۴۶۰ نفر و مرکز زرنج ۱۱۶۶۰۱ نفر. این آمار نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی منابع باید بر اساس اولویت‌های منطقه‌ای و نیاز واقعی مردم انجام گیرد تا دسترسی به خدمات بهبود یابد و سطح رفاه اجتماعی افزایش پیدا کند.

1.35.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه نیمروز

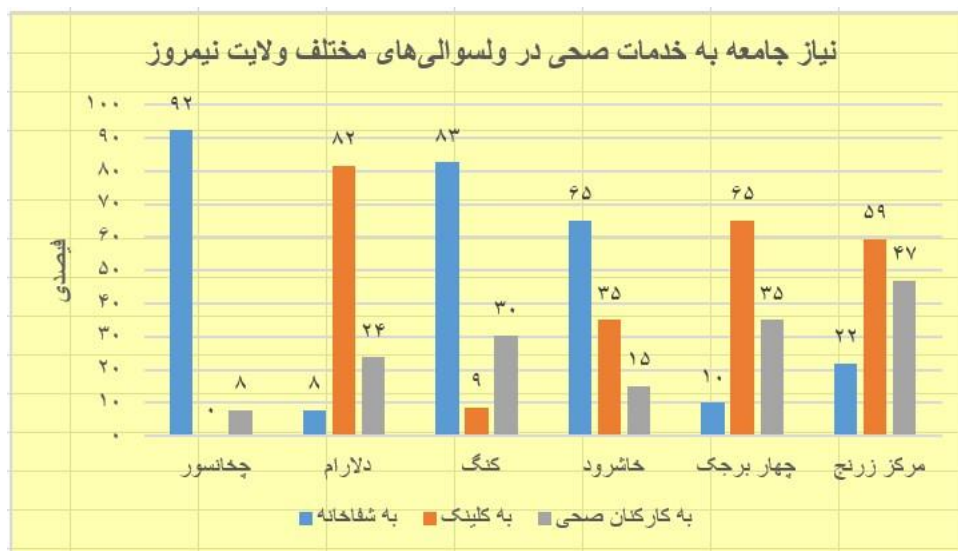
تحلیل گراف (172)، نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نیمروز نشان می‌دهد که الگوی نیازها ترکیبی از فاصله جغرافیایی، سطح توسعه زیرساخت‌های صحتی، و نوع جمعیت در هر ولسوالی است. در چخانسور، بیشترین نیاز مردم به شفاخانه است (۹۲٪) و هیچ نیازی به کلینیک گزارش نشده، در حالی که نیاز به کارکنان صحتی پایین است (۸٪). این نشان می‌دهد که مردم این ولسوالی برای دریافت خدمات درمانی به مراکز مجهز و تخصصی وابسته‌اند و دسترسی به خدمات سرپایی یا مراقبت‌های فردی محدود است. در کنگ نیز نیاز به شفاخانه بالا است (۸۳٪) و کارکنان صحتی ۳۰٪، اما نیاز به کلینیک تنها ۹٪ است، که مشابه چخانسور، نشان‌دهنده تمرکز خدمات روی مراکز بزرگ و کمبود خدمات سرپایی است.

در مقابل، دلارام و چهار برجک الگوی متفاوتی دارند؛ در دلارام نیاز به کلینیک بسیار بالاست (۸۲٪) و نیاز به شفاخانه پایین (۸٪)، و کارکنان صحتی ۲۴٪ است، که بیانگر این است که مردم بیشتر به خدمات سرپایی و درمان‌های اولیه نیاز دارند و دسترسی به مراکز مجهز محدود است. چهار برجک نیز ترکیبی از نیاز بالا به کلینیک (۶۵٪) و متوسط به کارکنان صحتی (۳۵٪) دارد، در حالی که نیاز به شفاخانه کم است (۱۰٪)، که می‌تواند نشان‌دهنده وجود مراکز کوچک درمانی یا برنامه‌های مراقبت اولیه در این منطقه باشد.

در خاشرود، نیاز به شفاخانه (۶۵٪) و کلینیک (۳۵٪) نسبتاً متعادل است و کارکنان صحتی ۱۵٪، که حاکی از دسترسی نسبی به کلینیک‌ها ولی همچنان وابستگی به مراکز بزرگ برای خدمات تخصصی است. در مرکز زرنج، نیاز به کلینیک (۵۹٪) و کارکنان صحتی (۴۷٪) بالاست، در حالی که نیاز به شفاخانه پایین‌تر است (۲۲٪)، و ارائه خدمات تکمیلی گسترده شامل تجهیزات طبی، لابراتوار، ادویه جات، داکتران انائیه، قابله، تیم‌های صحتی سیار و مشاوره‌های روان‌شناسی، نشان‌دهنده تمرکز امکانات و پاسخ به نیازهای متنوع جمعیت شهری و پرجمعیت است.

از سوی دیگر، ستون «سایر خدمات صحتی» نشان می‌دهد که هر ولسوالی خدمات مکمل متفاوتی ارائه می‌دهد: چخانسور بیشتر به خدمات شبانه‌روزی متکی است، دلارام و کنگ بیشتر به تجهیزات و ادویه جات، چهار برجک به ادویه رایگان و تجهیزات، و مرکز زرنج خدمات کامل و چندجانبه. این الگو نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات تخصصی و گسترده با توسعه و تمرکز جمعیت افزایش می‌یابد، در حالی که مناطق دورافتاده به مراکز بزرگ و شفاخانه‌ها وابسته‌اند و خدمات اولیه محدود است.

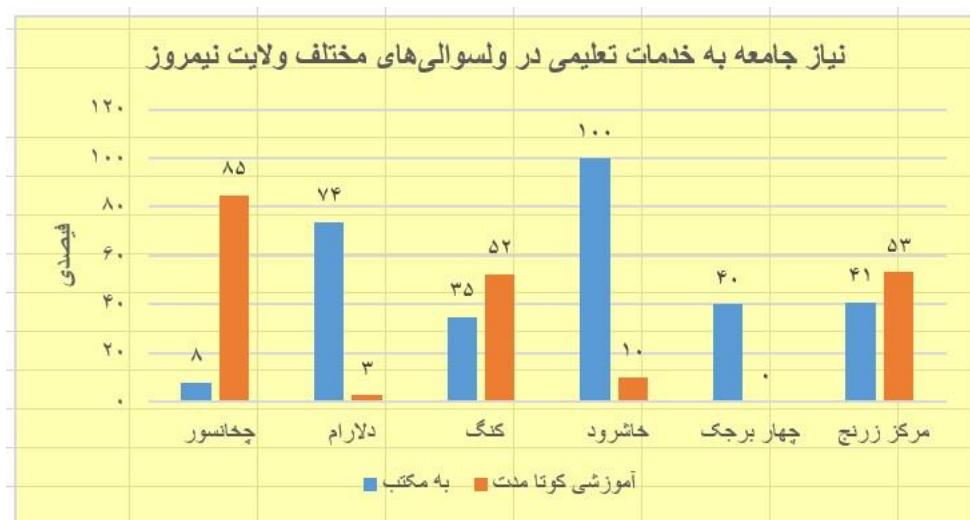
به طور خلاصه، داده‌ها نشان می‌دهد که مناطق دورافتاده بیشتر به شفاخانه و مراکز مجهز نیاز دارند و کمبود خدمات سرپایی و کارکنان صحتی دارند، در حالی که مناطق مرکزی و پرجمعیت به کلینیک‌ها، کارکنان صحتی و خدمات تکمیلی بیشتر توجه دارند. این تحلیل می‌تواند برای تعیین اولویت‌های توسعه زیرساخت‌های صحتی، توزیع کارکنان، و برنامه‌ریزی تجهیزات پزشکی در نیمروز بسیار راهگشا باشد و تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی خدمات باید براساس ویژگی‌های هر ولسوالی و نوع نیازهای مردم متفاوت باشد.



گراف 172: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نیمروز

2.35.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه نیمروز

تحلیل گراف (173)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نیمروز تفاوت قابل توجهی دارد و بسته به نوع خدمات و توسعه آموزشی هر ولسوالی متغیر است. در خاشرود، نیاز به مکتب بسیار بالاست (۱۰۰٪)، در حالی که نیاز به آموزش کوتاه‌مدت تنها ۱۰٪ است، که نشان می‌دهد جمعیت این ولسوالی بیشتر به مدارس رسمی و بلندمدت وابسته است و برنامه‌های کوتاه‌مدت آموزشی کم اهمیت‌تر هستند. در چخانسور، وضعیت برعکس است؛ نیاز به مکتب تنها ۸٪ است، اما آموزش کوتاه‌مدت ۸۵٪ است، که بیانگر تمرکز بر آموزش‌های سریع، مهارتی یا دوره‌ای به جای تحصیلات رسمی طولانی است. در دلارام، نیاز به مکتب ۷۴٪ و آموزش کوتاه‌مدت ۳٪ است، و در کنگ، نیاز به مکتب ۳۵٪ و آموزش کوتاه‌مدت ۵۲٪ است، که نشان می‌دهد هر ولسوالی الگوی مختص به خود را دارد و ترکیبی از نیاز به تحصیلات رسمی و دوره‌های کوتاه‌مدت را نشان می‌دهد. در چهار برجک، نیاز به مکتب ۴۰٪ و آموزش کوتاه‌مدت صفر است، در حالی که در مرکز زرنج، نیاز به مکتب ۴۱٪ و آموزش کوتاه‌مدت ۵۳٪ است، که نشان‌دهنده ترکیب آموزش رسمی و مهارتی در مرکز استان و تمرکز بر برنامه‌های چندگانه است. ستون «سایر خدمات تعلیمی» نیز نشان می‌دهد که تنوع خدمات در ولسوالی‌ها متفاوت است: در چخانسور خدمات اضافی گزارش نشده، دلارام و کنگ بیشتر به معلمین مسلکی وابسته‌اند، خاشرود دارای موسسات تحصیلات نیمه عالی و انستیتوت‌ها است، چهار برجک شامل مدارس لیسه و متوسطه است و مرکز زرنج گستره وسیعی از خدمات آموزشی از جمله کورس‌های سوادآموزی، اعمار مدارس، کودکستان، مدارس دینی و تجهیزات تحصیلی ارائه می‌دهد. به طور کلی، الگوی نیازها نشان می‌دهد که مناطق دورافتاده یا کمتر توسعه یافته بیشتر به آموزش کوتاه‌مدت و مهارتی نیاز دارند، در حالی که مناطق مرکزی‌تر و پرجمعیت بیشتر به مدارس رسمی و خدمات آموزشی جامع وابسته‌اند و این تفاوت‌ها می‌تواند راهنمای برنامه‌ریزی توزیع منابع و توسعه آموزشی در نیمروز باشد.

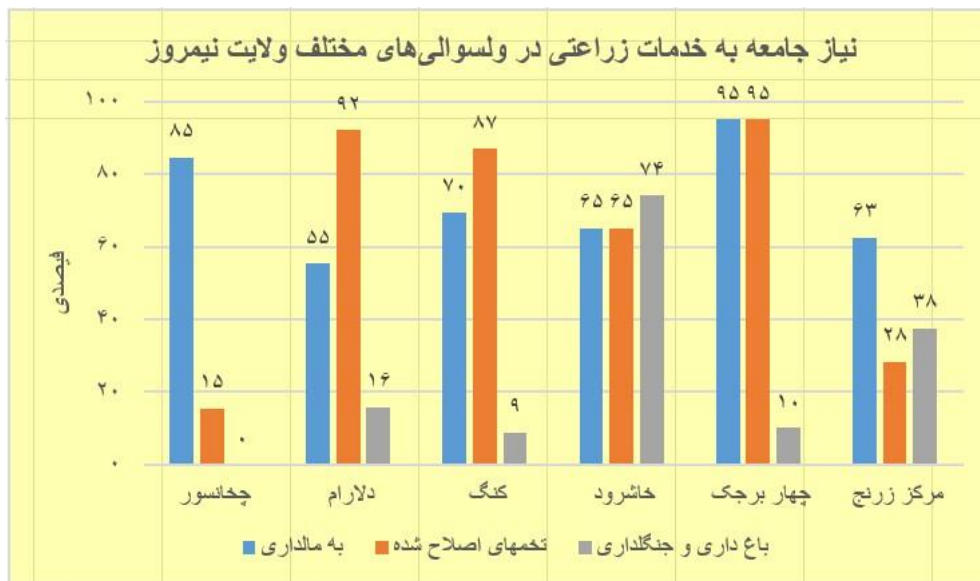


گراف 173: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نیمروز

3.35.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه نیمروز

تحلیل گراف (174)، نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نیمروز نشان می‌دهد که الگوی نیازها بر اساس نوع فعالیت کشاورزی و منابع موجود در هر ولسوالی متفاوت است. در چهار برجک، نیاز به مالداری بسیار بالا است (۹۵٪) و همچنین نیاز به تخم‌های اصلاح شده نیز ۹۵٪ است، در حالی که نیاز به باغداری و جنگلداری کم است (۱۰٪)، که نشان می‌دهد این ولسوالی بیشتر به پرورش حیوانات و استفاده از تخم‌های اصلاح شده برای افزایش تولید وابسته است. در چخانسور، نیاز به مالداری ۸۵٪ و به تخم‌های اصلاح شده ۱۵٪ است و هیچ نیازی به باغداری گزارش نشده، که بیانگر تمرکز بر دامداری سنتی و کم توجهی به کشت باغی است. در دلارام، نیاز به تخم‌های اصلاح شده بسیار بالاست (۹۲٪) و به مالداری ۵۵٪، با کمترین نیاز به باغداری (۱۶٪)، که نشان‌دهنده تأکید بر کشاورزی زراعی با تخم‌های اصلاح شده و دامداری متوسط است. کنگ نیز نیاز نسبتاً بالا به مالداری (۷۰٪) و تخم‌های اصلاح شده (۸۷٪) دارد و نیاز کم به باغداری (۹٪) گزارش شده است. در خاشرود، نیازها متعادل‌تر است: مالداری ۶۵٪، تخم‌های اصلاح شده ۶۵٪ و باغداری ۷٪. مرکز زرنج نیاز متوسط به مالداری (۶۳٪) و تخم‌های اصلاح شده (۲۸٪) دارد، اما نیاز به باغداری و جنگلداری ۳۸٪ است، که نشان‌دهنده تنوع فعالیت‌های زراعتی و توجه به کشاورزی باغی و منابع آبی در مرکز استان است.

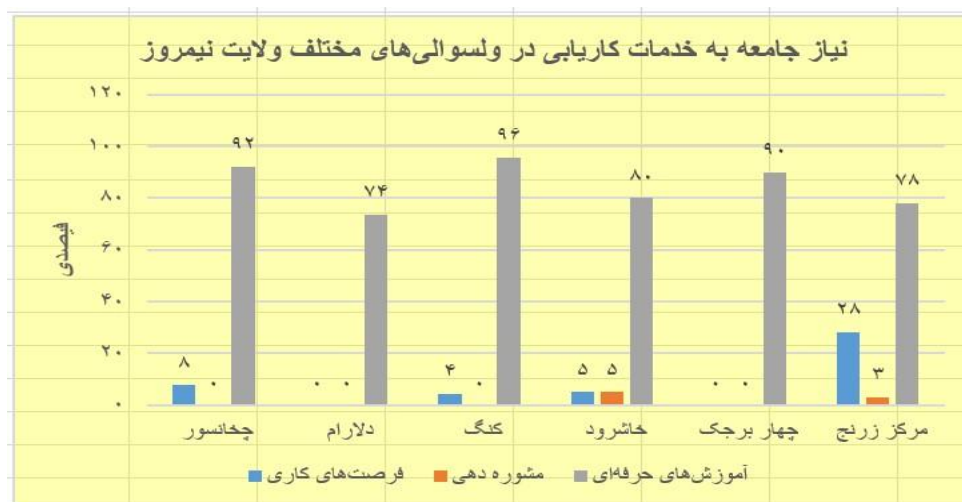
ستون «سایر خدمات زراعتی» نشان می‌دهد که خدمات تکمیلی نیز بسیار متفاوت است: چخانسور تنها به بند آب گردان دسترسی دارد، کنگ از کنجاره و گلخانه بهره‌مند است، خاشرود شامل کانال آبیاری، کود کیمیاوی، گلخانه و سیستم قطره‌ای آب است، و مرکز زرنج گستره وسیعی از خدمات شامل کانال‌های آبیاری، آب زراعتی، آموزش کشاورزی، غرس نهال، بازار فروش محصولات، فضای سبز، پارک‌های تفریحی، گلخانه و سیستم قطره‌ای آب را دارد. این داده‌ها نشان می‌دهد که مناطق دورافتاده بیشتر به خدمات پایه‌ای مالداری و بذر اصلاح شده نیاز دارند، در حالی که مناطق مرکزی‌تر و پرجمعیت به خدمات تکمیلی، مدیریت منابع آبی و توسعه باغداری و فضای سبز توجه دارند، و این تحلیل می‌تواند برای برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی و تخصیص منابع در نیمروز راهنمایی ارزشمند باشد.



گراف 174: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نیمروز

4.35.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه نیمروز

تحلیل گراف (175)، نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نیمروز نشان می‌دهد که اولویت اصلی مردم بیشتر بر آموزش‌های حرفه‌ای متمرکز است و نیاز به فرصت‌های شغلی و مشاوره نسبتاً پایین است. در کنگ (۹۶٪) و چهار برجک (۹۰٪)، بیشترین درصد نیاز به آموزش‌های حرفه‌ای دیده می‌شود و در چخانسور (۹۲٪) و دلارام (۷۴٪) نیز این نوع آموزش‌ها اهمیت بالایی دارند، در حالی که نیاز به فرصت‌های کاری و مشاوره نسبتاً کم است، که نشان می‌دهد مردم بیشتر به مهارت‌آموزی و آماده‌سازی برای ورود به بازار کار نیاز دارند تا به خدمات مستقیم کاربایی. در مرکز زرنج، آموزش حرفه‌ای ۷۸٪ است و نیاز به فرصت‌های کاری نسبتاً بالاتر از سایر ولسوالی‌ها (۲۸٪) و مشاوره (۳٪) گزارش شده است، که نشان‌دهنده تمرکز بیشتر جمعیت بر اشتغال و ایجاد کارگاه‌ها و شرکت‌ها در مرکز استان است. سایر خدمات کاربایی نیز در برخی ولسوالی‌ها مشخص شده‌اند؛ مثلاً در کنگ فراهم نمودن زمینه کار برای جوانان و در مرکز زرنج ایجاد پارک‌های صنعتی، شرکت‌های تولیدی و کارگاه‌های خیاطی ارائه می‌شود، که بیانگر تلاش برای توسعه اشتغال پایدار و ظرفیت‌سازی حرفه‌ای است. به طور کلی، الگوی نیازها نشان می‌دهد که آموزش حرفه‌ای و مهارت‌آموزی اولویت اصلی است و مناطق مرکزی‌تر مانند مرکز زرنج بیشتر به ایجاد فرصت‌های شغلی و خدمات تکمیلی کاربایی توجه دارند، در حالی که ولسوالی‌های دورافتاده بیشتر روی آموزش و آماده‌سازی نیروی کار متمرکز هستند.

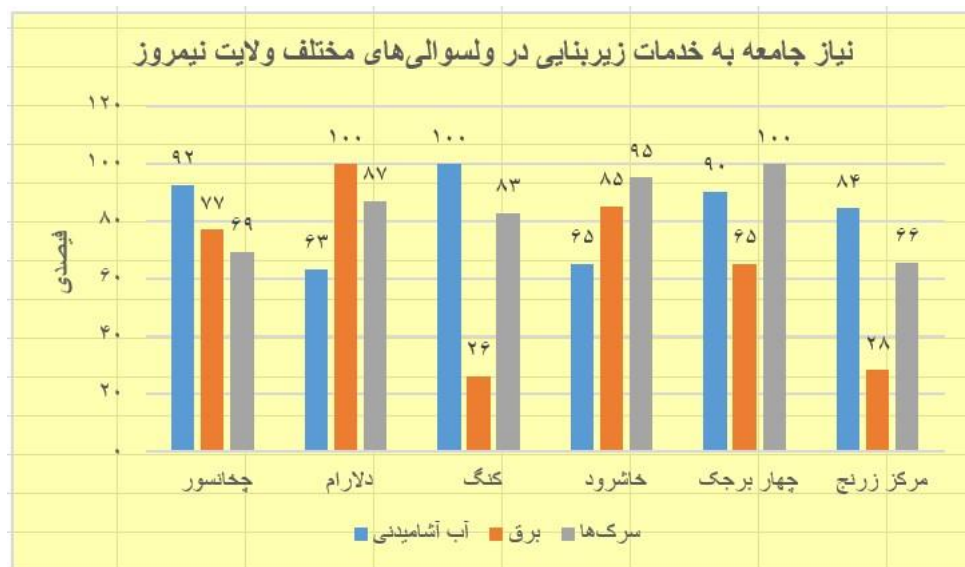


گراف 175: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نیمروز

5.35.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه نیمروز

تحلیل گراف (176)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت نیمروز نشان می‌دهد که الگوی نیازها در هر ولسوالی با توجه به دسترسی به منابع و توسعه زیرساخت‌ها متفاوت است. در ولسوالی کنگ، نیاز به آب آشامیدنی بسیار بالا است (۱۰۰٪)، در حالی که نیاز به برق پایین (۲۶٪) و نیاز به سرک‌ها ۸۳٪ است، که نشان‌دهنده کمبود شدید منابع آب و نیاز به بهبود زیرساخت‌های اولیه است. در چخانسور، نیاز به آب آشامیدنی ۹۲٪ و برق ۷۷٪ است و سرک‌ها ۶۹٪ است. در دلارام، نیاز به آب آشامیدنی ۱۰۰٪ و برق ۶۳٪ است و سرک‌ها ۸۷٪ است. در خاشرود، نیاز به آب آشامیدنی ۱۰۰٪ و برق ۶۵٪ است و سرک‌ها ۸۵٪ است. در چهار برجک، نیاز به آب آشامیدنی ۹۰٪ و برق ۶۵٪ است و سرک‌ها ۱۰۰٪ است. در مرکز زرنج، نیاز به آب آشامیدنی ۸۴٪ و برق ۲۸٪ است و سرک‌ها ۶۶٪ است.

سولاری، پل‌های هوایی، پخته‌کاری کوچه‌ها و سرک‌ها، سرسبزی و فاضلاب نیاز دارد. ستون «سایر خدمات زیربنایی» نشان می‌دهد که خدمات تکمیلی در هر ولسوالی متفاوت است و شامل اعمار کانال‌ها، پل و پلچک، ذخیره آب آشامیدنی، بندهای آب گردان، کانال‌های آبیاری و دیوارهای استنادی است. این الگو بیانگر این است که مناطق دورافتاده بیشتر به خدمات پایه‌ای مانند آب آشامیدنی، برق و راه نیاز دارند، در حالی که مرکز استان علاوه بر این خدمات به زیرساخت‌های تکمیلی و مدرن نیز توجه دارد، و این تحلیل می‌تواند برای برنامه‌ریزی و توزیع منابع زیربنایی در نیمروز راهنمای ارزشمندی باشد.



گراف 176: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نیمروز

6.35.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت نیمروز

بر اساس گراف (177)، نیازهای مردم در ولسوالی‌های مختلف ولایت نیمروز تفاوت‌ها و اولویت‌های مشخصی دارد، اما یک الگوی کلی نیز قابل مشاهده است. در چهار برجک، بیشترین نیاز جامعه به سرک با ۴۵٪ و سپس آب آشامیدنی با ۴۱٪ است، که نشان می‌دهد ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل و دسترسی به آب سالم دغدغه اصلی مردم است، در حالی که زمینه کاری تنها ۱۴٪ را به خود اختصاص داده و اهمیت آن کمتر است. در دلارام، اولویت اصلی مردم به مکتب با ۳۸٪ و پس از آن کلینیک با ۳۴٪ است و برق با ۲۸٪ در رتبه سوم قرار دارد، که نشان می‌دهد نیاز به آموزش و خدمات بهداشتی در این ولسوالی نسبت به برق محسوس‌تر است. در کنگ، نیاز عمده مردم به آب آشامیدنی با ۵۳٪ و سپس به سرک با ۲۹٪ و شفاخانه با ۱۸٪ است، که تمرکز بر تأمین آب سالم و حمل و نقل را نشان می‌دهد. در خاشرود، نیازها نسبتاً متوازن بین آب آشامیدنی (۳۹٪)، مکتب (۳۵٪) و شفاخانه (۲۶٪) تقسیم شده و نشان می‌دهد که مردم همزمان به آموزش، بهداشت و آب سالم اهمیت می‌دهند. در چخانسور، بیشترین اولویت‌ها مربوط به آب آشامیدنی با ۴۶٪ و سرک با ۴۲٪ است و نیاز به شفاخانه تنها ۱۳٪ است، که بیانگر تمرکز جامعه بر

زیرساخت‌ها و تأمین آب است. در مرکز زرنج، نیاز به آب آشامیدنی با ۶۸٪ به وضوح در اولویت است و بعد از آن سرک با ۱۸٪ و کلینیک با ۱۴٪ قرار دارند، که کمبود شدید آب سالم را در این ولسوالی نشان می‌دهد. همچنین در مرکز ولایت، آب آشامیدنی با ۵۱٪ در صدر نیازها قرار دارد و پس از آن سرک با ۲۹٪ و مکتب با ۲۰٪ اهمیت دارند. در مجموع، تحلیل جدول نشان می‌دهد که آب آشامیدنی مهم‌ترین نیاز مردم در اکثر ولسوالی‌ها است و ضعف زیرساخت‌های جاده‌ای نیز به عنوان دومین نیاز عمده به ویژه در چهار برجک و چخانسور دیده می‌شود، در حالی که آموزش و خدمات بهداشتی در ولسوالی‌هایی مانند دلارام و خاشرود اهمیت بیشتری دارد اما نسبت به آب و سرک اولویت کمتری دارند. این الگوی توزیع نیازها بیانگر آن است که برای برنامه‌ریزی و توسعه متوازن، توجه ویژه به تأمین آب سالم و بهبود جاده‌ها ضروری است، در حالی که آموزش و بهداشت نیز باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد تا رضایت و رفاه جامعه در سطح ولسوالی‌ها افزایش یابد.



گراف 177: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های نیمروز

36.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت لغمان

ولسوالی‌های ولایت لغمان با نیازهای گسترده و چندبعدی در حوزه‌های خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی روبه‌رو هستند. نیازها نه تنها ناشی از کمبود زیرساخت‌ها و نیروی انسانی است، بلکه به شرایط جمعیتی و پراکندگی جغرافیایی نیز مرتبط می‌باشد. مرکز ولایت نسبت به ولسوالی‌های پیرامونی دسترسی نسبی به برخی خدمات دارد، اما در اکثر ولسوالی‌ها مانند الینگار، علی‌شینگ، بادپینس و دولت‌شاه، کمبودهای شدید و نیازهای فوری مشهود است. برنامه‌ریزی برای پاسخ‌دهی به نیازها باید اولویت‌محور، عدالت‌محور و مبتنی بر تعداد و سطح آسیب‌پذیری افراد نیازمند باشد تا گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان، دهقانان و بی‌کاران به‌طور مؤثر حمایت شوند.

بر اساس ارقام ارائه شده، تعداد افراد نیازمند خدمات در ولسوالی‌های ولایت لغمان نشان می‌دهد که بیشترین جمعیت نیازمند در مرکز لغمان با ۸۵'۰۰۰ نفر قرار دارد و پس از آن بادپینس با ۷۸'۴۹۶ نفر و دولت‌شاه با ۷۴'۷۴۴ نفر قرار دارند که بیانگر تمرکز بالای تقاضا برای خدمات در این ولسوالی‌هاست. ولسوالی‌های قرغه‌یی (۵۹'۱۰۰ نفر) و علی‌شینگ (۵۰'۷۰۰ نفر) نیز جمعیت قابل توجهی را شامل می‌شوند و نیازهای گسترده خدماتی دارند، در حالی که الینگار با ۱۵'۰۷۳ نفر کمترین تعداد افراد نیازمند را دارد. این داده‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی برای ارائه خدمات باید با توجه به اندازه جمعیت نیازمند و سطح آسیب‌پذیری هر ولسوالی انجام شود تا منابع به صورت عادلانه و مؤثر توزیع گردد.

1.36.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه لغمان

گراف (178)، بیانگر الگوی نابرابر دسترسی به خدمات صحتی در ولسوالی‌های ولایت لغمان است و نشان می‌دهد که مشکل اصلی نه نبود شفاخانه، بلکه ضعف خدمات صحتی سطح اول و دوم (کلینک‌ها، کارکنان و خدمات پشتیبان) می‌باشد. صفر بودن نیاز به شفاخانه در تمام

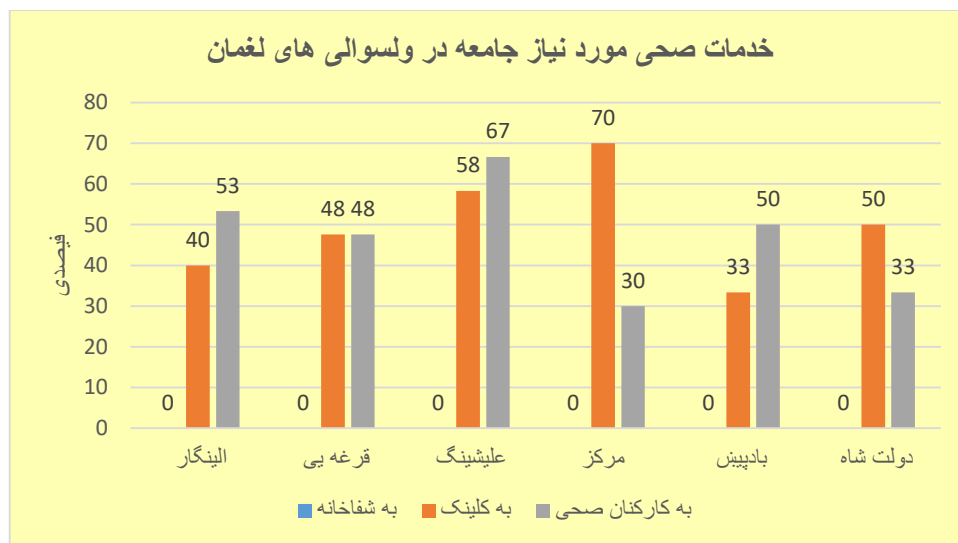
ولسوالی‌ها می‌تواند دو معنا داشته باشد: یا مردم دسترسی نسبی به شفاخانه‌های موجود دارند، یا تمرکز ذهنی جامعه بیشتر بر نیازهای فوری‌تر و روزمره مانند کلینک و نیروی انسانی صحتی است.

از نگاه نیاز به کلینک‌ها، مرکز لغمان با ۷۰٪ در بالاترین سطح قرار دارد که احتمالاً ناشی از تراکم نفوس، مراجعه زیاد بیماران و فشار بیش از حد بر مراکز صحتی موجود است. علی‌شینگ (۵۸٪) و دولت‌شاه (۵۰٪) نیز وضعیت مشابهی دارند که بیانگر کمبود یا پراکندگی نامتوازن کلینک‌ها است. در مقابل، بادپینس با ۳۳٪ نشان می‌دهد یا کلینک‌های آن نسبتاً کافی‌اند یا دسترسی جغرافیایی به سایر مراکز بهتر است.

در بخش کارکنان صحتی، علی‌شینگ با ۶۷٪ بیشترین کمبود را دارد که می‌تواند نشان‌دهنده نبود داکتران متخصص، قابله‌ها و پرسونل مسلکی باشد؛ موضوعی که مستقیماً بر کیفیت خدمات تأثیر می‌گذارد. الینگار (۵۳٪) و بادپینس (۵۰٪) نیز با کمبود جدی نیروی انسانی روبه‌رو هستند، در حالی که مرکز لغمان با ۳۰٪ وضعیت بهتری دارد که احتمالاً به تمرکز نهادهای دولتی و امکانات در مرکز مرتبط است.

تحلیل سایر خدمات صحتی تصویر دقیق‌تری از نیازهای محلی ارائه می‌کند: ولسوالی‌های دورتر مانند الینگار و علی‌شینگ بیشتر به تیم‌های صحتی سیار، ادویه‌جات و قابله نیاز دارند که نشان‌دهنده پراکندگی قریه‌ها و دشواری دسترسی است؛ در حالی که مرکز لغمان بیشتر به تجهیزات تشخیصی مانند لابراتوار و آمبولانس نیاز دارد که متناسب با نقش خدماتی آن برای سایر ولسوالی‌ها است. دولت‌شاه نیازهای گسترده‌تری (تیم سیار، تعمیر کلینیک، ادویه و لابراتوار) دارد که نشان‌دهنده ضعف هم‌زمان زیربنا و خدمات است.

در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که اولویت‌گذاری خدمات صحتی در لغمان باید منطقه‌محور باشد: توسعه کلینک‌ها و افزایش کارکنان صحتی در ولسوالی‌های پرجمعیت، و تقویت تیم‌های سیار، قابله‌ها و تجهیزات ابتدایی در ولسوالی‌های دورافتاده. بدون چنین رویکرد هدفمند، شکاف دسترسی به خدمات صحتی همچنان پابرجا خواهد ماند.

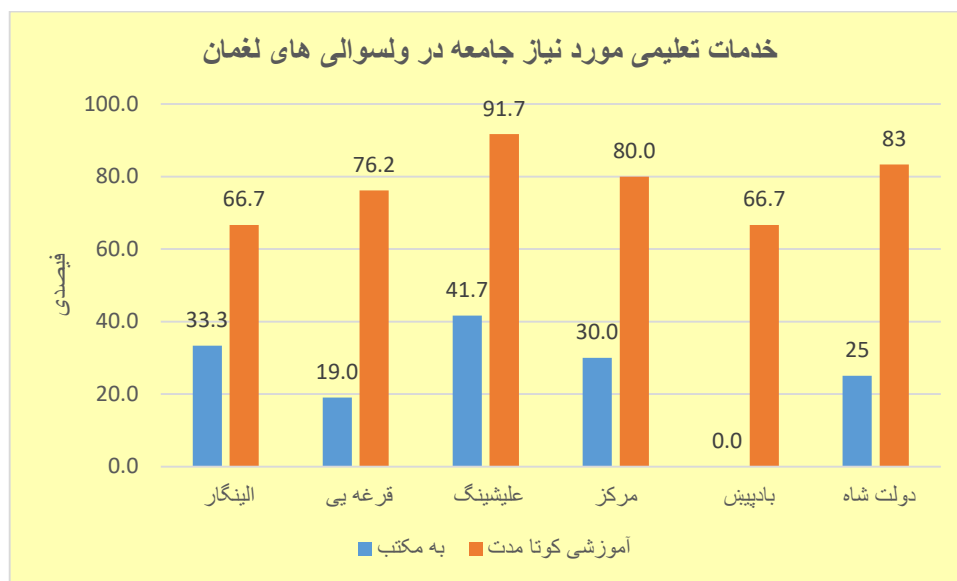


گراف 178: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های لغمان

2.36.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه لغمان

در گراف (179)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های ولایت لغمان بیشتر بر آموزش‌های کوتاه‌مدت و تقویت زیربنای تعلیمی متمرکز است تا صرفاً دسترسی به مکتب. از نظر نیاز به مکتب، علی‌شینگ (۴۱،۷٪) بالاترین میزان را دارد که بیانگر کمبود جدی مکتب، به‌ویژه مکتب ابتدایی است؛ پس از آن الینگار (۳۳،۳٪) و مرکز (۳۰٪) قرار دارند، در حالی که بادپینس (۰٪) کمترین نیاز را گزارش کرده که می‌تواند نشان‌دهنده کفایت نسبی مکتب موجود یا پایین بودن تقاضای ثبت‌شده باشد. در بخش آموزش‌های کوتاه‌مدت، سطح نیاز در همه ولسوالی‌ها بسیار بالا است و به‌ویژه در علی‌شینگ (۹۱،۷٪) و دولت‌شاه (۸۳٪) به اوج می‌رسد که بیانگر نیاز فوری به کورس‌های سوادآموزی، ارتقای ظرفیت معلمان و آموزش‌های مهارتی است. بخش سایر خدمات تعلیمی تصویر دقیق‌تری از چالش‌ها ارائه می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اعمار تعمیر مکتب در تمام ولسوالی‌ها یک نیاز مشترک است، اما در دولت‌شاه و علی‌شینگ علاوه بر آن، نیاز به مکتب انائیه، مکتب متوسطه، مدرسه‌های دینی، پرسونل مسلکی و کورس‌های سوادآموزی برجسته است. در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که بهبود وضعیت تعلیم در لغمان

مستلزم رویکرد چندبعدی شامل توسعه زیربناها، افزایش نیروی انسانی مسلکی و گسترش آموزش‌های کوتاه‌مدت متناسب با نیاز هر ولسوالی می‌باشد.



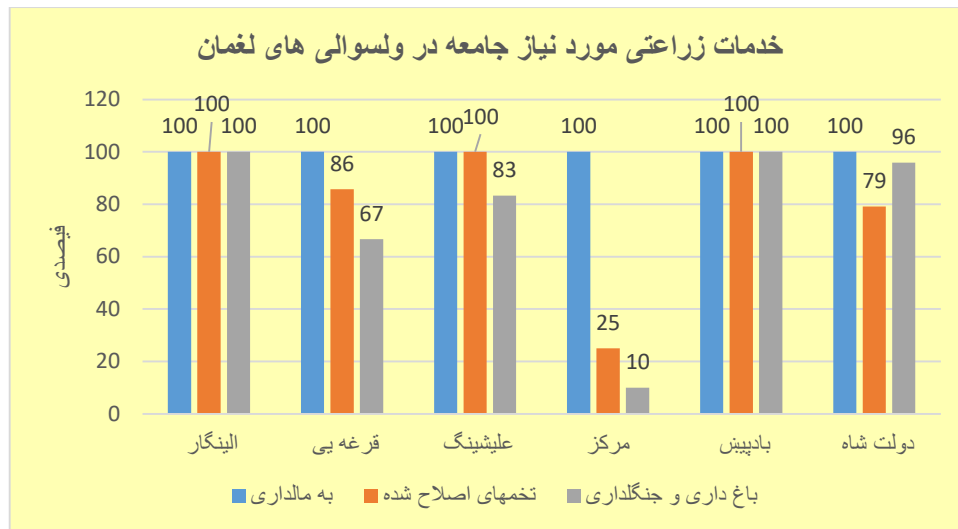
گراف 179: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان

3.36.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه لغمان

در گراف (180)، نشان می‌دهد که زراعت ستون فقرات اقتصاد محلی در تمام ولسوالی‌های ولایت لغمان است و نیازهای ثبت شده تنها به تولید محدود نمی‌شود، بلکه تمام زنجیره ارزش زراعتی را دربر می‌گیرد. نیاز ۱۰۰٪ به مالداران در همه ولسوالی‌ها بیانگر آن است که دامداری منبع اصلی عاید خانواده‌ها بوده و کمبود خدمات و تزنری، واکسین، تغذیه حیوانات و کلینیک‌های حیوانی می‌تواند مستقیماً معیشت و امنیت غذایی مردم را مشکل ساز کند؛ از همین رو، این بخش باید در اولویت نخست برنامه‌های انکشافی قرار گیرد.

در بخش تخم‌های اصلاح‌شده، اختلاف معناداری میان ولسوالی‌ها دیده می‌شود؛ ولسوالی‌های الینگار، علیشینگ و بادپیش با ۱۰۰٪ نیاز، به شدت متکی به زراعت سنتی اند و نبود بذر باکیفیت باعث پایین بودن حاصلات شده است. در مقابل، مرکز لغمان با تنها ۲۵٪ نیاز احتمالاً به بازارها، مؤسسات حمایتی و نهاده‌های زراعتی دسترسی بهتر دارد یا سهم زراعت در معیشت آن کمتر است. این تفاوت نشان می‌دهد که سیاست‌های توزیع بذر باید منطقه‌محور و هدفمند طراحی شود.

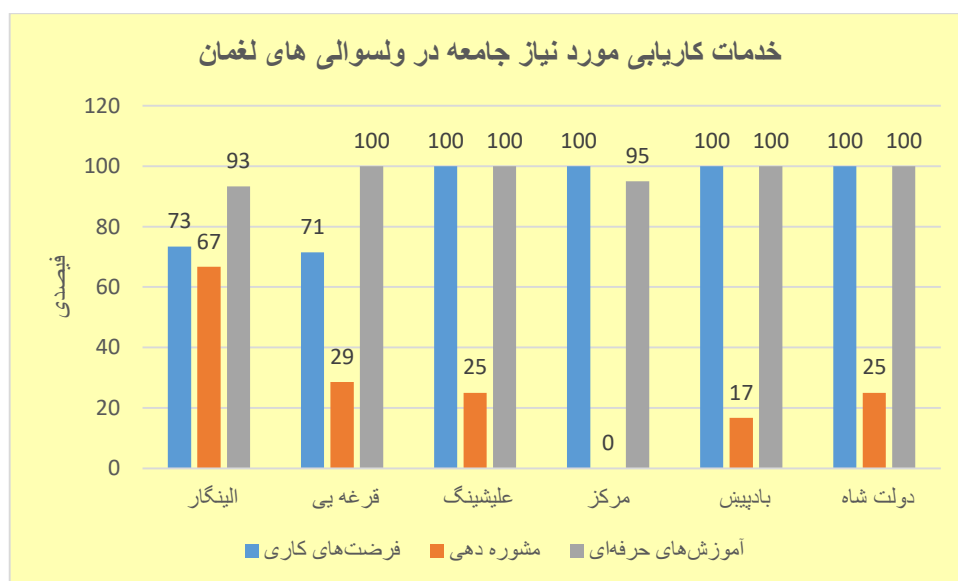
در حوزه باغداری و جنگلداری، ارقام بلند در الینگار، بادپیش و دولت‌شاه نشان‌دهنده ظرفیت بالای تولید میوه و نقش باغ‌ها در اقتصاد محلی است؛ در حالی که رقم بسیار پایین مرکز لغمان (۱۰٪) می‌تواند بازتاب کاهش زمین‌های سبزی، شهرنشینی یا تغییر اولویت‌های اقتصادی باشد. این وضعیت ضرورت حفاظت از باغ‌ها، توزیع نهال‌های اصلاح‌شده و مدیریت منابع طبیعی را در ولسوالی‌های روستایی برجسته می‌سازد. تحلیل سایر خدمات زراعتی نشان می‌دهد که نیازها فراتر از تولید بوده و شامل زیربنای حیاتی مانند کانال‌های آب، دیوارهای استنادی، سردخانه‌ها، ماشین‌آلات زراعتی و فارم‌های حیوانی می‌شود. وجود تقاضا برای سردخانه و ماشین‌آلات بیانگر تلاش مردم برای کاهش ضایعات و افزایش ارزش محصولات است، در حالی که درخواست ایجاد فارم‌ها و پارک‌های صنعتی در مرکز نشان‌دهنده حرکت تدریجی به سوی زراعت تجاری و نیمه‌صنعتی است. در مجموع، این داده‌ها تأکید می‌کند که توسعه زراعت در لغمان نیازمند رویکرد جامع است که هم‌زمان مالداران، تولید نباتی، باغداری و زیربنای حمایتی را تقویت کند تا هم معیشت دهقانان بهبود یابد و هم اقتصاد محلی پایدارتر شود.



گراف 180: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان

4.36.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه لغمان

گراف (181)، نشان می‌دهد که بیکاری و نیاز به توانمندسازی اقتصادی یکی از چالش‌های اساسی در تمام ولسوالی‌های ولایت لغمان است و تقاضا برای خدمات کاریابی در سطح بسیار بالایی قرار دارد. نیاز به فرصت‌های کاری در علیشینگ، مرکز، بادپین و دولت‌شاه به ۱۰۰٪ رسیده که بیانگر کمبود شدید شغل و وابستگی بالای جوانان به فرصت‌های کاری جدید است، در حالی که الینگار (۷۳٪) و قرغه‌بی (۷۱٪) نیز همچنان با مشکل جدی بیکاری مواجه‌اند. در بخش آموزش‌های حرفه‌ای، تقریباً همه ولسوالی‌ها درصدهای بسیار بلند (۹۳٪ تا ۱۰۰٪) را نشان می‌دهند که بیانگر آمادگی و علاقه جامعه برای یادگیری مهارت‌های فنی به منظور ورود به بازار کار است. در مقابل، نیاز به مشوره‌دهی شغلی نسبتاً پایین‌تر است و به‌ویژه در مرکز لغمان (۰٪) کمترین میزان را دارد که می‌تواند نشان‌دهنده دسترسی بهتر به اطلاعات یا تمرکز بیشتر مردم بر فرصت‌های عملی کار باشد. بخش سایر خدمات کاریابی نشان می‌دهد که تنها در مرکز لغمان نیاز مشخص به مهارت‌های معیشتی مانند ترمیم موبایل، قالین‌بافی، خیاطی، نجاری و سایر حرفه‌ها مطرح شده که بیانگر ظرفیت بالقوه برای ایجاد مشاغل کوچک و خوداشتغالی است. در مجموع، داده‌ها تأکید می‌کند که کاهش بیکاری در لغمان مستلزم ایجاد فرصت‌های کاری واقعی، گسترش آموزش‌های حرفه‌ای بازارمحور و حمایت از مشاغل کوچک به‌ویژه برای جوانان می‌باشد.



گراف 181: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان

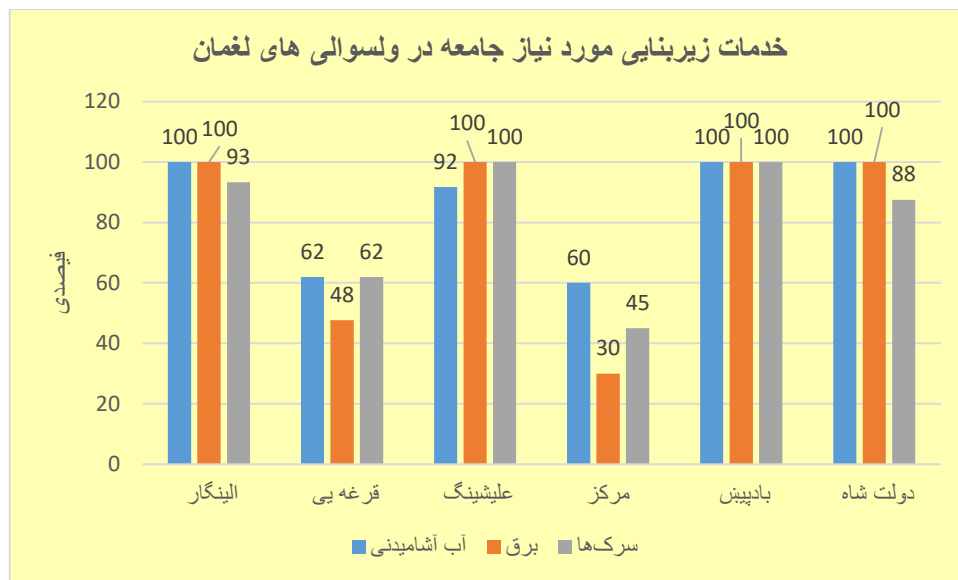
5.36.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه لغمان

گراف (182)، نشان می‌دهد که کمبود خدمات زیربنایی ریشه‌ای‌ترین چالش انکشافی در ولسوالی‌های ولایت لغمان است و تقریباً تمام بخش‌های معیشتی، اقتصادی و اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نیاز بسیار بلند به آب آشامیدنی - به‌ویژه در الینگار، بادپین و دولت‌شاه (۱۰۰٪) - نشان‌دهنده تهدید مستقیم بر صحت عامه، افزایش بیماری‌های ناشی از آب ناپاک و فشار مضاعف بر زنان و کودکان است که مسئولیت تهیه آب را بر عهده دارند. حتی در ولسوالی‌هایی مانند مرکز و قرغه‌بی که درصد نیاز پایین‌تر است، سطح تقاضا همچنان بالا بوده و بیانگر ناکافی بودن سیستم‌های موجود یا ناپایداری منابع آب می‌باشد.

در بخش برق، نیاز همگانی در اکثر ولسوالی‌ها بیانگر نبود شبکه برق پایدار و وابستگی شدید مردم به منابع پرهزینه و ناپایدار است. نبود برق نه تنها زندگی روزمره را مختل می‌کند، بلکه مانع توسعه آموزش، خدمات صحتی، صنایع کوچک و کارایی می‌شود؛ در حالی که نیاز کمتر مرکز لغمان (۳۰٪)، مردم مرکز کمتر با مشکل برق مواجه‌اند، اما در ولسوالی‌ها نبود برق هنوز یک مشکل اساسی و روزمره محسوب می‌شود.

نیاز گسترده به سرک‌ها، به‌ویژه در علی‌شینگ و بادپین (۱۰۰٪)، نشان می‌دهد که ضعف دسترسی فیزیکی یکی از عوامل اصلی فقر، محدودیت بازار و دسترسی دشوار به خدمات اساسی است. نبود سرک‌های معیاری باعث انزوای قریه‌ها، افزایش هزینه انتقال محصولات زراعتی و کاهش فرصت‌های اقتصادی می‌شود. این وضعیت به‌طور مستقیم با نیازهای ذکر شده در بخش کارایی و زراعت پیوند دارد.

تحلیل سایر خدمات زیربنایی بیانگر آسیب‌پذیری شدید ولسوالی‌ها در برابر حوادث طبیعی است؛ تقاضا برای دیوارهای استنادی، چک‌دیم‌ها، ذخیره و کنترل آب بارانی نشان می‌دهد که سیلاب، تخریب سرک‌ها و فرسایش زمین تهدید جدی محسوب می‌شود. در عین حال، درخواست اعمار پل‌ها، کانال‌های آب و بندهای برق بیانگر تلاش جامعه برای مدیریت بهتر منابع و حرکت به‌سوی توسعه پایدار است. در مجموع، این داده‌ها نشان می‌دهد که بهبود وضعیت زیربنایی در لغمان نیازمند رویکرد یکپارچه، عدالت‌محور و مبتنی بر کاهش خطرات محیطی است تا شکاف توسعه‌ای میان مرکز و ولسوالی‌های دورافتاده کاهش یابد و زمینه رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی فراهم شود.



گراف 182: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های لغمان

6.36.4. اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت لغمان

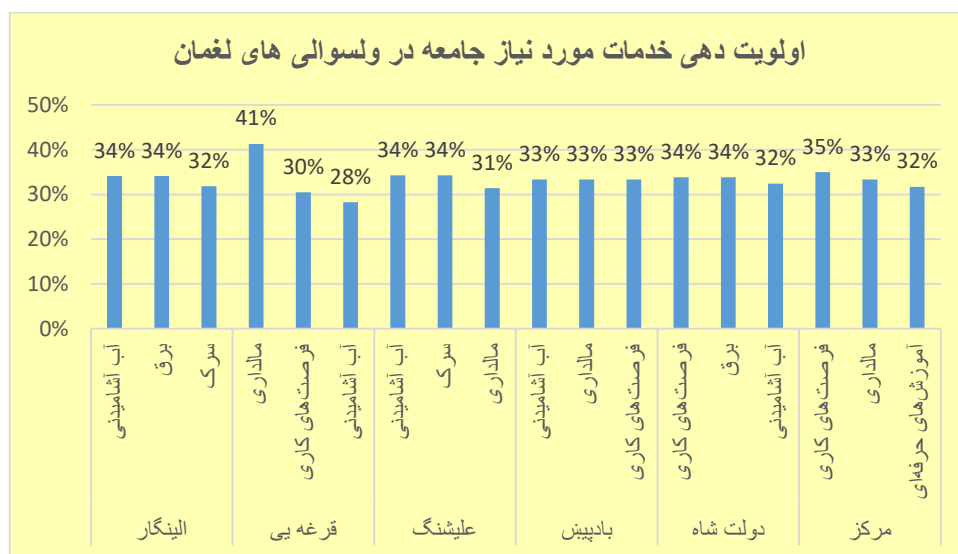
بر اساس گراف (183)، اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت لغمان نشان می‌دهد که نیازهای جامعه بر اساس شرایط محلی و نوع مشکلات متفاوت است. در الینگار، اولویت اصلی مردم بر خدمات آب آشامیدنی و برق (هرکدام ۳۴٪) و سپس سرک‌ها (۳۲٪) متمرکز است، که نشان‌دهنده

ضعف زیربنا و دسترسی به خدمات پایه است. در قرغی، بیشترین توجه به مالداری (۴۱٪) و فرصت‌های کاری (۳۰٪) است و نیاز به آب آشامیدنی با ۲۸٪ در رتبه سوم قرار دارد، که بیانگر اهمیت معیشت و اشتغال نسبت به زیرساخت‌ها در این ولسوالی است.

در علیشینگ، نیازها به صورت متوازن بین آب آشامیدنی و سرک‌ها (۳۴٪) و مالداری (۳۱٪) تقسیم شده، که هم مشکلات زیربنایی و هم کمبود معیشتی را نشان می‌دهد. بادپین نیز اولویت‌های مشابهی دارد؛ آب آشامیدنی، مالداری و فرصت‌های کاری هرکدام ۳۳٪، که نیاز به خدمات زیربنایی و اقتصادی به یک اندازه احساس می‌شود.

در دولت‌شاه، بیشترین اولویت‌ها به فرصت‌های کاری و برق (۳۴٪) و سپس آب آشامیدنی (۳۲٪) اختصاص دارد، که نشان‌دهنده تمرکز بر اشتغال و انرژی به عنوان محرک‌های توسعه است. در مرکز لغمان، بالاترین اولویت‌ها به فرصت‌های کاری (۳۵٪) و مالداری (۳۳٪) تعلق دارد و آموزش‌های حرفه‌ای (۳۲٪) نیز اهمیت قابل توجهی دارد، که نشان‌دهنده نیاز به توانمندسازی اقتصادی و مهارتی در جمعیت بزرگ مرکز است.

در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که توزیع اولویت‌ها میان زیربنا، معیشت و فرصت‌های اقتصادی بسته به شرایط هر ولسوالی متفاوت است و برنامه‌ریزی خدمات باید منطقه‌محور و متناسب با نیازهای محلی باشد.



گراف 183: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های لغمان

37.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت جوزجان

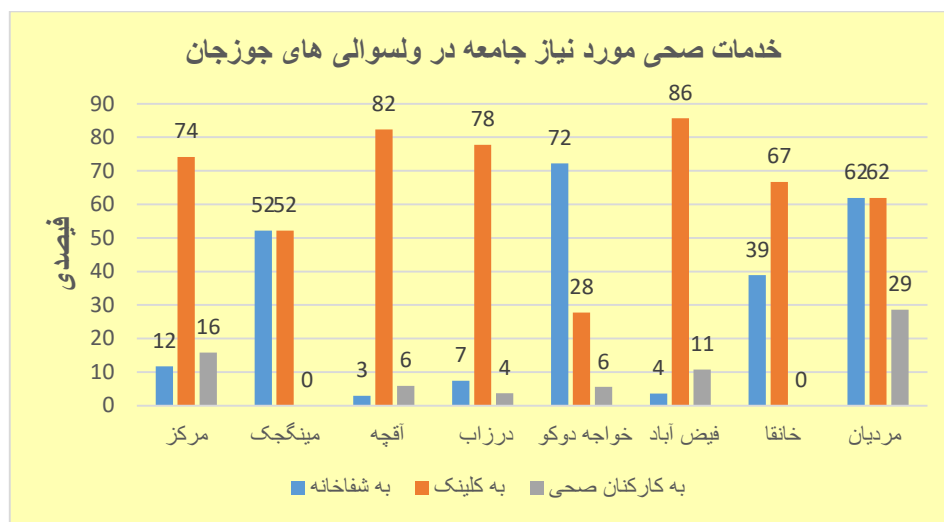
تحلیل نیاز جامعه به خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی‌های ولایت جوزجان نشان می‌دهد که هر ولسوالی بر اساس شرایط محلی خود اولویت‌های متفاوتی دارد؛ برخی مناطق به آب آشامیدنی و برق نیاز بیشتری دارند، برخی به خدمات صحتی و تعلیمی، و برخی به فرصت‌های شغلی و خدمات زراعتی توجه بیشتری دارند. بررسی این نیازها و جمعیت افراد نیازمند در هر ولسوالی، پایه‌ای برای برنامه‌ریزی هدفمند و تخصیص منابع بهینه فراهم می‌کند.

لازم به ذکر است که تعداد افراد نیازمند در هر ولسوالی نیز متفاوت است و از ۲۹۲۲۰ نفر در آقچه تا ۷۶۵۴۵ نفر در فیض‌آباد متغیر می‌باشد، که نشان می‌دهد برنامه‌ریزی و تخصیص منابع باید متناسب با جمعیت نیازمند و شدت نیاز هر منطقه انجام شود تا پوشش خدمات بهینه و اثرگذاری واقعی حاصل گردد. به این ترتیب، هرگونه برنامه توسعه‌ای باید متمرکز، ولسوالی‌محور و بر اساس اولویت‌های محلی طراحی شود تا نیازهای حیاتی مردم به صورت مؤثر پاسخ داده شود.

1.37.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه جوزجان

در گراف (184)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت جوزجان الگوی متفاوتی دارد؛ به طور کلی مراجعه به کلینیک‌ها در اکثر ولسوالی‌ها بالاترین سهم را دارد، به‌ویژه در فیض‌آباد (۸۶٪)، آقچه (۸۲٪) و درزاب (۷۸٪) که بیانگر وابستگی بیشتر مردم به این مراکز است. در مقابل، مراجعه به شفاخانه‌ها در خواجه‌دوکو (۷۲٪) و مردیان (۶۲٪) چشمگیرتر است و می‌تواند نشان‌دهنده تمرکز خدمات

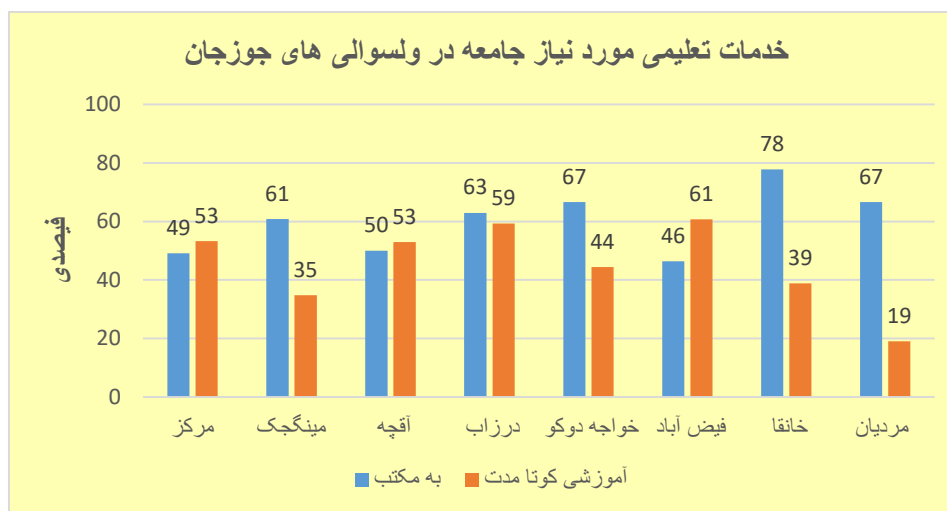
تخصصی یا دسترسی بهتر در این مناطق باشد. نیاز به کارکنان صحت عمومی پایین‌تر از دو شاخص دیگر است، اما در مرکز (۱۶٪) و فیض‌آباد (۱۱٪) نسبتاً بالاتر دیده می‌شود که احتمال کمبود نیروی انسانی را برجسته می‌کند. در مجموع، نتایج حاکی از تفاوت‌های مکانی در نوع نیازهای صحتی است و بر ضرورت برنامه‌ریزی هدفمند برای تقویت کلینیک‌ها، شفاخانه‌ها و نیروی انسانی متناسب با شرایط هر ولسوالی تأکید دارد.



گراف 184: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان

2.37.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه جوزجان

در گراف (185)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی رسمی (مکتب) در تمام ولسوالی‌های ولایت جوزجان بالا و قابل توجه است، به‌گونه‌ای که بیشترین تقاضا در خانقا (۷۸٪)، خواجه‌دوکو و مردیان (هرکدام ۶۷٪) و درزاب (۶۳٪) دیده می‌شود که بیانگر اهمیت دسترسی به مکاتب و احتمال کمبود یا ظرفیت ناکافی آن‌ها در این مناطق است. در مقابل، آموزش‌های کوتاه‌مدت نیز سهم قابل ملاحظه‌ای از نیازها را تشکیل می‌دهد، به‌ویژه در فیض‌آباد (۶۱٪)، درزاب (۵۹٪) و مرکز و آقچه (۵۳٪) که می‌تواند نشان‌دهنده تقاضای جامعه برای مهارت‌آموزی، سوادآموزی یا آموزش‌های کاربردی در کنار تعلیمات رسمی باشد. تفاوت الگوها میان ولسوالی‌ها حاکی از شرایط اجتماعی-اقتصادی متفاوت است؛ برای مثال، در خانقا تمرکز بیشتر بر مکتب و در فیض‌آباد گرایش قوی‌تر به آموزش‌های کوتاه‌مدت دیده می‌شود. صفر بودن سهم سایر خدمات تعلیمی در همه ولسوالی‌ها نیز نشان می‌دهد که یا چنین خدماتی وجود ندارد یا آگاهی و تقاضای اجتماعی نسبت به آن‌ها بسیار محدود است. در مجموع، نتایج بر ضرورت توسعه هم‌زمان مکاتب و برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت متناسب با نیازهای محلی هر ولسوالی تأکید می‌کند.



گراف 185: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان

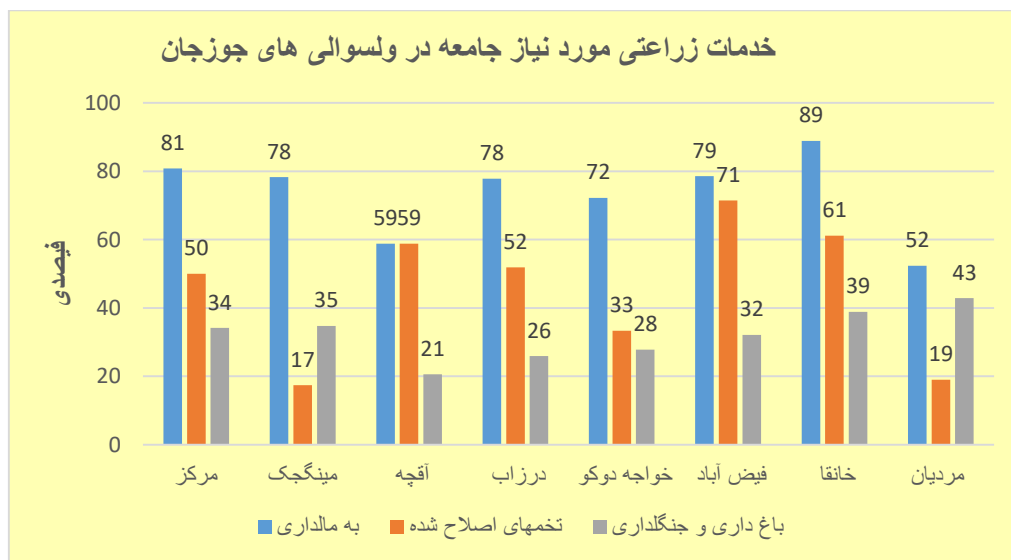
3.37.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه جوزجان

با تحلیل گراف (186)، نشان میدهد که ساختار نیازهای زراعتی در ولسوالی‌های ولایت جوزجان به شدت معیشت محور و وابسته به دامداری است. سطح بسیار بالای تقاضا برای مالرداری در همه ولسوالی‌ها (از ۵۲٪ در مردیان تا ۸۹٪ در خانقا) نشان می‌دهد که دامداری ستون اصلی اقتصاد خانوارهای روستایی است و هرگونه اختلال در خدمات آن می‌تواند مستقیماً امنیت غذایی و درآمد مردم را تهدید کند. تمرکز بالاتر این نیاز در خانقا، مرکز، فیض‌آباد و درزاب احتمالاً بازتاب‌دهنده تراکم بیشتر دام، وابستگی کمتر به زراعت آبی، و محدودیت زمین‌های قابل کشت در این مناطق است؛ بنابراین خدماتی مانند واکسیناسیون، کلینیک‌های سیار دامپزشکی و بهبود علوفه باید در اولویت قرار گیرند.

در بخش تخم‌های اصلاح‌شده، تفاوت معنادار میان ولسوالی‌ها دیده می‌شود؛ ارقام بالا در فیض‌آباد (۷۱٪)، خانقا (۶۱٪) و آقچه (۵۹٪) نشان می‌دهد که این مناطق آمادگی بیشتری برای بهبود تکنیک‌های زراعی و افزایش بهره‌وری دارند، در حالی که سطوح پایین در مینگجک (۱۷٪) و مردیان (۱۹٪) می‌تواند ناشی از کمبود دسترسی، ریسک‌گریزی دهقانان یا وابستگی کمتر به زراعت نباتی باشد. این اختلاف بیانگر آن است که توزیع یکنواخت تخم‌های اصلاح‌شده بدون در نظر گرفتن شرایط محلی احتمالاً اثربخشی لازم را نخواهد داشت.

نیاز به باغداری و جنگلداری در همه ولسوالی‌ها در سطح متوسط باقی مانده، اما مقادیر بالاتر در مردیان (۴۳٪)، خانقا (۳۹٪) و مینگجک (۳۵٪) نشان می‌دهد که این مناطق ظرفیت بالقوه برای تنوع‌بخشی به معیشت، ایجاد درآمد مکمل و کاهش فشار بر مالرداری را دارند. با این حال، پایین‌تر بودن این شاخص نسبت به مالرداری و تخم‌های اصلاح‌شده نشان می‌دهد که باغداری هنوز به‌عنوان اولویت اصلی معیشتی در ذهن جامعه تثبیت نشده است.

سایر خدمات زراعتی مانند نهال‌شانی در دو طرف جاده‌ها در تمام ولسوالی‌ها بیانگر خلأ جدی در برنامه‌های محیط‌زیستی و زیربنایی زراعتی است؛ این موضوع نه تنها کمبود عرضه خدمات را نشان می‌دهد، بلکه حاکی از آگاهی محدود جامعه نسبت به نقش این فعالیت‌ها در حفاظت محیط زیست، کاهش فرسایش خاک و بهبود چشم‌اندازهای روستایی است. در مجموع، نتایج جدول تأکید می‌کند که اقدامات زراعتی در جوزجان باید به‌صورت هدفمند، ولسوالی محور و مرحله‌ای طراحی شود: تمرکز فوری بر مالرداری، توسعه انتخابی تخم‌های اصلاح‌شده در مناطق مستعد، و سرمایه‌گذاری تدریجی بر باغداری و خدمات محیط‌زیستی برای پایداری بلندمدت معیشت روستایی.

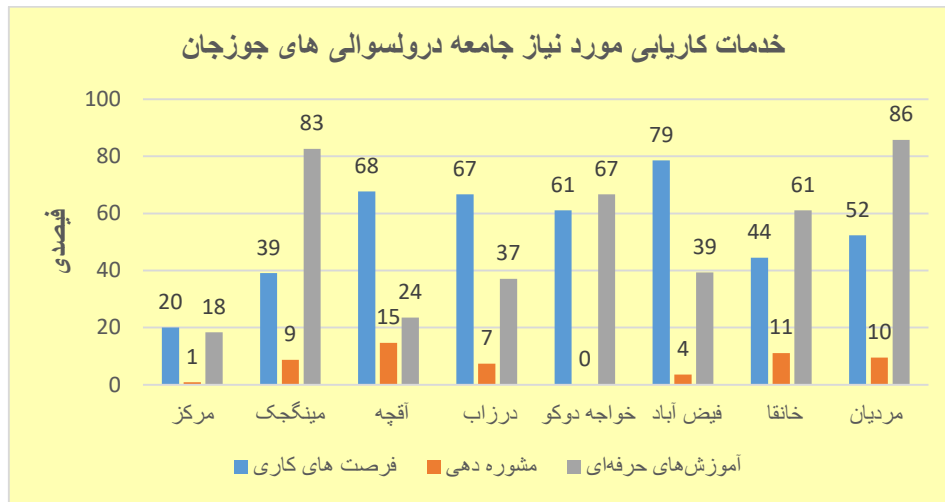


گراف 186: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان

4.37.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه جوزجان

در گراف (187)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های ولایت جوزجان الگوی متنوع و وابسته به شرایط محلی دارد. تقاضا برای فرصت‌های کاری در ولسوالی‌هایی مانند فیض‌آباد (۷۹٪)، آقچه (۶۸٪)، درزاب (۶۷٪) و خواجه‌دوکو (۶۱٪) بسیار بالاست که بیانگر کمبود فرصت‌های شغلی و سطح بالای بیکاری در این مناطق می‌باشد، در حالی که این نیاز در مرکز (۲۰٪) پایین‌تر است و احتمالاً ناشی از دسترسی نسبی بهتر به بازار کار است. در مقابل، آموزش‌های حرفه‌ای در مینگجک (۸۳٪)، مردیان (۸۶٪)، خواجه‌دوکو (۶۷٪) و خانقا (۶۱٪)

بیشترین تقاضا را دارد که نشان می‌دهد بخش بزرگی از جامعه فاقد مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار بوده و مهارت‌آموزی را به‌عنوان راهکار اصلی اشتغال می‌بیند. نیاز به مشوره‌دهی شغلی در همه ولسوالی‌ها بسیار پایین است که می‌تواند بیانگر آگاهی محدود از نقش این خدمات یا تمرکز جامعه بر اشتغال و مهارت عملی به‌جای راهنمایی نظری باشد. صفر بودن سهم سایر خدمات کاریابی نیز نشان‌دهنده نبودن یا کم‌رنگ بودن این نوع خدمات در سطح ولسوالی‌ها است. در مجموع، نتایج بر ضرورت ایجاد فرصت‌های کاری واقعی همراه با گسترش آموزش‌های حرفه‌ای متناسب با نیاز بازار کار هر ولسوالی تأکید دارد.



گراف 187 خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های جوزجان

5.37.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه جوزجان

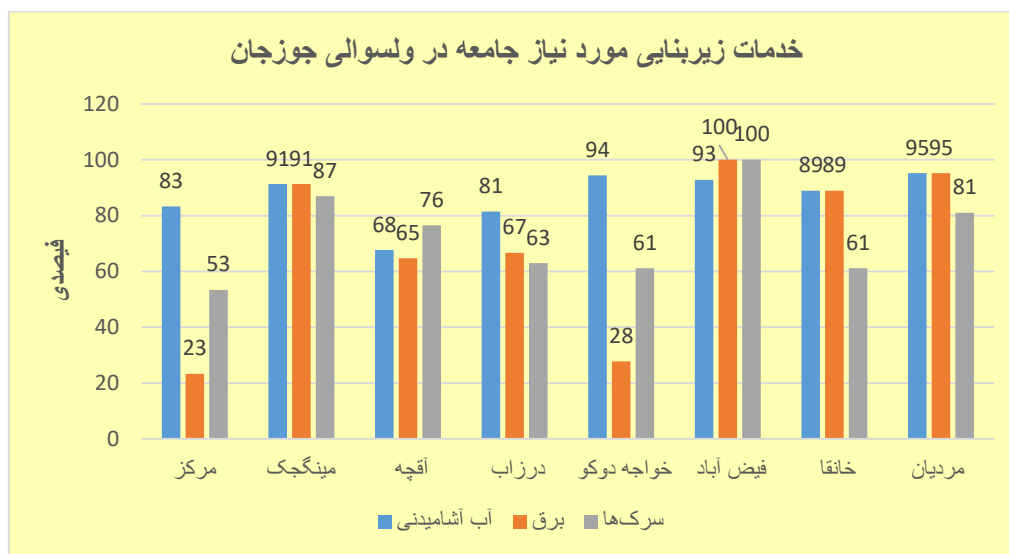
با تحلیل گراف (188)، می‌توان گفت که نیازهای زیربنایی در ولسوالی‌های ولایت جوزجان ماهیتی بحرانی، همگانی و به‌هم‌پیوسته دارند. آب آشامیدنی با ارقام بسیار بالا در تمام ولسوالی‌ها (بیش از ۶۸٪ تا ۹۵٪) نشان می‌دهد که دسترسی به آب صحتی هنوز یک چالش فراگیر است و این موضوع مستقیماً بر صحت، معیشت و کرامت انسانی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. تمرکز بالاتر این نیاز در مردیان، خواجه‌دوکو، فیض‌آباد و مینگجک می‌تواند بیانگر وابستگی مردم به منابع ناپایدار آب، فرسودگی شبکه‌ها یا افزایش نفوس باشد؛ بنابراین، توسعه چاه‌های عمیق، شبکه‌های آبرسانی و مدیریت پایدار منابع آب باید در صدر اولویت‌ها قرار گیرد.

در بخش برق، تفاوت شدید میان ولسوالی‌ها نشان‌دهنده نابرابری زیربنایی است؛ نیاز صددرصدی در فیض‌آباد و مقادیر بسیار بالا در مردیان، مینگجک و خانقا بیانگر نبودن یا بی‌ثباتی شدید برق است که فعالیت‌های اقتصادی، خدمات صحتی و آموزشی را به شدت محدود می‌سازد. در مقابل، پایین‌تر بودن نیاز در مرکز و خواجه‌دوکو احتمالاً ناشی از دسترسی نسبی بهتر است، اما حتی این ارقام نیز نشان می‌دهد که پوشش برق هنوز کامل و پایدار نیست. این شکاف‌ها ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌محور برای توسعه شبکه برق یا منابع بدیل انرژی را برجسته می‌کند.

سرک‌ها به‌عنوان پیونددهنده خدمات و بازارها، سومین نیاز عمده زیربنایی است؛ تقاضای بسیار بالا در فیض‌آباد، مینگجک و مردیان نشان می‌دهد که ضعف راه‌های مواصلاتی یکی از موانع اصلی دسترسی مردم به مراکز صحتی، تعلیمی و بازارهای محلی است. پایین‌تر بودن نسبی این نیاز در برخی ولسوالی‌ها به‌معنای نبود مشکل نیست، بلکه می‌تواند نشان‌دهنده عادت جامعه به شرایط نامطلوب یا اولویت یافتن نیازهای فوری‌تر مانند آب و برق باشد.

با در نظر گرفتن این که به‌جز مرکز، تمام ولسوالی‌ها گزینه «سایر خدمات زیربنایی» را صفر گزارش کرده‌اند، می‌توان گفت که تمرکز نیازهای زیربنایی در ولسوالی‌ها عمدتاً بر آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها محدود شده و سایر خدمات تکمیلی هنوز در سطح آگاهی و اولویت جامعه قرار نگرفته‌اند. در مقابل، مرکز ولایت با مطرح کردن نیازهایی مانند پل چک، دیوارهای استنادی، پاک‌کاری کانال‌ها و جغل‌اندازی کوچک‌ها نشان می‌دهد که پس از تأمین نسبی خدمات اساسی، مشکلات زیربنایی آن وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر و شهری‌تر شده است؛ یعنی نیازها بیشتر معطوف به مدیریت سیلاب، بهبود شبکه‌های آب‌های سطحی، حفاظت از زیرساخت‌ها و ارتقای کیفیت زندگی شهری است. این تفاوت بیانگر شکاف

توسعه‌ای میان مرکز و ولسوالی‌هاست و نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی زیربنایی باید دو سطحی باشد: در ولسوالی‌ها تمرکز اصلی بر تأمین نیازهای اولیه حیاتی و در مرکز، توجه بیشتر به زیرساخت‌های تکمیلی و حفاظتی که نقش کلیدی در پایداری و کاهش خطرات محیطی دارند.



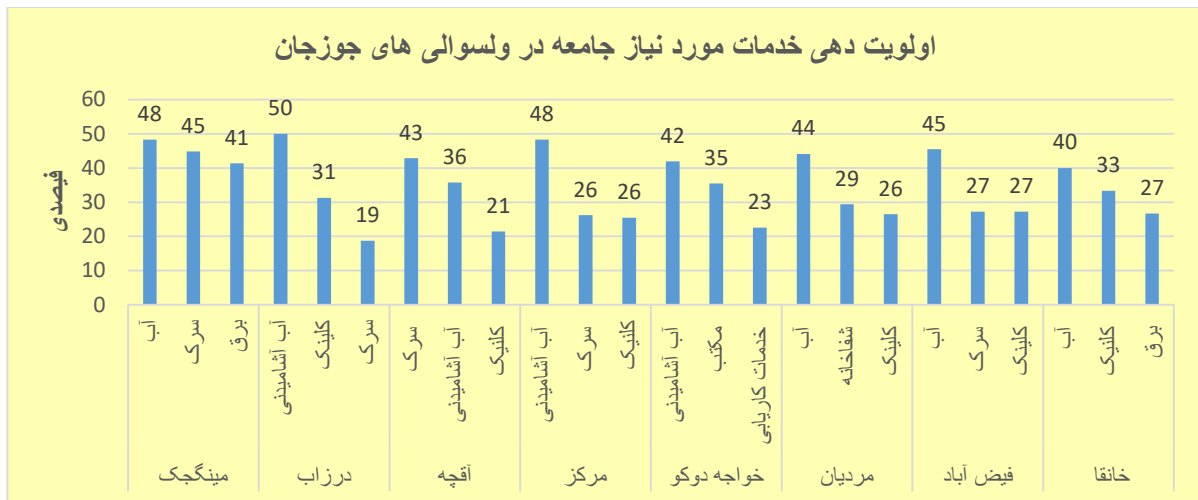
گراف 188: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی جوزجان

6.37.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت جوزجان

با تحلیل گراف (189)، مشخص می‌شود که آب آشامیدنی در تمام ولسوالی‌های ولایت جوزجان به‌عنوان اولویت اصلی و حیاتی جامعه شناخته شده است؛ درصد بالای اولویت‌دهی آن در درزاب (۵۰٪)، مینگجک و مرکز (۴۸٪)، فیض‌آباد (۴۵٪) و مردیان (۴۴٪) نشان می‌دهد که دسترسی پایدار به آب سالم همچنان دغدغه نخست مردم است و بر سلامت، معیشت و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر مستقیم دارد. پس از آب، سرک‌ها و راه‌های مواصلاتی در مناطقی مانند مینگجک (۴۵٪)، آچه (۴۳٪)، فیض‌آباد (۳۷٪) و مرکز (۳۶٪) اهمیت بالایی دارند که بیانگر نقش کلیدی آنها در دسترسی به بازارها، خدمات صحتی و آموزشی و ارتقای فعالیت‌های اقتصادی محلی است.

خدمات صحتی (کلینیک و شفاخانه) در اکثر ولسوالی‌ها، به ویژه مردیان، فیض‌آباد، خانقا و درزاب، به‌عنوان دومین یا سومین اولویت شناخته شده‌اند؛ این امر نشان می‌دهد که جامعه علاوه بر نیاز به زیرساخت‌های فیزیکی، خواهان دسترسی به مراقبت‌های اولیه و تخصصی برای ارتقای سلامت خانواده‌ها و کاهش مشکلات بهداشتی است. در برخی ولسوالی‌ها، اولویت‌ها ترکیبی از نیازهای پایه و توسعه‌ای است؛ به‌طور مثال، در خواجه‌دوکو مکتب و خدمات کاربایی پس از آب در اولویت قرار گرفته‌اند، که نشان‌دهنده اهمیت همزمان آموزش و اشتغال در این منطقه است، و در خانقا برق در کنار کلینیک اولویت یافته که بیانگر نیاز به انرژی پایدار برای توسعه خدمات و فعالیت‌های اقتصادی است.

به‌طور کلی، الگوی اولویت‌دهی خدمات در جوزجان نشان می‌دهد که نیازهای اولیه مردم حول آب سالم، دسترسی به راه‌ها و خدمات صحتی متمرکز است و در کنار آن، اولویت‌های آموزشی و اشتغال در برخی ولسوالی‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، سیاست‌های توسعه‌ای و برنامه‌های سرمایه‌گذاری باید به‌صورت منطقه‌ای و متناسب با اولویت‌های محلی طراحی شوند تا هم نیازهای ضروری مردم تأمین شود و هم ظرفیت توسعه پایدار هر ولسوالی تقویت گردد.



گراف 189: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های جوزجان

38.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت فراه

ولسوالی های ولایت فراه با مجموعه ای از کمبودها و چالش های چندبُعدی در حوزه های خدماتی و زیربنایی مواجه هستند که بر زندگی روزمره، معیشت و توسعه اجتماعی و اقتصادی مردم تأثیر مستقیم دارند. این نیازها شامل خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاروباری و زیربنایی می شوند و در هر بخش، نوع و شدت نیازها با توجه به شرایط جغرافیایی، اقلیمی و سطح توسعه هر ولسوالی متفاوت است. در حوزه خدمات صحتی، کمبود کارکنان متخصص، تجهیزات و دسترسی به مراکز درمانی از مهم ترین چالش هاست. در بخش تعلیمی، فقدان مکاتب و نیاز گسترده به آموزش های کوتاه مدت و سوادآموزی، به ویژه آموزش های دینی، مشهود است. در حوزه زراعت، نیاز به تخم های اصلاح شده، مالداری، باغداری و ماشینری زراعتی نشان دهنده وابستگی شدید مردم به کشاورزی و دامداری است. در بخش کاروباری، بیکاری جوانان و نیاز به آموزش های حرفه ای و ایجاد فرصت های شغلی برجسته است، و در حوزه زیربنایی، دسترسی به آب آشامیدنی، سرک ها، سیستم های آبیاری و برق از اولویت های اصلی جوامع محلی محسوب می شوند. این مقدمه چارچوب کلی را برای تحلیل دقیق تر و مقایسه نیازهای مختلف در ولسوالی ها فراهم می کند و نشان می دهد که توسعه پایدار در فراه نیازمند یک رویکرد جامع و منطقه ای با تمرکز بر اولویت های حیاتی است.

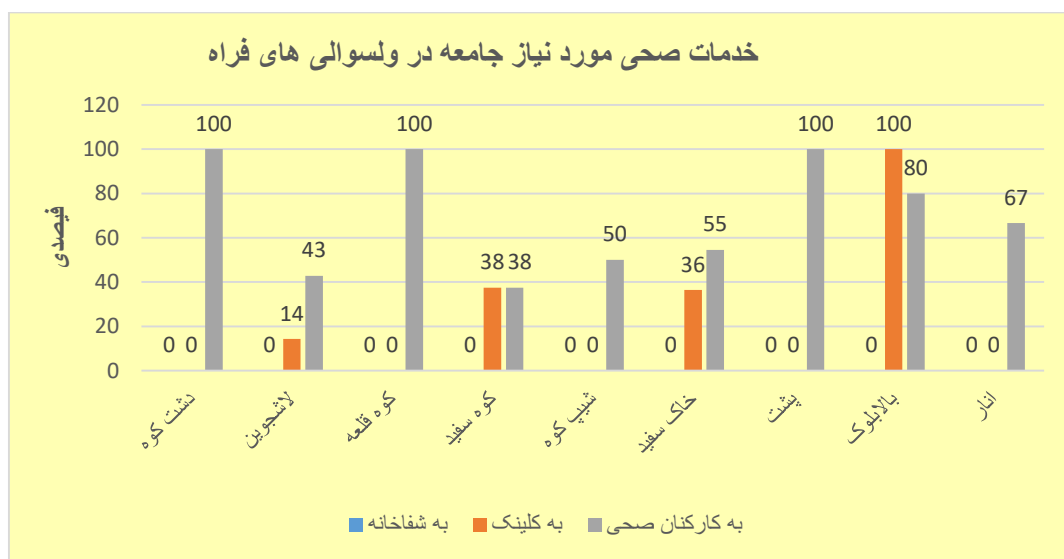
بر اساس داده ها، تعداد افراد نیازمند در هر ولسوالی به این صورت است: دشت کوه ۴۵۰۰۰ نفر، لاشجوین ۱۰۵۸۰ نفر، کوه قلعه ۲۶۰۹۰ نفر، کوه سفید ۲۷۴۰۰ نفر، شیب کوه ۳۰۴۰۰ نفر، خاک سفید ۳۳۸۸۰ نفر، پشت ۷۹۰۰۰ نفر، بالابلوک ۱۶۴۰۰ نفر و انار ۱۹۶۵۰ نفر. این ارقام نشان دهنده حجم بالای تقاضا و پراکندگی جمعیتی نیازمند خدمات در ولسوالی های مختلف است و ضرورت برنامه ریزی هدفمند و اولویت بندی خدمات را برجسته می کند.

1.38.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه فراه

در گراف (190)، نشان می دهد که ساختار خدمات صحتی در ولسوالی های ولایت فراه با کمبود شدید نیروی انسانی، ضعف مراکز ارائه خدمات و نابرابری دسترسی روبه رو است. نخست، در بخش شفابخانه مشاهده می شود که در هیچ یک از ولسوالی ها نیاز به شفابخانه ثبت نشده است (۰ درصد در همه موارد) که این موضوع به احتمال زیاد نه از نبود نیاز واقعی، بلکه از نبود شفابخانه های فعال یا ناامیدی مردم از دسترسی به خدمات شفابخانه ای ناشی می شود. این وضعیت بیانگر تمرکز خدمات ثانوی و تخصصی در مرکز ولایت و محرومیت ولسوالی ها از خدمات پیشرفته صحتی است.

در بخش کلینک ها، تفاوت قابل توجهی میان ولسوالی ها دیده می شود. ولسوالی بالابلوک با ۱۰۰ درصد بیشترین نیاز را به کلینک گزارش کرده که نشان دهنده فشار بالای جمعیت یا فقدان کامل مراکز صحتی ابتدایی است. ولسوالی های کوه سفید (۳۸ درصد) و خاک سفید (۳۶ درصد) نیز نیاز قابل توجهی دارند، در حالی که در لاشجوین این نیاز محدودتر (۱۴ درصد) و در سایر ولسوالی ها صفر گزارش شده است. این امر می تواند بیانگر دسترسی نسبی برخی ولسوالی ها به کلینک ها یا تفاوت در سطح آگاهی و گزارش دهی نیازها باشد.

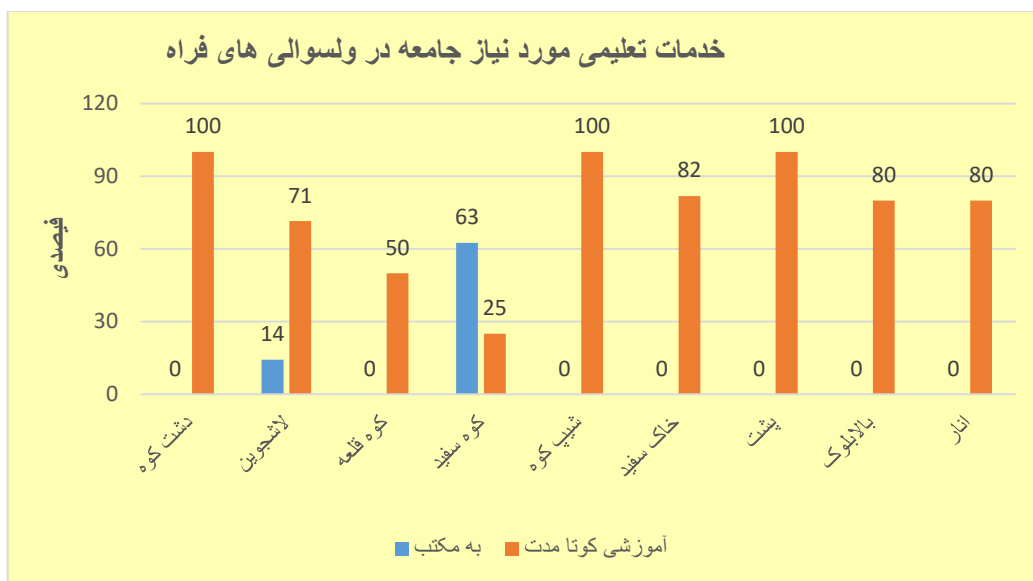
مهم‌ترین یافته جدول مربوط به نیاز به کارکنان صحتی است که در همه ولسوالی‌ها بالاترین سطح را دارد. ولسوالی‌های دشت کوه، کوه قلعه و پشت با ۱۰۰ درصد نیاز، بیشترین کمبود نیروی صحتی را نشان می‌دهند که بیانگر نبود داکتر، نرس، قابله و سایر کارکنان مسلکی است. حتی در ولسوالی‌هایی که کلینک یا تجهیزات نسبی وجود دارد، مانند بالابلوک (۸۰ درصد) و انار (۶۷ درصد)، هنوز کمبود نیروی انسانی یک چالش اساسی محسوب می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که وجود تأسیسات بدون نیروی متخصص عملاً کارایی خدمات صحتی را کاهش داده است. در بخش سایر خدمات صحتی، تمرکز نیازها بر وسایل و تجهیزات طبی است. ولسوالی‌هایی مانند کوه قلعه، کوه سفید، شیب کوه، خاک سفید، پشت و بالابلوک بیشتر به تجهیزات طبی نیاز دارند، در حالی که دشت کوه و انار بیشتر کمبود وسایل طبی را گزارش کرده‌اند. این تفاوت نشان می‌دهد که برخی مراکز صحتی به صورت ابتدایی فعال هستند اما از نظر تجهیزات تشخیصی و درمانی استاندارد با کمبود جدی مواجه‌اند. در مجموع، گراف بیانگر آن است که مشکل اصلی خدمات صحتی در ولسوالی‌های ولایت فراه، نه فقط کمبود مراکز صحتی، بلکه نبود نیروی انسانی متخصص و تجهیزات لازم است. بنابراین، بهبود وضعیت صحتی نیازمند یک رویکرد همه‌جانبه شامل جذب و توزیع عادلانه کارکنان صحتی، تجهیز مراکز موجود و توسعه کلینک‌های ابتدایی در ولسوالی‌های پرجمعیت و محروم می‌باشد.



گراف 190: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های فراه

2.38.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه فراه

گراف (191)، نشان می‌دهد که نیازهای تعلیمی در ولسوالی‌های ولایت فراه بیشتر بر آموزش‌های کوتاه‌مدت و غیررسمی متمرکز است، زیرا در همه ولسوالی‌ها درصد بالایی از این نوع نیاز (بین ۲۵ تا ۱۰۰ درصد) گزارش شده است. نیاز به مکتب به‌طور محدود و نابرابر دیده می‌شود و تنها در ولسوالی‌های لاشجویین (۱۴ درصد) و به‌ویژه کوه سفید (۶۳ درصد) مطرح شده که بیانگر کمبود یا ناکافی بودن مکاتب رسمی در این مناطق است. در بخش سایر خدمات تعلیمی نیز تمرکز اصلی بر مدرسه‌های دینی، کورس‌های دینی و برنامه‌های سوادآموزی است که نشان می‌دهد در کنار ضعف نظام آموزش رسمی، جامعه به آموزش‌های دینی و سوادآموزی به‌عنوان بدیل یا مکمل آموزش رسمی توجه بیشتری دارد. به‌طور کلی، الگوی نیازها بیانگر محدودیت دسترسی به مکاتب رسمی، وابستگی بیشتر به آموزش‌های کوتاه‌مدت و دینی، و ضرورت تقویت هم‌زمان آموزش رسمی و غیررسمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت فراه است.



گراف 191: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه

3.38.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه فراه

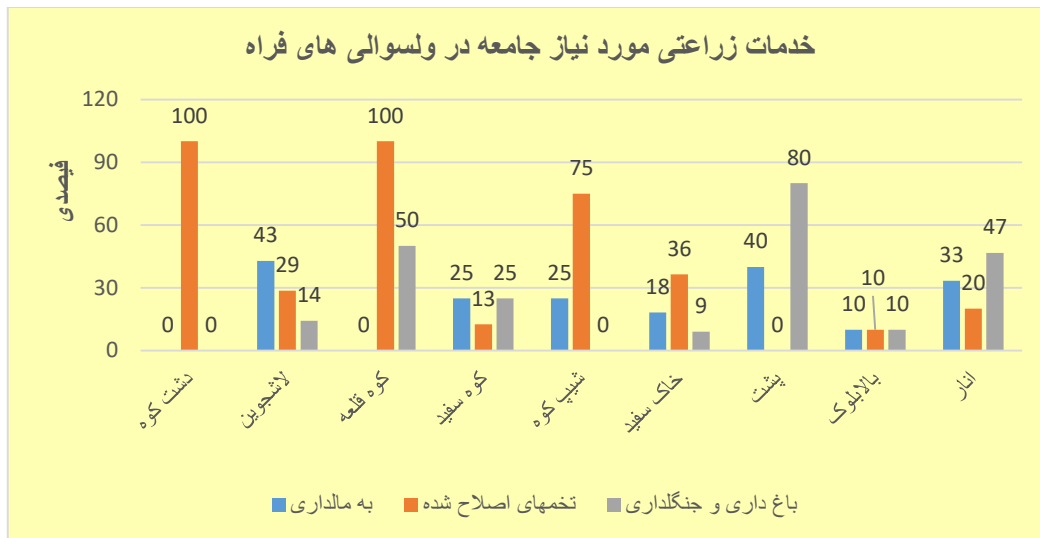
این گراف (192)، از نیازهای زراعتی جوامع محلی در ولسوالی های ولایت فراه ارائه می کند و نشان می دهد که الگوی نیازها به شدت وابسته به نوع معیشت، شرایط اقلیمی و سطح دسترسی هر ولسوالی به امکانات زراعتی است. در بخش مالداری، بیشترین نیاز در لاشجویین (۴۳ درصد)، پشت (۴۰ درصد) و انار (۳۳ درصد) دیده می شود که بیانگر نقش پررنگ دامداری در اقتصاد خانوارهای این ولسوالی ها و در عین حال کمبود خدمات حمایتی مانند واکسیناسیون، خوراک حیوانی و خدمات وترنری است. در مقابل، دشت کوه و کوه قلعه نیاز صفر را گزارش کرده اند که می تواند نشان دهنده تمرکز بیشتر این مناطق بر زراعت نباتی یا محدود بودن ظرفیت مالداری باشد.

در بخش تخم های اصلاح شده، دشت کوه و کوه قلعه با ۱۰۰ درصد نیاز، بیشترین وابستگی را به این نهاد اساسی نشان می دهند که حاکی از پایین بودن حاصل دهی تخم های محلی و ضرورت فوری افزایش تولیدات زراعتی است. ولسوالی شیپ کوه (۷۵ درصد) و خاک سفید (۳۶ درصد) نیز نیاز قابل توجهی دارند، در حالی که پشت (۰ درصد) و بالابلوک (۱۰ درصد) نیاز اندکی گزارش کرده اند که می تواند ناشی از دسترسی نسبی به تخم های مناسب یا اولویت دادن به سایر بخش های زراعتی باشد.

در بخش باغداری و جنگلداری، ولسوالی پشت با ۸۰ درصد و کوه قلعه با ۵۰ درصد در صدر نیاز قرار دارند که نشان دهنده ظرفیت بالقوه برای توسعه باغات میوه، نهال شانی و حفاظت منابع طبیعی است. ولسوالی انار (۴۷ درصد) و کوه سفید (۲۵ درصد) نیز نیاز متوسطی را نشان می دهند، در حالی که در دشت کوه و شیپ کوه این نیاز صفر گزارش شده که احتمالاً به دلیل شرایط اقلیمی نامساعد یا تمرکز بر کشت های زراعتی کوتاه مدت است.

در بخش سایر خدمات زراعتی، نیازها بیشتر جنبه زیربنایی و تکنیکی دارد؛ به گونه ای که در لاشجویین بر خدمات کشاورزی و ایجاد سیستم های آبرسانی تأکید شده و در ولسوالی های کوه سفید، خاک سفید و بالابلوک نیاز به ماشینری زراعتی برجسته است. این موضوع بیانگر ضعف مکانیزاسیون، اتکای بیش از حد به ابزارهای سنتی و چالش جدی کمبود آب و مدیریت آبیاری در ولایت فراه می باشد.

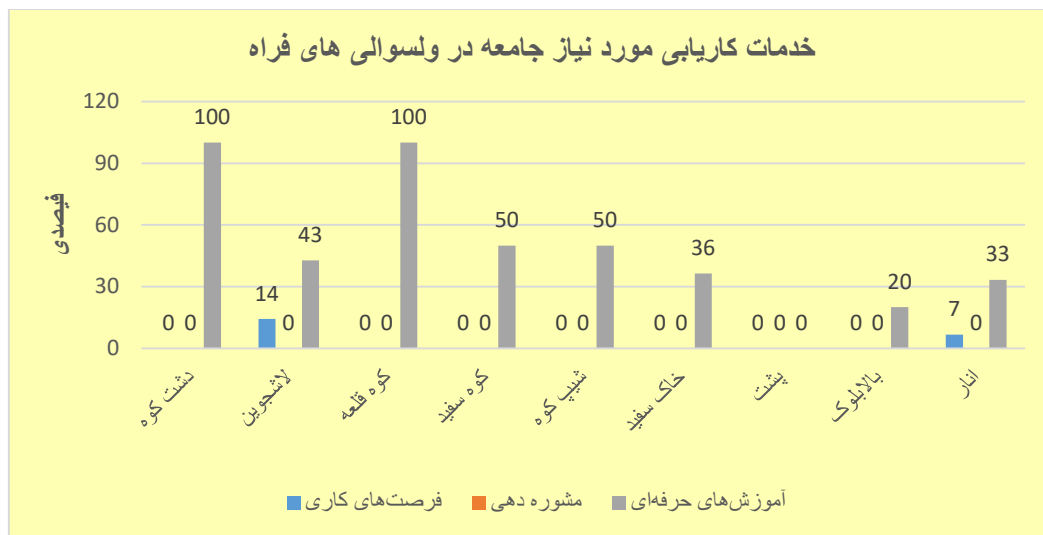
در مجموع، گراف نشان می دهد که چالش اصلی بخش زراعت در ولایت فراه تنها به یک بخش محدود نمی شود، بلکه ترکیبی از کمبود نهاده های اصلاح شده، ضعف خدمات مالداری، نبود ماشینری و مشکلات مدیریت آب است. بنابراین، برنامه های توسعه زراعتی باید به صورت هدفمند و منطقه محور طراحی شوند تا متناسب با نیاز واقعی هر ولسوالی، بهره وری زراعت و معیشت دهقانان به طور پایدار بهبود یابد.



گراف 192: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه

4.38.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه فراه

در گراف (193)، نشان می‌دهد که چالش بیکاری در ولسوالی‌های ولایت فراه ساختاری و مهارت‌محور است و نیازهای کاریابی بیش از آن که به خدمات کوتاه‌مدت مربوط باشد، به ایجاد ظرفیت پایدار اقتصادی گره خورده است. در بخش آموزش‌های حرفه‌ای، بالاترین سطح نیاز در ولسوالی‌های دشت کوه و کوه قلعه (هر دو ۱۰۰ درصد) ثبت شده که بیانگر نبود مهارت‌های فنی، حرفه‌ای و بازارپسند در میان جوانان و نیروی کار این مناطق است. ولسوالی‌های کوه سفید و شیب کوه (هر کدام ۵۰ درصد)، خاک سفید (۳۶ درصد) و انار (۳۳ درصد) نیز نیاز قابل توجهی دارند که نشان می‌دهد بیکاری تنها محدود به یک یا دو ولسوالی نبوده و تقریباً تمام ولایت را دربر گرفته است. در مقابل، ولسوالی پشت (۰ درصد) نیاز به آموزش حرفه‌ای را گزارش نکرده که می‌تواند ناشی از اتکای بیشتر به زراعت و مالداري یا مهاجرت نیروی کار به سایر مناطق باشد. در بخش فرصت‌های کاری مستقیم، ارقام بسیار پایین (لاشجوین ۱۴ درصد و انار ۷ درصد) نشان‌دهنده کمبود شدید بازار کار رسمی و پروژه‌های مولد اقتصادی در سطح ولسوالی‌ها است. این وضعیت می‌تواند بیانگر آن باشد که مردم بیشتر به دنبال کسب مهارت برای خوداشتغالی هستند تا یافتن شغل ثابت در ادارات یا مؤسسات. نبود کامل نیاز به مشوره‌دهی کاری در تمام ولسوالی‌ها (۰ درصد) نیز نشان می‌دهد که ساختارهای راهنمایی شغلی، معرفی به بازار کار و مشاوره مسیر شغلی یا اساساً وجود ندارد یا از سوی جامعه شناخته نشده است. در بخش سایر خدمات کاریابی، تقریباً تمام ولسوالی‌ها بر ایجاد فرصت‌های شغلی و فراهم‌سازی زمینه کار برای جوانان تأکید کرده‌اند که نشان‌دهنده فشار بالای بیکاری جوانان و خطرات اجتماعی ناشی از آن، از جمله فقر، مهاجرت و نارضایتی اجتماعی است. در مجموع، این جدول بیانگر آن است که راه‌حل اساسی مشکل کاریابی در ولایت فراه، تنها اعلام فرصت‌های کاری نیست، بلکه نیازمند سرمایه‌گذاری در آموزش‌های حرفه‌ای بازارمحور، حمایت از خوداشتغالی، ایجاد پروژه‌های کوچک اقتصادی و پیوند مؤثر میان آموزش و بازار کار می‌باشد تا بیکاری به‌صورت پایدار کاهش یابد.



گراف 193: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه

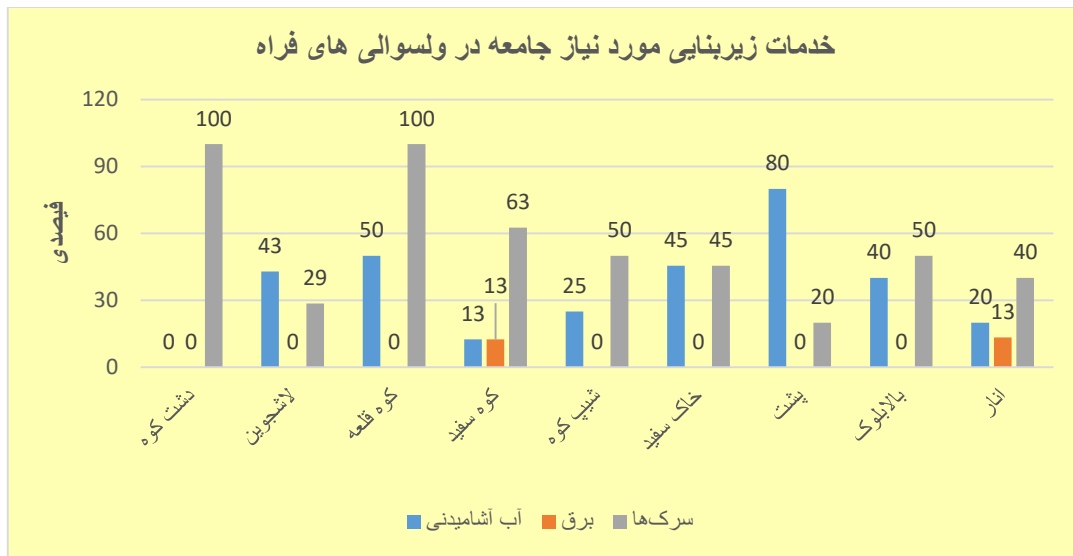
5.38.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه فراه

گراف (194)، نمایانگر وضعیت نیازهای زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت فراه است و نشان می‌دهد که توسعه این ولایت بیش از هر چیز با چالش دسترسی، آب و زیرساخت‌های حمایتی معیشت روبه‌رو می‌باشد. در بخش سرک‌ها، بالاترین سطح نیاز در ولسوالی‌های دشت کوه و کوه قلعه (هر دو ۱۰۰ درصد) ثبت شده که بیانگر انزوای جغرافیایی، دشواری رفت‌وآمد و محدودیت شدید دسترسی مردم به بازارها، خدمات صحتی و تعلیمی است. ولسوالی‌های کوه سفید (۶۳ درصد)، شیخ کوه و بالابلوک (هر کدام ۵۰ درصد) و خاک سفید (۴۵ درصد) نیز نیاز بالایی دارند که نشان می‌دهد ضعف شبکه راه‌ها یک مشکل فراگیر در سطح ولایت است و تأثیر مستقیم بر هزینه‌های زندگی و فقر دارد.

در بخش آب آشامیدنی، نیازها به صورت گسترده گزارش شده و ولسوالی پشت با ۸۰ درصد در صدر قرار دارد که نشان‌دهنده بحران جدی دسترسی به آب صحتی و خطرات صحتی ناشی از استفاده از منابع ناسالم است. ولسوالی‌های خاک سفید (۴۵ درصد)، لاشجویین (۴۳ درصد)، بالابلوک (۴۰ درصد) و کوه قلعه (۵۰ درصد) نیز نیاز قابل توجهی دارند که بیانگر ضعف سیستم‌های تأمین و ذخیره آب در مناطق روستایی است. این وضعیت اهمیت آب را نه تنها به عنوان یک نیاز حیاتی، بلکه به عنوان عامل کلیدی در کاهش بیماری‌ها و بهبود کیفیت زندگی برجسته می‌سازد. نیاز به برق در مقایسه با سایر خدمات زیربنایی بسیار پایین گزارش شده و تنها در کوه سفید و انار (هر کدام ۱۳ درصد) مطرح است که می‌تواند ناشی از نبود شبکه برق، دسترسی محدود به منابع بدیل (مانند سولر) یا اولویت پایین تر برق در مقایسه با نیازهای فوری تر مانند آب و سرک باشد. این موضوع نشان می‌دهد که در شرایط محرومیت، جامعه ابتدا بر نیازهای حیاتی تمرکز می‌کند.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، تمرکز اصلی تقریباً در تمام ولسوالی‌ها بر مدیریت و مهار منابع آب است؛ از ایجاد بندهای آب، سیستم‌های مدرن آبیاری، کانال‌های آب و آب‌گردان‌ها گرفته تا پروژه‌های کوچک کنترولی. این امر نشان‌دهنده وابستگی شدید اقتصاد محلی به زراعت و مالداری و تأثیر مستقیم کم‌آبی بر امنیت غذایی و درآمد خانوارها است. همچنین، تکرار نیاز به کلینیک‌های حیوانی در چندین ولسوالی بیانگر اهمیت مالداري و کمبود خدمات زیربنایی حمایتی در این بخش می‌باشد.

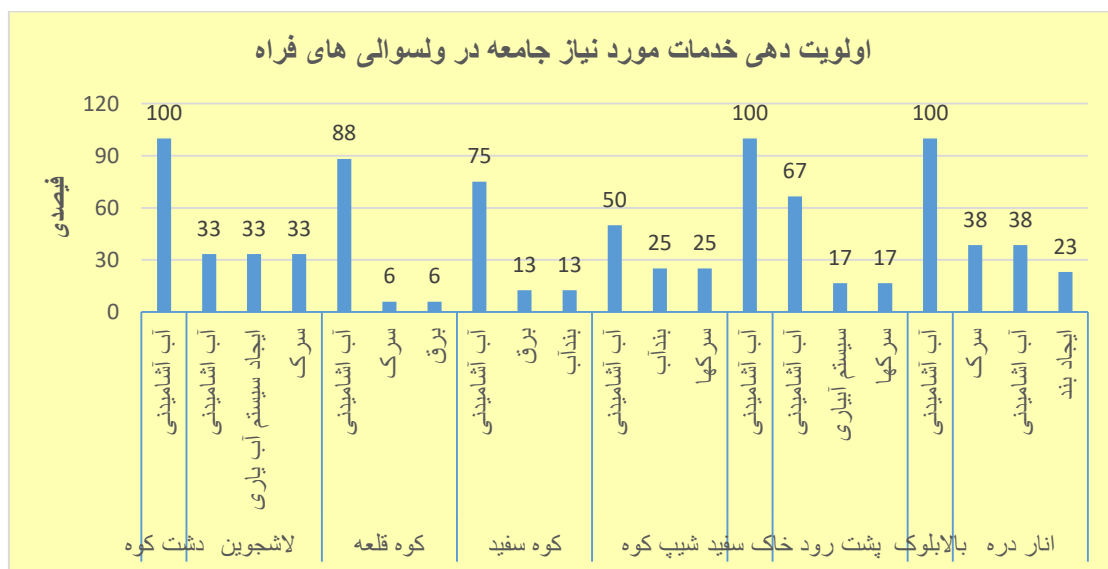
در مجموع، گراف نشان می‌دهد که توسعه پایدار در ولایت فراه بدون بهبود شبکه سرک‌ها، تأمین آب آشامیدنی سالم و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مدیریت آب و آبیاری امکان‌پذیر نیست. این نیازها نه تنها زیربنایی، بلکه محرک اصلی بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش فقر، افزایش دسترسی به خدمات اساسی و تقویت تاب‌آوری جوامع محلی محسوب می‌شوند.



گراف 194: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه

6.38.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه ولایت فراه

گراف (195)، نشان می‌دهد که آب آشامیدنی به‌عنوان مهم‌ترین و فوری‌ترین اولویت خدمات زیربنایی در اکثر ولسوالی‌های ولایت فراه مطرح است، به‌طوری که در دشت کوه، خاک سفید و بالابلوک با ۱۰۰ درصد در صدر کامل اولویت‌ها قرار دارد و در ولسوالی‌هایی مانند کوه قلعه (۸۸ درصد)، کوه سفید (۷۵ درصد)، پشت رود (۶۷ درصد) و شیب کوه (۵۰ درصد) نیز بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. این امر بیانگر بحران گسترده دسترسی به آب صحتی و تأثیر مستقیم آن بر صحت، معیشت و ثبات اجتماعی جوامع محلی است. در کنار آن، سرک‌ها و سیستم‌های آبیاری به‌عنوان اولویت‌های ثانوی مطرح شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که لاشجوین با توزیع برابر ۳۳ درصدی میان آب آشامیدنی، سیستم آبیاری و سرک‌ها، نیازهای متوازن‌تری را نشان می‌دهد و پشت رود نیز سرک و سیستم آبیاری را هرکدام با ۱۷ درصد در اولویت‌های بعدی قرار داده است. نیاز به برق و بندهای آب در برخی ولسوالی‌ها مانند کوه قلعه، کوه سفید، شیب کوه و انار در درصدهای پایین‌تر مطرح شده که نشان می‌دهد این خدمات اگرچه مهم‌اند، اما در مقایسه با نیاز فوری به آب آشامیدنی در اولویت بعدی قرار دارند. به‌طور کلی، جدول بیانگر آن است که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انکشافی در ولایت فراه باید با تمرکز قوی بر تأمین آب آشامیدنی سالم آغاز شده و سپس به‌صورت مرحله‌ای به توسعه سرک‌ها، سیستم‌های آبیاری، بندهای آب و برق متناسب با نیاز هر ولسوالی گسترش یابد.



گراف 195: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فراه

39.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت فاریات

بررسی جامع نیازهای جامعه به خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاربایی و زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت فاریاب نشان می‌دهد که این نیازها به گونه‌ی مستقیم با سطح محرومیت، ساختار معیشتی، وضعیت جغرافیایی و میزان دسترسی مردم به خدمات اساسی ارتباط دارد. در بخش صحتی، تمرکز نیازها بیشتر بر کلینک‌ها، کارکنان صحتی، ادویه‌جات و تیم‌های صحتی سیار است که بیانگر ضعف خدمات اولیه صحتی، به‌ویژه در ولسوالی‌های دور دست می‌باشد. در بخش تعلیمی، اگرچه نیاز به اعمار مکاتب در برخی ولسوالی‌ها محدود گزارش شده، اما تقاضای بسیار بلند برای آموزش‌های کوتاه‌مدت، سوادآموزی و خدمات مکمل تعلیمی نشان می‌دهد که جامعه به مهارت‌آموزی و ارتقای ظرفیت انسانی توجه ویژه دارد. در بخش زراعتی، نیاز شدید به خدمات مالدار، تخم‌های اصلاح‌شده، میکابازسازی زراعت، سردخانه‌ها و پروسس محصولات زراعتی بیانگر وابستگی گسترده معیشت مردم به زراعت و چالش‌های تولید و بازررسانی است. در بخش کاربایی، کمبود فرصت‌های شغلی و تقاضای گسترده برای آموزش‌های حرفه‌ای، به‌ویژه در ولسوالی‌های محروم، نشان می‌دهد که بیکاری یکی از مشکلات اساسی جامعه بوده و نیازمند اقدامات هدفمند می‌باشد. همچنان در بخش زیربنایی، آب آشامیدنی، برق و سرک‌ها در اکثر ولسوالی‌ها در صدر اولویت‌ها قرار دارند که اهمیت حیاتی این خدمات را برای بهبود کیفیت زندگی و رشد اقتصادی برجسته می‌سازد.

بر اساس داده‌های موجود، بیشترین تعداد افراد نیازمند به خدمات در ولسوالی میمنه با حدود ۱۰۹'۷۵۰ نفر ثبت شده و پس از آن پشتون‌کوت با ۹۶'۲۲۹ نفر و قرغان با ۶۳'۴۶۰ نفر قرار دارند، در حالی که ولسوالی خیبر با حدود ۱۸'۶۰۰ نفر کمترین تعداد افراد نیازمند را دارد. این ارقام نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی انکشافی در ولایت فاریاب باید هم‌زمان هم به حجم جمعیت نیازمند و هم به نوع و شدت نیازها در هر ولسوالی توجه نماید تا منابع به‌صورت عادلانه و مؤثر تخصیص یابد.

1.39.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه فاریات

در گراف (196)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات صحتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت فاریاب دارای الگوی متفاوت اما معنادار می‌باشد و بیش از آن که بر اعمار شفاخانه‌های بزرگ تمرکز داشته باشد، بر تقویت کلینک‌های محلی و افزایش کارکنان صحتی تأکید می‌نماید. این امر نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات صحتی اولیه، حضور داکتران و پرسونل مسلکی، و عرضه ادویه‌جات و تجهیزات طبی از اولویت‌های اساسی مردم در سطح ولسوالی‌ها به شمار می‌رود.

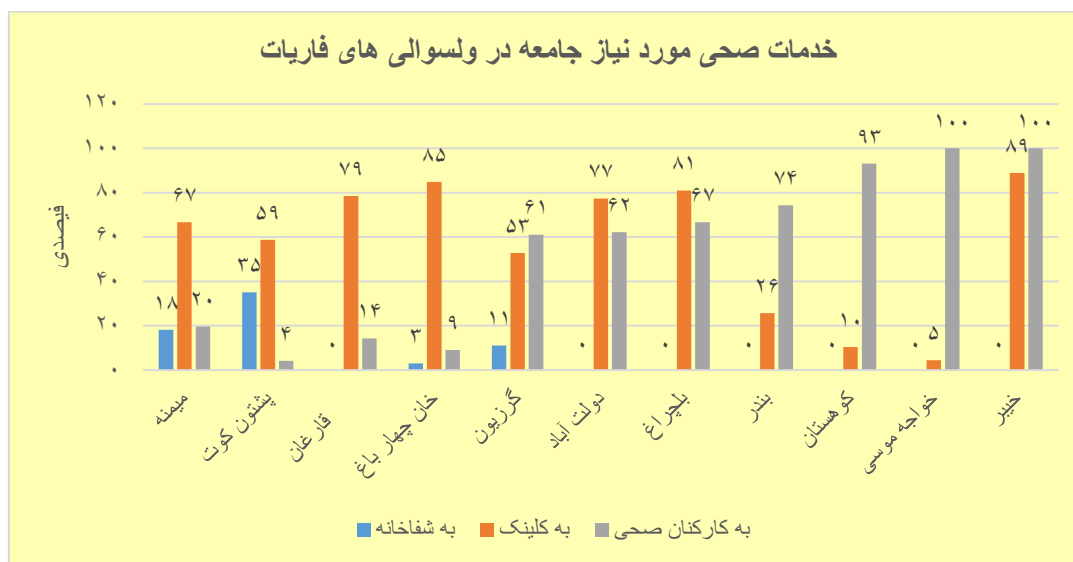
یافته‌ها بیانگر آن است که در بسیاری از مناطق، مشکل اصلی نه نبود ساختمان‌های صحتی بزرگ، بلکه کمبود نیروی انسانی متخصص، تجهیزات کافی و خدمات منظم صحتی می‌باشد. از این رو، برنامه‌ریزی در بخش صحت باید بیشتر بر تقویت مراکز صحتی ابتدایی، اعزام تیم‌های صحتی سیار، ارتقای ظرفیت کارکنان صحتی و بهبود کیفیت خدمات درمانی تمرکز داشته باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای فوری و گسترده جامعه در سطح محلی باشد.

در بخش نیاز به شفاخانه، بالاترین میزان در پشتون‌کوت (۲۵٪) و میمنه (۱۸٪) ثبت شده، در حالی که در خان‌چهارباغ (۳٪) و گرزویون (۱۱٪) درصد پایین‌تری دیده می‌شود و در سایر ولسوالی‌ها رقم صفر گزارش شده است. این وضعیت می‌تواند نشان‌دهنده موجودیت نسبی شفاخانه در برخی مناطق یا تمرکز مردم بر نیازهای فوری‌تر مانند خدمات اولیه صحتی باشد.

در مقابل، نیاز به کلینیک در اکثر ولسوالی‌ها بلند است؛ به‌ویژه در خیبر (۸۹٪)، خان‌چهارباغ (۸۵٪)، بلچراغ (۸۱٪)، قرغان (۷۹٪) و دولت‌آباد (۷۷٪). حتی در میمنه و پشتون‌کوت نیز این نیاز به‌ترتیب ۶۷٪ و ۵۹٪ می‌باشد. این ارقام بیانگر آن است که دسترسی به خدمات صحتی اولیه و مراکز درمانی نزدیک به محل سکونت، از اولویت‌های اساسی مردم محسوب می‌شود.

در بخش نیاز به کارکنان صحتی، بیشترین درصد در خواجه‌موسی و خیبر (۱۰۰٪)، کوهستان (۹۳٪)، بندر (۷۴٪)، بلچراغ (۶۷٪)، دولت‌آباد (۶۲٪) و گرزویون (۶۱٪) ثبت شده است. این امر نشان‌دهنده کمبود جدی داکتران، نرس‌ها و سایر پرسونل صحتی در بسیاری از ولسوالی‌ها می‌باشد و بیانگر آن است که حتی در صورت موجودیت مراکز صحتی، نبود نیروی متخصص یکی از چالش‌های اصلی است.

در بخش سایر خدمات صحتی، تمرکز عمدتاً بر تأمین ادویهجات، تجهیزات طبی و اعزام تیم‌های صحتی سیار است. در برخی ولسوالی‌ها مانند پشتون کوت نیاز به امبولانس نیز مطرح شده که نشان‌دهنده مشکلات انتقال بیماران به مراکز درمانی است. این تنوع نیازها بیانگر آن است که علاوه بر زیرساخت فیزیکی، کیفیت و تکمیل بودن خدمات صحتی نیز یک نگرانی اساسی برای مردم می‌باشد. در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که اولویت اصلی در بخش صحت، تقویت خدمات صحتی اولیه از طریق توسعه کلینیک‌ها، افزایش کارکنان صحتی و تأمین ادویه و تجهیزات طبی است. بنابراین، برنامه‌های صحتی در ولایت فاریاب باید بر بهبود دسترسی محلی، ارتقای ظرفیت نیروی انسانی و تجهیز مراکز موجود تمرکز نمایند تا پاسخگوی نیازهای گسترده و فوری جامعه باشند.



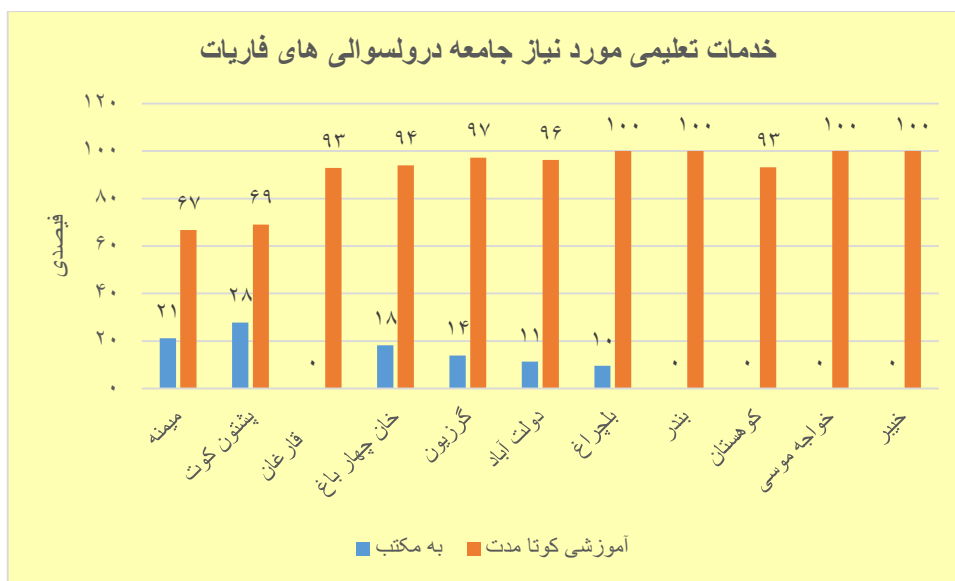
گراف 196: خدمات صحتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های فاریاب

2.39.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه فاریاب

این گراف (197)، نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت فاریاب بیشتر معطوف به آموزش‌های کوتاه‌مدت و برنامه‌های سوادآموزی است، در حالی که اعمار مکاتب جدید یا توسعه دسترسی به آموزش رسمی در اولویت پایین‌تری قرار دارد. در بخش نیاز به مکتب، بالاترین درصد در پشتون کوت (۲۸٪) و میمنه (۲۱٪) ثبت شده و پس از آن خان چهارباغ (۱۸٪)، گزیون (۱۴٪)، دولت‌آباد (۱۱٪) و بلچراغ (۱۰٪) قرار دارند؛ در حالی که در قارغان، بندر، کوهستان، خواجه‌موسی و خیبر رقم صفر گزارش شده است. این وضعیت می‌تواند نشان‌دهنده موجودیت نسبی مکاتب در برخی ولسوالی‌ها یا اولویت داشتن نیازهای فوری‌تر آموزشی نسبت به ساخت مکتب جدید باشد. در مقابل، آموزش‌های کوتاه‌مدت در تمام ولسوالی‌ها با درصد بسیار بلند مطرح شده است؛ به‌ویژه در بلچراغ، بندر، خواجه‌موسی و خیبر (۱۰۰٪)، دولت‌آباد (۹۶٪)، گزیون (۹۷٪)، خان چهارباغ (۹۴٪) و قارغان و کوهستان (۹۳٪). حتی در میمنه و پشتون کوت نیز این نیاز به ترتیب ۶۷٪ و ۶۹٪ می‌باشد. این ارقام نشان می‌دهد که جامعه به مهارت‌آموزی‌های سریع، کاربردی و بازارمحور تمایل و ضرورت جدی دارد؛ برنامه‌هایی که بتواند در کوتاه‌مدت فرصت‌های شغلی و خوداشتغالی ایجاد کند.

در بخش سایر خدمات تعلیمی، تمرکز عمده بر سوادآموزی است که تقریباً در تمامی ولسوالی‌ها به‌عنوان نیاز مطرح شده است. در برخی مناطق مانند میمنه، علاوه بر سوادآموزی، کورس‌های کودکان، بزرگسالان، بزرگسالان و بازنگری نصاب تعلیمی نیز پیشنهاد شده؛ در پشتون کوت مدرسه دینی و کورس سوادآموزی، و در بلچراغ اعمار تعمیر مکتب نیز در کنار سوادآموزی ذکر گردیده است. این تنوع بیانگر آن است که بخشی از جمعیت - به‌ویژه بزرگسالان و بازماندگان از آموزش - هنوز به برنامه‌های پایه‌ای آموزشی نیازمند اند.

در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که اولویت اصلی مردم در بخش تعلیم، تقویت برنامه‌های مهارت‌محور و سوادآموزی است؛ در حالی که نیاز به اعمار مکاتب جدید در سطح پایین‌تری قرار دارد. بنابراین، برنامه‌ریزی تعلیمی در ولایت فاریاب باید بر توسعه کورس‌های کوتاه‌مدت، برنامه‌های سوادآموزی بزرگسالان و بهبود کیفیت آموزش تمرکز نماید تا بتواند پاسخگوی نیازهای فوری و عملی جامعه باشد.



گراف 197: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب

3.39.4 خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه فاریاب

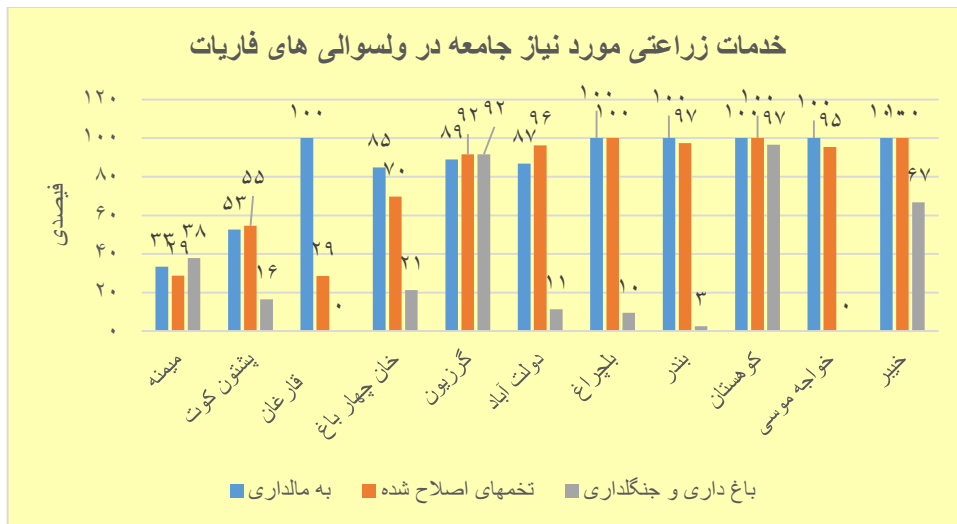
در گراف (198)، نشان می‌دهد که نیاز به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت فاریاب هم بسیار بلند و هم به شدت متفاوت است. در بخش مالداري، بیشترین وابستگی در ولسوالی‌های قرغان، بلچراغ، بندر، کوهستان، خواجه موسی و خیبر با ثبت رقم ۱۰۰ فیصد دیده می‌شود که بیانگر اتکای کامل معیشت مردم این مناطق بر دامداری است. همچنان گزیون (۸۹٪)، دولت‌آباد (۸۷٪) و خان چهارباغ (۸۵٪) نیز در سطح بلند قرار دارند. در مقابل، میمنه با ۳۳٪ و پشتون کوت با ۵۳٪ وابستگی کمتر نشان می‌دهند که احتمالاً ناشی از تنوع بیشتر فعالیت‌های اقتصادی در این ولسوالی‌ها است.

در زمینه تخم‌های اصلاح شده، تقاضا تقریباً در تمام ولسوالی‌ها بلند است؛ بلچراغ، کوهستان و خیبر با ۱۰۰٪ در صدر قرار دارند و بندر (۹۷٪)، دولت‌آباد (۹۶٪)، خواجه موسی (۹۵٪) و گزیون (۹۲٪) نیز ارقام بسیار بالا دارند. این موضوع نشان‌دهنده تمایل جدی دهقانان به افزایش حاصل و استفاده از نهاده‌های معیاری می‌باشد. تنها میمنه (۲۹٪) و قرغان (۲۹٪) سطح پایین‌تری را نشان می‌دهند.

در بخش باغداری و جنگلداری تفاوت‌ها چشمگیر است. کوهستان (۹۷٪) و گزیون (۹۲٪) ظرفیت و نیاز بسیار بالا دارند و خیبر نیز با ۶۷٪ در سطح متوسط رو به بلند قرار دارد؛ اما در قرغان و خواجه موسی رقم ۰٪ ثبت شده و در بندر (۳٪)، بلچراغ (۱۰٪) و دولت‌آباد (۱۱٪) نیز نیاز پایین است. این اختلاف می‌تواند ناشی از تفاوت شرایط اقلیمی، منابع آبی و پیشینه باغداری در این مناطق باشد.

در بخش سایر خدمات زراعتی، نیازها بیشتر بر میکانیزه سازی، ایجاد سردخانه‌ها، پروسس میوه‌جات، تأمین کود کیمیایی، ماشین‌آلات زراعتی و آگاهی‌دهی تکنیکی متمرکز است. تکرار درخواست برای سردخانه و مراکز پروسس در بسیاری از ولسوالی‌ها نشان می‌دهد که مشکل اصلی تنها تولید نیست، بلکه کمبود زیرساخت‌های نگهداری و بازاری رسانی سبب ضایعات و کاهش عواید دهقانان می‌گردد.

در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که هرچند مالداري و تخم‌های اصلاح شده در اکثر ولسوالی‌ها اولویت نخست‌اند، اما در بخش باغداری و نوع خدمات حمایتی تفاوت‌های جدی وجود دارد. بنابراین، برنامه‌ریزی انکشافی در ولایت فاریاب باید مبتنی بر اولویت‌های مشخص هر ولسوالی بوده و به صورت هم‌زمان تقویت مالداري، بهبود تولیدات زراعتی و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی را مدنظر قرار دهد.



گراف 198: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریات

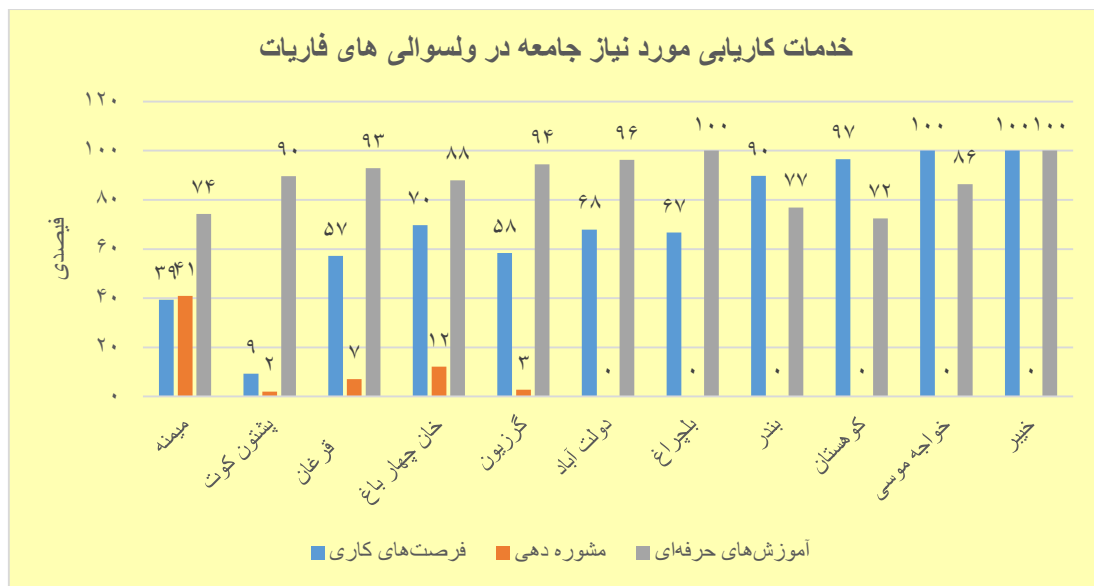
4.39.4. خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه فاریات

در گراف (199)، نشان می‌دهد که این جدول نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاریابی در ولسوالی‌های مختلف ولایت فاریاب الگوی متفاوت اما معناداری دارد. در بخش فرصت‌های کاری، بیشترین میزان تقاضا مربوط به خواجه‌موسی و خیبر (هر دو ۱۰۰٪) و پس از آن کوهستان (۹۷٪) و بندر (۹۰٪) است که بیانگر کمبود شدید فرصت‌های شغلی در این مناطق می‌باشد. در مقابل، میمنه با ۳۹٪ و پشتون کوت با ۹٪ کمترین میزان نیاز را در این بخش نشان می‌دهند که احتمالاً به دلیل دسترسی نسبی بهتر به بازار کار یا تنوع فعالیت‌های اقتصادی در این ولسوالی‌هاست. در زمینه آموزش‌های حرفه‌ای، سطح تقاضا در تقریباً تمام ولسوالی‌ها بسیار بلند است؛ به‌ویژه در بلجراغ و خیبر (۱۰۰٪)، دولت‌آباد (۹۶٪)، گرمیون (۹۴٪) و قرغان (۹۳٪). این امر نشان می‌دهد که ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یک نیاز اساسی برای ورود به بازار کار یا بهبود وضعیت شغلی در سراسر ولایت مطرح است. حتی در ولسوالی‌هایی که نیاز به فرصت‌های کاری پایین‌تر گزارش شده، تقاضا برای آموزش‌های حرفه‌ای همچنان بالا است که بیانگر اهمیت توانمندسازی نیروی کار می‌باشد.

در بخش مشوره‌دهی شغلی، میزان نیاز نسبتاً پایین است و تنها در میمنه (۴۱٪) رقم قابل توجهی دیده می‌شود، در حالی که در اکثر ولسوالی‌ها این نیاز صفر یا بسیار اندک گزارش شده است. این وضعیت می‌تواند ناشی از آگاهی محدود نسبت به اهمیت مشاوره شغلی یا اولویت داشتن نیازهای فوری‌تر مانند ایجاد شغل و آموزش مهارت باشد.

همچنین در بخش سایر خدمات کاریابی (از جمله ارتقای مهارت‌ها، ثبت نیاز کارفرمایان و اشتغال‌زایی) در تمام ولسوالی‌ها رقم صفر ثبت شده که احتمالاً نشان‌دهنده عدم شناخت این خدمات یا نبود ساختارهای رسمی مرتبط در سطح محلی است.

در مجموع، داده‌ها بیانگر آن است که تمرکز اصلی مردم بر ایجاد فرصت‌های کاری و گسترش آموزش‌های حرفه‌ای است. بنابراین، برنامه‌های انکشافی در ولایت فاریاب باید به صورت هم‌زمان بر توسعه فرصت‌های اشتغال، سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و تقویت نظام‌های مؤثر کاریابی تمرکز داشته باشند تا بتوانند به نیازهای متفاوت ولسوالی‌ها پاسخ هدفمند و متوازن ارائه نمایند.



گراف 199: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریات

5.39.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه فاریات

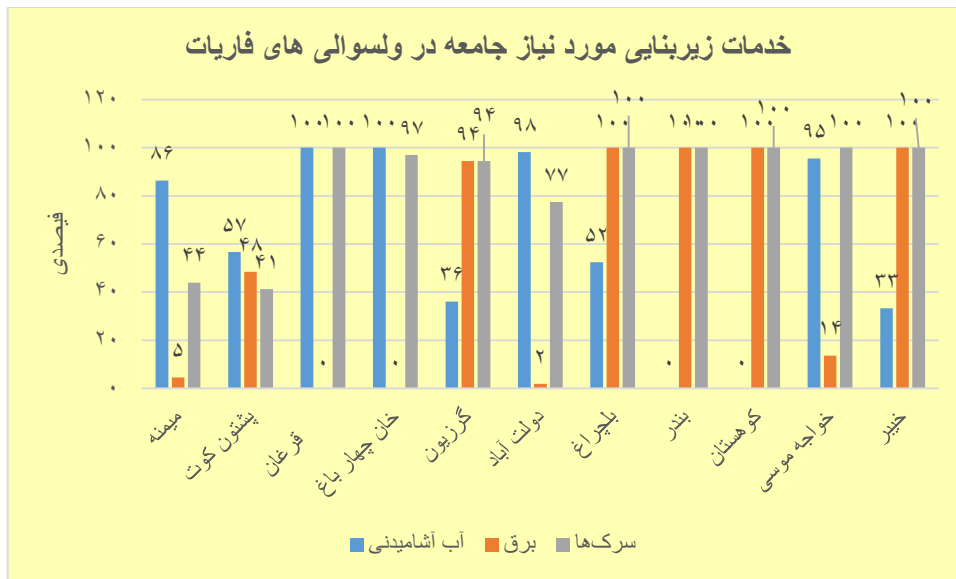
در گراف (200)، نشان می‌دهد که تحلیل جدول نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت فاریاب دارای الگوی متفاوت اما عمدتاً متمرکز بر زیرساخت‌های اساسی است. در بخش آب آشامیدنی، بیشترین میزان نیاز در قرغان و خان چهارباغ (هر دو ۱۰۰٪)، دولت‌آباد (۹۸٪) و خواجه‌موسی (۹۵٪) ثبت شده که بیانگر چالش جدی دسترسی به آب صحتی در این مناطق است. در مقابل، در بندر و کوهستان رقم صفر گزارش شده که می‌تواند نشان‌دهنده دسترسی نسبی بهتر یا اولویت داشتن سایر خدمات در این ولسوالی‌ها باشد.

در زمینه برق، وضعیت به‌صورت ناهمگون دیده می‌شود؛ بیشترین نیاز در بلچراغ، بندر، کوهستان و خیبر (همگی ۱۰۰٪) و نیز گرمزیون (۹۴٪) گزارش شده که نشان‌دهنده کمبود شدید انرژی برق در این مناطق است. در حالی که در قرغان و خان چهارباغ نیاز صفر و در میمنه تنها ۵٪ ثبت شده که احتمالاً ناشی از دسترسی بهتر به شبکه برق یا منابع بديل انرژی می‌باشد.

بخش سرک‌ها یکی از برجسته‌ترین نیازها در سطح ولایت است؛ در اکثر ولسوالی‌ها از جمله قرغان، بلچراغ، بندر، کوهستان، خواجه‌موسی و خیبر (همگی ۱۰۰٪) و نیز خان چهارباغ (۹۷٪) و گرمزیون (۹۴٪) این بخش در اولویت بسیار بالا قرار دارد. این امر نشان‌دهنده مشکلات جدی در دسترسی ترانسپورتی، ارتباطات اقتصادی و دسترسی به خدمات اساسی مانند صحت و آموزش است. حتی در میمنه و پشتون کوت نیز با وجود درصد پایین‌تر (۴۴٪ و ۴۱٪)، سرک‌ها همچنان یک نیاز مهم محسوب می‌شود.

در بخش سایر خدمات زیربنایی، تنوع نیازها قابل توجه است و شامل اعمار پل‌ها، دیوارهای استنادی، کانال‌های آبیاری، بندهای آب‌گردان، سیستم‌های فاضلاب شهری، شبکه‌های مخابراتی، ذخیره آب آشامیدنی، کلینیک حیوانی و حتی ایجاد مارکیت برای محصولات می‌باشد. این تنوع بیانگر ماهیت چندبعدی نیازهای انکشافی در ولسوالی‌ها و وابستگی معیشت مردم به زراعت، مالداري و زیرساخت‌های حفاظتی در برابر حوادث طبیعی است.

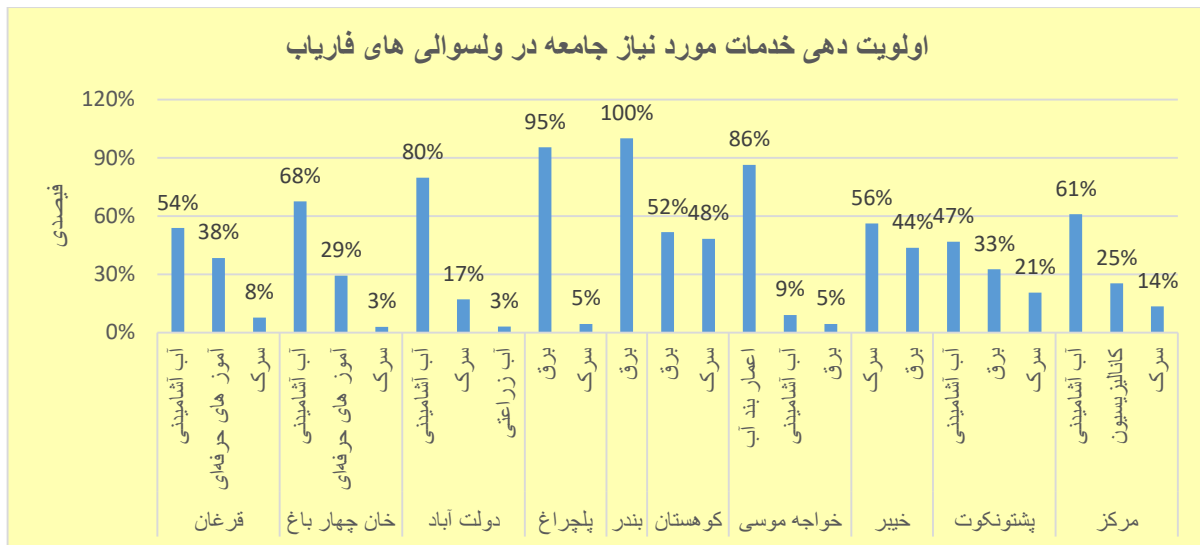
در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که توسعه زیربنایی در ولایت فاریاب نیازمند رویکردی جامع و منطقه‌محور است؛ به‌گونه‌ای که در برخی ولسوالی‌ها تمرکز بر تأمین آب آشامیدنی و برق، و در برخی دیگر بر بهبود سرک‌ها و زیرساخت‌های زراعتی و حفاظتی اولویت یابد. برنامه‌ریزی هدفمند و تخصیص متوازن منابع می‌تواند نقش اساسی در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و بهبود شرایط زندگی مردم ایفا نماید.



گراف 200: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب

6.39.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه فاریاب

در گراف (201)، تصویر دقیق تری از تفاوت های ساختاری و اولویت های واقعی جامعه در ولسوالی های مختلف ولایت فاریاب ارائه می کند و نشان می دهد که نیازها بر اساس میزان محرومیت، نوع معیشت و سطح دسترسی به خدمات زیربنایی شکل گرفته اند. آب آشامیدنی در اکثر ولسوالی ها به عنوان اولویت نخست یا دوم مطرح است؛ به ویژه در دولت آباد (۸۰٪)، خان چهارباغ (۶۸٪)، مرکز (۶۱٪) و قرغان (۵۴٪) که این امر بیانگر کمبود مزمن آب صحتی، ضعف سیستم های آبرسانی و تأثیر مستقیم این مشکل بر صحت عامه می باشد. در مقابل، برق به عنوان مهم ترین اولویت در ولسوالی های بندر (۱۰۰٪) و پلچراغ (۹۵٪) مطرح شده و همچنان در کوهستان (۵۲٪) و خیبر (۴۴٪) سهم قابل توجهی دارد که نشان دهنده محرومیت شدید این مناطق از انرژی و محدود شدن فعالیت های اقتصادی و خدماتی به دلیل نبود برق است. سرکها به عنوان اولویت اساسی در ولسوالی هایی مانند خیبر (۵۶٪)، کوهستان (۴۸٪) و پشتون کوت (۲۱٪) برجسته اند که بیانگر چالش جدی دسترسی، انزوای جغرافیایی و مشکلات انتقال محصولات و دسترسی به بازارها می باشد. حضور آموزش های حرفه ای در اولویت های قرغان (۳۸٪) و خان چهارباغ (۲۹٪) نشان می دهد که جامعه این ولسوالی ها علاوه بر نیازهای زیربنایی، به ایجاد مهارت و فرصت های کاری نیز توجه دارد. همچنان اولویت اعمار بند آب در خواجه موسی (۸۶٪) نشان دهنده وابستگی شدید معیشت مردم به زراعت و ضرورت مدیریت منابع آب است، در حالی که نیاز به کانالیزاسیون در مرکز (۲۵٪) بیانگر چالش های شهری و افزایش نفوس می باشد. در مجموع، این داده ها تأکید می کند که اقدامات انکشافی در ولایت فاریاب باید به صورت تفکیک شده و مبتنی بر اولویت های محلی طراحی شود، زیرا تمرکز یکسان بر همه ولسوالی ها نمی تواند پاسخ گوی نیازهای متنوع و واقعی جامعه باشد.



گراف 201: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی های فاریاب

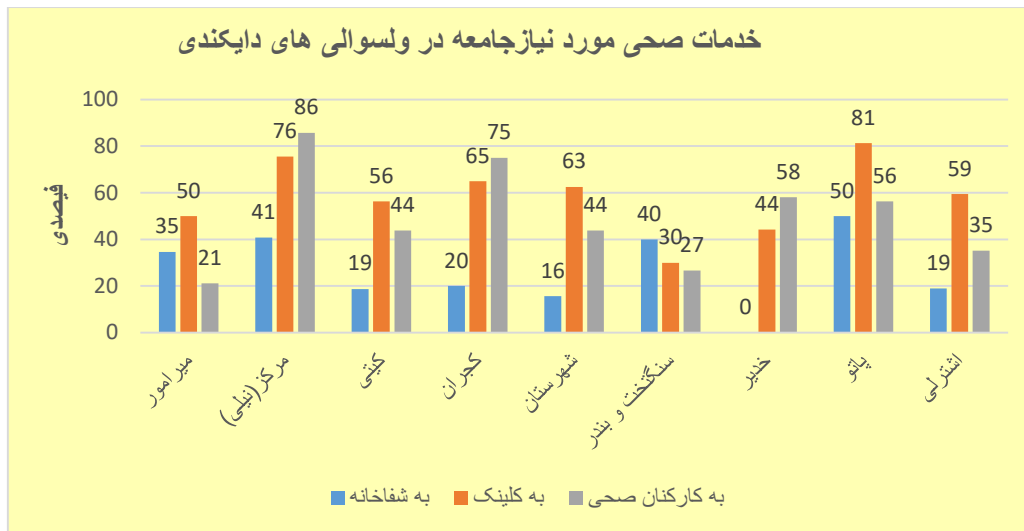
40.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت دایکندی

ولسوالی های ولایت دایکندی با نیازهای گسترده و متنوعی در حوزه های صحتی، آموزشی، زراعتی، کاربایی و زیربنایی روبه رو هستند. این نیازها بسته به جمعیت، شرایط جغرافیایی و منابع هر ولسوالی متفاوت است و نشان دهنده اهمیت برنامه ریزی هدفمند برای بهبود سلامت، آموزش، اشتغال، تولیدات زراعتی و زیرساخت های اساسی در منطقه می باشد.

به اساس یافته ها، افراد نیازمند خدمات در ولسوالی های دایکندی چشمگیر است؛ بیشترین جمعیت نیازمند در میرامور (۱۶۸'۹۴۱ نفر) و نیلی (۱۲۴'۰۳۵ نفر) قرار دارند و حتی ولسوالی های کوچک تر مانند کیتی و سنگتخت نیز با هزاران نفر نیازمند مواجه هستند. این آمار بیانگر ضرورت مداخله جامع و برنامه ریزی دقیق برای رسیدگی به نیازهای متعدد صحتی، آموزشی، زراعتی، کاربایی و زیربنایی در تمام ولسوالی هاست تا توسعه پایدار و ارتقای کیفیت زندگی مردم دایکندی تضمین شود.

1.40.4. خدمات صحتی مورد نیاز جامعه دایکندی

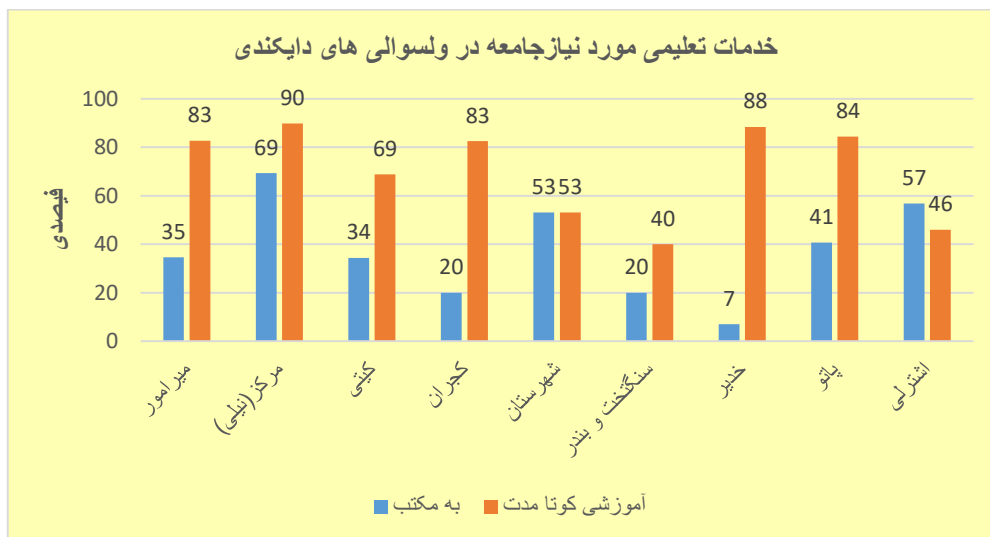
گراف (202)، نشان می دهد که تمرکز اصلی مردم در اکثر ولسوالی ها نیاز بر خدمات کلینیکی و نیروی انسانی صحتی است تا صرفاً شفاخانه. در ولسوالی خدیر، هرچند نیاز به شفاخانه صفر ثبت شده، احتمالاً نشان دهنده موجودیت شفاخانه و پاسخ گویی نسبی آن به نیاز مردم است، اما نیاز به کلینیک (۴۴%) و به ویژه کارکنان صحتی (۵۸%) نسبتاً بلند است که بیانگر کمبود داکتران، نرس ها و کارمندان تخنیکی در مراکز موجود می باشد. در ولسوالی های نیلی، پاتو و کجران، همزمان نیاز بلند به شفاخانه، کلینیک و کارکنان صحتی دیده می شود که نشان دهنده فشار زیاد بر سیستم صحتی و تمرکز جمعیت در این مناطق است. ولسوالی های کیتی، شهرستان و اشترلی اگرچه نیاز متوسط به شفاخانه دارند، اما تقاضای بالا برای کلینیک و خدمات تشخیصی مانند لابراتوار و الترا سوند نشان می دهد که خدمات اولیه و تشخیص بیماری ها به درستی پوشش داده نشده است. بخش «سایر خدمات صحتی» در تمام ولسوالی ها تصویر واضحی از کمبود ساختاری ارائه می کند؛ تقریباً همه مناطق با کمبود دوا، لابراتوار مجهز، وسایل تشخیصی، واکسیناتور و خدمات حمایتی مانند آمبولانس و آموزش حفظ الصحه روبه رو اند. در مجموع، این جدول نشان می دهد که چالش اصلی سکتور صحت در ولایت دایکندی نه فقط ایجاد شفاخانه های جدید، بلکه تقویت کیفیت خدمات موجود از طریق افزایش نیروی انسانی، تجهیز مراکز صحتی، تأمین ادویه و گسترش خدمات وقایوی و تشخیصی است.



گراف 202: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های دایکندی

2.40.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه دایکندی

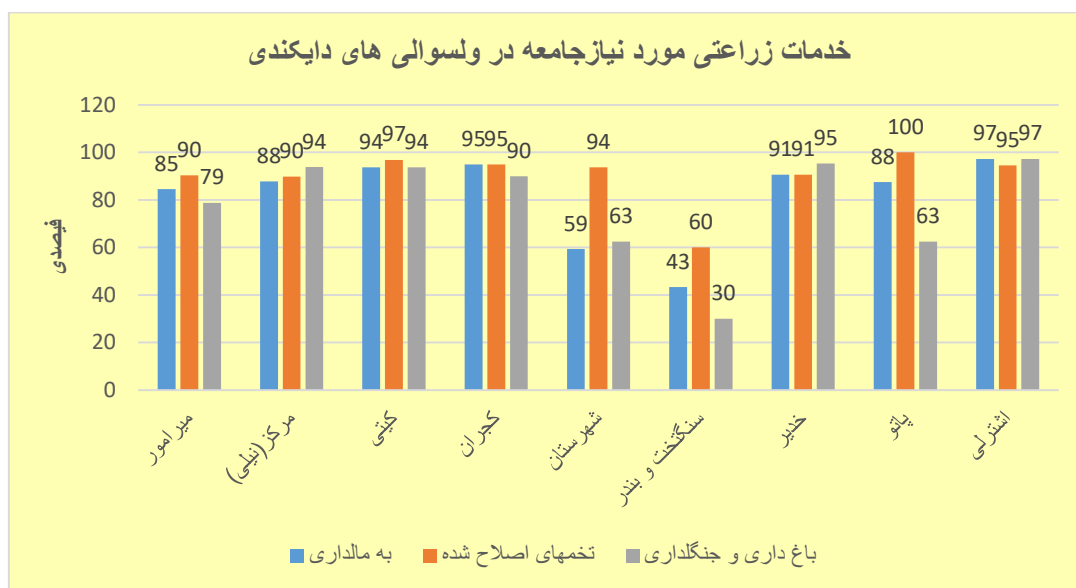
در گراف (203)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در تمام ولسوالی‌های ولایت دایکندی گسترده و چندبعدی است. بیشترین نیاز به مکتب در ولسوالی‌های نیلی (۶۹٪)، اشتزلی (۵۷٪) و شهرستان (۵۳٪) ثبت شده که بیانگر کمبود یا ظرفیت محدود مکاتب در این مناطق پرجمعیت‌تر است، در حالی که رقم پایین در خلیبر (۷٪) می‌تواند نشان‌دهنده دسترسی نسبی بهتر به مکاتب یا تمرکز نیازها بر کیفیت آموزش باشد. نیاز به آموزش‌های کوتاه‌مدت در همه ولسوالی‌ها بسیار بلند است و به‌ویژه در نیلی (۹۰٪)، خلیبر (۸۸٪)، پاتو (۸۴٪)، میرامور و کجران (هرکدام ۸۳٪) برجسته می‌باشد که نشان می‌دهد جامعه خواهان مهارت‌آموزی سریع، سوادآموزی و آموزش‌های کاربردی در کنار آموزش رسمی است. بخش «سایر خدمات تعلیمی» نشان می‌دهد که چالش اصلی در اکثر ولسوالی‌ها کمبود معلمان مسلکی، کتاب‌های درسی، قرطاسیه، میز و چوکی، کودکان و حتی زیرساخت‌های اساسی مانند آب صحی آشامیدنی و تجهیزات لابراتوار است. در مجموع، گراف بیانگر آن است که نیازهای تعلیمی دایکندی تنها به ساخت مکتب محدود نمی‌شود، بلکه ارتقای کیفیت آموزش از طریق تأمین نیروی انسانی متخصص، تجهیزات آموزشی، مواد درسی و گسترش آموزش‌های مهارتی از اولویت‌های اساسی جامعه به شمار می‌رود.



گراف 203: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی های دایکندی

3.40.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه دایکندی

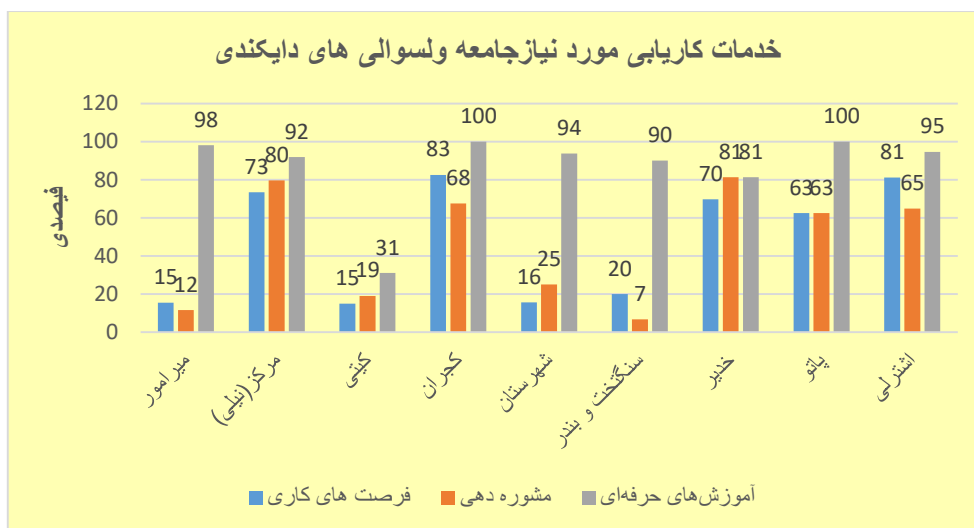
در گراف (204)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زراعتی در تمام ولسوالی‌های ولایت دایکندی بسیار بلند و تقریباً همگانی است. در بخش مالداری، تمامی ولسوالی‌ها ارقام بالایی را ثبت کرده‌اند و به‌ویژه اشتزلی (۹۷٪)، کجران (۹۵٪) و کیتی (۹۴٪) بیشترین نیاز را دارند که بیانگر وابستگی شدید معیشت مردم به دامداری است. نیاز به تخم‌های اصلاح‌شده در همه ولسوالی‌ها بسیار چشمگیر است و پاتو با رقم ۱۰۰ در صدر قرار دارد که اهمیت افزایش حاصل‌دهی زراعت و بهبود کیفیت کشت را نشان می‌دهد. در حوزه باغداری و جنگلداری نیز نیازها بالا است و اشتزلی (۹۷٪)، خدیر (۹۵٪) و نیلی (۹۴٪) بیشترین تقاضا را دارند، در حالی که رقم پایین‌تر در سنگتخت و بندر (۳۰٪) می‌تواند بیانگر محدودیت‌های طبیعی یا تمرکز کمتر بر این فعالیت‌ها باشد. بخش «سایر خدمات زراعتی» تصویر واضحی از نیازهای ساختاری ارائه می‌کند؛ کمبود کود کیمیاوی، دواهای ضد آفات، تخم‌های اصلاح‌شده، ماشین‌آلات، کلینیک‌های حیوانی و نباتی، سیستم‌های آبیاری، سردخانه، گلخانه و آموزش‌های تکنیکی در تقریباً همه ولسوالی‌ها دیده می‌شود. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که توسعه زراعت در دایکندی مستلزم یک رویکرد همه‌جانبه است که هم‌زمان مالداری، بهبود نهاده‌های زراعتی، مدیریت آب، زیرساخت‌های نگهداری محصولات و ارتقای آگاهی دهقانان را در بر گیرد.



گراف 204: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های دایکندی

4.40.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه دایکندی

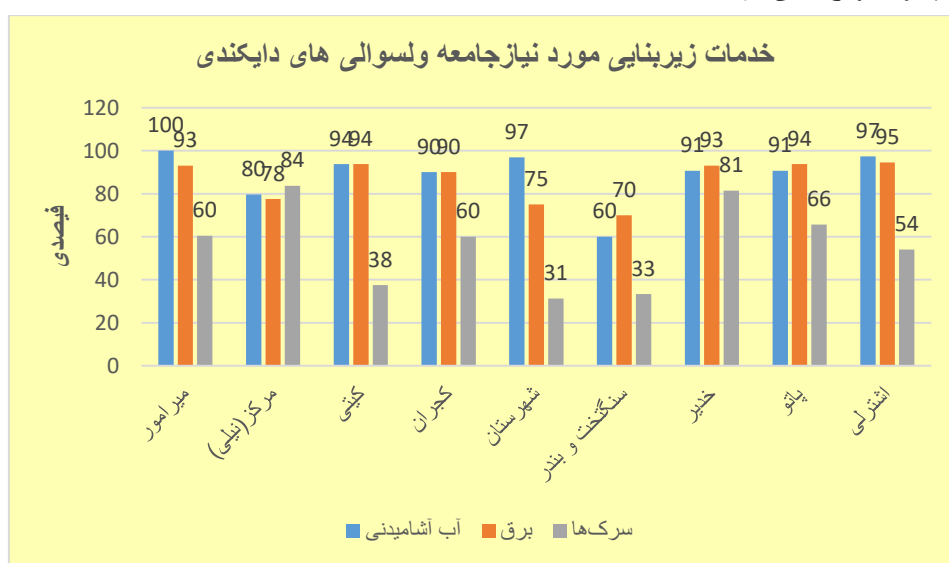
گراف (205)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت دایکندی بیشتر بر آموزش مهارت‌های حرفه‌ای متمرکز است تا صرفاً ایجاد فرصت‌های کاری مستقیم. در بخش فرصت‌های کاری، ولسوالی‌های کجران (۸۳٪)، اشتزلی (۸۱٪)، نیلی (۷۳٪) و خدیر (۷۰٪) بیشترین نیاز را دارند که بیانگر بیکاری بالا و محدودیت بازار کار در این مناطق است، در حالی که ارقام پایین در میرامور، کیتی و شهرستان نشان می‌دهد که یا فرصت‌های غیررسمی وجود دارد یا نیازها بیشتر به سمت توانمندسازی مهارتی سوق یافته است. نیاز به مشوره‌دهی شغلی در نیلی (۸۰٪)، خدیر (۸۱٪) و اشتزلی (۶۵٪) قابل توجه است که اهمیت راهنمایی جوانان و جویندگان کار برای انتخاب مسیر شغلی مناسب را برجسته می‌سازد. آموزش‌های حرفه‌ای در تقریباً همه ولسوالی‌ها بالاترین ارقام را دارد و به‌ویژه در کجران و پاتو (هرکدام ۱۰۰ فیصد)، میرامور (۹۸٪) و اشتزلی (۹۵٪) نشان می‌دهد که جامعه مهارت‌آموزی عملی را کلید اصلی اشتغال پایدار می‌داند. بخش «سایر خدمات کاربایی» نیز بیانگر تقاضای گسترده برای ایجاد کارگاه‌های خیاطی، ترمیم وسایط و وسایل برقی، صنایع کوچک، پرورس محصولات زراعتی و لبنی، مرغداری و اتصال به بازار است. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که کاهش بیکاری در دایکندی نیازمند سرمایه‌گذاری هم‌زمان بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ایجاد بازار برای محصولات محلی و حمایت از مشاغل کوچک و تولیدی می‌باشد.



گراف 205: خدمات کاریابی مورد نیاز جامعه ولسوالی های دایکندی

5.40.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه دایکندی

در گراف (206)، نشان می‌دهد که نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در تمام ولسوالی‌های ولایت دایکندی بسیار بلند و حیاتی است. آب آشامیدنی در همه ولسوالی‌ها بالاترین اولویت را دارد و به‌ویژه در میرامور (۱۰۰٪)، شهرستان و اشترلی (۹۷٪) و کیتی (۹۴٪) نیاز شدید به تأمین آب صحتی آشامیدنی دیده می‌شود که بیانگر کمبود منابع مطمئن آب است. نیاز به برق نیز در اکثر ولسوالی‌ها بالا است و اشترلی (۹۵٪)، پاتو (۹۴٪)، میرامور و خدیر (۹۳٪) بیشترین تقاضا را دارند که نشان‌دهنده وابستگی روزافزون مردم به انرژی برای زندگی و فعالیت‌های اقتصادی است. در بخش سرک‌ها، نیازها نسبتاً متفاوت است؛ نیلی (۸۴٪) و خدیر (۸۱٪) بیشترین نیاز را دارند، در حالی که ارقام پایین‌تر در کیتی، شهرستان و سنگخت و بندر بیانگر یا دسترسی نسبی بهتر یا تمرکز نیازها بر سایر زیرساخت‌ها می‌باشد. بخش «سایر خدمات زیربنایی» نشان می‌دهد که مشکلات اساسی فراتر از سه شاخص اصلی است و شامل کمبود کانال‌های آبیاری، چکدم‌ها، دیوارهای استنادی، پل و پلیچک، سیستم‌های ذخیره آب، مخابرات، اینترنت، سردخانه و برق سولری می‌شود. در مجموع، این شکل بیانگر آن است که توسعه پایدار در دایکندی بدون سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های آب، انرژی، راه‌ها و مدیریت منابع طبیعی امکان‌پذیر نیست و این خدمات زیربنایی نقش کلیدی در بهبود معیشت و کاهش آسیب‌پذیری جوامع محلی دارند.



گراف 206: خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه ولسوالی های دایکندی

6.40.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه دایکندی

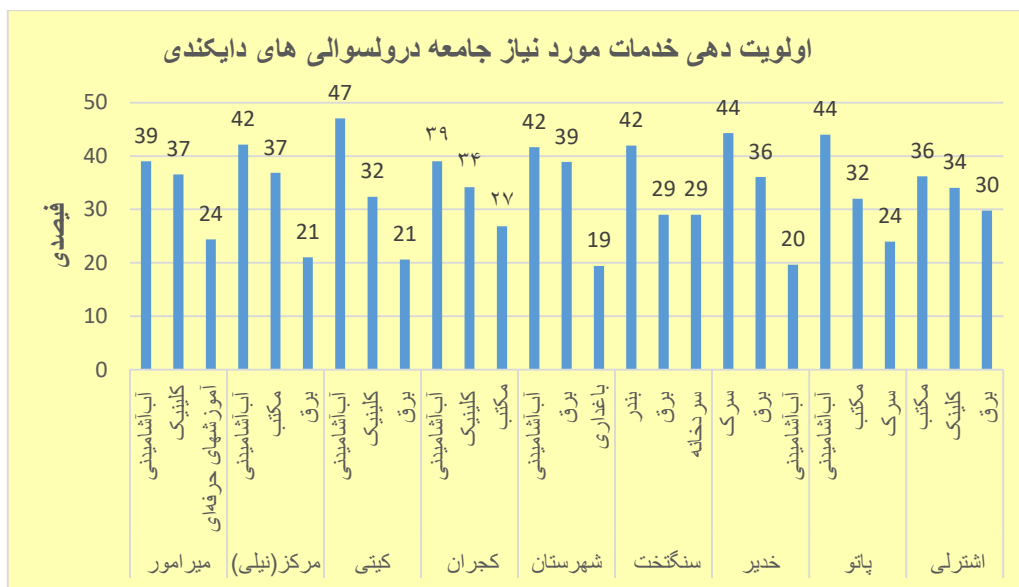
در گراف (207)، اولویت‌دهی خدمات در ولسوالی‌های ولایت دایکندی، یک تصویر روشن از وضعیت نیازهای اساسی و تفاوت‌های منطقه‌ای به دست می‌آید. واضح است که آب آشامیدنی تقریباً در همه ولسوالی‌ها، به‌ویژه کیتی (۴۷٪)، پاتو (۴۴٪)، شهرستان و نیلی (هرکدام ۴۲٪) اولویت اصلی مردم است. این موضوع نشان‌دهنده بحران جدی در دسترسی به منابع آب سالم است و تأمین آن نه تنها سلامت جامعه را تضمین می‌کند، بلکه از بروز بیماری‌های واگیردار و مشکلات تغذیه‌ای جلوگیری می‌نماید و موجب افزایش بهره‌وری در فعالیت‌های روزمره و اقتصادی می‌شود. در کنار آب، خدمات صحتی و کلینیک‌ها در میرامور، کیتی، کجران و اشتزلی با درصدهای بالا (۳۲ تا ۳۷٪) اولویت دوم به شمار می‌روند. ارتقای خدمات صحتی مزایای مستقیم زیادی دارد: کاهش مرگ و میر، پیشگیری از بیماری‌های واگیر، بهبود وضعیت مادر و کودک، و افزایش توان نیروی کار سالم در جامعه.

آموزش و مهارت‌آموزی نیز نقش کلیدی دارد؛ آموزش‌های حرفه‌ای در میرامور (۲۴٪) و مکتب در نیلی، کجران، پاتو و اشتزلی (۳۲ تا ۳۶٪) نشان‌دهنده نیاز شدید جامعه به توسعه ظرفیت‌های انسانی و مهارت‌های شغلی است. تقویت آموزش مزایای بلندمدتی دارد: کاهش بیکاری، افزایش اشتغال مولد، توانمندسازی زنان و جوانان، و رشد اقتصادی پایدار.

زیرساخت‌ها نیز بسته به ولسوالی اهمیت متفاوت دارند: برق در شهرستان، کیتی، پاتو، اشتزلی و خدیر (۳۶ تا ۳۹٪) اولویت دوم یا سوم است و بهبود آن موجب رشد فعالیت‌های اقتصادی، توسعه صنعت کوچک، تسهیل خدمات آموزشی و بهداشتی و دسترسی بهتر به اطلاعات می‌شود. سرک‌ها در خدیر (۴۴٪) و پاتو (۲۴٪) از اهمیت بالایی برخوردارند؛ ساخت و ترمیم راه‌ها ارتباط بین مراکز شهری و روستایی را بهبود می‌بخشد، حمل‌ونقل کالا و خدمات را تسهیل می‌کند و دسترسی به بازار و خدمات اجتماعی را افزایش می‌دهد.

در مناطق مانند سنگتخت و بندر، ترکیبی از برق و سردخانه (هرکدام ۲۹٪) به عنوان اولویت دیده می‌شود که بیانگر اهمیت ذخیره و نگهداری محصولات زراعتی و غذایی است؛ این امر به کاهش ضایعات، افزایش درآمد کشاورزان و تقویت امنیت غذایی کمک می‌کند.

در کل، شکل نشان می‌دهد که رسیدگی به این خدمات—آب، بهداشت، آموزش، برق، سرک‌ها و زیرساخت‌های مرتبط—یک رویکرد جامع توسعه را شکل می‌دهد که سلامت، معیشت، اشتغال و رشد اقتصادی را هم‌زمان تقویت می‌کند. اولویت‌بندی منطقی و تمرکز بر نیازهای هر ولسوالی می‌تواند اثرگذاری پروژه‌ها را به حداکثر رسانده و تغییرات ملموس و پایدار در زندگی مردم دایکندی ایجاد کند.



گراف 207: اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های دایکندی

41.4. خدمات مورد نیاز جامعه ولایت میدان وردک

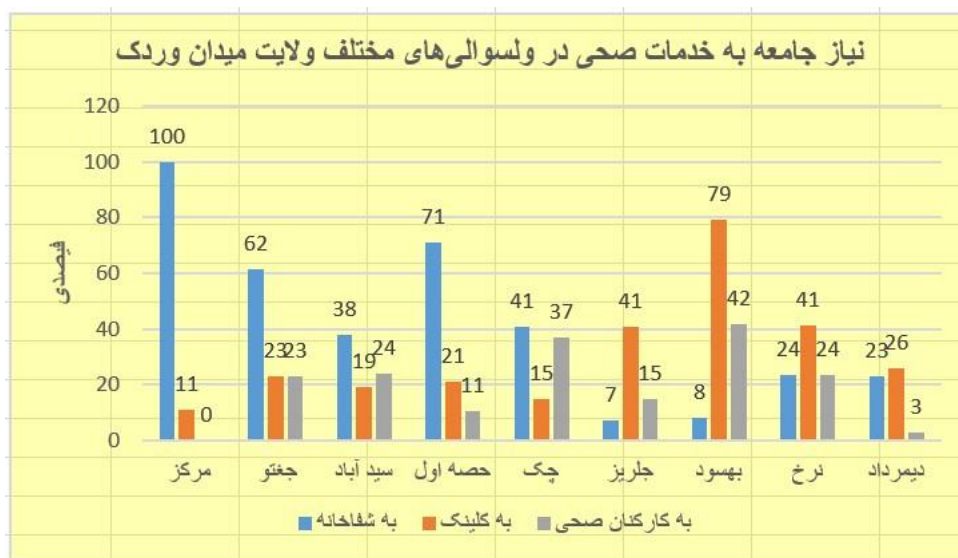
ولسوالی‌های مختلف ولایت میدان وردک با نیازهای گسترده و چندبعدی در بخش‌های صحتی، تعلیمی، زراعتی و زیربنایی روبه‌رو اند. تفاوت در شرایط جغرافیایی، تمرکز نفوس و سطح دسترسی به خدمات اساسی سبب گردیده است که میزان و نوع نیازها در هر ولسوالی یکسان نباشد؛ با این

وجود، یافته‌های مجموعی نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی منظم و هدفمند برای تقویت خدمات اساسی، یک نیاز فوری جهت رشد متوازن و توسعه پایدار در این ولایت محسوب می‌شود.

بر بنیاد آمار ارائه‌شده، شمار افراد نیازمند خدمات در ولایت میدان وردک قابل توجه است؛ به‌گونه‌ای که بیشترین جمعیت نیازمند در سیدآباد (۹۱۰'۴۴۰ نفر) و پس از آن در چک (۲۷۹'۷۸۰ نفر) و نرخ (۲۸۴'۱۹۰ نفر) ثبت گردیده است. همچنان در سایر ولسوالی‌ها نیز شمار زیادی از باشندگان با کمبود خدمات اساسی مواجه‌اند؛ از جمله بهسود (۸۸'۷۰۰ نفر)، جلریز (۶۷'۰۰۰ نفر)، دایمیرداد (۶۶'۵۶۳ نفر)، حصه اول (۴۶'۷۹۰ نفر)، جغتو (۳۱'۰۱۵ نفر) و مرکز میدان وردک (۲۲'۲۳۰ نفر). این ارقام نشان می‌دهد که بخش قابل ملاحظه‌ای از نفوس ولایت به خدمات اساسی نیازمند بوده و رسیدگی مؤثر و متوازن به این نیازها می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی مردم، کاهش فقر و تقویت ثبات اجتماعی در سطح ولایت ایفا نماید.

1.41.4. خدمات صحی مورد نیاز جامعه میدان وردک

در گراف (208)، نیاز جامعه به خدمات صحی در ولسوالی‌های مختلف ولایت میدان وردک، تمرکز بسیار بلند نیاز به شفاخانه در مرکز (۱۰۰ درصد) نشان می‌دهد که با فشار نفوس و مراجعه‌کنندگان در این ساحه بسیار زیاد است، یا خدمات موجود پاسخگوی حجم بیماران نیست؛ به‌ویژه وقتی این رقم با ولسوالی‌هایی چون جلریز (۷ درصد) و بهسود (۸ درصد) مقایسه می‌شود که احتمالاً یا جمعیت کمتر دارند یا مردم بیشتر به کلینیک‌ها متکی‌اند. در مقابل، نیاز به کلینیک در بهسود (۷۹ درصد) و سپس جلریز و نرخ (۴۱ درصد) به‌طور برجسته‌ای بالا است که بیانگر کمبود خدمات صحی اولیه و دسترسی محدود به مراقبت‌های ابتدایی می‌باشد؛ این می‌تواند سبب مراجعه مستقیم بیماران به شفاخانه‌های مرکزی و افزایش فشار بر آن‌ها گردد. از نظر نیاز به کارکنان صحی، چک (۳۷ درصد) و بهسود (۴۲ درصد) در صدر قرار دارند که نشان می‌دهد حتی در صورت موجودیت تعمیر یا مرکز صحی، کمبود نیروی متخصص یک مانع جدی در ارائه خدمات مؤثر است. همچنین بررسی بخش «سایر خدمات» نشان می‌دهد نیازها بیشتر ماهیت زیربنایی و تجهیزاتی دارد—مانند امبولانس، لابرآتوار، ماشین‌های اکسری، ادویه‌جات و اعمار یا ترمیم تعمیر کلینیک‌ها—که این امر حاکی از ضعف ساختاری در سیستم صحی ولسوالی‌ها است. در مجموع، الگوی نیازها نشان می‌دهد که مرکز بیشتر با مشکل ظرفیت شفاخانه مواجه است، در حالی که ولسوالی‌های دورتر بیشتر به خدمات اولیه، تجهیزات تشخیصی و نیروی انسانی نیاز دارند؛ بنابراین برنامه‌ریزی انکشافی باید متوازن بوده و بر تقویت مراقبت‌های اولیه در ولسوالی‌ها و کاهش فشار بر مرکز تمرکز کند.

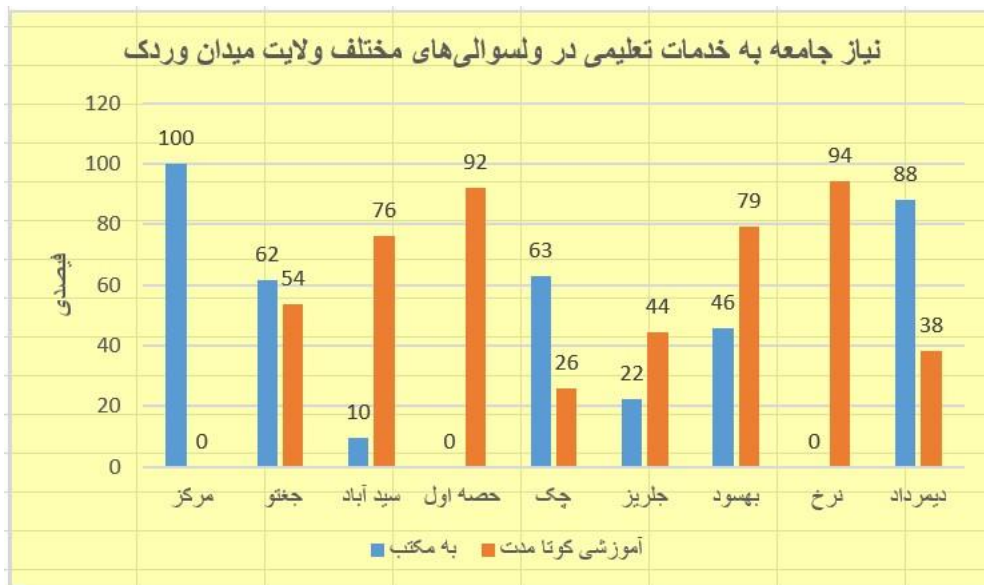


گراف 208: خدمات صحی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های میدان وردک

2.41.4. خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه میدان وردک

گراف (209)، نیاز جامعه به خدمات تعلیمی در ولسوالی‌های مختلف ولایت میدان وردک نشان می‌دهد که نوع و شدت نیازها میان ولسوالی‌ها تفاوت چشمگیر دارد. نیاز به مکتب در مرکز (۱۰۰ درصد)، دایمیرداد (۸۸ درصد)، چک (۶۳ درصد) و جغتو (۶۲ درصد) بسیار بلند است که بیانگر

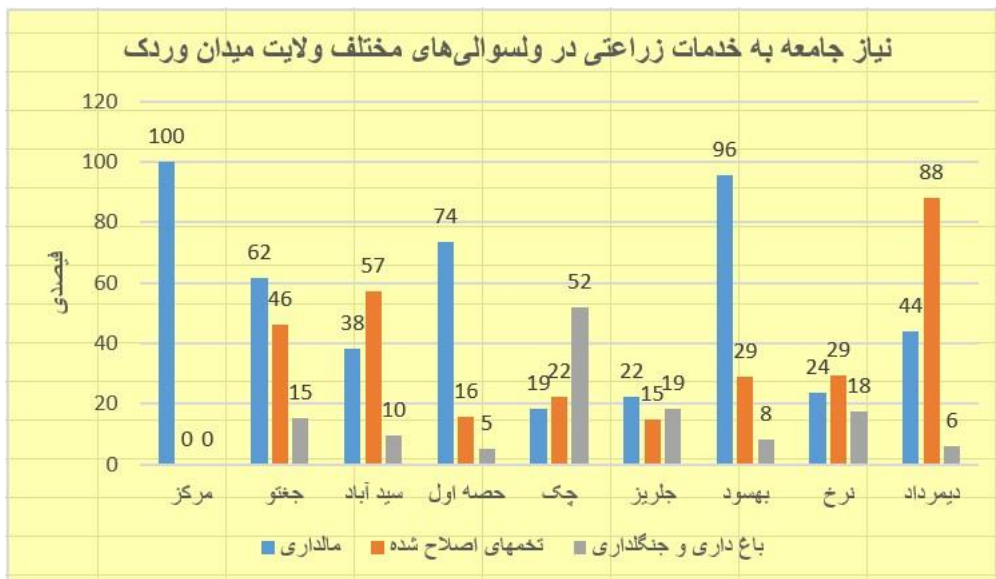
کمبود جدی یا ظرفیت ناکافی مکاتب رسمی در این مناطق می‌باشد، در حالی که در حصار اول و نرخ این نیاز صفر گزارش شده که می‌تواند ناشی از موجودیت نسبی مکاتب یا تمرکز بر سایر اشکال آموزش باشد. در مقابل، نیاز به آموزش‌های کوتاه‌مدت در اکثر ولسوالی‌ها بسیار بالا است؛ به‌ویژه در نرخ (۹۴ درصد)، حصار اول (۹۲ درصد)، بهسود (۷۹ درصد) و سیدآباد (۷۶ درصد) که نشان می‌دهد جامعه بیشتر به مهارت‌آموزی، کورس‌های فنی و آموزش‌های غیررسمی برای پاسخ به نیازهای فوری زندگی و بازار کار تمایل دارد. بخش سایر خدمات تعلیمی نیز حاکی از مشکلات ساختاری عمیق است؛ از جمله کمبود صنوف درسی، میز و چوکی، کتاب، قرطاسیه، معلمان مسلکی، کمپیوتر لب و لابراتوار که تقریباً در اکثر ولسوالی‌ها تکرار شده است. در مجموع، گراف نشان می‌دهد که نظام تعلیمی ولایت میدان وردک هم با کمبود زیرساخت‌های اساسی (مکتب و صنوف) و هم با ضعف کیفیت و امکانات آموزشی مواجه است و نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری همزمان در آموزش رسمی، آموزش‌های کوتاه‌مدت و تجهیز مکاتب وجود دارد.



گراف 209: خدمات تعلیمی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های میدان وردک

3.41.4. خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه میدان وردک

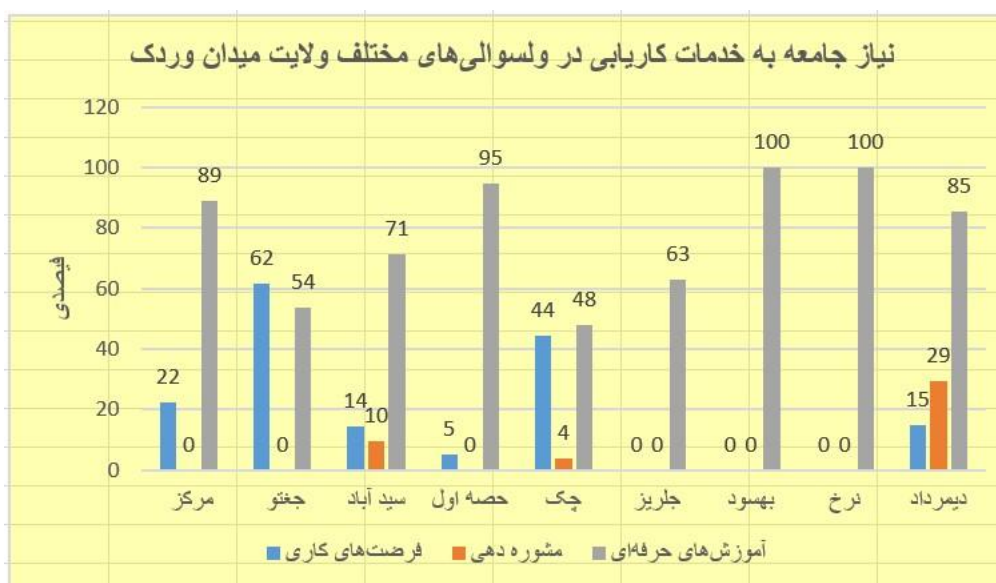
تحلیل گراف (210)، نیاز جامعه به خدمات زراعتی در ولسوالی‌های مختلف ولایت میدان وردک نشان می‌دهد که مالداران در بسیاری از ولسوالی‌ها یک اولویت اساسی است؛ به‌گونه‌ای که مرکز (۱۰۰ درصد) و بهسود (۹۶ درصد) بالاترین میزان نیاز را دارند و پس از آن حصار اول (۷۴ درصد) و جغتو (۶۲ درصد) قرار می‌گیرند، که این امر وابستگی شدید معیشت مردم به دامداری را نشان می‌دهد. در بخش تخم‌های اصلاح شده، بیشترین نیاز در دیمرداد (۸۸ درصد) و سپس سیدآباد (۵۷ درصد) و جغتو (۴۶ درصد) دیده می‌شود که بیانگر تمایل به افزایش حاصل‌دهی محصولات زراعتی از طریق بذره‌های معیاری است. در زمینه باغداری و جنگلداری، چک (۵۲ درصد) بیشترین نیاز را گزارش کرده که احتمالاً نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه این ولسوالی در توسعه باغ‌ها و منابع طبیعی است، در حالی که سایر ولسوالی‌ها در این بخش نیاز کمتری ابراز کرده‌اند. بخش «سایر خدمات زراعتی» نیز نشان‌دهنده کمبودهای تکنیکی و زیربنایی گسترده است؛ از جمله نیاز به فارم‌های مرغ، نهال‌های اصلاح شده، ماشین‌آلات زراعتی، زنبورداری، سردخانه، کلینیک‌های حیوانی و زراعتی، کود و ادویه‌جات زراعتی، چاه‌های عمیق و آموزش‌های مسلکی. در مجموع، الگوی نیازها حاکی از آن است که اقتصاد زراعتی ولایت میدان وردک بیشتر بر مالداران استوار است، اما برای پایداری و رشد، نیاز جدی به مدرن‌سازی، تقویت خدمات تکنیکی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمایتی مانند سردخانه‌ها و کلینیک‌های تخصصی وجود دارد.



گراف 210: خدمات زراعتی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های میدان وردک

4.41.4. خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه میدان وردک

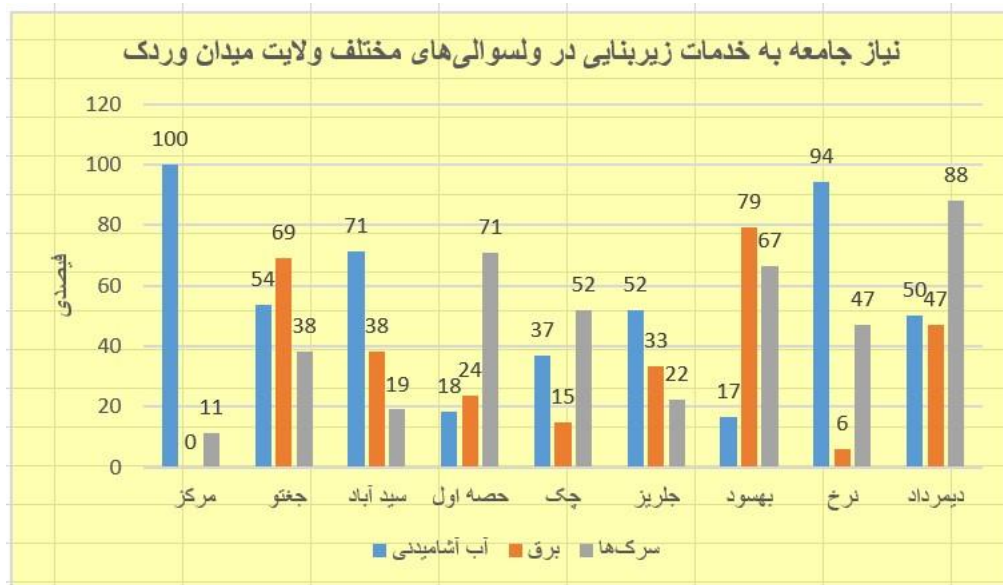
تحلیل گراف (211)، نیاز جامعه به خدمات کاربایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت میدان وردک نشان می‌دهد که برجسته‌ترین نیاز در سطح ولسوالی‌ها مربوط به آموزش‌های حرفه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که بهسود و نرخ (هر دو ۱۰۰ درصد)، حصه اول (۹۵ درصد)، مرکز (۸۹ درصد) و دیمرداد (۸۵ درصد) بالاترین میزان تقاضا را ثبت کرده‌اند، که بیانگر کمبود مهارت‌های فنی و ضرورت توانمندسازی نیروی کار برای ورود به بازار کار می‌باشد. در مقابل، نیاز به فرصت‌های کاری به‌صورت مستقیم بیشتر در جغتو (۶۲ درصد) و چک (۴۴ درصد) مطرح شده و در برخی ولسوالی‌ها مانند جلریز، بهسود و نرخ صفر گزارش گردیده که احتمالاً نشان‌دهنده تمرکز بیشتر مردم بر مهارت‌آموزی پیش از دسترسی به شغل است. مشوره‌دهی شغلی کمترین میزان نیاز را در اکثر ولسوالی‌ها دارد، اما در دیمرداد (۲۹ درصد) و سیدآباد (۱۰ درصد) نسبتاً برجسته‌تر است که می‌تواند بیانگر نیاز به راهنمایی در انتخاب شغل یا مسیر حرفه‌ای باشد. در بخش «سایر خدمات کاربایی» هیچ نیازی ثبت نشده که نشان می‌دهد اولویت اصلی جامعه بیشتر بر مهارت‌آموزی و سپس ایجاد فرصت‌های کاری متمرکز است. در مجموع، الگوی داده‌ها نشان می‌دهد که چالش اصلی در ولایت میدان وردک نه تنها کمبود شغل، بلکه ضعف مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است و سرمایه‌گذاری بر برنامه‌های آموزش حرفه‌ای می‌تواند زمینه اشتغال پایدار را فراهم سازد.



گراف 211: خدمات کاربایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های میدان وردک

5.41.4. خدمات زیربنایی مورد نیاز جامعه میدان وردک

بررسی گراف (212)، نیاز جامعه به خدمات زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت میدان وردک نشان می‌دهد که آب آشامیدنی یکی از اساسی‌ترین و فوری‌ترین نیازها در سطح ولایت است؛ به گونه‌ای که مرکز (۱۰۰ درصد) و نرخ (۹۴ درصد) بالاترین میزان تقاضا را دارند و سیدآباد (۷۱ درصد) و چغتو (۵۴ درصد) نیز در سطح بلند قرار دارند، که بیانگر چالش جدی دسترسی به آب صحتی می‌باشد. در بخش برق، بیشترین نیاز در بهسود (۷۹ درصد) و چغتو (۶۹ درصد) مشاهده می‌شود، در حالی که در مرکز نیاز صفر گزارش شده که احتمالاً نشان‌دهنده دسترسی نسبی بهتر به برق در مرکز نسبت به ولسوالی‌ها است. از نظر سرک‌ها، دیمرداد (۸۸ درصد)، حصه اول (۷۱ درصد) و بهسود (۶۷ درصد) بیشترین نیاز را دارند که این امر اهمیت راه‌های مواصلاتی در بهبود اقتصاد محلی و دسترسی به خدمات را برجسته می‌سازد. در بخش سایر خدمات زیربنایی نیز تمرکز بیشتر بر مدیریت منابع آب و جلوگیری از خسارات طبیعی است؛ از جمله پاک‌کاری کاریزها و کانال‌ها، اعمار بندهای آب‌گردان، پلچک‌ها و دیوارهای استنادی که عمدتاً در ولسوالی‌های زراعت‌محور مطرح شده است. در مجموع، الگوی داده‌ها نشان می‌دهد که چالش‌های زیربنایی در ولایت میدان وردک بیشتر حول محور تأمین آب آشامیدنی، بهبود شبکه‌های برق در مناطق دورتر و توسعه سرک‌ها و تأسیسات کنترل آب متمرکز است و سرمایه‌گذاری متوازن در این بخش‌ها می‌تواند زمینه رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی را فراهم سازد.



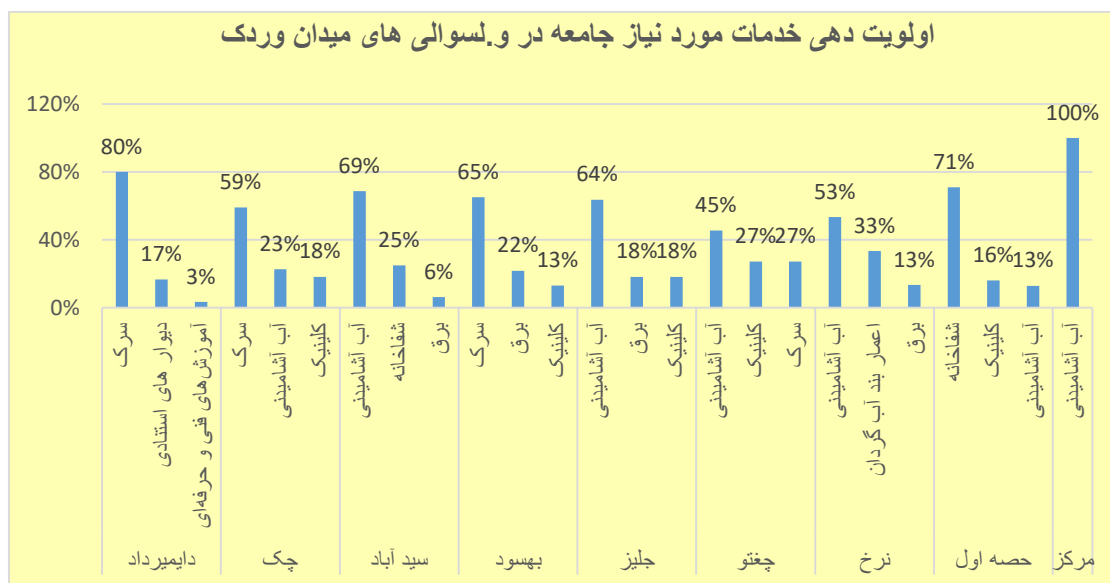
گراف 212: خدمات زیر بنایی مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های میدان وردک

6.41.4. اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه میدان وردک

تحلیل گراف (213)، اولویت‌دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های مختلف ولایت میدان وردک نشان می‌دهد که نوع و شدت نیازها بین ولسوالی‌ها متفاوت است و هر منطقه اولویت خاص خود را دارد. در مرکز ولایت، آب آشامیدنی با ۱۰۰٪ بالاترین اولویت را دارد و نشان‌دهنده اهمیت دسترسی مستقیم مردم به منابع آب سالم است. در حصه اول، نیاز به شفاخانه (۷۱٪) در صدر قرار دارد و پس از آن کلینیک و آب آشامیدنی قرار گرفته‌اند که بیانگر تمرکز مردم بر خدمات صحتی اساسی است. در نرخ، آب آشامیدنی (۵۳٪) و اعمار بند آب‌گردان (۳۳٪) بیشترین اهمیت را دارند و برق در رتبه سوم قرار دارد. ولسوالی‌های چک و بهسود بیشتر به سرک‌ها نیاز دارند (۵۹٪ و ۶۵٪)، که اهمیت راه‌های مواصلاتی برای دسترسی به خدمات و بازارها را نشان می‌دهد، در حالی که آب آشامیدنی و کلینیک نیز در این مناطق اولویت بالایی دارند. جلریز و چغتو تمرکز بیشتری بر آب آشامیدنی (۶۴٪ و ۴۵٪) دارند، و سایر خدمات مانند برق، کلینیک و سرک‌ها به ترتیب اهمیت بعدی را دارند. دایمرداد عمدتاً به سرک‌ها (۸۰٪) و دیوارهای استنادی (۱۷٪) نیاز دارد، در حالی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کمترین سهم (۳٪) را دارد. این الگوی داده‌ها نشان

می‌دهد که دسترسی به آب سالم، راه‌های مواصلاتی و خدمات صحتی از مهم‌ترین نیازهای ساکنان ولایت میدان وردک است و اولویت‌بندی برنامه‌های توسعه‌ای باید بر اساس این تفاوت‌های منطقه‌ای طراحی شود تا تأثیرگذاری بهینه حاصل گردد.

اگر به نیازهای خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی در ولسوالی‌های مختلف ولایت میدان وردک رسیدگی مؤثر و هدفمند صورت گیرد، پیامد آن بهبود قابل ملاحظه در کیفیت زندگی مردم خواهد بود؛ دسترسی بهتر به آب آشامیدنی و برق سبب ارتقای صحت عامه و رشد فعالیت‌های اقتصادی می‌شود، توسعه سرک‌ها بازارها را فعال‌تر می‌سازد، تقویت آموزش‌های حرفه‌ای بیکاری را کاهش می‌دهد، و سرمایه‌گذاری در زراعت و مالداري عواید خانواده‌ها را افزایش می‌دهد. در نتیجه، سطح فقر کاهش یافته و ثبات اجتماعی تقویت می‌گردد. اما اگر به این نیازها رسیدگی نشود، مشکلات موجود عمیق‌تر خواهد شد؛ کمبود آب و خدمات صحتی بیماری‌ها را افزایش می‌دهد، نبود فرصت‌های شغلی مهاجرت و بیکاری را تشدید می‌کند، ضعف زیرساخت‌ها مانع رشد اقتصادی می‌شود و نارضایتی اجتماعی افزایش می‌یابد. به‌طور کلی، رسیدگی به این خدمات می‌تواند مسیر توسعه و ثبات را هموار سازد، در حالی‌که بی‌توجهی به آن‌ها خطر تداوم فقر، عقب‌ماندگی و بی‌ثباتی را در پی خواهد داشت.



گراف 213: اولویت دهی خدمات مورد نیاز جامعه در ولسوالی‌های میدان وردک

5. نظریات و پیشنهادات مردم (وکالای گذر/نخبه گان....) به سطح افغانستان

نظریات و پیشنهادات مردم، وکلای گذر و نخبه گان در ولایات به وضوح یک پیام مشترک و ملی را منعکس می کند: بهبود خدمات و ارتقای کیفیت زندگی جامعه نیازمند همکاری گسترده، شفافیت و برنامه ریزی علمی است. مردم بر مشورت با بزرگان محل، سپردن کار به افراد مسلکی و بهره گیری از تخصص های فنی تأکید دارند و خواستار اجرای پروژه ها به گونه ای هستند که هم عدالت رعایت شود و هم بهره وری و پذیرش اجتماعی افزایش یابد. اولویت ها شامل ایجاد فرصت های شغلی از طریق فابریک ها، پروژه های آبادانی، گسترش زراعت و مالداري، احداث سردخانه ها و بازاریابی محصولات است تا اشتغال جوانان و امنیت اقتصادی خانوارها تأمین شود.

در حوزه زیربنا، مردم بر تأمین آب آشامیدنی و زراعتی، برق خورشیدی و آبی، ساخت بندهای آب و دیوارهای استنادی، سرک ها و زیرساخت های مخابراتی تأکید دارند، زیرا این خدمات پایه ای سلامت، رفاه و رشد اقتصادی را مستقیماً افزایش می دهد. در بخش خدمات اجتماعی، ارتقای صحت و تعلیم و تربیه با کلینیک ها، شفاخانه ها، مکاتب و مراکز فنی حرفه ای و استخدام استادان و کارکنان مسلکی ضروری دانسته شده است. پیشنهادات همچنین بر استفاده مؤثر از منابع داخلی، سرمایه گذاری خصوصی و همکاری با موسسات بین المللی برای تأمین مالی پروژه ها، توسعه صنایع تبدیلی و ارائه آموزش های حرفه ای تمرکز دارد. به صورت کلی، مردم معتقدند که ترکیب خودکفایی اقتصادی، بهره گیری علمی از منابع طبیعی و هماهنگی دولت با جامعه محلی می تواند منجر به کاهش بیکاری، تقویت امنیت غذایی، ارتقای رفاه اجتماعی و ایجاد صلح پایدار در سطح ملی شود.

در نتیجه، این نظریات یک چارچوب ملی برای توسعه پایدار و متوازن خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کاریابی و زیربنایی فراهم می کند و نشان می دهد که برنامه ریزی جامع و مشارکت واقعی مردم کلید موفقیت پروژه ها و پاسخگویی مؤثر به نیازهای جامعه است.

1.5. مرجع وزارت‌ها و نهادهای توسعه‌ای برای برنامه‌ریزی و تخصیص منابع

دسترسی عادلانه به خدمات عمومی اساسی از شاخص‌های بنیادی توسعه انسانی و عدالت اجتماعی در هر کشور محسوب می‌شود. این راپور با هدف تحلیل نیازهای خدماتی جامعه در سطوح ملی و ولایتی و شناسایی کمبودها و اولویت‌های اصلی تهیه گردیده است. داده‌های تحقیق از طریق جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های میدانی با نخبگان محلی و مسئولین ادارات ذی‌ربط به دست آمده و حوزه‌های خدماتی شامل صحت، تعلیم و تربیه، زراعت، کاربایی، زیربنا، امنیت غذایی، محیط زیست و خدمات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های این راپور، علاوه بر ارائه تصویری جامع از وضعیت موجود خدمات، زمینه را برای برنامه‌ریزی هدفمند، تخصیص بهینه منابع و اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مبتنی بر شواهد فراهم می‌سازد و می‌تواند به عنوان یک مرجع عملی برای وزارت‌ها و نهادهای توسعه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

این جدول با هدف ارائه یک نمای کلی و استاندارد از خدمات عمومی اساسی در سطح ملی تهیه شده است. جدول نشان‌دهنده نوع خدمات، وزارت یا اداره ذی‌ربط و حوزه کاری هر خدمت است و می‌تواند به عنوان ابزار تصمیم‌گیری، هماهنگی بین بخشی و برنامه‌ریزی منابع در سطح وزارت‌ها و نهادهای توسعه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

با استفاده از این مرجع، خواننده می‌تواند به سرعت تشخیص دهد که هر خدمت تحت پوشش کدام وزارت است و مسئولیت اجرای آن در سطح ملی چگونه تعریف شده است. همچنین گراف امکان ارجاع سریع در طول متن راپور، تحلیل ولایات و پیشنهادات توسعه‌ای را فراهم می‌سازد و از طولانی شدن متن اصلی جلوگیری می‌کند.

مرجع وزارت‌ها و نهادهای توسعه‌ای برای برنامه‌ریزی و تخصیص منابع		
خدمات	وزارت/اداره ذی‌ربط	حوزه کاری / شرح وظایف
صحت	وزارت صحت عامه	اعمار و تجهیز شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها، تأمین پرسنل مسلکی، تأمین تجهیزات و دواهای اساسی، توسعه خدمات تخصصی و سایر در مناطق دورافتاده
تعلیمی	وزارت معارف	اعمار مکاتب و مدارس، جذب و آموزش معلمین، تجهیز کلاس‌ها و لابراتوارها، برنامه‌های سوادآموزی و آموزش کوتاه‌مدت مهارتی
زراعت و مالداري	وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	ارائه خدمات زراعتی و مالداري، توزیع تخم اصلاح‌شده و کود، کلینیک‌های حیوانی، مدیریت منابع آب و سیستم‌های آبیاری
کاربایی و اشتغال	وزارت کار و امور اجتماعی / سکتور خصوصی	ایجاد فرصت‌های شغلی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مشاوره شغلی، حمایت از تشبثات کوچک و متوسط، توسعه اشتغال محلی
زیربنا	وزارت فواید عامه / وزارت انرژی و آب	اعمار و ترمیم سرک‌ها، پل‌ها و شبکه‌های حمل و نقل، تأمین برق پایدار، توسعه شبکه‌های آب آشامیدنی، پروژه‌های زیربنایی محلی
امنیت غذایی	وزارت زراعت / وزارت فواید عامه	پشتیبانی از تولید و توزیع مواد غذایی، مدیریت ذخایر استراتژیک، توسعه کشاورزی پایدار و پروژه‌های تأمین غذا
محیط زیست و منابع طبیعی	وزارت محیط زیست	مدیریت جنگل‌ها و مراتع، حفاظت از منابع طبیعی، پروژه‌های محیط زیستی، آگاهی‌دهی و آموزش جامعه محلی در زمینه محیط زیست
خدمات اجتماعی و رفاهی	وزارت کار و امور اجتماعی	حمایت از خانواده‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر، توانمندسازی جوانان، مراکز رفاهی محلی و برنامه‌های حمایتی جامعه محور

جدول 2: مرجع وزارت‌ها و نهادهای توسعه‌ای برای برنامه‌ریزی و تخصیص منابع

1. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحلیل یافته‌های این تحقیق، که بر اساس داده‌های میدانی گردآوری شده از سطح ۳۴ ولایت کشور انجام شده است، تصویری جامع و چندبُعدی از وضعیت دسترسی به خدمات عمومی اساسی ارائه می‌نماید. بررسی تطبیقی ولایات نشان می‌دهد که اگرچه نوع و شدت نیازها در مناطق مختلف متفاوت است، اما کمبود خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، فرصت‌های کاری و زیرساخت‌های اساسی به‌عنوان یک چالش فراگیر و ساختاری در سطح کشور مطرح می‌باشد.

1.1.5. نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های گردآوری شده از ۹۴۰۶ تن از نخبگان محلی در ۳۴ ولایت کشور نشان می‌دهد که جامعه افغانستان با کمبودهای گسترده، ساختاری و چندبُعدی در دسترسی به خدمات اساسی مواجه است. این کمبودها تمامی بخش‌های کلیدی شامل خدمات صحتی، تعلیمی، زراعتی، کارایی و زیربنایی را در بر گرفته و به‌گونه نابرابر در سطح ولایات و به‌ویژه ولسوالی‌های دورافتاده توزیع شده است. چنین وضعیتی بیانگر شکاف‌های عمیق منطقه‌ای و ضعف در توزیع عادلانه منابع و خدمات می‌باشد.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که محرومیت در بسیاری از مناطق، ماهیت به‌هم‌پیوسته دارد؛ به‌گونه‌ای که ضعف در زیربنایها، دسترسی به خدمات صحتی و تعلیمی را محدود ساخته و در ادامه، فرصت‌های اشتغال و تولید را نیز کاهش داده است. این چرخه معیوب، به تداوم فقر، کاهش ظرفیت سرمایه انسانی و افزایش آسیب‌پذیری‌های اجتماعی انجامیده است. در چنین شرایطی، عدم اقدامات هدفمند می‌تواند روند توسعه را با چالش‌های جدی‌تر مواجه سازد.

افزون بر یافته‌های تحقیق، گزارش‌های رسانه‌ای و مشاهدات اجتماعی نیز نشان می‌دهد، افزایش بیجاشدگان داخلی و گرایش روزافزون مهاجرین عودت‌کننده به سکونت در شهرهای بزرگ می‌باشد. تمرکز نسبی خدمات، فرصت‌های شغلی و امکانات زندگی در شهرها، به‌عنوان عامل جاذب عمل نموده و باعث تشدید مهاجرت‌های داخلی گردیده است. با این حال، این روند پیامدهای ناخواسته و فزاینده‌ای را نیز به همراه داشته است.

شهرهای بزرگ، با وجود برخورداری نسبی از خدمات، ظرفیت جذب این حجم از مهاجرت را ندارند. افزایش رقابت برای اشتغال، گسترش بیکاری، رشد فقر شهری، کمبود مسکن مناسب و فشار بیش از حد بر خدمات اساسی مانند آب، برق، صحت و تعلیم، از جمله چالش‌هایی است که کیفیت زندگی شهری را به‌طور قابل ملاحظه کاهش داده است. در نتیجه، مهاجرت بی‌رویه نه‌تنها منجر به بهبود پایدار و وضعیت معیشتی نمی‌شود، بلکه خود به یک چالش چندبُعدی جدید در سطح شهری تبدیل گردیده است.

بر این اساس، یافته‌های تحقیق به‌وضوح نشان می‌دهد که تداوم وضعیت موجود می‌تواند به تعمیق نابرابری‌های منطقه‌ای، افزایش فشار بر زیرساخت‌های شهری و گسترش فقر چندبُعدی منجر شود. در مقابل، رسیدگی هدفمند، متوازن و مبتنی بر شواهد به نیازهای اساسی در مناطق مختلف، به‌ویژه مناطق محروم، می‌تواند ضمن کاهش انگیزه‌های مهاجرت، زمینه توسعه متوازن، بهبود معیشت مردم و تقویت ثبات اجتماعی و اقتصادی را فراهم سازد.

در نهایت، این تحقیق بر ضرورت اتخاذ رویکردهای پالیسی‌محور، منطقه‌محور و یکپارچه در برنامه‌ریزی انکشافی تأکید می‌نماید؛ رویکردی که در آن تخصیص منابع بر اساس سطح محرومیت، تقویت همزمان بخش‌های کلیدی و مدیریت مؤثر روندهای مهاجرتی، در مرکز توجه قرار گیرد.

2.5. پیشنهادات برای بهبود وضعیت

با در نظر داشت تحلیل فوق، پیشنهادات ذیل در چارچوب ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی ارائه می‌گردد:

1. اتخاذ رویکرد منطقه‌محور در برنامه‌ریزی انکشافی

- تدوین و تطبیق برنامه‌های توسعه‌ای بر اساس سطح محرومیت و نیازهای مشخص هر ولایت و ولسوالی
- اولویت‌دهی به مناطق دورافتاده و دارای محرومیت چندبُعدی
- استفاده سیستماتیک از داده‌های این تحقیق در تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع

2. تقویت نظام خدمات صحت

- توسعه و اعمار مراکز صحت معیاری در مناطق فاقد خدمات
- افزایش ظرفیت نیروی بشری صحت از طریق آموزش، جذب و توزیع عادلانه
- تمرکز بر تقویت خدمات صحت اولیه و شبکه ارجاع مؤثر میان کلینیک‌ها و شفاخانه‌ها

3. اصلاح و توسعه سیستم تعلیمی

- گسترش زیرساخت‌های تعلیمی به‌ویژه در مناطق محروم
- ارتقای کیفیت آموزش از طریق ظرفیت‌سازی معلمان و اصلاح نصاب تعلیمی
- توسعه آموزش‌های تخنیکی و مسلکی متناسب با نیازهای بازار کار

4. حمایت هدفمند از بخش زراعت و معیشت روستایی

- فراهم‌سازی نهاده‌های زراعتی معیاری (تخم‌های اصلاح‌شده، کود، خدمات مالداری)
- توسعه سیستم‌های آبیاری و مدیریت منابع آب
- ترویج تکنالوژی‌های عصری و ایجاد زنجیره‌های ارزش برای محصولات زراعتی
- بهبود دسترسی دهقانان به بازارهای داخلی و منطقه‌ای

5. ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی پایدار

- طراحی و تطبیق برنامه‌های ملی اشتغال‌زایی، به‌ویژه در مناطق با نرخ بیکاری بالا
- توسعه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مبتنی بر تقاضای بازار
- حمایت از سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط و کارآفرینی محلی
- تقویت پیوند میان نظام آموزشی و بازار کار

6. توسعه متوازن زیربنایها

- سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های اساسی (آب آشامیدنی، برق، سرک‌ها)
- تمرکز ویژه بر مناطق روستایی و کمتر توسعه‌یافته
- بهبود کیفیت و پایداری خدمات زیربنایی برای حمایت از رشد اقتصادی محلی

7. مدیریت مؤثر مهاجرت و کاهش فشار بر شهرها

- ایجاد فرصت‌های اقتصادی و خدمات اساسی در مناطق مبدأ برای کاهش مهاجرت‌های اجباری
- تدوین پالیسی‌های مشخص برای مدیریت مهاجرت داخلی و اسکان مجدد
- بهبود برنامه‌ریزی شهری جهت پاسخ‌گویی به رشد نفوس
- توسعه خدمات شهری برای جلوگیری از کاهش کیفیت زندگی در شهرها

8. تقویت هماهنگی نهادی و مشارکت اجتماعی

- افزایش هماهنگی میان وزارت‌ها، ادارات محلی و نهادهای انکشافی
- استفاده از مشارکت فعال جامعه محلی و نخبگان در طراحی و تطبیق برنامه‌ها
- ایجاد میکانیزم‌های شفاف برای نظارت و ارزیابی پروژه‌ها

9. ایجاد سیستم پایدار مدیریت داده‌ها و ارزیابی

- ایجاد بانک معلوماتی جامع برای ثبت و تحلیل نیازهای خدماتی
- انجام سروی‌های منظم و به‌روزرسانی داده‌ها جهت تصمیم‌گیری مؤثر
- استفاده از سیستم‌های مبتنی بر شواهد برای ارزیابی تأثیر برنامه‌ها

این تحقیق نشان می‌دهد که بهبود وضعیت خدمات عمومی در افغانستان صرفاً یک اقدام اجرایی نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی برای ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی و شکستن چرخه فقر چندبُعدی محسوب می‌شود. بدون سرمایه‌گذاری هم‌زمان در سلامت، آموزش و معیشت، تحقق توسعه متوازن و پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود.

بنابراین، حرکت به‌سوی برنامه‌ریزی مبتنی بر داده، تمرکز بر مناطق دارای محرومیت چندبُعدی و اتخاذ رویکرد یکپارچه توسعه انسانی، می‌تواند زمینه‌ساز تحول ساختاری در کیفیت زندگی مردم و ارتقای جایگاه کشور در شاخص‌های توسعه انسانی گردد.

رفرینس‌ها

◆ منابع برای مرور پیشینه تحقیق:

1. United Nations Development Programme. (2020). *Participatory needs assessment toolkit*. UNDP. Retrieved from <https://www.undp.org>
2. World Bank. (2019). *Service delivery indicators in fragile states*. Washington, DC: World Bank Publications. Retrieved from <https://www.worldbank.org>
3. National Statistics and Information Authority. (2021). *Afghanistan Living Conditions Survey (ALCS) 2020–2021*. Kabul, Afghanistan: NSIA. Retrieved from <https://nsia.gov.af>
4. Ministry of Labor and Social Affairs. (2023). *Labor Market Needs Assessment Report*. Kabul, Afghanistan: MoLSA.
5. Organisation for Economic Co-operation and Development. (2018). *Service delivery in fragile contexts*. OECD Publishing. Retrieved from <https://www.oecd.org>

ضمایم



امارت اسلامی افغانستان
وزارت کار و امور اجتماعی

د افغانستان اسلامي امارت
د کار او ټولنيزو چارو وزارت



ریاست عمومی قوای بشری
ریاست مطالعه بازار کار
آمریت تثبیت نیازمندی های نیروی کار

پرسشنامه نیازسنجی از وکلای گذر و افراد نخبه جامعه پیرامون نیاز به خدمات .
هدف تحقیق: تشخیص و تثبیت خدمات مورد نیاز مردم در افغانستان.

بخش اول: مشخصات عمومی .

نام و تخلص

سن

نقش شما در جامعه [] وکیل گذر [] رئیس شورا [] استاد پوهنتون [] استاد مکتب [] شخص نخبه
گذر، ناحیه، ولسوالی و ولایت

بخش دوم: ضرورت به خدمات

1. به کدام نوع خدمات صحتی ضرورت دارید که در منطقه شما موجود نیست؟

o به شفاخانه:

o به کلینیک:

o به کارکنان صحتی:

o به سایر

خدمات.....

2. به کدام نوع خدمات تعلیمی ضرورت دارید که در منطقه شما موجود نیست؟

o به مکاتب

o به دوره های آموزشی کوتاه مدت

o سایر

خدمات.....

3. به کدام نوع خدمات زراعتی ضرورت دارید که در منطقه شما موجود نیست؟

o به خدمات مالداري .

o به تخم های اصلاح شده.

o به خدمات باغ داری و جنگلداری.

o سایر

خدمات.....

4. به کدام نوع خدمات کاریابی ضرورت دارید که در منطقه شما موجود نیست؟

o به خدمات کاریابی.

o مشوره دهی در مورد کاریابی.

o آموزشهای فنی و حرفوی.

○ سایر

.....خدمات
.

5. به کدام نوع خدمات زیر بنایی ضرورت دارید که در منطقه شما موجود نیست؟

○ آب آشامیدنی

○ برق

○ سرکها

○ سایر

.....خدمات
.

6. به جز از خدمات فوق الذکر به کدام خدمات دیگر ضرورت دارید که در منطقه شما موجود نیست؟

.....

7. در خدمات مورد نیاز فوق الذکر به کدام یک الویت می‌دهید؟

.....

8. چی تعداد افراد در منطقه شما به هر یک خدمت را که تذکر دادید نیاز فوری دارند؟ لطفاً رقم را بنویسید

بخش سوم: پیشنهادات و نظریات

9. به نظر شما، چه اقدامات یا تغییرات می‌تواند به بهبود این خدمات کمک کند، برای هر کدام از خدمات پیشنهاد را بنویسید؟

.....
.....
.....
.....
.....
.....

تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید.

اسم مصاحبه کننده: _____ وظیفه _____ شماره تماس _____

تاریخ مصاحبه _____ / _____ / _____

مشاهدات:

مصاحبه کننده محترم!

